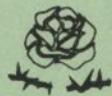


اسناد و اعلامیه‌های حزب توده ایران

(از شهریور ۱۳۵۷ تا پایان اسفند ۱۳۵۸)



اسناد و اعلامیه‌های حزب توده ایران

بخش اول

(از شهر یور ۱۳۵۷)

تا پایان اسفند (۱۳۵۸)



انتشارات حزب توده ایران

تهران، ۱۳۵۹



انتشارات حزب توده ایران، ۱۶ آذر، شماره ۶۸

استناد و اعلامیه های حزب توده ایران
(از شهر یور ۱۳۵۷ تا پایان اسفند ۱۳۵۸)

چاپ اول، ۱۳۵۹

حق چاپ و نشر برای شرکت سهامی خاص انتشارات توده محفوظ است

بها ۳۵۰ ریال

اسناد حزبی، بیان کننده سیاست رسمی حزب اند. براساس این استاد است که می توان و باید درباره سیاست حزب قضاوت کرد. مابخشی از این استاد را که مربوط به یک فاصله زمانی کوتاه، ولی تاریخی، یعنی از آستان انقلاب و سپس از اسفندماه ۱۳۵۷ (تاریخ تشکیل شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران) تا پایان اسفندماه ۱۳۵۸ است، یکجا منتشر می سازیم.

به نظر ما، مجموعه این استاد نشانگر آن است که اولاً حزب توده ایران تحلیلی علمی و درست از ماهیت و خصلت انقلاب ایران و سیر تکاملی آن انجام داده، ثانیاً مشی سیاسی درستی، منطبق با این تحلیل در پیش گرفته، ثالثاً و سرانجام براساس آن تحلیل و این مشی، هدایع اصولی و پیگیر انقلاب بزرگ مردم ایران، به رهبری امام خمینی، بوده و هست و در راه تثبیت، تحکیم و گسترش این انقلاب، در راه تشکیل جبهه متحد خلق برای تأمین پیروزی قطعی و نهایی این انقلاب مبارزه کرده و می کنند.

باشد که اعضاء و هواداران و دوستان حزب این استاد را رهنمود کار و مبارزه خود قرار دهند. باشد که همه نیروهای انقلابی، همه مردم میهن دوست و آزادیخواه ایران از روی این استاد درباره حزب توده ایران قضاوت منصفانه و عادلانه کنند و به حقانیت راه آن و به درسته سیاست آن بیش از پیش پی ببرند.

فهرست

- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
دوشنبه سیزدهم شهریور ماه ۱۳۵۷ ۲۱
- اطلاعیه هیأت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران
مهرماه ۱۳۵۷ ۲۴
- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
با تشدید مبارزه رهایی بخش ملی،
با ایجاد جبهه متحده آزادی ملی ایران،
با تدارک همه جانبه مبارزه مسلحانه،
حملات امپریالیسم و رژیم ضد ملی و
ضد دموکراتیک شاه را درهم شکنیم!
شبیه بیست و سوم ماه ۱۳۵۷ ۳۰
- اظهاریه هیأت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران
اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک را
مانند مردمک چشم نگاه داریم!
۱۳۵۷ ماه ۳ بهمن ۳۵
- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
حزب توده ایران فعالیت علنی خود را از سر می گیرد

- اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران
۴۱ استندماه ۱۳۵۷
- گزارش هیأت اجرایی
به شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران
پیشنهاد پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران
همه باهم در جبهه متحده خلق ،
برای بارور کردن انقلاب ملی و دموکراتیک
۶۸ به سود زحمتکشان و فرشهای میانه حال جامعه
پیام پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران
نه مردم مبارز و قهرمان ایران
۷۸ استندماه ۱۳۵۷
- حزب توده ایران
به جمهوری اسلامی رأی مثبت می دهد
۸۱ ۱۲ استندماه ۱۳۵۷
- ازدادگاههای انقلابی حمایت کنیم
۸۲ ۲۸ استندماه ۱۳۵۷
- پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران
به رفقاء گروه منشعب از سازمان چریک های فدایی خلق
«وابسته به حزب توده ایران»
۸۳ ۲۸ استند ماه ۱۳۵۷
- اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره نوید
۸۴ ۲۸ استند ماه ۱۳۵۷
- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
پیروزی بزرگ مردم ایران
۸۵ ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
مشکل بیکاری را با همکاری همه زحمتکشان
می توان و باید حل کرد

۸۷ فروردین ماه ۱۳۵۸ ۲۳

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
حزب توده ایران قانونی است

۸۹ فروردین ماه ۱۳۵۸ ۲۹

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت اول ماه مه، روز همبستگی بین السلی کارگران

کارگران و زحمتکشان ایران!

برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه
متحداً مبارزه کنید!

۹۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ ۵

جشن اول ماه مه،
روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان را
هر چه با شکوه تر برگزار کنیم!

۹۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ ۹

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
تحلیلی از وضع کنونی انقلاب و ضد انقلاب در جامعه ما

۹۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ ۱۰

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
ما ترور آیت الله مرتضی مطهری،
عضو شورای انقلاب را به شدت محکوم می کنیم

۱۰۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ ۱۲

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
عاملان واقعی ترور را در نیروهای ضد انقلابی

جستجو و افشا کنید!

۱۰۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ ۱۵

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۰۵ ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
مردم در انتظار واکنش عملی سخت دولت وقت نسبت
به مداخله اهانت آمیز دولت آمریکا در امور داخلی ایران
هستند

مردم خواهان بسیج نیروها در جبهه متحد خلق
برای مقابله با امپریالیسم آمریکا هستند

۱۰۶ ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه
ما توطئه علیه جان حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی را
محکوم می کیم!

۱۰۹ ۵ خرداد ماه ۱۳۵۸

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
به دولت وقت جمهوری اسلامی ایران،
به دادگاه انقلاب درباره رفقای شهید گمشده،
سرگرد حسن رزمی و مهندس محمدحسین معصوم زاده

۱۱۰ ۷ خرداد ماه ۱۳۵۸

دعوت عام حزب توده ایران
از همه رفقای حزبی، همه هوادارن حزب
و همه افراد مترقی و ضد امپریالیست
برای شرکت در راهپیمایی
به مناسبت سالگرد «پانزدهم خرداد» ۱۳۴۲

۱۱۲ ۱۳۵۸ خرداد ماه

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
به همه نیروهای علاقمند به پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی،
دموکراتیک و خلقی ایران
درباره ضرورت درنگ ناپذیر اتحاد
برای مقابله با تحریکات ضد انقلاب

و پیدا کردن راه حل انقلابی مشکلات کنونی

۱۱۴ تهران—خرداد ماه ۱۳۵۸

سالروز شهادت پرویز حکمت جو،
عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را
با شکوه هر چه تمام تبرگزار کنیم!

۱۳۵ ۲۲ خرداد ماه ۱۳۵۸

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
درباره پیش نویس قانون اساسی

۱۳۶ ۲ تیر ماه ۱۳۵۸

اصلاحات مورد پیشنهاد حزب توده ایران
درباره پیش نویس قانون اساسی

۱۳۸ ۱۳۵۸

در جستجوی رفقای شهید
در نبرد مسلحانه بهمن ۵۷

۱۴۲ ۱۳ تیر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
نظر حزب توده ایران درباره

۱۴۳ ۱۶ تیر ماه ۱۳۵۸
انتخابات مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت سالگرد سی ام تیر ۱۳۳۱

۱۴۵ ۲۴ تیر ماه ۱۳۵۸
روزی که اتحاد نیروهای خلق،
توطئه ننگین امپریالیسم و دربارا خرد کرد

۱۴۶ ۲۴ تیر ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
درباره تظاهرات و راهپیمایی سه شبیه

۱۴۸ ۲۴ تیر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران در گارزار انتخاباتی
برای تشکیل مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی،
در این اقدام مهم برای دمکراسی و استقلال ایران،
شرکت می کند

تهران—اول مرداد ماه ۱۳۵۸ ۱۴۹

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
به نخست وزیر، دادستان دادگاه های انقلاب،
رئیس کمیته مرکزی امام
اوی مرداد ماه ۱۳۵۸ ۱۵۲

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
به همه مردم ایران، به همه سازمان ها و گروه های
هوادار انقلاب، به شورای انقلاب و دولت موقت،
به رهبر انقلاب امام خمینی
خطر بسیار جدی، دستاوردهای انقلاب را تهدید می کند

تهران—دوم مرداد ماه ۱۳۵۸ ۱۵۴

پیام تسلیت حزب توده ایران
به سازمان آزادی خش فلسطین
به مناسبت شهادت زهیر محسن
مرداد ماه ۱۳۵۸ ۷

همستگی با خلق قهرمان فلسطین
وظیفه همه نیروهای انقلابی است
مرداد ماه ۱۳۵۸ ۱۹

حزب توده ایران فعالیت سازمانی خود را
در کردستان ایران آغاز می کند
مرداد ماه ۱۳۵۸ ۲۰

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
درباره انتخابات مجلس خبرگان
مرداد ماه ۱۳۵۸ ۲۱

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
تحریکات و نوطله های ضد انقلاب را
باید بیدرنگ و قاطعانه افشا کرد
نیروی متعدد خلق تنها وسیله سرکوب ضد انقلاب است

۱۷۷ ۲۳ مرداد ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسب سالگرد جنایت سینما رکس آبادان

از تکرار جنایات امپریالیسم و عمال آن فقط با
مبارزة متعدد خلق می توان جلوگیری کرد

۱۸۰ ۲۶ مرداد ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
مسئله کردستان باید در چارچوب دفاع از انقلاب
ایران و تضمین حقوق ملی خلق کرد حل شود

۱۸۲ ۲۷ مرداد ماه ۱۳۵۸

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
به شورای انقلاب اسلامی ایران،
به دولت موقت جمهوری اسلامی،
به کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ایران

۱۸۴ ۳۰ مرداد ماه ۱۳۵۸

بيانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسب حوادث اخیر کشور

۱۸۷ ۶ شهریور ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسب سالگرد ۱۷ شهریور - جمعه خونین

۱۹۲ ۱۵ شهریور ماه ۱۳۵۸

به مناسب درگذشت نابهنگام
آیت الله العظمی سید محمد طالقانی

۱۹۵ ۲۰ شهریور ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

۲۰۰ اول مهر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
درباره مسئله کردستان

۲۰۳ ۲ مهر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
درباره انتخابات شوراهاي شهر

۲۰۹ ۷ مهر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت سی و هشتاد و سالگرد تأسیس حزب توده ایران

سی و هشت سال نبرد پیگیر در راه به دست آوردن
استقلال ملی، آزادی و تأمین خواستهای زحمتکشان!

۲۱۲ ۹ مهر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

درباره شوراهاي شهر، حقوق و وظایف آنها

۲۱۷ ۱۲ مهر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

جنایت های ضد انقلاب را در خوزستان محکوم کنیم

۲۲۰ ۱۵ مهر ماه ۱۳۵۸

ما باز هم هشدار می دهیم

۲۲۳ ۲۵ مهر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

آتش س. در کردستان شرط حتمی و ضرور برای

موقوفیت در مذاکرات است

۲۲۶ اول آبان ماه ۱۳۵۸

حزب توده ایران بار دیگر همبستگی خود را
با امام خمینی رهبر انقلاب ایران اعلام می دارد
۱۳۵۸ آبان ماه ۲

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
به شورای انقلاب
۱۳۵۸ آبان ماه ۷

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
حزب توده ایران در نظاهرات مردم ایران
در روز عید قربان علیه امپریالیسم آمریکا و انگلستان
شرکت می کند
۱۳۵۸ آبان ماه ۹

تلگرام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران
به امام خمینی رهبر انقلاب ایران به مناسبت عید قربان
۱۳۵۸ آبان ماه ۹

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
حزب توده ایران اشغال سفارت آمریکا، مرکز توپه
علیه انقلاب ایران را تأیید و مذاکرات هیأت
نمایندگی دولت موقت با برژیتسکی، یکی از
توپه‌گران اصلی بر ضد انقلاب ایران را محکوم می کند
۱۳۵۸ آبان ماه ۱۳

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران
به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
۱۳۵۸ آبان ماه ۱۵

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
شورای انقلاب در برابر وظایف بزرگ
۱۳۵۸ آبان ماه ۱۵

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

ما پشتیبانی کامل خود را از روزه سیاسی
ضد امپریالیستی اعلام می کنیم

۲۶۳ ۲۰ آبان ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به زلزله زدگان خراسان کمک کنید!

۲۶۴ ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸

حزب توده ایران آمادگی خود را برای کمک پزشکی
به زلزله زدگان خراسان اعلام داشت

۲۶۷ ۲۴ آبان ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
نخستین گام بزرگ در راه پایان دادن به محرومیت های
خلق کرد،
با تأیید امام خمینی، رهبر انقلاب ایران برداشته شد

۲۶۸ ۲۷ آبان ماه ۱۳۵۸

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران
به امام خمینی به مناسب آغاز پانزدهمین سده هجری

۲۶۹ ۲۹ آبان ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
پیروزی قطعی و نهایی انقلاب منوط به حمایت و
نیروی کار و کوشش زحمتکشان است

۲۷۰ ۳ آبان ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
برای مقابله با خطر تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا از
هر باره آماده شویم

۲۷۱ ۱۳ آذر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
درباره مسأله کردستان

- ۲۵۹ اول آذر ماه ۱۳۵۸ سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
درباره قانون اساسی و تدوین متم آن
- ۲۶۱ ۳ آذر ماه ۱۳۵۸ اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
حزب توده ایران سیر تحول مذاکرات مر بوط
به آتش بس کردستان را با خوش بینی تلقی می کند
- ۲۶۵ ۴ آذر ماه ۱۳۵۸ اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
 تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود
- ۲۶۷ ۵ آذر ماه ۱۳۵۸ اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
درباره همه پرسی پیرامون قانون اساسی
حزب توده ایران به قانون اساسی رأی مثبت می دهد
- ۲۶۹ ۱۶ آذر ماه ۱۳۵۸ پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت روز همبستگی جهانی با خلق قهرمان فلسطین
- ۲۷۳ ۷ آذر ماه ۱۳۵۸ ما در همه پرسی قانون اساسی می گوییم: آری!
۲۷۴ ۱۰ آذر ماه ۱۳۵۸ اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
برای مقابله با توطئه ضد انقلاب در آذربایجان متحد شویم
- ۲۷۵ ۱۶ آذر ماه ۱۳۵۸ اظهار یه کمیته مرکزی حزب توده ایران
«گروه آزادی و برابری» به حزب توده ایران پیوست
- ۲۷۹ ۲۵ آذر ماه ۱۳۵۸

بیانیه انتخاباتی کمیته مرکزی حزب توده ایران
همه باهم در جبهه متحده خلق، برای نوسازی
اجتماعی- اقتصادی به سود زحمتکشان و قشرهای
ممانع حال

۲۸۱ دی ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
درباره پیام امام خمینی برای جهاد با بیسادی

۲۹۱ دی ماه ۱۳۵۸

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
به شورای انقلاب اسلامی ایران

۲۹۳ دی ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
علیه تجاوز به دفتر «مردم» شدیداً اعتراض می‌کیم

۲۹۷ دی ماه ۱۳۵۸

از امام خمینی، رهبر انقلاب، و از خط امام با تمام نیرو
حملت کنیم!

۲۹۹ دی ماه ۱۳۵۸

اظهار یذ کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت پیوستن گروهی از هوادارن سابق
سازمان چریک‌های فدایی خلق در بابل
به حزب توده ایران

۳۰۱ دی ماه ۱۳۵۸

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

۳۰۳ دی ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
درباره انتخابات ریاست جمهوری

۳۰۷ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۳۰۹ ۲ بهمن ماه ۱۳۵۸

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به امام خمینی ۳۱۳

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای
اسلامی در پاکستان

۳۱۴ ۸ بهمن ماه ۱۳۵۸

بيانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت رویداد

گرینش نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران

۳۱۸ ۱۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران

به همه نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی برای شکست
نیروهای بسیج شده ضد انقلابی و بورژوا لیبرال

۳۲۳ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۳۲۶ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۸

در راه پیمایی دعوت شده از جانب دانشجویان

مسلمان پیرو خط امام شرکت می کنیم

۳۲۸ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

فرخنده باد نخستین سالگرد انقلاب بزرگ

ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی مردم ایران

به رهبری امام خمینی

۳۴۹ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

به محضر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی
رهبر عالیقدر انقلاب ایران

۳۴۳ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
حزب توده ایران نامزدهای خود را برای نخستین دوره
مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران معرفی می کند

۳۴۵ ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۸

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران
به جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

۳۴۹ ۱۲ استندماه ۱۳۵۸

در کشور ما وضع انقلابی حکمرانی است. مردم نمی خواهند به شیوه گذشته زندگی کنند و حاضر نیستند یوغ استبداد شاه را تحمل نمایند. رژیم نمی تواند به شیوه گذشته حکومت کند. فعالیت و جنب و جوش و فداکاری انقلابی مردم بعد شگرفی بالا رفته و گسترش و عمق یافته است. مردم قهرمان کشور ما یکبار دیگر عظمت روحی خود را نشان میدهند و ضربات جانانه ای بر استبداد مغور و منفرعن سلطنتی محمدرضاشاه وارد می آورند.

رویدادهای کشور ما مؤید پیش بینی های حزب توده ایران و شعار سیاسی اساسی این حزب است که وظيفة مبارزه در راه سرنگون کردن رژیم استبدادی و ضد ملی محمد رضا شاه را طی سال های اخیر در دستور روز گذاشت. سال هاست حزب ما کلیه نیروهای مخالف رژیم را دعوت می کند که با ایجاد یک جبهه ضد دیکتاتوری فعالیت خود را در راه سرنگونی رژیم هماهنگ سازند. در شرایط کنونی اوج جنبش انقلابی، در شرایطی که در کنار وظایف مر بوط به برآنداختن رژیم استبدادی، وظایف مر بوط به خارج کردن کشور از بحران سیاسی و اقتصادی و اجتماعی امروز نیز با تمام شدت و حدة مطرح میگردد، مسئله جبهه ضد دیکتاتوری اهمیت بیش از پیش می یابد. بنظر ما هدف اساسی جبهه ضد دیکتاتوری عبارتست از سرنگون ساختن رژیم استبدادی محمد رضا شاه، برچیدن بساط سلطنت و روی کار آوردن یک دولت ائتلاف ملی از نمایندگان نیروهای ضد استبداد که در راه تأمین استقلال ملی، آزادی های دمکراتیک و سالم سازی اقتصاد بهبود زندگی مردم گام بر میدارند. بنظر حزب توده ایران شکل چنین حکومتی جمهوری است.

حزب توده ایران که به ضرورت تحول بنیادی جامعه ایران معتقد است برنامه خویش را برای تأمین یک چنین تحول ملی و دمکراتیک ساله است تنظیم و اعلام کرده است.

بنظر حزب در شرایط کنونی برای خاتمه دادن به بحران سیاسی و اقتصادی و اجتماعی موجود لازم است یک دولت ائتلاف ملی سرکار باید، که وظایف مشخص زیرین را انجام دهد:

۱) در زمینه تأمین آزادیهای دمکراتیک: آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عفو عمومی محکومین سیاسی و تأمین بازگشت آزاد همه تبعیدشده‌گان درون کشور و تبعیدیان و پناهندگان سیاسی خارج کشور:

انحلال سازمان جنایتکار ساواک و سازمان‌های مشابه آن، بازداشت و محاکمه و مجازات قانونی جنایتکاران و خیانتکاران و گردانندگان درجه اول رژیم استبدادی و مسئولین بدینختی عمومی؛

لغو کلیه قوانینی که طی دوران استبداد سلسله پهلوی حقوق و آزادی‌های مندرجه در قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر را بخوبی از انحصار نقض یا محدود ساخته است؛ تأمین آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، سندیکاهای؛

انحلال مجلسین شورا و سنا و شوراهای ساواک زده استان‌ها و شهرستان‌ها و شهرها و روستاهای تدارک تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی برپایه انتخابات آزاد و همگانی و تدارک طرح قانون اساسی نوینی متناسب با مقتضیات امروزی تکامل جامعه ایران.

۲) در زمینه تأمین استقلال ملی: احیاء کامل قانون ملی شدن صنایع نفت و کوتاه کردن دست کنسرسیوم غارتگر و سایر انحصارهای امپریالیستی از منابع نفتی ایران؛ اخراج کارگزاران ارتش امریکا از نیروهای مسلح ایران و فراخواندن نیروهای ایران از عمان؛

برقراری و گسترش مناسبات دوستانه با همه کشورهایی که به آزادی و استقلال ملی کشور ما احترام بگذارند و لغو قراردادهای ایسارت بار نظامی ایران و امریکا؛ خارج کردن ایران از سنتو پیوستن به جرگه کشورهای غیرمعهد؛

پشتیبانی از جنبش‌های مترقب و رهائی بخش بویژه جنبش خلق برادر عرب فلسطین در مبارزه اش علیه امپریالیسم و صهیونیسم.

۳) در زمینه سالم سازی اقتصاد و بهبود زندگی عمومی: مصادره اموال غارتی شاه و خاندان پهلوی و کوشش برای بازگرداندن دهها میلیارد ثروت دزدی خاندان پهلوی از بانک‌های خارجی و اختصاص آن به بهبود سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم؛

پایان دادن به سیاست جنون آمیز تسليحاتی و اختصاص درآمد نفت به تقویت اقتصاد ملی؛

اتخاذ تدابیر مؤثر برای رفاه کارگران و دهقانان و همه حقوق بگیران به تناسب هزینه زندگی؛

سالم سازی اقتصاد در جهت پشتیبانی از رشد تولید داخلی چه در بخش دولتی و چه در

بخش خصوصی و خاتمه دادن به سیاست درهای باز و دفاع از تولید داخلی در مقابل رقابت خارجی و اجراء اقدامات مؤثر برای خاتمه دادن به بحران عمیق کشاورزی و بهبود وضع کشاورزان.

حزب توده ایران از همه نیروها و عناصر مخالف رژیم موجود دعوت می کند برای ایجاد یک جبهه ائتلاف ملی و قبول یک برنامه ملی و دمکراتیک عمل، برپیشداوری ها غلبه کنند و فرصت را از دست ندهند. حزب توده ایران در راه ایجاد چنین حکومت ائتلاف ملی با کلیه نیروهای دیگر ضد رژیم همکاری خواهد کرد.

این شرط ضرور پیشرفت در نبرد مقدس و با عظمتی است که مردم ایران با آگاهی و فدایکاری بی نظیری بدان دست زده اند.

مردم ایران باید مبارزه خود را گسترش دهند، عمیق تر سازند و از همه نیروهای ضد رژیم بطلبند که با اتحاد عمل و هماهنگ کردن فعالیت خود کشور را هرچه زودتر از چنگ بحران کنونی رهائی بخشنند.

- پیروز باد پیکار مقدس مردم ایران!
- سرنگون باد رژیم استبدادی منفور محمد رضا شاه!

کمینه مرکزی حزب توده ایران
دوشنبه سیزدهم شهریور ۱۳۵۷

اطلاعیه هیأت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اجلاسیه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران جنبش بزرگ مردم ایران علیه رژیم ضدملی و استبدادی محمد رضا شاه و حامیان امپریالیستی آنرا مورد بررسی همه جانبیه قرار داد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران هنوز در زمانیکه این رژیم به سیطره همه جانبیه خود می نازید، بر پایه تحلیل علمی وضع جامعه، پیش‌بینی کرد که بحران اقتصادی و سیاسی این رژیم، عمقی بیسابقه خواهد یافت و در نتیجه حذت یافتن تضاد خلق با رژیم وابسته، تضاد خلق با امپریالیسم و سیاست نواستعماریش در ایران، دوران فروکش جنبش خاتمه خواهد پذیرفت و اعتلاء مجدد آن بناگزیر آغاز خواهد شد. کمیته مرکزی حزب توده ایران براساس این تحلیل علمی از همان موقع مبارزه در راه سرنگون ساختن رژیم استبدادی محمد رضا شاه را وظیفه مبرم جنبش اعلام کرد.

حزب متذکر شد که سرنگون ساختن این رژیم شرط مقتضی حرکت جامعه ما بسوی هدفهای ملی و دموکراتیک مردم ایران است. حزب خاطرنشان ساخت که وسیله اساسی نیل بهدف وحدت عمل کلیه نیروهای مخالف رژیم و ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری است. کلیه مبارزات حزب ما از آن تاریخ متوجه اشاعه و پیشبرد این شعارها شد. حزب ما متوجه داشت که در شرایط امروزی جهان که در اثر تغییر تناسب نیروها بین امپریالیسم و ارتیاج، رژیمهای ارتیاجی وابسته به امپریالیسم بیش از پیش به وصلة ناجور بدل میشوند، نقش عامل ذهنی، نقش رهبری درست به نقشی بازهم مؤثتر از گذشته بدل میشود، برای آنکه از امکانات بالقوه‌ای که وجود دارد هرچه بهتر و سریعتر و پیگیرتر استفاده بعمل آید.

سیر حوادث نشان داد که حزب در تشخیص اوضاع عینی کشور دچار اشتباه نشده بود. از

یکسال و نیم پیش مردم ایران گام در جاده اعتلاء تصاعده گذاشت. این جنبش علی‌رغم مانورهای سراسیمه رژیم شاه و جارچیان و چاکرانش بسرعت گسترش یافت و کارگران و دهقانان، دانشجویان دانشگاهها و دانش‌آموزان، طلاب و روحانیون ضد رژیم، پیشه‌وران، کسبه و بازرگانان، دسته‌های مختلف روشنفکران از نویسنده، هنرمند، روزنامه‌نگار، وکیل عدیله و قاضی، بخشش‌های وسیعی از زنان و قشرهای مختلف جوانان، در یک کلمه اکثریت شکننده جامعه ایران را در بر گرفت و در روزهای ۱۳ تا ۱۷ شهریورماه با وجود خود رسید. راه پیمانی‌ها و نمایش‌های چندمیلیونی مردم در این روزها عظمت بی‌همتای نهضت خلق را علیه رژیم و شخص محمد رضا شاه که با تفرعنی آمیخته با جنون خود را فرعونی ابر قدرت می‌پندشت و خاندان فاسدش نشان داد.

رژیم بکرات کوشید تا با براه انداختن فتنه‌ها مانند بمیدان کشیدن چاقوکشان و او باش دست نشانده خود و ایجاد باصطلاح «کمیته‌های اقدام» و «کمیته‌های انتقام» و جناح‌های رنگارنگ در حزب مصنوعی و شهساخته «روستاخیز»، با توصل به انواع عوامل‌پر بی‌ها و سرانجام با کشتارها در شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز، قم، آبادان و دیگر شهرها و شهرک‌ها جلوی بسط نهضت را سد کند. ولی رژیم و سردمدارش شاه و حامیان امپریالیستی آن با حریت تمام دیدند که نبرد خلق در اثر ضربات واردہ نه تنها به سستی نمی‌گراید بلکه دمدم شدیدتر و عزم وی به ادامه مبارزه جزم‌تر می‌گردد.

هم اکنون میتوان با اطمینان گفت که جنبش مردم ایران در تابستان سال جاری از جهت فراگیری قشرهای مختلف اجتماعی، از لحاظ دامنه‌اش در سراسر کشور، از جهت سطح آگاهی مردم و قاطعیت خواسته‌ای سیاسی و اقتصادی مطروحه، در تاریخ معاصر کشور ما نظیر نداشته است.

این واقعیت که جنبش بطور عمدۀ رنگ مذهبی بخود گرفته است از طرفی از آجهت است که رهبران مذهبی ضد رژیم در جهت خواسته‌ای خلق گام برداشته‌اند و از طرف دیگر از آجهت است که در شرایط استبداد سیاه ۲۵ ساله برای این شکل مبارزه امکاناتی فراهم بود. لذا تعبیرات جراید بورژوائی غرب که می‌خواهند جنبش را یک واکنش قرون وسطانی و ارتقاگی اعلیه شاهی که گویا مصلح و نوآور است جلوه دهنده، سفسطه ایست پوچ و مردود.

مردم ایران با انقلاب پرافتخار مشروطیت پیشتر انقلابات آسیا بودند. مبارزات مردم ایران در دوران جنگ دوم و پس از آن از اولین جلوه‌های مبارزات دموکراتیک خلق در جهان آنروز محسوب می‌شدند. مردم ما با نهضت بزرگ ملی کردن صنایع نفت پس از جنگ دوم، یکی از برجسته‌ترین مبارزات علیه امپریالیسم را انجام دادند. کشور ما با جنبش کنونی خود یکبار دیگر نشان داد که سنت و روحیات طفیان انقلابی علیه ستمگران و غارتگران داخلی و خارجی در ایران ریشه‌های عمیق دارد و سخت در اشتباهند کسانی که خیال می‌کنند این مردم را میتوان خموشانه تاراج کنند و بی‌کیفر در قید استبداد بفشرند.

جنیش کنونی مردم ایران جنبشی است عمیقاً خلقی، جنبشی است دموکراتیک، جنبشی است علیه حکومت مطلقه یک پادشاه خائن و خونخوار، جنبشی است ضدامپرالیستی، زیرا بخوبی میداند چه نیروهای جهانی رژیم وابسته کنونی را بر مردم ایران تحمیل کرده اند و برای چه منظور آنرا حفظ می کنند. مردم ایران نیک میدانند که علت وجودی این رژیم آنست که افوار مناسبی در دست امپرالیست ها برای اجراء سیاست خائنانه نفت - اسلحه و انواع غارتگر یهای دیگر است. مردم نیک میدانند که رژیمی چنین جبار، چنین چپاول گر و چنین خیانت پیشه در تاریخ معاصر کشور ایران همتای ندارد.

جنیش کنونی مردم ایران، هم اکنون با پیکار جانبازانه و قهرمانانه مجاهدان خود توانست افسانه هائی را که شاه و جارچیان رژیم بعد بستوه آورنده ای تکرار می کرده اند، حاکمی از اینکه گویا رژیم شاه، ایران را به «جزیره ثبات» بدل کرده و اینکه گویا مردم ایران «نظام شاهنشاهی» را یک نظام طبیعی میداند و با شوق و ذوق بدنیال شاه و «انقلاب» ادعائی و «حزب فراگیر» ش گام بر میدارند، بلکنی به باد داد و سنگی بر سنگ این دعواهای دروغین باقی نگذاشت.

روشن شد که آنچه که شاخص واقعی رژیم است عبارتست از استقرار رژیم شکنجه و ترور و اختناق سواک و دادگاههای جابرانه نظامی، دست نشاندگی و انقیاد در مقابل امپرالیسم، گشادن دست امپرالیسم برای غارت متابع ثبات، اتخاذ سیاست فناخیز درهای باز، نظامیگری و خرید جنون آمیز اسلحه، بندو بسته های ضد صلح با امپرالیسم و صهیونیسم، مسلط کردن خاندان فاسد و فسادپرور پهلوی بر جان و مال و حیثیت مردم، برای انداختن کیش ارتجاعی و خفت آور شاهنشاهی و اجراء آئین های نیایش شاه، غارت گری باند مسلط دست نشانده شاه و امپرالیسم، ایجاد دره عمیق فقر و ثروت، ایجاد فساد و انحطاط در بسیاری از رشته های معنویات و فرهنگ کشور و غیره و غیره.

روشن شد که انتقاد و اعتراض اصولی طولانی حزب ما و دیگر نیروهای ضد رژیم تماماً حق بود و هزاران لاف و گراف شاه که آنرا در کتابهای منسوب بخود و در صدھا مصاحبه تکرار می کرده اباظلی بیش نبود. این خود یک پیروزی معنوی بزرگ نیروهای انقلابی و متقدی خلق است که هیچ دستی قادر بزدودن اثرات آن در تاریخ نخواهد بود.

در ۱۷ شهریورماه سال جاری شاه که از بسط نیرومند جنبش دچار وحشت مرگ شده بود، با اشاره تأیید آمیز امپرالیستهای امریکا و انگلیس، بار دیگر ضربت تبهکارانه خود را بر نیایش مسالمت آمیز مردم وارد کرد. نتیجه این جنایت فجع هزاران شهید، زخمی و بیش از هزار زندانی است. در این روز در ۱۲ شهر کشور حکومت نظامی اعلام شد. جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا که خود را عوام فریبانه «حامی حقوق بشر» جلوه میدهد و کالاهان نخست وزیر ایبریست انگلستان پشتیبانی خود را از شاه علناً اعلام داشتند. رهبران چین همدوش امپرالیسم از رژیم ارتجاعی شاه حمایت کردند و روزنامه های ماآویست چین نیز

ضرب خونین شاه علیه خلق را با انتشار خبرهای مخدوش توجیه کردند.

هدف شاه و حامیان امپریالیستی از این اقدام خاتمه دادن به جنبش خلق است. حساب آنها آنست که با تکاء سرسپرده‌گان امپریالیستهای امریکا و انگلیس و کسانی مانند جعفر شریف امامی و علیقلی اردلان و تیمساران وابسته‌ای مانند او بسی، قره‌باخی، نصیری، مقدمه و امثال آنها، یک نظام شاهنشاهی باصطلاح «لیبرال» ایجاد کنند که بتواند آنچه که آنها آنرا «خطهای تاکتیکی» رژیم میدانند اصلاح کند و با دادن برخی امتیازات به قشراهای ناراضی و ایجاد تفرقه در صوف مخالفان رژیم وضع را بسود دربار و امپریالیسم ثبیت نماید.

ولی باز برخلاف انتظار رژیم و حامیان داخلی و خارجیش، این تاکتیک نیز نمیتواند حاصلی بیار بیاورد. حوادث کشور نمایانگر آنست که این اقدامات در عزم خلق نتوانسته است فوری ایجاد کند. اتحاد میان اجزاء مختلف مخالفان رژیم وارد مرحله تازه‌تر و عمیق‌تری میگردد. جنبش خواستهای خود را بشکل قاطع‌تری مطرح میکند. همه چیز حاکی از آنست که جنبش مردم ایران راه اعتلای خود را در آینده نیز خواهد پیمود و از جهت کیفی وارد مرحله یک مبارزه عمیق‌تر و شدیدتری خواهد شد.

همانطور که حزب ما در اعلامیه کمیته مرکزی مورخ ۱۳ شهریورماه سال جاری تصریح کرد، در شرایط کنونی تنها راه خاتمه دادن به بحران عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه ایران استقرار یک حکومت ائتلاف ملی است. حزب ما در این سند مهم تاریخی وظائف چنین حکومتی را در زمینه تأمین آزادیهای دموکراتیک و خاتمه دادن به رژیم ترور و اختناق، در زمینه تأمین استقلال ملی و خاتمه دادن به سیطره اسارت آور امپریالیسم، در زمینه سالمندی اقتصادی و بهبود زندگی عمومی و خاتمه دادن به غارتگری تاریخگران داخلی و خارجی و شکاف فقر و ثروت، بشکل مشخصی بیان داشته است.

حزب ما در این سند مهم تصریح کرده است که بنظر وی هدفی که باید جبهه نیروهای مخالف رژیم در شرایط کنونی دنبال کنند عبارت است از سرنگون ساختن رژیم استبدادی محمد رضاشاه، و برچیدن بساط منسخ سلطنت و روی کار آوردن یک دولت ائتلاف ملی از نیروهای ضد استبداد. حزب ما در اعلامیه نامیرده تصریح کرد که بنظر وی شکل چنین حکومتی جمهوری است.

حزب این تصریحات را درباره ضرورت برچیدن بساط منسخ سلطنت و استقرار یک جمهوری برپایه منافع مردم با تکاء برنامه خویش مطرح ساخته است. بنظر حزب ما جنبش کنونی مردم تنها با نیل به چنین نتایجی میتواند ضامن‌های ضرور را برای یک تحول بی بازگشت در سمت دموکراسی، ایجاد کند. ما برآئیم که باید بی‌پایگی مطلق دعوی رژیم شاه را درباره ضرورت طبیعی رژیم پادشاهی در ایران در مقیاس وسیعی روشن ساخت و نشان داد که شکل جمهوری برمبنای اراده مردم شکلی است که مناسب با مقتضیات رشد جامعه ماست. مسئله جمهوری و سلطنت در تاریخ معاصر ما دیری است مطرح است و در شرایط کنونی بوسیله خود

نهضت که خواستار طرد شاه و خاندان فاسد و فسادپرور اوست مطرح میشود.

هیئت اجراییه کمینه مرکزی حزب توده ایران برآنست که مانند سابق وحدت عمل کلیه نیروهای ضد رژیم در جبهه ضد دیکتاتوری عامل مؤثر پیشرفت و شرط کامیابی نهضت است. ما نظر خود را درباره مسائل مطروحه در مقابل جامعه ما بارها ارائه داده ایم و بنویس خود برای اخذ تماس و مذاکره با همه نیروهای ضد رژیم آماده ایم. ما بخوبی عناصر و نیروها را که تصور میکنند با اتخاذ یک روش ضد توده ای و ضد کمونیستی میتوانند بسود خود راهگشایی کنند، از عوایب مضر چنین پندارهایی برحذر میداریم. نباید فراموش کرد که ارجاع و امپریالیسم با همین بهانه های «خطر کمونیسم» حکومت ملی دکتر محمد مصدق را سرنگون ساختند و رژیم کنونی از زبان دولت شریف امامی برای توجیه جنایت ۱۷ شهریور بازهم پای «خطر کمونیسم» را بیان کشید.

ما بتوبله خود روش خویش را بر پایه اتحاد با همه نیروها استوار کرده ایم و در آینده نیز در جهت این اتحاد و علیه تفرقه و تفرقه افکنی از جانب رژیم و عمالش مبارزه خواهیم کرد. ما خواستار همکاری با همه نیروهای مختلف رژیم استبدادی بر پایه برنامه مشترک هستیم.

ما برآیم که در شرایط کنونی باید پایداری در مقابل رژیم و نیز نگاهی مختلف آن، با عزم راسخ ادامه باید. باید مبارزه را گسترش داد و تعمیق و تشديد کرد. ما از کلیه اشکال و شیوه های مختلف مبارزه خلق که متنکی به نیروی مردم باشد و امر مبارزه را در جهت صحیح و سنجیده ای پیشرفت دهد بتوبله خود پشتیبانی میکنیم و مبارزان را از آن قبیل شیوه هایی که به جنبش زیان وارد سازد برحذر نگاه میداریم.

ما سخنان خود را با اعلام شعارهای حزب در شرایط کنونی خاتمه میدهیم:

▪ سرنگون باد سلطنت ضد ملی و استبدادی محمد رضا شاه!

▪ مردم ایران! برای طرد خاندان فاسد و فسادپرور پهلوی مبارزه کنید!

▪ مردم ایران! در راه استقرار یک حکومت ائتلاف ملی برای بیرون آوردن جامعه از بحران عمیق کنونی مبارزه کنید!

▪ باید توپه مشترک امپریالیسم، شاه و دولت شریف امامی را برای تثبیت رژیم و ایجاد تفرقه در صفوی مخالفان رژیم، با شکست مواجه ساخت!

▪ مسئولین فاجعه عظیم جمعه خونین ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ باید محاکمه شوند!

▪ ما حکومت غیرقانونی و جابر نظامی را بمثابه یک توپه علیه جنبش مردم محکوم میکنیم و الغاء فوری آن و تأمین آزادی اجتماعات، مطبوعات، احزاب و سندیکاهای را خواستاریم!

▪ کارگران و زمینکشان شهر و ده! با بسط مبارزات اعتصابی و سیاسی در جنبش پایداری مردم علیه استبداد هرچه مؤثرتر شرکت ورزید و رسالت خود را

- با شایستگی ابقاء کنید!
- نیروهای مسلح ایران! در جهت خلق قرار گیرید! سربازان، درجه داران و افسران میهن پرست! زیر بار شاه و تیمساران مرتع و رایزنان امریکائی نروید!
 - ما مداخلات بیشماره امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکا را که هدف آن نجات و حفظ رژیم خائن شاه بمنظور ادامه غارتگری است تقبیح و محکوم میکنیم! دست امپریالیسم و عمالش از کشور ما کوتاه!
 - مردم ایران! در راه شعارهای حزب ما برای دموکراسی، استقلال ملی و رفاه عمومی مبارزه کنید!
 - مردم ایران! با تمام نیرو بعزمیان سیاسی، این قهرمانان دربند، به خانواده های شهیدان و آسیب دیدگان نهضت از هر باره و بهر شکل که میتوانید باری رسانید! ما آزادی فوری زندانیان و تعییدیان سیاسی و بازگشت همه کسانی را که بعلت عقاید سیاسی خود ناگزیر به جلای وطن شده اند خواستاریم. درود بخاطره شهیدان نهضت! درود به زندانیان سیاسی ایران!
 - مبارزان ضد رژیم! در مقابل فتنه انگیزان و تفرقه افکنان هشیار باشید! بر پایه وحدت، تشکل، آگاهی سیاسی امر مبارزه را از پیش ببرید!
 - پیروزی باد مبارزه مقدس انقلابی مردم ایران!
 - ننگ بر شاه دژخیم و خیانت پیشه و حامیان ارتজاعی و امپریالیستی او!

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران

مهرماه ۱۳۵۷

با تشدید مبارزه رهایی بخش ملی،
با ایجاد جبهه متحد آزادی ملی ایران،
با تدارک همه جانبه مبارزه مسلحانه،
حملات امپریالیسم و رژیم ضد ملی و
ضد دمکراتیک شاه را در هم شکنیم!

در این حساسترین و غرورآمیزترین لحظات سراسر تاریخ میهن عزیزان ایران، که خلقهای قهرمان آن با اراده‌ای تزلزل ناپذیر برای سرنگون کردن نظام منفور و خائن سلطنتی و ریشه کن ساختن تسلط غارتگرانه امپریالیست‌ها، در سراسر کشور، به میدان‌های نبرد گام گذاشده‌اند، حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، با احساس سنگین ترین مسئولیت تاریخی، همه هم میهنان عزیز، همه مبارزان جنبش رهایی بخش ملی ایران، همه رهبران مبارز و میهن پرست روحانی، همه رجال ملی و دمکرات، همه احزاب و سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و صنفی را، که خواستار آزادی و پیشرفت اجتماعی و آماده دفاع جانبازانه از استقلال ملی و تمایت ارضی میهن عزیزان ایران هستند، فرا میخواند که همه امکانات خود را در راه پیشیانی از اتحاد همگانی نیروهای ضد رژیم و ضد امپریالیست، در راه تجهیز همه جانبه این نیروها برای آخرین مرحله نبرد تعیین کننده و پرافخاری که در جریان است، بکار اندازند.

حوادث ماه‌های گذشته و بویژه هفته‌های اخیر که در جریان نبردهای خونین تن به تن مردم بی سلاح با جنایتکاران تانک سوار و مسلسل بدست رژیم در مشهد در اولین روزهای دیماه ۱۳۵۷ به عالی ترین شکل خود نمایان گردید بروشی نشان داد که خلق‌های میهن ما دیگر حاضر نیستند این رژیم غاصب را، که امپریالیست‌ها بر میهن ما تحمیل کرده‌اند، تحمل کنند. خلق‌های میهن ما با تظاهرات عظیم، کم نظری و تاریخی خود، با یکپارچگی و تزلزل ناپذیری اعجاب انگیزی رأی تاریخی خود را برای سرنگون کردن این رژیم و ریشه کن ساختن تسلط امپریالیستی بارها و بارها به تمام جهانیان اعلام داشتند. تمام مردم شریف سراسر جهان مبارزات قهرمانانه مردم ایران را با تحسین و اعجاب دنبال می‌کنند و پیروزی جنبش رهایی

بخش ملی ما را خواستارند.

این مبارزه قهرمانانه و تاریخی نه تنها رژیم پوسیده سلطنتی ایران، بلکه یکی از مهمترین عرصه‌های غارتگری و تجاوز کاری امپریالیست‌ها را در جهان بخطور انداخته است. بهمین جهت امپریالیست‌های خونخوار، بسرکردگی امپریالیسم تجاوز کار و غارتگر آمریکا، که هرسال دهها میلیارد دلار از ثروت ملی ما را بغارت میبرند و کشور ما را به یکی از عمده‌ترین پایگاه‌های تجاوز نظامی خود علیه خلق‌های صلحدوست منطقه بدل کرده‌اند، با تمام نیرو میکوشند این رژیم پوسیده را نگهدارند.

یکی از پایگاه‌های اصلی برای اجرای این سیاست اهریمنی در کشور ما عبارتست از سازمانهای آدمکشی مانند ساواک، گارد شهربانی و ژاندارمری، که بدست جاسوسان حرفه‌ای سازمان‌های جاسوسی امریکا و اسرائیل بوجود آمده و دهها سال است که جنایت بارترین بن سیستم پلیسی را بر میهن ما حاکم کرده‌اند.

پایگاه اصلی دیگر امپریالیسم و رژیم دست نشانده‌اش هنوز ارتش است. بخشی از دزدان، آدمکشان و خائنان، که امپریالیسم و رژیم شاه دستیخین کرده و بر ارتش مسلط ساخته‌اند، با کمک دهها هزار آمریکائی و به یاری گروهی از افسران و درجه داران خودفروخته، با سوء استفاده از عدم آگاهی بخشی از سربازان و افسران، بزور اسلحه و تجهیزاتی که بهای آنها با ثروت ملی مردم ایران پرداخته شده است، و با دست زدن به جنایت بارترین کشتار مبارزان جنبش رهایی بخش ملی ایران، توانسته‌اند از سقوط رژیم شاه جلوگیری کنند.

مبارزات یکسال گذشته بروشنی نشان داد که تا هنگامیکه رژیم شاه و امپریالیسم این دو پایگاه را در دست دارند، مبارزات سالامت آمیز مردم، تظاهرات و اعتصابات، هرقدر هم عظیم تر و همه گیرتر شود، به تنها بی نخواهد توانست ضربه قطعی و نهایی را به دشمن وارد سازد.

رژیم شاه و امپریالیسم جنگ خونین داخلی را به خلق‌های میهن ما تحمیل کرده‌اند. لذا وظیفه همه میهن‌پرستان است که با همان اراده تزلزل ناپذیری که تاکنون نشان داده‌اند، با تدارک همه جانبه مبارزه مسلحانه و تلفیق آن با همه اشکال دیگر مبارزه سیاسی، در این میدان نبرد هم، حملات دشمن را با شکست رو برو سازند و خود را برای هجوم نهایی آماده گردانند.

بزرگترین مانع در راه تجهیز این مبارزه، تفرقه در صفوف مبارزان ضد رژیم و ضد امپریالیست است. رژیم شاه و امپریالیست‌ها می‌کوشند از این وضع بنفع خود بهره‌برداری کنند، مبارزه را به همین صورت بدرازا بکشانند و در صورت امکان بخششانی از مبارزان را خسته کنند، در صفوف متعدد خلق شکاف ایجاد نمایند و با همکاری عناصر سازشکار راه حل‌های نیم‌بندی را به مردم تحمیل کنند، راه حل‌هایی که پایه‌های اصلی تسلط امپریالیستی و ارتقابی در ایران را مورد تهدید جدی قرار ندهد. در کنار این تاکتیک موذیانه، رژیم شاه و امپریالیست‌ها همیشه آماده‌اند که به آخرین حربه، یعنی قتل عام میهن‌پرستان و آزادیخواهان، بدست سران آدم کشن ارتش متول شوند.

نها با گرد آوردن همه نیروهای راستین ضد رژیم و ضد امپریالیست دریک جبهه متحد و مشکل میتوان این مبارزه را سازمان داد، همه نیروها را بکار انداخت و جنبش رهائی بخش ملی را برای پیروزی نهائی آماده ساخت.

حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی خود از تمام هم میهنان مبارز میطلبد که همه آن اختلافات سیاسی، مسلکی و فلسفی را، که در مرحله کنونی نبرد رهائی بخش ملی و حتی برای آینده ای دور جنبه فرعی دارند، کتاب بگذارند و برای تشکیل جبهه متحدی بمنظور تجییز و سازماندهی نیروهای خلق علیه دشمن مشترک بکوشند. بنظر ما هدف چنین جبهه ای این باید باشد که به همه خواستهای مبرم مورد پذیرش قاطبیه مردم ایران، که در تظاهرات و اعتصابات ماههای اخیر بیان گردیده است، جامعه عمل پیوшуند. این خواستها در دو گروه عمده جمع بندی میشوند:

(۱) برانداختن نظام منفور سلطنتی، استقرار جمهوری متکی به اراده خلق، درهم شکستن سازمانهای اختناق رژیم شاه و در رأس آنها ساواک، محاکمه و مجازات همه خائن، جنایتکاران و غارتگران، از شاه و بستگان راهزنش گرفته تا جنایتکاران ساواک و سایر مسئولان کشتارهای یکساله اخیر، تأمین همه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی، بازگشت مهاجرین سیاسی، تدارک مجلس مؤسسان، تدوین قانون اساسی جدید و سرانجام روی کار آوردن دولتی که در راه تأمین کامل استقلال ملی، حفظ تماییت ارضی، استقرار آزادیهای دمکراتیک گام بردارد، دولتی که ثروتهاي غارت شده ملت را از غارتگران بازستاند، به چاول ثروتهاي ملی پایان دهد، قراردادهای خرید اسلحه از امپریالیست ها را لغو کند و همه این ثروتها را برای بهسازی اقتصاد ملی و بهبود فوری و درازمدت زندگی زحمتکشان بکار اندازد.

(۲) ریشه کن ساختن تسلط جنایت بار غارتگرانه امپریالیستها از راه لغو قرارداد فروش نفت به کنسرسیوم غارتگر، اداره مستقلانه همه امور مربوط به اکتشاف، استخراج، تصفیه و فروش نفت، امتیاع مطلق از فروش نفت به حکومت صهیونیستی اسرائیل و تراپرستان آفریقا و رودزیا، اخراج کلیه جاسوسان باصطلاح کارشناس آمریکائی، انگلیسی وغیره از ارتش و سایر سازمانهای اقتصادی و دولتی، لغو قرارداد دوجانبی نظامی ایران و آمریکا، خروج از پیمان نظامی امپریالیستی سنتو، پیوستن به جرگه کشورهای بیطرف جهان و اتخاذ سیاست دوستی با کلیه کشورهایی که به تماییت ارضی، استقلال ملی و آزادی میهن ما احترام بگذارند، لغو کلیه قراردادهای اقتصادی اسارت آوری که امپریالیست ها به کشور ما تحمیل کرده اند و بالاخره پشتیبانی همه جانبه از جنبش های راستین رهائی بخش ملی و بویژه جنبش خلق قهرمان فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم.

بنظر حزب توده ایران اکنون وضع میهن ما به آنجا رسیده که در برابر تجاوز جنایت بار مسلحانه رژیم شاه و امپریالیسم به خلق، تدارک مبارزة مسلحانه خلق مهمترین و مبرم ترین

وظیفه در مقابل همه مبارزان ضد رژیم و ضد امپریالیست قرار گرفته است. از این رو، با احساس سنگین ترین مسؤولیت تاریخی در لحظه کنونی:

۱) کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه رهبران جنبش رهائی بخش ملی ایران، به ویژه از حضرت آیت الله العظمی خمینی، حضرت آیت الله طالقانی و... و سایر رهبران جریانهای مبارز مذهبی و سیاسی در ایران، که جنایات رژیم را با گوشت و پوست خود احساس کرده اند، دعوت میکند که تمام نیرو و تمام نفوذ و اعتبار خود را در راه تشکیل «جهة متحد آزادی ملی ایران»، جبهه ای که همه نیروهای راستین میهنی ضد رژیم و ضد امپریالیست را در بر گیرد، بکار اندازند. این جبهه وظیفه خواهد داشت که امر رهبری مبارزان عموم خلق را علیه شاه و امپریالیسم در دست گیرد، و ضمن استفاده از همه شیوه های عادی مبارزة سیاسی، امر تدارک و رهبری مبارزة مسلحانه خلق را علیه نیروهای مسلح رژیم شاه سازمان دهد.

۲) کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه مبارزان خلق، از همه احزاب، سازمانها و گروههای مبارز سیاسی در ایران دعوت میکند که بموازات تلاش برای تشکیل جبهه فوق، امر تشکیل هسته ها و گردانهای این جبهه را در میان خلق، در هر کارخانه، هر دانشگاه، هر مدرسه، هر اداره و مؤسسه و همچنین در روستاها و محلات مسکونی در شهرها، با شرکت همه مبارزان، در دست گیرند و با تمام نیرو در گسترش و تحکیم آن بکوشند. در این زمینه سنگینترین وظیفه بردوش طبقه کارگر قهرمان و پرافتخار ایرانست که با مبارزة درخشناد خود در سالها و بویژه در ماههای اخیر کاری ترین ضربه را بر پیکر منفور استبداد و امپریالیسم وارد ساخته است. حزب توده ایران ایمان راسخ دارد که در این مرحله از نبرد هم طبقه کارگر ایران در صفت مقدم همه زحمتکشان و همه میهن پرستان نقش تاریخی انقلابی خود را ایفا خواهد کرد. هر هسته و هر گردان باید ضمن تجهیز همه نیروها برای گسترش مبارزان عادی سیاسی - تظاهرات، اعتصابات و غیره - امر تدارک مقاومت و تعرض مسلحانه را در برابر نیروهای سیاه آدمکش رژیم شاه و امپریالیسم نیز در دست خود گیرد.

۳) کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه افسران و درجه داران و سربازان میهن پرست دعوت میکند که مبارزه خود را علیه رژیم شاه از صورت مبارزة منفی فرار از خدمت به مبارزة مثبت عملی بمنظور فلجه کردن سازمان نظامی رژیم و ایجاد جبهه مقاومت و تعرض در داخل ارتش گسترش دهند.

افسان و درجه داران و سربازان میهن پرست!

وظیفه شماست که با همان فداکاری و از خود گذشتگی انقلابی پدران و مادران، برادران و خواهران خود، بی باکانه در این نبرد تاریخی شرکت کنید. وظیفه شماست که هسته ها و گردانهای «جهة متحد آزادی ملی ایران» را در هر سربازخانه و در هر واحد نظامی مخفیانه بوجود آورید، به هسته ها و گردانهای خلقی جبهه پیویندید، به آنها برای ایجاد شاخه های مسلح،

هم از لحاظ آموزش نظامی و هم از لحاظ رسانیدن اسلحه و مهمات، یاری رسانید. وظيفة شماست که با استفاده از همه امکانات، سازمان نظامی دشمنان خلق را از درون فلچ سازید و سر بازخانه‌های رژیم را از داخل بتصرف خلق درآورید.

مبارزان میهن پرست!

همانطور که مبارزان قهرمان در تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، قم، شیراز و بسیاری از شهرهای دیگر تشخیص داده و با ابتکار خود بدان عمل کرده اند نخستین، فوری ترین و مهمترین وظيفة ای که در مقابل همه نیروهای ضد رژیم شاه و ضد امپریالیسم قرار گرفته، درهم کوبیدن سازمان‌های جنایتکار ساواک، گاردۀای آدمکش پلیس و واحدهای اختناق ژاندارمری است. با درهم شکستن این سازمانهای ترور و اختناق سیاسی، و پیش از همه ساواک، کابوس وحشت در کشور از بین خواهد رفت و پیروزی در این جبهه نبرد، فعالیت افشاگرانه و روشنگرانه سیاسی را در میان افراد ساده و هنوز ناآگاه ارتش و تشویق افراد متزلزل در میان افسران، درجه داران و سر بازان را برای پیوستن به خلق، بمراتب آستانتر خواهد کرد.

بنظر ما اینست میرم ترین و مهمترین گامی که جنبش رهائی بخش ملی میهن ما آماده است که بردارد و باید بردارد؛ این است میرم ترین و مهمترین وظيفة تاریخی همه مبارزان و پیش از همه، تمام رهبران گردان‌های گوناگون جنبش رهائی بخش ملی ایران!

«افتخار جاودان به خلق‌های قهرمان میهن عزیzman ایران!»

«پیش به سوی تشکیل جبهه متحد آزادی ملی ایران!»

«پیش به سوی تدارک همه جانبه مبارزه مسلحانه خلق علیه رژیم شاه و امپریالیسم!»

«با تمام نیرو برای درهم کوبیدن سازمان جنایتکار ساواک و گاردۀای آدمکش پلیس دست بکار شویم!»

کمیّة مرکزی حزب توده ایران

شنبه بیست و سوم دیماه ۱۳۵۷

اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک را مانند مردمک چشم نگاه داریم!

در هفته‌ها و روزهای اخیر، در حاشیه رویدادهای عظیم و بیسابقه در کشور ما، برخی پیشامدهای فرعی رخداده، که موجب تاسف و نگرانی همه مبارزان جنبش انقلابی مردم ایران گردیده است.

دستگاههای تبلیغاتی رژیم شاه و حامیان امپریالیستی اش، کوشیده‌اند تا از این حوادث برای متزلزل نشان دادن و متزلزل ساختن و ایجاد تفرقه در جبهه متحد نیروهای ملی و دموکراتیک علیه امپریالیسم و رژیم پوسیده سلطنتی بهره‌برداری کنند. این خود بیدار باش بسیار باهمیتی برای همه مبارزان است. آنچه که دشمن را شاد کند و به پایکوبی وادارد، مسلمًا به زیان جنبش انقلابی ماست و باید با تمام نیرو از آن پرهیز کرد.

درست است که با بیرون راندن شاه جنبش انقلابی مردم میهن ما، پیروزی تاریخی بزرگی بدست آورده، ولی همانطور که همه رهبران جنبش اعلام داشته‌اند، این تنها گام اول در یک راه طولانی و دشواری است که جنبش برای رسیدن به هدفهایش در پیش دارد.

هنوز شاه خود را شاه میداند. هنوز بساط سلطنت برآنداخته نشده، هنوز کارگزاران امپریالیسم و شاه، دولت و بخش مهمی از ارتش را در دست دارند، هنوز سازمانهای جهنمی اختناق درهم شکسته نشده‌اند، هنوز خطر توطئه خائن‌هان سران خودفروخته ارتش بقوت خود باقیست، هنوز کارشناسان امریکایی و اسرائیلی و عمال (سیا) در کشور ما به دسائیس رنگارانگ خود مشغولند.

در چنین شرایطی، تنها اتحاد خلل ناپذیر همه نیروهای ملی و دموکراتیک یگانه وثیقه پیروزی جنبش علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم سیاه شاه است.

دشمنان خلق، امپریالیسم و ارتقای، میکوشند اتحاد، این برنده‌ترین سلاح پیروزی

جنبیش را با هزاران دسیسه کم اثر و اگر بتوانند بی اثر نمایند. آنها میکوشند و در آینده همواره خواهند کوشید تا از هر اختلافی در درون نیروهای ملی و دموکراتیک، هرقدر هم فرعی باشد، برای ایجاد شکاف و به منظور بجان هم انداختن گروهها و بخشاهای مختلف این جبهه، بهره برداری کنند.

ارتفاع در سراسر تاریخ از این حربه جهنمی «جداسازه، بجان هم انداز و فرمانروائی کن» علیه جنبش‌های متفرقی بهره برداری کرده است و میکند و خواهد کرد. این حربه را تنها با بیداری، روشن بینی و توجه به عمدۀ ترین وظیفه مبارزه در هر لحظه، میتوان از کار انداخت.

چنانکه طبیعی است، جنبش انقلابی مردم ایران، چه از لحاظ طبقاتی، چه از لحاظ جهان بینی و موضع گیری های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، یکرنگ نیست. این جنبش از طبقه کارگر تا سرمایه داران ملی را در بر می گیرد و در آن از پیروان جهان بینی مذهبی گرفته تا هواداران سوسالیسم علمی، دوشاووش هم و در صفوّف متحده، علیه دشمنان مشترک مبارزه میکنند.

آنچه که این نیروها را در جبهه متحده گرد هم نگاه می دارد، همانا هدفهای مشترک آنها است. یعنی: برانداختن رژیم فاسد، خائن و غارتگر سلطنتی، ریشه کن ساختن سلط امپریالیستی و تأمین تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و اقتصادی کشور، استقرار آزادیهای دموکراتیک برای همه و بکار انداختن ثروت‌های ملی برای پیشرفت اجتماعی و بهبود زندگی مردم رحمتکش کشود.

در برابر این وجوده مشترک فوق العاده با اهمیت که اجراء عملی آن یک دوران طولانی را در بر خواهد گرفت، همه وجوده دیگر در لحظه تاریخی کنونی جنبه فرعی دارد. به پیش کشیدن و تکیه کردن روی این وجوده فرعی، کوشش هر بخش از جنبش در انکار حق طبیعی آزادی تفکر و عمل بخشاهای دیگر جنبش، موجب سست کردن پایه های اتحاد و در نتیجه موجب تضعیف جبهه متحده است.

متأسفانه کوشش برخی از مبارزان که زیر پرچم جهان بینی اسلامی، در نبرد ملی و دموکراتیک خلق شرکت میکنند، در این جهت شدت یافته که از ابراز عقیده و نظر و اقدام نیروهای دیگر ملی و دموکراتیک، جلوگیری کنند. این مبارزان، این تلاش خود را با شیوه های غیردموکراتیک مانند پاره کردن بیانیه ها و شعارهای سازمانهای ملی و دموکراتیک دیگر، ضرب و جرح و تهدید این مبارزان و با اهانت به زنان و دختران مبارزی که مطابق میل آنان لباس نپوشیده اند، توان کرده اند.

در عین حال دیده شده است که کسانی از مبارزان وایسته به چپ نیز، بویژه از میان جوانان و دانشجویان، خونسردی خوبیش را از دست داده و گاه با طرح شعارهای غیرواقع بینانه و با روش‌های تند و سکتاریستی موجب محیط حاد در درون جنبش شده اند.

حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی همه گروههای مبارز و بویژه رهبران
بانفوذ جنبش را، به لزوم تحکیم مبانی اتحاد، دوری و پرهیز از هر اقدامی که موجبات تشنج در
درون ججهه متحد ملی است، فرا می خواند.

ما از حضرت آیت الله العظمی خمینی و دیگر رهبران روحانی، که همواره اهمیت اتحاد
همه نیروها را در مبارزه علیه امپریالیست‌ها و رژیم غارتگر شاه یادآور شده‌اند، انتظار داریم که
با راهنمائی‌های خویش کسانی را که به چنین روش‌های زیان‌بخش دست میزند، از ادامه آن باز
دارند.

ما بنویس خود از همه افراد و گروهها و سازمانهایی که در جنبش پرافتخار کنونی مردم
ایران پیکار میکنند، خواستاریم که با توجه به اهمیت حیاتی اتحاد صفواف خلق در شرایط کنونی
برای درهم شکستن انواع توطندهای دشمنان خلق، از دست زدن به رعیتی و از پیش کشیدن هر
شعاری که موجب تفرقه و تشدید تشنج در جبهه متحد خلق برای رسیدن به هدفهای عمدۀ کنونی اش
یعنی: برانداختن رژیم سلطنتی، ریشه کن ساختن تسلط امپریالیستی، مستقر ساختن جمهوری
متکی به آراء عمومی مردم و تامین آزادی‌های دموکراتیک، گردد، اکیدا خودداری نمایند.
دشمن زخم خورده، ولی از پای درزیامده است، دشمن حیله گر و خطناک است و
کما کان نیروها و ذخایر معینی در اختیار دارد. تنها با اتحاد، بیداری و آمادگی همه مردم می‌توان
براین دشمن چیره شد. نباید به دشمن امکان داد که از اختلافات در درون جنبش
بهره برداری کند، عناصر خود را به درون صفواف مبارزان بفرستد و با تفرقه افکنی صفواف درهم
فسرده خلق انقلابی را متزلزل و تضعیف نماید.
مبارزان راه آزادی و استقلال ملی!

▪ با افشاراند بذر نفاق دشمنان مشترک را شاد نکنیم!

▪ اتحاد همه نیروهای ملی و دموکراتیک را مانند مردمک چشم نگاه داریم!

▪ پیروزی باد مبارزه متحد مردم ایران در راه بر چیدن بساط سلطنت، ریشه کن
ساختن تسلط امپریالیستی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ملی و دموکراتیک!

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۷ ماه ۳

حزب توده ایران فعالیت علني خود را از سر می گيرد

هم میهنان!

رژیم خیانتکاری که حزب توده ایران را، به اراده امپریالیسم و ارجاع، بزعم خویش «منحله» اعلام کرده بود، اینک خود، در پرتو انقلاب بزرگ مردم ایران، به «منحله» بدل شده است.

تصمیمات این رژیم از طرف خلق قهرمان ایران، که منشاء هر قدرتی است، با خشم و نفرت طرد و رد گردیده است. حزب توده ایران در شرایط ورشکست کامل رژیم دست نشانده امپریالیسم از حق مقدس ولاینفک خویش برای شرکت آزاد و علني و قانونی در مبارزه بزرگ انقلابي و اجتماعي مردم ایران استفاده میکند.

حزب توده ایران، که طی حیات ۳۷ ساله خود، تنها در کمتر از ۸ سال از زندگی علني بر خوردار بود، از همان آغاز تاسیس، پس از سقوط دیکتاتوری پیست ساله رضاخان، با عمال استبداد، با فاشیسم، با سیاستهای نواستعماری امپریالیسم امریکا و انگلستان، با توطئه های ضدخلقی محمد رضا پهلوی و خاندان فاسد وی، با مالکان قندهال، با سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و در راه استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی بی امان و دلیرانه مبارزه کرد. حزب توده ایران، که به خلق، و بویژه به زحمتکشان شهر و ده، و در صرف مقدم آنان طبقه کارگر ایران تکیه داشت، منشاء خدمات بزرگ به آگاهی، تشکل، و مبارزه طبقات زحمتکش در راه حقوق حقه خویش گردید. بسبب همین سیاست ضد امپریالیستی و ضد ارجاعی، بسبب همین پیکار خستگی ناپذیر در راه استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی، بسبب همین ماهیت توده ای و خلقی بود که حزب توده ایران براثر توطئه امپریالیسم و ارجاع، غیر قانونی اعلام گردید.

هدف امپریالیسم و ارجاع از غیر قانونی کردن حزب توده ایران این بود که پیوند حزب را

با توده ها بگسلنده، برای سرکوب هرجنبش و سازمان متقی بهانه ای بتراشند، از اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک جلوگیرند و در برابر گسترش جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران سدی بسازند. ولی حزب توده ایران، توانت با ایجاد بزرگترین سازمان پنهانی، که تاریخ ایران بیاد ندارد، با تلفیق کار مخفی و علنی، و برغم شدیدترین فشارها و بزرگترین دشواریها، نقش شایسته خود را در جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران، از جمله در جنبش ملی کردن صنایع نفت، در عقیم گذاردن توطنه ها و دسائی امپریالیسم و ارتجاع و در دفاع از حقوق و منافع طبقه کارگر، همه زحمتکشان و عموم خلق ایفا کند.

پس از کودتای امپریالیستی مرداد ۱۳۳۲، که منجر به سقوط حکومت ملی دکتر مصدق و استقرار رژیم استبدادی واپسی به امپریالیسم محمد رضا پهلوی گردید، حزب توده ایران، با اینکه هدف شدیدترین فشارهای رژیم ساواکی بود، در صف مقدم مبارزه با این رژیم قرار گرفت، و بویژه با اعلام برنامه خویش، نقش افشاگرانه، روشنگرانه و بسیج کننده عظیمی بازی کرد که از عوامل موثر جنبش انقلابی کنونی مردم ایران است.

در دوران سلطنت ننگین محمد رضا پهلوی، هزاران تن از اعضاء و فعالان حزب زندانی شدند، شکنجه دیلند، شهید شدند، و مجبور به مهاجرت گردیدند. ولی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، حزب ارانی ها، سیامک ها، روزبه ها، ابراهیمی ها، حکمت جوها و تیزابی ها پرچم پیکار در راه آرمان مقدس خلق را همواره افراس্তه نگاهداشت.

اینکه جنبش انقلابی، ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران، بر اثر اتحاد، فدایکاری و قهرمانی کم نظری مردم ایران به پیروزیهای بزرگی دست یافته، حزب توده ایران، که بنوی خود تمام نیروی خویش را برای پیروزی این جنبش بکاربرد و مبیرد، پشتیبانی مجدد خود را از حضرت آیت الله العظمی خمینی و برنامه ایشان بخاطر استقرار جمهوری، تشکیل مجلس موسسان بر پایه آراء آزاد و عمومی مردم، تدوین قانون اساسی جدید، تشکیل دولت ملی و دموکراتیک، طرد امپریالیسم، بسیگردگی امپریالیسم امریکا، تامین استقلال ملی، حفظ تمامیت ارضی، استقرار حقوق و آزادیهای دموکراتیک، سالم سازی اقتصاد ملی و بهبود زندگی مردم — که برنامه حزب توده ایران در مرحله کنونی انقلاب نیز هست — اعلام میدارد.

حزب توده ایران شرط مقدم نیل به هدفهای جنبش انقلابی مردم ایران را اتحاد همه نیروهای شرکت کننده در این جنبش، صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و فلسفی میداند و از همینجاست که دست دوستی و اتحاد بسوی سایر نیروهای ملی و دموکراتیک، دیگر احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیت های ملی و دموکراتیک، و در پیشایش آنان، حضرت آیت الله العظمی خمینی و هوادانشان دراز کرده است.

جامعه ما بخاطر تکامل سالم و سریع خویش، بوجود حزبی مبارز، آگاه، خلاق و دارای پایگاه اجتماعی محکم، چون حزب توده ایران نیاز حیاتی دارد. ما اطمینان داریم که زحمتکشان شهر و ده و در پیشایش آنان، طبقه کارگر آگاه و قهرمان ایران، فعالیت علنی حزب توده ایران را حادثه خجسته ای خواهند شمرد و از حزب خود با تمام نیرو پشتیبانی خواهند کرد. ما امیدواریم که نیروهای ملی و دموکراتیک دیگر جامعه نیز، با همین برحورده، با تجدید فعالیت

علنی حزب ما روبرو شوند، چنانکه ما نیز فعالیت علنی و حقوق دموکراتیک آنان را با همین دیده مینگریم.

حزب توده ایران از همه رفاقت و دوستان و هواداران خوش می خواهد که با نظام و انصیباط، با درک و آگاهی، با اصولیت و پیکار جوئی، چنانکه در خورد حزبی دارای سنت طولانی مبارزه و نامی پر اعتبار و تجارت غنی است، برای احیاء هر چه سرعت زامانهای حزبی در همه شهرها و شهرکها و روستاهای، در همه کارخانه‌ها، ادارات و بنگاهها، در همه مدارس، دانشگاهها و مراکز آموزشی، با خردمندی، ممتاز، استواری و پیگیری عمل کنند. ما راهی دراز و دشوار و پر افتخار در پیش داریم. بسبب صداقت، صمیمیت، استواری و پیگیری ما نسبت به منافع مردم، مسلماً مردم، دوست، پشتیبان و تکیه گاه ما هستند، و این خود ضامن کامیابیهای روز افزون ماست. در عین حال بسبب همین صداقت، صمیمیت، استواری و پیگیری نسبت به منافع مردم، ما، در وجود امپریالیسم و ارتقاب و عمال آنها، دشمنان زنگارانگی خواهیم داشت که با شیوه‌های گوناگون با ما سیز خواهند جست و لذا ضرور است که با هشیاری و دیده باز، نیرنگها و توطنه‌های خصم‌مانه آنها را عقیم گذاریم و با جسارت و خردمندی با آنها مقابله کنیم.

باید خود را سزاوار نام توده‌ای، سزاوار خون گلرنگ شهیدان حزب و انقلاب، سزاوار جهان بینی مترقی و منطق علمی خود نشان دهم! باید همه جا عامل اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک باشیم! باید همه جا در رده‌های اول نبرد ضد امپریالیستی و دموکراتیک بایستیم! باید همه جا نمونه فکر و عمل و رفتار درست قرار گیریم! باید همه جا بکام خلق برویم! باید همه جا نام توده‌ای را سرفراز کنیم.

حزب توده ایران دوران نوین فعالیت علنی خود را با بهره جوئی از تجارت غنی گذشته و با اعتماد به یاری و پشتیبانی مردم آغاز می‌کند.

▪ افتخار جاویدان به مردم قهرمان ایران!

▪ زنده باد حزب توده ایران — حزب طبقه کارگر ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۷ بهمن ۲۲

درباره شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران اخیراً برگزار شد و با موفقیت کامل بکارهای خود پایان داد. یکرشته مسائل عمده سیاسی و سازمانی، که برای فعالیت حزب در سر آغاز مرحله دوم انقلاب پیروزمند ملی و دموکراتیک خلق دارای اهمیت درجه اول است، در دستور کار پلنوم قرار داشت. عدهه ترین آنها بقرار زیرین است:

۱- گزارش هیئت اجرائی کمیته مرکزی حزب توده ایران به شانزدهمین پلنوم توسط رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی،

۲- پیشنهاد های پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به همه نیروهای ملی و مترقبی در باره تحول بنیادی جامعه ما و ضرورت ایجاد جبهه متعدد خلق،

۳- اتخاذ یکرشته تصمیم در جهت تکمیل رهبری حزب.

پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی، با تأیید گزارش هیئت اجرائی، گام مهمی در راه روش ساختن مواضع سیاسی و خط مشی و وظایف مبرم حزب در شرایط بغرنج کنونی حیات اجتماعی و سیاسی ایران برداشت. گزارش مورد تصویب پلنوم، در بخش مربوط به وضع جهان، موضوعگیری حزب مارا در یکرشته مسائل عمده بنی المللی مشخص می‌سازد. در بخش عمده گزارش، خصلت ملی و دموکراتیک انقلاب ایران و علل بروز اثرات عمیق آن در جامعه ما و نتایجی که از این بررسی برای فعالیت آینده حزب ما ناشی می‌شود، تشریح می‌گردد. متن این گزارش در مطبوعات حزب نشر خواهد یافت.

پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران پیشنهادهای مشخص برای ایجاد تحول بنیادی در جامعه ایران و بمنظور ایجاد «جبهه متعدد خلق» تصویب رساند. پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی بر آنست که این برنامه میتواند همه نیروهای مدافعان انقلاب ملی و دموکراتیک خلق قهرمان ایران را — از مبارزان پیگیر راه آیت الله خمینی گرفته تا حزب توده ایران و سایر

نیروهای انقلابی — در یک جبهه متحد گرد آورد.

شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی، پس از تایید اینکه بخشی از آنچه کمیته مرکزی بعنوان هدفهای جنبش انقلابی ایران در برنامه حزب برداشتی طرح کرده بود، بهمت انقلابی خلقهای ایران جامه عمل پوشیده، به هیئت اجرائیه کمیته مرکزی مأموریت داد، با در نظر گرفتن این امر که اوضاع کشور ما و جهان از تاریخ تدوین این برنامه گامها بجلو رفته و تحولات مشتبی در جهان و در میهن ما بوجود آمده، در کوتاه ترین مدت نوسازی ضرور را در متن برنامه تدارک بیند و همچنین در اساسنامه مناسب با شرایط مشخص امروزه، تغییرات لازم را وارد کند.

پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی طی قطعنامه ویژه ای، تصمیمات اجلاسیه ۲۳ دیماه ۱۳۵۷ هیئت اجرائیه را در باره تغییر در ترکیب هیئت دبیران و هیئت اجرائیه، از جمله انتخاب رفیق کیانوری، را بسمت دبیر اول کمیته مرکزی، مورد تأیید قرار داد.

علاوه بر استناد مهم نامبرده، یک سلسله استناد دیگر، از جمله پیامی خطاب به مردم مبارز و قهرمان ایران و نامه ای خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست و یتنام، مورد تصویب پلنوم شانزدهم قرار گرفت.

بی شک پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی، چه از لحاظ ماهیت تصمیماتی که اتخاذ نموده است و چه از لحاظ سطح بالای اصولیت و وحدت نظر اعضای آن، مقام مهمی را در تاریخ حزب ما احراز خواهد کرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اسفند ماه ۱۳۵۷

به شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز،

گزارش هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران که اکنون به پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب تقدیم می شود، شامل چهار بخش است. بخش اول مختصمن یک بررسی اجمالی از وضع کنونی جهان، بخش دوم حاکی از یک بررسی از وضع کشور و جنبش انقلابی میهن ما، بخش سوم شمۀ ای درباره فعالیت سیاسی و سازمانی حزب در فاصلۀ میان پلنوم پانزدهم و این پلنوم و سرانجام بخش چهارم طرح آن وظایفی است که در شرایط کنونی در برابر حزب ما قرار گرفته است.

ولی پیش از ورود به اصل مطلب، بجاست نکته ای چند درباره اهمیت لحظه کنونی و پلنومی که اینک تشکیل شده است یادآور شویم:

جن بش انقلابی گستره‌ای که از لحاظ بسیاری مختصات خود کم نظر و سراسر میهن ما را فرا گرفته، به مرحله نخستین پیروزی خود دست یافته است. در این جنبش توده‌های چندمیلیونی مردم در شهر و ده، با ارخود گذشتگی، با پیگیری و بدون کوچکترین هراس از مرگ، برای رسیدن به هدف‌های والاً ضد امپریالیستی و دموکراتیک، با اراده‌ای آهنین و روحیه‌ای حماسی، پا در میدان تبرد گذاشتند و رزیدند.

مبارزات درخشنان مردم ایران و پیروزی‌هایی که هم اکنون بدست آورده اند اعجاب و تحسین همه انسان‌های شریف هادار آزادی و پیشرفت اجتماعی را در سراسر جهان برانگیخته است و دل‌ها را با آرزوی کامیابی بازهم درخشنان‌تر این جنبش در تپش نگاه می‌دارد. آنچه این پیروزی تاریخی را ممکن ساخت، در درجه اول اراده شکست ناپذیر و مبارزه پیگیر مردم ایران بود. در کنار این عامل تعیین کننده، تغییرات عظیمی که در سال‌های اخیر در

صحنه جهانی، در تناسب نیروها به زبان امپریالیسم و به سود نیروهای ضدامپریالیستی و دموکراتیک به وجود آمد، تأثیر عمیقی در ایجاد شرایط مساعد برای کامیابی مبارزات مردم ایران داشت.

دشمنان بشریت، غارتگران امپریالیستی، مرتجلین و کارگزاران رنگارنگشان در جهان و ایران، که از به لرزه درآمدن و فروریختن یکی از عمدترین پایگاه‌های جنگ و تجاوز و غارتگری خود به وحشت افتدادند، تمام تلاش خویش را برای جلوگیری از بسط و تحکیم پیروزی‌های به دست آمده این جنبش، به کار می‌برند.

در چنین لحظه‌ای است که پلنوم کمیته مرکزی حزب تشکیل می‌شود و روشن است که تشکیل پلنوم در این لحظات حساس تاریخی، وظایف بسیار با اهمیت و سنگینی را در برابرشن مطرح می‌سازد.

پلنوم ما باید لحظه کنونی را در جنبش انقلابی ایران همه جانبه مورد ارزیابی قرار دهد و وظایف حزب را برای یک مرحله بسیار پراهمیت تاریخی تعیین نماید.

آنچه ما در این اجلاسیه درباره آن تصمیم خواهیم گرفت سیاست حزب را برای یک دوران بسیار خطیر در تاریخ کشور ما و نقش حزب را در مجمع جنبش انقلابی ایران و نبردش را در راه استقلال ملی و دمکراسی و پیشرفت اجتماعی، در شرایط مشخص کنونی روشن خواهد ساخت.

ما امیدواریم و اطمینان داریم که پلنوم کمیته مرکزی وظایف فوق العاده مهم خود را با احساس مسئولیت تاریخی خویش انجام خواهد داد.

اینکه پس از این مقدمه مختصراً درباره حساسیت لحظه و اهمیت جلسه حاضر، اجازه دهید به بخش‌های اساسی گزارش پردازیم:

۱. بررسی اجمالی از وضع جهان امروز

آنچه امروز در سراسر جهان می‌گذرد تأثیر روشن از احکامی است که جنبش کمونیستی و کارگری جهان در کنفرانس عمومی سال ۱۹۶۹ خود بیان داشت و پیش‌بینی نمود و در برنامه حزب تude ایران نیز منعکس است.

رویدادهای مختلف جهان امروز حاکی از آنست که بحران عمومی نظام سرمایه‌داری (که خود این بحران عمومی از دوران جنگ اول جهانی و انقلاب اکبر آغاز گردیده بود)، پس از پیروزی جهانی – تاریخی اتحادشوروی بر دد فاشیسم، وارد مرحله دوم خود گردید. این بحران از چند سال پیش به این طرف (یعنی بویژه از سال‌های پنجماه، و فرو ریختن نظام استعماری امپریالیستی) و این بار بدون جنگ، وارد مرحله سوم خود شد و پیش از پیش رو به حدت

تشدید تضادهای درون اردوگاه امپریالیستی در گسترهای مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیک وغیره، سراسر نظام غارتگر امپریالیستی را در جهان باتب و لرز تازه ای دست به گریان ساخته و اقدامات سراسری زمامداران جهان امپریالیستی برای عنان زدن بر جلوه های مختلف بحران بیش از پیش بی ثمری خود را نشان می دهد.

تحت تأثیر این بحران و با تشدید بی سابقه تضادهای امپریالیسم در مجموعه خود، این نظام ستمگر و غارتگر در صحنه جهانی دمدم ضعیف تر می گردد و هارترین محاذی تجاوز کار آن منفردتر می شوند و دامنه امکانات امپریالیسم برای حفظ مواضع خویش تنگ تر می گردد.

از سوی دیگر، جبهه عظیم نیروهای ضد امپریالیستی جهان گسترش روزافزونی می یابد و از لحظه کمی و کیفی بیش از پیش نبروندند می شود. این تحول کمی و کیفی بطور چشمگیری در هر سه بخش جنبش گستردۀ ضد امپریالیستی و انقلابی دوران ما یعنی سوسیالیسم، جنبش انقلابی کارگری، جنبش رهائی بخش ملی دیده می شود.

جامعه کشورهای سوسیالیستی در داخل خود، علیرغم برخی تأثیرات منفی بحران های رنگارنگ دنیای سرمایه داری، از رشد مزون و بدون بحران، از گسترش شکوفان در عرصه های مادی و معنوی برخوردار است. اعتبار و حیثیت این کشورها و در پیش اپیش آن ها اتحاد شوروی، که سنگر مقندر جبهه عظیم نیروهای ضد امپریالیستی است، در میان خلق های سراسر جهان هر روز اوج بیشتری می گیرد.

سیاست جهانی جامعه کشورهای سوسیالیستی مبنی است بر تحکیم صلح، همزیستی و خشی ساختن دیسیسه های رنگارنگ محاذی امپریالیستی و هدف این دیسیسه ها یعنی تشدید و خامت اوضاع بین المللی و تهیه زمینه مساعد برای تحمیل مسابقة تسلیحاتی، تحمیل مجدد جنگ سرد در مناسبات بین المللی و به راه انداختن جنگ های منطقه ای و اگر قادر باشد حتی جنگ جهانی.

اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از راه مبارزه برای تحکیم صلح جهانی و همزیستی مسالمت آمیز، مبارزه برای محدود ساختن سلاح ها تا حد تحقق خلع سلاح عمومی، پشتیبانی همه جانبه از جنبش های آزادیبخش ملی، می کوشند تا این توطه ها و دیسیسه های امپریالیستی را عقیم سازند و صلح جهانی را به سوی پیروزی ببرند و خلع سلاح و در درجه اول در زمینه سلاح های استراتژیک را عملی کنند. رهبری حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی و برآس آن رفیق برزنف سیاست سرشار از ابتکار و پرنرمش و مبنی بر اصولیت و علمیت عمیق را که از منافع بنیادی خلق های جهان ناشی می شود، در این زمینه دنبال می کنند. راز موفقیت های بزرگ این سیاست خارجی لتبی درست در همین جاست که این سیاست همروند با مقتضیات تکامل تاریخی و هماهنگ با تمایلات خلق های جهان گام برمی دارد، لبذا از پشتیبانی خلق ها برخوردار است.

بخش دیگر جبهه جهانی ضدامپریالیستی، یعنی جنبش‌های رهائی بخش ملی در سراسر کشورهای «دنیای سوم» در حال گسترش بی سابقه‌ای است. تنها در هشت سالی که از آغاز دهه ۷۰ می‌گذرد، دنیای ما شاهد پیروزی‌های عظیم خلق‌ها درویت‌نم، لائوس، کامبوج، موزامبیک، آنگولا، گینه بسائو، اتیوپی، افغانستان، یعنی جنوبی و غربی کامبیاها بزرگ در مبارزه خلق‌ها در برخی دیگر از کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین بوده است.

تقریباً در تمام کشورهای این بخش عظیم از جهان، جنبش نه تنها از لحاظ کمی قدرت بیشتری یافته، بلکه از لحاظ کیفی نیز به مرحله عالی تری از مبارزه برای استقلال ملی، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی گام گذاشته است. نقش رهبری طبقه کارگر در این جنبش‌ها هم از راه مستقیم و هم از راه غیرمستقیم یعنی از راه تأثیر معنوی جنبش کارگری جهانی هر روز بیشتر به عامل تعیین کننده‌ای در سیر تکامل جوامع بشری مبدل می‌گردد.

نه تنها در کشورهایی که از آن‌ها نام برده‌یم، بلکه همچنین در کشورهای دیگر (مانند ماداگاسکار، جمهوری بنین، جمهوری گینه، تانزانیا، الجزایر و غیره) جنبش ضدامپریالیستی و دموکراتیک گام‌های بزرگی به پیش و در جهت سمتگیری سوسیالیستی برای تکامل آینده جامعه برمی‌دارد. در اثر این تکامل شکرف، علیرغم کامبیابی برخی توظیه‌های خائنانه امپریالیستی مثلًا در شیلی، با چرخش ارتجاعی در روش مصر و نظری آنها، پایه‌های تسلط غارتگرانه و تجاوز کارانه امپریالیستی در «دنیای سوم» هر روز متازل‌تر می‌شود و حملات جنبش‌های رهائی بخش ملی براین پایه‌ها هر روز گسترده‌تر و نیرومندتر می‌گردد.

بخش دیگر جبهه عظیم جهانی نیروهای ضدامپریالیستی یعنی جنبش کارگری و دموکراتیک در کشورهای سرمایه‌داری پیش افتاده با سرعت بی سابقه‌ای نسبت به سال‌های پیش در حال گسترش کمی و کیفی است. مبارزات طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی هم از جهت کمی و هم از جهت کیفی به ابعاد تازه‌ای دست یافته است. در این کشورها مبارزه طبقه کارگر دیگر در چهار چوب مطالبات روزمره اقتصادی باقی نمی‌ماند، بلکه لزوم مبارزه با اثرات و عواقب ناگوار بهره‌جویی انحصارهای سرمایه‌داری از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی به زیان طبقه کارگر و سایر زحمتکشان، هر روز بیشتر به صورت مسئله حاد مبارزات طبقه کارگر و سایر قشراهای زحمتکش جامعه درمی‌آید، و بیش از پیش ناتوانی سیستم سرمایه‌داری برای حل معضلات مزمن خود مانند تورم و بیکاری آشکار و ضرورت یک تحول بنیادی در نظام اجتماعی به ثبات می‌رسد.

محاذل حاکمه سرمایه‌داری انحصاری کشورهای غربی که از این رشد کمی و کیفی جنبش کارگری به وحشت افتاده‌اند می‌کوشند تا آزادی‌های دموکراتیک را محدود سازند و در صورت امکان با تقویت گرایش‌های نوشاپیستی، تا حد مسلط ساختن در پرده یا بی‌پرده این گرایش‌ها بر سرنوشت سیاسی کشور، شرایط اجتماعی را برای تحمل سیاست غارتگرانه خویش و انداختن بار سنگین معضلات ناشی از بحران اقتصادی بردوش زحمتکشان آماده سازند. در

مقابل این توطئه محافظ حاکمه امپریالیستی، مبارزه نیروهای دمکراتیک جامعه هر روز شدت و گسترش بیشتری پیدا می کند.

پیروزی نیروهای دمکراتیک در پرتقال، یونان و اسپانی که با درهم کوفته شدن رژیم های فاشیستی توأم بود، علی رغم پشتیبانی محافظ امپریالیستی از این رژیم ها، نمونه ای از گسترش مبارزات دمکراتیک در کشورهای سرمایه داری غرب است.

تبیغات محافظ امپریالیستی برای فریب خلق های خود، هر روز کم اثرتر می شود. بدین مناسبت به جاست یادآورشویم که علی رغم همه تبلیغات محافظ امپریالیستی ایالات متحده آمریکا و بوئریه محافظ وابسته به مجتمع نظامی – صنعتی علیه دولتی و همزیستی با اتحاد شوروی، در سال های اخیر تعداد هوازداران گسترش این دولتی و همزیستی و تأیید کنندگان لزوم انعقاد هرچه زودتر قرارداد در زمینه محدود کردن سلاح های استراتژیک هسته ای، پیوسته افزایش می یابد. وطی آخرین همه پرسی آزمایشی، اکنون ۸۰درصد از مردم ایالات متحده را در بر می گیرد. جنبش انقلابی کارگری در مقیاس جهانی، راه رشد کیفی عمیقی را طی می کند. تردیدی نیست که این جنبش، که در شرایط بسیار متنوع و به صورتی هرچه خلاق تر عمل می کند، نه تنها وحدت رزمی خود را علیه امپریالیسم حفظ خواهد کرد، بلکه آن را بیش از پیش تحکیم و تعمیق خواهد نمود.

بدینسان می توان گفت که رشد پیشگیر و بدون وقفه همه بخش های جبهه عظیم نیروهای ضد امپریالیستی و انقلابی جهان، یکی ازویژگی های برجسته تکامل تاریخی دوران ماست. ویژگی دیگر مرحله کنونی در آنست که به موازات نیرومندتر شدن بخش های نامبرده جبهه عظیم نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی، پیوند همیستگی میان این سه بخش، علی رغم همه دسیسه های محافظ امپریالیستی، هر روز استوارتر و نیرومندتر می گردد. جنبش رهائی بخش ملی، خواه در کشورهایی که استقلال و آزادی به دست آورده اند، خواه در کشورهایی که هنوز برای استقلال و آزادی نبرد می کنند، هر روز بیشتر به لزوم تحکیم این هم پیوستگی پی می بزند و در این راه گام برمی دارند. این هم پیوستگی اکنون اهمیت بیشتری کسب می کند، زیرا از دیرینه ای رهبران کنونی چن راه انقلاب پراختخار خلق چین را که بر پایه های نیرومند اتحاد با اتحاد جماهیر شوروی، پشتیبانی از جنبش های آزادی بخش ملی و مبارزه بسی امان علیه امپریالیسم استوار بود، ترک گفته و به راه دشمنی آشکار با کشورهای سوسیالیستی و جنبش های اصیل کارگری و جنبش های راستین رهائی بخش ملی و سازش بی پرده با سیاه ترین نیروهای امپریالیسم و ارتیجاع گام گذاشته اند.

هدف این سیاست زیان بخش و خطرونا ک رهبران کنونی پکن، به طور روشن، رسیدن به سیطره جهانی چین از راه تدارک بی پرده یک ائتلاف جهانی از نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی و چین علیه اتحاد شوروی و روشن کردن آتش جنگ جهانسوز سوم جهانی است. رهبران چین که تا چند سال قبل نقاب ماورای انقلابی بر چهره داشتند و اتحاد شوروی و سایر

کشورهای سوسیالیستی و اکثریت احزاب کمونیستی و کارگری را به سازش با امیر بالیسم متهم می‌نمودند، پس از آن که از این سیاست دو رویانه خود بهره‌ای نبردند نقاب از چهره برگرفته و به سازش آشکار با جلادانی مانند شاه سابق ایران و فاشیست‌های شیلی، نژادپرستان آفریقای جنوبی و اسرائیل و با متجاوزت‌زین و جنگ افروزترین معافل انحصاری بین‌المللی دست زدند. این خیانت آشکار به مارکسیسم – لنینیسم، به انترناسیونالیسم پرولتری، به همبستگی رحمتکشان جهان علیه تجاوز امپریالیستی از طرف رهبران کنونی چین، زیان‌های جبران ناپذیری به مبارزهٔ خلق‌ها در راه استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی وارد ساخته و بدون تردید در آینده نیز وارد خواهد ساخت. ولی چنان که گفتیم و همانطور که امروز شاهد آن هستیم مردم بیدار جهان چهرهٔ ناهنجار این خائنین به جنبش جهانی ضدامپریالیستی را شناخته‌اند و با تمام نیرو علیه تحریکاتشان مبارزه می‌کنند و مبارزهٔ خواهند کرد.

رهبران پکن کار را به آنجا کشاندند که برای جلب حمایت معافل امپریالیستی به مشمر کننده‌ترین تحریکات سیاسی و نظامی علیه همه نیروهای متقدی جهان و بویژه علیه کشورهای سوسیالیستی همسایه خود یعنی اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی و یتنام دست زدند.

رهبران پکن گروه‌های منحط و آدمکش پول پوت و ینگ ساری را به حملات تجاوز‌کارانه علیه و یتنام تجهیز و تشویق نمودند و پس از شکست و سرنگونی این دارودسته از طرف نیروهای جبهه مقاومت ملی کامبوج، حمله مستقیم نظامی علیه و یتنام را تدارک دیدند و با نهایت بی‌شرمی به چنین تجاوزی دست زدند. این اقدام تبه کارانه رهبران پکن علیه یک کشور سوسیالیستی قهرمان بدون شک خشم و نفرت همگانی جهان را شدیدتر خواهد کرد.

امروز شعار عمدۀ سیاسی رهبران مرتد چین عبارتست از تشکیل جبهه متحده از چین، آمریکا، اروپای غربی، ژاپن و همه کشورهای ارتجاعی در «دنیای سوم» مانند شیلی و آفریقای جنوبی و اسرائیل و... برای نابود کردن اتحاد شوروی و کشورهای جامعه سوسیالیستی. رهبران پکن اگر انتقادی هم به امپریالیسم داشته باشند درآنست که چرا برای سرکوب جنبش مردم با خشونت بیشتری عمل نمی‌کنند! اظهاریه دن‌سیاست‌پیوند در توکیو علیه جنبش ایران واقعاً سند ننگ این رهبران است. جا دارد ما اشمّاز کامل خود را از این اظهارات در اینجا بیان داریم.

اینست سرانجام انحراف از اصول مارکسیسم – لنینیسم و از انترناسیونالیسم پرولتری – خیانت آشکار به جنبش انقلابی.

موقعیگیری محکوم کنندهٔ حزب کارآلانی را که از آغاز انشعاب مائوئیستی از جنبش جهانی کمونیستی، پیگیرترین متحد رهبران چین بود می‌توان یکی از نشانه‌های گویای رسموایی سیاست خائنانه رهبران کنونی چین دانست.

تردیدی نیست که این بار هم مانند گذشته توطئهٔ ننگین و اتحاد نامقدس

امپریالیسم جهانی، رهبران ناسیونالیست و توسعه طلب چین، مرتजعین کشورهای زیر نفوذ امپریالیسم در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، در مبارزه با جبهه نیرومند ضد امپریالیستی با ناکامی و شکست رو برو خواهد شد و این ناکامی اجتناب ناپذیر نیروهای ارجاعی، آغاز مرحله تازه‌ای از پیشرفت پرتاب و بازگشت ناپذیر هاداران صلح و دمکراسی و سوسیالیسم در سراسر جهان خواهد بود.

۲. درباره جنبش انقلابی کنونی ایران

کلیه رویدادهای ایران در جریان نزدیک به چهار سالی که از پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی می‌گذرد، درستی ارزیابی‌های پلنوم کمیته مرکزی را مورد تأیید قرار داده است. در این مدت سیاست رژیم سابق، در جهت هم پیوندی اقتصاد کشور ما با سرمایه‌های امپریالیستی هر روز بیشتر تشدید شد. ترور و اختناق به عنوان وسیله برای پیاده کردن سیاست ضدملی، ضدموکراتیک و غارتگرانه، با شدت بی سابقه ای بسط یافت و اسلوب‌های فاشیستی آشکار به صورت روش رسمی وعلنی رژیم درآمد.

سیاست نظامی گری و تسليحات عنان گسیخته به اعلی درجه شدت خود رسید. رژیم سرنگون شده پهلوی در کنار مرجع تین مخالف جنگ طلب و غارتگر امپریالیستی و در نقش راندار منطقه با توصل آشکار به روش‌های استیلاجویانه و مداخله گرانه علیه جنبش‌های رهائی بخش منطقه، هر روز بیشتر مسلح شد و امنیت منطقه را بخطر انداخت.

درآمد نفت به طور عمده برای اجرای این سیاست نظامی گری و تأمین تاراج بی بندو بار امپریالیسم و گردانندگان رژیم سابق مصرف گردید.

در پنج سال اخیر رژیم شاه نزدیک به ۳۸ میلیارد دلار از درآمد نفت را برای خرید اسلحه تلف کرده است، که نیمی از این مبلغ از آمریکا و نیم دیگر از انگلستان و آلمان غربی و فرانسه بوده است. ایران با وجود ضعف و عقب افتادگی عمومی اقتصادیش و با آن که از هیچ سوی مورد تهدید نظامی قرار نداشت، از لحاظ میزان و نوع و ارزش تسليحات غیراتومی در دنیا سرمایه داری پس از ایالات متحده آمریکا مقام دوم را احراز کرد و حتی از این جمیت از آلمان فدرال که بیش از شصت میلیون جمعیت دارد و یکی از ثروتمندترین کشورهای امپریالیستی جهان است، جلو افتاد.

به پیروی از این سیاست ضدملی، رژیم سابق، ایران را به صورت یکی از سنگرهای مقدم جبهه عمومی جنگ و تجاوز امپریالیستی علیه اتحاد شوری و خانواده کشورهای سوسیالیستی درآورد. در سالهای اخیر تعداد کارشناسان امریکایی برای تسليحات و تجهیزات ارتش ایران از چهل هزار نفر تجاوز کرد و در حقیقت ارتش ایران به زائد ارتش امریکا و مجری

هدفهای استراتژیک آن علیه اتحاد شوروی مبدل گردید. امریکائیها با پول نفت ایران در سراسر سرحدات ایران و شوروی که طبق ادعای خدنه «گرانه شاه سابق گویا» «سرحدات دوستی و حسن تفاهم» بود، مدرنترین دستگاههای جاسوسی خود را برای گرفتن اطلاعات از درون شوروی مستقر ساختند. طبق اظهار صریح مفسرین امریکائی، ایران به مهمنترين مرکز جهانی امپرياليسم برای گرفتن اطلاعات جاسوسی از شوروی بدل گردید.

در مورد غارت سرمایه‌های امپریاليستی کافیست این اعتراف محافل آمریکائی را یادآور شویم که سرمایه‌داران آمریکائی از هر دلار سرمایه گذاری در ایران، هرسال بیش از ۳۳ دلار سود خارج می‌ساختند (یعنی بیش از سیصد درصد). مقایسه این عدد با سودهای عادی سرمایه‌ها در خود کشورهای امپریاليستی که از حدود ۱۰ - ۱۵ و یا در بهترین شرایط ۲۰ درصد تجاوز نمی‌کند، نشان دهنده میزان غارت امپریاليستی است. این‌ها نیز واقعیات و ارقام افشاگر و محکوم کننده‌ای است.

در مورد غارت گری یک قشر کوچک بالائی یا الیگارشی ایران کافی است به این واقعیت اشاره شود که طبق آمار منتشره از طرف محافل اقتصادی آلمان غربی (که بدون تردید خود از هواداران و پشتیبانان رژیم غارتگر شاه سابق بوده‌اند) در ایران قشری که کمتر از یک صدم جمعیت را تشکیل می‌دهد، مالک بیش از ۸۰ درصد تمام ثروت ملی کشور بود و با این که طبق ادعای شاه سابق گویا درآمد متوسط سرانه در ایران بیش از ۱۰ هزار تومان در سال بود، درآمد واقعی سرانه بیش از ۹۰ درصد جمعیت ایران (یعنی ده‌هزاران زحمتکش و کارگران) حداقل یک دوازدهم و حداکثر یک پنجم آن درآمد متوسط است و بقیه به طور عمده به وسیله امپریاليست‌ها و خاندان پهلوی، الیگارشی و عمال وابسته به آن‌ها غارت شده و به بانک‌های کشورهای امپریاليستی انتقال یافته است.

برای آن که روشن شود شاه سابق و رژیمش با ثروت ملی ما با چه روش راهزنانه‌ای رفتار کرده‌اند ذکر برخی ارقام بی فایده نیست:

از یکصد میلیارد دلار درآمد نفت ایران در پنج سال گذشته ۳۸ میلیارد برای خرید اسلحه از آمریکا، انگلستان، آلمان غربی و فرانسه به دور ریخته شده است، ۲۶ میلیارد دلار به کشورهای خارجی انتقال داده شده که سرنوشت‌شش معلوم نیست. از ۳۶ میلیارد دلار بقیه که ظاهراً برای مخارج داخل کشور مصرف شده است، بخش عمده‌اش را خانواده شاه سابق و دستیارانشان از راه مقاطعه کاری، انحصار خرید، و اعتبارات به جیب خود ریخته و به بانک‌های خارجی انتقال داده‌اند.

با این همه ثروت ارزی، اکنون ایران بیش از ۹ میلیارد دلار به بانک‌های امپریاليستی مفروض است که بابت اصل و فرع آن سالیانه ۲ میلیارد دلار باید بپردازد. اینست نمونه‌هایی از سیاست خانمانسوز غارت امپریاليستی و ارتاجاعی در ایران.

در نتیجه این سیاست ضد ملی و تاراج گرانه، اقتصاد ایران دچار بحران علاج ناپذیری

گردید. پدیده‌های رکود، ورشکستگی در اقتصاد کشاورزی، در صنایع ملی هر روز شدت بیشتر یافت. تورم بی بندوبار (که در سال‌های اخیر به بیش از ۴۰ درصد در سال می‌رسید) شیرازه اقتصاد کشور را از هم گسخت. زندگی مردم نه تنها قشرهای عظیم میلیونی رحمت کشان، بلکه حتی قشرهای متوسط شهری، که امکان برداشتن سهمی از انبیوه عظیم غارت و چپاول را نداشتند، روز بروز بدتر و سخت‌تر گردید. در این شرایط به طور طبیعی جنبش اعتراضی قشرهای گوناگون مردم شدت گرفت. ولی رژیم سابق با توصل به اختناق سیاسی به دست سواک‌ها حتی هر اعتصاب کارگری ساده و هر جریان مطالباتی کارمندان را وحشیانه و با برابریت تبهکارانه‌ای سرکوب کرد و در اکثر موارد هرگونه مقاومت را به خون کشید.

بدتر شدن شرایط مادی زندگی مردم به شکل بی سابقه، تشدید روزافرون اختناق و ترور سیاسی، برملا شدن یغماگری عنان گسخته سرمایه‌داری انحصاری امپریالیستی که با سراسر بر کردن ده‌ها هزار زالوی خون آشام به نام کارشناس شیره حیاتی کشور را می‌مکیدند، و همچین چپاول بی بندوبار شاه سابق و خانواده‌اش و دستیاران و کارگزاران رژیم دیکتاتوری با غارت سرمایه‌های بزرگ داخلی وابسته به امپریالیسم همراه با تأثیرات بحران سرمایه‌داری که رشد ناهمجار سرمایه‌داری وابسته، آنرا به شکل فلاکت آمیزی در جامعه ایران منعکس می‌ساخت – همه و همه شرایط را برای آن که ناخشندی عمومی به سرحد انفجار پرسد و وضع انقلابی در کشور ما پدید آید، آماده‌ساخت.

جنبش ناخشندی و اعتراضی که در سال گذشته تا سطح جنبش انقلابی و کم‌نظری اعلناً یافت با مبارزات کارگران برای بهبود شرایط زندگی و مبارزات دانشجویان و جوانان برای استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی آغاز گردید. اعتصابات پرتawan کارگری که در بهار سال ۱۳۵۶ بویژه در شاهی و سمنان و تهران و کرج به اوج مبارزه جویانه خود رسید و تنها با کمک نیروهای مسلح که اعتصاب را به خون کشیدند سرکوب شد، و همچین اعتصابات و تظاهرات پرداخته دانشجویان مبارز را می‌توان به درستی طلایه و آغازگر جنبش انقلابی کوئی ایران دانست. با این اعتصابات و تظاهرات معلوم بود که عمدۀ ترین تضادهای درون جامعه ایران دیگر به آن درجه‌ای از حدت و شدت رسیده است که نه سیاست ترور و اختناق فاشیستی، نه عوام‌سفری‌بی و ظاهرسازی و وعده‌های دروغ، هیچ کدام قادر به حل آن‌ها نخواهد بود.

بدینسان دوران تشدید بی سابقه بحران همه جانبه رژیم دیکتاتوری آغاز گردید. تشدید روزافرون تضادهای آشنا نایبر ناشی از سیاست خدمتی، ضد دمکراتیک و ضد

خلقی رژیم شاه یکی پس از دیگری همه اقسام خلق را به میدان مبارزه برای هدفهای ملی و دمکراتیک کشانید. مبارزه سیاسی علی‌علیه رژیم که با پخش تراکت‌ها و نامه‌های سرگشاده آغاز شده بود، به زودی به صورت مبارزه وسیع خلق برای برانداختن رژیم سلطنتی، برای ریشه کن کردن ناستلطنت نواستعماری امپریالیست‌ها و در پیش‌پاش آن‌ها آمریکا، گسترش یافت.

در این چهارچوب باید یادآور شد که تحول اوضاع جهان و تغییر تناسب نیروها به زیان امپریالیسم و ارتقای و به سود جبهه وسیع جهانی ضدامپریالیستی یعنی جبهه کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های آزادی بخش ملی و جنبش کارگری و دموکراتیک کشورهای سرمایه‌داری و نیز پیروزی‌های عظیم و چشم‌گیر جنبش‌های رهابی بخش ملی در سالهای اخیر، پیروزی تاریخی خلق‌های ویتنام، لاووس و کامبوج علیه امپریالیسم امریکا، و دیگر پیروزی‌های این جنبش در آسیا و افریقا تأثیر عمیقی در ایجاد شرایط مساعد و تشویق و تجهیز معنوی مبارزان راه استقلال و آزادی در ایران داشته است. در این باره جا دارد که بویژه و از آن جمله به پیروزی خلق برادر ما در انقلاب افغانستان اشاره کنیم.

یکی از عواملی که در پیشرفت انقلاب ایران در مقابل سیاست ضدانقلابی امپریالیستی آمریکا نقش شگرفی ایفا کرد زنهار باش بموقع دولت اتحاد شوروی بود. چنان که می‌دانیم رفیق برزینف طی مصاحبه‌ای با مخبر پراودا تصريح کرد که اتحاد شوروی با هرگونه مداخله خارجی در حوادثی که در ایران می‌گذرد به هر شکلی هم که این مداخله انجام گیرد مخالف است و برآنست که تنها مردم ایران صلاحیت و اختیار آن را دارند که در باره سروشوست کشور خود تصمیم بگیرند. این زنهار باش و سیاست پیگیرانه اتحاد شوروی در این زمینه مانع شد که امپریالیسم مانند روزگار گذشته سیاست توسل علنی به زور را علیه مردم ایران به کار بندد و به مردم ایران امکان داد که با دشمنان داخلی و خارجی ایران، به اتکای مبارزه‌فذاکارانه خود، عمل کنند.

مجموع تحولات جهانی ده سال اخیر که نمایانگر شکست‌های چشمگیر برای امپریالیست‌ها و بویژه امپریالیسم متجاوز امریکاست، همراه با رسوا شدن سیاست خائنانه رهبران کنونی چین که بی‌پرده سیاست ضدملی رژیم شاه را مورد پشتیبانی خود قرار دادند، به مبارزان راه استقلال و آزادی ایران نیرو پختید و آنان را هر روز بیشتر به قدرت عظیم خود یعنی نیروی انقلابی خلق و به پیروزی نهائی خویش مطمئن ساخت.

یکی از مخصوصات مهم و جالب جنبش انقلابی کنونی ایران درآنست که این جنبش همه طبقات و قشرهای خلق را در بر می‌گیرد.

توده‌های وسیع کارگران صنعتی و پیشه‌وری و خدمات از همان آغاز به طور فعال در مبارزات عموم خلق شرکت جستند و دوشادوش رحمتکشان فکری و خرد بورژوازی رحمتکش شهر به میدان مبارزات خیابانی گام نهادند. با این مبارزات، شرایط برای آن آماده شد که طبقه کارگر صنعتی ایران به طور متشكل و یکپارچه وارد میدان گردد. مبارزات وسیع و متعدد طبقه کارگر ایران یکبار دیگر ژرف بودن سنن انقلابی و نقش اجتماعی پیش رو این طبقه و آبدیدگی و آگاهی آن را به نمایانترین شکلی روشن ساخت. با اطمینان می‌توان گفت که در میان نیروهای محركه انقلاب کنونی کشور ما نقش طبقه کارگر قهرمان ایران نقش درجه اول بوده است. این امر خود از ضامن‌های مهم گسترش بازهم بیشتر انقلاب ملی و دموکراتیک و تعمیق

آن در جهت خواستهای قشرهای وسیع مردم است.

در حساس‌ترین لحظات جنبش انقلابی ایران، اعتصاب‌های سیاسی سراسری کارگران و کارمندان صنایع نفت جنوب آغاز گردید و این اعتصاب‌های پرافتخار، کاری ترین ضربه را به رژیم خود کامه شاه و امپریالیسم وارد ساخت، اعتصاب کارگران نفت مرحله جدیدی از مبارزات خلق را که تا آن زمان تنها به صورت اجتماعات و تظاهرات خیابانی انجام می‌گرفت، آغاز کرد.

در فاصله کوتاهی اعتصابات کارگری سراسر مؤسسات صنعتی کشور را در بر گرفت. همگی این اعتصابات شعارهای سیاسی روز و پذیرش همهٔ خواسته‌های جنبش ملی و دموکراتیک را در سر لوجه مطالبات خویش قرار دادند. نه وعده‌های فریبende دولت‌های وقت، نه اعمال فشار وحشیانهٔ قداره‌بندی‌های حکومت نظامی و گرازهای ساواک هیچ کدام نتوانستند در ارادهٔ تزلزل ناپذیر طبقهٔ کارگر ایران، کوچک‌ترین لرزشی به وجود آورند و طبقهٔ کارگر ایران با نیروی عظیم سیاسی و اقتصادی که در اختیار دارد در صفوی مقدم جبههٔ گسترده جنبش انقلابی ایران به پیش رفت و می‌رود و بدون تردید در جریان تکامل آینده جنبش هر روز نقش بارزتر و تعیین کننده‌تری را به دست خواهد آورد.

برخلاف پنداههای واهمی رژیم سابق که تصور می‌کرد دهقانان ایران را با اصلاحات نیم‌بند خود به ذخیرهٔ سلطنت مستبد کرده، در اثر محرومیت‌های فراوان و در نتیجهٔ بحران عمیق کشاورزی ایران و سیاست ضددهقانی رژیم سابق دهقانان یکی از نیروهای مهم اجتماعی مخالف رژیم استبدادی و تسلط امپریالیستی هستند و لذا در جنبش ملی و دموکراتیک کنونی شرکت فعال داشتند و دارند.

اصلاحات ارضی نیم بند رژیم پهلوی سود زمین داران بزرگ را تأمین نمود و علاوه بر آن دست غارتگران امپریالیستی را در اقتصاد کشاورزی ایران باز کرد. سیاست ضدملی شاه در زمینهٔ کشاورزی براین پایه استوار بود که اولاً اعتبارات وسیع دولتی را در اختیار زمین داران بزرگ و شرکت‌های بزرگ تولید کشاورزی متعلق به بستگان شاه و سایر سرکردگان رژیم بگذارد و ثانیاً راه را برای ورود بی‌بندوبار محصولات کشاورزی مورد احتیاج روزمره از کشورهای امپریالیستی و وابستگانشان باز کند و اقتصاد کشور و نان روزانه مردم را به این کشورها واپسنه سازد. این سیاست ضدملی موجب شد که اقتصاد قشرهای وسیع کشاورزان خردپا و متوسط رو به نابودی و روشکستگی رفت و سیل عظیم دهقانان گرسنه و بیکار به سوی شهرها سرازیر گردید.

همین دهقانان به شهرآمده که به تعداد صدها هزار در گودالها و زاغه‌ها و کلبه‌های گلی در «حلبی آباد»‌ها و «зорآباد»‌ها و یا در زیر چادر با دردناک‌ترین شرایط فقر و محرومیت به سر می‌برند و می‌برند و اکثراً با تosl به اشتغالات فصلی نانی به دست می‌آورند، بخشی از مبارزان جنبش انقلابی ملی و دموکراتیک را تشکیل می‌دهند.

مبادرات انقلابی که در یک سال اخیر با سرعت بی سابقه‌ای در شهرها گسترش یافت در ماههای اخیر به روزتارها سروایت کرد و به سرعت به اوج خود رسید - تا آنجا که کارگران کشاورزی و دهقانان در برخی از املاک متعلق به خانواده شاه سابق به ابتکار خود به تقسیم انقلابی زمین‌ها و وسائل کشاورزی دست زدند. در برابر رشد جنبش مبادراتی دهقانان، راندارها از اکثر دهات گریختند و خود دهقانان با برگزیدن شوراهای ده امور داخلی خود و استقرار نظام را به عهده گرفتند.

خرده بورژوازی شهر یعنی تولید کنندگان و توزیع کنندگان کوچک که برای سیاست ضدملی اقتصادی درهای باز رژیم شاه و تورم شتابان ناشی از آن، اختناق و فشار سواک، رشوگیری و غارت مالیاتی که در جریان باصطلاح مبارزه با گرانفروشی به اوج خود رسید، تحت فشار شدید قرار گرفته بودند هر روز بیشتر به سوی عصیان علیه رژیم کشانده شدند. قشنهای دیگر متوجه شهری مانند کارمندان پائین و میان رتبه دولتی، کارکنان مؤسسات بخش خصوصی هم تحت تأثیر غارت بی‌بندو بار سرمایه‌های امپریالیستی و طبقات حاکمه وابسته به امپریالیسم از یک سو و تأثیرگرانی روزافزون هر یئزندگی و اختناق سیاسی از سوی دیگر، کاردیه استخوانشان رسید و به حالت عصیانی درآمدند. نقش اعتصابات کارمندان مؤسسات عمومی و خصوصی برای فلنج کردن دولت‌های دست نشانده شاه، نقش چشم‌گیری است که نظایر آن در انقلابات، کمتر دیده شده است.

روشنفکران ایران یعنی نویسندهای و هنرمندان و روزنامه‌نگاران و استادان دانشگاه و دبیران و آموزگاران و مهندسین و پژوهشکان و حقوق دانان وغیره، به استثنای گروه کوچکی که به هیئت حاکمه وابسته بودند، از همان آغاز جنبش ضدامپریالیستی و دموکراتیک گونی نقش فعالی داشته‌اند و گام به گام فعال تر شده و در صفوی مقدم جنبش جای گرفته‌اند. بویژه باید از نقش دانشگاهیان و دانشجویان در این جنبش یاد کرد.

در تجهیز روشنفکران و دانشجویان علاوه بر عوامل اقتصادی، مسئله استقلال و حاکمیت ملی، تسلط وقیحانه امپریالیست‌ها و بویژه نقش مستشاران امریکائی در جامعه ایران که مانند ارتیش اشغال‌گر، عالی ترین مزایا را بخود تخصیص داده بودند، تسلط فرهنگ نواستعماری بر فرهنگ ملی که به زور دستگاه اختناق و تبلیغات شاه اعمال می‌شد، نقش بسیار مؤثری داشته است.

سرمایه داران ملی ایران هم که زیرفشار خرد کننده سرمایه‌های امپریالیستی و غارت گردانندگان و وابستگان رژیم شاه یعنی طبقات حاکمه وابسته به امپریالیسم قرار داشتند، هر روز بیشتر به سوی ورشکستگی می‌رفتند و در عین حال می‌دیدند که چگونه ثروت‌های عظیم کشور هرسال به میزان میلیارد میلیارد دلار به حساب این غارتگران، به بانک‌های خارجی منتقل و یا برای خرید سلاح‌های بی مصرف ونگه داری یک ارتیش عظیم و ساختن پایگاه‌های نظامی مورد احتیاج امپریالیست‌ها و پرداخت بی حساب مخارج «کارشناسان» امریکائی به

دور ریخته می شود.

سرمایه داری ملی در اثر مشاهده این وضع هر روز بیشتر به صفوں ناراضیان پیوست و فعالانه در مبارزه برای برانداختن رژیم اختناق شاه و خاتمه دادن به غارت و تسلط امپریالیست‌ها شرکت کرد.

این که در جنبش انقلابی کنونی روحانیت مترقی و مبارز ضد رژیم نقش مهمی ایفاء کرده است، پدیده‌ای غیرعادی نیست. به طور عمده شرایط عینی جامعه ایران است که چنین وضعی را ایجاد کرده و مسلماً برخی عوامل ذهنی نیز موجب تقویب آن گردیده است.

مذهب تشیع از لحاظ تاریخی در ایران دارای سنت خلقی و ضد سیطره خارجی بوده است و در دوره‌های گوناگون به پرچم معنوی مبارزه برای دفع استیلای نیروهای اشغال گر بیگانه بدل شده است. بسیاری از احکام اجتماعی اسلام به طور عینی بویژه در جریان تکامل فکری اخیر آن، دارای گراش‌های مترقی است و از لحاظ سمت مطالباتی خود با خواست‌های قشرهای وسیع خلق برای آزادی و استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی مطابقت پیدا می‌کند.

طی ۲۵ سال گذشته روحانیون تنها گروهی بودند که به مراتب بیش از همه گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی دیگر اجتماعی امکان آن را داشتند که از راه مساجد و جلسات مذهبی، که رژیم جرئت حمله وسیع به آن‌ها را نداشت، با مردم تماس برقرار کنند و افکار خود را در میان مردم تبلیغ نمایند. در حالی که حزب توده ایران و سایر سازمان‌های سیاسی در معرض شدیدترین اشکال فشار و اختناق قرار داشتند. بدین ترتیب برخی از روحانیون مترقی در تماس با مردم توانستند بسیاری از افکار اجتماعی خود را در جامه مذهب عرضه کنند و آن‌ها را در اذهان عمومی رخنده دهند.

گروهی از روحانیون مترقی به رهبری آیت‌الله خمینی طی یک دوران طولانی در موضوع روشن ضدرژیم استبدادی شاه و ضد سیطره امپریالیسم (که کشور را هر روز بیشتر به جوانگاه غارتگری و پایگاه تجاوز نظامی خود مبدل ساخت) قرار گرفتند و در این راه شعارهای خود را، که بازتاب خواست‌های اکثریت مردم کشود بود، مطرح ساختند.

طی سالیان گذشته، علی رغم فشار و اختناق نیرومند رژیم سابق، حزب ما فعالیت سیاسی و تبلیغاتی وسیعی داشته و نقش بزرگی از جهت بدراشانی انقلابی و راهگشائی ایفاء کرده است.

روشن است که شرکت طبقات گوناگون خلق در جنبش انقلابی ایران در عین اینکه زیر شعارهای مشترک ملی و دموکراتیک و خلقی گسترش یافته و می‌یابد، دارای انگیزه‌های همگون و همانند نیست. هر یک از آن‌ها با انگیزه ویژه و خواست‌های طبقاتی خود در این جنبش شرکت می‌نماید. ولی آنچه در مرحله کنونی شاخص جنبش انقلابی ایران است، شعارهای عمومی جنیش است. این شعارها که کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه

تاریخی ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ خود آن‌ها را به عنوان شعارهای جبهه متحده نیروهای ملی و دموکراتیک پیشنهاد کرد، اکنون به صورت خواستهای عمومی جنبش خلق مطرح است. حال این سوال پیش می‌آید: آن یکپارچگی که جنبش انقلابی ایران در جریان سرنگون کردن رژیم از خود نشان داد تا چه وقت ادامه خواهد یافت و موضع گیری افشار و طبقات گوناگون در جریان تحول آینده چگونه خواهد بود؟

تردیدی نیست که رسیدن به همه هدف‌هایی که جنبش انقلابی هم اکنون در مقابل خود قرار دارد است، بویژه تحولات عمیق اقتصادی و اجتماعی که از آن‌ها ناشی می‌شود، کار امروز و فردا نیست. علاوه بر این، حل مشکلات بسیاری که به عنوان آثار شوم رژیم ضدملی، ضد دموکراتیک و غارتگر شاه باقی مانده است، و مشکلاتی که بدون تردید در آینده امپریالیست‌ها برسرراه تکامل مستقلانه و دموکراتیک می‌باشند داد کارآسانی نیست. مسلماً اجرای این وظائف به مراتب دشوارتر از وظایف دوره اول انقلاب یعنی درهم شکستن نظام منفور سلطنتی، ریشه کن کردن تسلط امپریالیسم و استقرار جمهوری خواهد بود.

در راه حل این مشکلات بدون تردید تغییراتی در موضع طبقات و گروه‌های اجتماعی که امروز در جنبش شرکت می‌نمایند، به وجود خواهد آمد.

مسلم آن است که طبقه کارگر و به همراه این طبقه، سایر قشرهای رحمتکش شهر و روستا، با تمام قوا برای رسیدن به همه هدف‌هایی که انقلاب ملی و دموکراتیک در پیش دارد تلاش خواهند کرد و تا آخر پیگیرانه در موضع انقلابی خواهند ایستاد. طبقه کارگر و حزب اش حزب توده ایران تمام امکانات خود را به کار خواهند انداشت تا جبهه متحده که در عمل از همه طبقات و اقسام ملی و آزادی خواه به وجود آمده، اتحاد خود را حفظ نماید و دیسیسه‌های گوناگون دشمنی را که می‌کوشد با استفاده مستقیم و غیرمستقیم از عناصر و محافل سازشکار یا افراطی این اتحاد را متزلزل سازد، عقیم گذارد.

امروز دیگر در سراسر جهان کسی نیست که به اهمیت جهانی و تاریخی رویدادهای انقلابی ایران پی نبرده باشد. با توجه به اهمیت بزرگ کشور ما در صحنه سیاست جهانی، تغییر در وضع سیاسی ایران تأثیر بسیاری در تغییر توازن نیروها خواهد داشت. زیرا:

● ایران یکی از بزرگترین منابع مواد خام فوق العاده ذیقیمت بویژه نفت، گاز و انواع فلزات پر بها در مقیاس جهانی است.

● ایران در نقطه کلیدی منطقه‌ای از جهان قرار گرفته که بخش عده‌های مواد خام تأمین کننده انرژی کشورهای امپریالیستی از آنجا به دست می‌آید.

● ایران همسایه جنوبی اتحاد شوروی است و همین نکته امپریالیست‌ها را در استفاده از ایران به عنوان پایگاه تجاوز علیه همسایه بزرگ شمالی ما از خود بیخود ساخته است.

این ویژگی‌های عده‌های موقعیت جغرافیایی و امکانات اقتصادی و همچنین توجه به امکانات انسانی ایران در منطقه خلیج فارس موجب شد که امپریالیسم طی ده‌ها سال تمام تلاش خود را

به کاراندازد تا این کشور به یکی از «محکم‌ترین» و «با ثبات‌ترین» پایگاه‌های جهانی غارت و تجاوز وی، به ژاندارم منطقه، به یکی از محکم‌ترین حلقه‌های زنجیر محاصره و پایگاه جاسوسی، تحریک و تهدید و پایگاه تجاوز علیه شوروی بدل شود و بتواند روی آن با اطمینان و بدون دغدغه حساب کند.

ولی به حیرت و تأسف عمیق دسیسه کاران امپریالیستی، یکباره و در مدت بسیار کوتاه، همه این حساب‌ها غلط از آب درآمد! «جزیره ثبات» منطقه به مرکز آتش‌شانی و سهمگین‌ترین زلزله‌ها تبدیل شد. این وضع پایه‌های تسلط امپریالیستی را نه تنها در ایران بلکه در یکرشته از کشورهای مجاور مورد جدی ترین تهدیدها قرار داده است.

با پیروزی مردم ایران در این نبرد تاریخی و با پیدایش ایرانی مستقل و آزاد، یک نمونه روش دیگر در برابر خلق‌های محروم آن کشورهایی که هنوز زیر سلطه امپریالیسم و ارتقای اند، نجلى می‌کند. این پیروزی به آنان ندا میدهد: «خلق‌ها! به پا خیزید! شما نیروی آنرا دارید که امپریالیست‌های غارتگر و مزدوران دزد و فاسدشان را با مبارزه و پایداری قهرمانانه خود به زانو درآورید و راه زندگی آزاد و مستقل و خوشبخت را در برابر خود بگشایید!».

با پیروزی مردم ایران و پیدایش ایرانی صلح دوست، فشار اختناق آور «ژاندارم منطقه» از جنبش‌های رهانی بخش ملی کشورهای این منطقه، به یکبار برداشته می‌شود.

با پیروزی مردم ایران یکبار دیگر در برابر مردم کشورهای «دنیای سوم» این واقعیت روش می‌گردد که امپریالیسم، با همه لاف و گرافش، دیگر توانایی گذشته را ندارد و نمی‌تواند، هرقدر هم برایش زیان‌بار باشد، در برابر اقتدار روزافزون جبهه نیرومند ضد امپریالیستی جهان، از عهده اجرای وعده‌های پر طمطران خویش در حمایت از سistem گران و غارتگران و جنایتکاران، برآید. این پیروزی حتی عناصر واقع‌بین‌هیئت حاکمه‌این کشورهایی را، که تا کنون یکجانبه به امپریالیسم اتکاء داشته‌اند، به فکر می‌کنون به فکر اندخته است.

با پیروزی جنبش هلی و دموکراتیک در ایران و ایجاد یک جمهوری غیرمعاهد، زنجیر پیمان‌های نظامی امپریالیستی در یکی از حساس‌ترین حلقه‌هاییش از هم گستته خواهد شد و بالنتیجه تعادلی را، که امپریالیسم می‌کوشد با دست حکومت متتجاوز و تراپزیرست اسرائیل در تمام خاورمیانه عربی به وجود آورد، به هم خواهد زد. بدین‌سان مردم ایران با انقلاب پیروزمند خود نقش مهمی را در حفظ و تحکیم صلح جهانی ایفاء کرده‌اند.

سخن کوتاه! پیروزی جنبش ملی و دموکراتیک ایران تأثیرگرف و گسترد و درازمدتی در سراسر جهان باقی خواهد گذاشت و در ترازوی تناسب نیروها به زیان اردوگاه امپریالیسم و به سود جبهه نیرومند ضد امپریالیستی جهانی تغییر محسوسی به وجود خواهد آورد. طبیعی است که برای تامین پیروزی نهانی این انقلاب حفظ اتحاد نیروها و هشیاری انقلابی و ادامه مبارزه برای نیل به هدف‌های ملی و دموکراتیک انقلاب برای ختنی کردن توطئه امپریالیسم و ارتقای شرط ضرور و حیاتی است.

۳. فعالیت حزب در میان دو پلنوم

دوران بین پلنوم پانزدهم و این پلنوم کمیته مرکزی، یکی از طوفانی ترین دوران های تاریخ دوران معاصر میهن ما بود. رهبری حزب در مقابل مسائل بفرنجی از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی قرار گرفت و امروز می توان گفت که، علی رغم مشکلات فراوان داخلی و خارجی، در مجموع خود با موقیت از عهده انجام وظایفی که از طرف پلنوم پانزدهم به او واگذار شده بود، برآمد. فعالیت حزب را در دو زمینه، در زمینه فعالیت سیاسی و در زمینه کار تشکیلاتی، مورد بررسی کوتاه قرار می دهیم:

۱. در زمینه فعالیت سیاسی

به طور کلی در فاصله بین دو پلنوم، هیئت اجرایی کوشید خط مشی سیاسی تعیین شده از طرف پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی را، که محتوی اساسی آن تشید مبارزة همه جانبه در راه رسیدن به میراث ایرانی انتقلابی ایران در مرحله کونی، یعنی سرنگونی رژیم ضدملی و ضددموکراتیک و ضدخلقه شاه سابق بود، در شرایط مشخص ایران پیاده کند. هیئت اجرایی کوشید همه نیروهای ملی و دمکراتیک را در جبهه متحده گردشم آورد.

در این زمینه ما کوشش هائی انجام دادیم. درست است که در سطح رهبری سازمان ها و گروه های مبارز انتقلابی، چنین جبهه ای هنوز به وجود نیامده، ولی در سطح توده ها، از همان آغاز گسترش پرشتاب جنبش، این جبهه در عدهه ترین شعارها، در مبارزة روزمره با روشی کامل به وجود آمد و روز بروز محکم تر شد. این جبهه اتحاد خلق برای استقلال و آزادی، علی رغم همه توطئه های تفرقه اندازانه رژیم ساواکی شاه و امپریالیست ها، هر روز محکم تر گردید و در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، که آخرین حمله قهرمانانه خلق علیه آخرین دژهای رژیم آغاز گردید، به صورت همکاری مسلحانه همه گردن های مبارز خلق در جبهه متحد، شکل یافت و پیروزی تاریخی کم نظر و بی سابقه ای را برای جنبش انتقلابی ایران تأمین کرد.

بدون این که بخواهیم بخود بمالیم، این واقعیتی است که برنامه پیشنهادی روش کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه ۱۲ شهریور برای تشکیل جبهه ضددیکتاتوری، در متکلور ساختن شعارهای همه جنبش تأثیر بسزایی داشته است. تقریباً همه شعارهای پیشنهادی کمیته مرکزی، که تجلی خواست اکثریت مطلق میهن پرستان و آزادی خواهان ایران بود، با رنگ های گوناگون به صورت شعار عمومی و متحد همه جنبش انتقلابی درآمد.

جریان رویدادهای انتقلابی آخرین روزهای حکومت بختیار و سرانجام قیام اقلابی تاریخی ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷، بار وشنی، درستی اعلامیه کمیته مرکزی حزب را در مورد

لزوم تدارک مبارزة مسلحانه برای مقابله با دشیسه‌های کودتائی و درهم شکستن آخرین دژهای رژیم و امپریالیسم نشان داد.

شعارهایی که از طرف حزب ما مطرح شد، چکیده برنامه سیاسی حزب توده ایران و انطباق آن بر شرایط مشخص مرحله کنونی جنبش ملی و دمکراتیک ایران است. حزب طبقه کارگر ایران حق دارد تأکید کند که اولین سازمان سیاسی ایران بود که با تمام صراحت و بدون ترس از همه فشارهای ددمنشانه رژیم سابق، لزوم برآنداختن نظام جنایت کار و پویسیده و خیانت پیشنهاد سلطنتی را، به عنوان اولین گام اساسی برای آغاز تغییرات بنیادی در جامعه ایران به سوی استقلال، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی، مطرح کرد و با پیگیری در راه رسیدن به این هدف کوشید. یادآوری کنیم که اولین پیام ما به نیروهای مسلح ایران برای سرنگون کردن رژیم خائن شاه شش سال پیش مقارن با حمله ناجوانمردانه ارتش مزدور شاه سابق به مبارزان ظفار در عمان منتشر گردید.

امروز ما در ایران با چنین وضعی رو برو هستیم که، علی رغم همه حملات دشمنانه ای که از طرف معافل ارجاعی و امپریالیستی، از طرف واذگان و طردشده‌گان از جنبش انقلابی راستین مارکسیستی ایران، از طرف عناصر ناآگاه و بی تجربه و حتی از طرف گروههای ملی و مبارز دیگر که حزب توده ایران را رقیب خود در میان خلق می دانند، به حزب ما وارد شده و می شود، اعتبار و نفوذ حزب در میان خلق و بویژه در میان طبقه کارگر و روشنگران انقلابی ایران به طور محسوس نسبت به گذشته بالا رفته و هیچ کس در ایران و در خارج، هراندarez هم بکوشید تا صریحاً آن را بیان نکند، ولی تردید ندارد که حزب توده ایران یگانه سازمان راستین سیاسی طبقه کارگر انقلابی ایران، یگانه سازمان پیگیر مارکسیست - لینینیست و هادار انترناسیونالیست پرولتاری است که به صورت یک عامل سیاسی مهم در زندگی کنونی و آینده میهن ما با ریشه‌های محکم در میان خلق، جای گرفته است. ما باید تمام کوشش خود را در این راه به کار اندازیم که با پیگیری در ادامه راه درست، در راه تحکیم اتحاد نیروهای ملی و دمکراتیک، در جریان مبارزه برای بازگشت ناپذیر کردن پیروزی بزرگ تاریخی به دست آمده، در راه مبارزه برای تحکیم استقلال ملی، دمکراسی و تأمین حقوق زحمتکشان شهر و روستا، هر روز بیشتر اعتبار و نفوذ حزب را گسترش دهیم.

۲. در زمینه کارتیشکلاتی

بطور کلی برای فعالیت تشکیلاتی هیئت اجراییه میتوان همان ارز یابی را مطرح کرد که در باره فعالیت سیاسی بیان شد، یعنی علیرغم مشکلات بزرگ عینی و ذهنی، که بویژه در دو سال اخیر در کار ما وجود داشت، کارتیشکلاتی حزب، که هدفش احیاء سازمانهای حزب در ایران و گسترش فعالیت حزب در میان ایرانیان مقیم کشورهای مرزیه داری غرب بود، میتواند تراز نامه مثبت و ثمر بخشی را عرضه دارد. شعبه تشکیلات کوشید با کارپیگیر، با راهنماییهای

پلنوم پانزدهم، با مراعات اکید اصول پنهانکاری، کار احیاء سازمانهای حزب را، که در دوران پلنوم پانزدهم هنوز اولین گامهای خود را بر می‌داشت، با گامهای قابل توجهی بجلوبرد. جای خوشبختی است که هیئت اجرائیه توانست، در مجموع خود، براین دشوار یها فائیق آید و در حساسترین لحظه تاریخ دوران معاصر حزب، وحدت نظر رهبری حزب را بر پایه‌های اصولی تامین کند. از این لحظه تصمیمات اجراییه دیمه ۱۳۵۷ هیئت اجرائیه، برای مرحله کنونی پیشرفت حزب، دارای اهمیت بسیار است و انعکاس مثبتی داشته است.

هیئت اجرائیه امیدوار است که همه کادرهای فعال حزب و همه رفقاء حزبی با همان برخوردی با این تصمیمات روبرو شوند که هیئت اجرائیه در راه غلبه بر مشکلات پیش گرفت. تأمین وحدت در صفوں رهبری حزب، بر پایه اصول تزلزل ناپذیر زندگی حزب لینی طبقه کارگر، بموازات داشتن سیاست درست و بدون تزلزل، دوشرط اساسی و تعیین کننده برای ایجاد وحدت بین نیروهای راستین هودار مارکسیسم- لینینیسم است و بنویه خود شرط اساسی تعیین کننده در تأمین اتحاد بین نیروهای ملی و انقلابی است.

بدون تأمین این دوشرط اساسی، از اتحاد نیروهای ملی و دمکراتیک دم زدن، فریادی است بی‌پشتونه و تو خالی.

در باره کارهای انجام گرفته در زمینه احیاء سازمانهای حزب در ایران، نکات زیرین را به اطلاع پلنوم میرسانیم:

مطابق تصمیم پلنوم گذشته پایه کار سازمانی ما در ایران بر اصل عدم تمرکز مبتنی بوده است. با پیروی از این اصل، شعبه تشکیلات با گروههای پراکنده‌ای در سراسر ایران تماس برقرار ساخت. این گروهها، بخشی با فرستادن افرادی از فعالین حزب در اروپای باختیری به ایران، و بخش دیگری از راه تماس گرفتن افراد و گروههایی که در کشور فعالیت می‌کردند، با مرکز حزب، بوجود آمدند.

انتشار روزنامه نوید، که ابتدا در هزار شماره و در هفته‌های اخیر با تعدادی در حدود ۲۵۰ هزار شماره چاپ و پخش گردیده است، تأثیر فوق العاده مثبتی در بالا بردن حیثیت حزب، در بردن افکار و نظریات حزب به میان قشر قبل توجهی از مردم و بویژه در میان کارگران و روشنگران و دانشجویان داشته است.

غیر از سازمان نوید، گروههای دیگر حزبی، با امکاناتی محدودتر، به انتشار نشیوه‌های وابسته به حرب دست زده‌اند مانند هفته نامه «صدای مردم» و «اخگر». گروههای متعدد دیگری به تجدید چاپ نوید در ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ و گاهی ۲۰۰۰ نسخه اقدام کرده‌اند. برخی با فتوکپی و برخی دیگر با تجدید چاپ مقالاتی از نوید.

پخش نشریات حزب که در گذشته تنها از راه فرستادن آنها از اروپا، از راههای مخفی، با اشکالات زیاد انجام می‌گرفت، در ماههای اخیر گسترش بسابقه‌ای پیدا کرد، به این شکل که عده‌ای از هوداران حزب، و در مواردی هم بعضی مؤسسات خصوصی، به چاپ وسیع نشریات حزب دست زدند. تقریباً همه کتب و بروشورهای حزب با تیراژهای بسیار بزرگ چاپ

و به وسیعترین شکل در سراسر کشور پخش شده است. بعنوان یک نمونه میتوان گفت که تا ۳۰ ماه پیش، «مانیفست حزب کمونیست» بیش از ۳۴۰ هزار تache چاپ و پخش شده است. در ماههای اخیر گرایش به حزب گسترش بیسابقه‌ای پیدا کرده، و ما اطلاع داریم که در ایران گروههای متعدد تولد ای وجود دارند، که هنوز با مرکز حزب تماس نگرفته‌اند. این گروهها با ابتکار خود فعالانه در جهت بیانات حزب عمل میکنند. این مسلم است که تعداد وابستگان به حزب در ایران بمراتب بیشتر از آن گروههایی است که تاکنون توانسته‌اند با مرکز حزب تماس بگیرند.

اکنون مسئله مبرمی که در برابر حزب قرار گرفته، آغاز فعالیت علنی حزب است. در این زمینه ما مشغول تدارک هستیم و هم اکنون اقدامات مشخصی انجام گرفته که منتظر هستیم در آینده نزدیکی نتیجه بدهد.

۴. وظایف حزب در مرحلهٔ گنوی

۱. در زمینهٔ سیاسی

اولین و مهمترین وظیفهٔ حزب ما در این زمینه، کوشش در این راه است که با همکاری همهٔ جانبه با همهٔ نیروهای راستین انقلابی خلق، و در درجهٔ اول با نیروهایی که تحت رهبری آیت‌الله خمینی قرار دارند، نهال جوان پیروزی بدست آمده را، که با خون دهها هزار مبارز قهرمان آیینار شده است، تحکیم کنیم و این نهال را هر روز ریشه‌دارتر و بارآورتر سازیم. باید با تمام نیرو و بکوشیم این کامیابی بزرگ تاریخی را، که بدون تردید دارای برد عظیم جهانی است، بازگشت ناپذیر کنیم. در این راه باید بویژه از تاریخ معاصر جنبش انقلابی ایران، از انقلاب مشروطیت گرفته تاکنون، و همچنین از جنشهای انقلابی سایر خلقها، چه آنها که پر چم پیروزی را در کشورهای خود برآفرانسته، چه آنها که با ناکامی و شکست رو برو گشته‌اند، بیاموزیم و باز هم بیاموزیم.

جنبش ما با مسائل بسیار بغيرنجی روبرو است. امپریالیسم و ارتقاب ایران، که هنوز سنگرهای محکمی را در دستگاههای دولتی و در کادر فرماندهی نیروهای مسلح و پلیس و بویژه در اقتصاد کشور در دست دارند، امروز نقاب تازه بر چهره زده و از در آشتبای با جنبش خلق درآمده‌اند تا فردا خود را بعنوان بهترین دوست جا بزنند و اهرمهای فرمان را در دست گیرند و روز دیگر دوباره، با یک توطئه خاشانه، جنبش را غافلگیر کرده سرکوب نمایند. فاش شدن توطئه

خاشنانه سرهنگ توکلی معاون ستاد ارشد نمونه‌ای از این خطر بزرگ است. تنها هشیاری، بیداری و آهادگی نیروهای متعدد خلق میتواند ضامن بازگشت ناپذیر کردن پیروزی و جلوگیری از هرگونه توطئه احتمالی باشد. هرگونه خوش باوری، هرگونه سهل انگاری، هرگونه اعتماد به کسانیکه تا دیروز عمال دستگاه جنایت پیشه رژیم سابق بودند، گناه جبران ناپذیری است. مثلاً رویدادهای شیلی و مصر نمونه‌هایی است از امکانات گوناگونی که امپریالیسم و ارتقاب در زرادخانه توطئه سازی خود دارند. دستگاهی که خود برای سرکوب خلق بوجود آمده، نمیتواند به خلق خدمت نماید. اینست قانون همه جنبش‌های انقلابی سراسر تاریخ جهان.

به این ترتیب وظیفه حزب است که ضمن تمام کوشش برای پشتیبانی از تصمیمات مترقبی دولت مهندس بازرگان و پس از آن از دولت ملی، که بر پایه انتخابات آزاد بوجود خواهد آمد، همواره مردم را متوجه خطرات احتمالی بنماید، ماسک از چهره تفرقه اندازان به لباس که در آینده، بردار و امر اتحاد نیروهای ملی و دمکراتیک را گام به گام به پیش ببرد.

مسلم است که سرمایه‌داری لیبرال، که تاکنون با جنبش همراه بوده، میکوشد جنبش را در چهار چوب منافع محدود طبقاتی خود نگاه دارد و جنبه‌های خلقی و مردمی آنرا تضعیف نماید. تجربه همه انقلابها نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواسته‌های طبقات و قشرهای محروم جامعه، این سرمایه‌داری لیبرال حاضر شده است از انقلاب روبرو گرداند و با پاقیمانده‌های نیروهای ضد انقلاب سازش کند و آنرا برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکشان بکار اندازد. باید انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی میهن ما هم همین پدیده‌ها رشد کند. حتی پیش از پیروزی انقلاب، سر و صد اهانتی حاکی از عدم رضایت این بخش از محتوى مترقبی نظریات آیت الله خمینی در زمینه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بگوش میرسید و این عدم رضایت روز بروز شدت پیدا میکند. این جناح میکوشد انقلاب را در چهار چوب رفاند برای اعلام جمهوری، انتخاب مجلس شورا و تأمین برخی آزادیهای دمکراتیک نگهدارد و در زمینه اقتصادی همان راه فلاکت بار سرمایه‌داری را ادامه دهد.

حزب ما باید در برابر پیدایش و رشد چنین پدیده‌ای، اتحاد همه نیروهای دمکراتیک متکی به طبقات زحمتکش و اشاره متوسط هوادار پیشرفت اجتماعی را، هراندازه ممکن است، تقویت و پشتیبانی نماید. ما باید بکوشیم با انکاء به طبقه کارگر و سایر زحمتکشان شهر و روستا برویزه با نیروهای فعال انقلابی، که تحت رهبری آیت الله خمینی هستند، از جمله با سازمان مجاهدین خلق و همچنین با سایر نیروهای انقلابی مانند سازمان چریکهای قدائی خلق و گروههای مترقبی روشنگران و بخش دمکراتیک سرمایه‌داری ملی بر پایه یک برنامه مترقبی و خلقی زبان مستتر که پیدا کنیم و جبهه متحدی به وجود آوریم و این جبهه را به صورت سدی در برابر تلاشهای سازشکارانه جناح سرمایه‌داری لیبرال ایران قرار دهیم. تنها از این راه میتوان به این دست رسید که همه مردم، و در درجه اول قشرهای دهها میلیونی مردم زحمتکش در کارخانه‌ها و

کارگاهها و رومتاها و ادارات و مؤسسات از نتایج محسوس و مشخص انقلاب با خون خود بد پیروزی رسانده اند، بهره مند شوند.

یک چنین برنامه ای باید در زمینه بازسازی نظام نوین سیاسی و اجتماعی، تأمین حقوق و آزادیهای دمکراتیک، نوسازی اقتصادی، بهبود محسوس زندگی مادی، تأمین حقوق اجتماعی رحمتکشان شهر و روستا، سالم سازی فرهنگ اجتماعی بر پایه عینی آنچه که در مرحله کنونی جنبش انقلاب میهن ما عملی است، تهیه و با بحث و موافقت نیروهای نامبرده در بالا، بنوان برنامه مشترک جبهه متحده خلق، طرح گردد.

در ارتباط با این تلاش ما باید از طرح شعارهایی که در مرحله کنونی جامعه ایران غیرواقعی هستند، مطلقاً خودداری کنیم و سایر نیروهای انقلابی را نیز از طرح اینگونه شعارها بر حذر داریم. طرح شعارهای غیرواقعی میتواند مورد سوء استفاده دشمن و مخالف راست قرار گیرد و کار آنانرا در زمینه تفرقه اندازی و جدا ساختن نیروهای پیشاپنگ از مردم آسان تر مسازد.

بطور خلاصه، وظیفه میرم حزب ما در زمینه فعالیت سیاسی، در مرحله ای که بلافضله در برابر ما قرار گرفته، عبارتست از کوشش در ایجاد جبهه متحده خلق، برای آنکه وعده های اجتماعی و اقتصادی که آیت الله خمینی بنوان وظایف جمهوری اسلامی مطرح کرده، بوسیله دولتها عملی گردد. ما باید کوشش کیم تلاش بورژوازی لیبرال را که میکوشد در درجه اول حزب توده ایران و پس از آن دیگر سازمانهای انقلابی خلق را منفرد سازد و قشرهای وسیع رحمتکشان را بدیمال خود ببرد، با ناکامی روبرو سازیم و این تنها از راه برقراری اتحاد محکم یا نیروهای واقعاً انقلابی جنبش امکان پذیر است.

برای انجام این وظایف سیاسی، کار سازمانی حزب ما، در دورانی که بلافضله در برابر ماست اهمیت تعیین کننده پیدا میکند.

در برابر حزب ما در شرایط کنونی وظایف سیاسی مهمی مانند شرکت در رفراندم و انتخابات مجلس مؤسسان و اظهار نظر در باره قانون اساسی جدید، شرکت در انتخابات مجلس آینده، مطرح است و پلنوم حاضر به هیئت اجرایی جدید رهنمود میدهد که در مقابل این رویدادهای تاریخی موضع حزب و وظایف مشخص همه افرادی را که به سخن تخت حزب ما گوش میدهند، روشن گردد.

۲. وظایف سازمانی

روشن است که مهمترین وظیفه سازمانی حزب انتقال رهبری حزب به ایران، احیاء سازمانهای حزب در سراسر کشور، در شهر و روستا و آغاز وسیع فعالیت علنی حزب است. در این زمینه، باید به دو نکته اساسی توجه کنیم، اول اینکه باید هر چه زودتر گروههای پراکنده حزب را در یک سازمان واحد سرتاسری، با مرکز رهبری واحد و مرآکر رهبری محلی، بهم پیوند دهیم و با تمام قوا برای جلب و سازماندهی هزاران مبارز توده ای در کشور، که تاکنون با گروههای حزبی

رابطه نداشته‌اند، اقدام نمائیم. در عین حال باید تمام هشیاری خود را بکار ببریم تا از ورود عناصر ناباب، عناصری که شایستگی و برآزنده‌گی عضویت حزب طبقه کارگر را ندارند، به صفو حزب جلوگیری نمائیم. حزب محل تجمع پیشاپنگ انقلابی طبقه کارگر و بهترین عناصر انقلابی سایر طبقات و اقسام دمکراتیک است. حزبی فشرده، ولی با کیفیت انقلابی، بمراتب نیرمندتر از حزبی است با افراد زیاد، ولی با کیفیت انقلابی ضعیف. در ارتباط با این امر، ما باید بیوژه به ترکیب طبقاتی حزب توجه درجه اول داشته باشیم. ترکیب طبقاتی حزب طبقه کارگر تأثیر مستقیم در خصوصیات انقلابی حزب دارد و عدم توجه به آن میتواند دشوار بیهای فراوانی ببار آورد. رعایت ترکیب طبقاتی حزب و توجه ویژه به بخش کارگری آن تنها در مورد افراد حزب نیست، بلکه در مجموعه سازمان حزبی باید اکیدا مورد توجه قرار گیرد. حزب باید از همان آغاز سازماندهی نوین خود به این مسئله توجه درجه اول مبنی‌دول دارد. البته باید در این کار بیش از هرچیز به محتوی اهمیت داد نه به شکل ظاهری. بیوژه در مورد برگزیدن و به پیش کشیدن کادرهای حزبی نباید تنها به تعداد و درصد فتاخت کرد. با تمام قوا باید به امر آموزش سیاسی کادرهای کارگری پرداخت و در این زمینه از همه امکانات استفاده نمود.

نکته دیگری که باید مورد توجه رهبری و همه سازمانهای حزب قرار گیرد، عبارتست از این که لاقل برای یک دوران نسبتاً طولانی ثبتیت نظام دمکراتیک در ایران، حزب باید همیشه آمادگی داشته باشد که غافلگیر نشود، تا هنگامیکه نظام دمکراتیک در ایران مستقر نشده و بازگشت ناپذیر نگردیده است، همیشه خطر دستبردهای اجتماعی وجود دارد. لذا حزب ما باید همیشه آماده باشد که به فعالیت سیاسی و انقلابی خود در هرگونه شرایط نامساعد ادامه دهد.

سمتگیری کار سازمانی ما باید این باشد که هرچه زودتر شرایط لازم را برای دعوت کنگره سوم حزب، یا کنفرانس سراسری حزب فراهم آوریم. حقوق و وظائف و اختیارات این کنفرانس در کمینه مركزی حزب تعیین و تصویب می‌شود.

۳. کار توده‌ای

بموازات کار سازمانی برای احیاء سازمانهای حزب، ما باید توجه همه جانبه‌ای به کار توده‌ای مبنی‌دول داریم. جنبش انقلابی ایران دهها میلیون نفر از مردم شهر و روستا را به میدان عالیت‌ین نبردهای سیاسی کشانده و در مدت کوتاهی، در زمینه آگاهی سیاسی و اجتماعی، فرستنگها بجنو آورده است. باید از این امکان مساعد بی نظری و کم سابقه، برای مشکل ساختن توده‌ها در سازمانهای دمکراتیک، که مهمترین ضامن برقراری و پایداری نظام دمکراتیک جامعه خواهند بود، بهره‌برداری کرد.

طبقه کارگر قهرمان ایران که در پیش‌پیش جنبش انقلابی، پرچم انقلاب را بر دوش کشید و به پیش برد و به پیروزی رسانید، همه امکانات را دارد که در سازمانهای صنفی دمکراتیک مستقل خود متسلک شود و حق آنرا دارد که از راه سازمانهای دمکراتیک صنفی خود

در تنظیم نظام اقتصادی کشور شرکت نماید. طبقه کارگر حق دارد در اداره امور مؤسسات صنعتی و کشاورزی و از آنجلمه در تنظیم برنامه تولید و برقراری تناسب عادلانه میان سود و دستمزد شرکت عملی و فعال داشته باشد.

وظيفة حزب است که طبقه کارگر ایران را در عملی ساختن این خواستهای بحقش همه جانبی پشتیبانی کند و در کارگران سازماندهی صنفی اش به او کمک برساند.

مسلمان بر سر راه سازماندهی صنفی طبقه کارگر مشکلات بسیاری بر پا خواهد شد. گروههای سیاسی انحصار طلب خواهند کوشید سازمانهای صنفی طبقه کارگر را زیر کنترل انحصاری خود درآورند. آنها خواهند کوشید پیشاهمگ اقلابی طبقه کارگر را از طبقه کارگر جدا سازند. این اقدامات همگی در جهت تجزیه و تقسیم و محدود ساختن آزادی سنتدیکائی طبقه کارگر است و ما باید بکوشیم کارگران را از نفوذ اینگونه گرایشها در صفوستان بر حذف داریم. شعار گویانی که در روزهای پرشور مبارزات اقلابی، هنگام یکی از راه پیمائی ها در پیشایش صفوں کارگران تهران در اهتزاز بود، «طبقه کارگر متعدد همه چیز، متفرق هیچ چیز!» باید به شعار جنبش صنفی دمکراتیک کارگری سراسر ایران بدل شود.

تلash برای کمک به فعالیت سازماندهی دمکراتیک صنفی سایر اقسام رحمتکشان و بخشهای مردم باید در همین چهار چوب تنظیم گردد.

ما باید به زنان آزاده، به کارگران کشاورزی و روستاییان کم زمین و بی زمین، به جوانان و دانشجویان و دانش آموزان، به کارمندان دولت، کارکنان مؤسسات بخش خصوصی و خلاصه به تمام اقسام دمکراتیک جامعه، برای تشکل و مبارزه صنفی خودشان همه جانبی کمک برسانیم.

رهبری حزب باید در همه این زمینه ها مطالعات همه جانبی بعمل آورد و این بخش بسیار مهم کار اجتماعی خود را طبق نقشه منظمی طرح ریزی کند و در عمل پیاده نماید.

۴. وظایف تعلیماتی، تربیجی و تبلیغاتی

حزب ما حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است. ما باید افراد حزب را با جهان بینی حزبمان - مارکسیسم - لینینیسم - عمیقا آشنا سازیم. حزب باید بویژه در بالا بردن دانش علمی کادرهای جوانی که به حزب رو خواهند آورد، با تمام نیرو بکوشد. در این زمینه باید توجه داشته باشیم که آموزش مارکسیسم - لینینیسم باید در تمام بخشهاش در انتباq کامل و پیوسته با واقعیت تاریخی و امروزی جامعه ایران عملی گردد. در این زمینه از طرف حزب ما کارهای با ارزشی انجام گرفته، ولی باید اذعان کنیم که ما هنوز کمبود بسیار داریم و باید با بکار گرفتن همه امکانات این کمبودها را رفع نمائیم.

در زمینه تربیج مارکسیسم در جامعه ایران، باید به این واقعیت شادی آور توجه کنیم که امروز با رشد بیسابقه کمی و کیفی طبقه کارگر در سالهای اخیر، با پیدایش یک

قشر نیرومند روشنفکران جوان و دانشجویان در جو اقلابی بیسابقه و بی نظیر جامعه ایران و زیر تأثیر پیروز یهای جنبش‌های مارکسیستی - لینینیستی راستین در سراسر جهان، تشنجی برای آموزش مارکسیسم - لینینیسم بطور بیسابقه‌ای در ایران و کم سابقه در سراسر جهان شدت یافته است. ولی از سوی دیگر این تحول تاریخی شادی آور وظایف سنتگینی را در برابر حزب ما قرار میدهد. ما باید به این تشنه لبان، آب گوارای مارکسیسم - لینینیسم را برسانیم. مسلماً در این زمینه کار ما آسان نیست. امپریالیستها، مرتدان از مارکسیسم و پروکاتورهای چینی خواهند کوشید بنام مارکسیسم بازار کتاب ایران را از محصولات مخدوش و واژده پر کنند و از هر راه آبهای مسموم را به خورد تشنگان بدهند. ما باید ضمن اشاعه آثار واقعی مارکسیستی، آثار تحلیلی و انطباقی مارکسیسم - لینینیسم بر واقعیت جامعه ایران، بخش قابل توجهی از فعالیت ترویجی خود را برای افشاء این دغلکاری دشمنان طبقه کارگر و جنبش جهانی کمونیستی بکار اندازیم. رفقای ما در این بخش کار بسیار سنتگینی در پیش دارند.

در زمینه کارتیلیگاتی توجه حزب ما باید در این جهت باشد که در جامعه امروزی ما نسبت به جامعه پریروزی و دیروزی، تحولات ریشه‌ای فکری به وجود آمده است. حزب ما با آنچنان فضای سیاسی رو بروست که در گذشته به این صورت هرگز در برابر ما قرار نداده است. نظریات فلسفی و اجتماعی اسلام با زندگی سیاسی قشراهی وسیع مردم شهر و ده بهم آمیختگی بی سابقه ای پیدا کرده اند و هیچ حزب جدی نمی تواند این واقعیت را در نظر نگیرد. این واقعیت به ما حکم می کند که در عین رعایت حد اعلای اصولیت در دفاع از نظریات اسلام در کار تبلیغاتی روزمره، از هرگونه برخورد غیر عقلانی با تمام نیرو پرهیز کیم. ما باید در زمینه کار تبلیغاتی، در همه جبهه‌هایی که رفقای حزبی ما فعالیت می کنند، منتهای اصولیت در دفاع از عقاید خود را با منتهای نرم و احترام در برابر نظریات گروه‌های دیگر خلق، بویژه گروه‌های مذهبی تلفیق نمائیم. ما باید بکوشیم همیشه در درجه اول، روی آنچه که ما را بهم نزدیک می کند، تکیه کنیم. دستگاه تبلیغاتی حزب ما باید در این زمینه، یعنی در مشخص ساختن دقیق و علمی آنچه که در بخش مسائل اجتماعی، هواداران مذهب اسلام و هواداران سوسیالیسم علمی را به هم نزدیک می کند، کار وسیعی انجام دهد. باید کادرهای حزبی را در این باره به طور همه جانبه مجهز ساخت. هرگونه کم توجهی یا بی توجهی در این میدان نبرد فکری و عقیده ای می تواند زیان‌های جبران‌ناپذیر به بار آورد.

همین اصل را میتوان در زمینه تبلیغات سیاسی یادآوری کرد. در میدان نبرد تبلیغات سیاسی، حزب ما باید اصولی، با نرم، خونسرد، عاقلانه، بدون شتابزدگی در قضاوت‌ها و دادن ارزیابیهایی، که هنوز دلائل کافی برای آنها وجود ندارد، بدون برچسب زدن‌های احساساتی عمل کنیم و از زندگی در لحن جدا پرهیز نمائیم. تبلیغات ما باید ساده و قابل فهم برای توده‌ها باشد، قابل فهم نه تنها از لحاظ

سادگی زبان، بلکه از لحاظ محتوی، ما در کار تبلیغاتی باید مسائل را طوری مطرح کنیم که درک درستی ادعای ما برای توده‌ها، با تجربه روزمره خودشان، امکان پذیر باشد. اینهاست آن کلی ترین نکاتی که بنظر ما باید ارگانهای تعلیماتی، ترویجی و تبلیغاتی بطور پیگیر مراعات نمایند.

۵. لزوم تکمیل برنامه و اساسنامه حزب

حق میتوانیم ادعا کنیم که برنامه مصوبه پلنوم پانزدهم حزب، عالیترین سند سیاسی تاریخ حزب است. این برنامه بر پایه عالی علمی مارکسیستی - لنینیستی تحلیل درستی از اوضاع ایران و جهان داد و احکام اساسی آنرا زندگی با روشنی تأیید کرد. ولی اوضاع کشور ما و جهان، از تاریخ تدوین این برنامه با گامهای بلندی به جلو رفته و تحولات عظیمی در همه جهان و بویژه در میهن ما بوجود آمده است. بخشی از آنچه که ما بعنوان هدفهای جنبش انقلابی ایران، در برنامه بدروستی طرح کرده بودیم، بهمت انقلابی خلقهای ایران جامه عمل پوشیده است. به این ترتیب ضرورت نوسازی برنامه کاملا مشهود است.

پیشنهاد ما اینست که پلنوم به هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب ما مأموریت دهد که در کوتاهترین مدت ممکن، این نوسازی را در متن برنامه تدارک ببیند و در اساسنامه حزب متناسب با شرایط مشخص امروزی تغییرات لازم را وارد کند. اینکار باید هر چه زودتر انجام گیرد، زیرا تردیدی نیست که مهمترین سند سیاسی حزب، برای تبلیغات سیاسی، سندی که مارکسیسم - لنینیسم را با شرایط مشخص جامعه کنونی ایران منطبق سازد، برنامه حزب است.

همه با هم در جبهه متحد خلق
برای بارور کردن انقلاب ملی و دموکراتیک
به سود زحمتکشان و قشرهای میانه حال جامعه

هم میهنان عزیز، رزمندگان و مبارزان راه خلق!

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، با درک عمیق مسئولیت خطیر ملی و میهانی خویش، در این لحظات حساس تاریخی توجه شمارا به یک سلسله نکات مهم و اساسی برای حفظ دستاوردهای انقلاب و برآوردن رفتکشور از بحرانی که طی ده ها سال فرمانروائی امپریالیسم و رژیم دست نشانده اش گردید میهان ما شده است، جلب می کند.

با سرنگونی رژیم فاسد سلطنتی و اعلام دولت موقت انقلابی، نخستین مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک ایران به پیروزی عظیم تاریخی دست یافت. در این انقلاب بزرگ، همه مردم، سوای گروه ناچیز خائن به منافع ملی، در یک جبهه متحد شرکت کردند و با جانبازی های کم نظری خود صفحات درخشانی به تاریخ انقلاب های خلق های ستم زده جهان افزودند.

خلق قهرمان ایران، از همان نخستین روزهای گسترش پرشتاب جنبش انقلابی خویش، خواسته های اساسی خود را به شرح زیرین مطرح ساخت:

- برانداختن نظام فاسد سلطنتی و در هم شکستن دستگاه خیانت، غارت، اختناق، جنایت و فساد.

استقرار جمهوری متکی بر اراده خلق و تأمین کامل کلیه حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی دموکراتیک.

- پایان دادن به تسلط نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم.
- برچیدن بساط غارتگری بی بند و بار سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم و زمین خواران و زمین داران بزرگ، باز گرداندن ثروت های غارت شده ملی به مالکیت همگانی خلق.
- ایجاد نظام عادلانه اقتصادی بر پایه بهره برداری معقول از ثروت های ملی و استفاده صحیح از نیروی کار انسانی برای تأمین پیشرفت اجتماعی و بهبود زندگی ده ها میلیون زحمتکش

شهر و رستا.

در هم کوفنن رژیم در زنده و خون آشامی که هم خود تا بن دندان مسلح و هم از حمایت جدی بزرگترین قدرت امپریالیستی جهان - امپریالیسم امر یکا - برخوردار بود، وارد کردن ضربات درهم شکن بر ارکان تسلط راهزنانه امپریالیسم بر میهن ما - چنین است دستاوردهایی که انقلاب خلق بدان رسیده است.

حزب توده ایران در این نکته با آیت الله خمینی کاملاً هم آوا است که این کامیابی، نخستین دستاورده در راه بسیار دشوار و پرخطری است که انقلاب خلق در سرآغاز مرحله دوم خود بدان رسیده است و مهم ترین وظیفه در شرایط کنونی تحکیم و ثبت پیروزی به دست آمده و نوسازی اقتصادی و بازسازی اداری کشور است.

حزب توده ایران بر آنست که تحقق این هدف‌ها در گروه اقدامات قاطع و سریع برای انحلال پایگاه‌های نظامی و قطع نفوذ سیاسی و اقتصادی امپریالیسم و برانداختن کلیه بازمانده‌های ارجاع است.

تاریخ انقلاب‌های اصیل نشانگر آنست که تنها با تأمین استقلال سیاسی و برکاری گروهی از تبه کارترین کارگزاران رژیم‌های کهنه نمی‌توان تسلط اقتصادی امپریالیسم و ارجاع را برانداخت.

دست نخورده ماندن مواضع اقتصادی امپریالیسم و ارجاع برای سرنوشت نهائی انقلاب خطرات جدی در بر دارد. فقط با درهم شکستن و برانداختن این مواضع است که می‌توان خواست‌های حقه میلیون‌ها انسان محروم و زحمتکش را تحقق بخشد، صنعتی کردن را بر وفق منافع ملی و فارغ از وابستگی به امپریالیسم سامان داد، کشاورزی را از وضع نابسامان کنونی ببرون آورد، زندگی زحمتکشان را با آهنج سریع بهبود بخشد و فرهنگ ملی را شکوفان ساخت.

حزب توده ایران همه مبارزان راه خلق را فرا می‌خواند که هر چه زودتر بر اساس برنامه مشترکی که خواست‌های ده‌ها میلیون زحمتکشان و میانه حالان جامعه ایران را در بر گیرد، توافق کنند و این برنامه را پایه عمل مشترک و متحد خود در مبارزات آینده خویش برای تدوین قانون اساسی جدید، انتخاب مجلس مؤسسان، تصویب قانون اساسی و انتخاب مجلس ملی و دولت ملی قرار دهند.

امپریالیست‌ها و نیروهای ارتجاعی وابسته به آنان می‌کوشند با تمام نیرو باستن اتحاد با بیوژوازی لیبرال (که از گسترش جنبش انقلابی هر روز بیشتر به وحشت می‌افتد) با کمک خرابکارانه امثال بختیار و سرهنگ توکلی، از درون صفو نیروهای انقلابی، این اتحاد دموکراتیک را غیر ممکن سازند و با افشارند تخم نفاق و دودستگی در میان نیروهای راستین انقلاب، زمینه را برای تسلط مجدد خود فراهم کنند.

تنها بیداری، هشیاری، آمادگی و اتحاد نیروهای خلق بر بنیاد برنامه سیاسی و اقتصادی روشن و مبارزه متحد برای تحقق آن می‌تواند این نقشه‌های شوم و خطرناک را با ناکامی رو برو سازد.

براین اساس حزب توده ایران برنامه پیشنهادی زیرین را برای ایجاد جبهه متحد نیروهای خلق مطرح می‌سازد و در عین حال آمادگی جدی خود را برای توجیه و بررسی پیشنهاد مشخص دیگری در این زمینه اعلام می‌دارد.

الف. در زمینه نظام سیاسی، حقوق و آزادی‌های سیاسی فردی و اجتماعی

- ۱- حزب توده ایران ابتکار حضرت آیت الله خمینی را در مورد اعلام جمهوری اسلامی در ایران تایید می‌کند و برای تحقق آن از بذل هیچ گونه مساعی در بین نخواهد ورزید.
- ۲- حزب توده ایران برآنست که کشور ما برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی خویش باید دارای نیروهای مسلح دموکراتیک باشد. این نیروهای مسلح باید مجری اراده خلق باشند. به همین جهت حزب توده ایران از فکر ایجاد گارد مسلح ملی برای پاسداری انقلاب و مقابله با هر گونه توطئه محتمل جداً پشتیبانی می‌کند. نیروهای مسلح دموکراتیک خلق مطمن ترین وثیقه حفظ دستاوردهای انقلاب پیروزمند ایران است. ما اعتقاد راسخ داریم که گارد مسلح ملی باید همه نیروهای اصیل ملی و میهن پرست داوطلب شرکت در آن را، بدون هیچ گونه پیشداوری، بدون هیچ گونه تبعیض و انحصار طلبی، در برگیرد.
- ۳- نیروی حیاتی و شکوفائی جمهوری تنها در صورت شرکت آزاد و کارای همه خلق‌های میهن ما در زندگی سیاسی و اجتماعی و نیز در صورت احترام متقابل به مذاهب، آداب و رسوم، فرهنگ ملی و زبان همه خلق‌های کشور می‌تواند تأمین گردد.
- ۴- در جاقعه ایران شرط لازم برای تحقق وحدت ملی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، واگذاری خود مختاری اداری و فرهنگی به همه خلق‌های کشور در چارچوب جمهوری واحد دموکراتیک ایران است.
- ۵- در جمهوری توبیاد ایران شرکت فعال توده‌های انبوه مردم در اداره امور کشور باید از طریق شوراهای استان، شهرستان، بخش و ده تأمین گردد. این شوراهای باید به صورت ارگان‌های اعمال قدرت محلی با اختیارات و وظایف مشخص عمل کنند.
- ۶- تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک فقط زمانی میسر است که همه سازمان‌های اجتماعی و سیاسی و صنفی ملی و مترقبی، بدون هیچ گونه محدودیت و تبعیض، امکان فعالیت آزاد برای نشر و تبلیغ نظریات خود داشته باشند و به هیچ گونه انحصار طلبی و اعمال فشار و تحمل نظریات و تبعیض از سوی هیچ مقام و هیچ فردی راه داده نشود. حصول این مقصود مستلزم آنست که:
- کلیه قوانین و مقررات منافی با حقوق دموکراتیک و حاکمیت خلق ملغی شود، محکمه و مجازات کلیه کارگزاران فاسد و جنایت کار رژیم سابق عملی گردد.

— آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، تظاهرات و آزادی دفاع در
محاکم تأمین گردد.

— حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای همه شهر وندان کشور، صرف نظر از ملت،
جنس، تعلقات مذهبی و سواد، در کلیه مؤسسات انتخابی تأمین شود.

— حق کامل تشکیل سازمان های صنفی برای همه کارگران و زحمتکشان شهر و ده به
رسمیت شناخته شود و این سازمان های صنفی در کلیه امور مربوط به تولید و شرایط کار و زندگی
زحمتکشان حق دخالت داشته باشد.

— کلیه زحمتکشان شهر و ده از حق بی چون و چرای اعتصاب برخوردار باشند.

— زن و مرد در جامعه برابری حقوق واقعی داشته باشند.

ب. در زمینه سیاست خارجی

۱— دفاع از تمامیت ارضی، تأمین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور.

۲— لغو کلیه قراردادهای نابرابر اقتصادی، سیاسی و نظامی علني و یا سری که

امپریالیسم و رژیم سرنگون شده به کشور ما تحمیل کرده اند.

۳— خروج فوری از پیمان تجاوز کار سنتو و لغو قرارداد دو جانبی نظامی با امر یکا.

۴— پیشنهاد عقد قرارداد دولتی و عدم تجاوز به همه کشورهای همسایه بویژه به عراق،

ترکیه، افغانستان، اتحاد شوروی و پاکستان.

۵— اعلام بی طرفی ایران و پیوستن آن به جرگه کشورهای غیر متعهد.

۶— پشتیبانی از انعقاد پیمان امنیت دسته جمعی در منطقه خاورمیانه و نزدیک و سراسر
آسیا.

۷— پشتیبانی مادی و معنوی همه جانبه از جنبش های انقلابی و آزادیبخش ملی
ضد امپریالیستی و در درجه اول از جنبش آزادیبخش خلق قهرمان فلسطین.

۸— کوشش برای برقراری روابط دولتی و همکاری مبتنی بر برابری حقوق و عدم

مداخله در امور داخلی با همه کشورهای جهان.

۹— دفاع از صلح جهانی و اجرای پیگیر اصول همزیستی مسالمت آمیز.

ج. در زمینه دفاع و حفظ امنیت کشور

۱— تصفیه کامل ارتش از تمام عناصر ضدملی و فاسد.

- ۲- دگرگونی بنیادی در نظام درونی ارتش برای تبدیل آن به ارتش واقع‌ملی، دموکراتیک و خلقی از طریق تشکیل کمیته‌های ملی سربازان، درجه‌داران و افسران و تأمین حق شرکت همه افراد ارتش در حیات سیاسی کشور.
- ۳- کاهش بودجه و نفقات ارتش تا حد تأمین نیازمندی‌های واقعی دفاعی کشور.

د. در زمینه اقتصادی

- ۱- ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم از کلیه شئون اقتصادی کشور، از طریق الغای کلیه قراردادهای اسارت‌آور.
- ۲- ملی کردن کلیه مؤسسات صنعتی، کشاورزی و مالی متعلق به انحصارها و دولت‌های امپریالیستی، ملی کردن بانک‌ها و مؤسسات بیمه خصوصی و واحدهای بزرگ صنعتی و کشاورزی که در دست کارگزاران و سرمایه‌داران بزرگ وابسته به رژیم سرنگون شده متصرک‌زند و به طور عمدۀ با سرمایه‌های امپریالیستی پیوند دارند.
- ۳- ضبط همه ثروت‌های متعلق به اعضای خاندان پهلوی، کوشش در بازگرداندن ثروت‌هایی که توسط این افراد به خارج منتقل شده است. ضبط کلیه ثروت‌هایی که گردانندگان رژیم سابق و سایر کارگزاران امپریالیسم در طول بیش از پنجاه سال تسلط این رژیم به تاراج برده‌اند. مصادره زمین‌های متعلق به زمین خواران بزرگ و سفتنه‌بازان زمین‌های شهری و اگذاری آن به شوراهای شهرستان‌ها و شهرها و بخش‌ها برای ساختن خانه جهت زحمتکشان.
- ۴- الغای قرارداد تحمیلی کنسرسیون بین المللی نفت، جلوگیری از افزایش نامعقول تولید نفت و کاربرد شیوه‌های فنی صحیح در زمینه بهره‌برداری از منابع نفت به منظور حفظ هرچه طولانی‌تر ذخایر گرانبهای نفت کشور، جلوگیری هرچه سریع‌تر از هدر رفتن گازهای طبیعی و فراهم ساختن شرایط لازم برای استفاده صحیح از این ماده گرانبهای.
- ۵- الغای کلیه قراردادهای پر هزینه ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای و موافقت نامه‌های مربوط به دفن زباله‌های اتمی در خاک کشور ما.
- ۶- کاربرد برنامه‌ریزی علمی در کلیه شئون اقتصادی کشور.
- ۷- صنعتی کردن کشور، گسترش رشته‌های گوناگون صنایع سنگین و سبک برپایه استفاده از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی دوران ما، با توجه به اولویت، امکانات و نیازمندی‌های واقعی جامعه.
- ۸- تمرکز رشته‌های اساسی صنعت، بانکداری و بیمه در دست دولت، دموکراتیزه کردن بخش دولتی و قرار دادن آن در خدمت خلق.
- ۹- اجرای اصلاحات ارضی بنیادی، از طریق مصادره زمین‌های متعلق به زمین داران

بزرگ و ملی کردن مؤسسات بزرگ خصوصی کشاورزی، دایر کردن زمین های بایر به منظور تأمین زمین کافی برای دهقانان بی زمین و کم زمین و کشاورزانی که به عنوان کارگر در مزارع کار می کنند، تضمین مالکیت دهقانی، ملی کردن مؤسسات کشت و صنعت.

۱۰- بسط همه جانبه بازارگانی داخلی و کمک موثر به ترقی آن به منظور گسترش و تحکیم بازار داخلی، پایان دادن به سیاست تباہی آور درهای باز و ایجاد شرایط لازم برای تأمین فعالیت سودمند سرمایه داران ملی.

۱۱- تجدید نظر در توزیع درآمد ملی، برمبنای تنظیم و تعدیل بودجه دولتی، با توجه به اصل اولویت های اقتصادی، حذف کلیه هزینه های زائد و تخصیص اعتبارات لازم برای رشد سریع و همه جانبه اقتصاد، فرهنگ و آموزش عالی.

۱۲- اصلاح بنیادی سیستم مالیاتی به سود شاغلین کارهای جسمی و فکری در شهر و

.۵۵

ه. در زمینه بیبود زندگی

۱. کارگران

- تأمین شرکت برابر کارگران در اداره امور مؤسسات صنعتی و کشاورزی و از آن جمله در تنظیم برنامه تولید و برقراری تناسب عادلانه میان سود و دستمزد.

- تنظیم قانون کار بر بنیاد دموکراتیک.

- تأمین اشتغال و تلقی آن به مثابه حق مسلم شهروندان کشور، از میان بردن بیکاری در سراسر کشور.

- به رسمیت شناختن قراردادهای دسته جمعی و ایجاد تضمین های لازم برای اجرای آنها.

- افزایش فوری دستمزدها، متناسب با کار و نیازمندی های درجه اول مادی و معنوی زحمتکشان و خانواده های آنها، با توجه به نوسانات هزینه زندگی.

- کاهش ساعات کار در هفته در همه رشته های تولیدی و افزایش مدت مرخصی سالانه با استفاده از حقوق با تواافق نمایندگان منتخب کارگران.

- تنظیم قوانین مترقبی بیمه های اجتماعی به سود همه زحمتکشان و خانواده های آنها، تأمین خدمات پزشکی و داروی رایگان برای آنان.

- تأمین مسکن مناسب برای کارگران.

- تجدیدنظر در طبقه بنی مشاغل.

- افزایش مستمری کارگران بازنیسته.

۲. روستائیان

- واگذاری اعتبارات دولتی فوری، بذر و کود و کمک های فنی به دهستان خردپا و میانه حال.
- کمک همه جانبه به ایجاد شرکت های تعاونی تولیدی دهستانی، گسترش شرکت های تعاونی فروش و مصرف به سود دهستان و خرید محصولات کشاورزی به بهای عادلانه.
- حل جدی مسئله آب به سود دهستان.
- الغای وام ها و اقساط زمین و تضییقات مادی دیگری که رژیم سرنگون شده به روستائیان تحمیل کرده است.

۳. زنان

- تأمین کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی زنان برابر با مردان.
- پرداخت مزد یکسان به زنان در برابر کاریکسان با مردان، منع کار کود کان.
- واگذاری مرخصی های دراز مدت، با استفاده از حقوق، برای زنان زحمتکش در دوران پیش و بعد از زایمان.
- ایجاد شبکه وسیع زایشگاه ها و شیرخوارگاه ها و کودکستان ها برای استفاده زنان زحمتکش.

۴. کارمندان

- تقسیم صحیح کار در ادارات، ترفع براساس آزمودگی و کیفیت کار و سوابق خدمت.
- تجدید نظر در قوانین استخدامی بر بنیاد دموکراتیک و جلوگیری از هرگونه تبعیض در مورد آنان.
- تأمین مسکن مناسب برای کارمندان.
- شناسائی حق تشکیل سازمان های صنفی برای همه کارمندان مؤسسات و ادارات دولتی و خصوصی و تأمین حق اعتصاب.

۵. جوانان

- تجدید نظر بنیادی در نظام آموزشی.
- رایگان بودن آموزش از دبستان تا دانشگاه و پرداخت مدد معاش دولتی به فرزندان کارگران و کشاورزان و کارمندان کم درآمد.
- گسترش شبکه آموزش های حرفه ای رایگان.
- تأمین امکانات وسیع ورزشی و تربیت بدنی و توسعه مؤسسات ورزشی و ایجاد

باشگاه‌های فرهنگی در شهرها و روستاها.

— تأمین کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌های دولتی عمومی در سراسر کشور با حق استفاده رایگان از آنها.

۶. پیشه‌وران

- واگذاری اعتبارات دولتی برای پیشرفت کار در رشته‌های گوناگون پیشه‌وری.
- تشکیل اتحادیه‌های ویژه پیشه‌وری برای دفاع از خواست‌ها و منافع صنفی پیشه‌وران.
- تشویق کارهای دستی هنری ملی.

و. درزمنه‌فرهنگ

۱. ریشه کن ساختن همه آثار فرهنگ استعماری از زندگی روزمره مردم.
۲. گسترش شبکه آموزش و پرورش در سراسر کشور، رفع کمبود شدید دبستان و دبیرستان، ایجاد شبکه وسیع آموزشگاه‌های حرفه‌ای، مدارس عالی و دانشگاه‌ها.
۳. توجه خاص به ترقی فرهنگ مناطق عقب نگاه داشته شده.
۴. ایجاد سیستم فرهنگ ملی برای خلق‌ها و اقلیت‌های ملی و تأمین آموزش به زبان مادری.
۵. ایجاد فرهنگستان علوم ایران و تشکیل شبکه وسیع پژوهش گاه‌های علمی و فراهم کردن شرایط لازم برای کار خلاق و ثمر بخش دانشمندان.
۶. کمک مؤثر به گسترش و رشد مطبوعات و انتشارات مترقی دموکراتیک.
۷. تأمین شرایط لازم برای پیشرفت آفرینش هنری.
۸. تأمین آزادی برای نویسنده‌گان و هنرمندان بر پایه خواست‌های حقه سازمان‌های صنفی آنها.

ز. درزمنه دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، محکومان رژیم سابق و خانواده‌های قربانیان علیه استعمار و استبداد

۱. اعلام بیدرنگ بی اعتبار بودن کلیه احکام دادگاه‌های نظامی علیه مبارزان ضد رژیم سابق و اعاده حیثیت از همه آنان.

۲. تشکیل فوری کمیسیونی با شرکت نمایندگان منتخب زندانیان سیاسی برای تعیین و جبران کلیه خساراتی که در نتیجه زندانی شدن به این مبارزان وارد آمده است.

اختیارات و امکانات قانونی و مادی این کمیسیون برای جبران این خسارات باید از طرف دولت تأمین گردد.

۳. کمک فوری و در صورت لزوم تعیین مستمری به بازماندگان قربانیان رژیم سابق توسط کمیسیون خاصی با اختیارات قانونی و مادی لازم.

چنین است رئوس کلی برنامه ای که به نظر حزب توده ایران می تواند همه نیروهای دفاع انقلاب ملی خلق قهرمان ایران را - از مبارزان پیکر راه آیت الله خمینی گرفته تا حزب توده ایران و سایر نیروهای انقلابی چپ، در یک جبهه واحد و متحد گرد آورد - جبهه ای که بتواند سلط امپر یالیسم را در کلیه شئون براندازد، ثروت های ملی و قدرت اقتصادی را از چنگ عناصر غارت گر، یعنی سرمایه داران بزرگ وابسته به امپر یالیسم بیرون کشد و به سود خلق به کار اندازد.

فقط در پرتوی چنین جبهه متحد و تحقق چنین برنامه مشترکی است که می توان دستاوردهای انقلاب خلق ما را حفظ کرد و به خواست های خلق انقلابی جامه عمل پوشانید.

حزب توده ایران همه نیروهای انقلابی و در درجه اول همه گروه های مبارز پیرو راه آیت الله خمینی، سازمان مجاهدین خلق، چریک های فدائی خلق و همه گروه های سیاسی و سازمان های ملی و دموکراتیک دیگر را به بررسی این پیشنهاد حزب توده ایران دعوت می کند.

له نوبه خود حزب توده ایران آمادگی خود را برای بررسی هر پیشنهاد دیگری که در این زمینه مطرح گردد اعلام می گند.

هم میهنان، مبارزان راستین راه خلق!

انقلاب ایران راهی دشوار و سرشار از انواع مخاطرات، توطئه ها و دسیسه های دشمن در پیش دارد. دشمنان خلق هنوز نیرو و امکان فراوان در اختیار دارند. تاریخ انقلاب ها به ما می آموزد که پیروزی انقلاب به مراتب آسان تر از رساندن انقلاب به فرجام آنست. تجربه انقلاب های اجتماعی بزرگ به ما نشان می دهد که دشمن شکست خورده در دوران پس از انقلاب سرسختی و مقاومتش ده چندان می شود. دشمن مردم ایران - ارتیاج و امپر یالیسم - درون کشور سرکوب شده ولی به هیچ وجه از پای درنیامده است. تنها با وحدت عمل و اتحاد کلیه نیروهای ملی و مترقی، با فدایکاری و قاطعیت انقلابی در گزینش برنامه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی درست است که می توان براین دشواری ها پیروز شد و دسیسه ها و توطئه های مخوف اشرار دشمن خلق را عقیم گذاشت.

حزب توده ایران برای تشکیل جبهه متحد خلق تمام نیرو و امکانات خود را به کار خواهد

برد.

- پیروز باد انقلاب سترگ خلق دلاور ایران!
- برقرار باد جبهه متحده خلق، نیرومندترین اهرم پیروزی بر دشمن مشترک!
- تابنا ک باد خاطره شهیدان راه آزادی، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی ایران!

پیام پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم مبارز و قهرمان ایران

خواهران و برادران زمنده و قهرمان!

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، پیروزی انقلاب بزرگ ملی و دموکراتیک ایران را بهمه شما، که در این انقلاب شرکت جسته و به تحقق پیروزی آن خدمت کرده اید، از پیر و جوان و کودک، زن و مرد، شهری و روستایی، روحانی و غیرروحانی، نظامی و غیرنظامی از صمیم قلب شادباش می‌گویید.

ما این پیروزی را همچنین به رفاقت و هاداران وفادار حزب خود، که سالیان دراز علیه امپریالیسم و استبداد پهلوی با سرسختی و از خود گذشتگی مبارزه کرده اند و بخاراط این مبارزه آسیب‌های گوناگون دیده، حرمانهای رنگارانگ کشیده، و در جریان انقلاب کنونی در کنار دیگر نیروها و قشراهای جامعه ایران، دست به پیکار فداکارانه زده اند، تبریک می‌گوئیم.

پیروزی بر رژیم ددمنش، فاسد و دست نشانده استبداد سلطنتی پهلوی، که تا دنдан مسلح و گرگ مردم خوار ساواک پاسدارش بود، کار آسانی نبود. درستی هدف، وحدت عمل، پیگیری و فداکاری در نبرد، هشیاری و آگاهی اعجاب آور اکثریت قریب بتمام مردم که در این انقلاب شرکت جستند، حادثه ای را ممکن ساخت که امپریالیسم و ارتقای جهانی آنرا محال می‌بیند اشتبند.

انقلاب ملی و دموکراتیک ایران نه تنها فصل نوی را در تاریخ تکامل اجتماعی ما می‌گشاید و مهمترین رویداد تاریخ معاصر ایرانست، بلکه در مقیاس منطقه و در مقیاس جهانی دارای اهمیت خطیری است.

در جریان این انقلاب همه قشراهای میهن پرست و آزادیخواه جامعه ایران، هر یک در جای خود، نقش مهم و در خورد آفرینی داشته اند. از آنجمله باید از نقش کارگران و کارمندان مؤسسات دولتی و خصوصی نام برد که با ایجاد فلوج در دستگاه استبدادی، انهدام آنرا تسریع

کردند. بویژه باید از نقش بر جسته طبقه کارگر قهرمان ایران و در پیشاپیش آنها از نقش کارگران صنعت نفت یاد کرد.

در جریان این انقلاب از میان روحانیت مترقی و مبارز ایران، شخصیت مبرزی مانند آیت الله خمینی بخاست که با ابراز سرسختی و هشیاری در اجراء این وظیفه دشوار و بغرنج، احترام قاطبۀ نیروها را به خود جلب کرد.

در جریان این انقلاب و بویژه در درگیریهای فوق العاده حساس روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه مبارزان مسلح انقلابی خلق، دوشادوش سر بازان، درجه داران و افساران انقلابی ارتشد، موفق شدند کوتای ضد انقلابی را در نقطه و در مرحله تدارکی آن خفه کنند و شرایط را برای عقب نشینی و تسليم سران ارجاعی «ارتش شاهنشاهی» فراهم نمایند. مردم ایران نقش حساس این جبانازان انقلابی را هرگز از یاد نخواهند برد.

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در برابر همه شهیدان انقلاب در همه شهرها و روستاهای ایران، در مقابل همه شهیدانی که راه این انقلاب را با مبارزه سراسر ایثار خویش هموار ساختند، سر تعظیم فرود می‌آورد. تاریخ ایران هرگز این جان نثاران میهن، خلق و عدالت را از خاطره خویش نخواهد زدود.

پلنوم کمیته مرکزی بهمه زندانیان سیاسی که طی سالیان دراز عذابها و تحقیرهای جلادان و شکنجه گران رژیم شاه را دلاورانه تحمل کردند و اکنون انقلاب آنها را به فعالیت اجتماعی و سیاسی باز گردانده، با شور و علاقه فراوان، درود می‌فرستد.

تردیدی نیست که برانداختن رژیم فاسد، خائن، غارتگر و ستمگر پهلوی و منهدم شدن بسیاری از مواضع سیطره امپریالیستی کار عظیمی است که انجام پذیرفته است، ولی روش است که این، هنوز همه کار نیست. هنوز تا پیروزی نهائی و مطمئن انقلاب، وظایف بسیار و پیچیده ای در برابر مردم انقلابی کشور ما قرار دارد.

ریشه کن کردن قطعی ضد انقلاب و طرد کامل عمال آن، حفظ هشیاری دائمی در مقابل دسایس رنگارانگ امپریالیسم و عمالش، که مایل هستند بدین نحویاً بدان نحو، انقلاب ملی و دموکراتیک را با شکست روبرو سازند و مواضع از دست رفته و آسیب دیده خود را احیاء و ترمیم نمایند، ایجاد نظام جدید بر پایه نیل به استقلال واقعی، دموکراسی، رفاه عمومی، پیشرفت اجتماعی، هر یک وظیفه ایست خطیر و دشوار که حل آنها کما کان در برابر ماست.

تنها و تنها با ادامه وحدت عمل و راه ندادن به تفرقه در صفوی انقلاب، با ادامه حد اعلای فدائکاری و هشیاری و احتراز از غفلت و خوشباوری، با ادامه مبارزه پیگیر در راهی که هنوز در پیش است میتوان انقلاب ایران را به سرانجام پیروزمندش رساند و از مسخ و سقط شدن و ناقص ماندن و شکست آن جلوگیری کرد. این درس مهمی است که تاریخ انقلابها در جهان و ایران به ملامت آموزد.

ما اطمینان داریم مردمی که از عهده اجراء وظایف بسیار دشوار برانداختن سلطنت مستبد و منهدم کردن بسیاری از مواضع امپریالیسم، با دادن آنهمه قربانیها و ابراز آنهمه قهرمانیها برآمده اند، از عهده اجراء وظایف ایجاد نظام جدید، هر اندازه هم که این وظایف دشوار

و پیچیده باشد، برخواهد آمد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، بنوبه خود، از همه خواهان و برادران هموطن از کارگران، دهقانان، پیشه وران، دانشجویان و روشنفکران، کارمندان، روحانیت مترقبی، سرمایه داران ملی، ارتشاریان انقلابی و میهن پرست، از همه خلقهای میهن ما، اعم از تعلق به هر مذهب یا هر نظریه و گروه سیاسی، دعوت میکند، در صف واحد، با حفظ سطح عالی آگاهی و هشیاری نسبت به دسایس غدارانه و ابلیسانه ضد انقلاب، برای رساندن انقلاب به سرانجام قطعی و پیروزمندش از پای نشینند و درجه بالای رشد اجتماعی خود را به جهانیان نشان دهند و همه حسابهای امپریالیسم و ارتفاع را که میخواهند با توصل بهمه حربه ها از قساوت بربرمنشانه گرفته تا عوام ریبهای لیبرال مآبانه، سیطره خود و دست نشاند گان خود را حفظ کنند، به هیچ و پوچ بدل سازند.

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران پیشنهادهای مشخص خود را در کلیه زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی برای ایجاد تحولات و اصلاحات عمیق بسود قشرهای مختلف مردم، بهمه نیروها و سازمانهای انقلابی عرضه داشته است.

ما از همه هموطنان عزیز دعوت میکنیم، این پیشنهادهای مشخص را که چاپ و منتشر شده با دقت بررسی کنند. زیرا در مرحله بغرنج کنونی، داشتن تصور روشی از مطالبات مشخص انقلابی در همه زمینه ها مهمترین شرط تجهیز معنوی جامعه و بسیج نیروها علیه ضد انقلاب است. اگر در مرحله کنونی سازندگی، انقلاب هدفهای خود را در هر زمینه بموقع و بروشنی نشandasد و مطرح نسازد و آنرا پیش نبرد، این امر موجب تفرقه میشود و خطر بزرگی برای دستاوردهای موجود انقلابی است.

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در خطاب بهمه هم میگوید: برای ایجاد ایرانی آزاد، آباد، مستقل، صلح دوست، مترقبی و دموکراتیک، برای عقیم گذاردن دسایس ضد انقلاب برای ایجاد شرایط مساعد یک تحول مثبت بسود اکثریت مطلق مردم ایران، همه با هم، در جبهه متحده خلق، به پیش!

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران—اسفندماه ۱۳۵۷

حزب توده ایران به جمهوری اسلامی رأی مثبت می دهد

حزب توده ایران به سؤال مطرح شده در همه پرسی راجع به جمهوری اسلامی رأی مثبت می دهد.

هموطنان! حزب توده ایران برنامه خود را در باره ضرورت تحول بنیادی در جهت تحکیم استقلال ملی، دموکراسی و سالم نسازی اقتصاد کشور، رفاه عمومی و پیشرفت اجتماعی بیان داشته و نظرش در این باره مشخص و روشن است.

ما مدت ها است که نظر خود را در باره ضرورت ایجاد یک جمهوری متکی بر اراده خلق بیان داشته ایم. بدیهی است که براساس مشی خود به سؤال مربوط به جمهوری یا سلطنت به سود جمهوری رأی میدهیم.

در مورد نام این جمهوری ما به همان ترتیب که آیت الله خمینی مسئله را مطرح میکند، یعنی «جمهوری اسلامی» (چنان که در گذشته نیز تشریح کرده بودیم) رأی مثبت می دهیم، زیرا اولاً اصل مطلب محتوی سیاست حکومت هاست، مردم مبارز ایران باید بکوشند تا قانون اساسی جدید بر پایه حفظ منافع اساسی جامعه ما، یعنی استقلال ملی، صلح و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی و رفاه عمومی تنظیم شود و دولت های ناشی از مجلس آینده پیگیرانه در جهت قانون اساسی جدید عمل کنند.

ثانیاً حفظ وحدت نظر و کلمه همه نیروهای ملی و دموکراتیک در شرایط کنونی یک امر حیاتی است.

ما همه هموطنان عزیز را به دادن رأی مثبت به جمهوری اسلامی در همه پرسی آینده فرا میخوانیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۷ اسفند ۱۲

از دادگاه‌های انقلابی حمایت کنیم

متوقف شدن کار دادگاه‌های انقلاب در مورد رسیدگی به جنایات عمال رژیم جنایتکار سابق حتی به صورت موقت مایه کمال تأسف است. اگر به دستگاه جنایت پیش رژیم سابق سرنگون شده ولی از میان نرفته است. اگر به جنایتکاران مجال داده شود، آنها یکبار دیگر کشور را به شکنجه گاه و کشتارگاه میلیون‌ها انسان شریف بدل خواهند کرد؛ نه تجربه ۲۸ مرداد و نه تجربه شیلی و کشورهای نظیر آن را نمی‌توان و نباید فراموش کرد.

آن قسمت از اقدامات قاطع کمیته های انقلابی که در مورد تعقیب و مجازات جنایت کاران رژیم سابق انجام می‌شود مورد تأیید همه مردم ایران و همه نیروهای ترقی خواه و دمکرات جهان بوده و اگر در این زمینه انتقادی وجود داشت عبارت از این بود که چرا این کمیته ها قاطع کر عمل نمی‌کنند و چرا عده ای از بزرگترین جانیان و خیانت کاران امکان یافته اند از مجازات برخند.

آن دسته از محافل خارجی که کار کمیته های انقلابی را تخطیه کرده و عملاً از جنایت پیش‌گان آم کش حمایت می‌کنند نماینده افکار عمومی مردم جهان نیستند، آنها از اربابان ساواک و خادمان سیا هستند، نمی‌بايست به حرف آنها توجه کرد. آنها می‌خواهند ساواک را حفظ کرده و در آینده بازهم به کشور، مسلط کنند.

حزب توده ایران حمایت خود را از اقدامات انقلابی کمیته های امام علیه رژیم جنایت کار پهلوی و عمال آن اعلام میدارد و معتقد است که باید این اقدامات با قاطعیت باز هم بیشتر ادامه یابد. متوقف شدن آن و یا کند شدن آن به مثابه ترمز کردن انقلاب است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۷ ماه ۲۸ اسفند

به رفقای گروه منشعب از سازمان چریک‌های فدائی خلق «وابسته به حزب توده ایران»

رفقای عزیز!

شما با قلبی آکنده از عشق به آزادی و سعادت خلق رحمتکش ایران در یکی از تاریک‌ترین ادوار تاریخ میهن عزیز ما به پا خاستید. عشق آتشین و اراده آهین شما، صداقت و صمیمیت شما به امر طبقه کارگر و سایر زحمتکشان کشور ما، به استقلال و آزادی میهن ما توانم با روح جستجوگر و نقاد شما، راه رسیدن به حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر را برایتان هموار ساخت. شما با دقتی موشکافانه به مطالعه و بررسی تاریخ حزب، هویت حزب و اهداف حزب پرداختید. پیش داوری‌های محدود کننده را کنار گذاشتید و در روزهایی که حزب توده ایران زیر ضربات عمال امپریالیسم و عوامل سر سپرده آن قرار داشت و دشمن از پرداختن به انواع اتهامات ناروا و پوچ برای بی اعتبار کردن این ذر مستحکم مبارزات ضد استبدادی و ضد امپریالیستی از همه امکانات جهمنی خود سود می جست، شما حرکت تدریجی ولی مطمئن خودتان را به سوی حزب ادامه دادید.

رفقا گر چه تازه وارد نیستید و مدت هاست زیر پرچم پرافتخار حزب توده ایران به پیکار سرسرخ و نبردی دلیرانه مشغولید، این اقدام — اعلام ادغام سازمان شما در سازمان متصرف حزب توده ایران — را صمیمانه تبریک می گوئیم و برای شما در مبارزه خستگی ناپذیرتان در حزب طبقه کارگر، به خاطر تحقق آرمان‌های والای طبقه کارگر، برای تأمین استقلال و آزادی میهن عزیzman آرزوی موفقیت داریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۷ماه ۲۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

درباره نوید

مطلوبی که در این صفحه چاپ می کنیم از آخرین شماره نوید — وابسته به حزب توده ایران — گرفته شده است.

نوید طی چهار سال گذشته در شرایط بسیار دشوار نقش مهم سیاسی، سازمانی ایفا کرد و توانست نظریات حزب توده ایران را به مقیاس وسیعی منتشر کند و مورد تأیید و ستایش مرکز رهبری حزب قرار گیرد.

اینک نوید با این امید که وظيفة اصلیش را به پایان برد و دیگر در کشور ما نیازی به روزنامه مخفی نیست، به انتشارش پایان می دهد. ما نیز در امید این رفقای مبارز شریک بوده و خرسندیم که آخرین شماره نوید مستقیماً به نخستین شماره های دوره جدید مردم پیوند می یابد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۷اه ۲۸ اسفندماه

پیروزی بزرگ مردم ایران

مردم ایران پیروزی بزرگی را که طی نبردهای دشوار و خونین انقلابی کسب کرده بودند با رأی مثبت خویش در رفراندوم ثبت کردند. خبرهایی که تاکنون رسیده تعداد رأی دهنگان را بیش از ۱۸ میلیون و آراء مثبت به جمهوری اسلامی را— که قانون اساسی آن با رأی مردم تصویب خواهد شد— ۹۸ درصد قید کرده است. این یک پیروزی عظیم و قدرت نمائی نوین نیروی متعدد خلق است.

اتفاق نظری ساقه ای که در طول نبرد انقلابی وجود داشت و در رفراندوم یکبار دیگر تجلی کرد، نشانه وجود خواست های مشترکی است که مردم زحمتکش ایران را صرف نظر از تفاوت های ملی، مذهبی و عقیدتی به هم می پیوندد. مهم ترین این خواست ها عبارتند از: به خاک سپردن کامل رژیم منفور چندهزارساله شاهی و استقرار جمهوری متکی برآراده خلق، قطع کامل نفوذ امپریالیسم و تأمین استقلال ملی، محو دیکتاتوری و برقراری دموکراسی پی گیر و بالاخره انجام یک تحول بنیادی به سود زحمتکشان.

امام خمینی که نظر اکثریت شرکت کنندگان در رفراندوم را منعکس می کند پیروزی جمهوری اسلامی را در رفراندوم غلبه مستضعفین بر مستکرین اعلام می کند و خواستار آنست که هر آنچه از رژیم طاغوتی بر جای مانده زیرورو شود.

دیگر رهبران مذهبی و سیاسی نیز که در تأثید جمهوری اسلامی سخن گفته اند، تأکید کرده اند که منظور استقرار احکام مترقبی و آزادی خواهانه ای است که به مراتب از دموکراسی های غربی فراتر خواهد رفت. همه آنان وعده تحول اساسی اجتماعی— سیاسی به سود زحمتکشان و در جهت طرد کامل نفوذ امپریالیسم داده و هیچ یک حمایت از طبقات استثمارگر را آشکارا به عهده نگرفته اند.

رأی ۱۸ میلیون ایرانی پشتونه استوار چنین تحول بنیادی است؛ تحولی که استثمار شوندگان را براستثمار کنندگان پیروز گرداند.

مقامات دولت وقت انقلاب اسلامی وعده‌ای از سایر رهبران انقلاب، انجام وعده‌های خود را معمولاً موکول به فرست می‌کنند. در این که چنین فرصتی ضروری است نمی‌توان تردید کرد. زیرو رو کردن جامعه کهن و بنا کردن جامعه نوین—اگر چنین قصدی باشد—فرصت می‌خواهد. اما فرصت زمانی سودمند است که برنامه‌ای برای تحول بنیادی در میان باشد و انجام آن آغاز گردد. و گرنه فرصت به هدر خواهد رفت.

حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی است که موضع خود را در قبال رفراندوم روش نیز متذکر شد و برنامه خود را برای چنین تحولی تدوین نمود و منتشر کرد. ما معتقدیم که این برنامه علمی و روشن بهترین راه انجام تحولی است که وعده آن به مردم داده شده است. با این حال ما صادقانه آماده ایم تا هر پیشه‌هاد متقابلی را در این باره با دقت تمام بررسی کرده و روی برنامه مشترکی با همه نیروهای صدیق انقلابی به توافق برسیم و برای انجام این برنامه مشترک با تمام قوای کشوریم.

اینک پس از پیروزی بزرگ مردم ایران در رفراندوم، زمان تدوین و تصویب قانون اساسی است. باید همه دستاوردهای انقلاب و خواسته‌های مشترکی که میلیون‌ها ایرانی را به پای صندوق رفراندوم کشانید—از جمله و به خصوص استقلال، آزادی، تحول بنیادی به سود زحمتکشان—در قانون اساسی منعکس شود و این قانون در فضای کاملاً آزاد و با شرکت وسیع توده‌های مردم تدوین شده و به تصویب برسد. ما برای مشارکت فعال در این امر آماده ایم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۲ فروردین ۱۳۵۸

مشکل بیکاری را با همکاری همه زحمتکشان می توان و باید حل کرد

بیکاری به یکی از بزرگترین مشکلات کنونی همه زحمتکشان میهن ما، دولت موقت... و تمام جامعه ما بدل شده است. طبق اطلاع رسمی بیش از ۳/۵ میلیون نفر بیکارند و این رقم وحشتناک همچنان رو به فزونی است.

بیکاری، هم ازیزه شومی است که از رژیم سرنگون شده بر جای مانده و هم نتیجه اختلال ناگزیری است که در جریان انقلاب در اقتصاد کشور ایجاد گردیده است. ولی در هر حال آشکار است که بیکاری برای میلیون ها نفر از هموطنان زحمت کش ما به معنی فقر و گرسنگی است. متأسفانه دولت موقت ... تا کنون هیچ اقدام جدی و فوری برای حل این مشکل نکرده است. و درست به همین جهت، ناراضائی بیکاران از این وضع تحمل ناپذیر، به صورت اعتراضات، تظاهرات و تحصن ها بروز کرده و می کند.

مسلم است که بیکاری بیش از ۳/۵ میلیون نفر را نمی توان بلا فاصله از بین برد. ولی این هم مسلم است که گرسنگان را نمی توان به صبر و حوصله دعوت کرد. لذا دولت موظف است که هم با اقدامات فوری و هم با برنامه دراز مدت، قاطعانه و پی گیرانه به مبارزه با بیکاری برخیزد. اقدامات فوری را از جمله می توان با پرداخت کمک منظم به بیکاران— تا اشتغال به کار— تا آن حد که بتواند زندگی حداقل آن ها را تأمین کند، به عمل آورد.

برنامه دراز مدت را می توان با به کار انداختن فوری مؤسسات تولیدی، ساختمانی و خدمات، با شرکت مؤثر کارگران و سندیکاهای کارگری، با ملی کردن مؤسسات صنعتی و کشاورزی و مالی امپریالیستی و کارگزاران ایرانی آن ها و همچنین صنعتی کردن طبق نقشه کشور عملی ساخت. و همه این ها را نه با مقابله با کارگران و زحمت کشان، بلکه با همکاری آنان، بویژه از راه سندیکاهای کارگری، می توان و باید تحقیق بخشید. تأکید این نکه بویژه از

این جهت لازم است که عوامل شناخته و ناشناخته امپریالیسم و رژیم سرنگون شده، با نقاب های گوناگون، می کوشند از مشکل بیکاری و از نارضائی بیکاران برای منحرف کردن جنبش انقلابی مردم ایران از مبارزه در راه هدف های اصلی خود، برای ایجاد نفاق و تفرقه بین نیروهای خلق، بویژه بین کارگران و سایر اقشار و طبقات ملی و زحمت کش، سوء استفاده کنند. از اینجاست که ما به دولت موقت... هشدار می دهیم که هرگونه تأخیر و تعجل در مبارزه برضد بیکاری، در تحقق خواست های حق و عادلانه بیکاران، در کوتاهی برای جلب همکاری کارگران و زحمت کشان و اتحادیه های صنفی آنان به منظور حل مسائل کارگری و بویژه حل مشکل حاد بیکاری، عملاً کمکی است به این عوامل. ما در همان حال به کارگران و زحمت کشان بیکار هشدار می دهیم که به هیچ عنوان و به هیچ شکلی نگذارند مبارزة حق و عادلانه آن ها از جاده صحیح و اصولی خود خارج شود و اتحاد بین خود آن ها و اتحاد آن ها با سایر اقشار و طبقات خلق سست گردد. ما از همه هموطنان، از همه نیروهای ملی، دمکراتیک و مترقبی می طلبیم که با همبستگی با کارگران و زحمت کشان بیکار، با حفظ و تحکیم اتحاد نیروهای خلق، با انتقاد سازنده، سهم خود را در حل مشکل بیکاری ادا کنند.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، مانند همیشه تمام نیروی خود را در این زمینه به کار خواهد برد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ ۲۳ فروردین

حزب توده ایران قانونی است

سخنگوی دولت آقای امیرانتظام طی مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشته است که قوانین مربوط به غیرقانونی بودن حزب توده ایران تا وقتی لغو شده به قوت خود باقی است.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بدین وسیله به اطلاع عموم می رساند که:

۱. هیچ گونه قانونی اختصاصاً دایر به غیرقانونی بودن حزب توده ایران موجود نیست و حزب توده ایران بیش از ۳۰ سال برخلاف قانون «غیرقانونی» تلقی شده است.
۲. قانون خرداد ۱۳۱۰ درباره فعالیت های اشراکی نیز که دادگاه های نظامی رژیم شاه در برخی موارد عليه حزب توده ایران به آن استناد می جستند در سال های اخیر به اصطلاح تکمیل شده و شامل تمام کسانی شد که خواستار جمهوری باشند.
۳. کمیته مرکزی حزب توده ایران بی نهایت متأسف است که در زمانی که باید پایه های دموکراسی را در کشور تحکیم کرد و به اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی کمک نمود، سخنگوی دولت با اظهارات نادرست خود می کوشد دشواری های غیرضروری در کار جنبش به وجود آورد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران امیدوار است دولت موقت آقای مهندس بازرگان توجه کند گه اگر قوانین رژیم سابق به اصطلاح تا وقتی لغو شده به قوت خود باقی می بود، می بایست طومار انقلاب ایران را به طور کامل برچید؛ این قوانین برای همیشه لغو شده است و دولت موقت اسلامی نیز موجودیت خود را مديون انقلاب است و نه محترم شمردن قوانین رژیم ساقط و ضدمملی شاه.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۹ فروردین ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران

کارگران و زحمت کشان ایران! برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه متحداً مبارزه کنید!

کارگران و زحمت کشان ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران جشن اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران را صمیمانه به شما شادباش می گوید. پس از ۲۵ سال ترور و اختناق رژیم پهلوی، برای نخستین بار جشن اول ماه مه در آزادی برگزار می شود. و کارگران و زحمت کشان ایران می توانند به خود بیاند که در به دست آوردن این آزادی نفس قاطع داشته اند.

همچنان که در رژیم پهلوی، بار سیاست ضدملی و ضدodemکراتیک شاه سابق، بیش از همه بردوش کارگران و زحمت کشان سنگینی می کرد، در مبارزه برای سرنگونی این رژیم خائن، جنایت کار و فاسد نیز کارگران و زحمت کشان ایران در پیشاپیش صفوه خلق قرار داشتند. کارگران و زحمت کشان ایران با شرکت فعال در مبارزات پرداخته سیاسی تا حد اعتصابات همگانی سیاسی، که با فدایکاری ها و قربانی های فراوان همراه بود، سهم شایسته خود را در سرنگونی رژیم پهلوی ادا کردند و رسالت تاریخی خود را در این مرحله از نبرد نیز به انجام رساندند. در این نخستین بهار آزادی، در برابر طبقه کارگر پیشاپنگ و قهرمان ایران ستعظیم فرود می آوریم و خاطره تابنا ک شهیدان راه طبقه کارگر را گرامی میداریم.

اینک، پس از پیروزی نخستین مرحله انقلاب ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران، کارگران و زحمت کشان ایران در برابر وظایف جدیدی قرار گرفته اند. این وظایف جدید ناشی از وضع نوینی است که در کشور پدید آمده: به سلطه امپریالیسم در میهن ما ضربات سنگینی وارد آمده، ولی هنوز نفوذ امپریالیسم در تمام شئون زندگی ما قطع نشده است. رژیم پهلوی سرنگون شده، ولی در هم نشکسته است. ارثیه شوم رژیم پهلوی به صورت آشفتگی اقتصادی، تورم پول، گرانی، بیکاری و بی خانمانی بروز کرده است. ضدانقلاب با اخلاق، نفره افکنی، تحریک و

توطنه و با استفاده از تمام پایگاه‌ها و امکاناتی که هنوز در اختیار دارد، در تلاش آن است که سیر تکاملی انقلاب را متوقف نماید و در صورت امکان آن را به عقب برگرداند. در همین زمینه ضدانقلاب با تظاهر سالوسانه به دفاع از مطالبات حقه کارگران سعی در ایجاد محیط آشته دارد و خوشبختانه کارگران ایران متوجه این تحربیکات هستند. در چنین شرایطی، کارگران و زحمت کشان ایران وظیفه دارند که برای نیل به هدف‌های زیرین مبارزه را ادامه دهند:

— ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، بهوژه از راه لغوقرادادهای اسارت‌آور با کشورهای امپریالیستی و ملی کردن مؤسسات صنعتی، کشاورزی و مالی امپریالیستی؛

— درهم شکستن رژیم سرنگون شده به ویژه از راه پاکسازی دستگاه دولتشی، ارش، شهربانی و ژاندارمری از عوامل رژیم سرنگون شده و عمال ساواک و تعقیب، محاکمه و مجازات خائنان به منافع ملی و غارت گران ثروت‌های ملی؛

— تأمین بدون قید و شرط حقوق و آزادی های دمکراتیک مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، به ویژه از راه تأمین آزادی بیان، عقیده، قلم، اجتماعات، احزاب و سندیکاهای تأمین حقوق ملی خلق‌های ایران؛

— سالم سازی اقتصاد ملی به ویژه از راه ملی کردن مؤسسات صنعتی، کشاورزی و مالی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ وابسته به امپریالیسم و دارودسته غارت گر رژیم پهلوی و تنظیم برنامه صنعتی کردن به منظور تأمین استقلال اقتصادی کشور و رفاه عمومی؛

— بهبود زندگی کارگران و زحمت‌کشان به ویژه از راه تعیین حداقل دستمزد متناسب با حداقل هزینه زندگی، تأمین مسکن ارزان و مناسب، بهداشت و آموزش رایگان؛

— تغییر قانون کار و بیمه‌های اجتماعی به سود کارگران و زحمت کشان به ویژه از راه تأمین حق کار، دستمزد مساوی برای کار مساوی برای زنان، منع کار کودکان، کاهش ساعت‌کار، افزایش مرخصی سالانه، افزایش مرخصی برای زنان باردار و تأمین حق اعتصاب؛

— ایجاد سندیکاهای کارگری و مرکز واحد سندیکائی در تمام کشور و تأمین آزادی فعالیت سندیکائی؛

— حفظ و تحکیم همبستگی با کارگران و زحمت کشان سراسر جهان در مبارزه بخاطر صلح، استقلال ملی، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی.

چنین است مهم ترین خواست‌های صنفی و سیاسی کارگران و زحمت کشان ایران در شرایط مشخص کنونی.

کارگران و زحمت کشان ایران! تجربه انقلاب پیروزمند ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران نشان داد که مبارزه متحده نیروهای خلق، و پیش از همه مبارزه متحده کارگران و زحمت کشان، می‌تواند حتی بزرگ ترین و مستحکم ترین رژیم امپریالیسم و ارتیاج را درهم شکند. اتحاد مقدسی که امپریالیسم و رژیم وابسته به آن را در میهن ما با شکست روبرو

ساخت، اینک، یعنی زمانی که می باید دستاوردهای انقلاب را تحکیم کرد و جامعه را از نوساخت، بیش از هر زمان دیگری لازم است. در جریان انقلاب، کارگران شعار می دادند: کارگر متعدد همه چیز، کارگر متفرق هیچ چیز! این شعار که نشانه آگاهی طبقه کارگر قهرمان ایران است، می باید پرچم هرنوع فعالیت و مبارزه صنفی و سیاسی قرار گیرد. اتحاد کارگران و زحمت کشان در عین حال پایه مطمئنی است برای اتحاد همه نیروها در جبهه متعدد خلق، وثیقه ای است برای سیر انقلاب ما به پیش، بسوی ایرانی مستقل، آزاد و آباد! در نخستین جشن آزاد اول ماه مه، پیمان می بنیدیم که این اتحاد مقدس را مانند مردمک چشم حفظ کنیم.

- فرخنده باد جشن اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران!
- زنده باد طبقه کارگر پیشاہنگ و قهرمان ایران!
- مستحکم باد اتحاد کارگران و زحمت کشان ایران!
- زنده باد جبهه متعدد خلق!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

جشن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان را هر چه با شکوه تر برگزار کنیم!

جشن اول ماه مه امسال، در دوران پیروزی نخستین مرحله انقلاب ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران، در نخستین بهار آزادی برگزار می‌گردد. پیکار قهرمانانه و اتحاد کارگران و زحمتکشان ایران شرط ضرور برای این پیروزی و تحقق این آزادی بود. حفظ و تحکیم این اتحاد در شرایطی که می‌باید دستاوردهای انقلاب را تحکیم کرد و انقلاب را به پیش برد، در شرایطی که ضدانقلاب با تمام نیروی اهر یمنی خویش و به اشکال گوناگون تفرقه افکنی می‌کند، تا مگر آب رفته را به جوی بازگرداند، مبرم ترین و بهترین وظيفة کارگران و زحمتکشان و همه مبارزان انقلابی است. با توجه به این وظیفه خطیر است که «کمیته برگزاری جشن اول ماه مه - کمیته منتخب سندیکاهای کارگری ایران» تصمیم خود را در برگزاری جشن اول ماه مه اتخاذ کرده است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران با ابراز خرسنده از این تصمیم و شادباش صمیمانه،
بمناسبت جشن اول ماه مه، به همه کارگران و زحمتکشان ایران، از همه اعضاء، هواداران و
دوستان حزب دعوت می‌کند که در جشن اول ماه مه فعالانه شرکت کنند.
طبق تصمیم «کمیته تدارک برگزاری جشن اول ماه مه سندیکاهای مستقل و شوراهای
کارگری کارخانجات تهران» کارگران و زحمتکشان در میدان توپخانه جمع خواهند شد و
بسی میدان امام حسین (فوزیه سابق) حرکت خواهند کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸ اردیبهشت

تحلیلی از وضع کنونی انقلاب و ضد انقلاب در جامعه ما

با تحکیم اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی، ضد انقلاب را هرچه قاطع ترا فشا، منفرد و سرکوب کنیم. دسیسه های فریبندۀ سازشکاران را برملا کنیم و عقیم گذاریم. دستاوردهای انقلاب را تحکیم کنیم و درجهت خواست های اکثریت مردم گسترش بخشیم.

تلاش ضد انقلاب

در هفته ها و به ویژه در روزهای اخیر، در فضای سیاسی میهن ما حوادثی روی داده و جریاناتی جان گرفته اند که محتوی شان به طور روشن درجهت تضعیف دستاوردهای انقلاب تاریخی مردم است.

فعالیت آشکار نیروهای ارتجاعی و دست های ضدانقلاب در حوادث ستدج - نقده - گنبد، توطئه ای که علیه آیت الله طالقانی بوجود آمد، تظاهرات وسیعی که به بهانه مقاله ای از آیت الله خلخالی، درجهت تضعیف رهبری امام خمینی و جنبش، در تبریز و تهران و مشهد به راه افتاد و... رانیز باید ثمنه ای از این فعالیت ها به شمار آورد.

به دیگر سخن، از یک سوما شاهد آن هستیم که نیروهای ضدانقلاب در داخل و خارج کشور فعالیتهای خرابکارانه خود را بطور چشمگیر گسترش می دهند و از سوی دیگر آن نیروهایی که بنا بر انگیزه های طبقاتی شان در جریان گسترش جنبش انقلابی مردم ایران به طور ناپی گیر و ناقاطع شرکت داشته اند، فعال تر شده و می کوشند از گسترش انقلاب درجهت خواست های توده های میلیونی مردم رحمتکش شهر و روستا جلوگیری نمایند. نیروهای جهانی دشمن انقلاب ایران، یعنی محافل امپریالیستی غرب و بویژه امپریالیست های آمریکائی و صهیونیست ها، همه نیروی جهانی خود را در جهان به کار اندخته اند تا جو نامساعد تبلیغاتی علیه انقلاب ایران به وجود آورند. جاسوسان امپریالیسم در ایران، با همکاری با جنایت کاران ساواک و پشتیبانی همه جانبه محافل وابسته به امپریالیسم در ایران، هر روز فعالیت خود را برای ایجاد بحران های گوناگون و خرابکاری در راه عادی کردن و تجدید سازمان زندگی اقتصادی،

سیاسی، اجتماعی، اداری و فرهنگی کشور و ناراضی ساختن و ترساندن از انقلاب گسترش می‌دهند و در این راه از هیچ جایی و هیچ بهانه تراشی برای برادرکشی میان خلق‌ها و ترور و آدمکشی مبارزان انقلابی روگردان نیستند.

ضد انقلاب به دست عناصر خود در دستگاه دولتی، در ارتش و سایر نیروهای انتظامی می‌کوشد. در راه عملی شدن یکی از عمدۀ ترین ضرورت‌های تحکیم انقلاب، یعنی تصفیه این دستگاه‌ها از کارگزاران و وابستگان رژیم فاسد و سواواکی شاه کارشنکنی نماید.

ضد انقلاب می‌کوشد با وارد کردن عناصر خود در صفوّف نیروهای انقلابی، با ایجاد دسته‌ها و گروه‌های ضد انقلابی با ظواهری مردم فریب، گاه با رنگ‌های مذهبی افراطی و گاه با شعارهای ماوراء چپ انقلابی، در راه نزدیکی نیروهای راستین انقلابی سنگ‌اندازد و این نیروها را علیه هم تحریک کند و به خود مشغول دارد و تضییف و متفرق نماید تا راه غلبه بر آن‌ها هموار گردد.

نیروی سازشکار

و اما نیروهای ناپی‌گیر و سازشکار همان نیروهایی هستند که در تمام دوران گسترش جنبش انقلابی می‌کوشیدند شور انقلابی مردم را خاموش کنند، مردم را به خانه نشینی فرا می‌خوانند و تلاش می‌کرند تا در زیر پوشش دفاع از قانون اساسی، بساط سلطنت را حفظ کنند و مهم‌ترین پایگاه قدرت رژیم، یعنی ارتش و پلیس و وزارت‌امری شاه را به امپریالیسم و صهیونیسم را دست نخورده نگه‌دارند و عمدۀ ترین تعهدات رژیم شاه را به امپریالیست‌ها، با توصل به بهانه‌های مختلف پاپرچا بگذارند.

این نیروها می‌کوشیدند پیشرفت جنبش‌دها میلیونی خلق را، که زیر رهبری بی‌گیر و قاطع و آشنا ناپذیر امام خمینی، با هدف گیری مشخص و بدون تزلزل در جهت برانداختن نظام فاسد و پوسيده سلطنتی، در راه ریشه کن کردن تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیست‌ها، و در درجه اول امپریالیسم آمریکا و صهیونیست‌ها، از سراسر زندگی اجتماعی می‌هین ما، در راه تأمین کامل آزادی‌ها و ارزش‌های انسانی برای همه مردم محروم، در راه به کار اندداختن ثروت‌های بیکران ملی برای پیشرفت اجتماعی و بهبود محسوس زندگی محرومان جامعه، با سرعتی بی‌نظیر گسترش می‌یافتد، تزمز کنند و با پخش بذریاں و نازمی‌ها، با بزرگ کردن نیروی رژیم شاه و حامیان امپریالیست و صهیونیست‌ها، مردم را از ادامه مبارزه بازدارند.

ولی جنبش خلق مانند سیلی نیرومند، همه سدهای را که این سازشکاران در سر راهش قرار می‌دادند، در هم شکست و راه خود را باز کرد، سنگرهای امپریالیسم و رژیم شاه را یکی پس از دیگری تسخیر کرد و با قیام تاریخی خود آخرین سنگر جهنمی دشمنان، یعنی لشکر گارد را از پای درآورد.

هنگامی که دیگر معلوم می شد که رژیم شاه هر روز متزلزل تر می گردد و دیگر هیچ بیرونی در داخل ایران توانایی جلوگیری از این پیشروی ظفرنمون جنبش خلق را ندارد، و روشن گردید که حامیان امپریالیستی و صهیونیستی رژیم شاه، با توجه به نیروی عظیم دولت و هاداران انقلابی ایران در صحنه جهانی، جرئت و جسارت دخالت نظامی در ایران را ندارند، این نیروها، بخشی صادقانه و پیشگیر و بخشی ریاکارانه و تنها برای گرفتن مواضع قدرت، به جنبش پیوستند.

دو خط مشی در دوران سازندگی

جنبש انقلابی ایران، علی رغم ناپی گیری های جناح سازشکار، پیروز شد و زیر رهبری امام خمینی دولت موقت انقلابی تشکیل گردید. رژیم فاسد چندهزارساله سلطنتی بزرگاله دان تاریخ افتاد، جمهوری اسلامی رسمیت یافت و دوران سازندگی نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نوین، نظام انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی آغاز گردید. ولی خیلی زود آشکار شد که همه آن نیروهایی که در آستانه انقلاب در صف واحدی برای پیروزی آن تلاش می کردند، برای ساختمان نظام نوین اجتماعی، نظر واحدی ندارند و بر پایه همین اختلاف نظر به طور مشخص دو خط اساسی برای پی ریزی دوران جدید پذیران گردید: یکی خط انقلابی و پی گیر و دیگری خط سازشکارانه و ناپی گیر، و بیشگی های سمت گیری انقلابی و پی گیر چنین بود که باید با سرعت و بدون تزلزل، پایه های رژیم فاسد شاه را در هم شکست، سازمان جهنه سواک را نابود کرد، ارتش، ژاندارمری، پلیس و دادگستری را از کلیه وابستگان و سرسپرده گان به رژیم کهنه تصفیه و نوسازی کرد، و در انتظار این نوسازی، گروه های مسلح خلق، پاسداران انقلاب را همه جانبه تعویت نمود، دادگاه های انقلاب را مأمور اجرای سریع خواست های انقلابی خلق در زمینه مجازات خائنین و جنایت کاران ساخت و از آن همه جانبه پشتیبانی کرد، جنایت کاران را بدون توجه به جنجال حامیان امپریالیستیان به سختی مجازات نمود و به پلنگان تیزدان مردم خوار هیچگونه تحریمی را روا ننمود، آزادی های فردی و اجتماعی را برای همه مردم، باستثنای جنایت کاران و غارت گران رژیم سرنگون شده، تأمین کرد، قراردادهای اسارت آور سیاسی و نظامی و اقتضادی را با امپریالیست ها لغو کرد، از سنتو خارج شد، قرارداد دوجانبی نظامی با آمریکا و صدها قرارداد سری وابسته به آن را پاره کرد، ایران را به جرگه کشورهای غیرمعهد وارد ساخت، از جنبش های رهایی خش ضد امپریالیستی در سراسر جهان و بویژه از جنبش رهایی خش خلق عرب فلسطین همه جانبه پشتیبانی کرد، حاکمیت کامل ملی را بمنابع نفت مستقر ساخت، درآمد نفت را برای به راه انداختن چرخ های اقتصاد کشور و بهبود زندگی محرومان جامعه به کار انداخت، اقتصاد کشور را از چنگال سرمایه های احصاری امپریالیستی - صهیونیستی و سرمایه داران وابسته به آنان خارج ساخت، ثروت ها و سرمایه ها و

مؤسسات صنعتی و کشاورزی و بانکی متعلق به خاندان جنایت کار پهلوی و وابستگان و کارگزارانش، که تقریباً همه سرمایه داران و زمین خواران وابسته به امپریالیسم و رژیم را در بر می‌گیرد و اکثرشان با ثروت‌های بی حساب به خارج گریخته اند، ملی کرد و با دست توانای نیروهای خلق و با کمک اقتصادی دولت به راه انداخت، با تصمیمات قاطع در جهت لگام زدن به غارت گری سرمایه داران سودجو و سفته بازان و با بهبود وضع درآمد محرومان، توده‌های ده‌ها میلیونی مردم را از شرمنه انتقام‌گیرانی که برای پیروزی پس آن همه فداکاری کردند، بهره‌مند ساخت.

این‌ها همه خواست‌های میرم و بدون چون و چرا همه نیروهای انقلابی خلق، یعنی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران و بخش ملی و میهن پرست سرمایه داری ایران است، که به طور عمده سرمایه داران کوچک و متوسط را در بر می‌گیرد. این خواست‌ها در رهنماههای بدون ابهام امام خمینی نیز به طوری گیر بازتاب یافته و مورد پشتیبانی بدون چون و چرا همه سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی راستین میهن ما قرار گرفته است.

در برایر این خط سیاسی پیگیر و انقلابی، از همان روزهای نخست پس از پیروزی، از طرف بخشی از گردانندگان دولت موقت، و هم چنین از طرف محافظ وابسته به سرمایه داری بزرگ ایران، موضع گیری هائی آغاز شد که کم به صورت یک مشی سیاسی سازشکارانه و ناپی گیر متبلور گردیده است.

عناصر عمدۀ این خط را می‌توان چنین بیان کرد:

«جنیش انقلابی ایران در همه زمینه‌ها زیاد بجلو رفت و باید آن را به سرحد «اعتدال» برگرداند! پیش از هر چیز نسبت به جنایت کاران و غارت گران رژیم گذشته باید با «رحم و شفقت» رفتار کرد! باید از «تفصیر» آنان گذشت! «در عفو لذتی است که در انتقام نیست!» قراردادهای اسارت آور را نمی‌توان به یکباره پاره کرد، باید حوصله کرد! مستشاران آمریکائی، یعنی جاسوسان امپریالیسم را نمی‌شود به یکباره بیرون ریخت، باید بخشی از آن را نگه داشت و بخشی دیگر را برگرداند! قراردادهای اسارت آور و جنایات شاه را نمی‌توان برملا کرد! مؤسسات صنعتی، مالی و کشاورزی متعلق به وابستگان به رژیم و امپریالیسم را نمی‌شود ملی کرد! باید به آن‌ها امکان داد و حتی کمک کرد که به غارت گری بی‌بندو بارثروت‌های ملی و حاصل دسترنج رحمتکشان ادامه دهند!

ارتش را باید هر چه زودتر به دست همان افسران دست نشانده رژیم شاه بازسازی کرد، تنها به شرط این که تهدید خدمت به جمهوری اسلامی بسپارند! حتی سواک را دوباره بصورتی برای مردم قابل هضم ساخت! اقتصاد کشور را از راه کمک‌های مالی به سرمایه داران و کارخانه داران می‌توان به راه انداخت! به مؤسسات متعلق به انحصارهای جهان‌خوار امپریالیستی نمی‌شود دست زد! آزادی را نمی‌شود به همه داد! قوانینی که رژیم خیانت پیش‌پهلوی علیه آزادی وضع کرده، درمورد آن نیروهای سازمان‌های سیاسی که طبق سلیقه زمام داران عمل نکنند، به قوت خود باقی است! احکام جنایت بار علیه مبارزان انقلابی که پنجاه سال با رژیم پهلوی

جنگیده اند، به قوت خود باقی است! قرارداد کاپیتولاسیون با استعمارگران آمریکائی هم به قوت خود باقیست!

کوته سخن، این خط سازشکارانه، که در مقابل خط انقلابی قد علم کرده و هر روز بیشتر شکل می یابد و متبلور می شود، خطی است در جهت جلوگیری از گسترش انقلاب ضد امپریالیستی، خلقی و دموکراتیک مردم، خطی است در جهت تبدیل رژیم وابسته به رژیم «نیمه وابسته» به امپریالیسم، خطی است درجهت برگرداندن گان دستاوردهای انقلاب.

البته هنوز هیچ سازمان سیاسی بطور روشن این برنامه سازشکارانه و تسلیم آمیز را مطرح نکرده، زیرا هنوز جرئت مطرح کردن آن را ندارد، ولی این خط از لایلای سمت گیری ها و موضع گیری های شخصیت ها و گروه های سیاسی که نماینده جناح راست جنبش هستند و با طبقات حاکمه سابق، یعنی سرمایه داران و زمین داران وابسته به امپریالیسم و رژیم پیوند وابستگی دارند، خوانده می شود. این را هم باید عمیقاً مورد توجه قرار داد که این نیروها در بسیاری موارد با شعارهایی به کلی فریبند، که هدف شان گمراه کردن خلق است، وارد میدان می شوند و دست به تبلیغات عوام فریبانه دامنه داری زده اند تا از احساسات و اندیشه مترقبی مردم به سود پیشبرد مقاصد خویش استفاده کنند.

ضدانقلاب داخلی و خارجی، یعنی جاسوسان و عمال امپریالیسم، ساواکی ها و ساواک زده ها، که هنوز پایگاه های مهمی را در دستگاه دولتی و اداری و اقتصادی کشور در دست دارند، و با استفاده از عدم هشیاری کامل نیروهای انقلابی توانسته اند حتی در ارگان های اجرائی جنبش انقلابی رسوخ کنند، می کوشند با تمام نیرو، با ایجاد بلوا و آشوب در این گوش و آن گوشش کشور، با خرابکاری در چرخ های اقتصادی، با ایجاد دشواری های جدید از راه احتکار، گران کردن قیمت ها، با ایجاد نفاق و بدینی و دشمنی در میان نیروهای انقلابی، راه را برای پیشرفت این خط سیاسی سازشکارانه و تسلیم آمیز باز کنند.

این نیروها با زبردستی و با کمک عناصر خود، در همه جا می کوشند از کوچک ترین نارسائی ها و اشتباهات فرعی در صفویت نیروهای انقلابی، در کار سپاه پاسداران انقلاب، در کار دادگاه های انقلابی، استفاده کنند، از کاهی کوهی بازنشاند و با توپخانه سنگین علیه این مواضع اصلی انقلاب آتش کنند.

جالب توجه است که چگونه تمام تبلیغات جهان امپریالیستی در این زمینه همیشه یار و پشتیبان آن ها است.

موقعیت دولت

در میدان برخورد این دو خط سیاسی، یعنی خط خلق انقلابی و خط سرمایه داران و زمین داران بزرگ دولت کنونی قرار دارد. اقدامات دولت موقت را، از آغاز تا کنون، به طور کلی

نایی گیر و غیرقاطع می توان ارزیابی کرد. با این ویژگی، که جنبه های محافظه کارانه و تسلیم آمیز آن هر روز شدت می یابد.

درست است که دولت با مشکلات عظیمی در زمینه بازسازی زندگی اقتصادی کشور روبه رو است؛ درست است که دولت قادر کافی و آزموده برای اداره همه مؤسسات از هم گیخته ندارد؛ درست است که دولت موقع اقداماتی انجام داده که در جهت خواست جنبش انقلابی مردم است (مانند پایان دادن به فعالیت کنسرویوم نفت، خروج از پیمان سنتو، اخراج بخش عمدۀ کارشناسان آمریکائی، لغو بخش عمدۀ ای از سفارش های تسلیحاتی به کشورهای امپریالیستی، پایان دادن به فعالیت جاسوسی امپریالیست های امریکائی علیه کشورهای همسایه و برخی اقدامات دیگر) که همگی مورد پشتیبانی کامل نیروهای میهن پرست می باشد. ولی در مقابل این اقدامات، هم در زمینه سیاست داخلی و هم در زمینه سیاست خارجی، نایی گیری ها و در موارد بسیاری موضع گیری های دولت در جهت خط دوم، یعنی خط سازشکارانه، بطور چشم گیری جلب توجه می نماید.

آقای نخست وزیر بطور روش مخالفت خود را با یکی از عمدۀ ترین دستاوردهای انقلاب، یعنی وجود و عمل سپاه پاسداران انقلاب و دادگاه های انقلاب بیان می دارد و در این میدان خود را از جنبش انقلابی جدا می سازد.

آقای نخست وزیر در زمینه نوسازی اقتصاد کشور، با تکیه نامتناسب به مشکلات موجود که قابل انکار نیست - از سمت گیری مشخص در جهت ریشه کن ساختن اقتصاد وابسته بامپریالیسم دوری می جوید و به این ترتیب خود را از جنبش انقلابی جدا می سازد.

آقای نخست وزیر برای حل مسائل اقتصادی مردم، تقریباً به طور یکطرفه روی تقویت سرمایه داران تکیه می کند و به لزوم حل مشکلات از راه خلقی آن، یعنی راه تکیه به نیروی خلاقه کارگران، مهندسین و کارمندان و مدیران میهن پرست و ملی هیچگونه توجیه ندارد.

سخن کوتاه، دولت موقع می کوشد کمی موقفيت خود را منحصرأ بر پایه مشکلات اقتصادي، خواست های غیرمنطقی! رحمتکشان، مشکلات! ناشی از فعالیت نیروهای انقلابی و برخی رهنمودهای غیرواقع بیانه! امام خمینی توجیه کند. در صورتی که برخورد درست به کار دولت همه میهن پرستان راستین را به این نتیجه می رساند که عدم موقفيت دولت موقع در حل مشکلات، بیش از هر چیز دیگر محصول سمت گیری غیر انقلابی، نداشتن نقشه همه جانبه خلقی برای حل مشکلات است.

اگر دولت بر پایه خط انقلابی، که مورد پشتیبانی اکثریت شکننده مردم است، نقشه های کوتاه مدت و دراز مدتی را ارائه دهد، نقشه هایی که نه تنها با وعده های پرطمطران و بدون محظوا، بلکه به طور روشن و قانع کننده به کارگران و دهقانان و پیشه وران و روشنفکران و کارمندان و سرمایه داری کوچک و متوسط. راه بروون رفت از وضع بحرانی کنونی و رسیدن به خواست های حقه شان را نشان دهد و اقدامات فوری و طبیانی ضرور را مطرح سازد، نمیتوان

تردید داشت که مورد پذیرش و پشتیبانی همه نیروهای اصیل و میهن پرست و هوادار بیشرفت قرار خواهد گرفت.

ما تردیدی نداریم که زحمتکشان و سایر میهن پرستان ایران، در صورت ارائه چنین نقشه ای همان طور که در تمام جریان انقلاب نشان داده اند، آماده اند که با ابراز فداکاری و گذشت، اجرا و موقتیت چنین نقشه ای را تضمین کنند.

ولی با کمال تأسف ما شاهد آن هستیم که موضع گیری متزلزل و ناپای گیر دولت وقت، جنبش انقلابی میهن ما را با دشواری های بزرگی روبرو ساخته و بدون تردید ادامه آن، مشکلات بازهم بزرگ تری را به وجود خواهد آورد.

وظایف نیروهای انقلابی

در چنین شرایطی که دولت وقت، براثر ضعف خود در اتخاذ تصمیمات قاطع برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حل دشواری ها مشکل می سازد، وظایف شورای انقلاب و سازمان ها، گروه ها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد.

در این شرایط مهمترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که:

اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمدۀ را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمدۀ، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دمکراتیک و خلقی مردم است، به کار اندازند.

ثانیاً، دوربینی سیاسی را جانشین کوتاه بینی های ناشی از پیشداوری ها و برخوردهای درست و یا نادرست در گذشته سازند. دوربینی سیاسی بما حکم می کند که تنها با گرد همایی همه نیروهای راستین انقلابی، که صادقانه در جهت رسیدن به هدف های اصیل انقلاب مبارزه می کنند، در یک جبهه واحد می توان دسائی ضد انقلاب را نقش برآب کرد، دشمنان را سرکوب نمود و امکان سازش را از نیروهای متزلزل گرفت.

ادامه تفرقه در میان نیروهای اصیل انقلابی، ادامه جنگ های خانگی در جبهه مبارزان راه خلق، بزرگ ترین کمک به نیروهای ضد انقلاب است. در چنین جو بیمار، کارگزاران امپریالیستی، سواکی ها و سایر دشمنان سوگند خورده جنبش انقلابی ایران می کوشند هواداران سوسیالیسم علمی را از صفوی میلیونی مبارزانی که زیر پرچم اسلام در جنبش انقلابی شرکت دارند، جدا سازند، خلق های ایران را در برابر هم قرار دهند، شیعه و سنتی را به جان هم اندازند، در درون صفوی هواداران سوسیالیسم علمی، با رخته دادن ده ها «ایسم» قلابی، تخم نفاق و

دشمنی تا حد برادرکشی پاشند.

در چنین جو بیماری است که ضد انقلابیون حرفه ای و وازدگان جنبش انقلابی، همکاران نیکخواه ها و جعفریان ها، با پخش زهرهای گوناگون، باوارد کردن اتهامات بی پایه می کوشند تا محیط سیاسی و جو همکاری نیروهای راستین انقلابی را مسموم سازند و بر سر راه نزدیکی و به هم پیوستگی این نیروها سدهای زنگارنگی به وجود آورند.

سخن گوتاه: ضدانقلاب هر روز جسورتر و هارتی می شود، سازشکاران و نیمه راهان هر روز آشکارتر و فعال تر عرض اندام می کنند. حزب توده ایران، با بهره برداری از تجربیات گران بهای نزدیک به چهل سال مبارزه پی گیر و آشتب ناپذیر خود در راه استقلال ملی، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و بهبود زندگی رحمتکشان، و با آموزش از تجربه دهها و دهها جنبش انقلابی پیروزمند و ناکام در سراسر جهان، با احساس سنگین ترین مسئولیت تاریخی، بهمه نیروهای راستین انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی ایران رومی آورد و از آنان مصراوه می خواهد که در راه ایجاد شرایط لازم برای یک تبادل نظر فوری و بدون درنگ، همه امکانات خود را به کار اندازند.

به نظر حزب توده ایران، عمدۀ ترین مسائلی که باید در این تبادل نظر مورد بررسی و اتخاذ تصمیم قرار گیرند عبارتند از:

۱. پیدا کردن راههای عملی برای مقابله جمعی و هماهنگ علیه دسائی اهریمنی امپریالیسم، صهیونیسم، ماثوئیسم و ارتقای ایران؛
۲. تلاش هماهنگ برای فاش کردن و ختنی ساختن کوشش های سازشکاران در جهت تفرقه اندازی در جبهه متحد نیروهای انقلاب، کوشش هائی که در روزها و هفته های اخیر به طور آشکار و یا نهفته، موضع گیری های قاطع و پی گیر امام خمینی و رهبری سیاسی ایشان را به جنبش انقلابی مورد سوال! و حمله مزورانه قرار داده اند؛
۳. تنظیم یک برنامه مشترک و متحد برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و گسترش شکوفان آینده آن در جهت خواست های مردم و بنیادی خلق های ده ها میلیونی میهن ما؛
۴. تلاش متحد برای تدارک طرح قانون اساسی جدید، که بازتاب همه خواست های انقلاب ضدامپریالیستی، دموکراتیک و خلقی مردم ایران باشد؛
۵. تشکیل جبهه متحد برای تشکیل مجلس مؤسسانی که بدون چون و چرا این قانون اساسی را تصویب کند و نظام ملی، دموکراتیک و خلقی آینده ایران را پایه گذاری نماید؛
۶. کوشش دسته جمعی برای بوجود آوردن دولت ائتلاف ملی با شرکت همه نیروهای راستین انقلاب ایران، دولتی که می تواند یگانه ضامن اجرای قانون اساسی باشد.

کمیّة مرکزی حزب توده ایران

۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

ما ترور آیت الله مرتضی مطهری،
عضو شورای انقلاب را به شدت محکوم می کنیم

شب چهارشنبه، آیت الله مرتضی مطهری، عضو شورای انقلاب و یکی از متفکران بر جسته روحانی، ترور شد. این جنایت تازه، که بدون تردید جزئی از توطئه های جنایتکارانه امپریالیزم و حسال ایرانی آنها بر ضد انقلاب ایران است، بار دیگر به همه مردم، به همه نیروهای انقلابی و به دولت هشدار می دهد که می باید بر ضد توطئه های جنایت بار امپریالیزم و عمال ایرانی آنها هوشیار بود، متعدد شد و قاطعانه عمل کرد.
ما ترور خائنانه آیت الله مرتضی مطهری را به شدت محکوم می کنیم، په خانواده ایشان صمیمانه تسلیت می گوییم و مصراوه از دولت می طلبیم که به پیروی از رهنمودهای امام خمینی، توطئه گران جنایتکار را بی رحمانه افشا و سرکوب کند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۲/۱۲

عاملان واقعی ترور را در نیروهای ضد انقلابی جستجو و افشا کنید!

حزب توده ایران تأسف عمیق خود را از ترور آیت الله مرتضی مطهری اعلام می دارد و ترور و ترور یسم را، بنا به اعتقاد اصولی خود، به شدت محکوم می کند!

به دنبال ترور سرلشکر قره نی، ترور آیت الله مرتضی مطهری، که یکی از همزمان نزدیک امام خمینی بود، به حق احساس اندوه و تأسف عمیق همه محافظ ملی و دموکراتیک جامعه ما را برانگیخت. مردم ایران طی مراسم و راه پیمایی های نیرومندی، خشم و نفرت خود را از این شیوه غدارانه آدمکشان ضدانقلابی نشان دادند.

حزب توده ایران، بر حسب معتقدات اصولی خود، ترور و ترور یسم را محکوم می کند و تأسف عمیق خویش را از این حادثه ابراز می دارد.

این که نیروهای ضدانقلابی، ترور یسم را جانشین مبارزه سیاسی کرده اند، نشانه ضعف و انفراد آن ها است. آن ها با این عمل می خواهند محیط عدم امنیت، سوء ظن و رعب ایجاد کنند و تصور می کنند که با ایجاد این محیط بهتر می توانند اقدامات تخریبی و ضد انقلابی خود را دنبال کنند، بهتر می توانند بین نیروهای انقلابی تفرقه بیندازند. این شیوه دائمی آن ها است و نظایر آن علیه کلیه انقلابهای معاصر دیده شده است.

در پس ترورهای اخیر، تشخیص چهره سیاهکار سازمان های جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی و دستگاه ورشکسته ساواک دشوار نیست. تنها این نیروها هستند که سود خود را در چنین تبه کاری هائی جستجو می کنند و بدین شیوه های بربرمنشانه دست می زنند. درست همین نیروهای سیاه هستند که می کوشند این شیوه بربرمنشانه را به نیروهای چپ و به کمونیست ها نسبت دهند و بدین ترتیب با یک تیر دونشان بزنند: هم این توطئه جنایت کارانه را از خود دور کنند و هم نیروهای چپ و کمونیست ها را متهم سازند، و سرانجام باز هم به هدف

اساسی خود، یعنی تفرقه بین نیروهای انقلابی و در نتیجه تضعیف جنبش انقلابی دست یابند.

متاسفانه نیروهای راست می‌کوشند نشانی تروریست‌ها را در جای دیگر، در سمت چپ نشان دهند و بدین وسیله به تبلیغات ضد کمونیستی دامن بزنند. این نیروها که می‌کوشند از جمله در تظاهرات به مناسبت شهادت آیت الله مطهری) در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب، در مردم سر درگمی ایجاد کنند و دشمنان اصلی انقلاب مردم ایران را از زیر ضربه خارج سازند، درست در جهت خلاف نظریات و اعتقادات رهبر انقلاب، امام خمینی، عمل می‌کنند که با رها و بارها، از جمله در مورد ترورهای اخیر، تاکید کرده است که دشمن اصلی انقلاب مردم ایران، امریکا و عمال ایرانی آن است و بر ضد این‌ها است که می‌باید مبارزه کرد و این‌ها هستند که باید سرکوب شوند.

روشن است که نیروهای چپ و کمونیست‌ها، به معنای جدی و صدقی این کلمه، نه فقط سودی از تضعیف انقلاب و بازگرداندن جامعه زیر یوغ امپریالیسم ندارند، بلکه درست همان‌ها هستند که در صفوی پی‌گیر ترین و مبارزترین نیروهای انقلابی، برای افشا تووطه‌های امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، سرکوب ضدانقلاب، حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و گسترش و تعمیق انقلاب سرخستانه پیکار می‌کنند.

ما به همه نیروهای انقلابی، بار دیگر توجه می‌دهیم که موافق تاکید دائمی امام خمینی، که همه نیروهای انقلابی را به «وحدت کلمه» بر ضد دشمن اصلی انقلاب مهم ایران، امریکا و عمال ایرانی آن‌ها، فرا می‌خواند و تصریح می‌کند که باید استدلال منطقی بین این نیروها جانشین حربه افشاء دشمنان گردد، در همین راه اصولی گام برداشته شود.

ما به نوبه خود از دولت و همه ارگان‌های انقلابی خواستاریم که در مقابل اقدامات جنایت کارانه ضدانقلاب، کلیه تدابیر لازم اتخاذ گردد و به وسیله رسانه‌های گروهی شیوه‌های ضدانقلاب تحلیل شود و افکار عمومی در جهت صحیح علیه آن بسیج گردد.

جامعه ما به «وحدت کلمه»، به اتحاد همه نیروهای انقلابی علیه دشمن اصلی و دیرین خود، امپریالیسم و ارتیاج، نیاز حیاتی دارد و تنها این شیوه است که می‌تواند انقلاب را بازگشت ناپذیر کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

دروغیردازان و شایعه سازان انتشار داده اند که روزنامه «آهنگر»، که گویا به جای «چلنگر» منتشر می شود، وابسته به حزب توده ایران است.

بدینوسیله به اطلاع همگان می رسانند که روزنامه «آهنگر» هیچگونه ارتباطی با حزب توده ایران ندارد و نمی تواند داشته باشد، به این دلیل ساده که مشی سیاسی روزنامه «آهنگر» آشکارا مخالف با مشی سیاسی حزب توده ایران است.

لازم به یادآوری است که روزنامه «آهنگر» به ناحق و نادرست از نام «چلنگر» و محمدعلی افراشته، شاعر توده ای و ناشر روزنامه «چلنگر» به اشکال گوناگون استفاده می کند، که این روش به نوبه خود به شایعات مبنی بر وابسته بودن آن به حزب توده ایران دامن می زند. این روش ناروای ناشران «آهنگر» نیز مورد اعتراض جدی حزب توده ایران است.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ ماه اردیبهشت ۲۲

مردم در انتظار واکنش عملی سخت دولت موقت نسبت به مداخله اهانت آمیز دولت آمریکا در امور داخلی ایران هستند

مردم خواهان بسیج نیروها در جبهه متعدد خلق برای مقابله با امپریالیسم آمریکا هستند

قطعنامه ۱۷ ماه مه سنای امریکا حلقه ای از سلسله مداخلات بی پرده و خشن امپریالیسم امریکا در امور داخلی کشور ماست. در این قطعنامه، اعدام جنایت کاران در ایران «تفییق» شده، از صدور احکام مجازات دادگاه های انقلابی نسبت به تبه کاران ضد انقلابی ابراز «انزجار» شده، تهدید به عمل آمده که در صورت ادامه مجازات شکنجه گران و آدمکشان حرقه ای «روابط دوستی و تزدیکی» بین دولت امریکا با ایران به مخاطره خواهد افتاد و از دیگر دولت های امپریالیستی دعوت شده که در این کارزار، با سنای امریکا بر ضد انقلاب ایران، همصدماً شوند.

صدر چنین قطعنامه ای از جانب سنای امریکا، تنها انعکاس فغان انحصارهای امپریالیستی دلسوخته ای نیست که کشور ما را پدتر از دزد سر گردنه غارت می کردد، تنها زوجه تشنج طلبان و جنگ افروزان و تجاوز گران به حقوق ملت ها نیست که یکی از مهم ترین پایگاه های نظامی خود را از دست داده اند، تنها بازتاب افسوس «سیا» و دستگاه جاسوسی و پتاگون نیست که ایران را به قرارگاه دسائی خطرناک خود در منطقه بدل ساخته بودند، تنها نمودی از درد دل «صهیونیسم» نیست. که «متحدی» را از دست داده است.

صدر چنین قطعنامه ای، علاوه بر این ها، هدف معینی را دنبال می کند. دستگاه دولتی ایالات متحده امریکا این قطعنامه را صادر کرده، تا تمام عناصر انقلابی را که در ایران عمل می کنند و تمام نیروهای جهانی را که بر ضد انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایرانند، تشویق به ادامه و تشدید فعالیت نماید.

قطعنامه در واقع می گوید که امریکا سنگر مبارزه را ترک نکرده، حامی و مدد کار نیروهای ضد انقلاب ایران، چه در داخل کشور و چه در خارج آنست. قطعنامه می گوید که

عناصر و نیروهای ضد انقلابی می‌توانند به پشتیبانی امریکا دلگرم باشند، می‌توانند به آشتبندی امریکا با انقلاب ایران مطمئن باشند.

واکنش خلق ستمدیده ایران باین مداخلات بی شرمانه امریکا در امور داخلی ایران، شدید، گستردۀ و طبیعی بود. امام خمینی، در بیان ارادۀ قاطع خلق، به تهدید امریکا در زمینه به «مخاطره افتدۀ روابط امریکا با ایران»، پاسخ دقیق و دندان شکنی داد:

«روابط ما با امریکا روابط یک مظلوم با ظالم است. روابط یک غارت شده با یک غارتگر است، ما روابط با امریکا را می‌خواهیم چه کنیم؟».

از طرفی نیز وزارت خارجه ایران در یادداشتی اعلام داشت که «ادامه چنین رویه خصم‌انهای از جانب مقامات مسئول امریکا، باعث خواهد شد که دولت ایران زیر فشار افکار عمومی خلق ستمدیده مجبور شود در روابط خود با امریکا در جهت محدود نمودن آن تجدید نظر نماید».

اینک برای قطع امید امپریالیسم، صهیونیسم و ضدانقلاب داخلی باید اقدام کرد. دولت باید به تهدید اکتفا کند. در مقابل این توهین بی‌پروا و گستاخانه امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها، مردم بی‌تابانه در انتظارند که دولت جمهوری اسلامی ایران توهنه سختی به امپریالیسم جهان خوار یانکی بزند.

به نظر ما، تعلل و مسامحه دولت در لغو قراردادهای نابرابر و اسارت آور، که از طرف امپریالیسم امریکا به وسیله شاه مخلوع بر کشور ما تحمیل شده‌اند، خود یکی از علی‌است که امپریالیسم را گستاخ نمود، چنان‌که هنوز خود را مالک ایران می‌داند و بزبان ارباب با رعیت با ما سخن می‌گوید. سه ماه و اندی از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران می‌گذرد، ولی ما هنوز قراردادهای با امریکا داریم نظر قرارداد دو جانبه نظامی، که هیچ دولتی اگر برای خود احترام و حق حاکمیتی قائل باشد، نمی‌تواند آن را تحمل کند. ما هنوز قراردادهای پر شمار دیگری با ا نوع انحصارهای امریکائی داریم، همه غارت گرانه و اسارت آور، که تعداد آن‌ها چنان‌که گفته شده – در حدود هزار فقره است.

مردم در انتظارند و قویا می‌خواهند که همه این قراردادهای نابرابر حقوق با امریکای غارت‌گر و اسارت‌گر بی‌درنگ لغو شود. مردم در انتظارند و قویا می‌خواهند که دولت با اقدامات قاطع، به امپریالیسم جهان خوار امریکا بفهماند که دیگر برای داشتن رابطه با ایران فقط یک راه وجود دارد و بس و آن احترام کامل به حق حاکمیت ماست. روابط با ایران فقط و فقط می‌تواند بر مبنای برابری کامل حقوق برقرار باشد، راه دیگری وجود ندارد. اقدام قاطع در این زمینه، وظیفه عاجل دولت است و انجام آن، امید ضدانقلاب داخلی، امپریالیسم و صهیونیسم را به باز پس گرفتن «بهشت گمشده» قطع خواهد کرد و راه را برای پیشرفت انقلاب ملی و دموکراتیک ما هموار خواهد ساخت.

مردم ما انتظار دارند که تمام نیروهای راستین انقلابی، تمام احزاب، سازمان‌ها و گروه

های سیاسی ملی و دموکراتیک و مترقبی بسیج شوند و دریک جبهه متعدد به مقابله با امپریالیسم
تجاوز کار و غارت گر امریکا پردازند.
تنها پاسخ درست و لازم به تهدید و تجاوز و دخالت امپریالیسم امریکا، عمل قاطع و
متعدد خلق افغانستانی است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ اردیبهشت ماه ۳۱

ما توطئه علیه جان حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی را محکوم می کنیم!

ما خواستار مقابله با توطئه خطرناک نیروهای متحد امپریالیسم و ارتیاجع هستیم! یکبار دیگر عمال امپریالیسم و رژیم گذشته، به سرکردگی امپریالیسم امریکا مرتكب جنایت تازه ای شده اند و این بار حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی را هدف قرار داده اند. ما در عین اینکه از نجات جان حجه الاسلام رفسنجانی از چنگ این توطئه خائنانه شادمانیم، معتقدیم که این حادثه یک بار دیگر ما را باید متوجه آن دسائی وسیعی سازد که امپریالیسم و ارتیاجع ایران، به سرکردگی امپریالیسم امریکا سازمانده آن هستند. این نیروها از هزار راه می کوشند تا انقلاب را از مسیر ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی خود خارج سازند و نیروهای انقلابی را بجان هم بیاندازند و با توصل به تقیین، توطئه، شایعه افکنی، تهمت زنی، ترور، تفرقه اندازی و امثال این نوع شیوه های ابلیسی، جوزه را گینی ایجاد کنند و مانع آن شوند که مردم ایران در فضای سالمی قانون اساسی نوینی برپایه ملی و دموکراتیک تنظیم نمایند. ما از رهبری انقلاب، شورای انقلاب و دولت به نوبه خود خواستاریم که اقدامات خود را برای عقیم گذاردن توطئه عظیم و خطرناک نیروهای متحد امپریالیستی و ارتیاجی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، ده چندان کنند. ما از همه نیروهای انقلابی می طلبیم که برای مقابله با توطئه های امپریالیسم و ارتیاجع به سرکردگی امپریالیسم امریکا، متحد شوند.

دیپرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸/۳/۵

به دولت موقت جمهوری اسلامی ایران،
به دادگاه انقلاب در باره رفقای شهید گمشده،
سرگرد حسن رزمی و مهندس محمد حسین معصوم زاده

رفقای حزبی ما سرگرد حسن رزمی و مهندس محمد حسین معصوم زاده توسط مأموران
جنایتکار ساواک شاه مخلوع، سر به نیست شده اند و متأسفانه تمام کوشش ما برای پیدا کردن
ردپائی از آنان و چگونگی شهادتشان و عاملین قتل تا کنون به جایی نرسیده است. از دولت
موقت و از دادگاه انقلاب می طلیم که در این راه ما را باری دهنده.
در دوران رژیم شاه سابق رفقای مبارزه رزمی و معصوم زاده با دستور حزب، در شرایطی
بسیار دشوار و خطرناک، برای ادامه نبرد علیه رژیم سلطنتی ایران فروش و اربابان
امپر پالیستش، از مهاجرت اجباری سیاسی به میهن بازگشتند. پس از دو سال کار در ایران،
همگامیکه خیانت عباس شهر باری، مأمور ساواک، آشکار گردید اثری از این رفقا پیدا نشد. در
همان زمان حزب ما تلاش فراوانی برای آگاهی از سرنوشت آنان بکار برد، ولی متأسفانه هیچ
اثری از این رفقا پیدا نشد، اما تمام شواهد حاکی از این بود که رفقا رزمی و معصوم زاده را
ساواک، بهمان شیوه ای که بسیاری از مبارزان را سر به نیست کرده، این رفقا را نیز نابود کرده
است. ولی چگونه، در چه موقع، توسط چه کسانی؟ در آن زمان برای این پرسشها پاسخی بدست
نیامد.

طی چند ماهی که از فعالیت آزاد حزب توده ایران میگذرد، حزب ما برای پیدا کردن
پاسخ به این پرسشها تلاش فراوانی بکار برد، ولی متأسفانه این پرسشها همچنان بدون پاسخ
مانده است. از اینجاست که از دولت موقت و دادگاه انقلاب، که مسئولیت و امکانات بیشتری
در این زمینه دارند، برای پاسخ دادن به این پرسشها باری می طلیم.
آنچه مسلم است اینست که رفقا سرگرد حسن رزمی و مهندس محمد حسین معصوم
زاده، آنچنانکه شایسته یک توده ای است، تا پای جان به آرامنهای والی میهن پرستانه و

آزادیخواهانه حزب خویش وفادار مانده اند. حزب ما این رفقا را در فهرست بس طولانی و افتخار آفرین شهیدان قهرمان خود، که شهیدان همه خلق در نبرد ضد امپریالیستی و ضد استبداد سلطنتی هستند، جای داده است. همه توده ایها بخود می بالند که در دامان حزب شان، فرزندانی چنین قهرمان و از خود گذشته پرورش یافته اند، که بهیج بهائی داغ ننگ همکاری با رژیم شاه مخلوع و تسلیم را نپذیرفته و با ایشار جان خود، استقامت و امیدواری توده ای ها را بار دیگر ثابت کرده اند. خاطره تابناک رفقا رزمی و معصوم زاده جاودان باد!

این را هم باید دانست که هر شهیدی، صرفنظر از عقاید خود، شهید همه خلق است. هر مبارز جانبازی مایه افتخار همه انقلابیون راستین است. لذا ما از دولت وقت جمهوری اسلامی ایران و از دادگاه انقلاب و مقاماتی که مامور ردیابی و کشف جنایات ساواک شاه مخلوع هستند، می طلیم که به حزب ما در مورد کشف جزئیات این جنایت و مجازات شکنجه گران، قاتلان و سر به نیست کنندگان، یاری دهند.

▪ عمال ساواک و شکنجه گران و دژخیمان شاه خائن را در همه سطوح افشا کنیم! ضد انقلاب را در همه ابعاد آن سرکوب کنیم!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۳/۷

از همه رفقاء حزبی، همه هواداران حزب
و همه افراد متفرق و ضد امپریالیست
برای شرکت در راه پیمایی
به مناسبت سالگرد «پانزدهم خرداد ۱۳۴۲»

حزب توده ایران، از همه رفقاء حزبی، همه هواداران حزب، همه افراد متفرق و ضد امپریالیست دعوت می کند در مراسم راه پیمایی بزرگی که بیان روز تاریخی پانزدهم خرداد انجام میگیرد، همراه دیگر گروههای سیاسی شرکت جویند.

ارزیابی ما در مورد جنبش ضد استعماری و ضد استبدادی و خلقی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، از همان روز وقوع حادثه، بشاهادت اسناد و مدارک متعدد روشن است. دشمنان و مخالفان حزب ما میکوشند به حزب ما افترا بزنند و چنین جلوه دهنده که گویا حزب توده ایران جنبش ضد استبدادی و ضد استعماری پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ را، که تحت رهبری امام خمینی صورت گرفته، در موقع خود تخطه کرده و آنرا یک حادثه «ارتجاعی» دانسته است.

روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب، در ضمیمه خاص مورخ شنبه ۱۲ خرداد ماه ۱۳۵۸ تحت عنوان «حزب توده ایران و جنبش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ – اسناد سخن میگویند»، فتوکپی مقالات متعدد منتشره در روزنامه «مردم» مورخ اول تیرماه ۱۳۴۲، پانزده خرداد ۱۳۴۳، پانزده آذرماه ۱۳۴۳ و مجلات دنیا مورخ بهار ۱۳۴۳ و بهار ۱۳۴۴ را، در دفاع از جنبش پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ و در پیشتبانی از امام خمینی تکثیر کرده است. اینها اسناد کوینده ایست که افرا گویان را بمشاهد عناصر مغرض و بی مسئولیتی که از هیچ دروغ بزرگ پروا ندارند، بر ملا میکند. ما از خوانندگان گرامی مصر اخواستاریم که این ضمیمه را، که در مقیاس وسیع پخش شده است، بدست آورند و بخوانند و به گوشه ای از بهتانهای گستاخانه دشمنان و مخالفان حزب ما پی ببرند.

از آنجا که ضدانقلاب در پرده و بی پرده میکوشد تا در مقابل رهبری قاطع امام خمینی صف بندی کند و این رهبری را تضعیف و منفرد نماید، و از آنجا که به عقیده راسخ حزب ما،

تقویت این رهبری ضد امپریالیستی و خلقی، در شرایط کنونی، ضروری است انکار ناپذیر، لذا حزب ما تصمیم گرفته است که بجای دست زدن به راهپیمایی جداگانه، با شرکت در راهپیمایی دعوت شده از جانب گروههای اسلامی، همیستگی خود را با پیروان مشی انقلابی امام خمینی متجلی سازد.

ما به همه اعضاء، هواداران و دوستان حزب و عناصر متفرق و ضد امپریالیست، که به ندای حزب ما گوش قبول فرا داده و در راهپیمایی روز ۱۵ خرداد ۱۳۵۸ شرکت خواهند ورزید، هشدار میدهیم که در مقابل انواع تحریکات ضد انقلاب در پرده و بی پرده، که در آن روز انجام خواهد گرفت، حد اعلای خونسردی و متنات و بصارت خود را حفظ کنند. طبیعی است که کسانی خواهند کوشید بنام «اسلام» در این تظاهرات شعارها و روشهای اخلاقگرانه خود را وارد کنند. در مقابل این افراد باید با هشیاری و بیداری سیاسی عمل کرد و به مفسدۀ جوئی میدان نداد.

اقدام حزب ما برای شرکت در نمایش پانزده خرداد ۱۳۵۸، همراه دیگر نیروهای اسلامی هوادار امام خمینی، یکی دیگر از نمودارهای سیاست خردمندانه این حزب در تقویت وحدت صفوں انقلابیون ایران علیه امپریالیسم و دست نشاندگان آنست.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۹ خرداد ۱۳۵۸

به همه نیروهای علاقمند به پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی،
دموکراتیک و خلقی ایران
در باره ضرورت درنگ ناپذیر اتحاد
برای مقابله با تحریکات ضد انقلاب
و پیدا کردن راه حل انقلابی مشکلات کنونی

هم میهنان عزیز!
مبارزان راه پیروزی انقلاب ایران!

همه مردم ایران و همه مبارزان ضد امپریالیست و آزادخواه در سراسر جهان در این ارز یابی شریکند که، انقلاب مردم ایران به پیروزی تاریخی کم نظری در جهان نایل گردیده است.

در چریان این انقلاب، همه مردم ایران، بجز اقلیت کوچکی خائن و مزدور و غارتگر، فعالانه شرکت داشتند. مردم با همبستگی و همکاری خود، یکی از محکمترین دژهای تسلط اهل معنی امپریالیسم و ارتقای را در هم شکستند، ولی همانطور که امام خمینی با رهایی برآورده اند، وزنه اساسی این نبرد زندگی و مرگ بر دوش زحمتکشان شهر و روستا و مبارزان جان بر کف انقلابی قرار داشته است، که با ثناوار ده ها هزار قربانی، پایه های کاخ استبداد امریکا- اسرائیل- شاه- سواک را متزلزل ساختند و با پرربه نهایی آن را فرو ریختند.

انقلاب پیروزمند ایران، با دستاوردهای بسیار چشمگیری که در همین دوران کوتاه داشته، توانسته است تناسب نیروها را در منطقه و در سراسر جهان، بطور محسوس بسود جنبش های رهایی بخش ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و ضد تزاد پرسنی تغییر دهد.

فرو ریزی نظام جهنمی استبداد سلطنتی سرنگون شده، استقرار جمهوری اسلامی، با هدفهای والائی که در راه تأمین استقلال ملی، آزادی، بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و پیشرفت همه جانبه اجتماعی در پیش گرفته است، از هم پاشه شدن سازمان جنایت کار سواک، مجازات خائنین به منافع ملی و آزادیهای فردی و اجتماعی، در هم شکسته شدن ماشین نظامی تجاوز کار امپریالیسم امریکا، اخراج دهها هزار مستشار امریکائی که همه شریانهای

حياتی زندگی اجتماعی ما را قبضه کرده بودند، لغو قراردادهای اسارت آور کاپيتولاسیون، سنتو خرید میلیاردها دلار جنگ افزار و تأسیسات صنعتی غیر ضروری، بیرون کشیدن صنایع و صادرات نفت از چنگال های حریص و خون آلود انحصار های نفتی امپریالیستی، بازخواندن ارتش ایران از ظفار، قطع منابع سیاسی با رژیم سادات خائن، امتناع فروش نفت به اسرائیل و تزايد پرستان جنوب افريقا - اينها همه دستاوردهای چشمگير و با اهميت انقلاب ايران در اين مدت گوتاه است.

وظيفه مردم قهرمان ايرانست که از اين دستاوردها با تمام نیرو پاسداری کنند، آنها را ثبیت و تحکیم نمایند و بيش از پيش در تمام زمینه های اقتصادي، سیاسي، اجتماعی، فرهنگي، امنيتي و ملي گسترش دهند.

در عين حال نباید فراموش کنيم که انقلاب ايران يکي از دشوارترین دورانهای تحکیم و ثبیت پیروزی خود را می گذراند و بر سر اين روند تحکیم و ثبیت، با دشواری های بسیار جدي روپرورد شده و می شود.

از سوي ديگر ما شاهد آن هستيم که با کمال تأسف، در زمينه شناخت اين دشوار يها و راه از بين برداشت شان، در ميان نيروهای ملي ديد يگانه اي وجود ندارد و در نتيجه عمل متعدد و پيگيری انجام نمي گيرد. تردید نمي توان داشت که با ادامه اين وضع، خطرات جدي مهمترین دستاوردهای انقلاب را مورد تهدید قرار می دهد.

كميته مرکزي حزب توده ايران با احساس مسئليت تاریخي می کوشد ارز یابي خویش را از وضع کشور در لحظه کنونی، در اختیار همه نيروهای راستين هوادار پیروزی انقلاب ايران قرار دهد و همه اين نيروها را به اهميت حياتي و درنگ ناپذير وحدت نظر و اتحاد عملی، عليه دشمنان رنگارنگ انقلاب فرا خواند.

بنظر ما و يزگيهای لحظه کنونی در کشور چنین است که:

- عوامل گوناگون بحران در همه زمینه های زندگی اجتماعی شدت می یابد.
- ضد انقلاب (يعني امپریالیسم و ارتیاج داخلی) با بهره برداری از نابسامانیها هر روز گستاخ تر می گردد.

- سازشکاران، نبرد نيروهای انقلابی خلق را عليه ضد انقلاب فلیج می کنند.
- تفرقه اندازان و انحصار طلبان مبارزة مردم را از سمتگيري اصلی منحرف می سازند.
- بخشهاي مهمی از نيروهای راستين انقلاب ضروریات حياتي و عمدۀ پیروزی انقلاب را یا فراموش کرده اند و یا بدان کم بها می دهند و خود را با مسائل فرعی و درجه دوم مشغول می سازند.

همه اينها، همراه هم، موجبات ضعف جنبش انقلابي میهن ما را فراهم آورده است. تنها از راه شناخت درست ريشه های بحران کنونی و گروههای عمدۀ آن و با تلاش، برای ختنی ساختن پیامدهای زیانبخش شان، میتوان راه ثبیت پیروزی های انقلاب را هموار ساخت.

بنظر حزب توده ایران، پیش از آنکه به تحلیل جوانب گوناگون و یژگیهای بالا پردازیم، ضرورت دارد روش شود که دشمنان اصلی انقلاب ایران کیانند، هدفهایشان چیست و چه شیوه هایی را در لحظه کنونی برای رسیدن به این هدفها بکار می بردند. این امر از آنجهت ضرورت درجه اول دارد که در باره اش، متأسفانه، میان نیروهای این که خود را هوادار انقلاب ایران می دانند، اختلاف نظر عمیق وجود دارد. برای نمونه میتوان به ارزیابی های گوناگون برخی از اعضاء دولت وقت جمهوری اسلامی ایران، درباره دخالت گستاخانه امپریالیسم امریکا در امور داخلی ایران، اشاره کرد که جهت گیری روشن آن، کنار گذاشتن امپریالیسم امریکا، نه تنها عنوان دشمن اصلی، بلکه حتی عنوان یکی از دشمنان اصلی انقلاب ایران است. این ارزیابی ها، با ارزیابی اکثریت مطلق مردم ایران، با ارزیابی مکرر امام خمینی، که با شدت تمام در تظاهرات چند میلیونی روزهای اخیر در سواست کشور بازتاب یافته است، در تضاد آشکار است. از اینروست که بنظر مامهمترین مسئله مورد توجه باید همین امر مشخص ساختن دشمنان اصلی انقلاب ایران، هدفها و شیوه های عمل آنها برای رسیدن باین هدفها باشد.

دشمنان انقلاب ایران

بنظر ما دشمن اصلی انقلاب ایران امپریالیسم غارتگر جهانی، به سرکردگی امپریالیسم متجاوز امریکا و همدستان ایرانی آنان، یعنی سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته به امپریالیستها است. هرگونه تلاش برای منحرف ساختن افکار عمومی مردم انقلابی ایران از سمتگیری بدون تزلزل علیه این دشمن اصلی، چه آگاهانه باشد و چه بر پایه ارزیابی و یا شناخت نادرست از واقعیت، به زیان جبران ناپذیری برای جنبش میهن ما تمام می شود.

امپریالیسم جهانی (که امپریالیسم آمریکا در راس آن قرار دارد) تا پیش از پیروزی انقلاب کبیر اکبر در روسیه، سراسر جهان را با چکمه های بخون آغشته خود لگد مال می کرد. امپریالیسم با آنکه در دوران ۶۰ ساله اخیر در قبال جنبش عظیم و جبهه نیرومند ضد امپریالیستی جهان، مواضع زیادی را از دست داده است، هنوز اساس ارتجاع سیاه جهانی است. امپریالیسم جهانی، یعنی انحصار های نفتخوار، انحصار های جهانی تولید کننده جنگ افزارها، بانکهای غارتگر امپریالیستی، انحصار های جهانی و باصطلاح مافوق ملی در همه رشته های صنعتی و کشاورزی و بازارگانی و ترابری ...

این امپریالیسم جهانی، که نیرومندترین هسته آنرا امپریالیسم امریکا تشکیل می دهد، برای برقراری تسلط جهانی خود، ابزار و جنگ افزار بسیار گوناگونی را در اختیار دارد و بر حسب شرایط سیاسی، زمانی، جغرافیائی، ملی وغیره، این یا آن ابزار را بکار می اندازد. تجاوز آشکار با نیروهای نظامی (مانند ویتمام)، توطئه های کودتائی (مانند ایران— در ۲۸ مرداد

۱۳۳۲—، اندونزی، شیلی و دهها کشور دیگر آسیا و افریقا و امریکای لاتین)، خریدن خائنین (مانند مصر و سودان) و تحریکات از راه استفاده از جریان های «سیاسی» و «مذهبی» و «ملی گرائی» خاص مانند فراماسونری، صهیونیسم، بهائیگری، سازمان های فاشیستی و سازمانهای نژاد پرست و دهها جریان سیاسی و مذهبی زنگارنگ دیگر همه اینها ابزارهای گوناگون امپریالیسم جهانی هستند.

و در کشور ما ایران، از همان آغاز استیلای خاندان پهلوی، پایه های تسلط امپریالیسم جهانی گذاشته شد و، صرف نظر از دورانهای بسیار کوتاه تزلزل، هر روز این پایه ها مستحکمتر گردید. اگر این تسلط امپریالیستی در دوران پیش از جنگ دوم جهانی و سالهای اول پس از آن، با برخی رقابتیها بین امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و آلمانی همراه بود، پس از کودتای ۲۸ مرداد این تسلط امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، بطور مشترک و جمعی مستقر شد و میهن ما به غارتگاه بی بند و بار همه امپریالیستها، که صهیونیسم یکی از اجزاء متشكله آنست، بدل گردید. غارت ثروتهای عظیم نفتی میهن ما، تحییل میلیاردها جنگ افزار زائد و بی فائد، وادار کردن دولت دست نشانده به خرج میلیارد ها دلار از ثروت ملی برای تدارکات نظامی استراتژیک امریکا، صدور بی بند و بار کالاهای مصرفی گران قیمت، صدور تأسیسات صنعتی چند برابر قیمت های بین المللی، تحییل بی تناسب صنایع موئاث بجای صنایع مادر، تبدیل ایران، بموازات اسرائیل، به دومنین پایگاه تجاوز امپریالیستی برای سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک و میانه، تبدیل ایران به بزرگترین پایگاه جاسوسی و تدارکی تجاوز علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای ضد امپریالیست در منطقه، تحییل دهها و دهها هزار کارشناس «نظامی» و «فنی» و «اقتصادی» و غیره، نابود کردن کشاورزی ایران و وابسته کردن تمام زندگی روزمره میهن ما به اقتصاد امپریالیستی— اینها همه و همه طبق نقشه مشترک و هماهنگ همه امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم امریکا بوده است.

انقلاب ایران به منافع حیاتی اقتصادی و استراتژیک نظامی همه این امپریالیستها و طبقه حاکمه وابسته به آنان، صربه سهمگین و دردناکی وارد ساخت و ما شاهد آن هستیم که زوجه این گرگهای درنده زخم خورده علیه دستاوردهای انقلاب ایران در سراسر جهان طنین انداخته است و تحریکات محاذل ارتجاعی وابسته به امپریالیسم در ایران هر روز دامنه دارتر می گردد.

نیروهای امپریالیستی هنوز در کشور ما پایگاه های نیرومندی را اختیار دارند. این پایگاه ها در دستگاه دولتی، در بازماندگان مخفی و علنی ساواک، در اقتصاد کشور و در میان گروههای وابسته به طبقات حاکمه فراری و بلند گویان «روشنفکر» نمای شان است. از این پایگاهها است که جبهه متحد امپریالیستها و در پیش اپیش شان امپریالیست های امریکائی، و صهیونیست ها و محاذل ارتجاعی ایران، که در امریکا و اروپای غربی و اسرائیل

لنگر انداخته اند، علیه انقلاب ایران توطئه می کنند.

هدف این نیروهای امپریالیستی اینست که، انقلاب ایران را با شکست رو برو سازند و به این با آن شکل، اوضاع گشته را، با نقاب و یا بدون نقاب، باز گردانند. وسائل و شیوه هایی که دشمنان انقلاب در این توطئه خطرناک بکار میبرند، همان وسائل و شیوه های شناخته شده توطئه های امپریالیستی و ارتقای این طولانی مبارزات خلقها است، یعنی:

۱- جلوگیری از ثبیت اوضاع اقتصادی و ایجاد دشواریهای ساختگی تازه در این میدان، جلوگیری از بکار افتدن کارخانه ها، کارگاهها، دامن زدن به هرج و مرچ اقتصادی و بالا بردن قیمتها خوار بار و وسائل حصری مورد احتیاج مردم.

۲- جلوگیری از ثبیت اوضاع اجتماعی و دامن زدن به هرج و مرچ، مشغول کردن مردم به مبارزات خانگی و منحرف کردن مردم از مبارزه علیه دشمن اصلی.

۳- ترویج ناامنی، ترور، کشتار، دزدی، غارتگری و پخش مواد مخدر قاچاق.

۴- بجان هم انداختن احزاب، سازمانهای و گروه های سیاسی و ایجاد تفرقه.

در این میدان، مفسد جویان، که متأسفانه براثر غفلت نیروهای انقلابی، در بسیاری از نقاط رخنه کرده و سنگرهای حساسی را در دست گرفته اند، نقش تخریبی خطرناکی را ایفا می کنند. اینان گاه مانند پالیزبان ها علناً به سازماندهی نیروهای سیاه آدمکش میبردازند و گاه با ماسک «روحانی» (مانند حمامی ها، که از همکاران سواک بوده و ماهرانه خود را در میان هواداران نزدیک امام خمینی جا داده بودند) بدین منظور که مناسبات برادرانه آنها را با روحانیون میهن پرست و انقلابی تیره سازند، نیروهای میهن پرست چپ را مورد حمله قرار میدهند، گاه با ماسک «روشنفکر ماوراء انقلابی» و «هواداران انقلاب کارگری»، جبهه امپریالیسم و ارتقای را به فراموشی سپرده، ناجوانمردانه حزب توده ایران را بیاد تهمت و افترا میگیرند و گاه بصورت «هواداران ازادی»، نیروهای انقلابی روحانی و مذهبی را هدف عمدۀ و اساسی مبارزات «انقلابی» خود قرار می دهند.

بهیچوجه زیاده روی نیست اگر ادعا کنیم که بازماندگان رژیم سرنگون شده و کارگزاران سیای امریکا و انتلیجنس سرویس انگلیس و موساد اسرائیل و مأوثیتیهای سوگند خورده و سایر سازمانهای تبهکار، در همه این لباسها مشغول خرابکاری علیه انقلاب ایران هستند. موضعگیری نسبت به این جبهه متحد دشمنان انقلاب ایران و برخورد با شیوه هایی که بکار میبرند، در جهت گیری کلی، برای مقابله با مشکلات موجود بر سر راه ثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب و تعمیق آن، در جهت منافع و خواستهای توده های دهها میلیونی مردم زحمتکش شهر و روستا، دارای اهمیت تعیین کننده است.

ولی با کمال تأسف این موضعگیری و این برخورد یکسان نیست. بطور کلی ۳ برخورد زیرین در میدان سیاست در ایران دیده می شود:

۱- برخورد نیروهای راستین انقلابی

برای این نیروها، امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی انقلاب ایران است و باید همه نیروها را در جهت برانداختن تسلط نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فکری این دشمن اصلی بکار انداخت. صهیونیسم یکی از مهمترین ابزارهای تسلط و توطئه های امپریالیستی و مسلمانان انقلاب ایران در منطقه است و باید با تمام نیرو در راه در هم شکستن این سنگر عمدۀ دشمن در منطقه تلاش کرد.

این برخورد، که بطور روشن و پیچیدگر در ارزیابی‌های امام خمینی بازتاب یافته و می‌باید، مورد تأثیر کامل حزب توده ایران است.

۲- برخورد نیروهای راست وابسته به سرمایه داری لیبرال ایران

این نیروها معتقدند که امپریالیستهای امریکائی و همدستان اروپائیان دیگر خطری برای ایران نیستند. خطر برای انقلاب ایران، در درجه اول، از طرف نیروهای خلق است که خواستار امتیازات «زیادی» (!) هستند. باید اقتصاد ایران را بر پایه توسعه همکاری با کشورهای غرب، بر پایه تقویت همان قشر سرمایه داران وابسته باز سازی کرد. زحمتکشان در انقلاب چیزی از دست نداده اند. «ضرر عمدۀ» متوجه سرمایه داران و تجار شده است. این نیروها هر گونه تحريك و ناامنی و خرابکاری و توطئه را، بدون هیچ پروانی به نیروهای انقلابی خلقی و توده ای نسبت می‌دهند.

این موضوعگیری خطرناک، که عملاً در سیاست دولت موقت بازتاب یافته است، تا آنجا می‌رود که در اظهارات بسیاری از مقامات رسمی، بزحمت و بسیار کمیاب از تحریکات عمال امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکا و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و حتی عمال ساواک مپتوان ذکری یافت.

۳- برخورد نیروهای افراطی راست و چپ

این نیروها در عین اینکه امپریالیسم و کارگزارانش را در ایران دشمن اصلی می‌شمارند، ولی در عمل جهت گیری عمدۀ را از دست داده اند و عمدۀ تلاش خود را یا در جهت نادرست و یا در جهات فرعی بکار می‌برند. از یکطرف ما با قشیهای مذهبی روپرور هستیم که می‌گوشند تسلط انحصاری خود را بر همه زمینه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشور برقرار سازند، و چون در این راه با مقاومت نیروهای برخورد می‌کنند که با انحصار طلبی مخالفت دارند، به شیوه‌های تهمت و افترا متول می‌شوند.

نمونه بارز این شیوه برخورد در مراسم دفن و یادبود آیت الله مطهری بطور چشمگیری دیده شد. همه می‌دانیم که امام خمینی بارها در اظهار نظرهای روش خویش تأیید کرده اند که توطئه قتل آیت الله مطهری و سرشکر قرنی، بدون تردید عمل امپریالیستهای امریکائی،

صهیونیستها وساوا کیها بوده است. ولی علیرغم این سمت دهی روشن امام خمینی، نیروهای افراطی راست قشری، دشمن اصلی، یعنی امریکا و اسرائیل را، بکلی در سایه فراموشی گذاشتند. و توده های وسیعی را، که برادر از دست دادن یکی از رهبران خود بحق برافروخته بودند، علیه نیروهای چپ (یعنی یک دشمن اخترعی)، که کوچکترین ارتباطی با این جنایت و اینگونه جنایتها نمی توانند داشته باشند) منحرف ساختند. ولی زندگی واقعی نیرومند تر از هر اتهامی است. تحریف واقعیت، هر قدر هم که مردم فربیب باشد، بالاخره فاش می شود. ما شاهد آن هستیم که مردم میهن پرست کشور ما، دشمن واقعی آزادی و استقلال خود را، از میان گرد و غبار تاریکی آور منحرف کنندگان، به درستی می شناسند.

نظیر این برخورد هم ازسوی دیگر نیروهای افراطی، یعنی از سمت چپ کاملاً مشهود است. در بسیاری از موضعگیریهای سیاسی و اجتماعی نیروهای جوان انقلابی، زیر پرچم چریکهای فدائی خلق و همچنین در عمل سیاسی روشنفکران میهن پرستی که زیر پرچم عمومی «مبارزه در راه آزادی های دموکراتیک» در آمده اند، چنین برخورد نادرستی مشهود است. در اینگونه برخورد ها، «عمده» جای خود را به مسائل «فرعی» واگذار می کند و پی آمد هاتان بیار می آورد که درست در جهت عکس خواست عمدۀ روز جنبش انقلابی ما است، یعنی نه در جهت گرد آوری همه نیروها علیه دشمن اصلی، بلکه در جهت تفرقه افکنی و بجان هم اندازی این نیروها.

سخن کوتاه، بنظر ما موضعگیری نادرست و در مواردی نارسانی نیروهای افراطی راست و چپ در مسئله مرکزی، یعنی شناخت دشمنان اصلی انقلاب و برگزیدن سمت گیری عده مبارزه روز برای منفرد ساختن و ختنی کردن دشیسه های دشمن اصلی، بزیان جدی جنبش انقلابی است و ناخواسته موجبات تفرقه و پراکنده گی را در صفوّف مبارزان خلق فراهم می سازد و به کامیابی دسیسه های دشمن اصلی کمک می رساند.

جانشین ساختن مبارزه علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، و صهیونیسم و ارتجاع ایران با مبارزه علیه «کمونیسم» از یک سو و جانشین ساختن مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع با مبارزه علیه «آخوندیسم» از سوی دیگر، موجب تفرقه نیروهast و به طور عینی آبی است که به آسیاب دشمن اصلی انقلاب، یعنی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع سیاه ایران ریخته می شود.

حزب توده ایران بر آنست که در هیچ صورت، هیچ عاملی، هیچ تحریکی و هیچ فشاری نباید نیروهای انقلابی را از موضع اصولی خود در مبارزه علیه دشمنان اصلی انقلاب ایران روگردان سازد.

نیروهای انقلابی باید تمام کوشش خود را متوجه آن سازند که برای دشواریهای اجتماعی عظیمی که بر سر راه ثبتیت و تعمیق دستاوردهای انقلاب ایران قرار دارد و هر روز بویله دشمنان انقلاب قرار داده می شود، راه حل های اصلی و علمی و درست پیدا کنند.

در ارتباط با این وظیفه اصلی انقلاب کشورمان در لحظه کنونی، حزب توده ایران نظر خود را در زمینه پنج بخش عمده زندگی اجتماعی کشور، یعنی مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و ملی بیان می دارد و از همه نیروها و احزاب، سازمانهای گروهها و شخصیتهای سیاسی می خواهد که نظر خود را در این زمینه با روشنی و صراحة در پیشگاه افکار مردم قرار دهند.

۱. مسائل سیاسی

عمده وظیفه نیروهای ملی و انقلابی در زمینه مسائل سیاسی در لحظه کنونی عبارت است از پاره کردن همه بندهای اسارت امپریالیستی، که بدست جنایتکار شاه خائن و دستیارانش بر میهن ما تحمیل شده و تبدیل ایران به کشوری مستقل و غیر متعدد. روشن است که این کار تنها با «اعلام» درست نمی شود و با اصطلاح مردمی، با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی گردد؛ باید قراردادهای را که این اسارت ملی را «چهار میخه» کرده اند، از هم درید و به تعهدات تحمیلی امپریالیستی خاتمه داد.

نیروهای راستین انقلابی خواستار آئند که این قراردادها بلا فاصله علی شوند و محظوظ جنایت بار آنها باطلاع مردم برسد، غیر قانونی بودن آنها رسم اعلام گردد و برای احراق حقوق مردم ایران، که بر پایه این قراردادهای تحمیلی، از دست رفته اند، دولت ایران، با اتکاء به پشتیبانی نیرومند مردم ایران و نیروهای ضد امپریالیستی سراسر جهان، وارد میدان مبارزه گردد. برخورد نیروهای سازشکار بکلی غیر از این است. شیوه عمدۀ این نیروها پنهانکاری، بزرگ کردن اشکالات(!) کار و در نتیجه بدرازی کشاندن تصمیمات است. همه مردم می دانند که اسارت بارترین قراردادهای تحمیلی به مردم ایران قرارداد خائنانه کنسرسیوم نفت و قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا، و به گفته سخنگویان دولت، نزدیک به هزار قرارداد اسارت بار دیگر وابسته به آنست. نیروهای میهن پرست ایران حق دارند نسبت به این روش پنهانکاری و حل و فصل مسائل در پشت پرده استنار ابراز سوء ظن نمایند. مردم ایران در یک نبرد زندگی و مرگ علیه امپریالیسم امریکا و رژیم دست نشانده اش گام گذاشتند و دهها هزار کشته دادند، تا از راه انقلابی، مسائل حیاتی سربوشت خویش را حل کنند، نه اینکه با پنهانکاری و عدم قاطعیت، فرصت‌های تاریخی از دست پرود و امکان داده شود که گرگهای خون آشام پوستهای بره بر تن کنند و با ماسک دوست به مردم ایران جا زده شوند.

درست است که در زمینه حل برخی مسائل سیاسی، تا کنون از طرف دولت یکرشته اقدامات مثبت انجام گرفته است، ولی در زمینه حل عمدۀ ترین مسئله سیاسی، یعنی مناسبات با امپریالیسم امریکا، دولت آقای مهندس بازرگان در موضوعی قرار گرفته، که نمی تواند مورد

تایید نیروهای انقلابی و ملی قرار گیرد.

آیا ضرور بود قطعنامه سنای امپریالیستی و صهیونیستی ایالات متحده امریکا صادر شود تا این نیروها یادشان بیفتد که باید مردم را علیه مداخلات امپریالیسم آمریکا و همدستانش در امور داخلی ایران تجهیز کرد؟ آیا ما هر روز و هر لحظه شاهد این گونه دخالت‌های بیشمانه امپریالیسم امریکا و سایر امپریالیستها نیستیم؟ برخی از مقامات دولتی جسته و گریخته‌می گویند که محاذل اقتصادی غرب ما را تحت فشار غارتگرانه قرار داده اند، کشته‌های بازارگانی ایران را توقیف می‌کنند و اعتبارات ما را محدود می‌سازند. چرا دولت وقت این فشارها را فاش نمی‌کند و از مردم انقلابی ایران برای مقابله با آن کمک نمی‌خواهد.

در این امر حیاتی موضوع‌گیری نیروهای نیزشایان توجه است. انگار که برای این نیروها یک چنین امر مهمی در زندگی سیاسی میهن ما وجود ندارد و یا اگر وجود دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نیست. آیا شایان توجه نیست که در تظاهرات گوناگون، چه بمناسبت ترور آیت الله مطهری و چه بمناسبت صدمین سال زاد روز دکتر مصدق، از این مسئله مهم، که با سرنوشت انقلاب ایران پیوند دارد؛ یادی بعمل نیامد؟ آیا این برخورد، گویای این واقعیت نیست که این نیروها مطلب عمدۀ را فراموش کرده اند و مردم را به جزئیات و یا بسوی سراب‌ها متوجه می‌سازند.

۲. مسائل اقتصادی

بدون تردید سرنوشت انقلاب ایران، در درجه اول و بطور تعیین گننده، وابسته به حل دشواریهای اقتصادیست که اکنون میهن ما با آن روبرو و دست بگیریان است. حل درست، یعنی حل ملی و خلقی این دشواریها، پیروزی انقلاب را ثبیت می‌کند و دستاوردهای آنرا در جهت تامین منافع اکثریت دهها میلیونی مردم زحمتکش گسترش می‌بخشد، و بر عکس، کوشش برای حل این دشواریها در چهار چوب منافع سرمایه داری بزرگ و وابسته، انقلاب را عقیم کرده سرانجام با ناکامی روبرو خواهد ساخت.

اساسی ترین راهها برای گشودن گره‌های آن کلاف سردرگمی که بر اثر مختل شدن نظام اقتصادی وابسته در کشور ما پدید آمده است، عبارتند از:

الف – برای انداختن چرخ اقتصاد فلجه شده، و در ارتباط مستقیم با آن، حل مسئله دردناک بیکاری.

ب – تبدیل ریشه‌ای اقتصاد وابسته به امپریالیسم به اقتصاد مستقل ملی.

پ – تبدیل اقتصاد مبتنی بر غارت بی بند و بارثروت ملی و محصول کار زحمتکشان به اقتصاد متکی به منافع خلق.

در ارتباط با این مسائل عمدۀ اقتصادی، ما به چهار برشورد که نماینده چهار گرایش سیاسی مشخص جامعه ماست، رو برو هستیم:

۱- ضد انقلاب، در درون کشور، از یکسو با دستهای زیاد و نیرومندی که در سازمان دولتی و در محاذل بالای اقتصادی دارد، در هر گونه راه حل منطقی کار شکنی می کند و کوششهای عناصر انقلابی و دلسوز را فلچ می نماید، و از سوی دیگر با کمک عوامل بی شمار سواک و وابستگان آن، که در همه گروههای سیاسی چپ و راست و حتی در ارگانهای اجرائی انقلابی، رخنه کرده و ریشه دوانده اند، می کوشد با دادن شعارهای تند از راست و «چپ»، در همه جا محیط را متینج سازد و کامیابی هر گونه تلاش عقلائی را، حتی برای پیدا کردن راه حل‌های موقت و محدود، غیر ممکن گرداند.

محافل امپریالیستی غارتگر می کوشند با استفاده از وابستگی همه جانبه اقتصاد ایران به اقتصاد کشورهای امپریالیستی، از راه وارد آوردن فشارهای اقتصادی، از مشکلات موجود به سود خود حداکثر بهره برداری را کنند. در این زمینه عدم قاطعیت انقلابی و بی نقشه بودن دولت وقت، برای آنها کمک بزرگی است. عمل این محافل صد درصد با عمل ضد انقلاب در ایران هماهنگ و دارای هدف مشترک است.

هدف این محافل امپریالیستی، دست بدست با ضد انقلاب در ایران، اینست که روند بازسازی اقتصادی میهن ما را فلچ سازند و از این راه نارضایی مردم را دامن زنند و آتش هرج و مرج وطنیان را بر افروزنده و با آن، شرایط را برای بقدرت رسیدن رژیم وابسته ای، از نوع قدیم و یا از نوع جدید آماده سازند.

۲- محافل سازشکار وابسته به سرمایه داری بزرگ ایران می کوشند مشکلات اقتصادی را در چهار چوب تامین و تثبیت منافع خود حل کنند. راه حل پیشنهادی آنان، در درجه اول برای پراه انداختن چرخ فلچ شده اقتصادی و حل مسئله بیکاری، پوست کنده اینست که: دولت همه امکانات مالی خود را در اختیار مقاطعه کاران و سرمایه داران بزرگ بگذارد و با استفاده از روشهای سختگیرانه علیه زحمتکشان و محدود ساختن خواستهای بحق شان، همه راهها را برای براه انداختن «چرخ های اقتصادی»(!)، یعنی برای براه انداختن چرخ های غارتی بندوبار، مانند گذشته، هموار سازد. این سمتگیری در اظهارات آقای نزیه، رئیس شرکت ملی نفت ایران، در کنگره حقوقدانان با روشنی بازتاب یافت.

پیش بینی پیامد این راه پیشنهادی محافل سرمایه داری بزرگ ایران دشوار نیست. دولت با شرایط بسیار مناسب اعتبارات وسیعی را، که از درآمد نفت بدست می آید، به مقاطعه کاران و سرمایه داران وابسته و صاحبان تاسیسات بزرگ کشاورزی واگذار می کند. اکثر این گروه ها، همانطور که در گذشته عمل کرده اند، بخش عده این اعتبارات را از راههای گوناگون به بانکهای خارجی منتقل خواهند ساخت و پس از چندی، دوباره با کیسه های خالی، در مقابل خزانه دولت صفت خواهند کشید و با تهدید به خواباندن چرخهای اقتصادی، خواستار وامها و

اعتبارات جدیدتر خواهد شد.

درست است که دولت آقای بازرگان، تا کنون به بهانه موقتی بودن خود، هیچگونه نقشه همه جانبی ای برای بازسازی اقتصادی، برای تبدیل اقتصاد وابسته به اقتصاد ملی، برای تبدیل اقتصاد غارتگرانه به اقتصادی خلقی ارائه نکرده است، ولی آنچه که از تصمیمات و اظهار نظرهای اخیر رئیس دولت میتوان استنباط کرد، سیاست دولت فعلی تنها متوجه گره اول است و راهی نیز که دولت برای گشودن این گره برگزیده، همان راه بی سرانجام معافل راست سرمایه داری ایران است.

بنظر ما، پافشاری دولت در ادامه این سمت گیری، گره مشکلات را باز نخواهد کرد و بر عکس آنرا پیچیده تر و دشوارتر خواهد نمود.

۳- نیروهای متنکی به خلق خواستار آند که گره پیچیده مشکلات اقتصادی، با سمت گیری دفاع از منافع ملی در برابر تجاوزات امپریالیستی و منافع توده های میلیونی زحمتکشان شهر و ده در برابر تجاوزات غارتگرانه طبقات حاکمه سرمایه دار و زمین دار بزرگ وابسته به رژیم سرنگون شده و امپریالیسم باز گردد.

برداشت ما از محتوی نظریات اقتصادی امام خمینی و هوداران ایشان، که از یک سمتگیری دفاع از خواست های بحق «مستضعفین» در برابر تجاوزات «مستکبرین» پیروی می کنند، در همین چهارچوب است.

اگر بخواهیم این چهارچوب را در زندگی اقتصادی روزمره پیاده کنیم، به نتایج مشخص زیرین، که یگانه راه گشایش گره های پیچیده مسائل اقتصادی و یگانه ضامن ثبات پیروزی انقلاب است، خواهیم رسید.

الف- کلیه تأسیسات صنعتی، مالی، بازرگانی و ترابری متعلق به امپریالیستها و به وابستگان رژیم سرنگون شده، یعنی سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته به انحصارهای امپریالیستی و رژیم سرنگون شده، را باید بی درنگ مصادره و ملی کرد و اداره این تأسیسات را به گروههای برگزیده شده از سوی کارگران و کارمندان و مهندسان و مدیران واگذار نمود و اعتبارات کافی در اختیار آنان گذاشت و کمکهای فنی و مادی لازم را به آنها رسانید.

ب- در مورد تأسیسات مونتاژ، که برای افتادن آنها با رسیدن مستقیم قطعات از کشورهای تولید کننده اصلی در ارتباط است، باید با تجدید نظر در قراردادهای موجود، شرایط آغاز فوری کار را فراهم کرد و با تنظیم نقشه های دراز مدت، شرایط فنی و مادی ضرور برای تبدیل این تأسیسات را به تأسیسات خود کفا و بدون وابستگی به امپریالیسم آماده ساخت و در صورت لزوم تغییر کامل رشته تولیدی این تأسیسات را برنامه ریزی نمود و عملی کرد. باید کارگران و کارکنان فنی و اداری را، که برای نان روزمره خود علاقمند به برآمدگان افتادن چرخهای تولید هستند، در اداره این تأسیسات از راه سازمانهای صنفی کارگران و شوراهای انتخابی همه کارکنان، شرکت داد و متعهد ساخت و به آنان اعتماد کرد. اینست راه ملی و خلقی گشایش

گرهای پیچیده اقتصادی.

پ- در مورد صنایع و تأسیسات کشاورزی و کارگاههای ساختمانی متعلق به سرمایه‌داران ملی غیر وابسته، نظر حزب توده ایران اینست که دولت باید برای براه انداختن هرچه زودتر آنها، اعتبارات ضروری و کمکهای همه جانبی مبدول دارد، با این شرط که این اعتبارات و کمکها صرفا برای براه انداختن تولید مصرف گردد، و برای تحقق این امر نیز یک کنترل دو جانبی، از جانب دولت و از جانب سازمان‌های صنفی کارگران و کارمندان این موسسات ضروری است.

ت- در مورد بیرون آوردن اقتصاد کشاورزی از بحران کنونی، یگانه راه، ملی کردن تأسیسات بزرگ کشاورزی متعلق به سرمایه‌های امپریالیستی و وابستگان رژیم سرنگون شده و اداره آنها با کمک مدیریت مورد اعتماد سازمانهای صنفی کارگران و همکاری شوراهای انتخابی از طرف همه کارکنان، مصادر اراضی کشاورزی بزرگ متعلق به زمین داران بزرگ و تقسیم آن بین دهقانان بی زمین و کم زمین، کمک به ایجاد شرکتهای تعاونی تولید و مصرف برای این کشاورزان و رساندن کمکهای فنی و کود به آنان و ایجاد یک سیستم دولتی خرید عادلانه و جمع آوری سریع محصولات از واحدهای کوچک و متوسط تولید کشاورزی است. اینست بنظر ما آغاز بروند رفت از بحران عمیقی که اقتصاد کشاورزی کشور را فرا گرفته است. در این زمینه، نقش سازمانهای واقعی صنفی زحمتکشان شهر و روستا اهمیت تعیین کننده ای دارد و هر گونه تلاش برای فلنج کردن و یا تجزیه این سازمانها و یا محدود ساختن تأثیر آنها در جریان بازسازی اقتصاد و نوسازی آن در جهت دفاع از منافع زحمتکشان، زیانهای جبران ناپذیر به روند تثبیت پیروزی انقلاب وارد می‌سازد و راه را برای دسیسه‌های خرابکارانه ضد انقلاب هموار می‌کند.

تنهای از این راه است که میتوان، در مدت کوتاه، با اعتبارات کمتر، به بهترین کیفیت و بالاترین کمیت، چرخهای اقتصاد را برای انداختن، برای مشکل بیکاری راه حل عملی پیدا کرد، شرایط را برای تبدیل ریشه ای اقتصاد وابسته به امپریالیسم به اقتصاد مستقل ملی آماده نمود و به غارتگری بی بند و بارثروتی‌های ملی و محصول کار زحمتکشان بوسیله سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های وابسته لجام زد.

ث- نکته مهم دیگری که در زمینه مسائل اقتصادی مطرح است، موضوع تأمین زندگی مناسب تر برای زحمتکشان شهر و روستا است. تردیدی نمی‌توان داشت که توده‌های میلیونی کارگران و سایر زحمتکشان، که فعالانه در انقلاب شرکت کردند و جانبازی نمودند، انتظار داشتند که نظام انقلابی به غارتهای امپریالیستی و رژیم سرمایه داری وابسته به آن پایان دهد و برای زحمتکشان شرایط روز بروز بهتر و مناسبتری را برای کار و برای برداشت از محصول کارشان فراهم نماید. درست است که با دشواری‌های پیدا شده بر اثر فرو ریزی نظام غارتگر، برآوردن همه خواستهای زحمتکشان بلا فاصله و حتی در زمان کوتاه ممکن نیست، ولی ما

اطمینان داریم که زحمتکشان ایران، در صورتیکه، نه تنها با وعده‌های توانایی و پوچ، بلکه با رائئه نقشه‌های روش و قابل دفاع شوند که روند سیاست دولت در حل مشکلات اقتصادی، روندی است که بر پایه دفاع از منافع زحمتکشان در مقابل غارتگران استثمارگر استوار است، آماده خواهد بود که باز هم محرومیت‌ها را تحمل کنند و با تمام نیروی خود برای ساختن نظامی که خواسته‌های بحق آنها را برآورده نماید، عملابی درین همکاری کنند. این وظیفه احزاب و سازمانهای سیاسی پشتیبان انقلاب است که با همکاری وسیع دریک «جبهه متحده خلق» چنین نقشه همه جانبه‌ای را برای لجام زدن به بحران اقتصادی موجود و بیرون آمدن از آن، طرح ریزی کنند و برای پاده کردن آن متفقاً همه نیروهای خلق را تجهیز نمایند.

با کمال تأسف باید یاد آوری کرد که نیروهای افراطی چپ و راست، در عین اینکه به اهمیت حل مسائل اقتصادی، بعنوان مهمترین مشکل دوران تبیث پیروزی انقلاب آگاهند، در عمل نه تنها برای پیدا کردن و دفاع پیگیرانه از راه حل عقلانی کوششی نمی نمایند، بلکه بر عکس، در جریان تلاش برای رسیدن به هدفهای محدود و تنگ نظرانه و انحصار ملابانه سیاسی، باز هم «عمده» را با «فرعی» جایجاً می کنند.

بهترین گواه برای صحبت این ادعای ما اینست که، هیچیک از این دونیروتا کنون نه تنها هیچ نقشه‌مشخص و روشنی برای باز کردن گره‌های پیچیده اقتصاد فلنج شده کشور پیشنهاد نکرده اند، بلکه هرگز آمادگی نشان نداده اند که در یک گفتگو و تبادل نظر برای بررسی پیشنهادهای مشخص حزب ما شرکت جویند. آنها تنها می کوشند که این موضوعگیری خود را پشت پرده ای از افترا و دشمنان (آنهم متأسفانه اغلب در سطوحی بسیار پائین و ناشایست) پیوشاوردند.

تصادفی نیست که برای این نیروها، از یکسو حادثه روزنامه «کیهان» و از سوی دیگر مسائلی پیرامون روزنامه «آیندگان»، به مسئله عمده سیاست روز تبدیل می شود، ولی حل مهمترین مسئله ای که جامعه‌ما با آن روبرو است، اصلاحاتی را در تبلیغات و اقدامات سیاسی آنان اشغال نمی کند.

البته این «بی توجهی» و «فراموشی» از طرف گروههای راست و «چپ» سیاسی وابسته به سرمایه داری ایران قابل درک است، زیرا آنان، بدون اینکه بخواهند علناً به آن اعتراف کنند، راه حلی جز آنچه مخالف راست سرمایه داری سازشکار ایران پیشنهاد می کنند، ندارند. ولی آنچه قابل درک نیست، موضعگیری آن نیروهاییست که خود را هادار نابود کردن «استثمار فرد از فرد» معرفی می کنند. پرسش ما از این دوستان اینست که چه برنامه ای برای این منظمه خود دارند؟ و چه رشته از اقدامات ضرور و گام به گام را برای رسیدن به این هدف پیشنهاد می کنند؟

باز هم سخن کوتاه، بنظر حزب توده ایران، «مشکل اقتصادی»، مهمترین و بزرگترین مشکل جامعه کنونی پس از انقلاب اخیر میهن هاست. سرنوشت انقلاب ایران به سرانجام حل

این مشکل بستگی کامل و همه جانبه دارد. نیروهای راستین انقلابی و ملی ایران باید توجه اساسی و عمده خود را به پیدا کردن راه حل عقلائی و عملی این مشکل معطوف دارند.

۳. مشکل اجتماعی

با انقلاب ایران نظام سلطنت استبدادی وابسته به امپریالیسم فور ریخت و بی ریزی نظام جدید ملی و ضد استبدادی در چارچوب جمهوری اسلامی در جریان است. همه نیروهایی که در این انقلاب فعالانه شرکت داشتند، چه پیش از پیروزی انقلاب و چه پس از آن، پیوند ناگستنی خود را با اصول آزادی، بعنوان پایه اساسی نظام جدید، اعلام داشته و می دارند. درست است که امروز مردم ایران از آزادی های بسیاری برخوردارند، ولی بهیچوجه نمی توان نادیده گرفت که نیروهای تاریکی که این آزادی ها را بشدت مورد تهدید قرار می دهند، با نقابهای گوناگون، آشکار و نهان، گرم فعالیتند. هم اکنون می توان گفت که این آزادی هنوز تحکیم نیافته، از همه سوی، یعنی از سوی ضد انقلاب، از سوی افراطیون راست و افراطیون چپ مورد تهدید جدی قرار گرفته است.

ضد انقلاب با بهره برداری از آزادی موجود، بهر وسیله ای دست می یازد تا ریشه نهاد آزادی را خشک سازد. ضد انقلاب بدست عناصر خود همه جا می کوشد آزادی را، از یکطرف بصورت هرج و مرج و از طرف دیگر بصورت عامل فلنج کننده در آورد، و از این دوره مردم را از آزادی رو گردان سازد.

شایان توجه اینست که عمال ضد انقلاب، این مبارزه علیه آزادی را، ماهرانه بنام دفاع از مذهب انجام می دهند، همانطور یکه توطئه های تروریستی خود را علیه رهبران مذهبی و سیاسی زیر پرده هوداری از مذهب اسلام انجام دادند.

مردم ایران از یاد نبرده اند که رژیم شاه—ساواک هم بخش عمدۀ ای از سیاست ضد ملی، ضد دموکراتیک و ضد خلقی خود را زیر پوششی از مذهب نمایی و به دست گروهی روحانی نمای مزدور عملی می ساخت.

مبارزان توده ای بارها شاهد آن بوده اند که گروه های ماآنیستی، زیر پوششی از جملات مارکسیستی، همان شعارها و شیوه های عمل ضد انقلاب را در ایجاد تحریک و فرقه، در به هم زدن تظاهرات ضد امپریالیستی به کار برده اند و، هر روز با نمونه ای تازه از این تحریکات مواجه می شویم.

با کمال تأسف باید گفت که عمل گروههای افراطی راست و چپ هم، در مبارزه علیه آزادیهای فردی و اجتماعی، کمتر از عمل ضد انقلاب زیانبخش نیست، آنها آزادی را در چهار چوب آزادی مطلق برای خود و محدود کردن آزادی برای مخالفان و یا رقیبان سیاسی خود می

پذیرند و برای تحمیل این «آزادی» از توسل به شیوه های نادرست و حتی مخالف و مغایر آزادی خودداری نمی کنند.

از بسیاری از شهرها و روستاهای و حتی نقاط مختلف تهران خبر می رسد که گروههای بی مسئولیت، فعالیت آزاد احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی و فرهنگی را مورد تهاجم قرار می دهند، کلوبهای سازمانهای مخالف خود را بنام دفاع از جریانات «قشری» و پران میسازند، کیوسکها و کتابفروشی هایی را که روزنامه ها و نشریات سازمانها و گروههای سیاسی چپ را بفروشنند، آتش می زنند، کتابسوزان راه می اندازند، چاپخانه ها را تهدید می کنند و زیر نام «حزب الله» به تظاهرات میهن پرستانه ضد امپریالیستی با چوب و چماق حمله می کنند. از جمله در خرم آباد بدانشگاه حمله کرده و کتابخانه دانشگاه را نابود ساخته اند.

حزب توده ایران ضمن اینکه نمی خواهد به این پدیده های ارتজاعی، که بدون شک سرنخ آخری آن بدست عمال امپریالیسم و ساواک است، بیش از آنچه که هست، بها دهد، یاد آور می شود که اگر این عملیات خرابکارانه از طرف مراجع رهبری انقلاب بطور جدی محکوم نگردد و از طرف مقامات دولتی و سایر مراجع حفظ نظم و امنیت اجتماعی بطور جدی و پیگیر جلوگیری نشود، پدیده های هرج و مرج، که دشمن آزادی واقعی است، هر روز بیشتر بروز خواهند کرد.

بنظر حزب توده ایران، ختنی کردن دسیسه های ضد انقلاب عليه آزادی، تنها از راه اتحاد و مبارزه مشترک همه هواداران راستین آزادی واقعی و مشخص - نه آزادی انتزاعی - یعنی آزادی بیان، قلم، احزاب، سندیکاهای اجتماعات و غیره در راه ثبتیت و گسترش و پیشبرد دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک و خلقی ممکن است.

بنظر ما هر گونه کوشش برای محدود کردن این آزادی، همانقدر محکوم است که هر گونه کوشش برای سوء استفاده از آزادی برای ایجاد تفرقه، گمراه کردن و منحرف ساختن افکار عمومی و توجه مردم از مسائل عمدۀ انقلاب اجتماعی در ارتباط با این تجاوزات به آزادی و برخی پیش آمدهای دیگر، در هفته های اخیر در محافل سیاسی روش فکران ایران سرو صدای پر دامنه ای در باره «خطر فاشیسم» مذهبی بلند گردید و همه مسایل عمدۀ اجتماعی ایران را تحت الشاعع خود قرارداد. در این باره ما با صراحة اعلام می داریم که با وجودیکه حرکات مشخصی، از طرف برخی گروههای انحصار طلب و راست گرای قشری برای محدود کردن آزادی در این گوش و آن گوش دیده می شود، در لحظه کنونی خطر عمدۀ عليه آزادی در ایران از این سمت نیست، بلکه بطور عمدۀ از سوی ضد انقلاب است که می کوشد، با فلح کردن روند بازسازی جامعه، شرایط را برای بازگشت خود بقدرت آماده سازد. باید این توطئه ها را در همه چهره هایش شناخت و باشکست رو برو ساخت. ضد انقلاب می کوشد نارضائی حاصله از اینگونه زیاده رویها را (که بدون تردید بخشی از آنها را خود تدارک می بیند، و ماهرانه بروی صحنه می آورد) علیه رهبری سیاسی امام خمینی، که با قاطعیت و پیگیری در مواضع پیشین خود در جهت ریشه

کن ساختن تسلط امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و رژیم شاه مخلوع و در جهت بهبود شرایط زندگی زحمتکشان شهر و روستا ایستاده است، متوجه سازد. امپریالیسم در گستردن اینگونه دامها بر سر راه مبارزان جوان و کم تجربه استادیست کهنه کار.

شرط اساسی برای تحکیم و تثبیت آزادیهای دموکراتیک، تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، یعنی نظام جدید ملی، دموکراتیک و خلقی است. همه نیروهای ضد امپریالیست باید هم خود را براین بگمارند که این قانون هر چه زودتر تهیه و به بررسی همگانی گذاشته شود، با نظریات اصلاحی مردم تکمیل گردد و به تصویب مجلس مؤسسان برسد. تنها همکاری همه نیروهای ملی و آزادیخواه متکی به منافع خلق می‌تواند این قانون اساسی را بصورت یک سند تضمین کننده تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی خلق ما پی ریزی نماید.

حزب توده ایران یکبار دیگر پیشنهاد خود را در مورد ضرورت فوری یک گرد همائی همه نیروهای آزادی دوست، ضد امپریالیستی و خلقی، بمنظور اتخاذ یک روش هماهنگ در این زمینه مطرح می‌سازد و امیدوارست که روش بینی سیاسی بر پیشداوریها و اختلاف نظرهای عقیدتی غلبه نماید.

در این زمینه، باز هم با روشنی اعلام می‌داریم که آنچه برای حزب توده ایران دارای اهمیت تعیین کننده است، محتوى واقعی هر پدیده، هر نظام اجتماعی است، نه پوسته خارجی و نامگذاری آن. اگر محتوى یک نظام اجتماعی از منافع ملی ما علیه امپریالیسم و از منافع توده های زحمتکش و رنجبر کشور علیه غارتگران دفاع کند، و آزادی همه مردم را صرفنظر از اعتقادات سیاسی و مذهبی و فکر بشان تضمین نماید، کشور ما را به کشوری مستقل، و صلح دوست، مبدل کند و آن را در جرگه کشورهای غیر معهد وارد سازد، در سیاست جهانی از مبارزات خلقهای محروم علیه امپریالیسم جهانخوار و متجاوز، علیه رژیمهای فاشیستی و نژاد پرست پشتیبانی نماید، یک چنین نظامی مورد پشتیبانی کامل ماست.

۴. مشکلات در زمینه حقوق ملیت‌ها

یکی از مشکلات انقلاب ایران مشکل ملی است، که حل درست و عقلائی آن، می‌تواند جامعه ما را یک گام بزرگ بجلو ببرد، و جلوگیری از آن، می‌تواند به ایجاد کابونهای تفرقه و ناامنی و دسیسه‌های استعماری میدان دهد.

استفاده از زبان مادری برای تکلم و آموزش، استفاده از فرهنگ ملی برای زندگی هر روزه و استفاده از آزادی برای برگزیدن اداره کنندگان زندگی اجتماعی، از حقوق اولیه هر خلق آزاد است.

حزب توده ایران، از همان اولین روزهای موجودیت خود، دفاع از این حقوق را برای همه اقلیت‌های ملی، که در سرزمین ایران زندگی می‌کنند، بدون تزلزل در برنامه سیاسی خود جای داده و همواره بطور پیگیر از آن دفاع کرده و می‌کند.

حزب توده ایران احترام و شناسائی این حقوق ملی، یعنی خود مختاری اداری و فرهنگی برای خلقهای غیر فارسی زبان ایران را، بهیچوجه مغایر با اصل دفاع از وحدت ملی ایران در چهار چوب خدشه ناپذیر تمایمت ارضی کشور نمی‌داند، بر عکس، احترام به حقوق ملی را، یکی از مهمترین پایه‌های تأمین وحدت واقعی داوطلبانه و ملی می‌شمارد.

در عین حال ماصر یحاً اعلام می‌کنیم که هر قدر حل این مشکل به طول انجامد، امکان بهره برداری زیان‌بخش و فساد انگیز از آن بدست دشمنان ملی ما، یعنی عملاء سرسپرده امپریالیسم و صهیونیسم و واستگان رژیم سرنگون شده، بیشتر و بیشتر خواهد شد. امپریالیسم و ارتقاب می‌کوشند مشکل ملی را، بعنوان یکی از جنگ افزارهای زهر آسود خود علیه نظام ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی بکار اندازند، تنها حل عقلائی و منطقی مسئله ملی است که میتواند زمینه را برای تحریکات عوامل دشمن نامساعد سازد و اتحاد همه خلقهای سرزمین ایران را در روند بازسازی و نوسازی کشور تأمین نماید.

با کمال تأسف باید پذیریم که هم اکنون، در نتیجه تعلل و نایبیگیری دولت وقت در حل این مسئله مبهم، در کردستان، خوزستان، بلوچستان و در میان خلق ترکمن و همچنین در میان دیگر گروههای ملی در ایران، بدست عوامل سرشناس امپریالیسم و رژیم سابق تحریکات پر دامنه‌ای سازمان یافته و یا در حال سازمان یافتن است. ضد انقلاب در این زمینه با تمام نیرو مشغول تلاش است و این میدان را یکی از مساعدترین میدانها برای فعالیت مخرب خود می‌داند.

حزب توده ایران آنقدر برای گشودن هر چه سر یعنی این گره اهمیت قائل است که پیشنهاد می‌کند، بی‌درنگ وزارت‌خانه ویژه‌ای برای حل مسئله ملی تأسیس گردد. تاریخ سراسر جهان نشان داده است که حل این دشواری، جز از راه تفاهم نیروهای مترقی و خلقی از هیچ راه دیگری میسر نیست. با استفاده از نسخه‌های کهنه و پویه‌ای اعمال قهر و دادن رشوه سیاسی به «متندین» و «طبقات حاکمه» می‌توان داروی مسکن برای زمان کوتاهی تهیه کرد، ولی درمان درد از این راه مطلقًا میسر نیست.

در عین حال، حزب توده ایران توجه نیروهای ملی و انقلابی را، که هوادار راستین حل مسئله ملی در چهار چوب انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران هستند، باین واقعیت جلب می‌کند که در لحظه کنونی، جهت عدمه مبارزة همه نیروهای انقلابی ایران، علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده پهلوی است و حلقه اساسی این نبرد، بازسازی اقتصادی و تأمین آزادی و امنیت اجتماعی است. باید با تمام قوا از آن پرهیز کرد که در این مبارزة حیاتی، مسائل مربوط به تأمین حقوق ملی، که با وجود اهمیتشان، در تناسب با مسئله

عمده انقلاب در مرحله کنونی، جنبه فرعی دارد، به مسئله عمدۀ مبدل شود و در جبهه متحد همه نیروهای ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران شکاف بوجود بیاورند و در بدترین حالت، نیروهایی را که باید متحداً برای ثبیت و تعمیق عمدۀ ترین دستاوردهای انقلاب در صفت واحدی مبارزه نمایند، بجان هم اندازند.

۵. امنیت ملی و امنیت اجتماعی

همه نیروهای فعال اجتماعی کشور، در این ارزیابی همزبان هستند که امر امنیت اجتماعی و امنیت ملی یکی از گرههای درهم و پیچیده است که در برابر همه مردم قرار گرفته است. در این ارزیابی نیز اکثرآ هم زبانند که دولت موقت هنوز سرخ این کلاف سردرگم را پیدا نکرده است و با سمت گیری سیاسی و اجتماعی که پیش گرفته، مسلمان سرخ را پیدا نخواهد کرد.

همه میدانیم که ضمن اینکه در کشور آزادی وجود دارد، امنیت اجتماعی برای بهره گیری از این آزادی بسیار محدود است. عوامل سرسپرده ضدانقلاب از راه ترور و آدمکشی، از راه تجهیز خودروخنگان و سادهباواران، زیر ماسکهای ماوراء چپ ماثوئیستی و یا ماوراء راست قشری، برای حمله به تظاهرات میهنپرستانه و ضد امپریالیستی، به مراکز فعالیت نیروهای راستین انقلاب، آتش زدن کتابفروشی‌ها، وغیره وغیره امنیت اجتماعی را مختل میسازند. گروههای زیر ماسکهای گوناگون با اعمال قهر امنیت فعالیت سیاسی و مطبوعاتی را از مخالفان خود سلب میکنند. ما شاهد آن هستیم که این گونه عملیات تحریک آمیز روزبروز وسعت بیشتری پیدا می‌کند. ضرورت اقدامات جدی برای تأمین امنیت اجتماعی هر روز بیشتر احساس می‌شود.

واقعیت اینست که نظام جنایت پیشۀ استبداد سلطنتی درهم فرو ریخت و نظام نوین ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی در دست پی ریزی است، این پرسش برای همه مطرح است که: آیا میشود بروی همان پایه پوسیده، که تارو پودش به امپریالیسم و استبداد سیاه وابسته است، یک نظام انسانی و خلقی را بر پا ساخت؟

تمام مردم مبارز ایران به این پرسش پاسخ منفی میدهند. تجربه همه انقلابهای جهان، و از آن جمله تحولات اجتماعی کشور خودمان، این موضع گیری مردم را تایید می‌کند. مسلمان آن نیروها و شخصیتهای سیاسی که سمتگیری خود را برای حل این مشکلات بر پایه بازسازی نیروهای انتظامی کشور، برمبنای همان کادر دوران رژیم سرنگون شده مشخص کرده‌اند، نمی‌توانند فراموش کرده باشند که در دوران مبارزه برای ملی کردن نفت هم، دکتر مصدق همین سیاست را در پیش گرفت و تصور میکرد که تنها با واگذاری چند پست فرماندهی در ارتش و

پلیس و ژاندارمری وابسته به امپرالیسم و سلطنت استبدادی، به افراد میهن پرست و آزادی دوست

ومورد اعتماد، این سازمانها بعکس خود، یعنی نیروهای خادم مردم بدل خواهند شد.

ما دیدیم که در آن زمان، با اینکه همین تیمسار سرلشکر ریاحی رئیس ستاد بود، با اینکه سرتیپ امینی و سرتیپ دفتری، که از معتمدین دکتر مصدق بودند ریاست کل شهرهای و ژاندارمری کشور را در دست داشتند، با اینکه سرهنگ ممتاز فرمانده تیپ زرهی مرکز بود و از خانه دکتر مصدق نگهداری میکرد، با اینکه سایر دوستان و همراهان سیاسی این افسران، یعنی افسران وابسته به جبهه ملی، تقریباً تمام پستهای فرماندهی واحدهای عدده ارتش و پلیس و ژاندارمری را در دست داشتند (باتوجه به اینکه در آن زمان هنوز سازمان مخفوف ساواک و شاخه های سازمانهای مخفی سیای آمریکا و موساد اسرائیل باندازه امروز ریشه ندوانده و مشکل و مجهر نبودند) چه پیش آمد و چگونه ارتش و سایر نیروهای انتظامی آلت اجرای کودتای امپرالیستی ۲۸ مرداد گردیدند و کوتاچیان، زیرنظر فرماندهان متعدد، دسیسه جهنمی و خاثناه خود را سازمان دادند و دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون ساختند.

در آن روزها، و حتی تا ساعت ۱۲ صبح ۲۸ مرداد، علیرغم همه بیدار باشهای مکرر و مؤکد حزب ما در مورد خطر بلا فاصله کودتا، دوستان و همراهان دکتر مصدق در نیروهای انتظامی به او «اطمینان» دادند (ما تردید نداریم که مسلماً خودشان هم باور داشتند) که از ناحیه ارتش، پلیس و ژاندارمری خطیر وجود ندارد. و این همان اطمینانی است که به آقای بازرگان داده میشود و آقای بازرگان هم به مردم میدهد.

این تجربه تاریخی ۲۸ مرداد، که اینقدر گران تمام شد، بمقدم میهن پرست و آزادیدوست ایران بیدار باش میدهد که به اینگونه وعده ها (با اینکه در صداقت وعده دهنده اگان تردید نمیکنیم) اعتماد ننمایند و به پیشنهادهای آنان درباره نوسازی نیروهای انتظامی بر پایه همان پی های پرسیده گذشت، با عدم اطمینان نگاه کنند. این تفاوت را هم باید در نظر گرفت که در پی پیروزی انقلاب، برخلاف دوران دکتر مصدق، عناصر وابسته به امپرالیسم و رژیم سیاه شاه مخلوع، بسیاری از امتیازات گذشته خود و بیش از همه «آقائی و سوری» خود را از دست داده اند و مورد بعض و نفرت میلیونها مردمی هستند که دهها هزار نفر از جوانانشان بدست این سرسپردگان بخاک و خون غلطيده اند.

از سوی دیگر کسانی که بسیاری از امتیازات گذشته خود و بیش از همه «آقائی و سوری» خود را از دست داده اند، نسبت به نظام انقلابی نوین کینه تسکین تاپنیری دارند و آنرا پنهان هم نمی کنند.

به همه ایتها باید افزوود که بخش مهمی از نیروهای سیاه دست نخورده رژیم سرنگون شده، با همه امکانات گذشته خود باقی مانده اند. همه میدانند که هزاران مأمور جنایتکار ساواک با اسلحه، وسائل ارتباطی، رادیو و اتومبیل های ضد گلوله خود در سراسر ایران پراکنده اند، بوسیله مأموران مخفی سیای آمریکا، سازمان داده میشوند و هم اکنون تمام

خرابکاری‌ها را اداره می‌کنند و خود را برای خرابکاری‌های وسیع تری آماده می‌سازند. همه میدانند که گروههای از افسران وابسته به رژیم در ارتش، پلیس و ژاندارمری، هم اکنون سازمانهای پنهانی بوجود آورده‌اند و خود را برای «لحظه تاریخی» یعنی لحظه وارد آوردن ضربه ناگهانی به نظام انقلابی آماده می‌سازند. برخورد با این سرپرده‌گان رژیم شاه مخلوع، و شاگردان مکتب سیا و موساد و ساواک نشان میدهد که آنها با چه کین و نفرتی از انقلاب ایران و از رهبران اسلامی و نیروهای انقلابی چپ یاد می‌کنند و چه نقشه‌های جهنمی در سر می‌پیروانند.

دولت آقای مهندس بازرگان می‌خواهد با همین نیروها، همین سرهنگان و سرگردان «شاهزاده» نیروهای انتظامی را بازسازی کند و آنها را به سرنوشت انقلاب ایران مسلط سازد. این اشتباه تاریخی بزرگی است که اگر بموقعاً، وبطور قطع تصحیح نشد، برای انقلاب ایران و حتی برای خود آنهاشکه این اشتباه را به مردم ایران تحمیل می‌کنند، بسیار گران تمام خواهد شد. بر پایه این دوربینی و واقع بینی سیاسی است که همه نیروهای راستین انقلاب ایران، صرفنظر از اعتقادات مسلکی و سیاسی خود، یکرمان خواستار پاکسازی هر چه سر یعنی نیروهای انتظامی و در درجه اول ارتش، از هواداران رژیم سرنگون شده از شاگردان مکتب امپریالیسم آمریکا هستند. بدون این پاکسازی موانع جدی در راه جنبش انقلابی بوجود خواهد آمد.

حزب توده ایران میداند که در میان افسران و درجه داران و نیروهای انتظامی رژیم شاه مخلوع، عناصر میهن پرست و آزادبخواه کم نیستند. بعلاوه عده زیادی از این گونه افسران، که از خدمت برکنار شده‌اند، امروز آماده خدمت به انقلاب هستند. باید این عناصر میهن پرست و آزادبخواه را از سرپرده‌گان به رژیم سرنگون شده جدا کرد و از ترکیب عناصر میهن پرست و آزادبخواه با عناصر انقلابی، که در جریان انقلاب جان برکف علیه رژیم شاه مخلوع جنگیدند، پایه‌های نیروهای انتظامی ملی و خلقی را پی ریزی کرد. این البته کار یست دشوار و پرمشویلت و تنها در چهارچوب همکاری بی شائبه همه نیروهای انقلابی، میتواند عملی گردد.

حزب توده ایران، با سایر نیروهای انقلابی و میهن پرست، که خواستار نگهداری و تقویت سپاه پاسداران انقلاب و ایجاد یک سازمان ملی و خلقی برای مبارزه با بقایای ساواک اند همزبان است و عقیده دارد که برای ایجاد این سازمانها باید از همه نیروهای مبارز خلقی کمک گرفته شود.

یک چنین سازمانهای خلقی، هنگامی میتوانند از دستبرد عناصر دشمن در امان قرار گیرند، که متکی به «جبهه متحد نیروهای انقلابی خلق» باشند و در درون آنها زمینه مساعدی برای افشارندن تخم نفاق و چند دستگی، تخم تمایلات انجصار طلبی و تسلط جوئی وجود نداشته باشد. میدان دادن به نفاق، انجصار طلبی، خصومت با آنهاشکه بخود دیگری فکر می‌کنند، همیشه زمینه را برای دسیسه کاری نفاق افکنان و عوامل دشمن فراهم می‌سازند.

این است نظر حزب توده ایران درباره عمدۀ ترین مسائل و مشکلات جنبش انقلابی

ایران در لحظه بسیار دشوار، پیچیده و پرمسئولیت کنونی.

ما یکبار دیگر خلاصه میکنیم:

۱- دشمنان انقلاب ما، یعنی امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با بکار اندختن همه ابزارهایشان یعنی (عوامل صهیونیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده) و طبقات و قشنهای زخم خورده حاکم (یعنی سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم) بدست گروههای مجهر خرابکار سواک، بدست گروهی از هاداران خود در فرماندهی نیروهای انتظامی، بدست عوامل خود که در همه سازمانهای دولتی پایگاههای محکمی دارند و حتی در سازمانهای انقلابی رخنه کرده‌اند، با تمام نیرو توطئه میکنند و میکوشند روند ثباتیت، بازسازی و نوسازی نظام نوین انقلابی را در میهن ما، فلنج و مردم را ناراضی کنند و آنها را به دام‌های رنگارنگ ضد انقلاب بکشانند.

۲- در چنین شرایطی، تنها از راه ایجاد همبستگی همگانی همه نیروهای انقلابی، همه نیروهای ضد امپریالیست، هادار استقلال، تمامیت ارضی، آزادی و پیشرفت اجتماعی میتوان این دیسیسه‌های ضد انقلاب را نقش برآب کرد و راه را برای پیشروی و گسترش انقلاب تاریخی مردم ایران هموار ساخت.

۳- حزب توده ایران عقیده دارد که یک چنین همبستگی همگانی نیروهای انقلابی، در لحظه کنونی، عملاً تنها در زیر رهبری امام خمینی امکان‌پذیر است، که به پاس پیگیری و قاطعیت تاریخی خود در تجهیز نیروهای خلق علیه امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم شاه مخلوع، به پاس ایستادگی در جهت هدفهای اساسی انقلاب ایران، از بالاترین اعتبار و نفوذ در میان مردم ایران برخوردارند.

۴- حزب توده ایران همه گروههای راستین هادار انقلاب ایران را فرا میخواند که با کنارگذاشتن همه پیشداوریها، با دست کشیدن از انحصار طلبی و تسلط جوئی، با کنارگذاشتن مسائل فرعی و غیرعمده، تمام تلاش خود را برای بوجود آوردن یک چنین همبستگی همگانی نیروهای میهن‌پرست بکار اندازند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

تهران - خرداد ۱۳۵۸

سالروز شهادت پرویز حکمت جو،
عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را
باشکوه هرچه تمام‌تر برگزار کنیم!

بمناسبت ششمین سالروز شهادت پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، روز جمعه ۲۵ خرداد، از ساعت ۹ صبح، در چمن دانشگاه تهران، مراسمی برگزار میگردد. از همه اعضاء، هواداران و دوستداران حزب و از همه عناصر میهن پرست، آزادیخواه و متوفی دعوت میکنیم که با شرکت خود در این مراسم، خاطره تابناک پرویز حکمت جو را گرامی دارند.

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۳/۲۲

در باره پیش نویس قانون اساسی

به ریاست محترم هیات دولت موقت جمهوری اسلامی ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران بنابر وظيفة ملي و میهنه خود و با توجه باهمیت خطیری که در شرایط کنونی تصویب سریع قانون اساسی در تحریکیم پیشرفت امر انقلاب داراست، پیش نویس متن پیشنهادی قانون اساسی را که در جراید انتشار یافته، بلا فاصله مورد مطالعه و بررسی قرار داد. و اینک خرسند است که میتواند نتایج بررسیهای خود و پیشنهادهایی را که بنظر کمیته مرکزی حزب ما میتواند کمک مؤثری به تکمیل طرح مورد پیشنهاد در جهت هدفهای انقلاب ایران بنماید، تقدیم دارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران خرسند است مقدمتاً باستحضار عالی برساند که پیش نویس طرح قانون اساسی آنچنانکه در مطبوعات انتشار یافته، در خطوط کلی خود خواستهای مشروع و حقه مردم ایران را منعکس میسازد و از این جهت مورد تأثید کمیته مرکزی حزب ما قرار گرفته است.

پیشنهادهایی که در برگهای پیوست تقدیم امیشود، صرفاً مربوط به مسائل عده ای است که بنظر ما تصریح آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از لحاظ ثبتیت دستاوردهای انقلاب و پیشرفت کشور در دوران سازندگی جامعه نوین، نقش مؤثری ایفا خواهند نمود. بهمین سبب از بسیاری پیشنهادهای درست دیگری، که بعقیده کمیته مرکزی حزب ما جنبه فرعی دارند، صرف نظر شده است.

در خاتمه، کمیته مرکزی حزب توده ایران وظيفة خود میداند که آمادگی خویش را برای شرکت و اداء توضیحات، از جمله در باره پیشنهادهای اصلاحی دیگر که جنبه فرعی دارند، در

هر جلسه ای که مسائل مربوط به قانون اساسی را مورد بررسی قرار میدهد، اعلام دارد.
با امیدواری باینکه پیشنهادهای سازنده حزب ما مورد توجه کامل قرار خواهد گرفت،
خواهشمندیم مراتب احترامات عمیق ما را پذیرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

۱۳۵۸ ماه ۲

اصلاحات مورد پیشنهاد حزب توده ایران در بارهٔ پیش‌نویس قانون اساسی

۱- حزب توده ایران ضرور میداند که در قانون اساسی فصلی به نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، مشعر بر خطوط عمده این نظام تخصیص داده شود. بعقیدهٔ حزب توده ایران، خطوط عمدهٔ نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را میتوان بقرار زیرین تصریح نمود:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایهٔ سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی و برنامه ریزی منظم قرار دارد. سه بخش مزبور طبق نقشه‌های اقتصادی مصوب مجلس شورای ملی، بصورت بهم پیوسته ای در جهت تأمین استقلال اقتصادی کشور، تحکیم و ترقی قدرت اقتصادی و مالی مملکت و بهبود و ارتقاء مستمر سطح زندگی مردم بویژه زحمتکشان، با یکدیگر همکاری میکنند.

بخش دولتی عمدۀ عامل اقتصاد کشور و وسیله اساسی پویائی آنست و در پیشرفت و انجام هدفهای انقلاب نقش درجه اول ایفا میکند. بخش دولتی کلیه رشته‌های صنایع کلیدی و مادر، بانکداری، بیمه و بازرگانی خارجی، منابع زیرزمینی و دریائی کشور، وسائل تولید نیرو، سدها، شیکه‌های عمومی تأمین آب و آبیاری، راه‌آهن، راه‌ها، هوابیعتی و کشتی رانی و وسائل ارتباطی، مؤسسات بزرگ، کشاورزی و دامپروری، جنگل‌ها، مرتع عمومی و زمینهای خالصه‌ای را که هنوز میان دهقانان تقسیم نشده است، بصورت مالکیت عموم خلق در دست دولت متصرف نمیکند.

وسائل تولید، مؤسسات و اموالی که شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف دهقانی و دیگر سازمانهای تعاونی شهری و روستائی برای انجام وظایف اساسنامه‌ای خود در اختیار دارند یا

خواهند داشت، ملک جمیع تعاونیهای مزبور بشمار میروند و مجموعاً بخش تعاونی اقتصاد را تشکیل میدهند. استفاده مجانی از زمینهای که دولت در اختیار تعاونیها قرار میدهد، مورد تضمین است.

دولت موظف است سهم بخش دولتی و تعاونی را در مجموع اقتصاد کشور بطور مستمر گسترش دهد.

بخش خصوصی آن رشته هایی از صنعت، کشاورزی و بازرگانی و بطور کلی آن قسمت از فعالیتهای اقتصاد کشور را، که طبق قوانین در عداد فعالیت بخش دولتی و تعاونی اقتصاد قرار نگرفته است، در بر میگیرد. مالکیت در بخش خصوصی اقتصاد، تا آنجا که موجب تحکیم و تقویت استقلال و موجب رشد و پیشرفت اقتصادی کشور و برآوردن نیازمندیهای مصرفی و خدماتی مردم است و طبق قوانین و نقشه های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار میگیرد، از حمایت قانونی برخوردار است.

بکار بستن اصول برنامه ریزی، سازماندهی و اداره علمی رشته های مختلف اقتصاد در عداد وظایف اساسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است. نقشه اقتصادی دولتی باید تکامل همه پیوند و هماهنگ کلیه مناطق کشور و همه بخشهاي فعالیت اقتصادی را تأمین نماید. در تنظیم نقشه اقتصادی، همه مردم ایران از طریق شوراهای منتخب خود در مقیاس ده، بخش، شهر، شهرستان و استان و هم چنین بوسیله اتحادیه های کارگری و دهقانی و دیگر سازمانهای صنفی و اجتماعی خلق شرکت خواهند نمود.

۲- حزب توده ایران پیشنهاد میکند که اصول اساسی سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران بشرح زیرین در قانون اساسی خلاصه شود:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه عدم تعهد، عدم شرکت در بلوک بندهای نظامی، براساس حفظ صلح و امنیت بین المللی، عدم تجاوز به خاک کشورهای دیگر، حسن همگواری با همسایگان، همزیستی مسالمت آمیز و تحکیم و تقویت همکاریهای بین المللی و گسترش مناسبات دوستانه میان دولتها، برمبنای برابری کامل و منافع متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، قرار میگیرد. همبستگی و پشتیبانی از حقوق ملتها و خلقهایی که علیه استعمار، نواستعمار، امپریالیسم، صهیونیسم، فاشیسم و تبعیض نژادی برخاسته اند، در زمرة اصول مسلم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بشمار میروند.

۳- پیشنهاد میشود که درباره حق حاکمیت ملی و قوای ناشی از آن به نظریات زیرین

حاکمیت خلق از طریق مجلس شورای ملی و شوراهای محلی منتخب مردم اعمال میشود. مجلس شورای ملی مرکب از نمایندگان منتخب تمام اهالی کشور، قدرت مرکزی را اعمال می کند و شوراهای استان، شهرستان، شهر و ده، که از طرف اهالی هر یک از بخش‌های مذکور انتخاب می‌شوند، طبق اختیارات مشخصی که به تصویب مجلس شورای ملی می‌رسد، نسبت بامور داخلی قلمرو خود و در حد مسؤولیت‌ها و ظایف خود حاکمیت خلق را اعمال می‌کنند.

تقسیمات کشوری باید بر پایه خصوصیات ملی انجام گیرد. در واحدهای ملی، شوراهای حقوق اداری و فرهنگی ملی را اعمال می کنند، که حدود آنرا قانون تعیین می کند. زبان مورد تکلم در هر واحد ملی، در جنب زبان فارسی، برای آموزش، مکاتبات و استاد رسمی ادارات محلی، مذاکرات شوراهای و محاکمات رسمیت دارد.

۴- حزب توده ایران پیشنهاد می کند که در مورد حقوق زنان نکات زیرین تصریح شود:

قانون اساسی حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی، اجتماعی و فرهنگی زن را تضمین می کند. تأمین برابری حقوق زن و مرد شرط اساسی تحول بنیادی جامعه و ترقی آنست.

۵- پیشنهاد می شود که ذیل اصل ۴۸ پیش‌نویس قانون اساسی درباره انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی، حکم زیرین وارد گردد:

کرسهای نمایندگی مجلس در سطح کشور و شوراهای، به نسبت آرائی که بهر یک از سازمانها و احزاب شرکت کننده در انتخابات داده شده است، توزیع میشود.

۶- پیشنهاد می شود که اصلاحات لازم در طرح قانون اساسی در ارتباط با مسائلی که ذیلا ذکر شده است، انجام گیرد:

هر یک از افراد کشور حق کار کردن دارند و این حق باید بوسیله دولت تأمین گردد. تشکیل اتحادیه های صنفی و حرفه ای چه در سطوح کارگاهی و حرفه ای و چه در مقیاس

سراسری کشور، حق مسلم کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده است. چگونگی شرکت واقعی اتحادیه ها در کلیه اموری که مربوط به فعالیت تولیدی و شرایط کار و زندگی زحمتکشان است، بوسیله قانون و یزه ای تأمین می شود.

همه افراد کشور حق آموختن دارند. آموزش مجانية است، و در حدودی که قانون معین می کند، اجباری است. جمهوری اسلامی ایران حق آموزش برابر را برای همگان تأمین می کند و امکان دسترسی همه را به آموزش و پرورش، آموزش حرفه ای و فرهنگ سازمان می دهد. داشتن یک مسکن مناسب برای زندگان حق طبیعی افراد کشور است. دولت وظیفه دارد که برای تحقق این امر تدابیر مقتضی اتخاذ نماید، و براساس اولویت زحمتکشان روستائی و شهری، تدریجا طبق نقشه سنجیده ای، برخورداری همه افراد را از این حق فراهم سازد.

۷- در قسمت مربوط به شکنجه نکات زیرین تصریح گردد:

هر گونه شکنجه و تنبیه بدنی و روانی نسبت باشخاص، چه بدستور مقامات دولتی و قضایی باشد و چه خود سرانه از جانب ماموران دولتی اعمال گردد، شدیداً مستحق تعقیب و مجازات است.

اعتراف یا شهادتی که با شکنجه، تنبیه، اکراه و اجبار گرفته شده باشد، فاقد ارزش و خالی از هر گونه اعتبار است. مجازات تخلف از این اصل را قانون معین می کند.

در جستجوی رفقای شهید در نبرد مسلحانه بهمن ۵۷

در قیام مسلحانه بهمن ماه ۱۳۵۷، عده‌ای از رفقای ما مسلحانه شرکت داشته و جمعی از آنها شهید شده‌اند. بعلت شرایط کار مخفی، متأسفانه نام برخی از این شهیدان تode ای با وجود تلاش‌هایی که تا کنون از جانب حزب انجام گرفته، بدست نیامده است. بهمین جهت ما بناقار از همه در این زمینه کمک می‌طلبیم؛ باشد که با کمک مردم و مبارزان انقلابی، رد پای این شهیدان راه آزادی و استقلال ایران پیدا شود.

صحبت بر سر یک گروه شش نفری و رابط آنهاست. مشخصات رابط بقرار زیرین است: نام مستعار وی «عبد» بوده است. وی اهل خوزستان بوده و در سال ۱۳۵۳ در رسته توپخانه، در مرکز توپخانه اصفهان خدمت سربازی کرده است. او یکماه قبل از قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ دستگیر و سپس آزاد شده است. در تهران شغلش کفاشی بوده است. وی همراه با گروه شش نفری رفاقتیش مسلحانه در قیام بهمن ماه شرکت کرده است. در بحبوحه نبرد مسلحانه، یکبار رابط خود را دیده و گفته است که، شش رفیق دیگر شهید شده‌اند. پس از قیام بهمن ماه از خود او نیز دیگر اثری نیست.

از هر کس که در این زمینه اطلاعی دارد، خواهشمند است که به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب تode ایران مراجعه کند.

با سپاس

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب تode ایران

۱۳۵۸ ماه تیر ۱۳

نظر حزب توده ایران در باره انتخابات مجلس بررسی نهایی پیش‌نویس قانون اساسی

هموطنان عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، طی نامه سرگشاده ای، پیش‌نویس قانون اساسی را در مجموع مثبت ارزیابی کرده و نظر خویش را درباره اصلاح و تکمیل و رفع نقصان‌پیش‌نویس قانون اساسی بتفصیل اعلام داشته است.

اینک مجلس بررسی نهایی پیش‌نویس قانون اساسی تشکیل می‌شود و قرار است انتخابات این مجلس در مرداد ماه انجام پذیرد.

انقلاب بزرگ مردم ایران هدفهای زیرین را در برابر خود قرار داده بود:

ریشه کن ساختن نفوذ امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، در تمام زمینه های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و ایدئولوژیک، سرنگون ساختن رژیم سلطنتی وابسته پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی، تأمین و تضمین حقوق و آزادیهای دمکراتیک، سالم سازی و نو سازی اقتصاد ملی در جهت تأمین استقلال اقتصادی کشور و بهبود زندگی مردم، تأمین و تضمین حقوق ملی خلقهای ایران و اتخاذ سیاست خارجی مستقل، غیر متعهد، صلح‌جویانه و برابر حقوق.

پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران، بقیمت فهرمانیها و فداکاریهای کم نظیر توانسته است تا کنون به دستاوردهای بزرگی بشرح زیرین نائل آید:

سرنگونی رژیم سلطنتی وابسته پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی، محاکمه و مجازات عده ای از عمل تبه کار و خیانتکار رژیم گذشته، صادره بخشی از اموال غارتی خانواده پهلوی که در ایران باقی مانده بود، ملی کردن بانکها و بیمه های خصوصی، ملی کردن صنایع متعلق به سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، خروج از پیمان تجاوز کارانه سنتو و وارد ساختن ایران در

جرگه خلقهای غیر متعهد، بر چیدن پایگاههای نظامی امریکائی از ایران و اخراج بخش بزرگی از مستشاران امریکائی و انگلیسی، خودداری از فروش نفت به اسرائیل و افریقای جنوبی، استقرار روابط سیاسی با جنبش رهانی بخش فلسطین، قطع رابطه با رژیم سادات، تأمین آزادی احزاب، سندیکاهای مطبوعات و اجتماعات، اقداماتی بسود قشرهای زحمتکش جامعه وغیره.

هیچ انقلابی در ایران، در گذشته، به چنین دستاوردهای بزرگی نائل نیامده بود. در ثبت این دستاوردهای مهم و گسترش آن، حزب توده ایران رهبری قاطع و بصیرانه امام خمینی را دارای سهمی انکار ناپذیر میداند.

ضدانقلاب می کوشد تا با ایجاد توطئه های رنگارنگی از «چپ» و راست در زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر انقلاب ایران و دستاوردهای مهم آن سایه بیفکند و تا آنجا که بتواند رهبری انقلاب را تضعیف کند، از تبلور نتایج عملی انقلاب جلوگیری بعمل آورد و آن را مسخ و دم بر یاد سازد. ضدانقلاب تمام مساعی خویش را برای توطئه گری علیه تصویب هرچه سریعتر قانون اساسی و مثله و مسخ کردن آن در جهت ضد خلقی بکار میبرد.

بر پایه دفاع از دستاوردهای انقلاب و مبارزه بخاطر ثبت و گسترش آن و برای عقیم ساختن توطئه های رنگارنگ ضد انقلاب حزب توده ایران در کارزار انتخاباتی مربوط به «مجلس بررسی نهائی» شرکت میجوید و بنوبه خود از نیروهای سیاسی و اجتماعی دعوت میکند که در این جهت صحیح عمل کنند.

حزب توده ایران پشتیبانی از دستاوردهای انقلاب و مبارزه برای ثبت و گسترش آن و پشتیبانی از رهبری امام خمینی را از شرایط اساسی یک نامزد شایسته «مجلس بررسی نهائی» میشمرد و آمادگی خود را برای مشورت با احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی بمنتظر تعیین چنین نامزد های اعلام میدارد و برای اینکار عملاً نیز اقدام خواهد کرد.

حزب توده ایران آماده است تمام مساعی خود را در راه تنظیم یک قانون اساسی در خوارانقلاب ایران و خلقهای فداکار این سرزمین بکار برد و به اهمیت عظیم تاریخی این مسئله نیک واقف است.

همه با هم در راه یک قانون اساسی ملی، دمکراتیک، خلقی و متوفی، که بتواند در جامعه عدالت را برقرار کند و آن را بسوی استقلال، دمکراسی، ترقی و رفاه همگانی سوق دهد و نام میهن کهنسال ما را در جهان باز هم بلند آوازه تر سازد!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ماه ۱۶

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت سالگرد سی ام تیر ۱۳۳۱

روزی که اتحاد نیروهای خلق،
توطئه ننگین امپریالیسم و دربار را خرد کرد

روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ نمایش عظیم و جانبازانه مردم به دفاع از حکومت ملی دکتر مصدق که در سازماندهی آن حزب توده ایران سهم مهمی داشت، توطئه ننگین مشترک امپریالیستهای امریکا و انگلیس و دربار خائن پهلوی را در هم شکاند، حکومت دست نشانده قوام السلطنه را به استعفا وادر ساخت و شاه را مجبور کرد بار دیگر دکتر محمد مصدق، رجل میهن پرست و رهبر جنبش ملی کردن صنایع نفت را، مامور تشکیل کابینه کند. این روز در تاریخ مبارزات مردم ایران، روزی است بزرگ که جاودانه خواهد درخشید.

از جهت ظاهر امر، سیر حوادث بدین شکل بود که شاه مخلوع، محمد رضا پهلوی، پیشنهاد بجا و قانونی دکتر محمد مصدق را در باره واگذاری وزارت جنگ بدولت، با واقت در ذاتی خویش رد کرد. سلسله پهلوی همیشه اصرار داشت که ارتش را مانند فرقه‌گاه خاص در دست خود نگاه دارد و آنرا وثیقه حفظ امتیازات فرعونی خاندان راهزن و اربابان امپریالیستی خویش سازد.

دکتر مصدق در قبال این گستاخی قانون شکنانه محمد رضا پهلوی، معترضانه استعفا داد. شاه مخلوع این استعفا را با شتاب پذیرفت و احمد قوام، کهنه جاسوس امپریالیسم را مأمور تشکیل کابینه ساخت.

احمد قوام با اعلام «کشتیبان را سیاستی دگرآمد» مهار قدرت را در دست گرفت و با اتخاذ لحن عتاب و خطاب، در صدد مرعوب ساختن مردم و سرکوب جنبش برآمد. در قبال این وضع، حزب توده ایران، جبهه ملی و دیگر نیروهای ملی دست به تظاهرات وسیعی زدند که در تاریخ کشور ما تا آن دوران کم سابقه بود.

آنچه که خصیصه برجسته این تظاهر عظیم است، آنست که علیرغم تلاش های همه

روزه تفرقه افکنان حرفه ای (از قبیل مظفر بقایی، خلیل ملکی و دیگران) توده ای و مصدقی ها برای نخستین بار در کنار هم عمل کردند، همراه هم دست به مبارزه زدند، با هم خون خود را نثار راه استقلال و آزادی ایران ساختند. با هم به ظفرمندی رسیدند و با هم در این پیروزی شادی کردند.

شاه دژخیم به ارتش دستور تیراندازی و کشتار وسیع داد تا تظاهرات خلق سرکوب شود و اراده شوم استعمار طلبان امریکا و انگلیس و دربار فائق گردد. شایان یادآوری است که این جریان پس از انجام بست و بند بین شرکت های امریکائی، انگلیسی و فرانسوی نفت انجام گرفت و زمانی بود که امپریالیسم امریکا، که تا مدتی مژوارانه از تضادها برای تسلط بر نفت ایران استفاده میکرد، تماماً در موضع سرنگون ساختن حکومت ملی دکتر مصدق قرار گرفت.

نکته قابل توجه در جریان سی ام تیر، صرف نظر از اتحاد بی نظیر توده ها، بروز تزلزل در ارتش بود. برخی از افسران ارتش بر صحبت دستور دربار برای کشتار مردم تردید کردند و از تیراندازی خودداری ورزیدند. با اینحال، بر اثر تیراندازی هائی که صورت گرفت، جمع کثیری از نمایش دهنده گان توده ای و مصدقی و دیگر افراد میهن پرست در خون خود غلطیدند. تعیین تعداد این شهیدان دشوار است و تنها نام و نشان جمعی از آنها روشن شده. هم چنین تعداد بزرگی از اعضای حزب توده ایران و جبهه ملی و دیگر نیروهای میهن پرست در این حادثه زخمی و مضروب شدند.

نمایش عظیم و متحد سی ام تیر اثرات خویش را بخشید. حکومت قوام مجبور به استعفا شد. توپهه با شکست رو برو گردید. اتحاد خلق به پیروزی رسید. مصدق بار دیگر در میان شادی و خرسنده عمومی قدرت را به دست گرفت.

اهمیت تاریخی این حادثه در آن است که امروز نیز درس بزرگ سی ام تیر فعلیت و حاد بودن خود را کما کان حفظ کرده است.

اکنون ضد انقلاب به رهبری امپریالیسم امریکا و چاکر سرنگون شده اش شاه مخلوع و به اتکاء عمال رنگارنگ راست و چپ نما در صدد هستند انقلاب ایران به رهبری امام خمینی را عقیم سازند. آنچه که امروز مطرح است، از جهت برد و بعد تاریخش، به مرتب از آنچه روز سی ام تیر ۱۳۳۱ مطرح بود، بزرگتر است. انقلاب ایران یکی از رویدادهای شگرف تاریخ معاصر بشیری است. و پیروزی یا عدم پیروزی آن دارای دامنه بین المللی است.

تنها و تنها راه شکست قطعی و نهایی ضد انقلاب، که دمبدم پرخاشجوتر می شود و در گستره های مختلف سیاسی، اقتصادی، اداری، و فرهنگی سنگربندی و موضع یابی می کند و با دست زدن به آدمکشی، خرابکاری، آتش سوزی، ترکاندن لوله های نفت، تحریک موزیانه احساسات ملی، تشویق کوچ مغزها، ایجاد روحیه هراس و تردید، تفتیش بین نیروها، ایجاد آشنگی اقتصادی در تولید و توزیع و هزاران عمل ابلیسی دیگر، سعی دارد انقلاب بزرگ مردم

ایران را با شکست رو برو سازد، اتحاد همه نیروها، احزاب و سازمانها و پشتیبانی آنها از موضع گیری قاطع و پیگیر رهبری امام خمینی در مبارزه علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده شاه خائن است.

این یک نسخه امتحان داده و قطعی است که در مرحله اول انقلاب منجر به براندازی رژیم جابرپهلوی شد و در مرحله گذونی می تواند این پیروزی را تحکیم کند.
ما، در این لحظات تاریخی، با یادآوری از رویداد بزرگ سی ام تیر ۱۳۳۱، به خون پاک شهیدان این قیام، سوگند یاد می کنیم:

که در دفاع از انقلاب بزرگ خلق ایران پیگیر باشیم.

که در راه اتحاد همه نیروهای هوادار انقلاب بکوشیم.

که در مقابله با توطئه های آشکار و پنهان ضد انقلاب هشیاری نشان دهیم.

که مشی انقلابی و خلقی رهبری انقلاب ایران را در همه تجلیات مردمی آن مورد پشتیبانی قرار دهیم.

ما از حوادث دیروز نه تنها به خاطر عظمت آن، بلکه به خاطر امروز و فردای میهنمان یاد می کنیم، نه تنها خاطره شهیدان سی ام تیر و یاد دکتر محمد مصدق رئیس دولت ملی کشورمان را تجلیل می کنیم، بلکه از همه جانبازان طریق پرافخار استقلال و دمکراسی درس می آموزیم و می کوشیم پیروان راه آنها باشیم.

▪ جاوید باد خاطره قهرمانان خلق در دفاع از استقلال و آزادی!

▪ نابودباد امپریالیسم و ارتیاج توطئه گر!

▪ پیروزباد انقلاب بزرگ خلق ما!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۴ تیرماه ۱۳۵۸

دربارهٔ تظاهرات و راهپیمایی سه شنبه

حزب جمهوری اسلامی از همه نیروهای اسلامی و ضد امپریالیستی دعوت کرده است که در روز سه شنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۵۸ در یک راه پیمایی برای ابراز وحدت نیروهای خلق در دفاع از انقلاب و رهبری انقلاب شرکت کنند.

با کمال تأسف، حزب جمهوری اسلامی اعلام داشته است که نیروهای شرکت کننده در این راهپیمایی، هیچگونه نشان و شعاری که معرف احزاب، سازمانها و گروهها باشد، همراه نیاورند. در حالیکه به نظر حزب توده ایران اتفاقاً برای بیان اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی و ضد امپریالیست، صحیح تر این بود که این نیروها در عین حفظ نشان و شعار خود، زیر یک شعار واحد، یعنی دفاع از انقلاب و رهبری انقلاب در این راه پیمایی شرکت میکرند.

در هر حال، حزب توده ایران به پیروی از مشی اصولی و پی گیر خود، بار دیگر آمادگی خویش را برای مبارزه در راه اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک، به منظور تأمین استقلال ملی، تأمین حقوق و آزادی های دموکراتیک، برای سالم سازی و نوسازی اقتصاد ملی و بهبود زندگی زحمتکشان اعلام میدارد.

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۴/۲۴

حزب توده ایران در کارزار انتخاباتی برای تشکیل مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی، در این اقدام مهم برای دمکراسی واستقلال ایران، شرکت می کند

هموطنان عزیز! رفاقتی حزبی!

کارزار انتخاباتی برای مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی (مجلس خبرگان) آغاز شده است. حزب ما از نظر امام خمینی در باره ضرورت تشکیل هرچه سریعتر مجلس خبرگان پشتیبانی کرد، زیرا مانند وی معتقد است که تصویب هرچه زودتر قانون اساسی، برای ثبت رژیم جمهوری اسلامی، یک امر حیاتی و تاخیرناپذیر است. ما نظر خود را در باره پیش نویس قانون اساسی، ضمن سند کمیته مرکزی حزب و ضمن مقالات تفصیلی منتشره در ارگان مرکزی حزب، بیان داشته ایم. حزب توده ایران تنها سازمان سیاسی موجود است که بشکل منظم و با صراحت و دقت، نظر خویش را در باره نکات مختلف پیش نویس قانون اساسی ارائه داده است.

متاسفانه این عمل از طرف سازمانهای دیگر انجام نگرفته و بهمین دلیل مردم ایران، در آستانه انتخاب نماینده‌گان مجلس خبرگان، نمیدانند کسانی را که انتخاب می کنند، در کدام موضع فکری نسبت به پیش نویس قانون اساسی قرار دارند و در مجلس آینده باین پیش نویس چگونه برخوردی خواهند داشت.

از زیبایی کلی ما در باره این پیش نویس آنست که، این سند (که بعنوان زمینه و پایه بحث، رضایت بخش است) باید در جهت انقلابی، خلقی و ضد امپریالیستی بهبود یابد، تکمیل شود و نقائص آن بر طرف گردد.

ما در عین حال، طی نامه سرگشاده ای شنبه ۱۶ تیرماه ۱۳۵۸، از همه نیروهای سیاسی خواستار شدیم که برای نیل به یک نظر مشترک در مورد پیش نویس و یک روش مشترک در انتخابات مجلس خبرگان، برخورد مشورتی انجام گیرد. متاسفانه به این پیشنهادها توجهی نشد. حزب توده ایران برای شرکت مجدانه در انتخابات مجلس خبرگان، در نقاط معینی ازکشور

نامزدهای خود را معرفی می‌کند، و در عین حال از آن نامزدهایی پشتیبانی خواهد نمود، که بر اساس سوابق مبارزاتشان، می‌توان به این نتیجه رسید که به پیش‌نویس قانون اساسی از دیدگاه نادرست و ارتقایعی برخورد خواهند کرد.

پشتیبانی حزب ما از نامزدهای سازمانها و گروههای سیاسی دیگر، بار دیگر مظہر تلاش مشخص می‌باشد عمل نیروهای متفرق و انقلابی، در راه ایجاد یک نظام حلقی و آزاد در کشور ما و تبدیل دوران گذار و لاجرم آشفته کنونی، بیک نظام متفرق تثبیت شده بسود اکثریت قریب به تمام مردم ایران است.

حزب توده ایران فهرست نامزدهای انتخاباتی را در سند جداگانه‌ای نشر خواهد داد.

نامزدهای انتخاباتی حزب از میان کارگران و روشنفکران سرشناس و مبارزی تعیین شده اند که هر یک پیشنهاد بزرگی از فعالیت سیاسی دارند و بدین سبب در محیط خود مورد احترام معنوی هستند.

زندگی نامه این نامزدها، نبرد طولانی و پرنج و پراز فداکاری آنها را علیه امپریالیسم و رژیم استبدادی دست نشانده پهلوی و ایثار بدون توقع آنها را در راه مردم ایران، ژرفای میهن پرستی و مردم دوستی آنها را نشان می‌دهد.

ما از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران، بازارگانان میهن پرست، دانشجویان و جوانان، از همه مردم ایران، از زن و مرد، از همه کسانی که دارای شرایط انتخاب کردن هستند، دعوت میکنیم:

به نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان رأی دهید!

مطمئن باشید که آنها پیکرترین سختگویان منافع شما در این مجلس خواهند بود،

مطمئن باشید که آنها همیشه به منافع حلق، به استقلال و دموکراسی ایران، چنانکه زندگی آنها نشان میدهند، وفادار خواهند بود و از استقلال و دمکراسی ایران دفاع کرده و خواهند کرد.

حزب توده ایران را، علیرغم کارزار بهتان و افتراء دشمنان و مخالفان، با رأی خود همه جانبه تقویت کنید.

ما از رهبری انقلاب، از شورای انقلاب و از دولت خواستاریم، موافق وعه ای که داده‌اند، موافق موازین آزادی و دمکراسی، از حقوق حقه سیاسی و مدنی حزب ما برای شرکت آزادانه در انتخابات، استفاده آزادانه از رادیو و تلویزیون، استفاده آزادانه از مطبوعات، حرکت آزادانه در کشور و غیره دفاع کنند و به ضد انقلاب اجازه ندهنند که با ایجاد فضای ارعاب و تهدید و افترا و دشتمان مانع تحقق این حقوق شود.

ما از تمام سازمانها و گروههای سیاسی موجود، از همه مطبوعات توقع داریم، بااحترام حقوق دموکراتیکی که برای خود قائلند، به حقوق دموکراتیک حزب ما احترام بگذارند، چنانکه ما

بنو؛ بود با پی گیری کامل به حقوق دمکراتیک آنها احترام می‌گذاریم.

مردم ایران!
در انتخابات مجلس خبرگان، به نامزدهای حزب توده ایران، بعنوان پی گیرترین
مدافعان منافع مردم، رأی دهید!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
تهران — اول مرداد ۱۳۵۸

به نخست وزیر، دادستان دادگاه‌های انقلاب. رئیس کمیته مرکزی امام

حتماً اطلاع دارید که از چندی پیش عناصر مشکوکی به مراکز حزب توده ایران و دفاتر «مردم» ارگان مرکزی حزب ما و کتابفروشی‌ها و دکه‌های روزنامه فروشی در شهرستانها، که نشریات و مطبوعات حزب ما را عرضه میدارند، هجوم میبرند و ضمن دادن شعارهای دشتمان گونه به حزب توده ایران، شیشه‌ها رامیشکنند. نشریات، روزنامه‌ها، پوسترها و عکسهای شهیدان را پاره می‌کنند، خسارت مالی وارد می‌سازند و حتی پول موجود در کتابفروشیها و دکه‌های روزنامه فروشی را بغارت میبرند.

در چند روز اخیر هجوم این عناصر مشکوک شدت یافته است. آخرین نمونه آن، هجوم عناصر مشکوک به راه پیمانی اعضاء و هواداران حزب توده ایران در ۲۹ تیرماه ۱۳۵۸، بمناسبت سالگرد شهیدان سی ام تیرماه ۱۳۳۱، در این باوبایه بود که منجر به زخمی شدن چهار نفر گردید. در روز یکشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۵۸، این عناصر مشکوک کارگستاخی را بجائی رساندند که برای نخستین بار جلو دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر «مردم» در تهران جمع شدند و با دادن شعارهای دشتمان گونه به حزب توده ایران و سخنرانیهای تحریک آمیز و افترا آمیز علیه حزب ما، مدتی راه رفت و آمد را به دبیرخانه کمیته مرکزی و دفتر «مردم» سد کردند. در تمام این موارد، مسئولین حزبی، جریان امر را به مقامات مسئول دولتی و به کمیته‌ها اطلاع داده و خواستار رسیدگی شده‌اند.

با اینکه مقامات مسئول دولتی و کمیته‌ها از این جریانات «ابراز تأسف» کرده و این اعمال ضد انقلابی را «تأیید نکرده‌اند»، ولی با کمال تأسف و تعجب تا کون عمل‌هیچ‌گونه اقدامی برای جلوگیری از این اعمال ضد انقلابی بعمل نیاورده‌اند. بنظر ما، این تحریکات، که پشت سر آن مسلماً ضدانقلاب قرار دارد، جز تشید تفرقه

بین نیروهای راستین انقلابی و سرانجام تضعیف انقلاب و باز کردن راه برای ضد انقلاب هدفی ندارد، و بی توجهی و سهل انگاری مقامات مسئول دولتی و کمیته‌ها در اقدام جدی و قاطع و فوری برای جلوگیری از این اعمال ضد انقلابی نیز، چه بخواهند و چه نخواهند، چه آگاه باشند و چه نباشند چیزی جز تشویق ضد انقلاب به ادامه و تشدید اعمال ضد انقلابی نیست.

اینکه تا کنون تحریکات و خرابکاریهای عناصر مشکوک به درگیری و فاجعه تبدیل نشده، فقط محصول هشیاری، خونسردی و انصباط اعضای هاداران حزب ماست، که با اتکا به مشی اصولی و انقلابی حزب، نمی‌خواهند و نمی‌گذارند بدست عناصر مشکوک و ضدانقلابی برای نیل بهدهای شوم آنها بهانه داده شود.

ولی ما به شما هشدار میدهیم که مسئولیت عواقب ناگواری که ممکن است با ادامه این تحریکات و اعمال ضد انقلابی پیش آید، بجهة عاملین این تحریکات و اعمال ضد انقلابی، و همچنین مقاماتی است که جلوی این تحریکات و اعمال ضد انقلابی را نمی‌گیرند.

ما از شما مصراً می‌طلبیم که قاطعه‌های بیدرنگ تدبیر لازم را برای جلوگیری از تکرار این تحریکات و حفظ امنیت مرکز حزب و دفاتر «مردم» و جان مسئولین و افراد حزب ما اتخاذ کنید.

ما از همه نیروهای راستین انقلابی، از همه احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای ملی، دموکراتیک و مترقبی نیز می‌طلبیم که باین تحریکات و اعمال ضدانقلابی اعتراض کنند و عاملان آنرا افشا نمایند. ما اعتقاد راسخ داریم که جبهه متحد همه نیروهای ضد امپریالیست و دموکراتیک میتواند توطئه‌ها و تحریکات گوناگون ضد انقلاب را عقیم سازد.

در پایان، این واقیت را هم یادآور می‌شویم که هر کس با تاریخ معاصر ایران، که با تاریخ حزب تode ایران آمیخته است، آشناست، میداند که هیچکس، با هیچ نیرو و با هیچ وسیله‌ای قادر نیست حزب تode ایران را از مبارزه بر ضد امپریالیسم و ارتقای، از بیکار برای استقلال، آزادی و پیشرفت میهن ما باز دارد.

با تقدیم احترام

کمیته مرکزی حزب تode ایران

دیر اول: نورالدین کیانوری

اول مرداد ماه ۱۳۵۸

به همه مردم ایران، به همه سازمان‌ها و گروه‌های
هوادار انقلاب، به شورای انقلاب و دولت موقت،
به رهبر انقلاب امام خمینی

خطر بسیار جدی، دستاوردهای انقلاب را تهدید می‌کند

انقلاب بزرگ مردم ایران روزهای بسیار حساس و نگرانی آوری را می‌گذراند. از یکسو دستاوردهای انقلاب بطور چشمگیری گسترش پیدا می‌کند و شورای انقلاب، به پیروی از خواست اکثریت مردم و بویژه نیروهای ضد امپریالیستی و میهن دوست و متفرقی، گامهای مهمی در جهت ریشه کن ساختن تسلط غارتگران امپریالیستی و خائنین وابسته به آنان بر میدارد و از سوی دیگر ضد انقلاب، مرکب از عوامل وابسته به امپریالیسم و بویژه وابستگان به امپریالیسم امریکا، انگلیس و صهیونیسم، با کمک ارتیاج داخلی در تمام جبهه‌ها به حادثه آفرینی، دسیسه سازی، نفاق افکنی، آتش افروزی و خرابکاری دست زده اند و هر روز دامنه فعالیت خود را گسترش میدهند.

محاذل وابسته به سرمایه داری بزرگ ایران، که از گسترش دستاوردهای انقلاب در جهت منافع خلق (مانند ملی شدن بانکها و شرکتها بیمه، ملی شدن بخشی از کارخانه‌های بزرگ و صنایع کلیدی و مصادره بخشی از اموال غارتگران و دزادان و خائنین) و از گسترش دستاوردهای انقلاب در سمت مبارزه با رباخواری و تراکم ثروت، سفته بازی زمین و غیره ناخشنود است، میکوشد تا از شتابگیری بیشتر این روند کلی جلوگیری کند و در صورت امکان آن را بعقب برگرداند. این تلاش، در عمل، آگاهانه یا ناآگاهانه، بسود ضد انقلاب است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، در تحلیلی که بلافارسله پس از پیروزی انقلاب، از آینده گسترش پیشامدها داد، این وضع را بدترستی پیش بینی کرد. در گزارش هیئت اجرائیه کمیته مرکزی به پنجم ۱۶، در اسفند ماه ۱۳۵۷ در این زمینه چنین گفته شده است:

... جنبش، با مسائل بسیار بغيرنجی روبرو است. امپریالیسم و ارتیاج ایران، که هنوز سنگرهای مهمی را در دستگاههای دولتی و در کادر فرماندهی نیروهای مسلح و پلیس و بویژه در

اقتصاد کشور در دست دارند، امروز نقاب تازه بر چهره زده اند و از در آشتنی با جنبش خلق در آمده اند تا فردا خود را بعنوان بهترین دوست جا برآورده و اهرم های فرمان را در دست گیرند و روز دیگر دو باره با یک توطنه خاندانه جنبش را غافلگیر کرده و سرکوب نمایند...

مسلم است که بورژوازی لیبرال، که تا کنون با جنبش همراه بوده، میکوشد جنبش را در چارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگهدارد و جنبه های خلقی و مردمی آن را تعصیف نماید. تجربه همه انقلابها نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواستهای طبقات و قشرهای محروم جامعه، بورژوازی لیبرال حاضر شده است از انقلاب رو برقگرداند و با باقیمانده های نیروهای ضد انقلاب سازش کنند و آنرا برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکشان بکار اندازد. باید انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی میهن ما هم همین پدیده ها رشد کنند.»

با کمال تأسف باید پذیرفت که غیر از نیروهایی که آگاهانه برای جلوگیری از گسترش انقلاب و تثبیت دستاوردهای آن گام بر میدارند، گروهها و نیروهایی از خلق هم هستند که با عمدۀ کردن جهات فرعی از خواستهای خلقی و یا لائق جهات غیر عمدۀ در لحظه کنونی، با ارزیابی نادرست از لحظه ای که ما در آن قرار گرفته ایم و یا با پافشاری و تلاش برای برقراری سلطه انحصاری طرز فکر جامد و قشری خود، مسائل و خواستهای را مطرح میکنند و یا دست به اقداماتی میزنند که مورد بهره گیری از سوی ضد انقلاب قرار میگیرد. این گروهها و نیروهای، که در جناحهای افراطی راست و چپ جنبش قرار گرفته اند، با تلاشها و اقدامات انحصار طلبانه قشری و یا با موضع‌گیری‌ها و اقدامات ناستجدیده سیاسی، نا آگاهانه به خidanقلاب وسیله و امکان میدهند که فوراً عوامل خود را با پرچم های افراطی آنان به میدان وارد کنند، آنها را بجان هم‌دیگر بیندازند و آتش جنگهای داخلی را در جهه نیروهای انقلابی برافروزنند، آنهم درست در لحظه ای که امپریالیسم امریکا میکوشد، تا با دستیاری عوامل خود، گام بگام مواضع از دست رفته را دو باره بدست آورد و مواضع باقیمانده را حفظ و محکم کند.

در چنین جوی ممکن میشود که یک گروه ساواکی، هم شعار «مرگ بر کمونیسم»، «مرگ بر توده ای خائن» و هم شعار «مرگ بر خمینی» را روی دیوارها بنویسد.

حزب توده ایران تا کنون پیوسته با پیکری کوشیده است تا زمینه اتحاد همه نیروهای انقلابی را برای ادامه سمتگیری واقعی انقلاب ایران، یعنی پیشروی بدون تزلزل بسوی هدفهای اساسی این انقلاب بوجود آورد و عمل همه نیروهای میهن پرست را در جهت ریشه کن ساختن تسلط غارتگرانه امپریالیست ها، به سر کردگی امپریالیسم آمریکا، ریشه کن ساختن نفوذ صهیونیسم، تأمین استقلال همه جانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی میهن ما، تأمین آزادیهای فردی و اجتماعی در چهارچوب انقلاب خلق، تأمین عدالت اجتماعی، کوتاه کردن دست غارتگران و بهبود بیاندیش شرایط زندگی ده ها میلیون مردم زحمتکش و محروم شهر و ده سوق دهد. ما با اراده خستگی ناپذیر این کوشش را دنبال میکنیم و با احساس مسئولیت تاریخی، وظیفه خود میدانیم که هر چندی یکبار، نظر روشن خود را در اختیار همه نیروهای راستین انقلابی و همه علاقمندان

به استقلال و تمامیت ارضی و آزادی میهن و پیشرفت اجتماعی و بهبود بنیادی شرایط زندگی
زحمتکشان شهر و ده و سایر محرومان جامعه بگذاریم.

در لحظه کنونی سه عامل مهم در جهت تضعیف انقلاب عمل میکنند. این سه عامل
عبارتند از:

- ۱- فعالیت همه جانبی ضد انقلاب،
- ۲- اقدامات مخرب افرادیون راست و چپ،
- ۳- ضعف دولت در مقابله و مبارزه انقلابی با مشکلات اقتصادی و اجتماعی.

امپریالیسم و ارتکاع در همه جبهه‌ها مشغول حادثه آفرینی، توطئه چینی و خرابکاری هستند

حزب توده ایران با ارزیابی روش امام خمینی موافق است که، امریکا را بعنوان دشمن و دیسیسه کار شماره یک علیه انقلاب ایران افشا می‌کنند. در واقع انقلاب ایران، حتی بر پایه همان دستاوردهایی که تا کنون با آن رسیده است، اساس حاکمیت و سلطه امپریالیسم امریکا و صهیونیستهای اسرائیل را در منطقه خاورمیانه و نزدیک به شدیدترین وجهی بخطر انداخته است. در عین اینکه دولت امریکا اعلام میکند که میخواهد مناسبات عادی دوستانه با جمهوری اسلامی ایران برقرار کند، ولی با تمام نیرو، همه عوامل را که به شکلی از اشکال بتوانند برای هدفهای سیاست امریکا سودمند باشند، بکار انداده است تا از تثبیت جمهوری اسلامی ایران، حتی در چهارچوب دستاوردهای کنونی اش، جلوگیری کند و چرخ تاریخ را به عقب برگرداند و ایران را مجبور به تسلیم به خواستهای تجاوز کارانه و غارتگرانه خود سازد.

اقدامات امپریالیسم امریکا، از تهدید و فشار و شانتاز سیاسی، حتی بصورت تدارک هجوم نظامی به مناطق نفت خیز خلیج فارس، آغاز میشود و از دهها راه تاریک ترورهای سیاسی، تفرقه افکنی، تفاق اندازی، خرابکاری در ادارات و مؤسسات اقتصادی، فشارهای اقتصادی، تجهیز باندهای دزد و غارتگر و آشوبگرو تحریک بوسیله مطبوعات مزدور عبور میکند و بسوء استفاده موذیانه و مزورانه از اختلافات ایدئولوژیک، سیاسی، ملی و طبقاتی و همچنین بهره برداری خرابکارانه از تمایلات قدرت طلبی و انحصار جویی گروهها و شخصیت‌های مذهبی و سیاسی میرسد. طیف دیسیسه‌های امپریالیستی، که بر تجارب ابلیسانه زیادی مبنی است، بسیار وسیع است.

اموران سواک، وابستگان به رژیم سرنگون شده شاه خائن، وابستگان به سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته به امپریالیسم، افسران برکنار شده ارتش و پلیس و رژانداری و آن دسته از عوامل رژیم سابق، که هنوز بر رأس پستهای حساس قوای مسلح هستند، او باش و ارادلی

از نوع شعبان بی مخ ها و منصور باقریان ها، زیر رهبری کارشناسان امریکائی خرابکاری و خیانت و آدمکشی، آزادانه مشغول گسترش هر روز بیشتر فعالیت خوبش علیه انقلاب هستند. بخش مهمی از این عوامل، که در گذشته، در تمام سازمانهای دولتی، پستهای حساس را داشته اند، این پسته را همچنان نگهداشته اند و از دیر زمانی، برای اشغال پستهای کلیدی، ماسک «مندھی» بخود زده اند و زیر پوشش «مبارزه با کمونیسم» میکوشند انقلاب را از سمتگیری علیه دشمنان واقعی اش، یعنی امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و دارو دسته شاه خائن منحرف سازند و قشراهای ساده انقلابی را علیه نیروهای انقلابی چپ در ایران و علیه کشورهای سوسیالیستی، که یگانه دوستان واقعی جنبش های راستین ضد امپریالیستی در سراسر جهان هستند، برگردانند.

سیاست دشمنی با کمونیست ها

درست مانند زمان شاه مخلوع، سیاست «دشمنی با کمونیستها» و «دشمنی با حرب تode ایران» و «دشمنی با کشورهای سوسیالیستی» و بویژه «دشمنی با اتحاد شوروی»، بصورت مهم ترین وسیله تبلیغاتی امپریالیسم و ضدانقلاب برای تضعیف جنبش انقلابی ایران در آمده است و چه بسا عناصر صادق انقلابی، که بر اثر ناآگاهی، در این دام خطرناک می افتد. محافل وابسته به امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم سرنگون شده شاه خائن، از یکسو بدست عمال سواواک و سیا و موساد، زیر نام گروه «فراقان» شخصیتهای مندھی را بخون میکشند و از سوی دیگر دز میان مردمی که بحق بر اثر این توطئه های جنایت آمیز عصبانی شده اند بواسیله عمال دیگر خود، شعار «مرگ بر کمونیسم»، «کمونیستها اعدام باید گردد» را پخش می کنند.

همین محافظ، بدست عناصر و گروههای ماسکدار خود از قبیل مائوئیستها از یکسو «ساواکهای تازه مسلمان شده» از قماش «تهرانی» هائی که آزادانه در خیابانها میگردند، از سوی دیگر، نیروهای چپ و راست افزاطی را علیه هم تحریر یک میکنند. در همین میان نازنگیکی را در مسجد خرمشهر منفجر میکنند و بعد در اطراف آن چنان جو تبلیغاتی بوجود می آورند که حتی کسی مانند آیت الله منتظری، با آن همه تجربه زندگی کی، در دام میافتد و اظهار نظری آنقدر نا عادلانه ابراز میکند. همین سواکهایها در روستاهای خرمنهای را آتش میزنند، کارگران را تحریر یک میکنند، بواسیله مطبوعات وابسته به رژیم سابق، که در اختیار آنهاست، زیر ماسکهای گوناگون هاداری از «چپ»، هاداری از «دموکراسی» فضای سیاسی را مسموم میسازند و بعد بواسیله عناصر خود در راست، با همین بهانه هایک جو ضد نیروهای راستین انقلابی، ضد کشورهای سوسیالیستی، که کوچکترین ارتباطی با همه این جریانات ندارند، بوجود میآورند. عناصر ضد انقلاب و موساد و سواواک، از یکسو از راه کشورهای ارتجاعی عربی، از راه

پاکستان و خلیج فارس اسلحه به ایران وارد می کنند، که بخشی از آنها سلاحهایی است که اسرائیل از خلع سلاح چند ارتش مصری در صحرای سینا بدست آورده، یعنی همان سلاحهایی که اتحاد شوروی به جمال عبدالناصر برای مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم داده بود، و از سوی دیگر، مستقیم و غیر مستقیم، بوسیله عوامل خود در رادیو و تلویزیون و مطبوعات، بوسیله مأموران خود در میان گروههای افراطی راست، این افسانه را شایع میکنند که چون بخشی از این سلاحها ساخت شوروی است، پس اتحاد شوروی این سلاحها را پخش میکند و چون اتحاد شوروی پخش میکند، پس کمونیستها هستند که گویا در این توطئه ها دخالت دارند! امپریالیستها آنقدر ماهرانه این بازی جهنمی را روی صحنه میآورند که گاه حتی عناصر با حسن نیت را دچار تردید میسازند.

سخن کوتاه، امپریالیسم، صهیونیسم، و بازماندگان رژیم شاه مخلوع، نیروهای بهم ریخته و فراری خود را هر روز بیشتر گرد هم میآورند، مشتمل میسازند، مجهر میکنند و از راه های مختلف برای ترور، خرابکاری، آتش سوزی، فلجه کردن اقتصاد، دامن زدن به ناخرسنیهای مردم، نفاق افکنی، تفرقه اندازی، برپا کردن جنگهای برادر کشی خانگی و... وارد میدان عمل میسازند و هر روز گستاخ تر میشوند.

۲. مجموعه اقدامات زیان بخش گروههای افراطی راست و چپ و پیامدهای خطناک آن، دومین عامل را تشکیل می دهد که به وسیله آن، ناآگاه آب به آسیاب دشمنان انقلاب ایران ریخته می شود

ما بر حذر باشهای امام خمینی را تأیید میکنیم که هر روز و تقریباً در هر برخورد با دیدار کنندگان، روی اهمیت تاریخی وحدت همه نیروهای ضد امپریالیست و مدافعان ملت خلق های زحمتکش تکیه میکنند.

نیروهای افراطی راست و چپ، بنظر ما، آگاهانه وابسته به امپریالیسم و رژیم گذشته نیستند، ولی بعلت کوتاه نظری در سیاست، همه چیز را تنها از دریچه های تنگ افکار قشری راست یا چپ خود میبینند و «صحت» نظر خود را مطلقاً میسازند و با هر آنچه عیناً با آن انتباط نداشته باشد، از درستیز در میانند و میکوشند با اعمال بی رویه و غیر منطبق با اصول آزادی و برابری، نظریات خود را بر دیگران تحمیل نمایند. پیامد عمل این افراطی های راست و چپ این است که، مسائل فرعی برای آنها، حتی در حساس ترین لحظات خطناک برای مجموعه جنبش، اهمیت درجه اول پیدا میکند و در نتیجه توجه شان به مهمترین جهات مبارزه انقلابی

دچار ضعف میگردد.

نظریات افراطی‌های مذهبی بر خلاف نظریات امام خمینی است که عقیده دارند، برخی روحانی نماهای نادرست حتی از ساواکیها هم بدترند. افراطیهای مذهبی معتقدند که هر کس، در هر جا، به راست زیر پرچم اسلام و یا به دروغ با ماسک اسلام عملی کرد، بحق است، ولی هر کس، در هر جا، نظریات اجتماعی و فلسفی دیگری را، هر قدر هم انسانی و عادلانه باشد، دنبال کرد، تا حق است و باید نابود گردد. برای این قشر یون راست دشمن عده، امپریالیسم امریکا نیست. ما شاهد آن بوده ایم که درتظاهرات گوناگون، این قشر یون کوشیده‌اند شعار گویای «مرگ به سه مفسدین: کارترو سادات و بگین»، را مسکوت گذاشته و شعار «اسلام پیروز است، کمونیسم نابود است» را طبیعت انداز سازند. یعنی شعاراتی که امریکا و صهیونیسم را فراموش میکند و هدفتش منحرف کردن سمتگیری اصلی انقلاب همه خلقهای محروم جهان، یعنی سمتگیری ضد امپریالیسم و صهیونیسم است، شعاراتی که از جمله مستقیماً علیه مبارزه خلق فلسطین است.

پیامد این موضعگیری اینطور میشود که برخی از همان کسانیکه علیه تسلط امپریالیسم و تحریکات صهیونیسم در ایران مبارزه کرده و میکنند، خون داده و آماده جان دادن هستند، از رژیم ارتجاعی نظامی پاکستان، که تارو پوش با امپریالیسم و رژیم شاه مخلوع بهم پیوسته است، پشتیبانی نمایند، از توطئه رژیم ساواکیها و ملاکان خون آشام افغانستان علیه رژیم خلقی آن کشور (تنها بر این پایه که این خرابکاران بدروغ و به ریا ماسک تزویر آمیز مبارزه در راه اسلام را بر چهره خود زده اند) حمایت کنند و میلیون میلیون پول زحمتکشان و مستضعفین ایران را برای پشتیبانی غارتگران رژیم پوسیده سلطنتی افغانستان بپردازنند.

توسعه نفاق بین نیروهای ضد امپریالیستی و خلق

بطور کلی عمل نیروها و گروههای افراطی راست، که در بسیاری از احزاب و گروههای مذهبی هم جا گرفته اند و در سیاست آنها تأثیر میگذارند، بطور عمدۀ در جهت توسعه نفاق در میان نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی، هم در درون جامعه ایران و هم در میان جبهه ضد امپریالیستی در مجموعه منطقه است. پیامد این سیاست، آبی است که ناآگاهانه به آسیاب دشمنان انقلاب ایران ریخته میشود.

و اما پیامد سیاست قشری و کوتاه بینانه گروههای افراطی چه هم از این کمتر زیانبخش نیست. این گروهها، که ما در صداقتشان تردید نداریم، چه در گذشته، با توصل به شیوه های نادرست مبارزات تروریستی و چه پس از انقلاب، با توصل به شیوه های وحدت شکنانه گروهی و قشری، بصورت مانعی در راه تفاهم نیروهای راستین انقلابی مذهبی و هواداران سوسیالیسم علمی در آمده اند و با موضع گیریهای نادرست خود در عمدۀ ترین مسائل

سیاسی در لحظه کنونی، نقش مؤثری در رشد نهادهای نفاق افکنانه در میان نیروهایی را داشته و دارند که بالقوه به جبهه متحده خلق تعلق دارند، جبهه ای که هدفش در لحظه کنونی ریشه ساختن تسلط امپریالیسم امریکا و همدستانش و نابود ساختن بقاوی رژیم سرنگون شده شاه خائن، تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک و ایجاد تغییرات بنیادی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران است.

این گروههای افراطی چپ، با ارزیابی نادرست خود از این نیروهای بالقوه و از دولت و دشمنان واقعی انقلاب ایران در دوران پس از انقلاب، عملاً در زمینه مهمترین مسائل، در کنار نیروهای وابسته به ارتیاج و امپریالیسم قرار گرفته‌اند. تصادفی نیست که مقالات این گروهها در درجه اول از طرف آن روزنامه‌هایی موردنیتی‌سازی بی‌قدیم‌شتر قرار می‌گیرد که صاف و ساده گردانند گانشان از وابستگان شناخته شده ساواک هستند و آگاهانه به امپریالیسم و رژیم سرنگون شده شاه خائن خدمت کرده‌اند. تصادفی نیست که تا کنون تمام تیز تبلیغاتی این گروههای افراطی چپ، همراه با همان روزنامه‌ها، علیه حزب توده ایران بوده است. تصادفی نیست که موضوع‌گیری‌ها و فعالیت سیاسی این گروهها تا همین اواخر در بسیاری از موارد – اگر نکوئیم در همه موارد – (از جمله در مورد تحریم رفراندوم برای جمهوری اسلامی) منطبق با بموازات موضوع‌گیری‌ها و اقدامات سیاسی گروهکهای چپ‌نما مانند گروهکهای مائویستی و تروتسکیستی و نظایر آنها بوده است، که همگی‌شان به انحصار و اشکال مختلف با امپریالیسم و ضد انقلاب همکار و همگام‌اند.

می‌خواهند مشکلات غیرقابل حل به وجود آورند

یک رشته موضوع‌گیری‌ها و اقدامات گروههای چپ افراطی و ملی گرا در کردستان، خوزستان و گرگان و با ویژگیهای خاص در بلوچستان را نیز باید در همین چهار چوب مورد قضاؤت قرار داد. در این میدانهای مبارزه، امپریالیسم و ارتیاج می‌کوشند نارضائیهای ناشی از سیاست رژیم گذشته را در زمینه حقوق حقه خلقهای غیر فارس ایران، با اختلافات مذهبی شیعه و سنتی و همچنین اختلافات ناشی از مبارزات طبقاتی قشرهای محروم و زحمتکش علیه ملاکان و خانهای عشاپر و سرمایه داران غارتگر، در کلاف سر در گمی بیچرانه و از آن مشکلی غیرقابل حل بوجود آورند. در چنین معركه‌ای، هر اشتباه کوچک – چه رسد به اشتباهات بزرگ – نیروهای راستین انقلابی، به نیروهای افراطی راست امکان و بهانه میدهد که با ماسکهای گوناگون، مبارزه را از عرصه ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی اش خارج سازند و از سوی دیگر به امپریالیسم و ارتیاج امکان میدهد که از آب گل آلد ماهی بگیرند و با وارد ساختن عنصر خود در صفوف نیروهای راستین انقلابی، با دسیسه و تحریک، هر روز درگیریها را بغرنج تر بسازند و آتش نفاق و چند دستگی را بیشتر شعله ور کنند.

بنظر حزب توده ایران، در لحظه کنونی مسئولیت بسیار سنگینی بر دوش این بخش از نیروهای انقلابی ایران، یعنی نیروهای صدیق افراطی مذهبی و افراطی چپ و ملی گرا است. ادامه این افراط گرایی زیانهای جبران ناپذیری به عمدت ترین وظیفه روز همه نیروهای راستین انقلابی، یعنی تلاش در ایجاد جبهه متحده خلق علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم شاه مخلوع وارد می سازد. بنظر حزب ما، وظیفه تاریخی این نیروهای راستین این است که هر چه زودتر و بدون تأخیر، مجموعه سیاست خود را مورد تجدید نظر نقادانه قرار دهند و اشتباها جدی خودرا بشناسند و سمت گیری سیاسی خود را با خواستهای عینی لحظه کنونی انقلاب ایران منطبق سازند. چنین موضع گیری انقلابی تنها با ابراز شهامت انقلابی امکان پذیر است.

۳. سومین عامل تضعیف کننده جنبش انقلابی، ناتوانی دولت در مقابله و مبارزه با مشکلات اجتماعی و اقتصادی است

این همان ضعفی است که بارها از طرف امام خمینی یاد آوری شده است و در همه زمینه ها، یعنی در زمینه سیاست خارجی، سیاست داخلی، سیاست نظامی و سیاست اقتصادی چشمگیر است.

بدون تردید مشکلاتی که اکنون در مقابل انقلاب ایران قرار گرفته اند و گسترش آن را ترمز می کنند، سرچشمه های گوناگون دارند. این مشکلات بسیار زیاد و جدی هستند و در مجموع خود از ۴ منبع سرچشمه میگیرند:

اول: ارثیه وحشتناک و درد آور رژیم غارتگر، جنایت پیشه و خائن سرنگون شده شاه مخلوع، یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم، و به سخن دیگر مشکلات ریشه کن ساختن وابستگی به امپریالیسم،

دوم: مشکلات ناشی از دوران مبارزه خلق علیه رژیم منفور پهلوی،

سوم: مشکلات ناشی از خرابکاری های پر دامنه دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ما، یعنی امپریالیسم امریکا و همستانش، بازماندگان رژیم خائن شاه سابق و محافل ارتজاعی ایران،

چهارم: مشکلات ناشی از تلاش های نیروهای سازشکار وابسته به سرمایه داری بزرگ ایران، که گسترش انقلاب را در جهت تأمین منافع طبقات زحمتکش، مخالف منافع سودجویانه خود میدانند و با تمام نیرو در صدد ترمز کردن گسترش خلقی انقلاب ند.

اینها مشکلات عظیمی است. میهن پرستان و مبارزان راستین انقلابی ایران خوب

میدانند که همه این مشکلات از امروز تا فردا حل شدنی نیستند. ولی آنچه مردم ایران خواستارش هستند، و متأسفانه تا کنون دولت نتوانسته است آن را انجام دهد، اینست که قانون شوند دولت، با بهره‌گیری از همه امکانات موجود، همه نیروهای خلق را برای رفع این مشکلات تجهیز می‌کند و بکار می‌اندازد.

درست در همین زمینه است که دولت تا کنون که نزدیک به شش ماه از پیروزی انقلاب می‌گذرد، ضعف و ناپیگیری و عدم قاطعیت نشان داده است. شش ماهی که گذشت، شش ماه حساس و دوران سازپس از انقلاب بود، شش ماهی که شورانقلابی مردم و آمادگیشان برای کار سازنده، برای فداکاری در عالیترین سطح قرار داشت. شش ماهی که ارجاع و امپریالیسم به علت از هم پاشیدگی دستگاههایشان، هنوز فرصت تجدید سازمان و آغاز حمله نداشتند.

در این شش ماه دولت، که از پیشیانی امام خمینی و از حمایت اکثریت مطلق مردم برخوردار بود، اگر بشیوه‌های انقلابی به حل مشکلات برخورد می‌کرد و میتوانست در هر لحظه عده را از غیر عمدۀ جدا سازد، اگر دولت می‌توانست، بدون پیشداوریهای ذهنی، از همه نیروها و امکانات مادی و انسانی درون جامعه ما و امکانات عظیم مساعد جهانی بسود جنبش انقلابی ایران بهره‌گیری کند، انقلاب ایران میتوانست اکنون به دستاوردهایی به مراتب عظیم تر بیالد.

ما از آن دوریم که بخواهیم ادعا کنیم که در دوران ۶ ماهه پس از انقلاب کاری انجام نگرفته است. بر عکس، بنظر ما دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران توانسته است در همین مدت کوتاه به بخش چشمگیری از آماج‌های خود برسد.

زیان‌هایی که به رشد جنبش انقلابی وارد آمده است

بحث ما درباره آن چیزهاییست که هم لازم بود و هم ممکن بود در این فاصله زمان انجام گیرد و تها به علت ناتوانی دولت در برگزیدن شیوه‌های انقلابی، که یگانه شیوه مؤثر در دورانهای انقلاب است، انجام نگرفته و زیانهای بسیاری به رشد جنبش انقلابی ما در راه ریشه کن ساختن استعمار و استبداد وارد ساخته است.

این ناتوانی بطور عده ناشی از موضع‌گیری روش طبقاتی دولت است، سیاست دولت بطور عده در چهار چوب خواستهای «سرمایه داری لبرال» ایران حل میشود و روشن است که این خواستها بطور ریشه‌ای با خواستهای مجموعه جنبش انقلابی ایران، که بنا بگفته امام خمینی، انقلاب مردم رحمتکش شهر و روستا، یعنی کارگران و دهقانان و پیشه وران و دانشجویان و فروشنده‌گان خرده پا بوده است، تفاوت دارد.

انقلاب ایران چهار هدف عده دو مقابل خود قرار داد، این چهار هدف که در راهنماییهای امام خمینی بازتاب یافته اند، عبارتند از:

اول: برانداختن رژیم غارتگر، جنایت پیش و خائن شاه، دوم: ریشه کن کردن تسلط غارتگرانه و استیلا جویانه امپریالیسم و صهیونیسم و بویژه امپریالیسم امریکا، که امام خمینی، بعنوان زبان گویای همه میهن- پرستان ایران، آنرا دشمن شماره یک مردم ایران اعلام کردند، سوم: تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک برای همه مردم ایران از زن و مرد و همه خلق های ایران و حق تعیین سرنوشت برای ملیت های ساکن کشور ایران، چهارم: تأمین عدالت اجتماعی بسود محرومین جامعه، یعنی خاتمه دادن به غارتگری چپاولگران رنگارنگ ثروت ملی و محصول کار زحمتکشان و بهبود همه جانبی زندگی مردم محروم و بویژه کارگران و دهقانان زحمتکش.

مسلمان رسیدن به این هدفها کارآسانی نبود و هنوز هم نیست. برای رسیدن به این هدفها، که تمام زندگی سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و فرهنگی میهن ما را، با همه پیچیدگی ها و بغرنجی هایش، در بر میگیرد، یک برخورد عمیقاً انقلابی و خلقی ضرورت دارد.

این برخورد باید بر پایه تأمین منافع خلق، یعنی کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران انقلابی و سرمایه داران کوچک و متوسط میهن پرست بنا شود. سیاست دولت در برخورد با حرکت جنبش بسوی همه این آماج ها نیز غیر قاطع، ناپیگیر و متزلزل بوده و هنوز هم ادامه دارد. مثلا در مورد رسیدن کن کردن تسلط سیاسی - نظامی امپریالیسم امریکا، دشمن شماره یک مردم ما، قرارداد دو جانبی ایران و امریکا، که بزرگترین سند خیانت رژیم شاه مخلوع و سنگین ترین زنجیر اسارت بر دست و بیان خلق ما بود، هنوز بقوت خود باقیست و دولت به بهانه های بکلی ناوارد، از پاره کردن آن سرباز می زند. تا بحال در تمام تاریخ چند صد ساله اخیر جهان دیده نشده است که خلقی از راه مماشات و سازش زنجیرهای اسارت استعماری و امپریالیستی را پاره کرده باشد. هواداران سیاست امریکا در ایران، با استفاده از این روش مماشات و سازشکارانه دولت، بخود امید میدهند که دوباره راه را برای بازگشت مستشاران امریکائی به سربازخانه های ایران باز کنند و از این راه باز هم اولین ستونهای شبه کودتاها و کودتاهای ۲۱ آذر ۱۳۴۵ و ۱۵ بهمن ۱۳۴۷ و ۲۵ تیر ۱۳۴۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۴۲ را با قیافه های تازه ای پی ریزی نمایند.

مماشات با بازماندگان رژیم سابق در زمینه های اقتصادی نمونه دیگر این سیاست مماشات دولت با بازماندگان رژیم سابق را، در زمینه اقتصادی می بینیم. از همانروز پیروزی انقلاب روش بود که بانکهای خصوصی یکی از عمدۀ ترین پایگاههای اقتصادی برای غارتگری انحصار های مالی امپریالیستی و رژیم سرنگون شده وابسته باشند و لذا لازم بود بیدرنگ تحت کنترل دولت انقلاب قرار گیرند.

دولت برای انجام این کار پنج ماه وقت گذاشت و پس از آنکه این بانکها، همانطور که هر کس میتوانست پیش بینی کند، میلیاردها تومان به جیب سرمایه داران بزرگ و سایر غارتگران ریختند، با دستور شورای انقلاب به زیر کنترل دولت درآمدند.

این روش معاشات با غارتگران در همین زمینه باز باین صورت ادامه دارد که مدیران بانکها، تقریباً از میان همان کسانی انتخاب شده اند که در گذشته گرداننده این بانکها بوده اند، تنها با این تفاوت که آنها را کمی بر زده اند و از این بانک به بانک دیگری منتقل ساخته اند.

نمونه دیگر را در برخورد دولت به مسئله ارضی می بینیم. وزارت کشاورزی پس از شش ماه که از انقلاب میگذرد و اینهمه در باره لزوم توجه به مسئله کشاورزی سخن پراکنی میشود، مانند کوهی بلزه در میآید و موشی میزاید و بیک کلام «حفظ وضع موجود» را عنوان محصول انقلاب ایران به میلیونها دهقان کم زمین و بی زمین و عده میدهد! واقعیت هم اینست که چگونه ممکن است یک زمین دار بزرگ حل مسئله ارضی را بسوی دهقانان کم زمین و بی زمین حل کند.

آقای مهندس بازرگان تا کنون ناتوانی دولت را تهبا به نداشتن اختیار و مداخله کمیته های امام در امور اجرائی و اختلاف نظر موجود بین رهبری و شورای انقلاب و دولت مربوط میگرد. مسلم است که وجود دو مرکز اجرائی در گذشته موجب مشکلاتی بوده است. ولی بنظر ما تصمیمات مربوط به ملی کردن بانکها و بیمه و بخشی از صنایع و یا اعدام انقلابی عده ای از جنایتکاران و گردانندگان رژیم گذشته و سواوکیها همه از مرکز دوم اجرائی، یعنی از شورای انقلاب و کمیته مرکزی انقلاب سرچشمه گرفته است و دولت در همه این زمینه ها نه تنها نقش مبتکر و فعل نداشته، بلکه در مواردی نقش جدی ترمز کننده را ایفا کرده است.

در هر حال با تصمیمات آخر تیرماه و ادغام شورای انقلاب و دولت، این بهانه دیگر وجود ندارد و آینده نشان خواهد داد که این ناتوانی در درجه اول ناشی از ماهیت طبقاتی دولت است — آنطور که تا کنون بثبوت رسیده — یا علن دیگری دارد.

منافع سرمایه داری لیبرال

این ناتوانی دولت در مقابله و مبارزه انقلابی با مشکلات عظیمی که در مقابل انقلاب ایران قرار گرفته، بطور عمده ناشی از اینست که سیاست دولت در چهار چوب منافع سرمایه داری لیبرال ایران محدود میشود. این قشر در انقلاب شرکت کرده، ولی هدفهایش با هدفهای مجموعه جنبش انقلابی، که در درجه اول متکی به طبقات محروم و زحمتکش جامعه است، تفاوت های بنیادی دارد.

همه ضعفها و ناتوانیهای دیگر دولت در همه زمینه های عملکردش ناشی از همین وابستگی است. اینکه دولت در مبارزه علیه امپریالیسم امریکا قاطعیت نشان نمیدهد، اینکه

دولت در مسئله تأمین آزادی های فردی و اجتماعی و تأمین حقوق خلقها سستی نشان میدهد و در مبارزه علیه گورکنان آزادی (بازماندگان رژیم سرنگون شده) معاشات میکند، اینکه دولت حتی از انتشار فهرست کارگزاران ساواک، که برخی از حساسترین پست های دولتی و اجتماعی و رسانه های گروهی را در دست دارد و با تمام نیرو از امکانات خود علیه انقلاب بهره گیری میکنند، خودداری میکند، اینکه افرادی از دولت بجای آنکه نیروی خلق، نیروی پاسداران و نیروهای دولتی در حال تجدید سازمان را برای مبارزه علیه ضد انقلاب، علیه عوامل امپریالیسم امریکا و اسرائیل و شاه مخلوع و علیه خرابکاران سیا و موساد و ساواک تجهیز کنند و آماده سازند، تنها تلاششان، تجهیز این نیروها علیه نیروهای انقلابی و میهن پرست داخلی است که با تمام جان در انقلاب شرکت کرده اند و از آن پشتیبانی می کنند و علیه کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی است که از انقلاب ایران پشتیبانی کرده و میکند، اینکه در سیاست خارجی، از ترس اینکه مبادا «قلب لطیف» امپریالیسم امریکا جریحه دار شود، مثلا هنوز از برسمیت شناختن کوبای انقلابی طفه میروند، اینکه دولت در مسئله بکار اندختن کارخانه ها از مراجعه به نیروی سازنده خلق، از بکار گرفتن بخش مهمی از میهن پرستان، بدلا لیل عقیدتی، خودداری میکند، آری همه اینها پیامد همان بیماری اصلی، یعنی موضوعگیری طبقاتی دولت کنونی است.

این ناتوانی دولت، مقابله و مبارزه انقلابی با مشکلات، یکی از سه عامل عدمه تضییف کننده جنبش انقلابی در مرحله کنونی است و میتواند در کنار عوامل دیگر، موجب پیامدهای ناگوار و دردناک برای انقلاب شود. این ناتوانی دولت مستقیماً موجب تعویت عامل اول، یعنی فعالیت ضد انقلاب میشود و به آن امکان میدهد که هر روز بیشتر از نارضائیهای حاصله از این سیاست دولت بهره گیری کند.

جبهه متحد خلق: تنها راه

بنظر حزب توده ایران، یگانه راه چیره شدن سریع بر مشکلات عظیمی که در مقابل جنبش انقلابی میهن ما قرار دارد، بوجود آوردن جبهه متحد خلق از همه نیروهایی است که بدون چون و چرا خواستار رسیدن به چهار هدف اصلی انقلابند و دفاع از منافع مشترک توده های دهها میلیونی زحمتکشان شهر و ده، یعنی کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران میهن پرست و سرمایه داران کوچک و متوسط و ملی را در سراسر ایران پایه سیاسی و عملی خود قرار میدهند.

تنها تشکیل چنین جبهه ای میتواند همه نیروهای خلق را باز سازی و نوسازی اقتصادی و اجتماعی ایران مجهز کند، عناصر افراطی را منفرد سازد و دسیسه های امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی را نقش برآب نماید، دستاوردهای انقلاب را بازگشت ناپذیر کند و انقلاب را

با گامهای پر توانتر و پر شتاب تر به پیش برد. و چنین جبهه‌ای تنها بر پایه پذیرش یک برنامه روشن انقلابی میتواند بوجود آید.

حزب توده ایران تا کنون، در موارد گوناگون، بطور مشروح نظر خود را در باره برنامه حداقل یک چنین جبهه‌ای بیان داشته و پیوسته آماده است که با همه احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی میهن پرست و مدافع منافع خلق برای پی ریزی این جبهه، با همه نیرو همکاری کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

تهران— دوم مرداد ۱۳۵۸

به سازمان آزادیبخش فلسطین
به مناسبت شهادت زهیر محسن

برادر هانی الحسن نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین!

تورو خائنانه برادر مبارز، زهیر محسن، شخصیت انقلابی سازمان آزادیبخش فلسطین برای ما موجب نهایت تأسف و تأثر شد.

حزب توده ایران این اقدام ننگین را توطه‌ای کثیف از جانب امپریالیسم، صهیونیسم و دست نشاندگان رسوای آنان علیه جنبش رهانی بخش و انقلابی خلق فلسطین میداند.
حزب توده ایران با ایمان به پیروزی انقلاب خلق فلسطین بر هر برادر مبارز، سازمان آزادیبخش فلسطین مراتب تسلیت و همدردی خود را به شما و به وسیله شما به برادر مبارز، یاسعرفات، اعلام میدارد.

دبيرخانه کomite مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۵/۷

همبستگی با خلق قهرمان فلسطین و ظیفه همه نیروهای انقلابی است

برادرانی الحسن نایابنده سازمان آزادیبخش فلسطین!

امام خمینی، طی پیامی، آخرین جمعه ماه رمضان را روز همبستگی بین المللی در حمایت از حقوق ملی و قانونی خلق قهرمان فلسطین اعلام کرده‌اند.

این ابتکار رهبر انقلاب، در شرایطی که امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی یورش وحشیانه علیه خلق قهرمان فلسطین را بیش از پیش شدت میدهند و از هیچ عمل تبهکارانه‌ای برای ضربت زدن به سازمان آزادیبخش فلسطین و به انقلاب خلق زجرکشیده فلسطین روی گردان نیستند، اهمیت فراوان کسب می‌کند.

جنایت‌جمعیت اخیری، که موجب شهادت زهیر محسن، یکی از رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین گردید، و نیز نقشه‌ای که امپریالیسم آمریکا طرح کرده است تا با همکاری سادات و بگین، یک خودنمختاری دروغین را «حل عادلانه» مسئله فلسطین جلوه دهنده، فقط جزئی از توطهه‌های جدید امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین المللی علیه بهشت آزادیبخش مردم فلسطین است.

حزب تude ایران، که همگام با تمام نیروهای ضدامپریالیستی و آزادیخواه جهان، از پیکار عادلانه خلق عرب فلسطین در راه احیای حقوق ملی و تاریخی خود و بازگشت به وطن و تعیین آزاد سرنوشت و تشکیل دولت مستقل خویش، همواره بطوری گیرپشتیانی کرده است، از همه نیروهای ضدامپریالیست و آزادیخواه دعوت می‌کند که با شرکت فعال در این مراسم، بار دیگر مراتب خشم و نفرت خود را نسبت به امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین المللی و همبستگی انقلابی خود را با خلق قهرمان فلسطین ابراز دارند.

کمیته مرکزی حزب تude ایران

۱۳۵۸ مردادماه ۱۹

حزب توده ایران فعالیت سازمانی خود را در کردستان ایران آغاز می کند

حزب توده ایران، از بدو تأسیس خود، مبارزه برای برانداختن هرگونه محرومیت ملی را برای خلق های غیرفارس، که در سرزمین میهن ما زندگی می کنند، یکی از مهمترین مواد برنامه سیاسی خود قرار داد.

حزب توده ایران از همان آغاز برآن بود که وحدت ملی در کشوری که خلقهای متعددی در آن زندگی میکنند، تنها و تنها بر پایه احترام متقابل این خلقها بیکدیگر امکان پذیر است. این احترام متقابل میطلبید که در چارچوب تمامیت ارضی و مرکزیت دولتی کشور واحد، هر یک از این خلقها بتوانند خود مختاری اداری و فرهنگی خود را تحقق بخشدند، بزبان مادری خود تحصیل کنند و در تمام شئون زندگی اجتماعی بزبان مادری خود تکلم کنند و آداب و رسوم و معتقدات دینی و اجتماعی خود را آزادانه و بدون هیچگونه قیدی که از تحمیلات خلقی به خلق دیگر سرچشمه بگیرد، بکار بزنند.

حزب توده ایران براین عقیده بوده است که از بین رفتن محرومیت های ملی خلقهای غیرفارس در ایران تنها در چارچوب مبارزة مشترک همه خلقهای ایران علیه تسلط جنایت بار و غارتگر امپریالیسم، علیه استبداد سلطنتی، علیه غارت طبقات چاولگر حاکمه و بویژه بزرگ سرمایه داران و زمین داران وابسته به امپریالیسم امکان پذیر است. بنظر حزب ما، در این مبارزة عمومی، مبارزه علیه تسلط امپریالیسم و استبداد، و در مرحله کنونی، مبارزه علیه امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ضد انقلاب متکی به بقاوی رژیم سرنگون شده شاه مخلوع، در درجه اول اهمیت قرار گرفته است.

با اتکاء به این اصول و موضع گیریهای سیاسی، حزب توده ایران، همیشه برآن بوده است که بین هدف های حزب طبقه کارگر و جنبش های اصیل خلقهای محروم کشور ما

برای از بین بردن محرومیت‌های ملی در اساس توافق کامل وجود دارد. از همین روح‌بوده ایران همیشه کوشیده است که با جنبش‌های اصیل خلق‌های محروم ایران، بر پایه سیاست و برنامه مشترکی، نزدیکترین همکاری را بوجود آورد. حزب توده ایران جنبش‌های اصیل خلق‌های محروم میهمان را برای برآنداختن محرومیت‌های ملی جزء تفکیک ناپذیر جبهه متحده خلق برای ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم، نواستعمار، بقاوی رژیم استبدادی، تأمین آزادیها و حقوق دمکراتیک و بهبود بنیادی شرایط زندگی زحمتکشان میداند و به این اصل بطور تزلزل ناپذیر وفادار است.

با انکاء به همین اصول بود که در سال ۱۳۲۴، بر پایه برنامه مشترکی، جبهه ائتلافی حزب توده ایران، فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان بوجود آمد. و تاریخ نشان داد که تشکیل این جبهه نقش مهمی در گسترش دامنه مبارزات دمکراتیک و ملی در سراسر ایران ایفاء کرد.

با انکاء به همین اصول بود که حزب توده ایران، پس از شکست سال ۱۳۲۵، که منجر به از هم پاشیدگی نیروهای ملی و دمکراتیک در آذربایجان و گردستان گردید، باز هم زنده کردن سازمانهای فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان را بعده گرفت، و حتی پس از آنکه برای توطئه بهمن ماه ۱۳۲۷، امکان فعالیت علی محدود هم از حزب ما گرفته شد، حزب توده ایران همه نیروی خود را در این راه بکار برد. این کوشش حتی در دورانی که سازمانهای حزب ما در ایران متلاشی شد و مرکز فعالیت حزب به مهاجرت انتقال یافت، ادامه یافت.

بر پایه همین اصول و برخورد علمی به تشکیل انقلابی نیروهای پیشگام طبقه کارگر است که حزب توده ایران همیشه هودار وحدت سیاسی و سازمانی کلیه نیروهایی بوده و هست که، صرفنظر از وابستگی به خلق‌های گوناگون در سراسر ایران، هودار راه طبقه کارگر، آماده برای شرکت در حزب طرزنوین طبقه کارگرند.

در تمام این دوران، نظر حزب توده ایران این بود که وحدت و بهم آمیختگی حزب توده ایران با فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان در یک حزب واحد سراسری طبقه کارگر ایران، درست‌ترین و بهترین راه حل برای تمکن فعالیت همه نیروهای انقلابی درجهت هدفهای واحد و مشترک است.

در نتیجه کوشش طولانی، بالاخره امر وحدت حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان در کنفرانس وحدت، در ۱۳۳۹، بطور موقتی آمیزی سرانجام یافت. این امر در همان زمان مورد تأثید بسیاری از مبارزان کرد قرار گرفت که یا در صفوف حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان فعالیت میکردند و یا در خارج آن، در جبهه متحده انقلابی صدرژیم شاه و امپریالیسم قرار داشتند. محتوى اساسی آن موافقت و این تأثید، این بود که در سراسر ایران، حزب فراگیر طبقه کارگر، با نام حزب توده ایران باشد و در آذربایجان و گردستان سازمانهای ایالتی حزب

توده ایران، یا نام فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان فعالیت کند. متأسفانه برخی از دولت از همان آغاز تجدید فعالیت، تحت تأثیر انحراف مصطفی بارزانی و عوامل خارجی دیگر سمت گیری نادرستی را در سیاست داخلی و عمومی خود اتخاذ کردند و به موافقت درجهت تشکیل حزب واحد سراسری طبقه کارگر ایران، آنطور که در بالا گفته شد، پشت پا زدند و چه در سالهای فعالیت در مهاجرت و چه پس از سرنگونی رژیم استبدادی محمد رضا پهلوی و آغاز فعالیت علنی، راهی را برگزیدند، که در سمت گیری بهای عده، با راهی که حزب توده ایران در آن دوره و در لحظه کنونی درست میدانسته و میداند، اختلافات جدی داشته و دارد.

تمام کوشش ما برای یکی کردن سمت گیری بهای عده در عمل سیاسی و گام گذاردن در راه وحدت سازمانی دو حزب، با کمال تأسف ما، به نتیجه ای نرسید.

اکنون حزب توده ایران در مقابل این واقعیت قرار گرفته است که از یک سو کردستان ایران بصورت یکی از حساس ترین مناطق کشور درآمده، که در آن عوامل گوناگونی وارد میدان نبرد سیاسی شده اند و وضعی بوجود آمده است که هر روز بغرنجتر میشود. از سوی دیگر این ضرورت هر روز بیشتر احساس میشود که نظریات حزب توده ایران بطور منظم در میان خلق کرد انتشار یابد و نیروهای انقلابی، که برنامه، سمت گیری و موضع گیری سیاسی حزب را تأیید میکنند، برای ترویج بیشتر آنها میان مردم مجهز و متشرک شوند. در ارتباط با این واقعیت و این ضرورت، کمیته مرکزی حزب توده ایران به این نتیجه رسیده است که، فعالیت سازمانی حزب توده ایران را در کردستان ایران آغاز کند.

کمیته مرکزی، از همه هواداران حزب در کردستان ایران انتظار دارد که تمام ابتکار و نیروی خود را برای متشکل کردن گروهها و افراد پراکنده حزبی در سازمانهای پایه ای، برای پخش برنامه پیشنهادی حزب، برای تشکیل جبهه متحده خلق، برای توزیع نشریات مرکزی حزب بزبان کردی و فارسی، برای روشن کردن خلق کرد به هدف های حزب توده ایران بکار آندازند. حزب توده ایران با اعتقاد کامل بدستی پیشنهاد خود برای وحدت سیاسی و سازمانی همه نیروها و سازمانهای انقلابی، که خود را هوادار راه طبقه کارگر میدانند، در آینده نیز، مانند گذشته، از هیچ کوششی برای تحقق این وحدت فروگزار نخواهد کرد و همیشه آماده است در باره همه مسائلی که با این امر مهم و حیاتی برای جنبش کارگری و تمام جنبش انقلابی ایران ارتباط دارد، با همه مبارزان و سازمانهای مبارز راستین راه طبقه کارگر، وارد تبادل نظر گردد و برای از میان برداشتن سدهایی که برسر این راه قرار گرفته، با آنان، برپایه توافق های مشترک، همکاری کند.

پیروز باد مبارزه مشترک همه مردم ایران در راه استقلال ملی، تثبیت آزادیهای دمکراتیک، بهبود زندگی زحمتکشان و براندختن همه محرومیت

های ملی در چارچوب خودمختاری اداری و فرهنگی!
▪ مستحکم باد اتحاد همه خلقهای ایران در مبارزه مشترکشان علیه دسیسه
های امپریالیسم، صهیونیسم و توطئه‌های ضدانقلاب!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ مهردادماه ۲۰

درباره انتخابات مجلس خبرگان

هموطنان!

انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان پایان یافت و انجمن مرکزی نظارت، انتخاب شدگان را معرفی کرد. هیئت وزیران نیز آثین نامه کار یکمایه مجلس خبرگان را تدوین کرده است. اینک زحمتکشان و همه محرومین جامعه انتظار دارند که در سزمونعد، پیش نویس قانون اساسی کشور، با اصلاحاتی در جهت تأمین کامل حقوق آنان در زمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آماده گردد و برای تصویب نهائی به همه پرسی گذاشته شود.

حزب توده ایران، از آنجا که به اهمیت و لزوم تصویب هرچه سریعتر قانون اساسی اعتقاد دارد، از آنجا که نمایندگان مجلس خبرگان در اکثریت خود با رأی مردم انتخاب شده اند، با وجود ایرادات جدی به جریان انتخابات—از همان مرحله تشکیل انجمن مرکزی نظارت و انجمنهای محلی و روش گروههای مؤتلفه در جریان معرفی کاندیداها و جریان رأی گیری و جریان شمارش و خواندن آراء—در مجموع خود درمورد این انتخابات موضع تأثیدی میگیرد. در عین حال این موضعگیری تأثیدی مانع از این نیست که ما با کمال صراحة تأسف و نگرانی خود را ابراز نداریم: تأسف از اینکه چرا باید اولین انتخابات پس از انقلاب حمامه آمیز مردم ایران براثر روش دولت و گروههای انحصار طلب معیوب باشد، تا جائی که حتی رهبر حزبی که اکثریت مطمئن آراء را در تهران و شهرستانها بدست آورده است، مجبور شود به جریان معیوب انتخابات اعتراف کند؛ و نگرانی از اینکه مبادا این روش معیوب، در جریان انتخابات آینده، تکرار گردد.

ما کوشش می کنیم که در زیر مهمترین ایرادات خود را درباره کلیه جریان این انتخابات بیان داریم:

۱- انتخاب انجمن مرکزی نظارت - نقش انجمن مرکزی نظارت و انجمنهای فرعی اهمیت فوق العاده در تأمین درستی جریان انتخابات دارد. در این باره هرگونه بخشی زائد است. ولی آیا در برگزیدن این انجمن مرکزی و تعیین انجمن‌های فرعی، این اصل مراعات گردید که نمایندگان همه احزاب و گروههای سیاسی، صرفظیر از اینکه در اکثریت باشند یا در اقلیت، شرکت برابر حقوق داشته باشند و بتوانند با شرکت فعال خود از اقدامات نادرست در جریان انتخابات جلوگیری کنند؟ باید اعتراف کرد که اینطور نبود. انجمن نظارت مرکزی و انجمن‌های فرعی در انحصار تقریباً مطلق گروه موئلفه حزب جمهوری اسلامی قرار داشت. چنین وضعی نمیتواند اعتماد احزاب و گروههای را که در انجمن نظارت شرکت داده نشدهند، تأمین نماید و عالملاً هم به ثبوت رسید که این عدم اعتماد بجا درست بوده است.

۲- تضییقات در فعالیت‌های انتخاباتی - در جریان انتخابات دولت و وزارت کشور موظفند که امکان برابر برای معرفی کاندیداهای و تبلیغات انتخاباتی برای همه احزاب و گروههای سیاسی تأمین نمایند. با کمال تأسف باید گفت که نه تنها از طرف گروههای افراطی و ضدانقلاب، بلکه از طرف افراد وابسته به گروه اکثریت هم آنقدر در جهت ایجاد تضییقات علیه سازمانهای سیاسی دیگر، بویژه علیه حزب توده ایران، زیاده روی شد، که آیت الله طالقانی نیز قاطعانه این اعمال را خدمت به دین ندانست.

این افراد با پروانی وزیر حمایت مأمورین دولت و حتی برخی از کمیته‌ها، اعلانات تبلیغاتی حزب ما را پاره میکردند، مبارزان حزب ما را وحشیانه مضروب و مجرح میسانستند، مانع فروش روزنامه‌ها و اوراق تبلیغاتی حزب توده ایران میشدند و... این عملیات را نه میتوان اسلامی نام نهاد و نه دمکراتیک. اینها روش‌های ارتجاعی است که از طرف همه هواداران ازادی و از آنجلمه مسلمانان مبارز و انقلابی و انساندوست محکوم شده است. با این شیوه‌ها میتوان حریفان را در مراحل معینی از تاریخ از میدان بیرون کرد، ولی همانطور که سراسر تاریخ نشان داده است، نظامی که پایه قدرت خود را به این شیوه‌ها استوار سازد، سرانجام با ناکامی روبرو خواهد شد. ما امیدواریم که با پندگرفتن از این رویدادهای درآور، دولت و رهبران سیاسی و مذهبی اکثریت، که خود را هوادار راه امام خمینی میدانند، این شیوه‌ها را نه تنها در گفتار، بلکه در کردار سیاسی و اجتماعی خود محکوم و مطرود سازند.

۳- اعمال نفوذ در جریان رأی گیری - اگر در مورد دوم میتوان تقصیر درجه اول را متوجه گروه‌های بی‌مسئولیت، مأمورین ساواک و ضدانقلاب و خرابکاران مائوئیست و گروههای افراطی راست دانست، در این مورد نقش هواداران گروه موئلفه اکثریت بچشم می‌خورد. این روشها و اقدامات ضدمکراتیک چنان بود که حتی رهبر اکثریت برنده انتخابات، آقای دکتر بهشتی، مجبور شد که به آن اعتراف کند. و اگر قبول داریم که ایشان مسلماً به جزء کوچکی از واقعیت اعتراف کرده‌اند، باید به این نتیجه برسیم که جریان بطور جدی معیوب بوده است. ما نمیتوانیم در اینجا وارد جزئیات بشویم. ولی این مهم است که بسیاری از مراکز گرفتار

رأی بصورت مرکز فعالیت وابستگان به گروه اکثریت درآمد، در نوشت آراء برای هواداران این گروه اعمال نظر و نفوذ بعمل آمد، آراء بسیاری از رأی دهنده‌گان که به گروه اکثریت رأی نداده‌اند، به صندوق ریخته نشد و در مواردی پاره شد. و بجائی آن رأی دیگری به نفع کاندیداهای اکثریت بتصندوق انداده شد.

در انجمنهای دوردست، در سراسر ایران، از بی‌نظمی‌های بمراتب بیشتری از تهران گزارش شده است. گزارش‌های حاکیست که افراد دست چین شده انجمن‌های نظارت نه تنها از این بی‌نظمی‌ها جلوگیری نکرده‌اند، بلکه در موارد بسیاری آنرا مورد تأثیر و تشویق قرار داده و در آن شرکت جسته‌اند.

اینها همه نشان میدهد که وظیفه احزاب و سازمانهای هوادار آزادی و دمکراسی، برای تدارک انتخابات آینده، بسیار دشوار و پرمشویلت است و از هم اکنون باید برای آن آماده گردید.
۴- شمارش و خواندن ثبت آراء—بطور یکه همه شواهد نشان میدهد، در این قسمت، که مستقیماً زیرنظر انجمن‌های نظارت انجام گرفته، بی ترتیبی و اعمال نظر جدی به زیان کاندیداهای اقلیت صورت گرفته است. شواهد گویانی دال برآنستکه لائق در آنچه که مربوط به حزب توده ایران است، بخش قابل توجهی از آراء کاندیداهای حزب، در بسیاری از انجمنهای نظارت در تهران، حومه و شهرستانها خوانده نشده و بحساب نیامده است. بعضی شواهد گویا را یادآور می‌شویم:

در کرمانشاه برای کاندیدای حزب توده ایران، که فقط ۳ روز قبل از انتخابات در محل خود را به مردم معرفی کرد، نزدیک به ۵ هزار رأی خوانده شده است. در مقابل در تهران، که همه شاهد می‌تینگ چند ده هزار نفری انتخاباتی حزب ما در زمین چمن دانشگاه تهران بودند و همه میدانند که در این می‌تینگ تنها بخشی از هواداران حزب ما شرکت داشته‌اند و بدون تردید بسیاری از هواداران حزب توانسته‌اند با تبلیغ چند نفر را برای دادن رأی به لیست کاندیداهای حزب آماده سازند—برای رفیق عباس حجری، مبارز پایداری که مقاومت ۲۵ ساله‌ی در زندان شاه خائن احترام اکثریت مبارزان، حتی مخالفان حزب ما را با خود جلب کرده است، تنها ۱۶ هزار رأی خوانده شده است!

بدینسان، تردیدی نیست که بخش مهمی از لیست‌های کامل کاندیداهای حزب توده ایران قرائت نشده و یا از بین برده شده است.

بنظرما، البته این تبعیض و بی صداقتی تنها در باره لیستهای حزب توده ایران نبوده، بلکه سایر احزاب و گروه‌های اقلیت هم مشمول این تبعیض و بی عدالتی شده‌اند.

باید گفت که اگر همه این بی‌نظمی‌ها و دست اندازی‌ها هم نبود، لیست گروه اکثریت انتخاب شده، با بهره‌گیری از نام پراحترام امام خمینی، باز هم پروزنه بیرون می‌آمد، ولی در این حال، این پیروزی مسلماً کمتر آسیب‌پذیر و تردید‌آمیز می‌بود.

بهرحال امیدواریم این تجربه، که مسلماً دامن آزادی نوبنیاد ایران را لکه دار کرده

است، در آزمایش‌های آینده تکرار نگردد.

اینک مجلس خبرگان، علیرغم عیوبی که در انتخابات آن وجود داشته است، تشکیل شده است. همه مردم ایران انتظار دارند که نمایندگان مجلس خبرگان با تصویب آنچنان قانون اساسی که بازتاب روح و اهداف انقلاب ضدامپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران باشد، این عیوب را بدست فراموشی بسپارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ مهردادماه ۲۱

تحریکات و توطئه‌های ضد انقلاب را باید بیدرنگ و قاطعانه افشا کرد نیروی متحده خلق تنها وسیله سرکوب ضد انقلاب است

هموطنان!

میهن ما لحظات بسیار حساس و دشوار و بغرنجی را میگذراند، از یک سو به همت انقلابی مردم ایران و قاطعیت رهبری انقلاب، انقلاب بسوی تثبیت پیش می‌رود. و این ضدانقلاب را پیش از پیش نگران میکند. از سوی دیگر در تصمیمات و اقدامات ارگانهای مختلف حکومت عدم قاطعیت، اهمال و اغماض مشاهده میشود. و این به ضد انقلاب دل می‌دهد. این هردو عامل موجب شده و می‌شود که ضد انقلاب فعالیت خود را در تمام زمینه‌ها، به ویژه در جهت ایجاد افتراق بین نیروهای انقلابی، گسترش دهد و تشید کند.

هشدارهای مکرر حزب توده ایران در این زمینه، در روزهای اخیر بار دیگر اهمیت و صحت خود را بثبوت رسانده است. محافل ضدانقلابی انقلابی نما، چپ نما، کمونیست نما و آزادیخواه نما میکوشند تا به هرسیله ممکن خود را به نیروهای راستین انقلابی بچسبانند و آنها را زیر ضربه قرار دهند. نیروهای مجھول الهویای هم— که بدون تردید بوسیله ضدانقلاب هدایت میشوند— کوشیده‌اند و میکوشند که اعمال این محافل را آگاهانه بحساب همه نیروهای راستین انقلابی، همه نیروهای اصیل چپ، همه کمونیستهای واقعی و همه آزادیخواهان حقیقی بگذارند و همه را یکجا بگویند. انقلاب را بدnam کنند و از شدت نبرد آن علیه ضدانقلاب بگاهند، حوادث روزهای اخیر تأثیدی است براین مدعای.

با اینکه حزب توده ایران با صراحة و قاطعیت پاکسازی در مطبوعات را از عوامل ضدانقلاب بارها طلب کرده و توقیف آیندگان و جراید نظری را در این چارچوب درست دانسته است، با اینکه عمدۀ نیروهای راستین چپ— از حزب توده ایران تا سازمان چریکهای فدائی خلق— نه فقط در تظاهرات یکشنبه دعوت شده از جانب برخی گروهها، از جمله «جهة

دموکراتیک ملی» برای «اعتراض» به توقيف روزنامه آیندگان، شرکت نداشته اند، ولی در حین و پس از تظاهرات و همچنین روز دوشنبه ۲۲ مردادماه ۱۳۵۸، افراد مجھول الهویه ای، که طبق شواهد مسلم از جانب عوامل ضدانقلاب و کارکنان «آزاد» ساواک از جمله «نیکزاد»، شکنجه گر معروف، رهبری میشندن، این تظاهرات را بهانه قرار دادند و کوشیدند زیر شعارهای ضدچپ و ضدکمونیستی، همه نیروهای راستین انقلابی و چپ را مورد حمله قرار دهند. آنها در دانشگاه تهران نشایات متفرقی و چپ را پاره کردند و سوراندند، به افراد وابسته به چپ حمله کردند و عده‌ای را مضروب و مجروم ساختند، تلاش کردند که به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، حمله کنند— که خوشبختانه برای حفاظت پاسداران انقلاب موفق نشدند— بمرکز سازمان چربکهای فدائی خلق هجوم بردنده و متأسفانه به اشغال این مرکز موفق شدند. و این تحریکات، هجوم‌ها و اقدامات ضدانقلابی و ضددموکراتیک همچنان ادامه دارد، و با محیطی که ایجاد شده، اگر اقدام قاطع، جدی و فوری برای جلوگیری از این تحریکات و توطئه انجام نگیرد، امکان آن هست که این فعالیت ضدانقلابی ادامه یابد و تشديد شود.

از جانب دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تمام این حوادث بلافاصله بمقامات مسئول، دولت، کمیته مرکزی امام، کمیته‌های محلی، پاسداران اطلاع داده شده و خواسته شده است که اقدامات لازم، جدی و فوری برای جلوگیری از توسعه تحریکات و توطئه‌های ضدانقلاب، برای افشا و سرکوب تحریکات و توطئه‌های ضدانقلاب، برای تأمین امنیت مراکز و افراد وابسته به احزاب، سازمانها و گروه‌های سیاسی صورت گیرد.

با کمال تأسف، برخی از مقامات مسئول در قبال این حوادث ناگوار و خطناک و در برابر هشدارها و خواسته‌ای بجا و حق حزب ما، نه فقط قاطعیت لازم را بخراج نمیدهند، نه فقط اهمال میکنند و اغماض نشان میدهند، بلکه با گفتار و کردار خود در ایجاد ابهام در شاخت دوست و دشمن واقعی انقلاب، عملاً به ایجاد محیط آشفته و ناامن، به تشید افتراق بین نیروهای انقلابی و سرانجام به ضد انقلاب کمک میکنند.

لازم به تأکید نیست که چنین روشی چه عاقب خطناکی برای انقلاب و مجموعه جنبش انقلابی مردم ایران دارد. و مسئولیت چنین عاقبی مسلماً با کسانی است که چنین روشنی را دنبال کرده‌اند و میکنند.

حزب توده ایران، باریگر، با احساس مسئولیت کامل در برابر مردم ایران، هشدار خود را درمورد فعالیت شدت یافته ضدانقلاب تکرار میکند و مصراوه می طلبد که مقامات مسئول به وظيفة خود در دفاع از انقلاب و مبارزه با ضدانقلاب عمل کنند، تحریکات و توطئه‌های ضدانقلاب را افشا و سرکوب کنند و تدبیر جدی و فوری برای امنیت مراکز و افراد وابسته به احزاب، سازمانها و گروه‌های سیاسی اتخاذ نمایند.

هموطنان! در این لحظات حساس که انتخابات مجلس خبرگان بیان رسیده و تصویب

قانون اساسی برای تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب در دستور روز است، در زمانیکه امپریالیسم، بسیار کردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم با تمام قوا برای تحریک و توطئه در خلیج فارس و تمام منطقه‌ها در خاورمیانه تلاش میکنند، حفظ هشیاری انقلابی و جلوگیری از هرگونه تفرقه اهمیت حیاتی دارد.

حزب توده ایران اعتقاد راسخ دارد که با نیروی متحده‌خلق، با تقویت رهبری امام خمینی، میتوان ضدانقلاب را سرکوب کرده و راه پیش روی جنبش انقلابی مردم ایران را برای تثبیت یا تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب هموار ساخت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ مدادماه ۲۳

از تکرار جنایات امپریالیسم و عمال آن فقط با مبارزه متحده خلق می‌توان جلوگیری کرد

هموطنان عزیز!

یک سال پیش، در چنین روزی، وقتی که نخستین موجهای خشم توده‌ها، تخت خوزین سلطنت پهلوی و پایگاه اقتدار امپریالیسم، پسرکردگی امپریالیسم آمریکا را به لرزه انداخته بود، رژیم جنایت پیشه آریامهری دست به یکی از ننگین ترین جنایات بشری زد. کارگزاران رژیم غارت و شکنجه با اجرای توطئه‌ای بیرحمانه و ددمنشانه، ابتدا راههای فرار را بستند و آنگاه با فرستادن گاز مخصوصی، که از اسرائیل آورده بودند، سینمائي را که ۱۰۰۰ زن و مرد و پیرو جوان در آن سرگرم تماشای فیلمی بودند، به آتش کشیدند. آدمکشان شاه مخلوع به دستور اربابان امپریالیست خود، و در رأس آنها امپریالیست‌های جهانخوار آمریکائی که تازه لباس خدعا و فریب «حقوق بشر» را به تن کرده بودند، فقط برای یک مقصود کوره آدم سوزی سینمارکس را بر پا کردند: آنها بیش از هزارنفر، از مردم ستم دیده ایران را به ذغال مبدل کردند تا با انداختن مسئولیت این فاجعه جنایتکارانه بدوش مبارزان ضدامپریالیسم، و ضدرژیم شاه مخلوع، بین صفواف متحده خلق فاصله بیاندازند.

سال پیش در چنین روزی، صف میلیونی توده‌ها، مشت واحدی شده بود که در کار فروپاشی نظام سلطنتی واپسی بود. تنها راه نجات رژیم جنایتکارشاه مخلوع جدا کردن صفواف مردم بود، برای رسیدن به چنین هدفی، نقشه آتش زدن سینمارکس اس اجرا شد و بلافاصله، درست در همان هنگام که بلندگوهای رژیم قصد بهره‌برداری از آن را داشتند، صدای ضجه زنانی که شوهرانشان در آتش ذغال شده بودند و بانگ گریه مادران فرزند از دست داده، از فضای طوفانی ایران گذر کرد و به خشم و سرود مبدل شد. خشمی که صفحه‌ها را متحدرتر میکرد و سرودی که پیروزی را نوید میداد.

نیروهای خلقی، از جمله حزب توده ایران، در نشریه نوید این جنایت شاه مخلوع را فاش کردند و مردم را به اتحاد عمل بیشتر خواندند. اتحاد عمل نیروها، آنچنانکه تجربه تاریخ بارها و بارها به اثبات رسانده، بسیار زود ثمر داد و چندماه بعد رژیم ضدخلقی را سرنگون کرد.
هموطنان!

اکنون، یک سال بعداز جنایت سینمارکس آبادان، ما در ایران آزاد با شما سخن میگوئیم. ایرانی که سلطنت را به خاک سپرد و رژیم آدمکش شاه مخلوع را سرنگون کرد، اما هنوز با خطر رو برو است. یک لحظه هم این خطر را نیاید فراموش کرد. این خطر امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکاست، که تا وقتی کاملاً از ایران ریشه کن نشده همواره ایران را تهدید میکند.

هموطنان!

اکنون، امپریالیسم با تمام قوا فعالیت دارد. لذا هنوز هم، مانند یک سال پیش، اتحاد نیروها تنها راه مقابله با امپریالیسم و نابودی آن است. امپریالیسم می کوشد با انواع حیله ها و جنایات و حتی جنایاتی موحت تراز سینمارکس آبادان، نیروها را بهم بدین کند و بین آنها نفرقه بیاندازد. تنها راه مقابله با این نقشه شیطانی اتحاد همه نیروها در جبهه متحده خلق است. در روزی که یادشہیدان سینمارکس را گرامی میداریم، در حالیکه تأسف عمیق خود را از اینکه مسیبان این فاجعه هنوز دستگیر نشده و به مجازات نرسیده اند، ابراز میداریم و خواهان پیگیری پرونده این جنایت فجیع و مجازات عاملان آن هستیم، در حالیکه در اندوه بازماندگان این قربانیان بیگناه رژیم آدمکش شاه مخلوع شریکیم، دربرابر آن گروه عظیم زن و مرد و پیرو جوان و کودک، که در آتشی که امپریالیسم برافروخته بود، سوختند، پیمان می بندیم که با وحدت نیروها در جبهه متحده خلق، تا نابودی امپریالیسم نبرد را ادامه دهیم و از پای نشینیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۵/۲۶

مسئله کردستان باید در چار چوب دفاع از انقلاب ایران و تضمین حقوق ملی خلق کرد حل شود

حوادث ناگوار و خطروناکی در کردستان میگذرد. در این منطقه گره بسیار در هم پیچیده‌ای بوجود آمده است. واقعیت اینست که توده‌های وسیع مردم کردستان، مانند همه خلق‌های کشور، خواستار پیروزی انقلاب بزرگ تاریخی میهنمان هستند و آماده اند در این راه، دوش بدوش سایر مبارزان، در نبرد مقدس برای ریشه کن کردن نفوذ امپریالیست‌ها و در پیشاپیش آنها امپریالیست‌های امریکائی و صهیونیست‌ها و وابستگان رژیم شاه شرکت کنند. در چارچوب این آمادگی برای مبارزه و سازندگی، خلق کرد مانند همه خلق‌های ایران، خواستار رفع محرومیتها ملی است.

حزب توده ایران، با بهره‌گیری از تجربیات بسیاری که در زمینه تلفیق این دو جهت مبارزه در میهن ما و در سایر کشورهای نظری ایران وجود داشت، از همان آغاز معتقد بود، که در شرایط ویژه انقلاب ایران، باید از طرف همه نیروهای وفادار به آماج‌های انقلاب، نهایت درایت و آمادگی برای تفاهم و اجتناب از تأثیر تلاشهای دشمنان انقلاب، برای حل این مسئله دشوار یکار رود.

حزب توده ایران مسافت آیت الله طالقانی را به کردستان و نتایجی که از این مسافت گرفته شد، استقبال کرد.

با کمال تأسف این اقدامات بجا و مثبت به نتیجه نرسید. ضد انقلاب با بکار اندختن همه نیروهای خود، از همه جهات به ایجاد این گره دشوار، که اکنون به خوبی‌تری انجامیده است، دست زد. امپریالیسم و صهیونیسم، دشمنان اصلی خلق‌های محروم، دوستی بین خلق‌های کشور ما را بزیان خود میدانند و میکوشند با دامن زدن به اختلافات مذهبی، قومی و زبانی، هر اندازه ممکن است محیط را متشنج سازند. عمل امپریالیسم و صهیونیسم تنها از راه

عوامل و گروههای وابسته به خود، مانند پالیزبانها و سالارجاف‌ها و عناصر نظری آنها در منطقه نیست. آنها بدبست عممال خود میکوشند همه را بجان هم بیندازند: شیعیان را علیه سنی‌ها، کردها را علیه آذربایجانیها و فارسها، متعصبین مذهبی را علیه گروههای چپ و چپ‌های افراطی را علیه نیروهای مذهبی تحریک کنند و خلاصه همه را بجان هم بیندازند و بدینسان مواضع خود را علیه انقلاب ایران محکمتر سازند.

در چنین شرایط بغرنجی، حزب توده ایران معتقد بود و هست که مسئله کردستان باید در چارچوب دفاع از انقلاب ایران و تضمین حقوق ملی خلق کرد حل شود. براین اساس هرگونه گرایش تجزیه طلبانه، ناقص افکنانه و پاییمال کردن حقوق ملی خلق کرد، یعنی همه آن چیزهایی که میتواند از جانب عوامل امپریالیسم، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی دامن زده شود و مورد سوءاستفاده قرار گیرد و درنهایت هم به منافع انقلاب ایران در مجموع و هم به حقوق خلق کرد لطمه زند، محکوم است.

حزب توده ایران، معتقد بود و هست که ضمن محکوم کردن چنین گرایشهایی، میباید نقش عوامل امپریالیسم، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی را، که متناسفانه توanstه اند هم در بین نیروهای انقلابی سر در گمی بوجود آورند و هم در گیریهای خونین بوجود آورند، که بهای آن را در آخرین تحلیل خلق کرد باید پیردادزد، قاطعانه افشا و سرکوب کرد.

حزب توده ایران معتقد بود و هست که همه نیروهای انقلابی، صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی خود و همه خلقهای ایران، اعم از فارس و کرد و آذربایجانی و ترکمن و بلوج و عرب، میباید در چارچوب ایران واحد و حفظ تمامیت ارضی ایران از حق خود مختاری اداری و فرهنگی برخوردار شوند.

حزب توده ایران معتقد بود و هست که ضمن سرکوب ضد انقلاب در واحدهای ملی – از جمله در کردستان – باید حساب مردم را با ضد انقلاب بدرستی جدا کرد. ضمن سرکوب قاطع ضد انقلاب، مسائل این واحد‌ها را میباید با خونسردی و خردمندی و از راه مسالمت حل کرد. از جمله تشکیل شوراهای پیشنهادی آیت الله طالقانی – که بموضع خود مورد پشتیبانی حزب ما قرار گرفت – می‌تواند به حل این اختلافات کمک کند.

حزب توده ایران معتقد بود و هست که در این لحظات تاریخی، فقط اتحاد نیروهای انقلابی و درک عمیق مصالح و منافع انقلاب ایران و همه خلقهای ایران قادر است توطئه‌های امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و ارجاع را عقیم گذارد.

دیبرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ مردادماه ۲۷

به شورای انقلاب اسلامی ایران،
به دولت موقت جمهوری اسلامی،
به کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ایران

آقایان محترم!

چنانکه مسلمان به استحضار تان رسیده است، روز ۲۹ مرداد ۱۳۵۸، دادستانی انقلاب مرکز، روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، را توقيف و پاسداران کمیته مرکزی انقلاب نه تنها محل روزنامه مردم، بلکه مجموعه دبیرخانه مرکزی حزب توده ایران و مرکز «شرکت سهامی نشریات توده» را مهر و موم کرده و به این ترتیب امکان فعالیت حزب ما را، که تازه پس از ۳۰ سال محرومیت، با روشنی سازنده و متین، زندگی سیاسی قانونی خود را باز یافته بود، شدیداً محدود ساخته است. اخباری که از شهرستانها میرسد حاکیست که در اکثر شهرهای ایران، یعنی تقریباً در هر جا که مرکز حزب توده ایران و یا دفتر انتشار روزنامه مردم و یا دفاتر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران وجود داشته است، به وسیله گروههای تحریک شده و بدون مسئولیت مورد هجوم و تخریب و در بعضی موارد کتاب سوزی و آتش سوزی قرار گرفته اند و بسیاری از افراد حزب توده ایران هیچگونه امنیت جانی ندارند.

در بوشهر، اصفهان، رشت، تبریز و... این رویدادهای ناگوار زیانهای بسیاری به حزب وارد ساخته است. در کرمانشاه این هجوم نتایج وحشتناکی بیار آورده است. دو نفر از افراد حزب توده ایران که مطلقاً هیچ گونه تماس و همکاری با جریانات موجود در کردستان نداشته اند، در هتلشان بازداشت شده و پس از یکساعت، بدون کوچکترین دلیل، تیرباران شده اند. این حکم آنقدر غیر عادلانه بود که حتی بسیاری از مسئولین شهر را، که این افراد را بعنوان عناصر پاکدامن، شریف و میهن پرست میشناخته اند، دچار حیرت کرده است.

تعجب ما از این جهت است که طی نزدیک به هفت ماه که از انقلاب ایران میگذرد، حزب توده ایران، همواره با روش متین و واقع بین خود، در جهت سمت گیری انقلاب گام

برداشته است. عناصر عمدۀ این سمت گیری، آنطور که از طرف امام خمینی در رهنمودها و وعده هایشان برای سیاست جمهوری اسلامی داده شده بود، عبارت بودند از: اتحاد همه نیروها در مبارزه آشی ناپذیر برای پایان دادن به تسلط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی امپریالیستها و در درجه اول امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی، در مبارزه به خاطر ریشه کن کردن بقایای رژیم منفور سلطنتی، در مبارزه برای تأمین آزادی برای نیروهای گوناگون ملی و میهن پرست، در مبارزه برای برانداختن غارتگری بیرحمانه چپاولگران وابسته به رژیم شاه و امپریالیستها و بهبود بنیادی شرایط زندگی رحمتکشان شهر و ده، بهاری حقوق همه افراد و همه اقوام و اقلیت های ملی و مذهبی در چهارچوب ایرانی واحد و مستقل و متحده و آزاد.

تمامی فعالیت حزب توده ایران در نزدیک به ۷ ماهی که از انقلاب گذشته است، شاهد این واقعیت انکار ناپذیر است که حزب ما با پیگیری و بدون تزلیل و بدون کوچکترین انحراف در این سمتگیری گام برداشته است. بیانیه ها، نامه های سرگشاده، مقالات روزنامه مردم و سایر نشریات حزب ما شاهد این ادعای ما هستند. حزب توده ایران کوشیده است که با انتقاد سازنده کمبودهای کار اجرائی را نشان دهد، با زیاده روی های افراطی از «چپ» و از راست مبارزه نماید، قیافه رشت ضد انقلاب و نفاق اندازان وابسته به آن را نشان دهد، مردم را از افتادن به دام دسیسه های رنگارنگ ضد انقلاب بر حذر دارد، در جهاد سازنده شرکت جوید و در چهارچوب طرز اندیشه و جهان بینی خود، راهنمائی های امام خمینی را در همه زمینه های یاد شده در بالا، در زندگی روزمره پیاده نماید.

به این ترتیب حتی در یک مورد هم نمیتوان به حزب توده ایران ابراد گرفت که از آزادیهای داده شده، سوه استفاده کرده و یا در جهت تحریک و تشویش اذهان و تضعیف جمهوری اسلامی عمل کرده است.

تمام فعالیت سیاسی و اجتماعی حزب توده ایران و همه سازمانهای وابسته به آن، درست در جهات معکوس این اتهامات بوده و هست. حزب ما با تمام نیروی خود تنها و تنها در جهت تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران مبارزه کرده و میکند و درست به همین جهت است که در تمام دوران تسلط رژیم منفور پهلوی مورد شدیدترین کینه و بغض آن رژیم قرار داشته و درست ۳۰ سال از امکان فعالیت قانونی محروم بوده است.

آقایان محترم!

بر پایه همین واقعیات است که ما به خود اجازه میدهیم از شما مصرانه بخواهیم به وعده هائی که در باره تأمین آزادی اندیشه و فعالیت سیاسی در چهارچوب تثبیت و تقویت جمهوری اسلامی داده اید، عمل کنید و به تضییقاتی که نسبت به فعالیت حزب توده ایران معمول می گردد، پایان دهید و از روزنامه مردم رفع توقیف به عمل آورید.

آزادی فعالیت سیاسی حزب توده ایران با سیاست انقلابی و سازنده اش مسلماً موجب

تحکیم اتحاد نیروهای ملی برای رسیدن به هدفهایی است که انقلاب تاریخی میهن ما در برای خود قرار داده است.

با تقدیم احترامات

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

۱۳۵۸ ماه مهر

به مناسبت حوادث اخیر کشور

هم میهنان گرامی!

با کمال تأسف، شاهد آن هستیم که در هفته های اخیر چرخشی در اوضاع سیاسی درون کشور پدیدار شد و با این چرخش ضربه دردنگ و هراس انگیزی به امر اتحاد و یگانگی نیروهای ملی و آزادیخواه وارد آمد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در نامه سرگشاده مورخه سوم مردادماه ۱۳۵۸ خود، با تحلیل جریانات سیاسی در حال رشد آن روز، این چرخش را پیش بینی کرد و هشدار داد و با احساس مسئولیت تاریخی از همه نیروهای وفادار به هدفهای انقلاب خواست که در راه جلوگیری از چنین چرخش زیان بخشی متعدد شوند. با کمال تأسف این ندای حزب ما بی پاسخ ماند.

امروز هم ما با جرأت می گوئیم که اگر نیروهای وفادار به هدفهای انقلاب موفق نشوند به آن نیروهای ارتجاعی که این وضع را به وجود آورده اند، لگام بزنند و روند انقلاب ایران را به راه اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی، که در مبارزه برای رسیدن به هدف های ضدامپریالیستی، آزادیخواهانه و مردمی انقلاب استوارند، بازگردانند، کمک بزرگی به کامیابی نقشه های خانمان برانداز دشمنان انقلاب به عمل آمده است. ما همیشه در همین جهت کوشیده ایم، و اگر چنین واقعیتی تاکنون تحقق نیافنه، علی رغم میل ما بوده و مسئولیت آن با کسانیست که در این راه گام مؤثر بزننداشته اند.

دشمنان انقلاب ایران، یعنی امپریالیست ها، و در پیش اپیش آنها امپریالیسم غدار آمریکا، صهیونیست ها و همسلطان ایرانی آن ها— یعنی بازماندگان رژیم سیاه پهلوی و سرهایه داران و زمین داران وابسته، که بخشی از امتیازات غارتگرانه خود را از دست داده و بخش

دیگرش را در معرض خطر می بینند. همیشه تلاششان در این جهت بوده و هست که با ایجاد چند دستگی و اختلاف و برخورد، تا حد برا فروختن جنگ خانگی و تحریک گردن های گوناگون جنبش انقلابی به زد و خورد و برادرکشی، جنبش انقلابی میهن ما را تقسیم کرده و از سمت گیری اصلیش، یعنی مبارزه علیه دیسیسه های امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتقاب داخلی منحرف سازند و اعتبار و حیثیت انقلاب را متزلزل و شرایط را برای بازگشت ضدانقلاب آماده سازند.

ما در نامه سرگشاده نامبرده یادآور شدیم که ضدانقلاب تمام تلاش های جنایت بار خود را از یکسو زیر پوششی از عام فریبی مذهبی و از سوی دیگر زیر ماسکی از چپ نمائی و سوء استفاده از مسئله حقوق ملی خلق ها در ایران تمرکز ساخته است و با برname ای دقیق می کوشد نیروهای ضدامپریالیستی را از این دوستی به جان هم اندازد. متأسفانه باید اذعان کرد که بسیاری از نیروهای وفادار به انقلاب به جای تمرکز نیروها در جهت سمت گیری اصلی انقلاب، مسائل فرعی را مطرح ساختند.

رویدادهای هفته های اخیر نشان میدهد که ضدانقلاب در راه رسیدن به هدف های خائنانه خود به کامیابی بزرگی رسیده و توانسته است جنبش انقلابی میهن ما را با بحرانی جدی روبرو سازد و به خود مشغول کند.

به هر تقدیر، ما امروز در مقابل این واقعیت هستیم که از یک سو حمله وسیعی از طرف نیروهای انحصار طلب راست برای سرکوب آزادی و در درجه اول آزادی نیروهای راستین انقلابی چپ و حتی بخشی از نیروهای انقلابی که زیر پرچم اسلام مبارزه می کنند، آغاز شده و از طرف دیگر کردستان به صحنه ای از جنگ داخلی و برادرکشی مبدل گشته است.

در آن بخش که هر بوط به جلوگیری از انتشار قسمتی از مطبوعات و محدود کردن فعالیت عده ای از گروه های سیاسی است، این طور گفته می شود که گویا این حمله برای جلوگیری از فعالیت ضدانقلاب است. متأسفانه واقعیت مؤید کامل این ادعا نیست. درست است که در باره بخشی از روزنامه های توافق شده و گروه های سیاسی هوا در ارشان، دعاوی دادستان تهران صدق می کند، ولی در مرور بخش دیگری از این مطبوعات و سازمان های سیاسی، از جمله حزب توده ایران و روزنامه مردم و سایر روزنامه های وابسته به حزب توده ایران، واقعیت درست در جهت مخالف این دعاوی است. حمله وسیع به سازمان های حزب توده ایران در سراسر ایران، توافق روزنامه مردم، ارگان مرکزی حزب ما، بازداشت، شکنجه و ضرب و جرح دهها و دهها نفر از هوا در اران حزب توده ایران در قصر شیرین و کرمانشاه و شهرهای دیگر غرب، بازداشت و اعدام بی رسیدگی و محاکمه دو تن از هوا در اران حزب توده ایران که به تصدیق اکثریت مردم کرمانشاه کوچکترین رابطه ای با گروه های افراطی و جریانات کردستان نداشته اند، همه نشان می دهد که هدف واقعی نیروهای انحصار طلب راست به هیچ وجه ضدانقلاب، یعنی عمل امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتقاب سیاه رژیم شاه نیست.

حزب توده ایران همواره بی گیرترین مبارز علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و ارتیاج سیاه پهلوی بوده است. ما افتخار می کنیم که در دوره ای طولانی، حزب ما یگانه سنگر مبارزان ضدامپریالیسم آمریکا بوده است. محدود کردن فعالیت چنین حزبی کمکی است در جهت بازکردن راه برقراری مجدد تسلط امپریالیسم آمریکا بر ایران. تاریخ نشان داده است که آغاز تسلط همه جانبه امپریالیسم آمریکا برکشور ما، از کشتار در آذربایجان و کردستان و غیرقانونی کردن حزب توده ایران آغاز گردید.

در این زمینه ما خواستار آن هستیم که به کلیه تضییقات علیه حزب توده ایران پایان داده شود، از روزنامه مردم و سایر روزنامه های وابسته به حزب توده ایران و مراکز حزب رفع توقیف به عمل آید، به دادستان های انقلاب و مسئولین دیگر شهرستان ها دستور داده شود که فعالیت حزب توده ایران را مورد حمایت قانونی قرار دهد و از حملات و تجاوزات گروه های افراطی و عناصر ساواک و ارتیاج جلوگیری به عمل آورند. ما خواستار اجرای کامل رهنماوهای امام خمینی در اطلاعیه یازده ماده ای مورخه ششم شهر یورمه ۱۳۵۸ درباره تأمین آزادی و فعالیت های سیاسی و اجتماعی هستیم.

بخش دیگر مربوط به کردستان است. به نظر ما مسئله کردستان ایران، مسئله دیروز و امروز نیست. مسئله کردستان ایران یک مسئله بغرنج تاریخی، جغرافیائی و ملی است. حزب توده ایران اولین حزب سیاسی ایران است که پس از سرنگونی دیکتاتوری سیاه رضاخان، پایان دادن به محرومیت های ملی خلق های غیرفارس را در ایران، به عنوان یکی از گره های مهم سیاست داخلی ایران، مطرح ساخت و یگانه راه عقلانی گشودن این گره را که واگذاری خودمنخاری فرهنگی و اداری در چهارچوب رعایت کامل و بدون خدشه تمامیت ارضی، وحدت ملی و مرکزیت قدرت دولتی است، نشان داد. حزب توده ایران اعتقاد راسخ دارد که خلق کرد در ایران تنها در چهارچوب ایرانی آزاد و مستقل می تواند به محرومیت های ملی خود پایان بخشد. هرگونه کوشش برای پیدا کردن راه حلی خارج از چهارچوب مبارزه عمومی همه مردم ایران برای بدست آوردن استقلال ملی و آزادی و پیشرفت اجتماعی، راهی است خطأ، پررنج، پرتفلات و بی نتیجه. اکنون دهها سال است که مردم کردستان برای پایان دادن به محرومیت های ملی و اجتماعی مبارزه می کنند و در این راه تلفات و قربانی های فراوان و سنگینی داده اند. تجربه همین مبارزات و مبارزات ملی در سایر کشورها به خوبی نشان می دهد که از بین رفتن محرومیت های ملی خلق های محروم در کشوری نظیر ایران تنها در جریان مبارزه برای تأمین استقلال و آزادی برای همه مردم کشور امکان پذیر است.

حزب توده ایران برآن است که خلق های محروم ایران تنها از راه هماهنگی با سایر نیروهای ضدامپریالیستی، آزادیخواه و خلقی، تنها از راه تلاش برای ایجاد جبهه متحد نیروهای خلق، از راه مبارزه متحد پیروزمند ضدامپریالیستی و دمکراتیک می تواند به محرومیت های ملی موجود پایان بخشد.

حزب توده ایران برآنست که از راه سرکوب و کشتار ممکن است «آرامش» برقرار ساخت، ولی نمیتوان مسئله ملی را نه در کردستان و نه در سایر نقاطی که در آن ها محرومیت‌های ملی مطرح است، حل نمود.

حزب توده ایران برآن است که در حادث کردستان علاوه بر خواستهای مشروع خلق کرد برای پایان دادن به محرومیت‌های ملی و عقب افتادگی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، که محصول رژیم سیاه وابسته به امپریالیسم «شاہنشاهی» است، تحریکات عوامل رنگارنگ امپریالیسم و صهیونیسم و ارتजاع نقش مهمی داشته و دارد. این عوامل هم اکنون دست اندر کارند که هر لحظه بحران را شدیدتر سازند، با اقدامات تحریک آمیز و حادثه‌آفرینی ازیک اسو و با اشاعه اخبار دروغ و تهییجی از سوی دیگر بر وحامت اوضاع بیفزایند، راه حل های امسالتم آمیز را غیرمعکن سازند، آب را گل آلود کنند و خود از آب گل آلود ماهی بگیرند. باید این نقشه شیطانی عوامل ضد انقلاب را، در زیر هر ماسکی که عمل می کند، به دقت دید و خشنی ساخت. وظيفة تاریخی رهبر انقلاب و همه نیروهای راستین هوادار انقلاب است که بین این دو جریان خط فاصل دقیق بگشند و این دو جریان را که یکی خلقی، مشروع و به حق است و دیگری خصم‌مانه، ضدانقلابی و جنایت‌بار، از هم جدا سازند و درمورد هر کدام روش سیاسی جداگانه ای برگزینند. این است موضع گیری اصولی ما. بر پایه همین موضع گیری اصولی حزب توده ایران با توجه به اهمیت موضوع، ضمن ابراز آمادگی در بکار بردن تمام کوشش و امکانات خود برای حل و فصل مسالمت آمیز مسئله کردستان، پیشنهاد می کند:

۱- بی درنگ و همزمان، به عملیات نظامی از دو طرف پایان داده شود و آتش بس اعلام گردد؛

۲- محاکمه و صدور رأی در دادگاه‌های انقلاب کردستان متوقف گردد؛

۳- مذکرات به منظور پیدا کردن راه حل سیاسی برای رسیدن به هدفهای مبرم زیرآغاز شود:

الف- تأمین خواستهای به حق و مشروع مردم کردستان در زمینه پایان دادن به محرومیت‌های ملی.

ب- تامین اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی برای ریشه کن ساختن و نابود کردن عوامل امپریالیسم، صهیونیسم و ارتजاع و رژیم پهلوی در منطقه کردستان و سراسر ایران.

به نظر حزب توده ایران این یگانه راهی است که به تحکیم، ثبات و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران کمک مؤثر می رساند و آن را به سمت گیری اصلی خود، یعنی سمت گیری علیه امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، و صهیونیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده - یعنی همان سمت گیری که امام خمینی چه پیش از پیروزی و چه پس از آن همواره برآن تکیه کرده‌اند - باز می گرداند و شرایط لازم را برای اتحاد همه نیروهای اتحادی که امام خمینی

همیشه به عنوان شرط عمدۀ برای پیروزی قطعی انقلاب یادآور شده‌اند، فراهم می‌سازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۶ شهریور ۱۳۵۸

به مناسبت سالگرد ۱۷ شهریور - جمعه خونین

هموطنان عزیز!

یک سال از جمعه خونین می‌گذرد: این روز در تاریخ مردم ایران، در تاریخ جنبش انقلابی ایران فراموش نشدندی است. این روز تاریخی چهره‌های گوناگونی دارد. این روز بیانگر جنایت‌بارترین واکنش رژیم ددمنش پهلوی در برابر خلقی است که با دست خالی برای استقلال و آزادی خود رزمیده. این روز نمودار قهرمانی خلقی است که چون تن واحد برای سرنگون ساختن رژیم دست نشانده پهلوی پیکار کرده. در این روز کشتار جمعی، در این روز شهادت خلقی، مبارزان راه استقلال، آزادی، عدالت، شرافت و ترقی در برابر عاملان وابستگی، اسارت، ظلم، فساد و عقب ماندگی قرار گرفتند. این زورآزمائی به بهای جان هزاران نفر از بهترین فرزندان خلق تمام شد، ولی در همان لحظاتی که پیکار آزادگان در زیر رگبار گکوله اسارتگران درهم می‌شکست، تاریخ حکم پیروزی خلق و شهیدانش، حکم شکست دشمنان خلق و دژخیمانش را صادر کرد. و دیری نگذشت که انقلاب بزرگ مردم ایران، به رهبری امام خمینی، براین حکم صحه گذاشت. درود بی‌پایان بر زنان و مردانی که خون خود را وثیقه این حکم تاریخی قرار دادند!

هموطنان عزیز!

فرزندان دلیر میهن ما، در جمعه خونین و روزهای نظیر برای آن بخاک و خون غلطیدند، همه زنان و مردان میهن پرست و آزاده ما برای آن رزمیدند که میخواستند رژیم دست نشانده، خائن، ظالم و فاسد پهلوی سرنگون شود، سلطه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتیاج از میهن ما ریشه کن گردد. دست سرمایه‌داران بزرگ وابسته و مالکان

بزرگ از غارت ثروت ملی و نتیجه دسترنج مردم زحمتکش ما کوتاه شود و مردم میهن ما، پس از اینهمه ظلمی که برآنها رفته است، از استقلال و آزادی و عدالت و رفاه و ترقی برخوردار گردند. و اینک، در زمانی که سالگرد جماعت خونین را برگزار میکنیم، بار دیگر در برابریکی از حساس ترین، بعرنج ترین و پرمسئولیت ترین لحظات تاریخ خود قرار گرفته ایم، زیرا دستاوردهای انقلاب بزرگ ما، خواست مردم قهرمان ما، آرزوهای شهیدان جانباز ما، در معرض خطر عظیمی قرار گرفته است.

رژیم سرنگون شده ولی نابود نشده، امپریالیسم ضربت دیده ولی از پای در زیاده و با تمام نیروی اهربایی خود و با تمام وسائل و امکاناتی که با کمال تأسف هنوز باندازه کافی در اختیار دارند می کوشند آن تن واحدی را، که درست به علت وحدت خود حمامه آفرید و دشمن قدرتمند را بزانود آورد، پاره پاره کنند، صفوی متعدد خلق را از هم جدا سازند، نیروهای انقلابی را به جان هم اندازند، و براین زمینه، که چیزی جز تضعیف جنبش انقلابی مردم ایران را بدنبال ندارد، آب رفته را بجوي بازگرداند.

از زیر ضربه خارج کردن امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی و واقعی مردم ایران، پیش کشاندن خطر واهی کمونیسم، برافروختن جنگ برادرکشی در کردستان و عواقب در دنای آن؛ هجوم به آزادیهای دمکراتیک، متهم ساختن وزیر ضربه قرار دادن نیروها و سازمانهای اصیل انقلابی و ضدامپریالیستی - از جمله حزب توده ایران - توطنه، تحریک، اخلال و خرابکاری در تمام شوون اجتماعی بمنظور فلنج کردن، بدنام کردن و منحرف ساختن انقلاب، مکمل این نقشه اهربایی است.

هموطنان عزیز!

در سالگرد جماعت خونین، در تجلیل از خاطره تابناک شهیدان، صفت متحد وندای استقلال طلبانه و آزادیخواهانه آنان را بیاد آوریم و با تمام نیروی خود بکوشیم که نقش اهربایی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی را در تفرقه افکنی بین نیروهای انقلابی، در زیر پا گذاشتند دستاوردهای انقلاب خشی سازیم. با خواست تشکیل جبهه متحد خلق برای دفاع از دستاوردهای انقلاب، برای ریشه کن ساختن سلطه امپریالیسم، بسیار کردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم و نابود ساختن بقاای رژیم پهلوی، برای تأمین و تضمین استقلال ملی و آزادیها و حقوق دمکراتیک، برای نوسازی اقتصاد ملی در جهت تحکیم استقلال اقتصادی و بهبود زندگی زحمت کشان، برای تأمین و تضمین حقوق ملی خلقهای ایران در چارچوب ایران واحد و حفظ تمامیت ارضی کشور - یعنی همان خواستهایی که از جانب امام خمینی به عنوان محتوای جمهوری اسلامی ایران اعلام شده است - در مراسmi که به مناسب یادبود ۱۷ شهریور - جماعت خونین - برگزار می شود، شرکت کنیم.

جاودان باد خاطرهٔ تابناک شهیدان ۱۷ شهریور!
برقرار باد جبههٔ متحد خلق در دفاع از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران!

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

۱۵ شهریور ماه ۱۳۵۸

به مناسبت در گذشت ناہنگام آیت الله العظمی سید محمود طالقانی

آیت الله العظمی سید محمود طالقانی، دانشمند بزرگ، مجاهد نستوه، رئیس شورای انقلاب از میان ما رفت و جامعه ما را در غمی بزرگ فروبرد. تاریخ ایران چنین سوگواری عظیم و پردردی را بیاد ندارد. در تاریخ جهان نیز چنین سوگ بزرگ و عمیقی کم نظری است.

علت این همه محبت مردم به آیت الله طالقانی چیست؟ پاسخ این پرسش را باید در عقاید و اندیشه‌های روشن طالقانی و در صداقت و پی‌گیری او در جهاد بخارط معتقد اش جست وجو کرد. او تمام عمر در راه مردم، علیه هرگونه استبداد و استعمار رزید. او اهمیت واقعی اتحاد نیروهای انقلابی را زیر و همراه امام خمینی درک کرد و با تمام قوا کوشید تا این نیروها را بهم نزدیک سازد، پلی میان آنها بیندد، حلقة رابط و تحکیم کننده اتحاد نیروها باشد.

آیت الله طالقانی یکی از روشن بین ترین رهبران انقلاب کنونی ایران بود که معنای انقلاب را با عمق تمام درک کرده، حاضر نبود خود را با کلیات دل خوش کند. اومی گفت:

«همه می‌گوییم انقلاب اسلامی. پرسید هدف چیست؟ هنوز مشخص نشده است... برنامه‌ای برنامه قبل از انقلاب مدینه بود. نه مثل ما مسلمان‌ها که اول انقلاب کردیم و حالا می‌نشینیم که برنامه معین کنیم.»

خود آیت الله طالقانی از کسانی نیست که ندانند هدف انقلاب چیست. او برنامه انقلاب اسلامی را از قبل برای خود روشن ساخته و سالها با پی‌گیری آنرا دنبال کرده بود. او خواستار استقرار جامعه «عدل و قسط» بود. او می‌خواست که:

«نظمات فاسد و فاصله‌ها فرو ریزد... ترکیب اجتماعی جدیدی بوجود آید، یعنی اجتماعی انقلابی، اجتماعی پیش رو...»

برای طالقانی همه‌این مفاهیم معنای دقیق و روشن اجتماعی داشت. او درباره تاریخ تکامل

جامعه بشری می گفت:

«سرشناس پول که به دست طبقه ای می آید، سرشناسه های سرمایه انسانی و طبیعی و حکومت هم به دنبال آن بدست همین طبقه قرار می گیرد... وحدت و یگانگی اجتماعی مبدل به تفرقه و اختلاف و طبقات متضاد می گردد. طبقه محروم و بی نوا در برابر طبقه مالک و متصرف در اموال و نفوس، که حکومت را در دست دارند، صفت بندی می کنند.»

طالقانی این «صف بندی» طبقاتی و قیام مردم محروم را تأثیر می کرد و حتی قیام مانی و مزد ک را می ستود. درنظر او همه قیام های طبقات محروم و ملل استم دیده ذر هر نقطه جهان و صرف نظر از این که زیر چه پرچمی باشد، اسلامی است:

«هر انقلاب علیه ظلم و استبداد و علیه استثمار، در هرجای دنیا که باشد، همیشه در نظر ما یک انقلاب اسلامی است.»

در این انقلاب اسلامی که به گفته طالقانی موافق برنامه علی بن ابی طالب است:

«خدخواهانی که برگرده مردم سوارند باید به زیر کشیده شوند، مستکبرین خودخواه و سرمایه داران غارتگر باید دنبال کارشان بروند، گرچه طلحه و زبیر باشند.»

در «ترکیب جدید اجتماعی» جائی برای این سرمایه داران غارتگر و ملاکین و مستکبرین نیست. آیت الله طالقانی از «قدرت کارگری» که «در دل دستگاه صنعتی نطفه می بندد و به یک قدرت فعال بدل می شود» سخن می گفت. در جامعه اسلامی مورد نظر آیت الله طالقانی قدرت باید در دست مردم باشد، مردمی که در شوراها مشکل می شوند:

«مسئله شوراها یکی از اساسی ترین مسائل اسلامی است... بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند. این مردم هستند که کشتند داده اند.»

جامعه مورد نظر آیت الله طالقانی جامعه ای است آزاد، که در آن جائی برای هیچ نوع استبداد و خفقات نیست. او با احساس درد به یاد می آورد که:

«ادیان پس از انحراف از اصول دعوت داعیان به حق و دور شدن از سرچشمۀ تعالیم پیغمبران به حق، وسیله ای برای ستمگری و ظلم و حق کشی شده اند.»

او هشدار می داد که حساب این تعالیم را از سوی استفاده کنندگان جدا کنیم و مراقب باشیم که امروز یک بار دیگر چنین نشود:

«اگر برنامه علی در انقلاب اسلامی ما پیش نرود، باید به طور یقین بدانید که به جای اول برخواهیم گشت.»

طالقانی می گفت:

«اسلام دین سعه صدر و بینش وسیع است. کتاب ما برای همه بشر است.»

اما نا آگاهان کار را خراب می کنند. طالقانی در خطبه ای که روز هفدهم شهریور در بهشت زهرا خواند و باید گفت که وصیت نامه ای است، از «استبدادی که زیر پرده دین» عرضه می شود، نالبد و آن را «خطرناک ترین تحمیلات» نامید و گفت:

«هنوز مردم مستضعف ما باور نمی کنند که رسالت اسلام و انقلاب ما آزادی است.

چون کم تر عمل دیده اند.»

آیت الله طالقانی در آنچه درباره سعه صدر اسلام می گفت نیز مانند همه موارد دیگر صادق و صمیعی بود و در زندگی بدان عمل می کرد. او خود آثار مارکسیستی را می خواند و می گفت:

«ما درنفی استثمار و استعمار و دفاع از آزادی با مارکسیست‌ها عقاید مشترکی داریم.

آنچه، قبول نداریم اصلت ماده است.»

و در مواردی هم که عقاید مشترک نباشد، طالقانی بحث و تبادل نظر را ممکن و سودمند

می شمرد و می گفت:

«من نظرهای انتقادی خود را (درباره اقتصاد مارکسیستی) عرضه می دارم و انتظار دارم

که اگر اشتباه در فهم و نقد پیش آید هدایتم کنند.» و پس از ابراز نظر، اضافه می کرد:

«جواب روش محققین جهان بینی مارکسیسم را انتظار داریم.»

چنین بود بزرگواری وسعت صدر دانشمندی که به عقاید خویش و صداقت بیانش اعتماد

داشت.

یکی از برجسته‌ترین خصوصیات آیت الله طالقانی، که محبت و احترام عمیق همه

مبارزین راستین انقلابی را بر می انگیخت، اعتقاد عمیق او به ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی

بود. او نه در حرف، بلکه در عمل تمام نیروی شگرف خود را علیه تغرقه اندازان، از هر طرف که

باشد، چه چپ‌نمایان خرابکار و چه راست گرایان افراطی، به کار می برد و با اشاره به وصیت

علی‌بی‌ابی طالب می گفت:

«مردم نادان این قدر سربه سر هم نگذارید. تفتیش عقاید نکنید. کسی که به شما و

اسلام سلام می کند، نگوئید مسلمان نیست... کاری نکنید که آگاهانه و یا ناآگاهانه از دین

اسلام عزیز، اسلامی که همه را از شرکت در پلیدی نجات می دهد، برای ما خرده گیری کنند.

گروهی که به نام دین به جوامع و اجتماعات حمله می کنند، آن‌ها بی کتاب‌ها را آتش

می زنند... یا مسلمان‌های ناآگاهند و یا آلت دست.»

طالقانی تأکید می کرد:

«اهداف احزاب و جمیعیت‌ها چیست؟ چرا باید مقابل هم قرار گیریم. این مقابله‌ها و

موقع گیری‌ها، هرچند با حسن نیت باشد پشت سر آن دست استعمار است... اسلامی که ما

می شناسیم اسلامی که از قرآن و سنت پیغمبر سرچشمه گرفته، هیچ گونه آزادی را محدود

نمی کند.»

اعضاء و رهبران حزب توده ایران، که سال‌ها در زندان‌های رژیم منفور پهلوی با آیت الله

طالقانی هم زنجیر بوده‌اند، همواره به این خصوصیت پاک و انقلابی وی ارج می گذاشتند.

آنان از علاقه صمیمانه آیت الله طالقانی به اتحاد همه نیروهای انقلابی و احتراز از تفرقه، که «شرک» است خاطرات روشی دارند.

آیت الله طالقانی فقط به داخل کشور نظر نداشت، او قبل از هر چیزه، اهمیت نفوذ فلاکت بار امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، را درک می کرد. تمام عمر پر بار و مالامال از نبرد علیه امپریالیسم است. طالقانی به روشی تمام درک و اعلام می کرد که: «سرنوشت مردم ایران همان سرنوشت مردم کوبا، سرنوشت مردم فلسطین و سرنوشت همه کشورهای اسلامی است... آنچه نگرانی ایجاد می کند مرد مربوط به عقده های چرکیست است که امپریالیسم به نام اسرائیل و صهیونیسم و آفریقا جنوبی در مناطق حساس جهان، مستقر کرده است.»

طالقانی می خواست که جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی خود امپریالیستی داشته و حامی همه جنبش های رهانی بخش باشد. او صادقانه هادار صلح بود و جنگ را جز در مقام دفاع در برابر تجاوز امپریالیستی جایز نمی شمرد: «ملکت ما کشور علی است... تمام جنگ های علی دفاع بود. آیا این نباید سرمتشق برای ما مسلمان ها باشد که به کسی تهاجم نکنیم.»

با کمال تأسف و تأثیر آیت الله طالقانی دیگر در میان ما نیست. او در یکی از حساس ترین روزها و لحظات انقلاب ایران با چشمی نگران مارا ترک گفت. ما این ضایعه بزرگ و جیران ناپذیر را به همه مردم ایران و به رهبر انقلاب، امام خمینی، و به بازماندگان فقید سعید صمیمانه تسلیت می گوئیم. در شب قدر، که آن قدر برایش عزیز بود، طالقانی از شدت هیجان و با احساس خطر نزدیک فریاد برآورد:

«می خواستم گریه کنم، همان ملتی که آن یگانگی و وحدت و شوری را که داشت، بتدریج تبدیل به خصوصت، جبهه گیری و عداوت می کند.»

اینک که این بزرگ مرد صدیق و روشین بین انقلاب ایران را از دست داده ایم، بکوشیم تا یگانگی و وحدت را به صفو خود برگردانیم و از جبهه گیری و عداوت پرهیزیم: ما بارها تصریح کرده ایم که رکن اصلی مشی انقلابی حزب توده ایران، تحکیم صفو نیروهای انقلابی در برایر خطر ضد انقلاب و تحریکات و توطئه های امپریالیسم، صهیونیسم و عمال آن هاست. مبارها تصریح کرده ایم و باز هم تصریح می کنیم که پیشنهاد تشکیل جبهه متحد خلق، که حزب ما مطرح می کند، خصلت زود گذر تاکتیکی ندارد. میان نظریات ما و نظریات رهبرانی چون طالقانی وجود مشترک فراوانی موجود است که امکان همکاری عملی و صادقانه را برای حفظ، تحکیم و گسترش انقلاب فراهم می کند.

ما از جانب خود با تمام قوا در این راه می کوشیم و یک بار دیگر دست اعتماد خود را به سوی تمام نیروهای صدیق انقلابی، به سوی تمام پیروان آیت الله طالقانی و به سوی کسانی که به رهبری قاطع امام خمینی در نبرد برضد امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و

صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی و برای استقلال و آزادی و عدالت در میهن ما معتقدند، دراز می کنیم. بیانید روی آنچه که میان ما مشترک است، تکیه کنیم و صفوف خود را در برابر توطئه های امپریالیسم و برای دفاع از انقلاب ایران متحد سازیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ماه ۲۰ شهریور

به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

سال تحصیلی جدید آغاز می شود. سالی به کلی بی سابقه، برای نخستین بار دانش آموزان و دانشجویان ایرانی در حالی به کلاس درس قدم می گذارند که مردم ایران در یک نبرد عظیم انقلابی ضد امپریالیستی و ضد سلطنت فاسد استبدادی پیروزی های بزرگ به دست آورده اند. امسال دیگر نوکران شاه مخلوع، یعنی عاملین امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم و چاولگری و تحقیق فرهنگی و اشاعه فساد زنگ آغاز سال تحصیلی را به صدا در نخواهد آورد و دیگر، هرگز، ترهات شاه مخلوع به نام «پیام»، فضای نخستین روزهای تحصیلی را زهر آگین و تلغی خواهد کرد. اکنون دیگر هر جوان و نوجوان ایرانی، که به مدرسه و دانشگاه گام می نهد، می تواند این امید الهام بخش را در دل پروراند که در راه خدمت به استقلال و آزادی میهن، در راه خدمت به خلق محروم و برای بهروزی به تحصیل خواهد پرداخت و می تواند این آینده روشن را مجسم کند که ثمرة کوشش هایش در راه کسب علم و فن تصفیب انحصارهای خارجی و غارتگران داخلی، خانواده منفور پهلوی و ایادی آن و زالوهای اجتماعی خواهد شد.

بی شک ابرهای تیره ای که نشانی از خطر است، در افق پیداست. ولی قلب و مغز جوانان و نوجوانان ما، که در به ثمر رساندن انقلاب بزرگ خلقی، سهم شایسته و گرانقدری داشته اند، به آن اندازه آبدیده و غنی، پرشور و پر شعور است که این ابرهای تیره را یأس انگیز و خوف بار خواهد دید، بلکه هشدار دهنده و تجهیز کننده خواهد یافت.

آری، آغازی بی سابقه است و این را خود جوانان دانشگاهی و نوجوانان محصل ما به خوبی می دانند، می دانند که در این پیروزی دورانساز دانش آموزان و دانشجویان چه سهم بزرگ و غرور آفرینی دارند. از ۲۵ سال تسلط جهنمی و مرگبار محمد رضای فاسد حتی یک

سال را نمی توان شاهد آورد که دانشگاه ها خاموش مانده باشد و سنگر دانشکده ها و مدارس از مجاهدان و مبارزان خالی . سنت های نبرد دانشگاهی ما در این سالهای خفقان و استبداد، بحق مایه فخر و سر بلندی همه مردم ایران است . دانشجویان و دانش آموزان ما در تمام این مدت با شایستگی بیان گر خواست های خلق های محروم ایران شدند و هر مهرماه و آغاز سال تحصیلی را، هر آذر ماه و سالگرد ۱۶ آذر تاریخی را، هر بهمن ماه و یادبود یورش به دانشگاه را و هر خاتمه سال تحصیلی را به مناسبت هائی برای پیکار مقدس و خستگی ناپذیر خود علیه رژیم سلطنتی دست نشانده و اربابانش و یادیش بدل می کردند . طاغوتیان هر بار، لرزه بر اندام و ترسان از جنبش افشاگر دانشجویی، انواع تدابیر را، از خونین ترین سرکوب ها تا ظرفیت ترین فریب ها، اتخاذ می کردند . ولی هر بار با شکستی مفتضحانه رو برو می شدند . در سال فراموش نشدنی انقلاب، دانشگاه ها و مدارس از مهمترین، شعله انگیزترین و پرتداوم ترین کانون های انقلاب بودند . یاد آنهمه قربانی و فداکاری و ایثار را، خلق ایران، و تاریخ ایران هرگز فراموش نخواهد کرد . نقش جوانان و نوجوانان دانش پژوه ما در این انقلاب بزرگ جاودانه بر سینه ها، بر عقول و بر صفحه تاریخ ثبت است .

سال تحصیلی جدید در شرایط به کلی تازه ای آغاز می شود . از یک سو دستاوردهای بزرگ انقلاب خلقتی و ضد امپریالیستی در برابر همه ماست و لزوم دفاع از آنها، تشییع و تحکیم و گسترش آنها، از سوی دیگر فعالیت های خطرناک ضد انقلابی و چرخش به راست و خطر محظی محدود کردن بسیاری از این دستاوردها و ضرورت هشیاری هرچه ژرف تر و اتحاد هرچه محکمتر به خاطر رفع خطر .

این شرایط به کلی تازه، وظایف به کلی تازه ای را در برابر جوانان و نوجوانان در سال تحصیلی جدید قرار می دهد . باید همه کوشش خلاقه و نوآورانه، اصولی و پررنمی را به کار برد تا در شرایط جدید، برداشت کنه نداشت و با وسائل گذشته عمل نکرد . باید تحلیل مشخص وضع جدید را در تغییر دائمی آن و مسایل جدیدی که هر روز زائیده می شود و شیوه های جدید برخورد با آنها مدنظر هر دانشجو و دانش آموز آگاه و متعدد و مسئول باشد .

وظيفة ماست که متوجه باشیم مخالف راست گرای انحصار طلب در سال تحصیلی جدید خواهند کوشید از برخورد آزادانه عقاید و افکار جلوگیری کنند، جو ویژه و محدودی را بر محیط دانشکده ها و دیبرستان ها تحمیل نمایند، با دستاویز های تازه ای جلوی آزادی فعالیت و عمل اجتماعی و مشارکت و مشورت در امور را بگیرند، اصل تحمل عقاید دیگران را نادیده بگیرند . ضد انقلاب هم آشکار و پنهان از این تلاش پشتیبانی می کند . این گرایش که آبستن خطرات بسیاری است، با توجه به سنت های درخشنان گذشته، بی شک راه به جائی نخواهد برد، ولی می تواند مانع جریان عادی امور تحصیلی و مشارکت اجتماعی دانشجویان و دانش آموزان ما باشد و در نهایت امر به اهداف انقلاب و تحکیم آن زیان های جدی وارد سازد .

وظيفة ماست که متوجه باشیم هرگونه هرج و مرج و تندری های بی موضوع و

پرخروش، اما بی محتوی و سبکسازانه، می تواند بهترین وسیله برای دادن بهانه هم به ضد انقلاب و هم به محاذی راست گرای انحصار طلب باشد، می تواند بجای آن که کوشش اساسی را در جهت اتحاد همه گروه ها و گرایش های انقلابی و مؤمن به نبرد ضد امپریالیستی و آزادی خواهانه متمرکر کند، به سوی نفاق و چند دستگی بکشاند، نیروها را هرز دهد و به جان هم بیاندازد و از جهت دیگری مانع جریان عادی امور تحصیلی و شرکت فعال و موثر در نبرد ضرور اجتماعی به خاطر پیشبرد راستین انقلاب شود.

باید متوجه و به هوش باشیم تا بتوانیم سال تحصیلی تازه را به سال اتحاد نیروهای واقعی انقلابی و مترقی، به سال انفراد قطعی و نهائی ضد انقلابیون آشکار و پنهان و خدمت گزاران آشکار و پنهان امپریالیسم بدل سازیم. براستی دانشگاه ها و مدارس ما، که سالهای سال ندادی نبرد متعدد ضد شاه و ضد استعمار سر می دادند، چرا حالا نتوانند نمونه ای برای وحدت عمل همه گروه ها و گرایش های سیاسی و اجتماعی که دارای هدف مشترک ضد امپریالیستی و خلقی هستند، به دست دهند؟

بهوش باشیم و به انحصار طلبی و به هرج و مرج میدان ندهیم. بلوغ نسل جوان و دانش پژوه را در این دوره بغرنج گذار انقلابی ثابت کنیم. مردم زحمتکش ایران نگران آنند که در وضع بسیار بغرنج و پیچیده کنونی، چگونه دانشجویان و دانش آموزان ایرانی رشد اجتماعی خود را نشان خواهند داد. به باری انقلاب خواهند شتافت، با بلوغ و درایت، پختگی و روشن بینی از یک سو هر چه جدی تر و مصممانه تر در راه کسب علم و فن و نیل به استغای فرهنگی و علمی کشور و در نتیجه تحکیم پایه های استقلال میهن خواهند کوشید و از سوی دیگر در صحنه اجتماعی، بیدار و آگاه، به سود انقلاب و پیشبرد آن عمل و مشارکت خواهند نمود.

بار دیگر در این نخستین روز مهر پس از سرنگونی رژیم استبدادی دست نشانده امپریالیست های جهانخوار، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، خاطره جاودانه دانش آموزان و دانشجویان پرشوری را که در پیکار دلیرانه خود به خاطر استقلال و آزادی میهن شربت شهادت نوشیدند، گرامی بداریم و سال تحصیلی را با هوشیاری، با جدیت، با حس مسئولیت، با تعهد آگاه آغاز کنیم! روشن بینانه، آرام و قاطع با دشواری ها و بغرنجی ها روبرو شویم تا شایستگی خود را برای انجام وظایف جدید و رسالت های نو نشان دهیم!

متعدد باشیم و در راه اتحاد بکوشیم! اتحاد ما ضامن پیروزی مبارزه ما در راه تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ما خواهد بود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اول مهرماه ۱۳۵۸

در باره مسئله کردستان

پس از حوادثی که در کردستان گذشت، اکنون مخالفان مختلف سیاسی و اجتماعی کشور به پاسخ این سؤال می‌اندیشند که چه باید کرد تا به جنگ برادرکشی پایان داده شود، مسئله بطور بنیادی حل شود و امکان بروز حوادث دیگر در کردستان از میان برخیزد؟ حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی است که از دهها سال پیش تاکنون، چگونگی برخورد انقلابی و اصولی به مسئله حقوق ملی خلقهای ایران را با پیگیری ارائه داده است. حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی است که پس از انقلاب پیروزمند مردم ایران، بموضع درباره آنچه که در کردستان می‌گذشت، هشدار داد. حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی است که پس از بحران کردستان، راه حل انقلابی و اصولی این بحران را در بیانیه کمیته مرکزی حزب، بمناسبةت حوادث اخیر کشور مورخ ۶ شهریور ماه ۱۳۵۸ عرضه داشت. لذا بار دیگر و با تفصیل بیشتر، علل بروز بحران کردستان و راه حل آن را بیان داتر يم. در آغاز طرح مسئله خود را از تذکر یک رشته واقعیات ناگزیر میدانیم. پایه این واقعیات عبارت از این است که در ایران خلقهای ستمدیده‌ای وجود دارند، که یکی از آنها خلق کرد است. این خلق طی قرون و اعصار مت마다 تاریخ در میهن خود، ایران، دوش بدش همه خلقهای برادر زیسته، در ایجاد فرهنگ غنی ایران شرکت نموده و در راه آزادی و استقلال ایران جانباز یها کرده و قربانیها داده است. تاریخ شاهد آنست که خلق کرد در دورانهای در صفحه مقدم همه خلقهای مسلمان قرار گرفته، و بسیار کردگی مردانی چون صلاح الدین ایوبی، از استقلال و آزادی این خلقها و از تمدن و فرهنگ آنها علیه مهاجمان صلیبی دفاع کرده و حق بزرگی بگردن جنبش رهایی بخش این منطقه جهان نهاده است.

پس از برقراری تسلط امپریالیسم و استبداد بر میهن ما ستم ملی به بخشی از سیاست

دولتهای دست نشانده و استبدادی مبدل شد و خلقهای محروم ایران زیر ستم مضاعف قرار گرفتند.

منظره عمومی اعمال این ستم و نتایج آن در کردستان چنین بود که در سرتاسر دوران حکومت خاندان پهلوی، حق انتخاب انجمان‌های ایالتی و ولایتی مصوب در قانون اساسی سابق، از خلق کرد نیزه مانند دیگر مردم ایران، سلب شده بود. خلق کرد حق مداخله در امور صرفاً محلی را نیز نداشت و همه مأموران و استانداران و فرمانداران و رؤسای ادارات از طرف شاه و دولت وی فروستاده میشدند، که در اینجا نیازی به توصیف اعمال و خواص آن ابلیس صفتان نیست. اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان مناطق کردنشین در مجلس شورای اسلامی، گماشتگان در بار و ایادی امپریالیسم و استعمار بودند و خلق کرد در «انتخاب» آنها کمترین دخالتی نداشت. مأموران کشوری و لشکری و مساواکی، همدست با خوانین و دیگر گردنهکشان محلی و مرکزنشینان طاغوتی، این خلق محروم را می‌چاپیدند. به جای آبادی و فرهنگ و بهداشت، به کردستان تانک و توپ و پلیس میفرستادند. هر گاه کاسه صبر این خلق لبر بز میشد و سر باعتراف بر میداشت، در نهایت قسوات و بیرحمی و بعنوان مبارزه با «قطاع الطريق» و «متھاسر» و «تجزیه طلب» وی را سرکوب میکردند. بارها و بارها در کردستان سیل خون مردم بیگناه براه افتاد. مردم کرد زیر ساطور مأموران شاه مخلوع قتل عام میشدند و امکان رساندن حرف خود بمقدم ایران و دادخواهی از وجودان پاک هم میهنان خود را نداشتند. خلق کرد از حق تحصیل بزبان مادری، که شرط اساسی برای از بین بدن بیسواندی و بالا بردن سطح فرهنگ عمومی است، محروم بود. فرهنگ و هنر ملی و مردمی خلق کرد، که یکی از ارکان بزرگ معنویات ویرا تشکیل میدهد، راهی برای رشد نمییافت. و بطور تصنیعی و اجباری، با رکود و فراموشی و افول مواجه میگردد. هویت و موجودیت ملی خلق کرد مورد نفی و انکار و اهانت قرار میگرفت. در باره رشد صنعت و کشاورزی و بازرگانی و راهسازی و آبادانی و آموزش و پرورش و بهداشت وغیره اصولاً سخنی نمیتوان گفت، زیرا رژیم پهلوی کردستان را از این مواهب و نعمات محروم ساخته بود، بطور یکه از این لحاظ کردستان، در ایران محروم و عقب مانده، در ردیف عقب مانده‌ترین و محرومترین مناطق کشور بود.

این بود گوشه‌ای از منظره واقعی آن کردستانی که شاه مخلوع ریا کارانه آنرا «مهد تمدن آریائی» مینامید. کلیه آنچه گفته شد (که بخشی از آن جزو ستم همگانی بود که بر همه مردم ایران وارد میگردد، و بخش دیگر آن، ستم ملی و مختص کردها و دیگر خلقهای مستمدیده ایران بود) زندگی را برای مردم کردستان به جهنم واقعی مبدل کرده بود.

این سیاست و این وضع تا انقلاب پیروزمند مردم ایران ادامه داشت. خلق کرد در سیمای این انقلاب رمز رهائی و سعادت خود را مشاهده میکرد، ولذا با تمام توانائی در آن شرکت کرد. مردم همین مهاباد و سقز و مریوان و پاووه دوش بدش مردم تهران و قم و تبریز و مشهد و اصفهان، زیر رهبری امام خمینی، علیه رژیم پهلوی قد علم کردند و هزارها قربانی

پس از پیروزی انقلاب، خلق کرد، مانند همه مردم رنجیده ایران، انتظار آن را داشت و دارد که نظام جمهوری اسلامی ایران، کلیه سیاستها و برخوردها و مناسبات طاغوتی گذشته را، که منظره کلی آن در بالا ترسیم شد، از بین و بن ریشه کن می‌ازد و دروازه‌های روش آزادی و عدالت را بروی اوی بگشاید. خلق کرد از صمیم قلب آرزوی آنرا داشته و دارد که اولین حکومت ایران، که برای نخستین بار در تاریخ، زنجیر ستم ملی را از گردن وی برداشت، حقوق ملی وی را تأمین خواهد کرد، حکومت جمهوری اسلامی ایران باشد. خلق کرد، ایران را طبیعی ترین وطن و مطبوع ترین مکانها برای خود میداند و آنچه میخواهد جدا شدن از ایران نیست، بلکه فقط این را خواسته و میخواهد که در چهارچوب این وطن، که از ماکوتا چاه بهار و از آبادان الی سرخس، همه نفاطاش برای او یکسان عزیز و گرامی است، در خانواده پر مهر و محبت همه برادران ایرانی خود آزاد و بی زنجیر زندگی کند، و تا حدودی که امروز منافع همگانی انقلاب و مردم ایران اجازه میدهد، بوی اختیار اداره کردن امور صرفًا محلی اعطای گردد. اینها بخشی از واقعیاتی بود که توجه پانها میتواند به حل عقلانی مسئله کمک کند. بمنظما شرح مختصراً که در بالا، در مورد کنه مطلب دادیم، کمک جدی به روشن شدن اذهان عمومی و طرح مسئله است، زیرا این واقعیات روشن می‌سازد که مسئله کردستان مسئله امروز و دیروز و بیست سال و سی سال قبل نیست، بلکه مسئله ایست دارای ریشه‌های عمیق تاریخی و از احتیاجات مبرم توده‌های وسیع خلق کرد سرچشمه میگیرد.

بسیاری از ناظران بر حادث در این نظر متفق القولند که مسئله کردستان بمراتب عمیق‌تر از آنست که بتوان علت آنرا تنها با تأثیر تحریکات ضد انقلاب توضیح داد. شک نیست که آن خط مشی، که کار کردستان را به مقابله سیاسی و نظامی کشانید، یک خط مشی ضد انقلابی بود و طراحان این خط مشی، امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و بقایای رژیم منفور پهلوی بوده و هستند. ولی وجود توطئه و عمل ضد انتقامی، بهیچوجه نمیتواند و نباید موجب آن گردد که واقعیت اصلی، یعنی موجودیت خلق ستمیده کرد و خواستها و نیازمندیهای بحق و عادلانه وی از مرکز توجه دور شود و بعنوان مبارزه با ضد انقلاب، این خواستها و نیازمندیهای نفی گردد.

در نهایت تأسف باید بگوئیم که گرھی که میتوانست براحتی با تاخن باز شود، به دندان حواله شد و کمترین بهائی که برای این چرخش ناگوار تاکنون پرداخته شده ایست که همه شاهد آنیم: سنگربندی برادر علیه برادر، ریختن خون برادر بدست برادر و مسموم گشتن محیط سیاسی کشور، محیطی که— بگفته امام خمینی— به آرامش و تفاهم، حد اعلای احتیاج را دارد.

ولی تاریخ هرگز راه را بروی خرد انسانی نمی‌بندد. آنانکه جز خدمت به خلق هدف دیگری ندارند، همواره شجاعت آنرا نیز در خود می‌یابند که جویای راه حل‌های درست تری باشند.

رهبر انقلاب بارها و با لفظ «کردستان بزرگ» و «کردستان عزیز» خلق کرد را مورد خطاب قرار داده است و بروی وحدت کلمه و لزوم آرامش و تفاهم تکیه خاص میکند. روزنامه «امت» معتقد است که بعوض انتکای صرف به نیروی نظامی و مبارزه با ملعولها، باید بمردم کردستان تکیه نمود و با قاطعیت علیه ریشه ها و علل ایجاد کننده بحران مبارزه کرد.

توده های مردم کردستان میگویند: ما ایرانی هستیم و با تجزیه یک وجب از خاک ایران و کاستن یک کلوخ از مرز و بوم این خاک با تمام وجود مخالفیم. ما تنها خواستار حقوق حقه ملی خود هستیم. ما از انقلاب بزرگ مردم ایران، که در راهش قربانیهای بسیار داده ایم، انتظار داریم که این خواسته های مشروع و عادلانه را برآورده سازد. ما خواستار از بین رفتن فقر و محرومیت و عقب ماندگی هستیم. ما میخواهیم که حیثیت انسانی ما خدشه دار نگردد. ما میخواهیم این حق طبیعی بما داده شود که در چهارچوب وحدت ملی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و مرکزیت قدرت دولتی، از خود مختاری اداری و فرهنگی برخوردار باشیم.

بدین ترتیب بروشنی دیده میشود که علیرغم اصرار پرخی از مقامات در ادامه میاست سرکوب نظامی، در عقول و قلوب همگان، یک زمینه مردمی و معقول درباره مسئله کردستان وجود دارد. ما با احساس مسئولیت و تعهدی که در مقابل میهن، خلق و انقلاب داریم و با درک بعنجی مسئله ملی و با فهم اینکه خرابهای رژیم گذشته را نمیتوان پک شبه مرمت کرد و این کار به برنامه ریزی، سازماندهی، تهیه کادر، وسائل و بالاخره به زمان و محیط مساعد احتیاج دارد، میخواهیم پیشنهادهای مشخص خود را، که هدف آن خارج شدن از بین بست و قراردادن مسئله کردستان در مسیر سالم و صفا و اتحاد است، بار دیگر مطرح سازیم.

دولت باید این واقعیت بی چون و چرا را قبول کند که مسئله کردستان پک مسئله نظامی نیست تا از طریق نظامی قابل حل باشد، بلکه همانطور که در بالا شرح داده شد، یک مسئله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. لذا دولت باید سیاست خود را در کردستان بر بنای راه حل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دهد. راه حل نظامی در بهترین حالت فقط مسکن است و نه علاج، آن هم مسکنی که پس از آنکه تأثیرش مپری شد، ممکن است دردهای پس شدیدتری را بدنبال داشته باشد، که ما در گذشته بارها و بارها شاهد آن بوده ایم.

لذا به دولت پیشنهاد میکنیم: بی درنگ به عملیات نظامی پایان دهد، آتش بس اعلام کند، محاکمه و صدور رأی در دادگاههای انقلاب را متوقف سازد و آمادگی خود را برای مذاکره و حل مسالمت آمیز و سیاسی مسئله کردستان اعلام نماید.

توده های آگاه و روشن بین خلق کرد باید این واقعیت بی چون و چرا را، که خود برآن واقفت، امروز عمیق تر درک کنند که سرنوشت خلق کرد بطور ناگستینی با سرنوشت همه مردم ایران بستگی دارد و آزادی این خلق از زیر یوغ ستم ملی و اجتماعی در گرو پیروزی قطعی و

نهائی انقلاب ایران است. جستجوی آزادی و عدالت در خارج از این صراط مستقیم زحمتی است بیهوده، که جز سرگردانی و گمراهی و فاجعه چیزی بیار نمی‌آورد.

لذا به توهه‌های آگاه و روشن بین خلق کرد پیشہاد میکنیم: با تمام نیرو و ابتكار انقلابی و شجاعت معنوی خود از درگیری با نیروهای دولتی و پاسدار احتزار کنند و برای پایان دادن به محیط مسموم و بحران زای ناشی از حوادث ناگوار اخیر برای ایجاد محیط سالم و آرام بمنظور مذاکره و حل مسالمت‌آمیز و سیاسی مسئله کردستان، یافتن زبان مشترک و تفاهم با دولت جمهوری اسلامی ایران و سرانجام تحقق حقوق حقه ملی خود، از هر امکان و فرصت و وسیله مسالمت‌آمیزی استفاده کنند.

خلاصه آنکه، ما به دو طرف پیشہاد میکنیم: بیدرنگ و همزمان به عملیات نظامی پایان دهنده و آمادگی خود را برای مذاکره و یافتن راه حل سیاسی و مسالمت‌آمیز مسئله کردستان اعلام دارند.

مذاکره برای یافتن راه حل سیاسی و مسالمت‌آمیز مسئله کردستان برای رسیدن به هدفهای میرم زیرین است:

۱- تأمین خواسته‌ای بحق و مشروع مردم کردستان در زمینه پایان دادن به محرومیتهای ملی.

۲- تأمین اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی برای ریشه کن ساختن عوامل امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم، ارتقای و رژیم پهلوی در منطقه کردستان و در سراسر ایران.

بنظر ما، تشکیل شوراهای آنطور که قید سعید آیت الله طالقانی پیشہاد میکرد و بتصویب امام خمینی و شورای انقلاب هم رسیده بود—میتواند زمینه مناسبی برای مذاکره بمنظور نیل به هدفهای فوق باشد.

چنین است پیشنهادهای ما، که البته میتواند، بكمک پیشنهادهای سایر نیروهای انقلابی، کاملاً عمیق‌تر و کاراتر شود. ما با احساس مسؤولیت کامل در برابر مردم ایران، خلق کرد و انقلاب ایران، با واقع‌بینی انقلابی و اصولی این پیشنهادها را طرح کرده‌ایم و همانظور که در بیانیة مرکزی حزب بمناسبت حوادث اخیر کشور، مورخ ۶ شهریور ۱۳۵۸، تأکید شده است، آماده‌ایم تمام نیرو و امکان خود را برای حل مسالمت‌آمیز و عادلانه مسئله کردستان بکار بریم. ما امیدواریم این پیشنهادها و سایر پیشنهادهای ناشی از حس تعهد و مسؤولیت، مورد قبول مقامات دولتی و مسئول قرار گیرد. در آن صورت آب بر آتش پاشیده و سنگرهای بر چیده خواهد شد و برادران به آغوش هم باز خواهند گشت. در آن صورت عمال امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و ایادی شاه مخلوع منفرد و برملا و بدست خود خلق سرکوب خواهند شد، دیگر زمینه و بهانه و دستاویزی برای تحریک و توطئه نخواهند یافت.

مسئله کرد یک واقعیت خلقی و انسانی است. ضد انقلاب میکوشد از آن علیه انقلاب

سوء استفاده کند. دلیلی ندارد که انقلاب از این واقعیت بسود خود حسن استفاده نکند و با قبول حقوق عادلانه یک خلق، آنرا بسر باز وفادار خود مبدل نسازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ مهر ۲

درباره انتخابات شوراهای شهر

روز اول مهرماه ۱۳۵۸، وزارت کشور اعلام داشت که انتخابات شوراهای ۱۵۶ شهر در روز ۱۹ و ۲۰ مهرماه ۱۳۵۸ انجام خواهد شد. روز ۴ مهرماه ۱۳۵۸ متن لایحه قانون انتخابات شوراهای شهر انتشار یافت. در همان روز وزارت کشور اعلام داشت که انتخابات شوراهای شهر در تهران، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان و اهواز به تعویق می افتد، زیرا بعلت شرایط خاص این شهرها باید آثین نامه جداگانه ای برای انتخابات شوراهای این شهرها تنظیم شود. روز ۵ مهرماه ۱۳۵۸ وزیر کشور ضمن توضیحاتی درباره انتخابات شوراهای شهر، تعیین اختیارات و وظایف شوراهای شهر را بعد موکول کرد.

حزب توده ایران هنگام اعلام نظر خود درباره پیش نویس قانون اساسی، درمورد نظام شورائی در کشور پیشنهادی بشرح زیرین ارائه داد:

«حاکمیت خلق از طریق مجلس شورای ملی و شوراهای محلی منتخب مردم اعمال میشود. مجلس شورای ملی مرکب از نمایندگان منتخب تمام اهالی کشور، قدرت مرکزی را اعمال میکند و شوراهای استان، شهرستان، شهر و ده که از طرف اهالی هریک از بخش‌های مذکور انتخاب میشوند، طبق اختیارات مشخصی که بتصویب مجلس شورای ملی میرسد، نسبت به امور داخلی قلمرو خود و درحد مسئولیت‌ها و وظایف خود حاکمیت خلق را اعمال میکنند. تقسیمات کشوری باید برپایه خصوصیات ملی انجام گیرد. در واحدهای ملی، شوراهای حقوق اداری و فرهنگی ملی را اعمال میکنند که حدود آنرا قانون تعیین میکند...»

شبیه این پیشنهاد، که ماهیت آن تأمین و تضمین شرکت واقعی مردم در تعیین سرنوشت خویش است، از جانب بسیاری از محافل و شخصیت‌های انقلابی و متفرق نیز ارائه شد، که در این زمینه، قبل از همه، باید از نظام شورائی پیشنهادی روانشاد آیت الله طالقانی یاد کرد.

متأسفانه نه فقط این پیشنهادها مورد توجه مقامات مسئول قرار نگرفته است، بلکه تصمیم وزارت کشور در باره انتخابات شوراهای شهر نشان میدهد که دولت تصمیم دارد تشکیل شوراهای شهر را جانشین نظام شورائی پیشنهادی آیت الله طالقانی سازد. و این نخستین و مهمترین انقادی است که ما به این تصمیم داریم، زیرا، از پیشنهاد حزب توده ایران در این زمینه که بگذریم، نظام شورائی پیشنهادی آیت الله طالقانی بر مراتب از متن لایحه قانون انتخابات شوراهای شهر، که توسط وزارت کشور انتشار یافته، کاملتر، منسجم تر و دموکراتیک تر است.

از این انقاد اصولی و اساسی که بگذریم، نقصان جدی دیگری نیز در این زمینه وجود دارد، که مهمترین آن بشرح زیرین است:

۱) در هر انتخاباتی، از جمله انتخابات شوراهای شهر، باید آزادیهای دموکراتیک: آزادی بیان، قلم، مطبوعات، احزاب، سندیکاهای اجتماعات، تظاهرات و... همه جانبه و اکیداً تأمین و تضمین گردد، تا هم رأی دهنده‌گان بتوانند با آگاهی و آزادی کامل در تعیین سرنوشت خوش شرکت کنند و هم نامزدهای انتخاباتی بتوانند با آزادی کامل و با استفاده از تمام امکانات برنامه خوش را به مردم ارائه دهند.

در شرایطی که بسیاری از احزاب، سازمانها، گروهها و مطبوعات ملی و دموکراتیک یا از فعالیت آزادانه و قانونی منع اند یا فعالیت آنها محدود شده است، در شرایطی که جو نامساعدی برای ابراز نظر و فعالیت سیاسی، بویژه برای نیروهای راستین چپ، ایجاد کرده‌اند، چگونه میتوان از تأمین و تضمین شرکت آگاهانه و آزادانه مردم— اعم از رای دهنده‌گان و نامزدهای انتخاباتی— در انتخابات شوراهای شهر سخن گفت؟

۲) وزارت کشور، پس از آنهمه تأخیر در آغاز کار، با تصمیمات خود در مرور انتخابات شوراهای شهر، این محدودیت را باز هم محدودتر کرده است. زیرا چگونه مردم میتوانند فقط طی یک هفته (نامزدهای انتخاباتی باید در ۱۲ مهر خود را معرفی کنند) با نامزدهای انتخاباتی و برنامه‌های آنان آشنا شوند؟ چگونه نامزدهای انتخاباتی میتوانند طی این مدت کوتاه مردم را با خود و برنامه‌های خود آشنا کنند؟ علاوه بر این، تقویق انتخابات ۶ شهر، به این علت که «باید آئین نامه جداگانه‌ای برای انتخابات شوراهای شهر تنظیم شود»، نشانه آشکاری است از فقدان مطالعه کافی، از وجود شتاب برای بررسی‌جام رساندن این امر مهم است. ولی این عجله برای چیست و چه سودی دارد؟

۳) بدون اینکه بخواهیم در اینجا وارد جزئیات متن لایحه انتخابات شوراهای شهر بشویم، باید در اینجا هم به عدم رعایت یک اصل دموکراتیک در مرور تشکیل انجمن نظارت انتخابات اشاره کنیم. اعتقاد ما اینست که در هر انتخاباتی، از جمله در انتخابات شوراهای شهر، انجمن نظارت انتخابات باید از نماینده‌گان احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی تشکیل شود، زیرا رعایت این اصل بهترین وسیله برای تأمین صحت انتخاب است. ولی این اصل در مرور تشکیل انجمن نظارت انتخابات شوراهای شهر رعایت نشده است.

۴) وزارت کشور انتخابات شوراهای شهر را اعلام کرده، ولی اختیارات و وظایف شوراهای شهر را مشخص نکرده و تعیین آنرا بعد موکول ساخته است. چگونه مردم میتوانند در انتخاباتی شرکت کنند که حدود اختیارات و وظایف ارگانهای انتخاب شونده آن هنوز مشخص نیست؟ علاوه براین، تعیین اختیارات و وظایف شوراهای شهر بعهدۀ وزارت کشور و هیئت وزیران، یعنی قوۀ مجریه گذاشته شده است و این با محتواي دموکراتیک نظام شوارائی مقايرت دارد.

حزب توده ایران با توجه به ايرادات اصولی و اساسی که به تصمیم وزارت کشور درمورد انتخابات شوراهای شهر وارد است، و همچنین فقدان مطالعه کافی و شتابزدگی که در اين امر مهم مشاهده میشود، از دولت و همه مقامات مسئول مطلبд که اولاً انتخابات شوراهای شهر را در تمام کشور به تأخیر اندازند. ثانياً در فرع اين ايرادات اصولی و اساسی بکوشند، تا شوراهای با محتواي واقعي دموکراتیک تشکیل شود و حق مردم برای تعیین سرنوشت خويش تأمین گردد. حزب توده ایران از همه نیروهای انقلابی، ملي و دموکراتیک نيز می طلبد که در اين راه هجدانه بکوشند.

شایان ذکر است که با توجه به ايرادات اصولی و اساسی فوق، نتایج انتخابات شوراهای شهر از هم اکنون روشن است، نتایجی که نمیتوان آنرا کاملاً دموکراتیک و منطبق با خواستهای اکثر يت مردم دانست. با اينهمه، اگر وزارت کشور در اجرای تصمیم خود پاشتاري کند، حزب توده ایران، با حفظ انتقادات اصولی و اساسی خود، در انتخابات شوراهای شهر شرکت میکند، زيرا معتقد است که بدینوسیله اولاً میتوان مردم را با ناقص اين قانون آشنا ساخت. ثالثاً میتوان مردم را با حقوق و وظایف آنها در اين زمينه آشنا کرد. ثالثاً میتوان — در همان حدی که ممکن است — نمانيدگان واقعي مردم را به شوراهای فرستاد. رابعاً میتوان در بعد همین قانون ناقص هم در شوراهای از حقوق مردم دفاع کرد.

حزب توده ایران در عین حال آماده است که با تمام احزاب، سازمانها، گروهها و شخصيتهاي انقلابی، ملي و دموکراتیک در زمينه قانون انتخابات شوراهای شهر، اختیارات و وظایف شوراهای شهر، تنظیم بزانۀ مشترک و لیست مشترک، بمنظور شرکت در انتخابات شوراهای شهر، به تبادل افکار پردازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ماه ۷

اعلامیه کمینه مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

سی و هشت سال نبرد پیگیر در راه به دست آوردن
استقلال ملی، آزادی و تأمین خواستهای زحمتکشان!

سی و هشت سال از زندگی پر تلاش حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران، گذشته است و سی و نهمین سال این زندگی، با همان تلاش و پیگیری و تزلزل ناپذیری، در شرایطی بسیار بفرنج آغاز میگردد. پس از سی سال محرومیت از فعالیت آزاد و تحمل جنایت‌بارترین ضربات از طرف رژیم وابسته ضد خلقی محمدرضا پهلوی، امسال حزب ما سی و هشتمین سالگرد تأسیس خود را در شرایط پرتلاطم و بفرنج نخستین سال پیروزی انقلاب تاریخی ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی میهن عزیز ما ایران، جشن میگیرد.

حزب ما در مسیر این دوران دراز تاریخی با اینکه در نبردهای نایرا بر با دشمن، ناکامیها و شکستهای دردناکی را تحمل کرده، معذالتک میتواند با سربلندی کارنامه‌ای پر از ایثار و فداکاری در مبارزه علیه امپریالیسم و استبداد عرضه کند.

حزب ما تنها حزبی است که طی تزدیک به چهل سال از پرتلاطم ترین دورانهای تاریخ کشورمان، طوفانها و سیل‌های مهیبی را از سر گذرانده، ولی به برگت راه درستی که در پیش گرفته، بدون تزلزل بر روی بنیادهای اصولی خود، پا بر جا و استوار باقیمانده و راه پر رنج ولی افتخار آمیز خود را دنبال کرده است.

دشمنان اصلی و واقعی مردم میهن ما، یعنی امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم امریکا و ارتجاع وابسته به آنان، یعنی سرمایه داران بزرگ وابسته و زمین داران کلان، غارتگران و در راس آنها خاندان ننگین پهلوی، از همان نخستین روز پیدایش حزب ما، آن را درست شناختند و پی برندند که این حزب پیگیر ترین و روش‌بین ترین سازمان سیاسی دشمن آنها و آشتی ناپذیر ترین مدافعان ملی و خواستهای توده های میلیونی زحمتکشان شهر و روستا و حقوق ملی همه خلقهای ایران است، که در راه رسیدن به هدفهای خود، یعنی کسب استقلال

ملی و آزادی و تامین خواستهای بحق توده‌ها و خلقهای محروم، از هیچ فداکاری فروگذار نخواهد کرد.

درست به علت همین ماهیت و خصلت، حزب ما پیش از هر سازمان سیاسی دیگر مورد کینه محمد رضا پهلوی^۲ و رژیم جنایتکارش قرار داشت. محمد رضا پهلوی و پشتیبانان امپریالیستی اش خوب میدانستند که برای درهم شکستن مقاومت همنیروهای ملی مخالف خود، باید پیش از همه سنگر حزب توده ایران را در هم شکست.

تصادفی نیست که هیئت حاکمه خائن رژیم منحوس سلطنتی محمد رضا پهلوی، در تمام دوران موجودیتش، هر بار خواست به مردم ایران خیانت کند، تدارک این خیانت را با حمله‌ای برای در هم شکستن مقاوم ترین سنگر خلق یعنی حزب توده ایران آغاز میکرد.

درست بر پایه همین اصولیت و پایداری است که حزب ما همراه مورد کینه گروههای سازشکار و قانون‌شکن قرار داشته است، زیرا آنها خوب در یافته اند که نیروی افشا کننده حزب ما، نقاب ریا و تزویر و مردم فریبی را از هم میدرد و چهره زشت فریکاران سیاسی را عربان میسازد. باین ترتیب تصادفی نیست که این گروهها هم حزب ما را بخستین آماج حملات دشمنانه و کینه توزانه خود قرار میدهند و از هیچگونه اتهام و افتراء ناجوانمردانه ای برای بی اعتبار کردن حیثیت مبارزان توده ای، که روشن بینی سیاسی و اراده راسخ برای دفاع از منافع ملی و آزادی و حقوق زحمتکشان، یگانه ثروت آنها در زندگی است فروگذار نمیکنند.

حزب توده ایران افتخار میکند که در تمام دوران موجودیت خود پرچمدار مبارزه علیه فاشیسم هیتلری، علیه امپریالیسم غارتگر انگلیس، علیه امپریالیسم تازه نفس و متجاوز امریکا بوده و در مراحلی از این دوران، به تنها سنگر مقاومت علیه دشمنان خلق و زحمتکشان میهمنان را نگهداری کرده و این پرچم را در ساخت ترین شرایط افزایش نگهداشته است. مبارزه بی امان دشمنان ملی ما، یعنی امپریالیسم و رژیم محمد رضا پهلوی، علیه حزب ما، تهازن از راه تعتمد و افترا، ضرب و جرح، بازداشت و شکنجه و اعدام نبود. این دشمنان خوب میدانستند – و تجربیات شیوه در کشورهای دیگر جهان و در خود میهن ما به آنها آموخته بود – که با وجود توصل به همه این شیوه‌ها، نمیتوان حزبی را که در درون خلقهای میهن ما، در درون طبقات زحمتکش آن ریشه دارد و از حقوق آنها دفاع میکند، از بین برد و ریشه کن ساخت. از این‌رو آنها از همان آغاز تأسیس حزب ما، بموازات توصل همه جانبی به شیوه‌های یاد شده در بالا، شیوه مودیانه و خرابکارانه متلاشی ساختن حزب از درون را نیز، بعنوان یکی از شیوه‌های اساسی مبارزه خود علیه حزب ما، بکاربردند. دشمنان حزب همیشه کوشیده اند تا کمک عنصری که آگاهانه بدورن سازمان ما فرستاده اند و یا با کمک نیمه راهان و واژگانی که به آمال و آرزوهای خود خواهانه خود نرسیده و نتوانسته بودند حزب را بعنوان نزدیان ترقی خود مورد بهره گیری قرار دهند، حزب توده ایران را از درون منفجر سازند.

تاریخ نزدیک به چهل سال زندگی پررنج، ولی پر افتخار حزب ما ثابت کرد که این

دشنه زهرآلد دشمن، هر قدر هم ماهرانه بکاربرده شود، بر بدن روثین تن حزب ما کاری نیست و آن را از پا در نمی آورد. مبارزه ایدئولوژیک حزب ما علیه انحرافات راست و «چپ» و در دفاع از پاکیزگی جهان بینی اقلابی و علمی خود یکی از صفحات درخشان تاریخ حزب توده ایران است، حزب ما پس از هر توطئه، هر خیانت، هر انحراف نیرومند تراز گذشته بر پا ایستاد، زخمها را درمان کرد و بهبود پخته شد و راه دشوار خود را ادامه داد.

خدمت تاریخی حزب توده ایران تنها در این نیست که دشمنان ملی ما را به روش ترین و جهی به مردم شناساند و آنانرا برای مبارزه علیه این دشمنان تجهیز کرد، بلکه در این هم هست که دوستان واقعی مبارزات ملی و خلقی مردم ایران را نیز شناخت و به مردم شناساند.

یکی از مهمترین افتخارات حزب توده ایران اینست که طی تزویج به چهل سال به بهترین و عالیترین شکل اصل میهن دوستی راستین را با اصل همبستگی و دوستی با همه خلقهای محروم و مبارز جهان علیه امپریالیسم و ارتقای تلفیق کرد و این پرچم را حتی یک لحظه هم بر زمین نگذاشت. حزب توده ایران بموازات تلاش خستگی ناپذیر خود برای تجهیز نیروهای ملی و اتحاد و همکاری آنان در نبرد با دشمنان اصلی خود، یعنی امپریالیسم جهانی و فرزندان نامیمونش، صهیونیسم و رژیمهای غارتگر و جنایتکار وابسته به امپریالیسم در ایران و کشورهای استعمار زده دیگر، همواره به مردم ایران آگاهی داد که مبارزه آنها در راه بدست آوردن استقلال ملی، آزادی و زندگی بهتر، با مبارزه همه خلقهای محروم جهان علیه دشمنان مشترک، یعنی امپریالیسم و ارتقای خودی مبارزه همه زحمتکشان برای برانداختن تسلط غارتگرانه سرمایه داری امپریالیستی، مبارزه همه خلقهای آزاد شده از قید امپریالیسم و استعمار، و در پیشایش آنان مبارزه کشورهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم جهانی، پیوند ناگسستنی دارد. حزب ما همیشه و بدون تزلزل از این مبارزات، در هر گوشه جهان که بود بیدریغ پیشنبانی کرد و نشان داد که پیروزی آنان بخشی از پیروزی خلق، علیه دشمنان اوست و مبارزه او را آسانتر میسازد.

ما با سر بلندی امروز شاهد آن هستیم که پیگیری حزب ما در این موضع گیری درست، هر روز بار آورت می شود و بخشهای جدیدی از نیروهای راستین انقلابی ایران، چه از میان آن گردانهایی که زیر پرچم اسلام مبارزه میکنند و چه آنهایی که خود را هادار سوسیالیسم علمی میدانند، گام بگام و هر روز با روش بیشتری به درستی مشی ما پی میبرند.

یکی از مهمترین خدمات حزب ما اینست که همواره و با اعتقادی تزلزل ناپذیر از لزوم تجهیز توده های میلیونی برای نبرد علیه امپریالیسم و ارتقای اتحاد این توده های میلیونی و سازمانهای سیاسی که خود را نماینده و مدافعان منافع این توده ها میدانند، دفاع کرده و آن را شرط اصلی برای پیروزی دانسته است. حزب ما از همان اولین دشمن این توده خود موجو دیت خود تا کنون، همواره مدافعان اتحاد نیروهای ملی در مبارزه علیه دشمن مشترک بوده و بویژه روی لزوم همکاری تاریخی نیروهایی که زیر پرچم مبارزه برای استقلال ملی، آزادی، پیشرفت اجتماعی و زندگی

بهتر برای زحمتکشان مبارزه میکنند با نیروهایی که با جهان بینی های دیگر، در راه رسیدن به همین هدفها پا در میدان نبرد اجتماعی گذارده اند. نه تنها برای یک دوران کوتاه مدت، بلکه برای آینده دراز مدت تکیه کرده است.

براساس اعتقاد بر همین اصل است که حزب ما از همان آغاز مبارزه نیروهای خلقتی، زیر رهبری امام خمینی، بطور پیگیر برای همکاری با این نیروها و همه گردانهای دیگر مبارزان راستین ضد امپریالیسم و رژیم پهلوی تلاش کرده است. حزب توده ایران اتحاد این نیروهای خلق را نیرومندترین سرچشمه پیروزی علیه دشمنان میداند و همواره علیرغم همه برخوردهای غیردوستانه و ناعادلانه، دست خود را برای این اتحاد دراز کرده است.

انقلاب پیروزمند تاریخی ما درستی و ضرورت تاریخی این اتحاد را نشان داده و از هم پاشیدگی ای که در ماههای اخیر در صفوون نیروهای انقلابی خلق پدیدار شده، خطر ضعف و از بین رفتن این اتحاد را به گویاترین وجهی در مقابل چشم میهن دوستان گذاشته است. دشمنان سوگند خورده استقلال و آزادی ما، یعنی امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیستها و بازماندگان رژیم سرنگون شده محمد رضا پهلوی، با تمام قوا میکوشند سرچشمه پرتوان نیروی جبهه خلق را خشک کنند، گردانهای گوناگون جنبش خلق را بجان هم اندازند، میان آنان تخم نفاق و دشمنی یافشانند، آتش جنگ برادر کشی را برافروزنند، از تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب تاریخی ما جلوگیری کنند، موجبات عدم رضایت توده ها را فراهم کنند و بدینسان زمینه را برای باز پس گرفتن مواضع غارتگری که از دست داده اند، آماده سازند.

هموطنان! رفای حزبی! هودارانه و دوستان حزب!

حزب توده ایران آغاز سی و نهمین سال تأسیس خود را در شرایط بسیار بفرنج سیاسی جشن میگیرد. این جشن در شرایطی است که از یکسو انقلاب ایران با شرکت وسیعترین اشار مردم از همه خلقها و از همه طبقات و اقشار ملنی به دستاوردهای عظیم و شگفت انگیزی نائل آمده و با این پیروزی تاریخی تحسین و احترام همه مبارزان راه استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی را در سراسر جهان بدست آورده است. مردم میهن ما میتوانند بخود بیانند که با پیروزی در این انقلاب تاریخی و با دستاوردهای خود در همین ۸ ماهی که از پیروزی انقلاب گذشته است، ضربات سنگینی برپیکر منفور دشمنان ملی یعنی امپریالیسم و ارتیاج، وارد ساخته اند. ولی از سوی دیگر اکنون ما شاهد آن هستیم که بعلت ضعف بهم پیوستگی نیروهای انقلابی و دسیسه های دشمنان نابکار، که در تمام سطوح دست بکارند، این دستاوردها مورد تهدید جدی قرار گرفته اند.

نیروهای ضد انقلابی، با شعارهای مردم فریب و گمراه کننده، ولی در واقع به منظور محدود کردن دستاوردهای انقلاب در چهارچوب منافع طبقاتی و اعتقادات سیاسی -

اجتماعی خود از یکسو و نیروهای کم تجربه افراطی چپ، با برخی برخوردهای نادرست و غیر واقع بینانه آب به آسیاب ضد انقلاب میریزند و راه را برای پیشرفت آن هموار میسازند. حزب توده ایران سی و نهمین سال زندگی خود را با دنبال کردن همان راهی که همیشه در پیش داشته، یعنی راه روشن کردن، تجهیز و تشکل توده های زحمتکش، راه اتحاد و همکاری با همه نیروهای راستین ملی و خلقی در مبارزه برای ثبات، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، راه دوستی و بهم پیوستگی همه خلقهای ساکن ایران در چهارچوب دفاع از تمamicت ارضی، استقلال و آزادی ایران، راه بهبود بنیادی شرایط زندگی زحمتکشان میهن ما، راه همکاری و اتحاد با همه سازمانهای سیاسی که به این هدفها وفادار باشند — برای تشکیل «جبهه متحد خلق» — ادامه خواهد داد.

رفقای حزبی! هاداران و دوستان حزب!

سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را از صمیم دل به شما شاد باش میگوئیم و علیرغم همه دشمنی ها، تهمت ها و افتراءها، همراه شما، با سربلندی به تاریخ پر رنج، ولی افخار آمیز حزبمان مینگریم و تجدید پیمان میکنیم که حزب ما به آرمانهای خود وفادار خواهد ماند و از هیچ تلاشی برای رسیدن به آمال انسانی، ملی و توده ای خود فرو گذار نخواهد کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ ماه ۹

در باره شوراهای شهر، حقوق و وظایف آن‌ها

یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب ایران تصویب اصل راجع بشوراهای در قانون اساسی است، که در صورتیکه بمعنای واقعی و خلقی خود اجرا شود، در شکل و محتوای امر کشور داری، در سمت سپردن کار مردم بخود مردم، یعنی در سمت مردمی کردن جامعه ما، تحول بزرگی ایجاد خواهد کرد. نظام شورائی میتواند راه حل مؤثری برای مسائل بفرنج سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ملی، فرهنگی و غیره باشد، شوراهای شهر حلقة مهمی از این نظام و یا سیستم است.

شوراهای شهر، بطور یکه از نامش پیداست، شورائی است برای اداره شهر، که حکومت بر شهر را در دست خود متصرف میکند. اما اداره شهر و حکومت بر شهر بسود چه کسانی؟ بسود خلق مستضعف و زحمتکش و میهن دوست و یا به سود دشمنان آنها و یا تلفیقی از این دو؟ شهری که در ایران غارت شده و تحقیر گشته ما از رژیم سرتا پا فساد و ستم پهلوی بارث مانده، همانند سرتاسر جامعه به ارت مانده از طاغوت، ہو سیله یک دیوار هولناک، به دو قسمت طاغوتی و مردمی منقسم و مجزا گردیده. روشن است که در چنین شهری نمی تواند شورائی وجود داشته باشد که در عین حال نماینده هردو سوی دیوار باشد و شهر را به سود هر دو جانب اداره کند، زیرا جمع منافع مردم و اقتشار ضد مردم در یک جا محال است.

نظام شورائی یک نظام و سیستم وسیعی است که بخش اداری و سیاسی آن از شورای ده، شورای بخش، شورای شهر، شورای شهرستان، شورای استان و شورای سرتاسری کشور (مجلس شورای ملی) و شاید شوراهای دیگر تشکیل می شود. ما در اینجا بتصویر و شرح این سیستم نمیردازیم؛ زیرا این خود موضوعی است بس مهم و نیازمند طرح و توضیح مبسوط و مخصوص. همچنین در اینجا خیال تدوین آئین نامه یا نظامنامه برای شوراهای نداریم، بلکه

بدان مناسبت که دولت امروز فقط انتخابات و تشکیل شوراهای شهر را مطرح نموده، میخواهیم بر مبنای یگانه اصل بنیادی - واگذاری کار مردم به خود مردم - آن اصول کلی را بیان نمائیم که تنها با رعایت آنها، شوراهای شهر (و یا هر شورای دیگری) خواهد توانست بیانگر و مجری اراده و حافظ منافع مردم شهر خود باشد.

عمده ترین آن اصول کلی به قرار زیر است:

۱- **وظایف شورای شهر** باید عبارت باشد از سازماندهی و رهبری و نظارت بر کلیه امور مر بوط به فرهنگ و بهداشت و برنامه و بوجه و دارائی و ترابری و مسکن و آب و برق و خواربار و قیمتها و هزینه زندگی و موسسات تولیدی و خدماتی دولتی، همچنین نظارت بر فعالیت موسسات تولیدی و خدماتی خصوصی و دیگر مسائل صرفاً مر بوط به شهر خود، بسود توده ها و اقشار مردمی شهر و قبل از همه مستضعفان و زحمتکشان؛ سازمانهای انتظامی هر شهری نیز باید تحت نظر شورای همان شهر انجام وظیفه کنند.

۲- یک چنین شورائی که باید چنین وظایفی را اجرا کند، باید از جهت شیوه انتخاب و نحوه فعالیت و روح خود دارای مختصات زیرین باشد:

الف - نمایندگان شوراهای شهر باید در شرایط آزادی کامل از میان طبقات و اقشار مردمی، یعنی کارگران (و کشاورزان) - در صورتیکه در شهر و یا حومه اطراف آن کشاورزان موجود باشند)، اصناف و کسبه و پیشه وران، روحانیون متوفی و مبارز، روشنفکران و کارمندان انقلابی و متوفی، سرمایه داران میهن دوست و دیگر اقشار مردمی انتخاب شوند. در این انتخابات باید همه احزاب، سازمان ها، گروه ها و شخصیت های انقلابی، مبارز، میهن دوست و آزادیخواه امکان شرکت آزاد داشته باشند.

ب - شورای هر شهری باید عالی ترین مقام حاکمیت در سطح شهر خود در چارچوب قوانین عام کشور باشد.

پ - شهردار و دیگر مسئولان کشوری و انتظاماتی هر شهری باید از جانب شورای همان شهر انتخاب و در رابطه دستگاه اجرائی شهر خود قرار گیرند و در چارچوب قوانین عام کشور در مقابل شورای شهر خود مسئول باشند.

شورای هر شهری طبق قوانین عام کشور در تابعیت مستقیم شورای بخش و یا شورای شهرستان خود قرار دارد البته باید شهر مورد نظر مرکز بخش و یا شهرستان باشد. شهردار و دیگر مسئولان کشوری و انتظاماتی هر شهری را، همانطور که در بالا گفته شد، شورای همان شهر انتخاب می کند و از جانب شورای شهرستان مربوطه تصویب میگردد.

ت - شورای شهر نباید مردم شهر را آن توده محکوم به اطاعتی بشمارد که مجموع حقوق و وظیفه اش تنها رای دادن است و بس، و پس از رای دادن باید بروند پی کارش و دیگر رفق و فتن مسائل شهر به اور بطي ندارد. بر عکس این شیوه طاغوتی و سرتاپ ارجاعی، شورای شهر باید فقط در پیوند دائمی با مردم شهر خویش، خود را حکومت شهر مداند و وظایف خود را در پیوند دائمی

با مردم شهر خود و با اتکاء به نیرو ویاری آنها انجام دهد. یعنی شورای شهر باید مقامی باشد که در راس اقشار مردمی ساکنان شهر و با پشتیبانی و شرکت فعال آنها بر شهر حکومت کند. بنظر ما، اصول کلی فوق، که هدف از آنها سپردن کار هر محلی بدست مردم همان محل است، و بی شک میتواند با مواد دیگری و یا با تتفیع و اصلاحاتی تکمیل تر و عمیق تر گردد، یگانه اصول درست و مردمی است که باید پایه تشکیل شوراهای شهر و روح فعالیت آنها قرار گیرد. فقط یک شورای منبعث از مردم، آگاه از نیازمندیهای وی و متکی بر اراده وی خواهد توانست بیانگر تفویض کار مردم به مردم باشد. فقط یک چنین شورایی آن ستاد مبارز و مردمی را بوجود خواهد آورد که خواهد توانست نیروی مردم شهر خود را در راه بر کندن بنیان رژیم طاغوتی از شهر خود و پایه گذاری یک زندگی انسانی بسیج نماید و در برابر احیای مجدد سلطه رژیم طاغوتی و ضد مردمی سد غیر قابل عبوری ایجاد کند.

در صورتیکه اصول مذکور در بالا و بویژه روح این اصول، که عبارتست از شکستن شیوه کشورداری طاغوتی و گشودن راه خلق بسوی حاکمیت بر خویش است، مراعات نگردد، شورای شهر نیز مانند انجمنهای شهرداری دوران رژیم منفور پهلوی و دیگر نهادها و بنیادهای مسخ گشته آن دوران ضد خلقی، جز یک گروه دیوانسالار گماشته، منفرد از خلق، بی خبر از جامعه و فاقد اعتبار و حیثیت اجتماعی چیز دیگری نخواهد بود.

ما خواهان تشکیل شورای واقعاً مردمی هستیم و برای توضیح و تبلیغ آن از هیچ کوششی کوتاهی نخواهیم کرد، زیرا همانطور که در مقدمه گفتم، نظام شوراهارا — اگر درست ایجاد شود — بگانه و درست ترین شکل تحول بنیاد کشورداری به سود مردم می دانیم.

ما با چنین اصولی و با چنین برنامه ای در انتخابات شوراهای شهر شرکت میکنیم و از مردم و نامزدهای شوراهای شهر و همه نیروها، احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتیهای انقلابی، ملی و دموکراتیک نیز می طلبیم که بر اساس چنین اصول و با چنین برنامه ای در انتخابات شوراهای شهر شرکت کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ ماه مهر ۱۲

جنایت های ضد انقلاب را در خوزستان محاکوم کنیم

توطئه های ضدانقلابی، که از فرдای پیروزی انقلاب در منطقه حساس خوزستان انجام میگرفت، در روزهای اخیر دامنه وسیعی بخود گرفته است. خرابکاران در قطار خرمشهر، بازار خرمشهر و تأسیسات نفتی بمب گذاشته و در چند نقطه مسلحahanه به تأسیسات مخابراتی حمله برده اند. براثر انفجار این بمبهای، چند ده نفر از مردم بیگناه کشته و زخمی شده اند.

این گونه اقدامات وحشیانه با مبارزات سیاسی حق طلبانه مردم خوزستان، که خرابکاران گاه میکوشند سیمای واقعی خود را در پشت سر آنها پنهان کنند، کمترین رابطه ای ندارد. این جنایتی است فجیع در خور جنایتکاران حرفه ای، که در خدمت سازمانهای جاسوسی امریکا و اسرائیل و متحدین مستقیم و غیر مستقیم آنها قرار دارند.

چنانکه میدانیم، توطئه و تحریک در خوزستان از فرдای انقلاب آغاز شد. عوامل شناخته شده ضدانقلاب و آدمکشان ساواکی، روزی اختلاف عرب و فارس و زمانی دعوای شیعه و سنی را دستاویز توطئه چینی قرار دادند. ولی تلاش آنها بر اثر کوشش و تدبیر رهبری انقلاب و مقامات آگاه انقلابی در استان خوزستان، با شکست مواجه شد و نقاب از چهره کریه مأمورین

شناخته شده ساواک، که رهبری اجرایی این توطئه ها را بدست داشتند، برگرفتار.

اینک توطئه گران به آخرین حربه، یعنی جنایت آشکار و ایجاد وحشت متول شده اند، تا شاید رهبری انقلاب ... را، که در جهت انقلاب گام برمیدارند، تضعیف کرده ثبات اوضاع را در خوزستان و سرتاسر ایران برهمنمایند.

تشدید دسیسه چینی و خرابکاری در خوزستان هم با تشدید درگیریهای انقلاب و ضد انقلاب در داخل کشور و هم با سیاست کلی تجاوز کارانه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، در خلیج فارس و خاور میانه مربوط است.

ضد انقلاب می کوشد با ارتکاب جنایتهای وحشیانه، اعصاب مردم و برخی از مقامات حاکم را تحریک کند و محیط خشم، بی اعتمادی و خشونت را بر سرتاسر کشور حاکم گرداند. متناسفانه تجربه ماههای پس از انقلاب برای ضد انقلاب تشویق کننده است. هر بار که عوامل ضد انقلاب و مزدوران امپریالیسم دست به ترور و جنایت زده اند، محافظی در دستگاه حاکم کوشیده اند تا از این حادثه برای تغییر سمت انقلاب بهره گیرند و بجای جنایتکاران، بخشی از نیروهای صدیق انقلابی را موره حمله قرار دهند؛ سگ را بگشایند و سنگ را بینندن. ضد انقلاب، با توجه به این تجربه، امیدوار است که یکبار دیگر تعادل سیاسی را با توطئه گری بر هم زند و توجه مقامات حاکم را از کار واقعاً انقلابی و سازنده و از مبارزه قاطع عليه امپریالیسم و صهیونیسم بازدارد و آنها را علیه بخشی از نیروهای صدیق انقلابی تحریک کند و در نتیجه خود گام تازه ای بجلوبه دارد. از حادثه آفرینیهای نظیر پاوه در همین جهت استفاده شد.

در شرایطی که دشواریهای بزرگی در کردستان پدید آمده و رفع آن نیازمند محیط آرام و بکار گرفتن تدبیر و خردمندی است، ضد انقلاب عمداً ماجرا سازی میکند تا از پیدایش محیط سالم جلو گیرد و با خون و خشم و خشونت حل عاقلانه مسائل و دشواریها را مانع شود.

از سوی دیگر توطئه و تحریک در خوزستان با سیاست کلی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، در خلیج فارس و خاور میانه پیوند دارد. امپریالیسم امریکا و متحد تجاوز کارش اسرائیل سالهast که با سیاست حساب شده ای از برقراری صلح عادلانه در خاور میانه عربی و پذیرش حقوق حقه خلق فلسطین جلو گیری کرده و این منطقه را بصورت کانون تنشیج و تحریک حفظ کرده اند. آنان مایل نیستند که اوضاع ایران بسود انقلاب ثبیت شود. هم اکنون، به اشاره واشنگتن و لندن، در برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس علیه ایران دسیسه چینی میشود. سخن از انعقاد پیمان جدید نظامی از ارجاعی ترین نیروهای خلیج فارس با شرکت مستقیم آمریکا و انگلستان است. واحدهایی از نیروهای ضربتی سادات به عمان و برخی از مناطق خلیج اعزام شده اند. سردمداران آمریکا کشورهای خلیج فارس را آشکارا به دخالت نظامی تهدید میکنند و برای اشغال نظامی منطقه از تدارک نیروی ضربتی صد و ده هزار نفری و استقرار قوا در مصیره دم میزنند. هدف نزدیک همه این توطئه ها و تحریکات انقلاب ایران است.

تنها در چهار چوب این سیاست کلی امپریالیستی است که میتوان خرابکاریها و جنایت‌هایی را که در کشور ما و بویژه در منطقه حساسی چون خوزستان انجام میگیرد، درک و بدرستی ارزیابی کرد. بدون شک عوامل محلی – چه داخلی و چه خارجی – نیز در این توشه ها شریک‌اند. خوزستان پس از انقلاب یکی از مراکز تجمع ساواکی‌ها بوده و هست. خوزستان مرزهای آبی طولانی دارد که به زحمت قابل کنترل است و محافل ارتقابی و رژیم‌های ماجراجوی همسایه خوزستان، و از جمله رژیم بعضی عراق، از تأثیر انقلاب ایران بیمناکند. ولی همه این عوامل تنها به این دلیل می‌توانند عمل کنند و عمل می‌کنندکه مورد پیشیگیری امپریالیسم آمریکا قرار دارند.

حزب توده ایران اقدامات خرابکارانه و جنایات آدمکشان حرفه‌ای را در خوزستان محاکوم میکند و از همه مبارزان آگاه و انقلابی میطلبد که علیه این جنایت‌ها برخیزند و با تمام قوا به خشی کردن آن کمک کنند.

ما با رها گفته ایم و باز هم تکرار میکنیم که عمال امپریالیسم مترصد فرستند تا با اینگونه جنایت‌ها و حادثه سازیها در صفوغ تیرووهای انقلابی ایران تفرق افکند و دستیاران خود را در همه مقامات تقویت کنند. این فرصت را باید از آنان سلب کرد.

ما با رها گفته ایم و باز هم تکرار میکنیم که از رژیم ضد خلقی پهلوی بسیاری نایسماهانیها به ارت مانده، که انقلاب برای پیروزی کامل خود، باید آنها را هرچه زودتر سامان دهد. از آنجمله است ستم ملی، که باید شرایط رفع آن را فراهم کرد. باید نظام شورائی را بمعنای واقعی کلمه در سطح کشور پیاده کرد و حقوق پایمال شده خلقهای ساکن ایران را به رسمیت شناخت تا زمینه نارضائی‌ها، که گاه مورد سوء استفاده ضد انقلاب – از درون و برون مرزها – واقع میشود، از میان برود.

ما با رها گفته ایم و باز هم تکرار میکنیم که باید با امپریالیسم جنایت پیشنهاد آمریکا قاطع‌تر از این عمل کرد و قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا را لغو کرد. حفظ این قرارداد نه فقط جنایت پیشگان را دلگرم میسازد و تشویق میکند، بلکه اسباب و وسائل کار در اختیار آنان میگذارد.

ما اطمینان داریم که کارگران آگاه و انقلابی صنایع نفت و همه مردم خوزستان، با تجربه چند ده ساله ایکه از دیمیسه‌های امپریالیستی‌های نفتخوار دارند، در برابر جنایت‌ها و توشه‌های آنان هشیاری انقلابی از خود نشان خواهند داد و صنوف خود را در برابر ضد انقلاب فشرده‌تر خواهند کرد. آنها بهتر از هر کسی میدانند که شعار نفت خواران همواره «تفرقه بیانداز و حکومت کن» بوده است. در مقابل آن، شعار ما باید تحکیم هرچه بیشتر اتحاد تیرووهای انقلابی باشد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ مهرماه

ما بازهم هشدار می‌دهیم

بازهم در نقطه‌ای از کشور حادثه ناگواری پیش آمد. دریندر انزلی، جائیکه شاید کمتر از هر جای دیگر انتظارش میرفت، حادثه‌ای آفریده شد، که بنا بر خبرهای رسمی ۱۳ کشته و ۱۰۰ زخمی بجای گذاشت و موجی از هیجان و خشم و نگرانی بوجود آورد.

محتوای حادثه بهیچوجه با نتایج دردناکی که بیار آورده، انصباط ندارد، ظاهر مسئله اینست که دولت میخواهد صید ماهی را تحت کنترل درآورد و به صیادانی که در شرکت تعاونی گرد آمده‌اند، اجازه صید بدده و صیادان آزاد، که محل معاش دیگری ندارند، میخواهند این محدودیت از میان بروند و اینان نیز در صید ماهی و فروش آن آزاد باشند.

این موضوع تازه نیست. یکی از صدھا ارثیه شوم رژیم سابق است، که از سالها و سالها پیش مطرح بوده و مسئولین امور در گذشته نخواسته اند راه حلی برای آن بیابند. اینک، در زمان انقلاب، انتظار میرفت که مقامات مسئول یا این مسئله را از ریشه و برای همیشه حل کنند و یا اگر چنین امکانی نیست، با احساس مسئولیت در برابر انقلاب، راهی برای توافق بیابند، که متأسفانه این کار انجام نشده است.

تأسف بیشتر میشود اگر توجه کنیم که درست از فردای انقلاب، موضوع مورد اختلاف، با تمام وسعت و صراحت در برابر مقامات دولتی و مسئولین شیلات مطرح شده و اینک هشت ما هاست که جلسه پشت جلسه و سینیار پشت سینیار تشکیل شده و حاصل تمام این جلسات فقط تشدید اختلافات و حتی دامن زدن به آن بوده و نه رفع اختلاف.

صیادان تعاونی، که بیش از چهار هزار نفرند و بیش از پانزده سال است که بطور منظم زحمت میکشند و طبیعی است حقوقی دارند که باید منظور شود. این توده زحمتکش تا کنون هیچ گونه تأمین نداشته اند و ندارند، صیادان آزاد نیز بهر صورت محل معاش دیگری ندارند، و با اینکه

تحت نظم آوردن صید ماهی امر معقولی است، نمی‌توان بدون توجه به زندگی مردم زحمتکش ساحل نشین به حل عاقلانه و عادلانه آن دست یافت. هشت ماهی که از انقلاب میگذرد فرصت کافی بددست میداد که موضوع مورد اختلاف، لاقل موقتاً برای لحظه کوتني بسود انقلاب حل شود و از پدایش حوادثی که موجب تضعیف مواضع انقلاب است، اجتناب گردد.

مقامات حاکم و مسئولین شیلات در این زمینه بطور جدی مسئولیت دارند. درباره سوابق برخی از این افراد که در رژیم سابق، از وردستی آتابای تا بازرسی شاهنشاهی، بسیاری از مراحل را پیموده اند، مطالب فراوان گفته میشود که، ضرورتی برای تکیه بر آنها نمی‌بینیم. برای ما این موضوع اهمیت دارد که مقامات مسئول نخواسته اند و یا نتوانسته اند یک مسئله ساده را در چارچوب منافع انقلاب حل کنند و متساقنه این نخواستن و نتوانستن در مقیاس کشور بچشم میخورد. بسیاری درها بر همان پاشنه می‌گردد و بسیاری دستها زمینه برای حادثه آفرینی می‌چینند.

از سوی دیگر، طی هشت ماه گذشته، گروههای ماجراجو، عوامل رژیم سابق و محالفی که توجهی به نتایج نهائی اقدامات خود ندارند، در میان صیادان آزاد مشغول فعالیت خرابکارانه بودند و این گروه خشمگین را موفق مقاصد خود تحریک و مشکل میکردند. در روز حادثه - ۲۳ مهرماه - در میان موج خشم آگین صیادان آزاد، که میخواستند جلو صید را تا زمانیکه به آنها هم اجازه صید داده نشده - بگیرند، افرادی دیده شدند که وسائل آتش سوزی و مواد منفجره حمل میکردند تا زمانیکه حادثه آفریده شده، بر شعله آن بیفزایند و انزلی را به کردستان «پیوند» بزنند. شعارهای، «ایران را سراسر کردستان می کیم»، «انزلی - کردستان»، پیوندتان مبارک!»، «مرگ بر پاسدار»، «ارتش برادر ماست» از جانب این محافل مطرح میشد، از جمله با این هدف که ارتش و پاسداران را در مقابل هم قرار دهند.

در تراکت هائی که بلا فاصله پس از حادثه از جانب گروههای مجھول الهویه به اصطلاح انقلابی در انزلی منتشر شده، مردم به مبارزه علیه «رژیم فاشیستی کوتني» دعوت شده اند. در یکی از این تراکت ها که به امضای «گروه انقلابی کولاک» منتشر شده، از مردم انزلی دعوت شده است که «سوگ بخون خفتنه را به کارزار مبارزه علیه رژیم واپسنه و خونریز حاکم تبدیل کنید.»

چنین است نمونه تازه ای از حادثه آفرینی ضد انقلابی، تبدیل کردن مسئله ساده صید ماهی به شهید سازی و سپس کوشش برای تبدیل آن به کارزار علیه انقلاب.

ما یکبار دیگر با احساس مسئولیت در برابر انقلاب ایران، هشدار می دهیم: هشدار، هم به مقامات حاکم و هم به مبارزان صدیق انقلابی - از هر سازمان و گروهی که باشند. ضد انقلاب در جبهه وسیعی علیه انقلاب برخاسته است با یکدست بهانه میسازد و با دست دیگر از این بهانه بهره برمی دارد از یک سو مسائل ساده، ماه ها و ماه ها حل نشده میمانند و مسئولین امور به ندانم کاری، بی برنامگی، سستی و اهمال وقت میگذرانند و زمینه میسازند و از سوی دیگر عمال

شناخته شده و بقایای رژیم سابق از این زمینه ها استفاده میکنند، تا «سراسر ایران را کردستان کنند» کار یکه تنها بسود امپریالیسم امریکا و عمال خون آشام آنست. فراموش نکیم که، به اعتراض فرستاده امام، حوادث کردستان هم ساخته و پرداخته دست های ناپاکی است که علیه انقلاب ایران برخاسته است.

ما یکبار دیگر هشدار میدهیم، بر نیروهای صدیق انقلاب است که دست بدست هم بدنهند. ندانم کار یها و بی لیاقتی ها و خرابکار یهای عمدی را افشاء کنند. از حادثه سازی، بهر شکلی که باشد، پرهیزند و با نیروی متعدد در برابر ضد انقلاب، که در کمین است، صف به بنند. اتحاد، تجهیز همه نیروها و استفاده از همه امکانات انقلابی، تنها وسیله پیشبرد انقلاب است.

دبير خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ ۲۵

آتش بس در کردستان شرط حتمی و ضرور برای موفقیت در مذاکرات است

در حالیکه به برکت واقع بینی و انساندوستی رهبر انقلاب، امام خمینی، و در نتیجه زحمات مسئولان خیر اندیش و مجاهدت و روشنگریهای احزاب و سازمانها و شخصیت‌های معهد و مسئول، در اتفاقهای تاریک و نگرانی آور فاجعه کردستان، روزنامه امیدی پدیدار گردیده و نخستین گامها در راه حل مسالمت آمیز این فاجعه ملی از طریق مذاکرات سیاسی برداشته شده است، متاسفانه آشکارا بچشم می‌خورد که همان نیروهایی که جنگ برادرکشی را بر مردم ایران، تحمیل کردند، اکنون نیز با تمام قوا می‌کوشند تا مذاکرات مسالمت آمیز کردستان را در نخستین گامهایش مختل و فرشته صلح و برادری را در جنین خفه سازند. تصادمات جنگی روزهای اخیر مهاباد و بوکان و حوادث دیگر را، که از نظر وسعت و شدت در سراسر کردستان بیسابقه بوده است و ما نمی‌خواهیم داخل جزئیات آنها شویم، جز اخلال و تخریب چه میتوان نامید؟ چرا شدیدترین نبردها درست هنگامی در می‌گیرد که نماینده دولت با نماینده کردها مذاکراتی کرده و خوبیتی و امیدوار بودن خود را به موفقیت این مذاکرات اعلام نموده است؟

حزب توده ایران از این وضع عیقاً نگران است و بار دیگر با صراحت اعلام میدارد که مسئله کردستان، مسئله نظامی نیست تا از راه عملیات نظامی قابل حل باشد و راه حل نظامی، همانطور که تا امروز دیده ایم، مسئله را بغيرجتر می‌سازد. مسئله کردستان، مسئله یک خلق استمدهده است که حقوق حقه خود را می‌طلبد و باید با ارضای خواستهای مشروع این خلق، میان خلق و ضد انقلاب خط فاصل کشید.

حزب توده ایران با انگیزه صداقت نسبت به انقلاب ایران و کمک به طرح و اجرای درست یک سیاست انقلابی و همچنین با انگیزه صداقت نسبت به منافع واقعی خلق کرد، که جزء لاینفک منافع انقلابی همه مردم ایران است، بصراحت اعلام میدارد که ادامه درگیری

نظامی، بموازات راه حل سیاسی، در واقع جز ادامه «راه حل» نظامی چیز دیگری نیست و راه حل سیاسی را، که یگانه راه حل درست است، بکلی مختل می‌سازد. زیرا در کجا دنیا دیده شده، که دو نفر در حالیکه طپانچه های خود را بروی یکدیگر آتش می‌کنند، بتوانند مذاکرات صلح انجام دهند و به حل و تفاهم جدی و صمیمانه برسند؟ به این دلیل و همچنین بدلیل آنکه پای خلق کرد و فرزندان دیگر خلقهای ایران در لباس پاسدار و سرباز در وسط است، و از هزار تیری که آتش شود نهصد و نود و نه تای آنها به خلق و فرزندان خلق اصابت خواهد کرد، باید تفهنه‌گها کنار گذاشته شود و دو طرف براساس اعتراف به واقعیت، یعنی حفظ انقلاب ایران، تأمین حقوق حقه خلق کرد، تحکیم دوستی و اتحاد خلقهای ایران در برابر امپریالیسم و صهیونیسم و بازمائدگان رژیم مخلوع پهلوی صمیمانه پشت میز مذاکره بنشینند و در حد اعلای تفاهم، در خاتمه دادن به فاجعه کردستان بکوشند.

حزب توده ایران مبتکر راه حل مسالمت آمیز مسئله کردستان بر مبنای رفع ستم ملی از خلق کرد بوده و در این موضع اصولی و عمیقاً انسانی خود استوار و پا بر جاست. ما به سه وزیری که، طبق اخبار منتشره، حل مسئله کردستان به آنها محول گردیده (با ابراز تعجب و تاسف از اینکه آقای فروهر وزیر مشاور که تا کنون مامور مذاکره بوده اند، در این کمیسیون نیستند) و همچنین به برادران و خواهران کرد مراجعه می‌کنیم و پیشنهادهای زیر را مطرح می‌سازیم.

۱- در اسرع اوقات و همزمان، از هر دو طرف آتش بس رسمی اعلام گردد و از هر دو طرف تدبیر لازم جهت نظارت بر اجرای شرافتنده آتش بس اتخاذ شود.

۲- مذاکرات سیاسی در جو حد اعلای تفاهم و برادری برای حل مسئله کردستان، بمعابه یگانه راه حل مسئله، با پیگیری و نرمش، تا رسیدن به نتیجه قطعی دنبال شود.

ما صمیمانه امیدواریم که هم دولت و هم برادران و خواهران کرد پیشنهادهای ما را، که یگانه راه صحیح حل مسئله است، بدقت اجرا کنند و در اسرع اوقات، با اعلام توفيق و نتیجه نهایی مذاکرات، انتظار مردم ایران را برآورده سازند.

همانطور که بکرات اعلام کرده ایم، حزب توده ایران آماده است در توفيق راه حل مسالمت آمیز مسئله کردستان، به دولت وقت جمهوری اسلامی ایران صادقانه کمک کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
اول آبان ماه ۱۳۵۸

حزب توده ایران بار دیگر همبستگی خود را با امام خمینی رهبر انقلاب ایران اعلام می دارد

روز جمعه ۴ آبان ماه ۱۳۵۸، راهپیمایی مردم ایران برای ابراز همبستگی با امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، انجام خواهد گرفت.

حزب توده ایران، پیرو مشی اصولی خود در پشتیبانی پیگیر از موضع قاطع، ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، همبستگی خود را با این راهپیمایی اعلام می دارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸ماه ۲ آبان

به شورای انقلاب

برای تبادل نظر سازنده به خاطر تحقیق وحدت واقعی نیروها و تدوین برنامه های انقلابی، آماده ایم.

در مرحله حساسی از انقلاب ایران هستیم، مرحله ایکه راه آینده این انقلاب و مسیر تکامل آن تعیین میشود. هیچ ایرانی طرفدار آزادی و استقلال، هیچ مبارز طرفدار توده زحمتکشان نمیتواند در این مرحله حساس نسبت به سرنوشت کشور و آینده انقلاب بزرگ ما بی علاقه و بی تفاوت باشد.

در جریان روز همبستگی مردم ایران با امام خمینی، رهبر انقلاب، ما با خرسندی بسیار اطلاع یافتهیم که شورای انقلاب درباره طرح ها و برنامه های مختلفی که در پیش رو دارد، پیرامون راه رشد آینده کشور و راه حل هائی که برای مصطلات عدیده اقتصادی و اجتماعی میهن ما در نظر گرفته شده، در راه مبارزه با فقر و محرومیت و عقب ماندگی و وابستگی، در راه استقلال کامل اقتصادی و ریشه کن کردن استثمار، درباره تزهیهای سیاسی مربوط به نحوه اداره کشور و درباره مجمع سیاستهای داخلی، حاضر به تبادل نظر و عقیده، حاضر به شنیدن نظرها و طرحهای دیگران و توجه به آنهاست.

ما باین روش درست، صمیمانه تهنيت می گوییم، بویژه که اندیشه ها و موضوعگیری صحیح و خلقی بسیاری تا کنون از جانب شورای انقلاب در این زمینه ها بیان و اعلام شده است. ما باین روش درست تهنيت میگوییم بویژه که از همه کسان «دارای هر نوع فکر و سلیقه ای» دعوت شده است تا «بیایند و باهم بنشینیم و بنشینند، مطالب خود را در میان بگذارند و بحث آزاد باشد». ما باین شیوه صحیح و فارغ از انحصار طلبی های تنگ نظرانه و راهگشای تدبیر درست و مشترک صمیمانه تهنيت می گوییم، زیرا شورای انقلاب در فراخوان خود اعلام می کند: «ملت ما بتواند با برخورد سالم و سازنده عقاید و افکار و اندیشه ها، راه را بسوی وحدت واقعی همچنان بازنگهدارد».

این مسئله، مسئله اساسی و اصولی است، وحدت واقعی همه نیروهای راستین انقلابی برای پیشبرد انقلاب!

حزب توده ایران پیرامون همه این مسائل حیاتی، نظرها و طرحها و پیشنهادهای اصولی خود را دارد و آنها را به سود انقلاب و تعمیق دستاوردهای آن، به سود مردم زحمتکش ایران، به سود استقلال و آزادی میداند و در استناد رسمی خود و نظریات خویش خطوط عمده آنها را بیان داشته است. ولی همیشه حزب ما اعلام کرده است که این اصول و نظریات بیان شده را بمتابه شالوده ای برای تبادل نظر و گفتگو و یافتن یک وجه مشترک انقلابی و متفرقی تلقی میکند و پیرامون هر پیشنهاد و طرح دیگری حاضر به بحث و مبادله آراء و تدوین برنامه مشترک است.

اکنون، بمناسبت این دعوت عام شورای انقلاب، حزب توده ایران بار دیگر اعلام میدارد که بنویسه خود حاضر به شرکت در این برخورد سالم و سازنده و آزاد هست، زیرا عمیقاً معتقد است که نیل به وحدت واقعی همه نیروهای طرفدار استقلال و آزادی و نیکبختی مردم زحمتکش، وحدت واقعی همه انقلابیون راستین، صرفنظر از تعلقات مسلکی و سازمانی، یک ضرورت حیاتی و مبرم است. تحقق خود این وحدت یک پیروزی بزرگ انقلابی است.

در حالیکه برخی محافل قانونشکن و راست گرا کوشیده اند احزاب و جمعیتها و نیروهای متفرق و چپ و انقلابی را از صحنه خارج کنند و جبهه انقلاب و حامیان واقعی آن را عملاً تضعیف نمایند، این دعوت عام شورای انقلاب، در صورتیکه عملی شود و پیگیرانه جامه تحقق پوشد، گامی خواهد بود در جهت به صحنه آوردن کلیه این نیروهای صدیق و تامین مشارکت فعال آنها در تعیین راه و پیشبرد انقلاب و تقویت صفوف انقلاب.

بنابراین ما این دعوت را مثبت و در جهت منافع انقلاب میشمریم و رسمیاً اعلام میداریم که آماده ایم در چنین برخورد عقاید و تبادل نظر آزاد، بخاطر تدوین مشی سالم و سازنده — با تمام حس مسئولیت خطیری که مرحله حساس کنونی آن را ایجاد میکند — شرکت کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ آبان ماه ۷

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران در تظاهرات مردم ایران
در روز عید قربان علیه امپریالیسم آمریکا و انگلستان
شرکت می کند

کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن تبریک عید قربان به همه هم میهنان مسلمان، از اعضاء، هاداران و دوستان حزب و از همه میهان دوستان و آزادیخواهان ایران دعوت می کند که در تظاهراتی که در این روز، برای ابراز نفرت و انزجار نسبت به توطئه های امپریالیسم آمریکا و انگلستان علیه انقلاب ایران صورت می گیرد، شرکت کنند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۹ آبان ماه ۱۳۵۸

به امام خمینی رهبر انقلاب ایران به مناسبت عید قربان

به حضور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران – عید قربان، عید بزرگ اسلامی را به حضور شما و همه مردم مسلمان ایران صمیمانه تبریک می‌گوید.
کمیته مرکزی حزب توده ایران از فرصت استفاده کرده اعلام میدارد که حزب توده ایران از مشی قاطع و پیگیر شما در مبارزه علیه امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکا و انگلستان، بگفته شما «دشمن اصلی» و «تمام گرفتاریهای ما ز آنهاست.»، برای تأمین استقلال ایران در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی، قاطعانه و با صداقت بی خدشه انقلابی پشتیبانی می کند.

شما در موضع مستضعفین، در مقابله و مبارزه با مستکبرین، در موضع ستمدیدگان بر ضد ستمگران، در موضع طبقات زحمتکش – کارگر و کشاورز، در برابر استثمارگران آزمدند، در موضع کوخ نشینان در برابر کاخ نشینان، استوار ایستاده اید. حزب توده ایران از این موضعگیری و ایستادگی شما با تمام توان خود پشتیبانی می‌کند.

دیکتاتوری یا حکومت استبدادی، علاوه بر ستمگری، باعث فلوج فعالیت سازنده زحمتکشان، موجب فلوج ابتکار خلاق و نیروی جوشان خلق است و شما اعلام داشته اید که دیکتاتوری در اسلام بزرگترین گناه است. حزب توده ایران از این موضع گیری شما با تمام نیروی خود پشتیبانی می کند.

شما معتقدید که بهمان گونه که «وحدت کلمه» نیروهای انقلابی توانست رژیم ددمنش «طاغوت» را در هم شکند، همین «وحدت کلمه» برای سازندگی ایرانی مستقل، آزاد و آباد ضرور است. حزب توده ایران در راه همین وحدت، در راه اتحاد تمام نیروهای راستین انقلابی در جبهه متحد خلق، بقدرت توان خود با پیگیری کوشان است.

حزب توده ایران برای شما، که در مقام رهبری انقلاب بزرگ مردم ایران قرار گرفته اید و
بیانگر و پرچمدار خواستهای اصولی انقلابی خلق هستید، عمر دراز و کامیابی و پیروزی در
مبارزه به خاطر تأمین استقلال و آزادی ایران، به خاطر سازندگی ایرانی نوبه سود رحمتکشان
آرزومند است.

درود صمیمانه ما را پذیر ید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ آبان ۹

حزب توده ایران اشغال سفارت آمریکا، مرکز توطئه
علیه انقلاب ایران را تأیید و مذاکرات هیأت
نمایندگی دولت موقت با برژینسکی، یکی از
توطئه‌گران اصلی بر ضد انقلاب ایران را محکوم می‌کند

در همان زمان که هیئت نمائندگی دولت موقت با برژینسکی توطئه‌گر مذاکره می‌کرد
و اینک معلوم شده است که این مذاکرات بدون اجازه امام صورت گرفته است – تظاهرات
مردم ایران، در روز عید قربان، علیه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا بر ضد انقلاب ایران جریان
داشت.

خشم و نفرت مردم ایران از امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی و واقعی مردم ایران،
روز ۱۳ آبان روز یادبود شهادت دانشجویان و دانش آموزانی که به فرمان امپریکائی‌ها و بدست
شاه خائن و درخیمانش بخاک و خون غلبه شدند، به اوج خود رسید.

در این روز میلیونها نفر از دانش آموزان و دانشجویان و سایر اشار مردم، بار دیگر
جنایات امپریالیسم آمریکا را علیه انقلاب ایران یکصدا محکوم کردند. در پایان تظاهرات ۱۳
آبان، گروهی از دانشجویان مسلمان پیرو امام، سفارت امپریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران را
اشغال کردند و عده‌ای از امپریکائیان را به گروگان گرفتند و اسناد فراوانی از توطئه‌های امپریکا
از جمله در کردستان و خوزستان بدست آوردند.

آنها خواستار تسلیم شاه امپریکائی به مردم ایران هستند تا این مرد خائن، جانی، قاتل،
سرشکجه گر و دزد در پیش پای ملت اعدام گردد. آنها خواستار لغو قرارداد نظامی و اقتصادی
اسارتگر، و قبل از همه لغو قرارداد دو جانبه نظامی با امپریکا هستند. آنها خواستار آن هستند که
نفوذ امپریالیسم امپریکا در میهن ما ریشه کن شود، زیرا میدانند که بدون اینکار، ایران عزیز ما
روی استقلال و آزادی و عدالت را نخواهد دید. آنها بیانگر خواست قاطبه مردم ایران هستند.
دروド پرشور بر جوانان انقلابی میهند ما!

مردم ایران با شنیدن خبر اشغال لانه جاسوسان و توطئه‌گران امپریکا، درست همانند

روزی که شاه خائن فرار کرد، در خیابانها بشادی پرداختند و گل و نقل پخش کردند. همه نیروهای انقلابی نیز پشتیبانی خود را از این عمل بجا و شجاعانه ابراز کردند.

حزب توده ایران، که خود از مبارزان اصلی بر ضد امپریالیسم امریکاست، این آگاهی و دلیری مردم ایران، این عزم راسخ و اراده متحده بر ضد امپریالیسم و درک درست مشی امام خمینی را تحسین می کند و تهنیت می گوید.

مردم ایران امپریالیسم امریکا را نه فقط بعنوان دشمنی که ددمنشی چون رژیم پهلوی را به آنها تحییل کرده بود، می شناسند، بلکه دست جنایتکار و خون آلود این دشمن را در تمام توطئه های نه ماشه پس از انقلاب ایران بخوبی دیده اند و می بینند.

افروختن جنگ برادر کشی در کردستان و خوزستان، ترور شخصیتهای سیاسی و مذهبی و انقلابی، خرابکاری در اقتصاد کشور و در دستگاه دولتی، کارزار تبلیغاتی ضد انقلابی در داخل و خارج، تدارک اشغال نظامی خلیج فارس، همکاری با اسرائیل صهیونیستی، ایجاد جبهه متعدد از رژیم های خائنی چون سادات، عربستان سعودی و سلطان قابوس، همه و همه هدفی جز سرکوب انقلاب ایران و همه جنبشیان انقلابی درخاور میانه، از جمله جنبش خلق قهرمان فلسطین ندارد. و این را مردم ایران میدانند.

در برابر این هوشیاری و درک الهام بخش مردم ایران عمل هیئت نمایندگی دولت موقت در مذاکره با پژوینسکی توطئه گر اسف انگیزتر، دردناک تر و خطرناک تر جلوه می کند. این نشانه آنست که کسانی بتمایل و اراده مردم و به مشی امام خمینی بی اعتنای هستند. این نشانه آنست که کسانی می خواهند دستاوردهای انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی مردم قهرمان ما را با مذاکرات پشت پرده، با روشهای محافظه کارانه و سازشکارانه به بهانه «سیاست گام به گام» بر باد دهند. چنین روشی از نظر مردم ایران، همه نیروهای انقلابی ایران و حزب توده ایران محکوم است و باید بیدرنگ قطع گردد.

ما، یکدل و یکصد، همفکر و همقدم، با مردم، مردمی که به پیروی از مشی قاطع ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، در خیابانهای ایران فریاد میزنند، پیروزی نهائی، اخراج امریکایی، معتقدیم که تنها پاسخ قاطع و ضرور به امپریالیسم امریکا، مبارزه متعدد برای ریشه کن ساختن امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، از ایران عزیز ماست. مبارزه ما، همراه مردم آگاه و قهرمان ایران، برای نیل باین هدف مقدس ادامه دارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ ماه آبان

به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

فرخنده باد شصت و دومین سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر!
استوار باد دوستی دیرین خلق های ایران و اتحاد شوروی!

در فرخنده سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، پرشور ترین درودها و صمیمانه ترین آرزوهای کمیته مرکزی حزب توده ایران، همه اعضای حزب ما و مردم زحمتکش ایران را به شما و توسط شما به تمام اعضای حزب پر افتخار کمونیست شوروی، به تمام خلق قهرمان شوروی، تقدیم میداریم.

شصت و دو سال پیش درفش پیروزمند انقلاب اکتبر، بربری حزب آفریده و پروردۀ لئین بزرگ، در عرصه تاریخ جهانی به اهتزاز در آمد. انقلاب اکتبر بزرگترین انقلاب اجتماعی سراسر تاریخ و نخستین انقلاب پیروزمند کارگری جهانست که با پی ریزی حکومت شوراهاء، با پی ریزی نخستین دولت سوسیالیستی جهان، بزرگترین جهش و رژفترین دگرگونی را در روند تکامل جامعه بشری موجب گردید و راه جامعه بشری را به سوی تاریخ حقیقی و انسانی خویش گشود. اکتبر سرآغاز نوسازی بنیادی جهان بود. قرن بیستم در تاریخ جهانی بنام قرن اکتبر ثبت است.

انقلاب اکتبر برای نخستین بار در تاریخ بشری قدرت حاکمه را بدست طبقه کارگر بدست طبقه ای داد که واقعیت زندگی و سرشت طبقاتی اش با هیچ شکلی از اشکال استشمار با هیچ شکلی از بی عدالتی اجتماعی و زورگویی و ستمگری یک خلق بر خلق دیگر سازگاری ندارد.

انقلاب اکتبر با برانداختن نظام کهنه سرمایه داری و برپایی نظام اجتماعی نوین سوسیالیستی بزرگترین ضربت را بر سیستم جهانی امپریالیسم وارد آورد، ارکان نظام ضد بشری سرمایه داری را در مقیاس جهانی متزلزل ساخت و بطلان افسانه «ابدیت» حکومت سرمایه داران را به ثبوت رسانید.

این انقلاب سرآغاز گذار جهان از نظام سرمایه داری به جامعه فارغ از استثمار را به مردم ترقیخواه و زحمتکش بشارت داد، با ایجاد نقطه عطف در سیر تکاملی جامعه بشری، تحقیق انقلاب های سوسياليسنی را در دیگر مناطق جهان تسريع و تسهیل کرد، موجبات پیدایش جامعه متعدد کشورهای سوسياليسنی را فراهم ساخت و بدینسان دگرگونی تاریخی عظیمی در تناسب نیروهای جهانی به زیان امپریالیسم و ارتقای و به سود جبهه وسیع جهانی ضد امپریالیستی خلقها پدید آورد.

پیروزی تاریخی اکبر نیرو و جان تازه ای در پیکر طبقه کارگرین المللی دمید و راه برای کامیابیهای روز افزون آن هموار کرد. این انقلاب با دستاوردهای تاریخی شکرف خود بنیاد مادی مطمئنی برای جنبشهای انقلابی آزادیبخش همه خلقهای ستمدیده جهان پدید آورد. عصر اکبر، عصر انقلاب های کارگری، عصر پیروزی جنبشهای آزادیبخش ملی و پیروزی جامعه بشری بر استثمار و استعمار، بر ارتقای وجہل، بر تاریک اندیشه و تیره روزی انسان است.

راه اکبر برابر اجتماعی واقعی مردم سختکش را تحقق می بخشند، اطمینان آنها را به آینده تامین می کند و جامعه بشری را به سرمنزل رفاه و نیکبختی همگانی میرساند. اندیشه ها و دستاوردهای تاریخی اکبر در طول صحت و دو سال اخیر روشی بخش و راهگشای جنبشهای آزادیبخش خلقهای کشور های مستعمره و واسته جهان بوده است. همه جنبش ها و انقلابهای خلقی پیروزمند این دوران بطور مستقیم یا غیر مستقیم از اندیشه های اکبر، از کمک های انتراسیونالیستی و از پشتیبانی مادی و معنوی دولت آفریده اکبر برخوردار بوده اند.

میهن ما ایران از نخستین کشورهایی است که بلا فاصله پس از انقلاب اکبر از پشتیبانی مادی و معنوی جمهوری جوان شوراهای برخوردار گردید، در دسامبر سال ۱۹۱۷ – کمی پیش از یکماه پس از انقلاب اکبر، لینین بزرگ در پایام تاریخی خود به سمتکشان مسلمان روسیه و خاور زمین، الغای کلیه قراردادهای ظالمانه تحملی حکومت تزاری را به مردم کشور ما بشارت داد و اعلام داشت که قراردادهای منعقدة میان روسیه تزاری و امپریالیسم انگلیس در باره تقسیم ایران و نیز کلیه قراردادهای اسارت آور تحملی حکومت تزاری به ایران، «برای همیشه از هم در یده شده» و همه امتیازات اقتصادی، گمرکی، مالی و سیاسی دولت تزاری در خاک ایران ملغی گردیده است.

در جریان انقلاب همگانی خلق قهرمان ایران، میهن ما بار دیگر از همبستگی انتراسیونالیستی و از پشتیبانی نیرومند کشور زادگاه انقلاب اکبر برخوردار گردید، رفیق برترن دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورایعالی اتحاد شوروی ضمن مصاحبه با خبرنگار «پراودا» صریح و قاطع اعلام کرد که اتحاد شوروی «با هر گونه مداخله در امور داخلی ایران از جانب هر کس، به هر شکل و تحت هر عنوان که باشد، مخالف است» و بر

آنستگه «حوادث ایران جنبه کاملاً داخلی دارد و مسائل مربوط به این حوادث را خود مردم ایران باید حل و فصل کنند».

این زنوار باش بار دیگر موضع پیگیر اتحاد شوروی را در دفاع از اصل لینین آزادی خلق ها در تعیین سرنوشت خویش و سیاست پشتیبانی بی خدشه از جنبش های آزادبیخش ملی، نشان داد، این موضع گیری قاطع موجب شده که امپریالیسم هار آمریکا کاتواند علیه مردم ایران متولی به اعمال زور شود و در نتیجه مردم ما امکان یافتند در برابر دشمنان داخلی و خارجی خویش، با اتکاء به نیروی پیکار جانبازانه خود، عمل کنند.

جای تأسف است که علی رغم این واقعیات انکار ناپذیر، باز کسانی میکوشند همبستگی دولت اتحاد شوروی با انقلاب مردم ایران و دوستی سنتی بی شائبه این کشور را با کشورما تخطه کنند و با استفاده از هر فرصتی، میهن انقلاب اکبر را به عنوان «ابرقدرت» با امپریالیسم ددمنش امریکا دریک ردیف قرار دهند و با این عمل توجه مردم انقلابی ایران را از خطرناشی از دسایس امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بنی‌مللی منحرف سازند.

مردم ایران اتحاد شوروی را ذوست صدیق خود میدانند و این دوستی را بسیار ارج میگذارند. همه تلاش های دشمنان خارجی و داخلی انقلاب همگانی مردم ایران و کلیه تشیبات کسانی که به تعییت از منافع محدود طبقاتی خویش آتش دشمنی با اتحاد شوروی - صدیق ترین دوست مردم ایران - را دامن میزنند، با ناکامی روبرو خواهد شد.

خلق قهرمان ایران پس از پیکارهای بزرگ انقلابی، برپایاد اتحاد تاریخی همه نیروها و سازمانهای اصیل انقلابی، توانستند یکی از مستحکمترین دژهای امپریالیسم و ارتعاج جهانی و استبداد کریه سلطنتی دست افزار آن را درهم بشکنند. حزب‌مازدهمان آغاز اوج انقلاب، اهمیت ایجاد جبهه واحد همه نیروهای انقلابی را گوشزد کرد و برای دستیابی به این هدف از هیچ کوششی در رفع نوزید. حزب توده ایران از همان آغاز برای موضع‌گیری قاطع و پیگیر امام خمینی در مقام رهبری انقلاب و مبارزه در راه طرد امپریالیسم و ریشه کن ساختن استبداد سلطنتی و تامین آزادیهای اجتماعی و بهبود اساسی شرایط زندگی زحمتکشان شهر و روستا ارزش بسزا قائل شد و با تمام نیرو به پشتیبانی از این موضع‌گیری برخاست.

حزب توده ایران علیه هر گونه روش زیانمند از سوی چپ گرایان تند رو و راست گرایان انحصار طلب، مبارزه کرده و میکند و تفرقه و پراکندگی نیروها را مانع عمدۀ تحقق پیروزی در مرحله بعدی انقلاب می‌شمارد.

انقلاب ایران اکنون یکی از مراحل بسیار دشوار و حساس خود را میگذراند. نیروهای ضد انقلاب - امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم، بازماندگان رژیم سرنگون شده و دیگر عناصر ضد انقلابی - با استفاده از هر فرصتی به توظیه چینی و تداوک اجرای نقشه‌های شوم آینده خود مشغولند. حزب توده ایران در چنین اوضاع و احوالی خطر ضد انقلاب را بعنوان خطر عمدۀ به همه

نیروهای ملی و میهن پرست کشور گوشزد میکند و رفع این خطر را در گرو اتحاد همه نیروهای اصیل ضد امپریالیستی، همه نیروهای مدافعان منافع خلق رحمتکش ایران میداند. حزب ما تا کون بارها آمادگی خود را برای همکاری صمیمانه با همه نیروها به منظور تشکیل جبهه متعدد خلق ابراز داشته و از هیچ تلاشی برای تشکیل این جبهه مضایقه نکرده است.

ما با قاطعیت تمام اعلام کرده ایم که دشمن اصلی انقلاب ایران امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی است و کم بهادران به ضرورت مبرم اتحاد نیروها در برابر چنین دشمن غداری، انقلاب مردم ایران را با خطر مهلك مواجه میسازد.

رفقای عزیز!

در شصت و دومین سالروز خجسته انقلاب کبیر سوسیالیستی اکابر کامبیانی های هر چه بیشتر شما را برای تحقق آرمان عالی لنینی، برای مبارزه در راه گسترش باز هم بیشتر ساختمن سوسیالیسم رشد یافته و ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم، برای مبارزه در راه گسترش بیش از پیش دمکراسی سوسیالیستی، برای مبارزه در راه صلح، آزادی، برابری و نیکبختی سراسر جامعه رحمتکش بشری آرز و مندیم.

فرخنده باد شصت و دومین سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکابر!

استوار باد دوستی دیرین خلقهای ایران و اتحاد شوروی!

افراشته باد در فشن پیروزی آفرین مارکسیسم - لنینیسم و انترناشیونالیسم پرولتئی!

با درودهای برادرانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیراول: نورالدین کیانوری

۱۳۵۸ ماه ۱۵

شورای انقلاب در برابر وظایف بزرگ

دو خصلت اساسی خط امام، خصلت قاطع ضد امپریالیستی و خصلت آشکار خلقی است. شورای انقلاب باید بی خدشه و بدون تزلزل، خط امام را در پیش گیرد. حزب توده ایران آماده همکاری با شورای انقلاب برای پیشبرد خط امام است.

در برابر موج عظیم ضد امپریالیستی و ابراز عدم اعتماد وسیع ترین قشرهای مردم، دولت وقت مهندس مهدی بازرگان تاب نیاورد و استعفا داد— و در واقع سقوط کرد. بفرمان امام خمینی، شورای انقلاب اداره امور کشور را در دوره انتقالی بهده گرفت. این تحول گام بزرگی است در جهت تداوم و گسترش انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران، «انقلابی است بزرگتر از انقلاب اول».

دولت وقت درقله پیکار عظیم و فداکارانه توده های زحمتکش مردم بر سر کار آمد، ولی حاضر نشد وظایف ناشی از انقلاب را بدوش گیرد. این دولت تمام نیروی خود را بکار برد تا انژری انقلاب را مهار کند، از سرعت رشد انقلاب بکاهد و شور انقلابی مردم را فرو نشاند. این دولت فرزند خلف انقلاب بزرگ مردم ایران نبود. تجسم سازشکاری محافق لیبرال— بورژوازی بود که میخواستند انقلاب را در چارچوب منافع تنگ طبقاتی خود محصور کنند.

بر اثر این روش دولت وقت، انقلاب ایران از وحدت اراده و عمل محروم شد. دولت وقت، بجای اینکه مجری اراده مردم باشد، حساب جداگانه ای باز کرد و «دوگانگی قدرت» بوجود آورد، یعنی در برابر قدرت مردم و رهبری امام خمینی، قدرت دیگری علم کرد. این دوگانگی قدرت، این جدا شدن دولت از مردم، طی هشت ماه زیانهای بزرگی به انقلاب زد. ادامه آن مقدور نبود دولت میباشد برود.

اینک این واقعه روی داده است. انقلاب گام بزرگی بسوی وحدت اراده و عمل برداشته و راه خود را بسوی پیشرفت بیش از پیش باز کرده است.

امام خمینی وظایف دولت موقت را بعهده شورای انقلاب گذاشته و به این ترتیب فرست بسیار بزرگی به این شورا داده اند تا درجه شایستگی خود را در میدان عمل نشان دهد. راهی که در برابر انقلاب ایران قرار دارد، یعنی وظایفی که بر دوش شورای انقلاب افتد، کاملاً روشن و مشخص است. این راه در روزهای اخیر و در سیل خروشان جنبش ضد امریکایی مردم ایران، بنام «خط امام» نامیده شده، که دو خصلت اساسی آن عبارت است از: خصلت قاطع ضد امپریالیستی و خصلت آشکار خلقی.

در تمام بیانات امام خمینی در روزهای اخیر، جوانب مختلف این هر دو خصلت با صراحة تمام بیان شده است.

بعلاوه، شورای انقلاب تجربه غنی هشت ماهه پس از پیروزی انقلاب و تجربه تلغی دولت موقت را در اختیار دارد. در این هشت ماه ضرورت های انقلاب و خواستهای مردم بروشنی نمایان شد. ما دیدیم که امپریالیسم جهانی، بسر کردگی امپریالیسم خونخوار امریکا، لحظه ای از توطئه و تحریک دست بر نمیدارد و اگر جنبش انقلابی ایران پایگاههای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امپریالیسم را در کشور مادر هم نکوبد، راه توطئه باز خواهد بود. انقلاب ایران تنها در یک نبرد قاطع علیه امپریالیسم می تواند پیروز شود.

از جانب دیگر، تجربه هشت ماهه نشان داد که انقلاب در عرصه اقتصادی و اجتماعی نیز وظایف بزرگی بدوش دارد، که اگر از انجام آن سر به پیچد، دچار شکست خواهد شد. کسانی که زمام حکومت انقلابی را بدست میگیرند، موظفند وابستگی اقتصادی را از میان برند تا تصمیمات قاطعی بسود تأمین استقلال اقتصادی و در جهت منافع توده زحمتکش اتخاذ و اجرا کنند.

در این هشت ماه، دولت موقت، بخاطر حفظ منافع سرمایه داران، از این امر امتناع کرد و با تعلل و مسامحه دشواری های بزرگی در اقتصاد کشور بوجود آورد. قیمتها بسرعت بالا میروند، کمبود برخی کالاهای ضرور احساس میشود، ظرفیت تولیدی مؤسسات صنعتی بطور کامل بکار نیفتاده و در مواردی رکود و کمکاری احساس میشود. بیکاری روز افزون است و... برای فائق آمدن بر این دشواری ها - که کاملاً قابل رفع است - باید برنامه و روح انقلابی داشت.

دولت موقت در هشت ماه گذشته به پاکسازی و نوسازی دستگاه دولتی نپرداخته و کوشیده است این دستگاه را حفظ کند در حالیکه با آن ماشین دولتی جهنمی و ضد مردمی، هرگز نمیتوان انقلاب را پیش راند. تحولی بنیادی درسازمان دولتی و شیوه اداره کشور لازم است. امام خمینی در فرمان خود بشورای انقلاب در این زمینه ها وظایف مشخصی تعیین کرده و از شورای انقلاب خواسته است که «در پاکسازی دستگاههای اداری و رفاه حال مستضعفان بی خانمان، بطور انقلابی و قاطع عمل کند».

این خواست امام، خواست همه مردم ایران است.

امام فرمان ویژه ای نیز به هیئت حسن نیت مأمور کردستان فرستاده و در آن اظهار امید کرده است که «رفاه حال برادران کرد بطور شایسته فراهم شود». این امید امام نیز امید همه مردم ایران است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران تحولی را که در امر حکومت انقلابی رخ داده، با خرسندی استقبال می کند. موضع حزب توده ایران در این مورد از هشت ماه پیش، درست از زمانیکه دولت وقت بر سر کار آمد، روشن بود.

شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن پیش بینی پیدایش قدرت دوگانه و تلاش محاذل سرمایه داری وابسته برای مهار کردن انقلاب ایران، با صراحة تمام این وظیفه را در برابر اعضاء و هواداران خود گذاشت که با همه نیروهای راستین انقلاب «بویژه نیروهای فعال انقلابی که تحت رهبری آیت الله خمینی هستند» متحد شوند و سدی در برابر «تلاشهای سازشکاران» بوجود آورند.

حزب توده ایران در تمام دوران پس از انقلاب، بطور پیگیر در این موضع قرار داشته و در آینده نیز قرار خواهد داشت.

حزب توده ایران آماده است که با تمام نیرو و امکانات خود برای پیروزی کردن «خط امام»، به شورای انقلاب کمک کند. اعضاء و هواداران حزب توده ایران در هر جا که هستند با شور و فداکاری تمام در رفع دشواریهای انقلاب خواهند کوشید و جبهه اصلی نبرد را که جبهه ضد امپریالیستی است، رها نخواهند کرد.

ما اطمینان داریم که جز با وحدت همه نیروهای راستین انقلابی، پیروزی بر امپریالیسم خونخوار و توطئه گر امریکا مقدور نیست. ما مبشر جبهه متحد خلق هستیم و در راه ایجاد این جبهه، در میدان نبرد، از هیچ کوششی فرو گزار نخواهیم کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۵ آبان ماه ۱۳۵۸

ما پشتیبانی کامل خود را از روزه سیاسی ضد امپریالیستی اعلام می کنیم

اعضا و هواداران حزب توده ایران در تحمل محرومیت‌های ناشی از مبارزه ضد امپریالیستی همواره در صف اول خواهند بود.

مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم جهانخوار امر یکا گسترش می یابد. در برابر تهدید تجاوز کارترین مخالف امپریالیستی، که اختلال محاصره اقتصادی کشور ما را مطرح کرده اند، موجی از خشم و اعتراض عمومی برخاسته است که روشن ترین نمونه آن اعلام پنج روز روزه سیاسی است. این موج جدید را ابتدا کارمندان ثبت اسناد آغاز کردند و بدنبال اظهارات امام خمینی اعلام داشتند که در ساعات کار غذا نخواهند خورد، تا ثابت شود که آماده اند با شکم گرفته نیز کار کنند. سپس موج اعتراض گسترش یافت و اقسام مختلف مردم به این شکل از مبارزه پیوستند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران پشتیبانی کامل خود را از این ابتکار ضد امپریالیستی اعلام میدارد.

اعضا و هواداران حزب توده ایران، برای ابراز این همبستگی، در هر جا که مسلمانان مبارز، دست به روزه سیاسی زده اند، با آنها همراهی می کنند. پیدایش این موج نوین اعتراضی حکایت از آگاهی وسیع ترین قشراهای مردم ایران دارد.

مردم میدانند که امپریالیست‌های جهانخوار به این آسانی دست از ما بر نمیدارند و چنانکه نجریه طولانی مبارزات ضد امپریالیستی ایران و جهان نشان میدهد، اگر بتوانند از دست زدن بهیچ پنهانیتی ابا نخواهند داشت.

ما این آگاهی توده های زحمتکش مردم ایران و آمادگی آنها برای ادامه هر چه قاطعتر نبرد ضد امپریالیستی را تحسین می کنیم. اعضاء و هواداران حزب توده ایران در هر جا که باشد همواره در صفحه مقدم نبرد خواهند بود و سختی ها را با آتش باز استقبال خواهند کرد.

شور و شوق وسیع ترین قشراهای مردم و هیجان عمومی ضد امپریالیستی، که سرتاسر کشور را فرا گرفته است، وظایف بزرگ و مشخصی را در برابر حکومت انقلابی ایران قرار میدهد. شورای انقلاب و دولت باید با تصمیمات و اقدامات مشخص خود به خواست توده مردم پاسخ گویند و از آمادگی آنان به نبرد بهره گیرند. آمادگی روحی مردم باید با آمادگی دستگاه دولتی انقلاب تکمیل شود.

برای مقابله با تهدید امپریالیست ها به محاصره اقتصادی ایران نیز لازم است که از هم اکنون اقدامات مشخصی انجام گیرد، از آنجمله:

- ۱- باید همه پیوندهای آسیب پذیر با انحصارات امپریالیستی را از هم اکنون قطع کرد.
 - ۲- باید بویژه برای حفظ ذخایر ارزی و مالی کشور تدبیر جدی اندیشید.
 - ۳- باید موسسات نولیدی و اقتصادی کشور را هر چه زودتر از حالت لختی و بلا تکلیفی درآورد و آنها را با تمام ظرفیت بکار انداخت.
 - ۴- باید بازرگانی خارجی را فوراً به انحصار دولت درآورد و معاملات خارجی را از زیر سلطه انحصارات امپریالیستی بیرون کشید.
 - ۵- باید امر ملی کردن بانکها و کنترل کامل معاملات ارزی را با دقت بیشتری دنبال کرد.
 - ۶- باید مناسبات اقتصادی کشور را با همه بازارهای جهانی که از سلطه امپریالیسم آزاد است و از جمله بازارهای کشورهای سوسیالیستی و کشورهای انقلابی و ضد امپریالیستی «جهان سوم» گسترش داد.
 - ۷- باید در بازار داخلی نیز به نسبت نیاز مبارزه ضد امپریالیستی کنترل دولتی و شورائی برقرار شود، تا جلوگیری از احتکار و گرانفروشی و اختلال در بازار مقدور گردد.
 - ۸- نبرد ضد امپریالیستی، فقط در جبهه خارجی نیست. در درون کشور هم این نبرد با عوامل امپریالیسم درجریان است. باید دستگاههای اقتصادی و تولیدی را از این عوامل، و قبل از همه، از عمال ساواک پاک کرد. اسامی اعضاء و خبر چین های ساواک باید هر چه زودتر منتشر شود و از خرابکاری آنها در موسسات تولیدی جلوگیری بعمل آید.
 - ۹- باید جیوه متحده خلق را در همه عرصه ها و از جمله در عرصه اقتصادی بوجود آورد و تحکیم کرمه و در مؤسسات تولیدی و اقتصادی از همه نیروها و انرژی ها بوسیع ترین شکل ممکن بهره گرفت.
- متاسفانه در نه ماهه پس از انقلاب، در همه این زمینه ها مانند همه عرصه های دیگر

دولت موقت نخواست دست به چنان اقداماتی بزند که بزیان سرمایه داران بزرگ و زمینداران بزرگ وابسته باشد. در حالیکه از بین بردن سلطه اقتصادی امپریالیسم و مقابله با تهدید های احتمالی آن، بدون مقابله و مبارزه با سرمایه داری بزرگ و زمینداری بزرگ وابسته مقدور نیست. تردیدی نیست که وقتی دولت انقلابی، در پیروی از رهبری قاطع امام خمینی تصمیمات روشنی برای تجهیز همه نیروهای انقلابی علیه امپریالیسم بگیرد و بموضع اجرا بگذارد، توده های زحمتکش مردم از این تصمیمات، حتی اگر توأم با محدودیت ها و محرومیتها باشد، پشتیبانی خواهند کرد. ما نخستین کشوری که با تهدید امپریالیسم رو برو شده باشد، نیستیم. در نبرد ضد امپریالیستی همه نوع محرومیت، از جمله جیره بنده مواد ضرور غذائی و حتی گرسنگی محتمل است و مردم وقتی به درستی راهی که در پیش است، معتقد باشند، طبیعی است که این محرومیت ها را آسانی تحمل خواهند کرد. و چنانکه گفته ایم، اعضاء و هواداران حزب توده ایران نیز همواره در صفت نخستین نبرد خواهند بود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۰ آبان ماه ۱۳۵۸

به زلزله زدگان خراسان کمک کنید!

زلزله‌ای که دیروز در چند نقطه از خراسان، به ویژه در قائن و اطراف آن روی داده خسارت مالی و جانی فراوانی به بار آورده است.

ما با تأثیر عمیق از این حادثه ناگوار، به بازماندگان هموطنانی که براثر زلزله جان خود را از دست داده‌اند، صمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

ما از شورای انقلاب و مقامات مسئول می‌طلبیم که در عین کمک فوری به زلزله زدگان، با توجه به این که این منطقه زلزله خیز است، از هم اکنون تدبیر اساسی و درازمدت اتخاذ کنند تا در صورت وقوع چنین حوادث طبیعی، مردم از آسیب مصون بمانند.

ما از اعضا و هواداران حزب در خراسان می‌طلبیم که با تمام نیرو و با استفاده از تمام امکانات به زلزله زدگان کمک کنند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ آبان ماه ۲۳

حزب توده ایران آمادگی خود را برای کمک پزشکی به زلزله زدگان خراسان اعلام داشت

کمیته امداد امام
برای کمک به زلزله زدگان قائنات

با فاجعه زلزله اخیر در خراسان، حزب توده ایران، همان طور که در روزنامه مردم نیز اعلام شد، اولین اکیپ پزشکی و کمک پزشکی خود را در تهران برای کمک و اتیام دردهای مردم مصیبت دیده منطقه زلزله زده قائنات تعیین کرد.

ما با معزی این اولین اکیپ به کمیته امام، برای کمک به زلزله زدگان قائنات، به وظيفة میهنی و انسان دوستانه خود عمل می کنیم و به ندای امام پاسخ مثبت می دهیم.

اولین اکیپ پزشکی و کمک پزشکی حزب توده ایران در تهران برای کمک به زلزله زدگان قائنات از

دو پزشک متخصص جراحی، یک پزشک متخصص بیهوشی، یک پزشک متخصص آزمایشگاه و دو نرس تشکیل می شود.

در صورت لزوم یک پزشک متخصص امراض داخلی نیز آماده شرکت در این اکیپ است.

با احترام

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ ۲۴ آبان ماه

خستین گام بزرگ در راه پایان دادن به محرومیت‌های خلق کرد،

با تأیید امام خمینی، رهبر انقلاب ایران برداشته شد

این گام بزرگ و تاریخی، صفحه درخشانی از پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران و پیروزی همه خلق‌های ایران است

پیام پرشور و سرشار از صداقت امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، درباره کردستان، مورد تأیید کامل و موجب تشکر قلبی حزب توده ایران است.

امام خمینی با این پیام بسیار مهم، که در تاریخ کشورداری ایران از لحاظ صفا و روح مردمی بی نظیر است، با قاطعیت مخصوص بخود «فساد و توطئه گری بدخواهان» را، که با سعادت‌ها و گزارش‌های دروغ و تحریک آمیز، کردستان عزیز ما را به جهنم برادر کشی مبدل کرد، محکوم نموده‌اند. امام خمینی بدستی نشان داده‌اند که در شرایط کونی، که مردم ایران بزای نیل به استقلال و آزادی باغدارترین و مکارترین دشمن خود، یعنی امپرالیسم آمریکا، دست به گریبانند، همگی و از آن جمله خلق کرد باید «بطور اولویت در این امر شرکت کنند و با سایر خواهان و برادران هماهنگ شوند. ولازم است از اختلافاتی که بدخواهان ایجاد می‌کنند، بطور قاطع جلوگیری کنند». و «هر اختلافی بنفع آمریکا و دیگر اجانب است.»

امام خمینی در پیام خود گفته‌اند: «از هیئت و ریشه می خواهم که به مذاکرات خود با کمال حسن نیت ادامه دهند و با شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و ملی و سایر قشرها تماس بگیرند، تا تأمین خواست‌های آنان، که خواسته ما نیز هست، بطور دلخواه تامین بشود و آرامش و امن که از بزرگترین نعمتهاي الهی است، در منطقه برقرار گردد».

امام خمینی گفته‌اند: «در پناه اسلام و جمهوری اسلامی حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هر گونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است، منجمله برادران کرد، که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت می باشد و مقررات و قوانین مربوط به آن بزودی انشاً الله تعالى تدوین می شود». با این رهنمودها، رهبر عالیقدر انقلاب، امام خمینی، راه را برای حل یکی از بزرگترین

و مخاطره انگیزترین جریانی که با نقشه شوم ایادی امپریالیسم و صهیونیسم و بقایای رژیم منفور پهلوی در کردستان ایجاد شده بود، باز کرده است. در برای این گام بزرگ و مدبرانه، همه مردم ایران و بویژه توده‌های ستم دیده کرد از امام خمینی عمیقاً سپاسگزارند. امام خمینی در پایان پیام تاریخی خود، با لحنی برخاسته از دل، خطاب به همه مردم ایران و از جمله برادران و خواهران کرد گفته‌اند:

«خواهران و برادران هم میهن در سراسر کشور، من دست خود را به پیش شما دراز میکنم و از شما بخاطر خدا و اسلام و کشور، عاجزانه میخواهم که تمام توان خود را برای نجات کشورتان بکار برید و اسلحه‌های سرد و گرم یعنی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه‌گیری به روی یکدیگر منحرف و بسوی دشمنهای انسانیت که در رأس آن آمریکاست نشانه روید».

همه طبقات و اقسام مردمی ایران، از هرملت و قومی، از هر دین و مذهبی، مرد و زن، پیرو جوان، شهری و روستائی، لشکری و کشوری، این فراخوان امام خمینی را به جان و دل می‌پذیرند و صفوغ خود را برای پیروزی در مبارزه سرنوشت ساز ضد امپریالیستی فشرده‌تر و محکم ترمیکنند.

خلق آزاده و آزادی دوست و قهرمان کرد نیز مکان والا خود را در صفوغ فشرده خلقهای برادر به طرز شایسته‌ای احراز خواهد کرد. همه اقسام و طبقات مردمی خلق کرد، همه سازمانها و گروه‌ها و شخصیت‌های ملی، مذهبی و مترقبی کردستان از پیام سرشار از مهرو امید امام خمینی به گرمی و با صمیمت و شوری، که سزاوار گرمی نهفته در سخنان امام است، استقبال می‌کنند.

ما ضمانت لازم میدانیم به همه نیروها و کسانی که در حل و فصل مسئله کردستان نقشی و نفوذی دارند و به همه خلق کرد و مردم ایران هشدار بدهیم و آنها را از اخلال گری‌ها، تحریکات و توطئه‌های عمال امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم سرنگون شده پهلوی بر حذر داریم. ما لازم میدانیم همگان را فراخوانیم که خط امام در کردستان را، که در متن پیام تاریخی ایشان به روشی مطرح گردیده، با قاطعیت و صمیمت و نرمش و صداقت اجرا کنند. باید تفکرها در کردستان خاموش شوند. باید سنگرها برچیده و برادران به آغوش هم باز گردند. باید صلح و صفا و عدالت در کردستان عزیز حکم‌فرما شود. سنگرهایی که در کردستان به مردم ایران تحمل شده، سنگرهای کاذبی است. سنگر واقعی همه ما، سنگر ضد امپریالیستی و ضد بازماندگان رژیم سرنگون شده پهلوی است، همگان در این سنگر دست بدست هم دهیم و پیروز شویم. طول عمر، سلامت و پیروزی امام خمینی را خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب تude ایران

۲۷ آبان ماه ۱۳۵۸

به امام خمینی به مناسبت آغاز پانزدهمین سده هجری

ما امیدواریم که بشریت در قرن پانزدهم هجری به صلح پایدار و دوستی بین همهٔ خلق‌ها، به پایان بخشیدن به حیات ننگبار امپریالیسم، به آزادی و برابری دست یابد.

به محضر محترم آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر عالیقدر انقلاب ایران

حزب توده ایران با احترام و احساس صمیمانه، آغاز پانزدهمین سده هجری را بشما،
بعنوان بزرگترین شخصیت معاصر دنیای اسلام و رهبر انقلاب بزرگ مردم میهنمان تهییت
میگوید.

اینکه انقلاب ایران، در آستانه این سده، به نموداری از احیا اصول انقلابی اسلام بدل شده، خود رویدادی است خجسته و مرده بخش. برای همهٔ هواداران عدالت اجتماعی و رهایی توده‌های محروم در ایران و جهان، در جریان احیاء این اصول و انتباق آنها با خواسته‌های مبرم توده‌های میلیونی زحمتکشان و محروم‌مان جامعه ایران، یعنی تامین کامل و همهٔ جانبه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، نقش موثر و تعیین کننده شخص شما چشمگیر و انکارناپذیر است.

حزب توده ایران، که اکنون نزدیک به چهل سال است با از خود گذشتگی و پیگیری در راه برآنداختن استعمار و استبداد و استثمار توده‌های میلیونی رنجبران و محروم‌مان میهنمان، یعنی همان نکاتی که اسلام انقلابی به رهبری شما هدف خود قرار داده است، نبرد میکند، از همان آغاز به نقش والا و ارزنده شما در این مبارزات پی برد و با شما همگام گردید.

حزب توده ایران همواره و بدون تزلزل در راه اتحاد همهٔ نیروهای راستین خلق، نیروهایی که برای پایان دادن به سلطه خانمانسوز امپریالیستها و در پیشاپیش آنها امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم، در راه خاتمه بخشیدن به استبداد سیاسی و غارت سرمایه‌داران و ملاکان مبارزه میکنند، عمل کرده است. بهمین علت حزب ما، به دعوت شما برای اتحاد ویگانگی، که

پیام تاریخی شما به خلق کرد بیان گردید، صادقانه و از صمیم قلب پاسخ مثبت میدهد و خواهد کوشید مانند گذشته دوش بدوش سایر مبارزان تمام نیروی خود را برای پیروزی نبرد تاریخی که زیر رهبری شما در میهن ما آغاز شد و اکنون یکی از دشوارترین دورانهای خود را میگذراند، مصروف دارد.

ما امیدواریم که بشریت در قرن پانزدهم هجری، به صلح پایدار و دوستی بین همه خلقها، به پایان بخشیدن به حیات نگبار امپریالیسم، به آزادی و برابری دست یابد.

با درود صمیمانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ آبان ماه ۲۹

پیروزی قطعی و نهایی انقلاب منوط به حمایت و نیروی کار و کوشش زحمتکشان است

کارگران و دهقانان باید در شرایط مشخص کنونی حتی المقدور از حربه اعتصاب و تحصن استفاده نکنند و اشکال دیگری از مبارزه را برای تحقق خواستهای به حق خود برگزینند.

اگر امپریالیسم موفق به وارد آوردن ضربه کاری و نهائی بر پیکر انقلاب ما شود، بیش از همه کارگران و دهقانان زیان خواهند برد.

کارگران، دهقانان،
برادران عزیز زحمتکش!

میهن ما لحظات حساسی را میگذراند. امپریالیسم درنده آمریکا، دشمن عمدۀ وغدار انقلاب ما، پیوسته سعی دارد با ابیجاد تشتت و تفرقه، با پهنه‌گیری از نازارهایی ها، با دامن زدن بر اختلافات، با دسیسه و توطنه، و اخیراً با تهدید بمحاصره اقتصادی و تجاوز نظامی، انقلاب نوپای ما را بزانو درآورد. در برابر تهاجم این امپریالیسم متجاوز، همصدائی و همگامی همه قشرها و طبقات، شرط مهم و نخستین حصول پیروزی است.

ناگفته پیداست که شرایط زندگی قشرها و طبقات زحمتکش، و قبل از همه کارگران و دهقانان، نابسامان است. این نابسامانی قبل از هر چیز در اقتصاد وابسته رژیم پیشین ریشه دارد، که به علت ادامه این واپستگی و بی برنامگی ها، مسامحه کاریها، سوء مدیریت ها و نیز خرابکاریها و کارشکنی های ضدانقلاب، در بسیاری از زمینه ها نابسامانتر شده است. برخی از

کارخانه‌ها تعطیل و عده‌ای نیمه تعطیل اند. اکثریت کارخانه‌ها هنوز با تمام ظرفیت تولید نمی‌کنند.

در بیشتر کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی، بدلیل بدگماریها، سوء مدیریت وجود دارد، و اصل صحیح ملی کردن مؤسسات متعلق به بورژوازی بزرگ و وابسته، به علت وجود مدیران فاقد صلاحیت و گاه با سوء نیت، هنوز به فرجام نیک نینجامیده است. نتیجه آنست که، زندگی و شرایط کار طبقه کارگر، این طبقه زحمتکش و محروم، با مسائل حل نشده فراوانی روپرتوست: بیکاری سر به میلوونها میزند، مناسبات میان کار و سرمایه برینیانی عادلانه استوار نیست، قانون جدید کار متکی بر حفظ منافع کارگران تدوین نشده است، سندیکاهای کارگری همه جا وجود ندارند، شوراهای هنوز جا نیافتاده اند، پرداخت حداقل دستمزد در برخی کارخانه‌ها با مقاومت کارفرماها روپردازده، پرداخت حق سکن، حق خواربار، حق اولاد، اینجا و آنجا در حداقل دستمزد ادغام شده، وسائل بهداشت و ایمنی کافی نیست، و بدتر از همه، کمبود مواد اولیه و لوازم یدکی بازهم تعداد بیشتری از کارگران را به بیکاری تهدید میکند، گرانی هزینه زندگی به درجه خطربنا کی رسیده و اجاره مسکن طاقت فرساست.

وضع دهقانان نیز وخیم است. دوران بعداز انقلاب با هجوم قوادها و مالکان به روستاها مواجه شد، مالکیت‌های کوچک دهقانی بخطر افتاد و بخشی از زمینهای متعلق به دهقانان از سوی مالکان ضبط شد. در برخی از روستاهای مالکان مجددًا اقدام به اخت بهره مالکانه از دهقانان کرده‌اند. دهقانان برای دریافت وام و اعتبار در تنگی قرار گرفته و رباخواران زمینه مساعدی برای غارت ثمرة رنج دهقانان یافته‌اند.

کاشت و داشت و برداشت، در بسیاری از روستاهای دشواریهای فراوان روپردازده، و این نیست مگر به علت سیاست غلط ارضی و کشاورزی دولت موقت، که به حمایت از منافع مالکان برخاست.

حزب توده ایران در سراسر حیات خود پیوسته پرچمدار صدیق دفاع از منافع طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش بوده است. ما مبارزه طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش را در راه خواسته‌ای صنفی و سیاسی خود مبارزه‌ای ضرور و عادلانه میدانیم و از آن با تمام نیرو پشتیبانی کرده و میکنیم، اما در عین حال به شرایط مشخص دشوار کنونی نیز توجه داریم. ما توسل کارگران و دهقانان را به حربه اعتصاب و تحصن برای پیشبرد مطالبات بحق خود، از حقوق مسلم و بدیهی آنان میدانیم و آنرا تأیید میکنیم. کارگران برای تحقق مطالبات خود حربه‌ای جز مبارزه ندارند و اعتصاب و تحصن از مهمترین اشکال این مبارزه است. بهمین جهت ما پیشنهاد کردیم که حق اعتصاب در قانون کار برسمیت شناخته شود. اما ضمناً معتقدیم که شرایط مشخص کنونی، استفاده از این حق را محدود میکند. زیرا مهمتر از این حق، حق همگی ما به استقلال و رهایی از یوغ امپریالیسم جهانخوار است، که نخست باید این حق را تحصیل و تثبیت کرد. در شرایطی که مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا برای تأمین استقلال اهمیت حیاتی کسب کرده

است و ما از همه سو با دیسیه‌های امپریالیسم غدار رو برو هستیم، وحدت صفوی ما نخستین گام برای مقابله با این دیسیه‌های شیطانی است، که بهیچ قیمت نباید این وحدت را مختل ساخت. در این شرایط حساس، حزب توده ایران از همه برادران کارگر و دهقانان طلب میکند که علیرغم مشکلات، به پشتیبانی بیدریغ خود از انقلاب ادامه دهنده، برای تحقق خواسته‌ای بحق خود اشکال دیگری از مبارزه را برگزینند و حتی المقدور از حربه اعتصاب و تحصن استفاده نکنند.

امپریالیسم، بسکردگی امپریالیسم آمریکا، میخواهد اقتصاد کشور ما را بدست خود ما ورشکست سازد، صنایع ما را فلنج و کشاورزی ما را مختل کند، با کمبود خواربار و کالاهای موردنیاز مردم و گرانی فوق العاده، برآتش نارضایتی مردم دامن زند، و با سوء استفاده از این نارضایتی، در لحظه ضربون، ضربه قطعی را بر انقلاب ما وارد نماید. برای رسیدن به این هدف شوم، امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی با جدیت مشغول کارند، عوامل خود را در لباس چپ‌نماهای فریبکار به میان مردم میفرستند، به مبارزات مردم سمت می‌دهند، اعتصاب و تحصن و کم کاری را تشویق میکنند و خود اعتصاب و تحصن و کم کاری را در اینجا و آنجا سازمان میدهند، تا با فلنج اقتصادی، انقلاب را فلنج کنند.

حزب توده ایران پیوسته هشدار داده است که در صفوی ضد انقلاب، هم عناصر چپ‌نما، هم ساواکی و هم وابستگان به سازمانهای جاسوسی امپریالیسم وجود دارند. هدف آنها تضعیف و براندازی حکومت انقلاب است و بدین منظور شب و روز در جستجوی عرصه فعالیت و عمل اند. متأسفانه در این روزهایی که میهن ما با مشکلات فراوان اقتصادی و اجتماعی رو بپرست، یافتن عرصه اقدام و عمل برای ضد انقلاب دشوار نیست.

برای عقیم گذاردن توطئه‌های خطرناک امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی هشیاری همه اشار و طبقات و قبل از همه برادران کارگر و دهقان ضروری است تا با درک شرایط حساس کنونی بر سینه چپ‌نماها دست رد ننهند، فرصت دیسیه و تحریک را از دشمن بگیرند و بازوی رفع و زحمت خویش را در خدمت تحقق اهداف مقدس انقلاب بگذارند. ضمناً ما توجه دولت منتخب شورای انقلاب و رهبری انقلاب را به توجه اساسی به خواسته‌ای کارگران و دهقانان جلب میکنیم تا امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی نتوانند از این وضع سوء استفاده کنند. روش است که برخی از مسائل کارگری و دهقانی در کوتاه مدت حل شدنی نیست، ولی اگر دولت برنامه درازمدت منظمی برای غلبه بر این مشکلات تدوین کند، کارگران و دهقانان میتوانند بازهم از خود برباری نشان دهند.

ما تردید نداریم که در این نبرد حیاتی با امپریالیسم آمریکا، و تا پیروزی نهائی، کارگران و دهقانان حد اعلای هشیاری را از خود نشان خواهند داد. تظاهرات کارگران و دهقانان در برابر لانه جاسوسی آمریکا، جلوه‌ای از این هشیاری بود. کارگران و دهقانان به پشتیبانی از خط امام پیمان بستند که علیه امپریالیسم و تحریم اقتصادی آمریکا تا پای جان

مبارزه کنند. کارگران پیمان بستند تا آنجا که در قدرت دارند کار کنند، تا کمبودهای ملت رفع شود. هنگامی که هزاران کارگر شعارهای:

«امام را در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا تنها نخواهیم گذارد» و «تحریم اقتصادی با کوشش کارگران ختنی باید گردد» را فریاد میکردند، نشان میدادند که چه خوب شرایط حساس کنونی را در یافته‌اند.

دهقانان نیز پیمان بستند که محصولات کشاورزی را چنان آماده سازند که میهن ما بتواند نیازهای خود را در این زمینه تأمین کند.

برادران کارگرو دهقان!

سودنهائی طبقه کارگر محروم و دهقانان رنجبر، در پاسداری از انقلاب و در حفظ آن از دستبرد دشمن است، در بالندگی انقلاب، استحکام و پیروزی آنست. پیروزی قطعی و نهائی انقلاب نیز منوط به حمایت و نیروی کار و کوشش شما زحمتکشیان است.

نباید یک لحظه ازیاد برد که اگر امپریالیسم موفق به وارد آوردن ضربه کاری و نهائی بر پیکر انقلاب ما شود، بیش از همه محرومان جامعه زیان خواهد برد، که کارگران و دهقانان در صدر آنها قرار دارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸ آبان ۳۰

برای مقابله با خطر تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا از هر باره آماده شویم

تمرکز ناوگان آمریکا در آبهای دریای عربی و خلیج فارس، که پیرامون آن هیاهوی بسیار برآفتد، این سؤال را مطرح می‌سازد که: آیا قصد واشنگتن از به رخ کشیدن اسلحه، فقط ارتعاب است یا در واقع تصمیم به حمله گرفته و آنرا تدارک می‌بیند؟ دادن پاسخ مشخص باین پرسش بجا نهایت ضرور است، زیرا تعیین کننده تدبیری است که می‌بایستی برای رفع خطر اتخاذ کنیم. و پاسخ اینست: اقدام آمریکا به تمرکز قوا در نزدیکی مرزهای ایران، ضمن اینکه بقصد ارتعاب انجام می‌گیرد، در عین حال برای سنجش هیزان آمادگی در مقابله با تجاوز است. اگر دولت آمریکا در این سنجش احساس کند و یا باین نتیجه برسد که شرایط مساعد برای حمله وجود دارد، بارتعاب اکتفا نکرده، حمله خواهد کرد. بنابراین، در برابر ارعاب کنونی آمریکا باید چنان تدبیری اتخاذ کنیم که برای امپریالیسم درنده آمریکا محقق شود که در صورت حمله، جز شکست، شکستی خورد کننده با تمام عواقب وخیم آن، نتیجه دیگری عایدش نخواهد شد.

برای مقابله با ارتعاب و یا تجاوز امپریالیسم آمریکا، قبل از هر چیز باید اقدامات جدی و فوری امنیتی بعمل آورد، باید تمام مراکز حساس نظامی و اقتصادی ایران، بویژه و قبل از همه صنایع نفت، لوله‌های گاز، مراکز آب و برق، خطوط راه آهن، فرودگاهها و پایگاههای دریائی بحال آماده باش درآید و تدبیر لازم برای حفاظت آنها اتخاذ گردد. همزمان با این تدبیر، باید مردم را همه جانبه آماده و تجهیز کرد و در صورت لزوم مسلح نمود.

تأکید این نکته نیز لازم است که امپریالیسم آمریکا از تهدید و ارتعاب و تجاوز قبل از هر چیز تقویت ضد انقلاب را در داخل ایران در نظر دارد. در واقع هم ضد انقلاب داخلی، که به پشتیبانی و دلگرمی ارباب امپریالیست آمریکائی و با رهبری جاسوسان سیا، که در داخل ایران مخفیانه ضد انقلاب را سازمان میدهند، به تحریک و خرابکاری و توطئه مشغول است، خطر

جدی تر و فوری تر است. لذا باید تمام پایگاههای اقتصادی و اجتماعی، تمام زمینه‌هایی را که هنوز امپریالیسم آمریکا در اختیار دارد، با قاطعیت و سرعت درهم بکوییم.

در این عرصه طیف اقداماتی که باید انجام گیرد، وسیع است و شامل رشته عملیاتی است، از مثلاشی کردن بازمانده‌های مشکل ساواک و دیگر نیروهای مشکل ضد انقلابی تا تصفیه دستگاه دولتی، از ملی کردن تمام مؤسسات تولیدی، بازرگانی، مالی و غیره، که وابسته بسرمایه آمریکائی هستند تا پاکسازی و نوسازی نیروهای مسلح، از خنثی کردن کوششهای رنگارنگی که از جانب عناصر و گروهک‌های مشکوک برای انحراف افکار عمومی از «خط امام»، از مبارزه قاطع بر ضد امپریالیسم آمریکا بعمل می‌آید تا تشکیل جبهه واحد خلق از تمام نیروهایی که با صداقت و قاطعیت معتقد بدروستی «خط امام» اند و حاضر بهرگونه فدایکاری و ایثار برای تأمین استقلال تام و تمام، استقلال واقعی و بی خدشه ایران عزیزند.

در عرصه بین‌المللی نیز ما باید به امپریالیسم آمریکا نشان دهیم که در این دنیا تنها نیستیم و تنها نخواهیم ماند. ماباید به این غول درنده بفهمانیم که ضمن تکیه بر نیروی وحدت کوپکر توده‌های میلیونی خلق انقلابی مصمم خود، در صورت لزوم می‌توانیم بر اتحاد با نیروهای بین‌المللی ضد امپریالیستی، که طرفدار و پشتیبان انقلاب ما و استقلال کشور ما هستند، تکیه کیم. جبهه این نیروهای ضد امپریالیستی هادار و حامی انقلاب و استقلال ما نیز وسیع است و این جبهه جنبش‌های آزادیخواش ملی، کشورهای غیرمتعدد ضد امپریالیستی، جامعه کشورهای سوسیالیستی و در پیش‌اپیش همه آنها همسایه بزرگ و توانگر شمالی ما، اتحاد‌جاما هیرشوروی را در بر می‌گیرد.

بدینسان ما، با آمادگی همه جانبه داخلی و بسیج خلق قهرمانمان و با نمایش قدرتی که در صورت درگیری نظامی می‌توانیم از آن در عرصه بین‌المللی بخوردار باشیم، امپریالیسم درنده آمریکا را محبوخ خواهیم کرد که سرجایش بنشیند و خشم جانگذار خود را از پیروزی تام و تمام انقلاب ایران بنناچار درخود فروبرد.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، بعنوان سازمان سیاسی پیگیر ضد امپریالیست و استقلال طلب، آمادگی بیدریغ خود را برای همکاری و شرکت در تام اقداماتی که برای مقابله با تجاوز امپریالیسم آمریکا انجام می‌گیرد، بمقدم ایران، برهبر انقلاب ایران، امام خمینی، و بشورانی انقلاب اعلام میدارد.

حزب توده ایران از تمام اعضاء، هاداران و دوستان خود در سراسر ایران می‌طلبد که در این لحظه حساس تاریخی، باردیگر، با صداقت، پیگیری و فدایکاری شایسته یک توده‌ای، همگام با سایر نیروهای انقلابی و خلقی، برای مقابله با تجاوز امپریالیسم آمریکا و همکاری و شرکت در تام اقداماتی که برای مقابله با تجاوز امپریالیسم آمریکا انجام می‌گیرد، از هر باره آماده باشند.

▪ پیروز باد مبارزه عادلانه مردم ایران بر ضد امپریالیسم تجاوز کارآمریکا و در راه استقلال ملی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۱

درباره مسئله کردستان

با پیام تاریخی امام خمینی درباره کردستان، که با استقبال پرشور همه مردم ایران و احزاب و سازمانهای راستین انقلابی و بویژه خلق کرد مواجه گردید، شرایط مساعد و بی مانندی برای حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان مبتنی بر رفع ستم‌های ملی از خلق کرد بوجود آمد. هیئت ویژه حسن نیت برای اجرای مذاکرات به کردستان رفت و همه مردم ایران با بی صبری در انتظار خبر خوشنده.

توفيق مذاکرات کردستان از طرفی رویداد بزرگی خلق کرد خواهد بود، که قریب صد سال است در راه رهایی ملی خود میرزمد و قربانی میدهد، ولی هنوز در نتیجه سیاست امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتتعاج راه بجایی نبرده است و از طرف دیگر گام بزرگی در تحکیم وحدت و یکپارچگی همه خلق‌های ایران خواهد بود که اکنون در راه احیاء استقلال کشور در یک نبرد مرگ و زندگی با امپریالیسم آمریکا دست بگریبان اند. بزرگرین شرط پیروزی در این نبرد سرنوشت‌ساز، اتحاد همه خلق‌های ایران و کلیه احزاب و سازمانها و نیروهای واقعاً انقلابی زیررهبی امام خمینی است.

بدین ترتیب توفيق مذاکرات کردستان، یکی از ضرورت‌های حیاتی تداوم و پیروزی نهائی انقلاب بزرگ ایران و تحقق خواست مشروع خلق کرد است و کمک صادقانه به توفيق این مذاکرات وظیفه میرم همه نیروهای انقلابی راستین است و بالعکس، کارشکنی، اخلاق، اشکالتراشی، بهانه‌گیری و هر نوع عمل دیگر، که مانع توفيق مذاکرات شود، از هر طرف که باشد، یک عمل ضدانقلابی است و با منافع انقلاب ایران و در نوبت اول با منافع خلق ستمدیده کرد، از ریشه مغایرت خواهد داشت. و آب بر آسیاب امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و بازمائدگان رژیم منفور پهلوی خواهد ریخت.

حزب توده ایران، عمیقاً امیدوار است که چنین حالتی پیش نیاید و همانطور که بکرات اعلام نموده، خود با تمام امکانات و نیرو یش به توفیق مذاکرات صلح کرستان کمک میکند. در صورتیکه علیرغم دستور و فراخوان تاریخی امام خمینی و برخلاف تمایل آتشین خلق کرد به حل مسالمت آمیز مسأله برمبنای رفع ستم ملی از وی، دستهای مرموزی که سیاست ابلیسی امپریالیسم را دنبال می‌کنند، به اعمال اخلاق‌گرانه خود برای به شکست کشاندن مذاکرات ادامه دهند، حزب توده ایران توطنه‌ها و نیزگاه‌های آنان را با قاطعیت افشا خواهد کرد. هر نیرو و سازمانی که در دام این دستهای مرموز بیفتند، خود را به ورشکستگی سیاسی و انفراد در جامعه محکوم خواهد نمود. این هشدار را نباید یک لحظه فراموش کرد. جنگ برادرکشی در کرستان باید برای همیشه قطع شود. باید با تمام نیرو و در راه توفیق مذاکرات کرستان کوشید و با قاطعیت اخلاق‌گران و آتش‌آفروزان جنگ را از سر راه برداشت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۱

در باره قانون اساسی و تدوین متمم آن

کمیته مرکزی حزب توده ایران با احساس مسئولیت کامل نسبت به وظایف ملی و میهنه که بر عهده دارد، قانون اساسی جدید را، که توسط مجلس خبرگان، شامل ۱۷۵ اصل در ۱۲ فصل تدوین گردیده، مورد بررسی دقیق قرارداده است.

این بررسی موازی با جریان کار مجلس خبرگان، به هنگام تدوین قانون اساسی جدید، ضمن مقایسه با متن پیش نویس قانون اساسی انجام شدو بخش مهمی از آن در روزنامه «مردم» (از شماره ۵۶ تا ۸۵) انعکاس یافت.

در این بررسی معلوم شد که مجلس خبرگان اصول جدیدی که در پیش نویس نبود، ندوین و تصویب مینماید، برخی از اصول پیش نویس را حذف میکند برخی اصول را درجهت تکمیل بدان میافزاید. در مجموع میتوان گفت که قانون اساسی جدیدی تدوین و تصویب گردید که از جهاتی نسبت به پیش نویس منفی و از جهاتی مثبت است.

سبب پیدایش جهات منفی آن بود که گروهی از نمایندگان مجلس خبرگان که از لحاظ تعداد در اقلیت و کمتر از ۲۰ رأی بودند، با استفاده از قاعده درستی که هر اصلی از قانون میایستی با $\frac{2}{3}$ آراء تصویب گردد و با استفاده از غیبت برخی از نمایندگان، که معمولاً در هر جلسه حدود ۱۰ نفر بود، توانستند مانع از تصویب اصول معینی گردند و در مواردی از طریق امتناع از دادن رأی، یا طرح پیشنهادهای جدید، توانستند اراده خود را بر اکثریت تحمل کنند.

در هر حال قانون اساسی جدیدی تدوین گردید که از جهاتی موجب نگرانی و از جهاتی

باعث خرسنده است. از مسائل فرعی و از جزئیات قابل تدقیق در اصول مختلف که بگذریم، نگرانی ناشی از اصول مربوط به مبنای حاکمیت و اعمال آنست. اگر اصول مربوط به حاکمیت (یعنی اصول مربوط به ولایت فقیه، رهبر و شورای رهبری و شورای نگهبان و غیره) منحصراً برای دوران حیات امام خمینی تدوین شده بود، حزب توده ایران کمترین تردیدی در صحبت آنها نمیداشت. ولی قانون اساسی برای دورانی دراز و برای نسل آینده تدوین نمیشود ولذا این پرسش مطرح است که: آیا در دورانهای آینده، نظیر امام خمینی را عنوان مرجع تقليد و رهبر مورد قبول و بالمنابع توده های میلیونی مردم، هرچند گاه يکبار میتوان یافت؟ و اگر نتوان یافت، تمرکز اینهمه قدرت و اختیار، که مستقیم و غیرمستقیم از طریق اصول ۴ و ۵ و ۹۱ تا ۹۹ و ۱۰۷ و ۱۱۰ به یک فرد توپیض گردیده، زمینه فراهم نخواهد کرد که حاکمیت فردی جایگزین حاکمیت خلق گردد؟

از سوی دیگر، در قانون اساسی جدید، علاوه بر اضافات مثبتی نسبت به پیش نویس - نظیر اصول مربوط به حق کار و حق آموزش رایگان و حق مسکن و دیگر حقوق رفاهی و تصریح وظیفه دولت در ایجاد امکانات برای تحقق این حقوق - فصلی شامل اصول ۴۳ تا ۵۵ درباره اقتصاد و امور مالی تدوین گردیده که مثبت و در چارچوب معینی متوفی و پاسخگوی انقلاب استقلال طلبانه و خلقی ماست.

حزب توده ایران از تدوین و تصویب این اصول در قانون اساسی جدید بسیار خرسنده است.

علاوه بر این حزب توده ایران خشنود است که بنا به اعلام وزارت کشور، قانون اساسی جدید متممی خواهد داشت و امیدوار است که این متمم چنان تدوین گردد که نه فقط نفائص قانون اساسی را رفع کند، بلکه مبنای خلقی حاکمیت را استحکام بخشد. حزب توده ایران، بهنگام انتشار پیش نویس قانون اساسی، به پیوست نامه سرگشاده ای بهر یاست دولت موقت، در مورد مسایل عمدۀ پیشنهادهای در ۷ ماده ارائه داد که خوشبختانه محتوای چند ماده از آنها و بخصوص محتوای ماده یکم مربوط به مسئله مهم نظام اقتصادی کشور، در قانون اساسی جدید انعکاس یافته است.

اکنون قرار است متممی بر قانون اساسی افزوده شود، ما باز، ضمن پرهیز از ارائه پیشنهادهایی که میتوان برای تدقیق و تکمیل فروعات و جزئیات اصول متعددی از قانون اساسی داد، چند پیشنهاد درباره مسائل مهم و عمدۀ ای که در تثیت دستاوردهای انقلاب و تأمین و تضمین پیروزی نهایی آن نقش مؤثری خواهد داشت، مطرح میکنیم، با این امید که مورد توجه جدی و کامل قرار گیرند:

۱- در متمم قانون اساسی، لازم است تصریح شود که مبنای حاکمیت، خلق است، تمام قوا از آن مردم است و مردم بر مقدرات کشور و مقدرات خود حاکمند و هر قدرت دیگری ناشی از مردم است و نحوه اعمال این حاکمیت نظام شورائی است.

در قانون اساسی جدید این نظام شورائی بگونه‌ای که وسیله حاکمیت خلق باشد، مشخص نگردیده است. در اصل هفتم آمده است که: شوراهها «از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند». ولی در فصل شوراهها بجای اینکه بر روی حق و اختیار «تصمیم‌گیری و اداره امور» شوراهها تأکید شود، اختیار آنها به «نظرارت» تنزل یافته است.

اگر متمم قانون اساسی برمبنای طرح نظام شورائی مجاهد فقید طالقانی و این بیانات امام خمینی – که بگفته آقای موسوی اربابیلی – «در پاریس فرمودند، پس از سقوط رژیم طاغوتی باید اول شوراهای خلقی و واقعی از پائین به بالا تشکیل شوند و اختیارات را بدست گیرند تا اساس حکومت را به صاحبان اصلی قدرت منتقل کنند، تا صاحبان سرنوشت، در سرنوشت خود آزاد باشند» اصولی درباره تفویض اختیارات تصمیم‌گیری و اجرائی تدوین کند، بنحوی که حاکمیت خلق از طریق شوراهها قابل اعمال گردد، اقدام اساسی مهمی در تشییت و تحکیم دستاوردهای انقلاب و تأمین و تضمین پیروزی نهایی آن انجام داده است.

۲- در قانون اساسی جدید در باره حق اقایتهای ملی (آذربایجانی، کرد، بلوج، ترکمن و عرب) در مورد اداره امور داخلی و محلی خود و رفع هرگونه ستم ملی و هرگونه تعیین اقتصادی، سیاسی و فرهنگی (از جمله تدریس به زبان مادری) که نام آنرا میتوان «خودمختاری» یا «خودگردانی» یا هر نام دیگری گذارد، اصلی تصریح نگردیده است. پیشنهاد میشود که در متمم، اصل یا اصولی که این حق را برای اقایتهای ملی در چارچوب تمامیت ارضی ایران تضمین کند، گنجانده شود. این حق را امام خمینی نسبت به خلق کرد پذیرفته و اعلام کرده است و لذا میتوان و باید آنرا نسبت به دیگر خلقهای غیرفارس نیز در سطح کشور پذیرفت. تصریح این حق در متمم قانون اساسی و اجرای عملی آن، اتحاد داوطلبانه و مستحکم خلقهای ایران را در چارچوب تمامیت ارضی کشور تأمین میکند.

۳- در قانون اساسی جدید برابری واقعی حقوق زن و مرد فقط «در برابر قانون» و «در حمایت قانون» ذکر شده است، که به معنای برابری زن با مرد نیست. در متمم ضرور است که در اصل یا اصولی برابری کامل زن و مرد در تمام زمینه‌های زندگی، یعنی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اداری (احراز مشاغل در تمام رشته‌ها) مالی، قضائی، مدنی (زنشوئی و خانوادگی)، اجتماعی و فرهنگی تضمین شود.

۴- در قانون اساسی جدید اصلی به نظام اقتصاد رostنای اختصاص نیافته است. در متمم قانون اساسی ضرور است که در اصل یا اصولی بمانی نظام اقتصاد رostنای، متکی به اجرای اصلاحات بنیادی ارضی برمبنای «زمین به کسی تعلق دارد که بر روی آن کار میکند» و متکی به ایجاد و گسترش شرکتهای تعاونی تولیدی رostنای، که با شرکت داوطلبانه کشاورزان زحمتکش تشکیل میباید، و نیز متکی به ایجاد کشتزارهای وسیع و مؤسسات دامداری بزرگ دولتی برای دستیابی به کشاورزی معاصر خود کفا مشخص گردد.

۵- در اصل ۱۳۲ قانون اساسی جدید سخن از «تجدیدنظر در قانون اساسی» بمعیان آمده

است. ولی در تمامی قانون اساسی هیچ اصل یا اصولی در اینباره، که در چه موقع تجدیدنظر در قانون اساسی ممکن یا ضرور است و چگونه و بچه وسیله این تجدیدنظر بعمل خواهد آمد، ذکری نرفته است. در متنم قانون اساسی ضرور است در اصل یا اصولی این نقص مرتفع گردد و در آنها شرایط و حالاتی که تجدیدنظر در قانون اساسی را ممکن یا ضرور می سازند، مشخص گرددند و نیز نحوه و وسیله اجرای این تجدیدنظر را که به نظر ما میتواند مجلس مؤسسان باشد معین گرددند.

۶- در قانون اساسی جدید اصولی در مورد تأمین آزادیهای دموکراتیک (اصل ۹ و اصول ۲۲ تا ۲۷) تدوین شده، از جمله اصل ۲۶ در مورد آزادی فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی. ولی نظر به اینکه می‌باشی ثمرة فعالیت آزاد احزاب سیاسی در اداره امور کشور منعکس گردد—والا آزادی آنها مفید فایده‌ای از لحاظ رشد جامعه نخواهد داشت—در متنم قانون اساسی لازم است اصل یا اصولی در تأمین حق شرکت احزاب در مجلس شورای ملی و شوراهای تدوین شود. حزب توده ایران مصرانه پیشنهاد می‌کند که اصلی در متنم قانون اساسی با این مضمون تصریح شود:

«کرسیهای نمایندگی مجلس در سطح کشور و شوراهای به نسبت آرائی که بهریک از سازمانها و احزاب شرکت کننده در انتخابات داده شده است، توزیع میشود».

در غیر اینصورت این وضع میتواند پیش آید که در شرایط مشخصی، ۴۹ درصد از مردم ایران در مجلس نماینده‌ای از خود نداشته باشند و در مجلس، با انتکاء اقلیتی از آراء مردم، تصمیماتی درباره سرنوشت همه مردم اتخاذ گردد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۳

حزب توده ایران سیر تحول مذاکرات مربوط به آتش بس کردستان را با خوشبینی تلقی می کند

حزب توده ایران از همه نیروهای انقلابی، از همه مدافعان راستین حقوق ملی خلق کرد می طلبد که برای حل مسالمت آمیز مسئله کردستان، با انکا به پیام تاریخی امام خمینی، تمام نیروی خود را به کاربرند.

هیأت اعزامی حزب توده ایران به کردستان، پس از بازگشت از مهاباد، گزارش مذاکرات خود را با شخصیت های صلاحیتدار در مسئله کردستان و نتیجه اقدامات خود را برای کمک به حل مسالمت آمیز مسئله کردستان، به اطلاع هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران رساند. این گزارش مورد تصویب هیأت سیاسی قرار گرفت.

حزب توده ایران سیر تحول مذاکرات مربوط به آتش بس را با خوشبینی تلقی میکند و برآنست که اطلاعیه های منتشره از طرفین مذاکرات در این زمینه، گام مثبتی است در هموار ساختن راه حل مسالمت آمیز مسئله کردستان.

بنظر حزب توده ایران، کوشش همه جانبه همه نیروهای راستین انقلابی دریاری دادن به هیئت ویژه دولت و نیروهای صدیق به امر خلق کرد، شرط اساسی برای موفقیت این مذاکرات است.

به اعتقاد حزب توده ایران اینک که در نتیجه پیام تاریخی امام خمینی، محیط مناسبی برای حل مسالمت آمیز مسئله کردستان و تأمین حقوق ملی خلق کرد فراهم آمده است، با

هشیاری کامل از کلیه تلاش‌های نفاق افکنانه و خرابکارانه دشمنان انقلاب ایران و خلق کرد، در هر لباس و زیر هر شعار، باید جلو گرفت. باید خرابکاران و مخالفان حل مسالمت آمیز مسئله کردستان راه که در پوشش دفاع از حقوق ملی خلق کرد، عمل میکنند و بقیمت ریختن خون برادران و خواهران ما، از هر دو طرف، محیط را متینج میسازند، افساء و ختنی کرد.

حزب توده ایران همانطور که خود برای حل مسالمت آمیز مسئله کردستان و تأمین حقوق ملی خلق کرد در چارچوب ایران مستقل و واحد، تمام نیروی خویش را بکار برد و میبرد، از همه نیروهای انقلابی، از همه مدافعان راستین حقوق ملی خلق کرد نیز میطلبید که با تکاء به پیام تاریخی امام خمینی از هیچگونه کوششی در این راه دریغ نورزند. باشد که هرچه زودتر مشکلات موجود برطرف شود، نفاق افکنان و خرابکاران افساء و رسوا شوند، مذاکرات بمنظور حل مسالمت آمیز مسئله کردستان مبتنی بر رفع ستم ملی از خلق کرد و تأمین حقوق ملی خلق کرد در چارچوب ایران مستقل و واحد به نتیجه مثبت نهائی خود برسد و خلق کرد بتواند در اتحاد خل ناپذیر با سایر خلق‌های ایران، به مبارزه علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، بخاطر ایرانی مستقل، آزاد و آباد ادامه دهد.

دیبرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۴

تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

پریروز امام خمینی در برابر گروهی از پاسداران تهران سخنان مهمی ایجاد کردند که چند نکته آن، بویژه در شرایط حساس و تاریخی کوتی دارای اهمیت اساسی است. مضمون این نکات اساسی به قرار زیرین است:

نخست آنکه باردیگر تأکید کردند که دشمن اصلی واقعی مردم ایران امپریالیسم آمریکاست و تمام نیرو فقط باید بر ضد این دشمن تجهیز شود.

دوم آنکه باردیگر از مردم طلبیدند که بر ضد این دشمن اصلی واقعی متحد شوند.

سوم آنکه باردیگر تأکید کردند که هر انحرافی از مبارزه بر ضد این دشمن اصلی واقعی و هر تشتت و تفرقه‌ای در صفووف خلق به سود این دشمن است.

چهارم اینکه از همه جوانان خواستند که برای مقابله با تجاوز امپریالیسم آمریکا و هر خطری که استقلال و آزادی میهن ما را تهدید کند، از نظر نظامی مجهز شوند.

تمام این نکات منطبق بر مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران است. برای نیل به تمام این هدفها و انجام تمام این وظایف، حزب توده ایران با پیکری مبارزه کرده است و مبارزه میکند. از جمله درمورد آخرین وظیفه، یعنی مجهز شدن خلق از نظر نظامی، کمیته مرکزی حزب نوده ایران درست همزمان با بروز خطر تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا به میهن ما در اعلامیه ۵۸/۹/۱ مورخ خود متذکر شد که «همراه با تدبیر امنیتی، سیاسی، اقتصادی و نظامی برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا «باید مردم را همه جانبه آماده و تجهیز کرد و در صورت لزوم مسلح نمود».

اینک که ضرورت تجهیز همه جانبه خلق تا حد مجهز شدن خلق از نظر نظامی مورد تأثید و تأکید رهبر انقلاب قرار گرفته است، حزب توده ایران، ضمن پشتیبانی کامل خود از این توصیه

بجا و درست امام، از همه نیروهای انقلابی، از همه میهن دوستان و آزادی خواهان، از تمام خلقی که هر لحظه آماده برای جانبازی و فداکاری در راه استقلال و آزادی میهن خود بوده است— و انقلاب بزرگ ما برجسته‌ترین نمونه آنست— می‌طلبد که از این توصیه امام نیز، که با سرنوشت انقلاب ایران بستگی دارد، مانند همیشه پیروی کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۵

حزب توده ایران به قانون اساسی رأی مثبت می دهد

از همه مردم ایران دعوت می کنیم که در رفراندم شرکت کنند و به قانون اساسی جمهوری اسلام ایران رأی مثبت دهند

مجلس خبرگان به کار خود پایان داد، و پس از آخرین اصلاحات، طرح قانون اساسی را تصویب کرد. اکنون قرار است که روز ۱۱ و ۱۲ آذرماه، همه پرسی برای تائید قطعی قانون اساسی انجام شود. به این ترتیب جمهوری اسلامی ایران دارای یکی از مهمترین نهادهای حقوقی و قضائی خود خواهد شد.

طرح کنونی قانون اساسی بدنیال جلسات تقریباً سه ماهه مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی تدوین شده است. طی این جلسات، پیش نویسی که در خردادماه سال جاری به مردم عرضه شده بود، عملاً کنار گذاشته شد، و طرح تازه‌ای ریخته شد. متن تازه دارای محتوای یکدست و همگونی نیست. در آن نکات مثبت و منفی و گاه متضاد وجود دارد.

حزب توده ایران بهنگام عرضه پیش نویس، پیشنهادهای مشخص خویش را در معرض قضایت همه مردم قرار داد و هم زمان با تشکیل مجلس خبرگان نیز «مردم»، ارگان مرکزی حزب ما، نظریات و ارزیابی های متعددی را، بطور مشخص پیرامون مهمترین اصول تصویب شده، منتشر ساخت و در بحث عمومی پیرامون قانون اساسی و چگونگی تدوین آن و محتوای اصول آن شرکت جست. همگان از این پیشنهادها و ارزیابی ها آگاهی دارند. ما در هر مرور، آنچه را که به نظرمان مثبت میرسید، یعنی مطابق با اهداف انقلاب بود و به پیشبرد آن کمک می کرد و یا بر عکس، آنچه را که منفی ارزیابی می کردیم، یعنی معتقد بودیم که با نیاز زمان و حکم انقلاب ما و خواست توده های مردم انقلابی ما مغایر است، با صراحة و بمنظور بهبود متن و تطبیق هرچه بیشتر آن با ضروریات عینی تکامل جامعه و مطالبات ترقیخواهانه و انقلابی زحمتکشان ایران

ابراز داشتیم. به برخی از این نظریات و پیشنهادها توجهی نشد، ولی بعضی دیگر مورد توجه قرار گرفت و در متن قانون اساسی انعکاس یافت.

بدنبال اعلام سرپرست وزارت کشور مبنی بر اینکه قرار است متممی بر قانون اساسی افزوده شود، ما باز در اعلامیه کمیته مرکزی حزب؛ مورخ ۵۸/۹/۳، «ضمون پرهیز از ارائه پیشنهادهایی که می‌توان برای تنقیح و تکمیل فروعات و جزئیات اصول متعددی از قانون اساسی داد، پیشنهادهای خود را در باره مسائل مهم و عمدہ‌ای که در ثبتیت دستاوردهای انقلاب و تأمین و تضمین پیروزی نهائی آن نقش مؤثری خواهند داشت» مطرح کردیم. ما در این رابطه و با استفاده از این فرصت بار دیگر مجموعه نظریات و پیشنهادهای خود را برای اصلاح، تکمیل و تنقیح قانون اساسی در اختیار وزارت کشور گذاشتیم، همه اینها با این امید که این اصلاحات مهم و اساسی بسود ثبتیت، تعکیم و گسترش انقلاب ضدامپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انجام گیرد و در متمم قانون منعکس گردد.

ما همواره گفته‌ایم که قانون اساسی باید بازتاب اهداف ضدامپریالیستی، دمکراتیک و خلقی انقلاب بزرگ ما باشد و دستاوردهای خلقهای ایران را در همه این زمینه‌ها ثبتیت و تسجیل کند و راه را برای پیشبرد و تعمیق این دستاوردها، یعنی ارتقاء انقلاب بمراحل بالاتری بازکند. یک چنین قانون اساسی خود سلاح برائی علیه ضدانقلاب - امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن - میتوانست و میباشد.

طرح قانون اساسی، که اینک به رأی مردم گذاشته می‌شود، در همه جوانب خود پاسخگوی این انتظار نیست. در مسئله حاکمیت مردم و تعلق تمامی قدرت به اراده خلق، در زمینه تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی، در مساله ملی، در مسائل مربوط بزنان و حقوق آنها در جامعه و در خانواده، در مسئله حدود و وظایف مراجع قدرت و در مسئله نظام اقتصاد روستائی این نقص بیش از همه بچشم می‌خورد. در بسیاری موارد میل تدوین کنندگان به اینکه متن در صورت ظاهر «هرچه اسلامی تر باشد» منجر به آن شده که نه تنها از دقت محتوا کاسته شود، بلکه مطالبی که قاعده‌تاً در قانون اساسی جائی ندارد و یا احکام دینی، که نیاز به تسجیل قضائی آن‌ها دریک سند حقوقی نیست، در طرح کنونی گنجانیده شود.

با همه اینها حزب توده ایران از همه هoadaran خود و همه مردم ایران دعوت می‌کند که در رفراندوم شرکت کنند و باین سند - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - رأی مثبت دهند.

چرا حزب توده ایران شما مردم ایران را، علیرغم آنکه ما قانون اساسی تدوین شده را انعکاس تمام خواسته‌یاتان نمیدانیم، به دادن رأی مثبت فرا می‌خواند!
زیرا اولاً در یک ارزیابی کلی، علیرغم نکات منفی یاد شده، درمورد بخش قبل توجهی از اصول عمدی، قانون اساسی توانسته است بطور مثبت مسائل مطروحه را حل کند. از این قبیل است فصل امور اقتصادی و اصولی که در زمینه تعکیم استقلال اقتصادی کشور و جلوگیری

از استمار و کمک به زحمتکشان و درجهت قطع چنگال سرمایه‌های انحصاری امپریالیستی و سرمایه‌های غارتگر وابسته داخلی از رشته‌های مهم و حیاتی سیر میکند. یا اصول مربوط به تحکیم استقلال سیاسی و نظامی کشور یا اصل مربوط به رابطه استقلال و آزادی و اینکه به استناد یکی نمی‌توان دیگر را مخدوش ساخت. یا اصل نظام شورایی، که اگرچه آنطور که باید خلقی و صریح و کاربر نیست، ولی در اساس نظام شورایی را پذیرفته و تثبیت کرده است. یا اصل مربوط به آزادی‌های احزاب و جمیعت‌ها و انجمن‌ها و مطبوعات و غیره و یا اصل مربوط به مسکن و بهداشت و آموزش، که در زمینه‌های حساسی از مسائل رفاهی و معیشتی، درجهت خواست مردم زحمتکش نوشته شده است.

اینها مواد مهمی است و بر شالوده آنها و با تکیه به آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، میتوان در راه تحکیم دستاوردهای انقلاب و رسیدن به هدفهای والای آن و پیشبرد انقلاب مبارزه کرد.

ثانیاً ما شما را به دادن رأی مثبت فرا میخوانیم، زیرا مسئله عمدۀ را حفظ و تحکیم جبهه یگانه همه نیروهای خلقی در نبرد علیه امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، و عمالش و بقایای رژیم سابق میدانیم و معتقدیم که باید اتحاد و هماهنگی بین همه نیروها، بویژه نیروهای راستین چپ و نیروهای راستین مذهبی، که همه طرفدار خط امام خمینی، یعنی جهت گیری قاطع و بی‌تلزلی ضدامپریالیستی و خلقی هستند، حفظ و تحکیم شود. صف واحد همه مردم پیرامون خط امام، که هم اکنون در رویاروئی سرنوشت‌سازی علیه امپریالیسم آمریکا قرار دارند، عمدۀ ترین وثیقه پیروزیهای آینده و مطمئن‌ترین اهرم پیشرفت در راه آرمانهای ضدامپریالیستی و خلقی است. ما نباید اجازه دهیم که این صف واحد، این پیروی یگانه از محتوى ضدامپریالیستی و خلقی خط امام خمینی، رهبر انقلاب، شکسته شود. شرایط مشخص کنونی بنحوی است که هر انقلابی آگاه و علاقمند به سرنوشت انقلاب، هر چند دارای هر طرح و پیشنهاد بهتر و کاملتری برای قانون اساسی باشد، باید بتواند عمدۀ ترین گره مسئله نبرد ضدامپریالیستی، یعنی حفظ و تحکیم صف واحد نیروهای ضدامپریالیستی را، که در عمل همه باهم در مقابل دشمن مشترک ایستاده‌اند، تشخیص دهد و نگذارد که مسئله شرکت در همه پرسی یا نحوه رأی دادن به آن، به دستاویزی در چنگ دشمن ما بدل گردد و از آن برای شکاندن صف مردم و ایجاد تفرقه و تشتبه، یعنی زمینه‌سازی بسود ضد انقلاب – امپریالیسم و عمال داخلی اش – سوء استفاده شود.

ثالثاً ما با تمام اهمیتی که برای قانون اساسی، بعنوان مهمترین سند حقوقی و قضائی کشور و راهگشای پیشرفت‌های آینده قائلیم، فراموش نمیکنیم که در هر حال این زندگی واقعی و تجربه مردم و مبارزه نیروهای انقلابی است که نقش تعیین کننده را دارد و هر سندی، بهر نحو تدوین و تهیه شود، بدون حمایت مردم و بدون انطباق با نیاز زمان، قدرت اجرائی نخواهد داشت و حدائق آن خواهد بود که با متممی تکمیل شود و نظریات و پیشنهادهای درست و مطابق با

روح زمان و با خواست مردم در آن گنجانیده شود.

ولی در هر حال جهت حرکت تاریخ را جنبش توده‌ها و اراده دورانساز آنها تعیین می‌کند و توده‌ها هستند که سرانجام مهر خود را بر هر سند و مدرک تاریخی خواهند زد. باید به سرمنشأ، به علت، به شالوده توجه کرد و در جهت تأثیر برآنها، همراه کلیه نیروهای ترقیخواه و ملی خلق رزیمید.

هموطنان! با حفظ نظریات انتقادی خود، در همه‌پرسی وسیعًا شرکت کنیم و به قانون اساسی جدید رأی بدهیم. در اینجا بهر حال ما در یک صحنۀ دیگر هماوردی در مقابل امپریالیسم قرار داریم. تاکنون ما صحنۀ های متعددی را در این مقابله پشت سر گذاشته ایم. این^۱ بار نیز باید بر امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، و بقایای رژیم شاه مخلوع پیروز شویم. بکوشیم تا همه کس ببیند و بداند که سنگرهای در این صحنۀ نبرد نیز همانست و مسئله اصلی همان کسب پیروزی بر امپریالیسم و عملای است. نبردهای دیگری در پیش روی است. بکوشیم تا هشیارانه و با آگاهی انقلابی، اصول مثبت قانون اساسی را به حربه‌ای در این نبرد و برای پیشبرد انقلاب بدل کنیم.

حزب توده ایران در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بالاحترام به موافزان قانونی که توسط آن تعیین می‌شود، به خاطر ثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، به خاطر تعمیق هرچه بیشتر جبهه‌های ضدامپریالیستی، دموکراتیک و خلقی انقلاب بزرگ‌ما، به خاطر ریشه کن کردن تمام آثار و عواقب سلطه امپریالیستی در همه شئون زندگی کشور و سیطرۀ نظام فاسد و تباہی آور سلطنت استبدادی، به خاطر تشکیل جبهه متحده خلق، به خاطر تحقق برنامۀ پیشنهادی حزب ما و خدمت به امر استقلال ایران و دموکراسی، به طبقۀ کارگر ایران و به توده‌های زحمتکش خلق ما، به پیکار در راه آرمانهای والانی که سی و هشت سال با فداکاری و پیگیری بخاطر آنها رزیمیده، فعالیت خود را سازمان خواهد داد.

هموطنان! بیش از هر وقت هشیاری و تشخیص درست لازم است. لحظات سرنوشت‌ساز تاریخی هم شور انقلابی و آینده‌نگری الهام بخش را می‌طلبد و هم آگاهی و درایت انقلابی و واقع‌بینی راهگشا را. درخور این لحظات تاریخی باشیم. از هر دو جانب خود را شایسته انقلاب بزرگ ایران و ویژۀ تداوم و تکامل آن نشان دهیم. اصولیت کامل و نرمش لازم را حفظ کنیم. شرکت در رفراندوم و رأی مثبت به قانون اساسی نشانی از این شایستگی است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۶

به مناسبت روز همبستگی جهانی با خلق قهرمان فلسطین

به برادر گرامی یاسر عرفات، صدر کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین

کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود و همه اعضاء و هواداران حزب توده ایران، روز همبستگی بین المللی با خلق فلسطین را به آن برادر ارجمند، به سازمان آزادیبخش فلسطین و خلق مبارز فلسطین صمیمانه تهنیت می‌گوید.

روز ۲۹ نوامبر، که در سال گذشته از جانب سازمان ملل متحد روز همبستگی بین المللی با خلق فلسطین اعلام گردید، مؤید حقانیت مبارزات پیگیر خلق فلسطین، به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، در راه تحقق خواستهای عادلانه این خلق برای تشکیل دولت مستقل ملی در سرزمینهای زادبومی خود و علیه امپریالیسم آمریکا و تجاوزگران صهیونیستی است. این روز همچنین نمایانگر همبستگی و پشتیبانی رسمی همه خلقها و نیروهای ترقیخواه جهان با خلق فلسطین است.

در این مرحله از انقلاب ایران، که مردم میهن ما به رهبری امام خمینی، با امپریالیسم جهانخوار آمریکا در گیر مبارزه‌ای سرنوشت سازند، همبستگی دو خلق مبارز ایران و فلسطین، که هردو در جبهه مشترکی در راه آزادی و کسب استقلال کامل خود و علیه سلطه و تجاوز امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم مبارزه میکنند، به خلقهای ما در این مبارزه توان پیشری میبخشد و پیروزی نهایی آنانرا در این مبارزه تضمین میکند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، که همواره از مبارزه عادلانه خلق فلسطین و رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، پشتیبانی کرده است، در این روز همبستگی بین المللی، بارگیر این پشتیبانی را تجدید میکند و پیروزی نهایی و هرچه نزدیکتر خلق فلسطین را در این پیکار حق طلبانه از صمیم قلب آرزو میکند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

۱۳۵۸ماه آذر

۲۷۳

ما در همه پرسی قانون اساسی می گوییم: آری!

حزب توده ایران از همه اعضا و هواداران خود و همه مردم ایران دعوت می کند که به خاطر تحکیم اتحاد همه نیروهای خلقی در نبرد علیه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و به خاطر پشتیبانی از رهبری ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی هرچه وسیع تر در رفرازه قانون اساسی شرکت کنند و به این سند، رأی مثبت دهند.

ما امیدواریم و انتظار داریم مسئولان امور، با تدوین متمم قانون اساسی — که امام نیز در پیام خود تصریح کرده‌اند — نقائص موجود در متن این قانون را برطرف سازند و آن را در خور انقلاب بزرگ و تاریخی مردم ایران بنمایند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸ ماه آذر ۱۰

برای مقابله با توطئه ضد انقلاب در آذربایجان متحد شویم

در روزهای اخیر در تبریز حوادث ناگوار و خونینی روی داده است، همه چیز حاکی از آن است که ضد انقلاب، امپریالیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده پهلوی، جبهه جدیدی را در آذربایجان علیه انقلاب باز کرده است. امام خمینی که این حادث را به درستی نتیجه تحریکات امپریالیسم و عمال آن دانسته اند، مردم را به آرامش دعوت کرده اند. و با این همه تحریکات، برخورد ها و تشنیج ها در آذربایجان ادامه یافته است.

بروز حادث ناگوار و خونین در تبریز نه فقط از آنجا ناشی می شود که امپریالیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده پهلوی از همان آغاز انقلاب پیروزمند مردم ایران کوشیده اند بهر وسیله ممکن انقلاب ما را با شکست رو برو سازند و آب رفته را به جوی بازگردانند، بلکه تحریکات و توطئه های اخیر علاوه براین واقعیت، نتیجه آنست که به رهبری امام خمینی انقلابی بزرگتر از انقلاب اول در میهن ما آغاز شده است. انقلابی آغاز شده است که می باید تسلط امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، را در تمام شئون زندگی ما از بین و بن ریشه کن سازد. انقلابی آغاز شده است که می باید پایگاه اجتماعی امپریالیسم - سرمایه داری بزرگ وابسته و زمین داری بزرگ - را از بین ببرد. انقلابی آغاز شده است که می باید عدالت اجتماعی را بسود رحمتکشان و مستضعفان، بسود تأمین حقوق ملی خلق های ایران برقرار سازد. در برابر چنین روند و چین دورنمایی است که ضد انقلاب با خشم نومیدانه ای تمام نیروی محرب خود را بار دیگر به حرکت درآورده و تجهیز کرده است.

این حادث در آذربایجان درست در لحظاتی سازمان داده می شود که توطئه امپریالیسم و بازماندگان رژیم شاه مخلوع برای تبدیل مسئله کردستان به یک کانون آتش افزایی و برادرکشی به منظور تضعیف انقلاب، با درایت امام خمینی و هشیاری نیروهای میهن دوست و

انقلابی خلق کرد با ناکامی روبرو شده و با پیام تاریخی امام خمینی در مورد تأمین حقوق ملی خلق کرد و سایر خلق های غیرفارس، زعیمه برای حل سیاسی این مشکل یعنی تأمین حقوق ملی خلق کرد و تعمیم این راه حل به سایر مناطق غیرفارس نشین ایران، از جمله آذربایجان فراهم آمده است.

برهمنی پایه است که حزب توده ایران حادث تبریز را، صرف نظر از اینکه چه شعارهایی در این جریان مطرح می شود و چه گروه هایی ناگاهانه و یا با انگیزه های حادثه جویانه در آن شرکت داشته باشد، یک توطئه ضدانقلابی ارزیابی می کند، که سازمان دهنده اصلی آن امپریالیسم امریکا است. هدف عمد و اساسی این حادثه سازی تضعیف رهبری امام خمینی در جنبش، تجزیه و تضعیف جنبش عظیم ضدامپریکائی کنونی است. این توطئه بدون چون و چرا خنجری است که از پشت به مبارزه تاریخی خلق های ایران عليه بزرگترین جنایتکار جهانی، یعنی امپریالیسم امریکا وارد می آید. ضمناً تصادفی نیست که حزب جمهوری خلق مسلمان، که در تمام دوران اخیر همیشه سمت گیری نادرستی را در جنبش ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران دنبال کرده است، رهبری این حادث را در دست گرفته و... لجوچانه به این تشنجات ادامه میدهد.

جالب اینست که ضدانقلاب در آذربایجان همچنان از شیوه های کهنه - که تاکنون آزموده است - استفاده می کند: حادثه می آفریند، اختلافات ملی و مذهبی را دامن می زند، از نقص ها و کمبودهای موجود - که برخی از آنها در دوران دشوار گذار انقلاب ناگزیر است، برخی حاصل ندانم کاری ها، مسامحه کاری ها، تعلل ها و روش های سازشکارانه در دولت موقع گذشته است و برخی نتیجه خرابکاری خود ضدانقلاب در دستگاه دولتی است - برای برانگیختن افکار عمومی سوء استفاده می کند، بین نیروهای انقلابی تفتیش و تفرقه افکنی میکند و آنها را به جان هم می اندازد، میکوشد دشمن اصلی واقعی مردم ایران و محرك اصلی واقعی تمام این تحریکات و توطئه ها و خرابکاری ها و فتنه گری ها - یعنی امپریالیسم امریکا - را از زیر ضربه خارج سازد.

در برابر چنین واقعیتی است که مردم ایران، تمام خلق های ایران، از جمله آذربایجان و همه نیروهای انقلابی صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی و سرانجام شورای انقلاب و همه مقامات مسئول دولتی و رهبران سیاسی و مذهبی باید با ضد انقلاب، در هرجا که سر بلند کند و به هر شکل و لباسی که درآید و به هر بهانه ای که عمل کند، به مقابله برخیزند. یعنی باید دشمن اصلی واقعی - امپریالیسم امریکا - را شناخت و برای ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم جهانی - به سرکردگی امپریالیسم امریکا، در میهن ما با استواری و قاطعیت عمل کرد. باید اهرم های قدرت را در تمام زمینه ها از پایگاه اجتماعی امپریالیسم - سرمایه داری بزرگ وابسته وزمینداری بزرگ - گرفت. باید هر چه سر یعتر و قاطعتر گامهای عملی برای بهبود وضع زندگی زحمتکشان و تأمین حقوق ملی خلق های ایران برداشت. باید دستگاه دولتی و

ارگانهای انقلاب را از عناصر ناباب و مشکوک و عوامل ضد انقلاب پاکسازی کرد. باید بر ضد دشمن اصلی واقعی مردم ایران، بر ضد دشمن مشترک همه خلقهای ایران و همه نیروهای انقلابی ایران—امیر یالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا—متحد شد و تمام عناصر نفاق افکن وا در هر لباسی و در هر مقامی افشا، منفرد و طرد کرد. اینهاست وظيفة مهندی و ملی و انسانی همه مردم ایران، همه خلق های ایران، همه نیروهای انقلابی و همه مقامات مسئول در این شرایط حساس، دشوار، بغزج و تاریخی.

در برابر آن واقعیت، این وظیفه و چنین شرایطی، اظهارات آقای مهندس بازرگان، که ظاهرآً بعنوان «میانجی» و برای «حل مسأله» و «آرام کردن اوضاع در آذربایجان» به صحنه آمده‌اند، نه فقط حیرت‌انگیز و تأسف‌آور، بلکه تحریک آمیز و خطرباک است. آقای مهندس بازرگان از قرار از تجربه تلاخ نه ماه حکومت خود—که امکان بروز بسیاری از حوادث ناگوار و خونین در کشور ما نتیجه سیاست نادرست، محافظه کارانه و سازشکارانه دولت وقت ایشان است—درس نگرفته‌اند. و هم چنان همان نفعه‌های ناساز را سر داده‌اند. ایشان بدون اینکه کلمه‌ای از نقش امپریالیسم آمریکا در توطئه علیه انقلاب ایران بگویند، همچنان که هیچوقت نگفته‌اند—باهم پای کموئیستها را به میان کشیده‌اند—همچنان که همیشه چنین تلاشی کرده‌اند. چنین روشنی هم خلاف واقعیت است، هم خلاف خط امام است و هم خلاف جنبش ضدامپریالیستی و ضد آمریکایی مردم ایران. چنین روشنی نه فقط به حل هیچ مسأله‌ای کمک نمی‌کند—چنان که در گذشته نکرد—بلکه به تشید و خامت اوضاع کمک می‌کند—چنانکه در گذشته کرد—و سرانجام آب به آسیاب ضدانقلاب می‌ریزد، انقلاب و رهبری انقلاب را تعصیف می‌کند—چه آقای مهندس بازرگان از این واقعیت آگاه باشد چه نباشد، چه چنین نتیجه‌ای را بخواهد چه نخواهد.

در شرایط حساس، دشوار و بغزجی که انقلاب ما می‌گذراند، هر کلمه و هر گام ناستجدیده و نابجای مسئولان امور—از جمله آقای مهندس بازرگان—می‌تواند به انقلاب زیان برساند و به ضدانقلاب کمک کند، صرف نظر از اینکه این افراد چه فکر کنند و چه نیتی داشته باشند.

از اینجاست که ما به همه رهبران سیاسی و مذهبی، به همه احزاب، سازمانها و گروههای هادار انقلاب، به همه مردم زحمتکش، مبارز و آگاه ایران هشدار میدهیم که به ضد انقلاب بهانه ندهند، دوستان و دشمنان انقلاب ایران را به درستی بشناسند، از مسیر انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ما به رهبری امام خمینی منحرف نشوند و با هشیاری، آگاهی، مبارزه و اتحاد خود توطئه‌های ضدانقلاب را عقیم گذارند و با گامهای استوار و قاطع در راه دفاع از انقلاب، ثابتیت، تحکیم و گسترش انقلاب، پیش روند.

ما اطمینان داریم خلق های ایران که انقلاب بزرگ اول را به پیروزی رساندند، آن شایستگی و آن فداکاری را دارند که انقلاب بزرگ دوم را نیز به پیروزی قطعی و نهایی برسانند.

ما اطمینان داریم که امام خمینی، که با قاطعیت و درایت انقلاب اول را رهبری کرده‌اند، انقلاب دوم را نیز با همان قاطعیت و درایت رهبری خواهند کرد.

برقرار باد جبهه متحده خلق ما در مبارزه برضد امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

پیروز باد مبارزه متحده خلق ماعلیه ضدانقلاب و برای ثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب بزرگ مردم ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۱۶

«گروه آزادی و برابری» به حزب توده ایران پیوست

نامه روش بینانه و ترف اندیشه «گروه آزادی و برابری»، که جریان تحول فکری و سازمانی آن را منعکس میکند، باطلاع همگان رسید.

این رفقا صداقت انقلابی را با شجاعت مدنی، وفاداری به اصول مارکسیسم-لنینیسم را با جسارت پندگیری از تجربه زنده و مشخص بهم آمیختند. آنها از کوههای دشوار آزمایش گذشتند و سربلند بیرون آمدند. «جویار» این گروه با آن همه طراوت و صداقت، با آنهمه صافی و شهامتش، سرانجام به «شط خروشان» حزب، که در رفای خویش از نیروی لایزال رحمتکشان میهن ما و جهان بینی علمی راهگشای خویش مایه میگیرد پیوست.
رققا! شما حق دارید با سربلندی و افتخار بگوئید:

«حزب ما»، این پاداش همه آن جستجوها و کوشش‌ها و پایمردی‌هast. همه توده‌ایها و از جمله شما— تازه‌ترین توده‌ایها— وظيفة سنتگینی بعدهد میگیرند و راه دشواری در پیش دارند. ما اطمینان داریم که شما با بینش انقلابی و تجربه عملی خود، در این راه مانند یک توده‌ای گام خواهید نهاد و مانند یک توده‌ای وظایف حزبی، طبقاتی، سازمانی، میهنی و آرامانی خویش را انجام خواهید داد.

نمونه شما، بدنبال نمونه پرافتخار «گروه تیزابی» و نمونه «گروه منشعب از چریکهای فدایی خلق» و گروههای نظری دیگر، نشانه آنست که علیرغم همه تهمت‌ها و افتراها، همه تبلیغات رنگارنگ دشمن از راست و «چپ»، آن کس که واقعاً انقلابی است و به بینش علمی و انقلابی طبقه کارگر مجهز است، آن کس که خصلت طبقاتی سیاست‌ها و موضوع‌گیریها را باز

می شناسد و مبارزه طبقاتی واقعی و تحلیل طبقاتی درست، مشخص و تاریخی را از جمله پردازی انقلابی نما تشخیص میدهد، سرانجام راه خود را خواهد یافت: راه حزب توده ایران، در حزب توده ایران!

«چشم در چشم حقیقت دوختن»، صداقت و شهامت بسیار میخواهد، و شما توده ایها این خصلت ها، این فضیلت ها را در خود یافته و به تجربه در یافته که: «وحدت مارکسیست - لینینیست ها در میهن ما تنها با تقویت و نیرومندی هرچه بیشتر حزب توده ایران ممکن خواهد بود.»

کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب همه اعضاء، هواداران و دوستان حزب، ورود شما را به حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، تبریک میگوید و فعالیتهای همه جانبی پژوهش و شکوفایی را برای شما آرزو میکند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ماه ۲۵

همه باهم در جبهه متحد خلق، برای نوسازی اجتماعی-اقتصادی به سود زحمتکشان و قشرهای میانه حال

هم میهنان عزیز،
مبارزان راستین راه خلق!

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی، حزب توده ایران بنا به وظیفه ملی و میهنه خویش، برنامه انتخاباتی خود را در معرض قضایت افکار عمومی قرار می دهد.

حزب توده ایران پس از بررسی همه جانبه چگونگی انتخابات ریاست جمهوری، از معرفی کاندیدای مستقل برای ریاست جمهوری خودداری می کند.

حزب توده ایران از تمام کاندیداهای ریاست جمهوری می طلبد که برنامه کار خود را به طور روشن و مشخص اعلام دارند تا مردم و همچنین احزاب، سازمان ها و گروه هایی که کاندیدای مستقل ندارند - از جمله ما - با آشایی با این برنامه، بتوانند با آگاهی کامل انتخاب خود را از میان کاندیداهای ریاست جمهوری به عمل آورند.

حزب توده ایران از تمام کاندیداهای ریاست جمهوری می طلبد که نظر خود را در باره برنامه انتخاباتی حزب توده ایران اعلام دارند تا هم مردم و هم حزب ما بتواند با مواضع، افکار و نظریات کاندیداهای ریاست جمهوری در باره نوسازی اجتماعی-اقتصادی جامعه ما در مقایسه با برنامه انتخاباتی حزب توده ایران بهتر آشنا شوند و باز هم بتوانند با آگاهی کامل تری انتخاب خود را از میان کاندیداهای ریاست جمهوری به عمل آورند.

حزب توده ایران پس از بررسی برنامه کار کاندیداهای ریاست جمهوری و اعلام

موضع آن‌ها درباره برنامه انتخاباتی حزب توده ایران، نظرنهایی خود را درباره این که به کدام یک از کاندیداهای ریاست جمهوری رأی خواهد داد، به موقع خود اعلام خواهد کرد.

شایان ذکر است که حزب توده ایران با همین برنامه انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت خواهد کرد و کاندیداهای خود را برای نمایندگی در مجلس شورای ملی، که مدافع این برنامه خواهند بود، به موقع خود معرفی خواهد کرد.

هم میهنان عزیز، مبازان راستین راه خلق!

با استقرار جمهوری اسلامی و متعاقب آن تصویب قانون اساسی نوین –با وجود نقائص و کمبودهایی که در این قانون وجود دارد– نهضت رهائی بخش ملی ایران به پیروزی عظیم تاریخی دیگری دست یافت. اینکه خلقهای رزمتده میهن ما خود را آماده میسازند که با رفتن پای صندوق‌های رای و انتخاب رئیس جمهور و همچنین انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی بنیان جمهوری نوینیاد خود را مستحکمتر سازند.

مهترین دستاورده انقلاب شکوهمند خلق ما تا امروز عبارت است از درهم کوفتن رژیم خیانت، غارت، اختناق، جنایت و فسادی که هم خود، تا بن‌دانان مسلح بود و هم از حمایت جدی بزرگ‌ترین قدرت امپریالیستی جهان، امپریالیسم آمریکا، برخوردار بود. وارد کردن ضربات درهم شکن بر ارکان تسلط راهزنانه امپریالیسم و طبقات حاکمه وابسته بر میهن

ما جنبه دیگری از این دستاورد است.

اینک انتقلاب پرتوان مردم ایران به رهبری امام خمینی وارد مرحله دگرسازی و نوسازی اجتماعی - اقتصادی شده است. هدف این مرحله پایان دادن به سیطره امپریالیسم و نواستعمار و اقتصاد وابسته به آن در کلیه شئون، برانداختن موانع گوناگون اقتصادی و اجتماعی بر سر راه استفاده از منابع ملی، گشودن راه در برابر رشد همه جانبه اقتصاد کشور به سود اکثریت محروم جامعه و بدبینسان کسب استقلال واقعی اقتصادی است.

استقلال اقتصادی ضامن تامین و تحکیم استقلال سیاسی است. تاریخ انقلاب های اصیل نشانگر آنست که تنها با کسب استقلال سیاسی و بر کنار کردن گروهی از تبعه‌کارترین کارگزاران امپریالیسم و رژیمهای دست نشانده، نمیتوان تسلط اقتصادی امپریالیسم و ارتजاع را برانداخت. فقط با درهم شکستن و محظوظ پایگاههای اقتصادی امپریالیسم و ارتजاع است که میتوان خواستهای حقه میلیونها انسان محروم و زحمتکش را تحقق بخشد، به غارتگری نواستعمار پایان داد، صنعتی کردن کشور را بر وفق منافع ملی و فارغ از وابستگی به امپریالیسم، به پیش برد. کشاورزی را از وضع آشفته و عقب مانده بیرون آورده، غارتگری و استثمار را مهار کرد، زندگی زحمتکشان را با آهنگ سریع بهبود بخشد و فرهنگ ملی را شکوفان ساخت.

در این دوران دشوار، که کشور ما با مشکلات فراوان داخلی و خارجی ساخته و پرداخته امپریالیسم و ارتजاع و سازشکارانی که ماهها مسیر موقیت آمیز انقلاب ما را ترمز کردند، رو برو است، حزب توده ایران همه مبارزان راه خلق و همه نیروهای راستین انقلاب را فرامیخواهد که هر چه زودتر بر اساس برنامه مشترکی که خواسته های توده های میلیونی زحمتکشان و قشراهی میانه حال جامعه ایران را در بر گیرد، توافق کنند و این برنامه را پایه عمل مشترک و متحده خود در کارزار انتخاباتی، در راه رهائی از بند اقتصادی استعمار نو و امپریالیسم و غارتگری سرمایه داری وابسته و زمینداری بزرگ و برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب قرار دهند.

امپریالیسم، بسركردگی امپریالیسم آمریکا، و ارتजاع داخلی وابسته بدان، با تمام نیرو میکوشند با اتحاد با بورژوازی لیبرال (که از خلقی ترشدن سمعت گیری انقلاب بوحشت افتاده) با کمک خرابکارانه دست نشانده گان زنگارنگ خود از «چپ» و راست، چنین وحدت عملی را غیرممکن سازند و با افشارندن تخم نفاق و دودستگی در میان نیروهای مومن به انقلاب، زمینه را برای تسلط مجدد خود فراهم کنند.

تجربه تلحیح ۲۵ سال اخیر و حوادث در دنا ک آن باید در لحظه حساس کنونی تاریخ میهن ما، برای همه نیروهایی که در صحنه سیاست کشور بسود انقلاب عمل میکنند، عبرت انگیز باشد. همانطور که ۲۵ سال پیش امپریالیسم و ارتजاع از پراکندگی گردانهای مبارز به سود خود استفاده جستند و با سرکوب یک به یک نیروها و سازمانهای ملی و ضد امپریالیستی، وضع خود را، ولو بطور موقت، محکم کردند، اکنون نیز ادامه پراکندگی نیروها فقط بسود ضد انقلاب است.

تنها بیداری، هشیاری، آمادگی و اتحاد نیروهای خلق بر بنیاد برنامه سیاسی و اقتصادی روش و مبارزه متحد برای تحقق آن میتواند نقشه های شوم و خطربنا کی را، که رهبر انقلاب، امام خمینی بارها بدان اشاره کرده، با ناکامی رو برو سازد.

کشور ما که قریب دو قرن است در اسارت و عقب ماندگی در جا میزند، باید بتواند در پرتو انقلاب پیروزمند اخیر خود، بهدهای عالی ملی و اجتماعی خویش دست یابد، و چنانکه در خور آنست، بیکی از کشورهای سر بلند و مترقی جهان بدل گردد و تکیه گاهی برای فرهنگ مردمی و عدالت اجتماعی باشد.

براین اساس، حزب توده ایران برناهه پیشنهادی زیرین، را بهتابه زمینه ای برای برنامه مشترک جبهه متحد نیروهای خلق مطرح میسازد و در عین حال آمادگی جدی خود را برای توجه و بررسی هر پیشنهاد مشخص دیگری در این زمینه اعلام میدارد. این پیشنهادها برپایه قانون اساسی مصوب جمهوری اسلامی ایران و برای مشخص کردن یک سلسه مسائل حاد، در شرایطی که مردم میهن ما میروند تا ارگانهای مسئول دولتی خود را انتخاب کنند، براساس پیشنهادهای مصوب پنجم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران، تهیه شده است.

الف. در زمینه نظام سیاسی، حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی

۱- حزب توده ایران دفاع از جمهوری اسلامی ایران را در برابر توطئه های امپریالیسم و ارتजاع داخلی وظیفه خود میشمارد و برای ثبت و تحکیم بنیاد آن از بذل هیچگونه مساعی در بین نخواهد ورزید.

۲- باید برای اجراء جامع و پی گیر حقوق و آزادیهایی که در قانون اساسی تصریح شده، اقدام شود و برای تدارک متمم قانون اساسی، که نقائص و کمبودهای قانون اساسی را رفع کنند، تلاش مجدانه بعمل آید، بطور یک حقق زیرین بدون ابهام تأمین گردد:

۱- حقوق دمکراتیک مودم، تمام و کمال رعایت شود. تأمین حقوق و آزادیهای دمکراتیک فقط زمانی میسر است که همه سازمانهای اجتماعی و سیاسی و اتحادیه ها و انجمن های صنفی بدون هیچگونه تبعیضی، امکان فعالیت آزاد برای نشر و تبلیغ نظریات خود را داشته باشند. هر گونه انحصار طلبی و اعمال فشار و تحمل نظریات و تبعیض از سوی هر فرد و مقامی مردود است. به اختناق به هیچ شکلی از اشکال نباید راه داده شود.

۲- در جمهوری اسلامی ایران شرکت فعال توده های مردم در اداره امور کشور، همان طوری که در قانون اساسی نیز تصریح گردیده از طریق ایجاد نظام شورایی، یعنی قرار دادن سرتاسر زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی، نظامی و ملی کشور برمبنای شوراها باید تأمین گردد.

۳- در جمهوری اسلامی ایران زنان باید در همه زمینه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی از حقوق برابر با مردان برخوردار باشند. بکلیه بیعدالتی هائی که به محرومیت زنان از حقوق برابر انجامیده و آنان را از برخورداری از حقوق متساوی در جامعه و خانواده محروم داشته است، باید پایان داده شود.

۴- خلق های غیر فارس در ایران در معرض ستم ملی و تعیض قرار داشته اند و محرومیت های اقتصادی - اجتماعی بسیاری بر آنان تحمیل شده است. در جمهوری اسلامی ایران باید به همه این محرومیتها پایان داده شود و دستاوردهای انقلاب در باره حق خود گردانی (خود اختاری)، که در عین حال ضامن حفظ تمامیت ارضی کشور ماست، در متمم قانون اساسی وارد گردد.

ب. در زمینه سیاست خارجی

۱- دفاع از تمامیت ارضی، تأمین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور،

۲- لغو کلیه قراردادهای نابرابر اقتصادی، سیاسی و نظامی علني و یا سری، که دول امپریالیستی و رژیم مخلوع به کشور ما تحمیل کرده اند و تا کون لغو نشده اند و اجرای سیاست قاطع ضد امپریالیستی در همه عرصه ها،

۳- پشتیبانی مادی و معنوی همه جانبه از جنبش‌های انقلابی و آزادیبخش ضد امپریالیستی و در درجه اول از جنبش آزادیبخش خلق قهرمان فلسطین،

۴- کوشش برای برقراری روابط دوستانه و همکاری مبتنی بر برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی با همه کشورهای جهان،

۵- دفاع از صلح جهانی و اجرای پیگیر اصول همزیستی مسالمت آمیز و همکاری وسیع با جنبش کشورهای غیر معهود در جهت نبرد ضد امپریالیستی.

ج. در زمینه دفاع و حفظ امنیت

۱- پاکسازی کامل ارتش از تمام عناصر ضد ملی و ایجاد ارتش واقعاً ملی، که پایگاه محکم انقلاب، استقلال، آزادی و ترقی باشد،

۲- گسترش تجربه سپاه پاسداران انقلاب و تأمین جای شایسته آن در دفاع از انقلاب،

۳- دگرگونی بنیادی در نظام درونی ارتش برای تبدیل آن به یک ارتش خلقی،

۴- تجدید نظر در سیاست خزینه و تهیه جنگ افزار، بطوری که هرگونه واپسگی را در این زمینه غیر ممکن سازد.

د. در زمینه اقتصادی

- ۱- ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم و نو استعمار از کلیه شئون اقتصادی کشور، و در مرحله اول، از صنایع نفت و گازوپتروشیمی،
- ۲- اجرای دقیق نظام اقتصادی نوین بر پایه تقویت بخش‌های دولتی، تعاقنی و محدود کردن بخش خصوصی و جلوگیری از تراکم ثروتهای کلان در دست افراد و بخش خصوصی و اداره ثمر بخش کلیه موسسات دولتی و تعاقنی،
- ۳- پیگیری در ایجاد آنچنان ساختار سیاسی و اجتماعی، که از تبدیل سرمایه داری به نیروی مسلط سیاسی جلوگیری بعمل آورد. گسترش مواضع سیاسی زحمتکشان همگام با تجدید مواضع سیاسی و اقتصادی سرمایه داری، به منظور ایجاد تدریجی رو بنای سیاسی نوین خلقی،
- ۴- کاربرد برنامه ریزی دولتی کوتاه و دراز مدت، بمنظور تسریع در رشد اقتصادی اجتماعی،
- ۵- صنعتی کردن کشور، ایجاد و گسترش رشته‌های گوناگون صنایع سنگین و کلیدی، در نوبه اول بر پایه استفاده از منابع داخلی، با توجه به اولویت، امکانات و نیازهای واقعی جامعه،
- ۶- اجرای اصلاحات ارضی بنیادی، از طریق مصادره زمین‌ها و دارائیهای غصی‌ی زمینداران بزرگ و قوادالها و واگذاری آنها به دهقانان کم زمین و بی زمین مشکل در تعابونیهای روسنایی. ملی. کردن موسسات بزرگ خصوصی کشاورزی و اداره آنها بصورت تعاقنی و یا در بخش دولتی. دایر کردن زمینهای بایر، باز سازی قوات و تأمین آب برای کشاورزی، ایجاد و تقویت همه جانبه تعابونیهای تولید روسنایی، تعابونیهای توزیع و مصرف برای دهقانان تهیست و میانه حال، تأمین شرکت واقعی و فعال کشاورزان زحمتکش در اداره امور تعابونیها، بهسازی تولید و بازسازی روبستاها، تأمین خدمات زیربنائی و همچنین بالا بردن سطح عمومی بهداشت، سواد، آموزش و فرهنگ در روسنایی،
- ۷- بکار اندخن سرمایه‌های کوچک در امور تولیدی، در چارچوب برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی دولتی،
- ۸- گسترش شبکه تعابونیهای تولید، توزیع و مصرف در شهرها برای رشته‌های گوناگون تولید کوچک،
- ۹- اجرای دقیق ملی کردن بازارگانی خارجی و شرکت مؤثر دولت در بازارگانی

- داخلی از طریق عمدۀ خرید و عمدۀ فروشی کالاها و مواد غذائی مورد نیاز عمومی،
- ۱۰- تجدید نظر در توزیع در آمد ملی، بر مبنای تنظیم و تعديل بودجه دولتی، با توجه به اصل اولویتهای اقتصادی و استفاده سرمایه‌ای از در آمد نفت، حذف کلیه هزینه‌های زائد و تخصیص اعتبارات لازم برای رشد سریع و همه جانبه اقتصاد، فرهنگ و آموزش و پژوهش،
 - ۱۱- اصلاح بنیادی سیستم مالیاتی بسود زحمتکشان.

ه. در زمینه بهبود زندگی کارگران، دهقانان، جوانان، پشه وران و گارمندان

۱- کارگران

- تامین شرکت مؤثر کارگران در اداره امور کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و امور خدمات از طریق شوراهای تولیدی و خدماتی،
- تنظیم و تصویب قانون مترقبی کاربر بنیاد تامین منافع کارگران و سایر زحمتکشان، اعم از شهری و روستایی،
- تامین اشتغال و تلقی آن بمتابه حق مسلم شهروندان کشور، از میان بردن بیکاری در سراسر کشور،
- تنظیم و تصویب قوانین مترقبی بیمه‌های اجتماعی بسود همه زحمتکشان شهر و روستا و خانواده‌های آنان،
- تأمین خدمات پزشکی و داروئی رایگان برای زحمتکشان شهر و روستا،
- تأمین مسکن مناسب برای کارگران،
- پرداخت مزد یکسان به زنان در برابر کاریکسان با مردان و منع کار کودکان،
- واگذاری مخصوصیهای دراز مدت، با استفاده از حقوق، به زنان زحمتکش برای دوران پیش و بعد از زایمان،
- افزایش دستمزدها با توجه به نوسانات هزینه زندگی.

۲- دهقانان

- واگذاری اعتبار، بذر و کود و کمکهای فنی بدھقانان خرد پا و میانه حال،
- کمک همه جانبه به ایجاد شرکتهای تعاونی تولید روستایی، گسترش شبکه تعاونی توزیع و مصرف و خرید محصولات کشاورزی به بهای عادلانه،
- حل جدی مسئله آب بسود دهقانان،
- لغو اقساطی که دهقانان هنوز بابت اراضی تقسیم شده در جریان اصلاح ارضی باید پردازند،

— الگای وامها و تضییقات مادی دیگر، که رژیم سرنگون شده و ایادی آن، رباخوارانو سلف خران به دهقانان تحملی کرده اند.

۳- جوانان

- تامین شرایط لازم برای تحصیل، اشتغال و تشکیل خانواده و دسترسی کلیه جوانان به پرورش استعدادهای خود در زمینه های فن، علم و هنر،
- شرکت دادن جوانان در اداره امورکشرو و برعورداری آنان از حق تشکیل آزاد در سازمان های دمکراتیک صنفی و سیاسی و همبستگی های بین المللی،
- تامین امکانات گستره ورزشی و تربیت بدنسی، توسعه موسسات ورزشی، ایجاد باشگاههای جوانان در شهر و روستا،
- ایجاد کتابخانه ها و قرائت خانه های عمومی در سطح کشور، با حق استفاده رایگان از آنها،
- فراهم آوردن وسائل تفریحات سالم در جهت تقویت تن و روان نسل جوان و رهانی جوانان از اعتیاد های مهلك و دیگر میرانهای شوم رژیم طاغوتی پهلوی،
- تامین شرایط لازم برای جوانانی سر زنده، یا فرهنگ و راغب به کار و فعالیت خلاق در جهت رفاه مادی و معنوی جامعه زحمتکش ایران و سر بلندی نسل جوان آن.

۴- کارمندان

- تقسیم صحیح کار در ادارات، ترفع بر اساس آزمودگی و کیفیت کار و سوابق خدمت،
- تجدید نظر در قوانین استخدامی بر بنیاد دمکراتیک و جلوگیری از هر گونه تعیین در مورد آنان،
- تامین مسکن مناسب برای کارمندان فاقد مسکن،
- شناسائی حق تشکیل سازمانهای صنفی و شورائی برای همه کارمندان ادارات دولتی و موسسات خصوصی.

۵- پیشه وران

- تامین تشکیل پیشه وران در تعاونیها،
- واگذاری اعتبارات دولتی برای پیشرفت کار در رشته های گوناگون پیشه وران،
- تشکیل اتحادیه های ویژه پیشه وران برای دفاع از خواستها و منافع صنفی پیشه وران،
- تشویق کارهای دستی هنری ملی.

و، در زمینه سواد، آموزش و پرورش و فرهنگ

- ۱- ریشه کن ساختن بیسوسادی و همه آثار فرهنگ استعماری از زندگی روزمره،
- ۲- توجه خاص به ترقی فرهنگ مناطق عقب نگاه داشته شده،
- ۳- ایجاد سیستم فرهنگ ملی برای اقوام ملی و تأثیر آموزش به زبان مادری،
- ۴- تجدید نظر بنیادی در نظام آموزشی،
- ۵- گسترش وسیع شبکه آموزشگاههای حرفه‌ای رایگان،
- ۶- گسترش شبکه آموزش و پرورش در سراسر کشور و رفع کمبود شدید دبستان و دبیرستان،
- ۷- توسعه دانشگاههای کشور بقصد پایان دادن تدریجی به اعزام دانش آموز بخارج از کشور،
- ۸- ایجاد شبکه وسیع شیرخوارگاه‌ها و کودکستانها بمنظور کمک به زنان کارگر و کارمند،
- ۹- رایگان ساختن آموزش از دبستان تا دانشگاه و پرداخت مدد معاش دولتی بفرزندان دانشجوی کارگران و کشاورزان و کارمندان کم درآمد.

ز. در زمینه علم و هنر و وسائل ارتباط جمعی

- ۱- ایجاد فرهنگستان علوم ایران
- ۲- تشکیل شبکه وسیع پژوهشگاههای علمی، لابراتوارهای مجهر و موسسات پژوهشی فنی و فراهم کردن شرایط لازم برای کار خلاق و ثمر بخش دانشمندان و دیگر پژوهشگران،
- ۳- کمک موثر به گسترش و رشد مطبوعات دمکراتیک و خلقی و انتشارات تخصصی،
- ۴- دمکراتیک ساختن و اداره شورائی رادیو و تلویزیون
- ۵- تامین شرایط لازم برای پیشرفت آفرینش هنری،
- ۶- تامین آزادی برای نویسنده‌گان و هنرمندان بر پایه خواستهای حقه سازمانهای صنفی آنها.

چنین است رئوس کلی برنامه انتخاباتی که به نظر حزب توده ایران می‌تواند پایه وحدت عمل در کارزار انتخاباتی گردد. فقط در پرتوایجاد جبهه متحد خلق و تحقق چنین برنامه مشترکی

است که می‌توان دستاوردهای انقلاب را حفظ کرد و به خواست‌های خلق انقلابی جامه عمل پوشانید.

هم میهنان، مبارزان راستین راه خلق!

انقلاب ایران راهی دشوار و سرشار از انواع مخاطرات، توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمن در پیش دارد. دشمن مردم ایران—امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا—ضرربت دیده، ولی از پایی در نیامده، ارتجاع و در رأس آن در باریه‌لی، سرنگون شده، ولی نابود نگردیده است. تنها با وحدت عمل و اتحاد کلیه نیروهای راستین انقلاب، با فدایکاری و قاطعیت انقلابی در گزینش برنامه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بنیادی و به سود توده‌های زحمتکش است که می‌توان براین دشواری‌ها پیروز شد و دسیسه‌ها و توطئه‌های دشمنان خلق را عقیم گذارد و نفوذ آن‌ها را ریشه کن ساخت.

▪ گسترده باد انقلاب پرتوان خلق دلاور ایران!

▪ برقرار باد جبهه متحد خلق! نیرومندترین اهرم پیروزی بر دشمن اصلی

—امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

▪ تابناک باد خاطره شهیدان راه استقلال ملی، آزادی و پیشرفت اجتماعی ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دی ماه ۱۳۵۸

درباره پیام امام خمینی برای جهاد با بیسوسادی

مبازه با بیسوسادی گامی است سرنوشت ساز در راه پیکار علیه میراث شوم سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری و برای تأمین استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور ما

امام خمینی در پیام مهمی، در روز جمعه ۷ دیماه، درباره جهاد با بیسوسادی اعلام کردند:

«ما باید در برنامه درازمدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفای تبدیل کنیم و اکنون بدون از دست دادن وقت و بدون تسریفات خسته کننده برای مبارزه با بیسوسادی بطور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنید... من از ملت عزیز امیدوارم که با همت والای خود بدون فوت وقت ایران را بصورت مدرسه درآورند و درهشوب و روز اوقات بیکاری یکی دو ساعت را صرف این عمل شریف نمایند.»

بیسوسادی یکی از خانمان براندازترین پی آمدهای شوم فرهنگ استعماری و نواستعماری است که امپریالیسم و سرسپرده‌گان آن سالهاست به مردم ما تحمیل کرده‌اند. با وجود آمارهای متناقضی که در این زمینه موجود است، تخمین زده می‌شود که هم اکنون حداقل ۷۰ درصد مردم ما سواد خواندن و نوشتمن را ندارند. این درصد در بخش‌هایی از کشور و برخی قشرهای جامعه از این هم بمراتب بالاتر است. مطابق آماری، درصد بیسوسادان در روستاها متجاوز از ۹۴ درصد و درصد زنان بیسوساد در سطح کشور بیش از ۹۰ است.

رژیم وابسته و خائن پهلوی بارها تحت عنوان «مبازه با بیسوسادی» و با تبلیغات ناهمجارت کوشید تا افکار عمومی ایران و جهان را بفریبد و بخيال خود برای خوش کسب وجهه کند. ولی این «مبازه» چنان ناکام و رسوا بود که حتی رژیم محظوظ مجبر به اعتراف به این واقعیت شد که شماره بیسوسادان در کشور ما رو به افزایش است.

پیروزی انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران نه تنها شرایط و امکانات عینی مساعدی را برای حل ریشه‌ای مستله بیسوسادی فراهم آورده، بلکه آغاز چنین جهادی را در صدر وظائف

انقلاب و انقلابیون قرار داده است.

تجربه ما و دیگر کشورها نشان میدهد که ارجاع و ضد انقلاب همواره میکوشند تا با عوامل بیی، از جهل و بیسواندی گروه بیشماری از مردم، بسود سیاست ضدمیهنی خود استفاده جویند.

ما در عین تأکید لزوم تدوین و اجرای برنامه‌ای درازمدت برای مبارزه راستین در راه ریشه کن کردن بیسواندی، از ابتکار تاریخی امام خمینی پشتیبانی می‌کنیم و هم میهنان، سازمانهای ضدامپریالیست و مترقبی بویژه افراد و واحدهای حزبی را فرا میخوانیم تا با استفاده از همه گونه امکانات و وسائل، برای سوادآموزی خواهران و برادران بیسواند ما کوشباشند.

در این گستره، یادآور میشویم که وزارت آموزش و پرورش، طبق فرمان امام، باید از «قطاس بازی» پرهیزد و به همه افراد، سازمانها و نیروهایی که آماده کمک در این زمینه هستند، امکان شرکت فعال در این جهاد مقدس را بدهد.

مبارزه با بیسواندی گامی است سرنوشت‌ساز در راه پیکار علیه میراث شوم سلطنه امپریالیسم و دیکتاتوری و برای تأمین استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور ما.

با تمام نیرو این مبارزه مقدس را به پیروزی برسانیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ ماهه

به شورای انقلاب اسلامی ایران

شورای محترم انقلاب اسلامی ایران

اکنون که پیرو رهنمودهای امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، شورای انقلاب تصمیم به «ریشه کن کردن فتوالیسم و دادن زمین به دهقانان» گرفته (اعلامیه شماره ۲ شورا-سخنرانیهای آیت الله دکتر باهنر) و بدنبال تغییرات مثبت و امید بخشی که در وزارت کشاورزی رخ داده و خود نشانی از تصمیم به اجرای یک برنامه واقعی ضد بزرگ مالکی و انجام اصلاحات ارضی به سود دهقانان است، حزب توده ایران لازم میداند نظر شورای انقلاب را به نکات زیرین جلب کند:

۱- مسئله اصلاحات ارضی بنیادی و قاطع بسود دهقانان بی زمین و کم زمین و بخارط ریشه گن کردن بساط استثمار فتوالی ملکی و دادن زمین به کسانی که روی آن کار می کنند، مسئله ای سرنوشت ساز و حیاتی برای انقلاب ایران است. الغای کامل بزرگ مالکی، که مهمترین بقایای فتوالیسم است، ضربه ای است به امپریالیسم و به ضد انقلاب، دادن زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین خدمتی است به تحکیم انقلاب و استقرار عدالت اجتماعی و استقلال اقتصادی کشور.

۲- بزرگ مالکان که از منافع غارتگرانه خود دست بردار نیستند، بانواع وسائل متثبت میشوند تا بساط بهره کشی و مالکیت غاصبانه خویش را حفظ کنند. آنها وضعی بحرانی در روستاهای کشور بوجود آورده اند که هر لحظه تأخیر درفع آن موجب تشدید و خامت و بهره گیری ضد انقلاب میشود.

بحران موجود در روستاهای جدی و همه جانبی است. ایجاد ناراضایی در بین دهقانان یکی از ابعاد آن و عدم کشت قسمت قابل ملاحظه ای از زمین ها، بعد دیگر آن است که خود عمق

توطئه اربابان را نشان میدهد.

۳- حل مسئله مالکیت، ضد انقلاب - امپریالیسم آمریکا و بقایای دار و دسته شاه مخلوع - را از یک وسیله مهم تخریبی محروم می کند و اجازه نمی دهد که آنان با سوء استفاده از ناراضائی و خواست بحق دهقانان در مورد داشتن زمین، کانون توطئه و تحریک و تشنج بیافرینند، بر عکس حل انقلابی این مسئله روستای ایران را به دژ مدافع انقلاب و به مرکز تأمین محصولات کشاورزی و دامی مورد نیاز بدل خواهد ساخت.

بنابراین بنظر ما اتخاذ تدبیر دقیق و جامع درباره الغای بزرگ مالکی و انجام اصلاحات ارضی دارای اهمیت درجه اول سیاسی است و گامی حیاتی درجهت تحکیم انقلاب و پیشبرد آن است.

حل بحران کنونی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، که روستای ایران با آن روبروست، در گرو شکستن این سد عمدی یعنی بزرگ مالکی است. حل این بحران از وظایف مبرم و حیاتی شورای انقلاب است، وظیفه ای که نمیتوان آن را تا تحکیم نهادهای دولتی دائمی جمهوری اسلامی ایران بتعویق انداخت. در شرایط کنونی، گذشت هر روز مهم است، چه رسید به چندین ماه، باید فرصت را از ضد انقلاب گرفت و آن را خلخ سلاح کرد.

باین علت است که ما توجه شما را بوظیفه خطیری که بعدها گرفته اید، جلب می کنیم و بویژه اکنون که خانها و مالکان بزرگ و عوامل آنها به جنب و جوش افتاده اند، هشدار میدهیم و پیشنهادهای خود را ارائه میداریم:

۱- هر چه سریعتر مشی سیاسی و چارچوب برنامه ای درجهت ریشه کن کردن بزرگ مالکی اعلام شود، تا حق به حق دار و زمین به دهقانان برسد. این امر بمتابه عنصر منشکله نبرد عظیم خلق علیه شیطان بزرگ و ابستگان ایرانی اش، در نظر گرفته شود.

۲- برنامه همه جانبه، روش و صریحی که بیانگر سیاست و خط شورای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در زمینه ارضی باشد، تدوین گردد و هدفها، روشها و مدارج آن دقیقاً اعلام شود، تا هم دهقانان برای پشتیبانی از آن بسیج شوند و هم مسئلان امور موظف باجرای آن باشند.

حزب توده ایران با توجه باهمیت این موضوع، نظریات خود را درباره چنین برنامه ای شامل سه مسئله عمدی: مسئله مالکیت زمین، مسئله تولید و نوسازی اقتصاد کشاورزی، مسئله رفاه روستاییان، بمقامات مسئول وزارت کشاورزی ارائه می کند. اصول این طرح در مسئله عمدی کنونی، که حل سایر مسائل کشاورزی دهقانی وابسته به حل آن است، یعنی مسئله مالکیت زمین، عبارتست از:

الف) هدف اصلی: زمین دار کردن کلیه دهقانان، استقرار عدالت اجتماعی و تأمین تولید کافی،

ب) راه اصلی: الغای هر گونه بزرگ مالکی فتوالی و سرمایه داری، که ریشه

بهره کشی و ستم بر دهقانان است.

(ج) شیوه اصلی: با الهام از بخش‌های اقتصادی پیش‌بینی شده در قانون اساسی باید به این سه شیوه عمل کرد:

— واگذاری زمین بدحقانان بی زمین و کم زمین و تأمین وسائل کار و کشت برای آنها،

— ایجاد تعاونیهای دهقانی با اشکال و مدعوهای متنوع، از همکاری در مصرف و توزیع و

اعتبار وغیره گرفته تا تعاونی تولید، در مدارج و سطوح مختلف،

— ایجاد واحدهای بزرگ مکانیزه در بخش دولتی بنا به شرایط فنی — اقتصادی واحد

مربوط و ضروریات تولیدی و منافع کشور،

(د) در شرایط دشوار کنونی دهات ایران، کاملاً ضرور است که نظیر کلیه بدھی‌ها و

دیون دهقانان تهیست و میانه حال به دولت و به اشخاص ملغی گردد و اقساط گرفته شده از

دهقانان در رژیم گذشته از محل ثروت‌های مالکان بزرگ بازپس داده شود.

اینست مسئله عمده و گرهی، که توجه ویژه به آن لازم است.

۳— اجرای تصمیمات متخذه در زمینه برنامه اصلاحات اراضی بنیادی بخواه هر چه

کاملتر و قاطعتر، بکار گرفتن تمامی وزن و اعتبار شورای انقلاب تا این مرحله در جهت منافع

دهقانان تهیست بی زمین و کم زمین، این مسئله در عمل حل شود،

۴— تأمین مشارکت فعال دهقانان زحمتکش در تدوین و اجرای برنامه اصلاحات اراضی

و تحقق طرحهای شورای انقلاب و مسئولان انقلابی وزارت کشاورزی،

بنظر ما، بدین منظور میتوان بدحقانان برای تشکیل شوراهای اتحادیه‌ها و انجمن‌هایی که

نیروی عظیم روستائیان را پسیج و مشکل کند، باری رساند.

۵— جلوگیری از تحریکات و صحنه‌سازیها و حادثه‌آفرینیهای اربابان، اعم از اقدامات

خشون و مسلحانه یا فریبکارانه و مسلمان نمایانه.

۶— انحلال نهادهای ضد انقلابی نظیر «شورای کشاورزی» که لانه اربابان و

سرمایه‌داران ارضی است. تشکیل شوراهای واقعی کشاورزی با شرکت نمایندگان مستقیم

دهقانان زحمتکش و حضور نمایندگان مؤسسات دولتی و انقلابی مسئول این امور.

۷— دستگیری و محکمه مالکانی که در ماههای اخیر بقتل و جرح دهقانان پرداخته اند

و یا با ایجاد ناامنی و ناراضیتی در میان دهقانان و کشت نکردن زمین‌ها و ممانعت از کشت

دهقانان، جویی بسود ضد انقلاب ایجاد کرده اند.

۸— الغای کلیه قوانین ارتتعاعی و ضد دهقانی که قبل از تصمیم آبانمه شورای انقلاب

تصویب شده.

۹— پاکسازی کامل و قطعی در دستگاههایی که مأمور اجرای قوانین اصلاحات اراضی

خواهند بود، اعم از وزارت کشاورزی و کمیته‌ها و سپاه پاسداران و ژاندارمری و بانک‌ها.

پشتیبانی صادقانه و پرشور میلیونها دهقان ایرانی ویقه پیروزی در نبرد علیه بساط بزرگ مالکی و حامی آن امپریالیسم است. این پشتیبانی تنها در صورتی بدست خواهد آمد که برنامه سیاسی روش و درستی تنظیم گردد و تدبیر دقیق عملی بسود دهقانان اتخاذ شود. تنها در چنین صورتی است که میتوان فعالیت عناصری را که در لباس چپ نمائی و با پخش شعارهای افراطی و ماجراجویانه عملاً در خط ضد انقلاب قرار میگیرند و با بزرگ مالکان بهمکاری می‌پردازنند، بی تأثیر ساخت.

حزب توده ایران که خود سالیان متمادی است در راه حقوق حقه دهقانان زحمتکش و علیه منافع غارتگرانه بزرگ مالکان رزمنده است، بار دیگر اعلام میدارد که برای هرگونه همکاری و تبادل نظر سازنده و تدوین برنامه و تحقق این برنامه، بخاطر تحکیم و پیشبرد انقلاب بزرگ ایران آماده است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

۱۳۵۸/۱۰/۹

علیه تجاوز به دفتر «مردم» شدیداً اعتراض می‌کنیم

ساعت ۲ بعداز نیمه شب دوشنبه ۱۰ دی ماه، سه وسیله آتش زا به سوی دفتر «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران و محل دبیرخانه حزب - خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۱-پرتاب شد. یک بطری دارای مواد محترقه به دیوار اصابت کرد و زیانی به بار نیاورد. یکی دیگر روی بالکن مشتعل شد و سیم های تلفن را سوزانید. سومی پنجه اطاقی را شکست و روی میز کار افتاد و اسناد و کاغذها و یک دستگاه تلفن را طعمه حریق ساخت و به در و دیوار و سایر وسائل زیان هایی وارد نمود.

در این واقعه ما دست جنایتکار ساواکی ها را می بینیم که امروزه به لباسهای مختلف در آمده اند و با نامهای گوناگونی علیه نیروهای پیگیر ضد امپریالیست عمل می کنند. بنا به سابقه موجود، همدستی و همزرمانی برخی از گروههای ماآنستی، که آبروی نداشته خود را بر باد میبینند و از گسترش روز افزون نفوذ حزب توده ایران در میان زحمتکشان و پیروزی اندیشه های اصیل و راستین انقلابی سخت نگران شده و دچار خشم عاجز و دیوانه کننده ای گردیده اند، در چنین حوادث جنایتکارانه ای غیر محتمل یا عجیب نیست.

ما علیه اینگونه تشبیثات عناصر ضد انقلابی - چون هر که باشد و با هر اسم و بهانه ای به این عمل فاشیستی دست زده باشند، چیزی نیستند جز عناصر ضد انقلابی در خدمت امپریالیسم - بشدت اعتراض می کنیم. لازم به تذکر نیست که ما با اینگونه اعمال تجاوز کارانه، از مشی و سیاست اصولی خود دست برخواهیم داشت و در دام تحریک نخواهیم

افتاد.

ضد انقلاب — عمال امپریالیسم آمریکا و بقایای دارودسته پهلوی و همه دشمنان کف بر لب آورده حزب طبقه کارگر ایران — که بچینن اعمالی دست میزند، در واقع عجز خود را نشان می دهدن. اینان که ساعت ۲ بعد از نیمه شب بطری حریق زا پرتاپ می کنند، از ترس خشم و اعتراض خلق ضد امپریالیست وروشن بین ماست که چهره در تاریکی میپوشانند.

دوستان و دشمنان ما معلومند. ما طرفدار استقلال و آزادی و بهروزی مردم رحمتکش، طرفدار تحکیم و پیشبرد انقلاب، طرفدار خط امام و محتواي ضد امپریالیستی و خلقی آن هستیم. ما طرفدار اتحاد همه نیروهایی هستیم که صادقانه در این خط قرار دارند. کسی که با این اصول موافق داشته باشد، بسوی دبیرخانه حزب ماو دفتر «مردم» بطری حریق زا پرتاپ نمی کند. ما دشمن امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، وساواکی ها و بقایای دارو دسته شاه مخلوع و بزرگ مالکان و سرمایه داران وابسته هستیم. ما با کسانی که علیه انقلاب توپه می چینند و آب باسیاب امپریالیسم میریند، صرف نظر از نام و لباس و بهانه مخالفیم. تنها از دست چنین کسانی است که بطری های آتش زا میتواند بسوی دفتر «مردم» و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران پرتاپ شود.

با هشدار به همه مردم، که بیش از پیش مواطن نقشه ها و توطئه های دشمنان انقلاب باشند و در این لحظات حساس هشیاری انقلابی خود را حفظ کنند و هرگز دشمن اصلی را از نظر دور ندارند، ما از مقامات مسئول میطلبیم که به سهل انگاری ها پایان دهند و در حفظ امنیت مراکز سیاسی و مقر سازمانهای مختلف به وظایف خود عمل کنند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضوابطی در زمینه آزادی فعالیت احزاب و سازمانها و انجمن ها و غیره قید شده که اینک قدرت قانونی تام و تمام دارد. وظیفة ارگانهای مسئول و منجمله کمیته ها است که این ضوابط را اجرا کنند و احترام به قانون اساسی را پاسداری نمایند. بر این ارگانهاست که با جاییت، مسئولین حمله شبانه و تعرض با بطری آتش زا به مقر دبیرخانه حزب ما را شناسائی کنند، آنها را تحت پیگرد قرار دهند و به مجازات اعمال فاشیست مأیانه شان برسانند.

ما از ارگانهای صاحب مسئولیت، متعهد و انقلابی و از همه عناصر و سازمان های صدیق انقلابی و متفرقی انتظار داریم در این اعتراض و طلب، بانگ خود را هم صدا با ما بلند کنند. بی تردید تشبتات مذیوحانه ای از این دست، نه حزب ما را، که اینهمه سرد و گرم روزگار چشیده، از فعالیت در خدمت مردم و میهن باز خواهد داشت و آن را در دام تحریر یک خواهد انداخت و نه انقلاب بزرگ ما را از مشی اساسی خود، که وثیقه پیروزمندی اش اتحاد همه نیروهای خلقی و ضد امپریالیستی است، منحرف خواهد کرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸ ماه دی

از امام خمینی، رهبر انقلاب، واختط امام با تمام نیرو حمایت کنیم!

توطنه‌های مزورانه ضد انقلاب - امپریالیسم امریکا و بازماندگان
رژیم سرنگون شده پهلوی - را در نطفه خفه کنیم

ضد انقلاب در تلاش مذبوحانه و خشم عاجزانه خود دست به تحریکات
خطروناکی زده است. دیروز در قم چماق به دستان تعلیم دیده و آماده به میدان آمدند و با
چماق و چاقو مردم را هم ضرب، مغازه‌ها را ویران و رفت و آمد را مختل کردند. اگر هشدار
سریع و به موقع امام و دستور صریح حفظ آرامش نبود، این عمال ضد انقلابی، قم را به
 نقطه شروع توطنه‌ای خوبیار بدل می‌کردند. اغلب اینان نقاب بر صورت داشته‌اند، ولی در
همان موقع دستیارانشان، بدون نقاب، جانب دیگر توطنه را در تبریز سازمان می‌دادند و
شایع می‌کردند که گویا به خانه آیت الله شریعتمداری حمله شده، تا شاید اذهان ناآگاه
را منحرف کنند و تحریکی را که سه هفته قبل شروع کرده بودند ولی عقیم مانده بود،
باردیگر به سود امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی آن‌ها و همه سازشکارانی که با ادامه
انقلاب و با پیروی از خط امام مخالفند، به سرانجام برسانند.

امروز مردم ایران در همه جا پیاخاسته‌اند تا مشت محکم خود را بر فرق ضد انقلاب فرود
آورند و خوش پر خشم خود را علیه امپریالیسم آمریکا، این سازمان دهنده همه تحریکات و
مبسب همه آشتفگی‌ها و ریشه همه حادثه آفرینی‌ها، بلند کنند.
ضد انقلاب جرأت کرد. و این بار می‌خواسته به اقامتگاه شخص امام روی آورد و به رهبر
انقلاب اسائمه ادب کند.

ضد انقلاب این بار همه نیروهای سازشکار، همه روحانی نماها و مقدس نماها، همه مزدوران را بسیج کرده است.

یورش اولیه ضد انقلاب در قم با راهنمای امام و هشیاری مردم قم با شکست رو برو شد. ولی توطئه ابعاد گسترده دارد و بقول امام این بار و با این دشمن، کار مبارزه بسی دشوارتر از پیکار رودر و با محمد رضای خائن و ساواک و ارتش اوست. این بار هشیاری بیشتر و پیگیری بیشتر لازم است.

حزب توده ایران، در کنار تمام مردم انقلابی ایران، که زیر رهبری امام خمینی به نبرد سرنوشت سازی علیه امپریالیسم آمریکا برخاسته اند، در راه پیمایی های امروز و در کلیه تظاهرات و اقداماتی که برای فاش کردن چهره شوم و مژو رانه ضد انقلاب صورت میگیرد، فعالانه شرکت میکند.

حزب توده ایران حساسیت لحظه و مسئولیت فرد مردم ایران را در این موقع که میباشد نهادهای جمهوری اسلامی ایران ثبیت شود، خاطر نشان میسازد. ضد انقلاب به مهربه های نقاب دار و به سلاح های فریبنده ای متول شده است، تا در راه استقرار این نهادها و تحکیم دستاوردهای انقلاب و پیشرفت آن در خط امام خط ضد امپریالیستی و خلقی سدهایی ایجاد کند و آنرا یا به شکست و یا به بیرا هه بکشاند.

باید هشیار بود. این مبارزه دشوارتر از نبرد با پهلوی منحوس است. باید همه نیروها را بسیج کرد. وظیفه انقلابی ماست که قاطع تر و یکدل تر از همیشه به حمایت از امام خمینی رهبر انقلاب برخیزیم و به پیشبرد خط او باری رسانیم. باید توطئه مژو رانه و مقدس نمایانه ضد انقلاب را در نطفه از بین برد. این مبارزه باید متحد باشد، زیرا اتحاد ما ضامن پیروزی ماست.

«همه باهم در راه پشتیبانی از خط امام، در راه پیشبرد انقلاب!»

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۵ دی ۱۳۵۸

به مناسبت پیوستن گروهی از هواداران سابق سازمان چریک‌های فدایی خلق در بابل به حزب توده ایران

گروهی از هواداران سابق سازمان چریک‌های فدایی خلق در بابل به حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران - حزب توده ایران پیوسته‌اند. به این رفقای جدید عضو حزب صمیمانه تبریک می‌گوییم.

از این پس نور فعالیتهای پرچور و توان پرچورش این اعضای جدید حزب توده ایران، که از محک آزمایش‌های دشوار گذشته و در کوره نبردها، کینه‌ها، شکها و جستجو‌ها آبدیده شده‌اند، با رسیدن به سرچشمۀ اصلی خویش فروغی تازه می‌باید و با تابش حیات بخش خورشید مارکسیسم - لئینیسم، که راه حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور ما را روشن می‌کند، یکی می‌شود. از این پس کوشش و نبرد این رفقا، شجاعت و فداکاری این اعضای جدید حزب، با پیکار خلق‌های ایران بهم گره می‌خورد و بمراحله کیفی تازه‌ای ارتقاء می‌باید، زیرا سرمنشاء نیروی ما درپیوند با توده مردم و عمل انقلابی آنها و در تئوری علمی و راهگشایی ماست.

رقا! کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما اعضای جدید حزب تبریک می‌گوید، زیرا نیروی فعال شما دیگر سیلاپ تندی نخواهد بود که در شن زارها و شوره زارها هرز رود، بلکه درپیوند با خواستها و زندگی و مبارزۀ مردم جزئی از شط نیرومندی خواهد بود که - در این با آن سوی البرز - در سراسر میهن رفع کشیده ما جانهای عطشان را سیراب خواهد کرد و راه بسوی خورشید خواهد گشود. بشما تبریک می‌گوییم، زیرا شما در خود آن شهامت مدنی و شجاعت اخلاقی را یافته‌ید که در برخورد با واقعیات و در تجربه و مبارزۀ روزمرۀ خود، پس از قطع ریشه‌های نادرست اندیشه‌ای، بر تنگ نظریها و لجاجت‌ها و پیشداوریها و سرخوردگیها نیز غلبه کنید و راه حزب خودتان را بایدید.

بعلت شرایط و بیژن تکامل نهضت ملی و دمکراتیک ایران بطور اعم و جنبش مارکسیستی — لینینیستی بطور اخصر، بحق رفقاء جدیدیکه به عضویت حزب توده ایران درآمده اند، میگویند که پیمودن کوره راه های خطای رسانیدن به مشی درست حزب و گذار از کینه و نفرت تا نیل به عشق و ایثار، گوئی سرنوشت بسیاری از جوانان پرشور میهن ماست. نمونه خود این رفقا— و چون آنان بسیار— نشان میدهد که امید باین که گروههای روز افزونی از جوانان، قاطعانه، از کوره راههای تنگ و تاریک رهانی یابند و بسرچشمۀ خورشید برستند، امید عبّشی نیست. بر عکس این تحولی قانونمند است. صداقت و ایمان به مبارزه در راه استقلال و آزادی، در راه بهروزی خلق زحمتکش، در راه سوسیالیسم — این آینده تابناک بشریت — و اصولیت، خلاقیت و وفاداری نسبت به اندیشه های سترگ مارکسیسم — لینینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری، پیمودن این راه تکاملی را قانونمند میسازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران پیروزی های هر چه بیشتر گروه رفقاء را که در بابل باین راه، راه حزب، راه طبقه کارگر، راه خلق زحمتکش، راه میهن، راه همبستگی بین المللی کارگری پیوسته اند، در کار و پیکار آزومند است.

▪ گستره باد انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی، خلقی و دمکراتیک مردم ایران!
▪ برقرار باد وحدت مارکسیست— لینینیست های میهن ما!
▪ زنده باد حزب توده ایران، حزب طرازنوین طبقه کارگر ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ ماه ۲۰

به کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران

دoustan گرامی!

اعلامیه مورخ ۱۸ دیماه ۱۳۵۸ شما درباره حادثه حمله گروههای مسلح کومنلہ به یک واحد از نیروهای انتظامی در مهاباد ما را برآ آن داشت که طی این نامه برداشت خود را درباره آنچه که در لحظه کنونی در کردستان ایران میگذرد، با شما در میان بگذاریم.

پیش از هر چیز به اطلاعاتان میرسانیم که کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلامیه ۱۸ دیماه شما را با خوشودی استقبال کرد. این خوشودی از اینجهت است که کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران، طی این اعلامیه، برای اولین بار بطور علنی، نخستین گام را برای جدا کردن جبهه نیروهای انقلاب راستین خلق کرد از شخصیت‌ها و گروههای آشوبگر ضد ملی برداشته است، همان گروههایی که به تحریک و گردانندگی دشمنان خارجی و داخلی ایران، میکوشند حل مسالمت‌آمیز مسئله ملی را غیر ممکن سازند و آتش جنگ برادر کشی را در کردستان ایران بر افزو زند و از این راه انقلاب ایران و پویژه رهبری امام خمینی را تضعیف کنند و راه را برای تسلط مجدد نیروهای ضد انقلابی در میهن ما هموار سازند.

مدتها بود که کمیته مرکزی حزب توده ایران انتظار چنین اقدامی را از طرف رهبری حزب دموکرات کردستان ایران داشت، زیرا از حزبی که در آن مبارزان و فدادار به راه قهرمانان ملی خلق کردستان ایران و همه خلقهای ایران — قاضی محمد، صدر قاضی، سیف قاضی — گرد آمده‌اند، انتظار دیگری نمی‌رفت.

همانطور که بارها در دوران پس از انقلاب، در دیدارهای دوستانه بین رفقاء رهبری حزب توده ایران و دوستانی از رهبری حزب دموکرات کردستان ایران و در بیانیه‌های حزب توده ایران بمناسبت اوضاع و حوادث کردستان بروشنا بیان گردیده است، برداشت ما درباره

اوپرای کردستان ایران چنین است:

در کردستان ایران دو جریان سیاسی فعال است:

* اول - جریان سیاسی متکی به نیروهای راستین خلق کرد ایران، که در عین وفاداری کامل به انقلاب ضد امپریالیسی، دموکراتیک و خلقی سراسری ایران، خواستار آنند که در چارچوب پیروزی و پیشرفت این انقلاب، در چارچوب ثبیت، تحکیم و گسترش همه جانبه آن، به محرومیتهای ملی خلقهای غیر فارس در ایران، و از آنجمله خلق کرد ایران، پایان داده شود. این نیروها بخوبی درک میکنند که پایان یافتن محرومیتهای خلق کرد ایران تنها در صورت تأمین واقعی استقلال ملی سراسری ایران و رهائی از یوغ تسلط امپریالیستی، و در درجه اول امپریالیسم امریکا، امکان پذیر است.

* دوم - جریان سیاسی متکی به ضد انقلاب در کردستان. این جریان دارای ریشه‌های داخلی و خارجی است و از طرف سرسپرده‌گان و ابستگان به رژیم سرنگون شده خاندان پهلوی پشتیبانی می‌شود، به نیروهای خارجی دشمن انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم آمریکا و انگلیس، صهیونیسم و دولت بعضی عراق متکی است و از آنها نیرو می‌گیرد.

این جریان همه نیروهای ارتقایی کردستان ایران را در بر می‌گیرد و با چهره‌های ماسک دار زنگارنگ، بخشی در قیافه خانها و فُدوالها بخشی با قیافه مذهبی و بخشی با قیافه‌های چپ نما می‌کوشد خلق کرد را گمراه کند و بدنبال نقشه‌های شوم خود بکشاند. این جریان بدون تردید با جریانهای ضد انقلابی دیگر در سراسر ایران، و از آنجمله در دستگاه دولتی و سازمانهای ضد انقلابی در ارتباط مستقیم است و براساس نقشه مشترکی با آنان عمل می‌کند.

تأسف کمیته مرکزی حزب توده ایران و همه نیروهای انقلابی راستین ایران در این بود که در کردستان ایران تا همین هفته‌های اخیر خط فاصلی بین این دونه نمی‌شد. این وضع از دو طرف مورد سوء استفاده قرار می‌گرفت: از یکسو شوینیستهای فارس، که هیچگونه حق برای خلقهای غیر فارس در ایران قائل نیستند و در دستگاه دولتی و بویژه در ارش هنوز پستهای بسیار حساس را در دست دارند، همیشه کوشیده‌اند که از واقعیت نبودن مرز روشن بین نیروهای انقلابی و ضد انقلابی در کردستان بهره‌گیری کنند و تمامی خلق کردستان را در موضوع دشمنانه علیه انقلاب ایران وانمود کنند و با این بهانه، هرگونه کوششی را در جهت حل مسئله ملی و شناخت حقوق حقه خلق کردستان ایران باناکامی روبرو سازند و تنها راه حل آرزوئی خود را که سرکوب خونین خلق کرد است، بعنوان مبارزه قاطع علیه دشمنان انقلاب تحمیل نمایند.

از سوی دیگر دشمنان انقلاب ایران هم، که بدون تردید و متأسفانه هنوز در مقامات دولتی و رادیو و برخی مطبوعات مواضعی را در دست دارند، در عین اینکه از آنطرف می‌کوشند خلق کرد را به موضعگیری خصم‌مانه علیه انقلاب تحریک کنند، از اینطرف هم با فریاد: «کردستان انقلاب را بخطر انداخته است»، می‌کوشند هرچه زودتر و هرچه عمیقتر و آشتر

نایاب‌تر قدرت مرکزی دولت را علیه خلق کرد وارد عملیاتی خصمانه نمایند. آنها خوب میدانند که برا فروخته شدن جنگ برادر کشی و ریشه گرفتن دشمنی بین خلق‌های ایران، انقلاب را با دشواری‌های فراوان رو برو خواهد کرد، جبهه انقلاب را ناتوان خواهد ساخت و اجازه نخواهد داد که در جنگ زندگی و مرگ مردم ایران علیه توطئه‌های امپریالیستی، همه نیروهای خلق تجهیز شوند.

بدون تردید شعله ور شدن آتش جنگ برادر کشی در ماه شهر یور در کردستان ایران را باید بخشی از همین نقشه جهنمی دشمنان انقلاب ایران دانست. نباید اجازه داد که یک چنین توطئه‌ای دوباره امکان عملی شدن پیدا کند. در این راه، بویژه در لحظه کوتني که انقلاب میهن ما در رودرورئی با توطئه‌های خطرناک امپریالیسم آمریکا قرار گرفته است، وظيفة بسیار سنگین و پر مسئولیتی بعهده رهبری حزب دموکرات کردستان ایران است.

دوستان گرامی!

شما خوب میدانید که امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، که از پیروزی انقلاب در ایران ضربه جبران نایاب‌تری برپیکرش وارد آمده و از تعیق سمتگیری ضدامپریالیستی و خلقی انقلاب ایران در ماههای اخیر و تأثیر روزافزون آن در تمام کشورهای منطقه، که هنوز زیر سیطره امپریالیستها قرار دارند، سخت هراسان شده، تمام وسائل و امکانات خود را بکار اندخته است، تا انقلاب‌ما را با شکست رو برو سازد.

شما خوب میدانید که دولت بعضی عراق با ارسال اسلحه و پول در کردستان ایران شدیداً فعال است.

شما خوب میدانید که دولت بعضی عراق با ارسال اسلحه و پول و مهمات و آذوقه، از گروههای وابسته به خود و گروههای دیگر ضد انقلابی، از دارو و دسته شیخ عثمان و شیخ جلال و رزگاری‌ها گرفته تا کمله و دارو و دسته سرهنگ علیار با تمام قوا پشتیبانی میکند.

شما خوب میدانید که بین دولت بعضی عراق و گروههای ضد انقلابی کرد دیدارهای منظم برای تنظیم نقشه واحد در جهت دشمنی عملی با انقلاب ایران انجام میگیرد.

شما خوب میدانید که دولت بعضی عراق به نمایندگی جبهه مشترک دشمنان انقلاب ایران، یعنی آمریکا، اسرائیل، رژیم سادات و عربستان سعودی نه تنها در کردستان، بلکه در خوزستان و بلوچستان در پیش اسلحه و پول برای تجهیز نیروهای ضد انقلاب، فعالانه دست بکار است.

شما خوب میدانید که گروههایی از ارتشاریان ضد انقلابی در تهران و در واحدهای دیگر ارتش و همچنین از افسران آریامهری بازنشسته، با نیروهای وابسته به ضد انقلاب در کردستان رابطه برقرار کرده‌اند و با آنها اقدامات مشترک آشوب طلبانه‌ای را ترتیب میدهند.

شما خوب میدانید که گروههای سیاسی وابسته به ضد انقلاب، مانند «حزب جمهوری

خلق مسلمان»، پیروان شاپور بختیار در حزب ایران تا جبهه دموکراتیک ملی و گروههای مائوئیستی، با گروههای وابسته به ضد انقلاب در کردستان رابطه برقرار کرده‌اند و با آنان اقدامات مشترکی را علیه انقلاب سازمان میدهند.

انقلاب ایران از رهبری حزب دموکرات کردستان ایران، حزبی که بدون شک بخش چشمگیری از بهترین فرزندان انقلابی میهندوست خلق کرد در صفوش گرد آمده‌اند، میطلبید که بیدرنگ در کشیدن خط مشخص و بدون ابهام جدائی میان نیروهای میهندوست و ترقیخواه کرد و گروههای ضد انقلابی و خیانت پیش و وابسته به دشمنان انقلاب، به اقدام همه جانبه و عملی دست زند و از این راه کمک مؤثری به ثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب برساند.

دوسستان خلق کرد و انقلاب ایران از رهبری حزب دموکرات کردستان ایران انتظار دارند که هر چه سریعتر خود را از جبهه همکاری با کومله و شخصیتها و گروههای دیگر و وابسته به آن و همچنین گروههای حادثه‌جو و آنارشیست، که با جنگ و آشوب بازی میکنند، جدا کند و توطنه‌های ضدملی و ضد انقلابی آنانرا افشاء نماید و از اینراه امکان توفیق مذاکرات صلح را برپایه پیام تاریخی امام خمینی رهبر انقلاب ایران، و پیشنهادهای هیئت نمایندگی دولت و پیشنهادهای تکمیلی کمیته مرکزی حزب توده ایران بوجود آورد و صلح و سازندگی و حقوق حقه ملی را برای خلق کرد ایران تأمین کند.

دوسستان گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران امیدوار است که رهبری حزب دموکرات کردستان ایران با موضوعگیری قاطع خود یک گام تاریخی در جهت تحکیم جبهه متحد خلق، جبهه‌ای که همه نیروهای انقلابی راستین را در بر میگیرد، بردارد.
ما بشما اطمینان میدهیم که نیروهای توده‌ای در سراسر ایران در آینده هم مانند گذشته، پرچم مبارزه برای پایان دادن به محرومیتهای ملی را همبا با پرچم مبارزه برای استقلال ملی، آزادی و تغییرات بنیادی در نظام اجتماعی بسود زحمتکشان شهر و روستا برافراشته نگاه خواهد داشت.

ما امیدواریم که حزب دموکرات کردستان ایران با گامهای شجاعانه و انقلابی، جای شایسته خود را در مجموعه جنبش انقلابی ایران بدست آورد و نقش خلقی خود را در جهت ثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب ایران ثبتöt بررساند.

با درودهای برادرانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیراول: نورالدین کیانوری

۱۳۵۸ دی ۲۲

در باره انتخابات ریاست جمهوری

حزب توده ایران همه نیروهای راستین انقلاب را فرا میخواند:
انتخاب رئیس جمهوری را به محور اتحاد همه نیروهای خلق
برای تحقق خط امام خمینی مبدل سازیم

هموطنان!

امر برگریدن نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران به حق به صورت مهمترین مسئله سیاسی روز کشور درآمده است. با این انتخاب، نخستین گام با اهمیت در جهت ایجاد نخستین نهاد ناشی از قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی، با محتوای ضد امپریالیستی و خلقی اش، برداشته خواهد شد.

درست پنجمین علت است که امپریالیستهای جهانخوار و بویژه امپریالیسم آمریکا و همه دستیاران رنگارنگش در ایران، از سوا اکیها و برکنار شدن گان طاغوتی ارتضی گرفته تا دارو دسته «حزب جمهوری خلق مسلمان» و همه گروههای وابسته به امریکا و اسرائیل و پکن، با همه نیروهای تخریبی خود کوشیده و میکوشند که جریان انتخاب نخستین رئیس جمهور را بصورت هرج و هرج سیاسی در جامعه و تاخت و تاز اخلاقی کاندیداها علیه یکدیگر درآورند.

هم اکون اطلاعات موثقی در دست است که ضد انقلاب با صرف پول فراوان، چماقداران و آدمکشان و هروئین فروشان و فراریان زندانها را تجهیز میکنند تا با استفاده از تشتت آراء و تعدد زیاد کاندیداها، جریان انتخاب رئیس جمهور را در سراسر کشور به حادثه ای نظیر حادثه تبریز و قم مبدل سازد.

از اینرو حزب توده ایران همه نیروهای راستین انقلاب ایران را فرا میخواند که: همه باهم تمام تلاش خود را بکار بریم تا امر انتخاب رئیس جمهور را به محور اتحاد همه نیروهای خلق برای تحقق خط امام خمینی، خط راستین انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و

خلقی مردم ایران مبدل سازیم و با این اقدام انقلابی و میهن دوستانه، توطئه های خائنانه دشمنان انقلاب، نفاق افکنان و حادثه جویان را نقش برآب سازیم.

حزب توده ایران از همه کاندیداهای ریاست جمهوری، که خود را وفادار به خط امام اعلام کرده اند، میطلبید که برسی یک کاندیدا توافق کنند و نیروهای خود را برای انتخاب فردی که عمیقاً وفادار به خط امام باشد، متوجه شوند.

حزب توده ایران با ارزیابی دقیق از خصوصیات انسانی و کارنامه گذشته سیاسی و برنامه آینده کاندیداهای ریاست جمهوری، به این نتیجه رسیده است که از میان آنان، آقایان: دکتر حسن حبیبی، دکتر کاظم سامی، داریوش فروهر و دکتر محمد مکری دارای چنین خصوصیاتی هستند که بتوانند به تعهد تاریخی خود وفا کنند و خط امام خمینی، یعنی مشی اتحاد همه نیروهای راستین انقلاب، مشی اتحاد همه خلقهای سرزمین ایران، مشی دفاع بی چون و چرا از منافع ملی میهن، مشی مبارزه آشنا ناپذیر با امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، مشی احترام به حقوق مردم، مشی تغییرات بنیادی در نظام اجتماعی و اقتصادی به سود مستضعفین را، طبق مصوبات قانون اساسی و رهنمودهای رهبر انقلاب، پیاده کنند.

حزب توده ایران برآنست که تعدد کاندیداهایی که تقریباً برنامه و خصوصیات مشترک و یا نزدیکی باهم دارند، به پخش آراء انتخاب کنندگان منجر میشود و این خطر را بار می آورد که بجای همه آنها، کاندیدائی موفق شود، که به علت موضوع گیری های سیاسی و ویژگیهای انسانی خود، نتواند خواسته ای انقلاب ایران را در چارچوب خط امام خمینی تأمین کند.

از این رو، ضمن احترام به چهار کاندیدای نامبرده در بالا، بنام اتحاد همه نیروهای راستین انقلاب و خلق، از آنها میطلبیم که هرچه زودترین خود توافق کنند و کاندیدائی را که بیش از همه شانس موفقیت دارد، بعنوان کاندیدای مشترک، کاندیدای وحدت برگزینند.

پیشنهاد روشن ما اینست که برای نشان دادن متحده ترین پشتیبانی از خط امام خمینی، همه با هم آقای دکتر حسن حبیبی را، که مورد تأیید محافل وسیعی از روحانیون مبارز هوادار خط امام نیز قرار گرفته اند، مورد پشتیبانی قرار دهیم.

حزب توده ایران امیدوار است که همه نیروهای راستین انقلاب ایران، به این پیشنهاد جدی ترین و با مسئولیت ترین توجه خویش را مبذول دارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ ماه دی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، امپریالیسم آمریکا و متحدانش در کار توطنه اند. باید متحداً از دستاوردهای گرانبار انقلاب با تمام شور و شوق و هشیاری انقلابی حرast کنیم.

کشور مادر آستانه برگزاری دور و یاد مهم تاریخی است: انتخابات ریاست جمهوری، که باید نخستین رئیس جمهور تاریخ ایران از سوی مردم گزین شود و انتخابات مجلس شورای ملی، که باید نمایندگان نخستین مجلس بعد از انقلاب، مجلس مردمی و شورایی واقعی را با آراء آزاد گرد هم آورد و بدینسان اهرمهای اثربخش تثبیت و تداوم انقلاب بوجود آید.

اما این دور و یاد بر جسته، برای امپریالیسم آمریکا، متحدانش و کارگزارانش، که انقلاب ما را شکست خورده، کشورما را خوان یغما و مردم ما را برد و ذلیل میخواهند، واقعه‌ای مطلوب نیست. زایش و گسترش نهادهای انقلاب بمعنای زدودن آثار شوم امپریالیسم از حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و اتخاذ سیاست مستقل ملی در راستای حرکت جامعه بسوی مرزهای متعالی پیشرفت و ترقی اجتماعی است، امری که با ذات استعمارگر، تجاوز کار و چاول پیشه امپریالیسم دمساز نیست. از اینجهت امپریالیسم آمریکا، با یاری مدد کاران و کارگزاران داخلی و خارجی خود، میکوشد بر فراز میهن ما طوفان توطنه و آشوب و هرج و مرج را پرواژ دهد، انقلاب ایران را در آتش ستیز و نفاق تضییف کند، تا شاید موفق شود در فرصت مناسب ضربه کاری را برس آن فرو آورد.

در نا آرامی های کردستان، آذربایجان، سیستان، بلوچستان، گنبد، ترکمن صحرا و برخی دیگر از نقاط ایران، دست امپریالیسم جنایتکار آمریکا بوضوح دیده میشود، که با سوء استفاده رذیلانه از برخی خواستهای مشروع مردم، نیروها را در برابرهم قرار میدهد، بجان هم میاندازد، هیمه جنگ و برادرکشی برمی افزو زد، تا جادوگر پر در پناه دود و آتش آن رقصن مرگ، مرگ انقلاب ما را آغاز کند.

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، این تلاش نامیمون امپریالیسم آمریکا همه جانبه

تشدید شده است. آمریکا ایادی و کارگزاران خود را در همه جا به حرکت در آورده است. اویسی قصاب، در جمع ایرانیان فواری مقیم انگلستان، به آنان مژده داده است که ارباب آمریکائی برای حمله به انقلاب ایران چراغ سبز زده است. اویسی گفته است که در مرز ایران و عراق ده هزار مرد مسلح دارد و همه گونه کمک و سازو برگ وسیله عراق در اختیار آنان گذارده میشود. اویسی ادعا کرده است که افراد وفادار به نظام مدعوم آریامهری بیش از صد هزار نفرند، که در سراسر ایران آماده و منتظر دریافت فرمان برای حمله به انقلاب هستند. دولت بعضی عراق در اتحاد با امپریالیسم آمریکا و در دشمنی با انقلاب ایران، در سراسر مرزهای عراق و ایران و نیز از راه خلیج فارس و عمان سرگرم تحریک و توطئه است و میان گروههای ضد انقلابی پول و اسلحه پخش میکند، خرابکار میفرستد و بویژه در ادامه نا آرامی های منطقه کردستان شرکت فعال دارد.

امپریالیسم آمریکا بحرانی را که در مناسبات ایران و آمریکا بحق پدید آمده، بهانه تمرکز نیروهای خود در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند قرار داده است. ناوگان ششم و هفتم آمریکا در اقیانوس هند و در مجاورت مستقیم آبهای ساحلی ایران در رفت و آمدند. امپریالیسم آمریکا با همدستی امپریالیسم فرتوت انگلیس طرح مداخله نظامی میریزد تا هم ستون پنجم خود، ضد انقلاب داخلی را قوت قلب بخشد و هم در صورت لزوم به کمک آن بستا بد.

از قول برخی محافل آمریکایی گفته شده است که آمریکا نخواهد گذارد انتخابات ریاست جمهوری در ایران سرگیرد. جدیدترین توطئه امپریالیسم علیه انقلاب، توطئه در پادگان تبریز است که در ارتباط با بختیار فرمایه، سرمایه داران وابسته، ساواکها و عناصر چپ نما، زیر پرچم «حزب خلق مسلمان» انجام شد و برخی از شرکت کنندگان در این توطئه خائنانه هم اکنون به دادگاه تسلیم شده اند. هم اکنون ساواکی های سابق از سراسر کشور بسوی مناطق آشوب زده کردستان و آذربایجان در حرکت اند، تا با چوبیدست ارباب، حرکتهای ضد انقلابی خود را آغاز کنند.

امپریالیسم سفاک و حیله گر آمریکا به موازات تدارکات نظامی و نقل و انتقال مشکوک عوامل داخلی خود، میخواهد برای جلوگیری از موقوفیت انتخابات ریاست جمهوری، در سراسر کشور و در همه سطوح اغتشاش و آشوب بیافریند. پادوهای مخالف خوان و تفرقه انداز آن در وزارت خانه ها و ادارات، عناصر ناراضی را زیر شعارهای بظاهر مترقی به تحصین و کم کاری تشویق میکنند. در کارخانه ها در تلاشند تا کارگران را به اعتضاب و تحصین وادراند و تولید را مختل سازند. ایادی خود را برای کشاندن مدارس و دانشگاهها به تعطیل و ترغیب کودکان و نوجوانان به راهپیمایی و اعتضاب برگماشته اند. در روستاهای فُؤدال ها و عمال آنانرا برای ایجاد بلوا و آشوب و تخریب کشت دهقانان مؤمور ساخته اند. از زمینه های ناراضیتی سایر اشاره و گروهها، که از پیش شوم نظام گذشته است، سوء استفاده کرده میخواهند آنانرا در آستانه انتخابات به راهپیمایی و تحصین و اعتضاب وادراند. ایادی امپریالیسم با بهره برداری از برخی ناراضی ها،

افسون بی باوری به انقلاب در مردم میدمند و آتش ستیز و تفرقه را دامن میزنند. در جریان انتخابات ریاست جمهوری قصد دارند در حوزه‌های رأی گیری، به بهانه دفاع از کاندیدای مورد اعتماد خود، ایجاد بلو و آشوب کنند و مردم را بجان هم بیندازند. دریک کلام تُوطه امپریالیسم آمریکا همه جانبه و خدی است و باید در برابر آن هشیار و بیدار بود.

متاسفانه در چنین شرایطی که امپریالیسم متجاوز آمریکا انقلاب ما را در محاصره توطه‌های رنگارنگ خود قرار داده است، دستهای در کارند که با بزرگ کردن مسئله افغانستان، ایجاد جار و جنحال و اتخاذ موضع خصمانه نسبت به جمهوری دمکراتیک افغانستان، اذهان عمومی را از خطری که از سوی امپریالیسم آمریکا متوجه انقلاب و استقلال و آزادی کشور ماست، منحرف سازند. این دستهای پنهان و آشکار در تلاش آنند که افکار عمومی را از توجه به دشمن عمدۀ، که به گفتۀ امام خمینی، امپریالیسم آمریکاست، باز دارند و اتحاد شوروی، دوست صادق خلقها را به جای آن بنشانند. از تبریز تا مکزیکو خبر جعل می‌کنند، این اخبار دروغ را شب و روز بخورد مردم میدهند، براساس آن موضع گیری میکنند و دست به عمل میزنند، برنامه‌های رادیوتلویزیون را به پخش این اخبار جعلی، که مصنوع خبرگزاریهای امپریالیستی است، تخصیص می‌دهند، صفحات روزنامه‌ها را با این اکاذیب سیاه میکنند و در این دود و دم فریب آلد، مانع از آن میشوند که مردم آماج اصلی مبارزه را به روشنی ببینند و گلوله‌های خود را بسوی آن پرواز دهند.

حزب توده ایران بنا به وظیفه خطیری که در حرast از انقلاب برای خود میشاند، به مسئلان امر، به همه عناصر ملی و مترقبی و به همه اقتدار و طبقات مردم هشدار میدهد و از آنان میخواهد که در برابر فریب و ترفند امپریالیسم آمریکا و عمالش بغايت هشیار باشند و به ضد انقلاب فرصل عمل ندهند.

دولت و همه نهادهای انقلاب وظیفه دارند که در این روزها سرآپا چشم و گوش باشند و تمام نیروی خود را برای جلوگیری از توطه‌های امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی بسیج کنند. بویژه باید متوجه هرحرکت مشکوک و هرجاچهای عوامل ضد انقلاب بود.

حزب توده ایران از طبقه کارگر، این طبقه زحمتکش و تا پایان انقلابی، میخواهد که به ضد انقلاب امکان برانگیختن اعتصابها، تحصن‌ها و کم کاریها را در این روزهای حساس ندهد، لانه‌های تحریک و توطه را در میان کارگران و یران کند و همه شعور و آگاهی انقلابی و بازوی سازندگی خویش را مانند همیشه در خدمت انقلاب و پاسداری از آن قرار دهد.

حزب توده ایران از دهقانان، این قشر زحمتکش محروم، طلب میکند که امکان هرگونه درگیری و آشوب را از قمودال‌ها و عمالشان سلب کنند و هر کجا که برخورد و هرج و مرج جرقه زد، آنرا بسرعت خاموش سازند.

حزب توده ایران از دانشجویان، دانش آموزان، کارمندان و سایر اقتار و گروههای زحمتکش میخواهد که حداعلای هشیاری انقلابی را در برابر تحریکات دشمن از خودنشان

دهند، نه خود دانه دام ضد انقلاب شوند و نه به آن فرصت ایجاد آشوب و اغتشاش دهند.
حزب توده ایران از همه اعضاء و هواداران خود میخواهد که در آستانه انتخابات ریاست
جمهوری و درجریان آن تمام آگاهی و هشیاری انقلابی خود را بکار گیرند، تا دست ضد انقلاب
را از حمله به انقلاب بازدارند. اعضاء و هواداران حزب توده ایران در هر کجا که هستند باید
بمثابة وجود این بیدار خلق خود، در برابر تمام خطرات و توطئه‌های احتمالی هشیار باشند و بیاری
مردم آنرا در نطفه سرکوب کنند. باید متحدا از دستاوردهای ارزنده انقلاب چون مردمک چشم
پاسداری کنیم و تمام شور و شوق و هوشمندی انقلابی خود را وثیقه حفظ انقلاب از دستبرد
دشمن قرار دهیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ ۲ بهمن

به امام خمینی

رهبر عالیقدر انقلاب، امام خمینی

خبر بیماری و انتقال شما به بیمارستان برای همه اعضای حزب توده ایران و هواداران آن خبری سخت تکان دهنده و بسیار دردناک بود. نقش قاطع شما در رهبری انقلاب بزرگ مردم ایران و تداوم آن در جهت ضد امپریالیستی و خلقی، آن چنان سرنوشت ساز و عظیم است که هیچ انقلابی راستینی نمی‌توانست جز با نهایت نگرانی چنان خبری را در یافت کند.

نخستین سخن شما در پیام تاریخی روز ۴ بهمن ماه از بیمارستان قلب که گفتید:

«حال خودم الحمد لله بد نیست» و سپس اطمینان هائی که حضرت حجۃ الاسلام حاج سید احمد خمینی و پزشکان معالج داده اند، برای همه ما مایه بسی خرسندي است. همه ما از صمیم قلب آرزومندیم که سلامت کامل خود را هر چه زودتر باز یابید و نقش برجسته خویش را در رهبری امور کشور و پیش برد انتقلاب ما کما کان ایفا کنید و با همان روشن بینی ژرف و سیاست صائب و قاطعیت پولادینی که وجه مشخصه رهبری شماست، انقلاب ایران را در جهت غلبه بر انواع خطرات و مهلهکه هایی که آن را احاطه کرده، غلبه بر دسایس زنگارنگ ضد انقلاب— امپریالیسم آمریکا و عمالش— هدایت نماید. انقلاب ایران و کلیه مردم زحمتکش ایران به وجود شما، به رهبری قاطع و بی‌تزلزل شما، به خط امام خود، نیاز حیاتی دارند. صادقانه امیدواریم که سالهای سال موهبت سلامت و فعالیت پرثمر شما ارزانی انقلاب و مردم ایران باشد.

با تقدیم درودهای صادقانه و آرزوی صمیمانه تندرستی
کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
دبیراول: نورالدین کیانوری

به مناسبت کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی در پاکستان

روز هفتم بهمن ماه کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی در اسلام آباد پایتخت پاکستان کار خود را آغاز کرد.

سرانجام امپریالیسم آمریکا موفق شد با کمک رژیمهای سر سپرده خود مانند سلطان قابوس پادشاه عمان، ژنرال ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان، ملک حسن پادشاه مراکش و سران کشورهای تونس، عربستان سعودی و دیگران به توطئة خود علیه انقلاب افغانستان و به منظور انحراف توجه از تدارکات گسترده نظامی و تهیه مقدمات مداخله مسلحانه خود علیه انقلاب ایران تحقق بخشد.

امپریالیسم آمریکا که موفق نشد با همکاری چین و پاکستان و بسیج نیروهای ضد انقلابی افغانستان و عمال جاسوس خود در درون آن کشور، رژیم دمکراتیک افغانستان را سرنگون سازد و رژیم دست نشانده‌ای از نوع رژیم فاشیستی پیشوشه در شیلی بر مردم افغانستان تحملی کند و کشور افغانستان را بجای ایران به پایگاه نظامی خود هم علیه شوروی و هم علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل کند، ماشین عظیم تبلیغاتی و کار گزاران خود را به کار آنداخت تا با نیزه‌گری دیگری این شکست را جبران کند.

کمک نظامی اتحاد شوروی، که به تقاضای دولت قانونی جمهوری دمکراتیک افغانستان و بموجب پیمان دولتی میان دو کشور و مطابق با منشور سازمان ملل متحد انجام گرفت، عامل موثری در شکست نقشه‌های امپریالیسم آمریکا در جمهوری دمکراتیک افغانستان بود و به همین علت نیزه‌گرهای سیاسی و تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا که کنفرانس کشورهای اسلامی در پاکستان حلقه‌ای از این زنجیر است – علیه اتحاد شوروی، افغانستان و ایران طرح ریزی شد و بمورد اجرا در آمد.

امپریالیسم آمریکا با فراخوانی کنفرانس کشورهای اسلامی بدست رژیمهای سرسپرده خود در منطقه و جهان اسلام، چند هدف را در برابر خود قرار داد:

- ۱- در سایه قراردادن تدارکات جنگی و تمرکز نیروهای عظیم در یابی و هوایی خود در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند به منظور مداخله مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران و گسترش حضور نظامی خود در این منطقه، که با اعزام واحدهای چتر باز نیروی صد و ده هزار نفری واکنش سریع در این منطقه انجام گرفت،
- ۲- دامن زدن به هیستری ضد کمونیستی و ضد شوروی در جهان و در میان کشورهای اسلامی و کشاندن این کشورها به استراتژی رو یارویی با اتحاد شوروی،
- ۳- سازمان دادن ضد انقلاب در خارج علیه افغانستان،

۴- و سرانجام مخلوط کردن مواضع انقلابی و ارتجاعی، مواضع دفاع از استقلال و آزادی با مواضع واپستگی رژیمهای در جهان اسلام با پوشش صرفاً اسلامی، بدون توجه به محتواهی ضد امپریالیستی و یا ارتجاعی رژیمهایی که در این کشورها حاکمیت دارند.

حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی در کشور بود که از نخستین روزهای آغاز این توطئه بزرگ امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست نشانده آن در منطقه، ماهیت این توطئه را شناخت و آنرا افشا کرد.

حزب توده ایران فراخوانی به تشکیل کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی را بدرستی بمثابه حلقه‌ای از این توطئه ارزیابی کرد و بموضع از افتادن در چنین دامی هشدار داد. با کمال تأسیف شورای انقلاب و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به این هشدار توجهی نکردند و هیأت نماینده‌گی ایران در این کنفرانس شرکت کرد.

ولی خوشبختانه حزب توده ایران در اعتراض خود تنها نماند. شرکت در این کنفرانس با واکنش وسیع و منفی و اعتراض گسترده و بحق افکار عمومی و بسیاری از سازمانها و گروهها و روزنامه‌ها رو برو گردید. از جمله:

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام طی اعلامیه اعتراض آمیز خود در مورد شرکت نماینده جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس خاطر نشان کردند:

«شرکت ایران در این کنفرانس آمریکایی، ندانسته پا نهادن در توطئه‌ها و طرحهای سلسله‌وار و زنجیره‌ای آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران بمنظور جلوگیری از انفجار و انقلابهای متعاقب آن در منطقه است.»

طلب حوزه علمیه قم در نامه اعتراضی خود نوشتند: «در اجرای این توطئه، هدف آن است که با کمک کشورهای ارتجاعی باصطلاح مسلمان، اذهان مسلمانان و مستضعفین جهان از شناخت اسلام اصیل و توجه به ایران منحرف شود، نیروهای آنان را بر ضد کمونیسم برانگیخته نگذارند، ملتهای مسلمان از زیر سلطه سرمایه‌داری مادی و ملحد غرب رها گردند و در نتیجه انقلاب اسلامی ایران را متزوی نمایند. آمریکا با نوکرانش در صدد است در کشورهای مسلمان،

اسلام آمریکائی رواج یابد...»

سپاه پاسداران قم در اعلامیه خود به نشانه اعتراض علیه شرکت ایران در کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی خاطر نشان کردند:

«با توجه به اینکه آمریکا در کلیه جهه‌ها بر ضد انقلاب رهائی بخش اسلامی شکست خورده، در صدد است به بهانه مقابله با شوروی، اسلام اصیل را به کمک کشورهای ارجاعی به اصطلاح مسلمان به رنگ آمریکائی درآورد.»

«مجاهدین انقلاب اسلامی» طی نامه سرگشاده‌ای به وزیر امور خارجه، این کنفرانس را «کنفرانس خطرناکترین دشمنان اسلام» خواندند و نوشتند:

«...حضور ما در آن بمثابه پذیرش نمایندگی نوکران نامبرده از طرف مردم کشورهای مسلمان تلقی خواهد شد. نشستن برسر میز مذاکره با دشمنان اسلام سبب خواهد شد که انقلاب اسلامی ایران بزرگترین حامیان خود یعنی همان مردم مستضعف و تحت ستم منطقه و مسلمان را از دست بدهد.»

جبهه مستضعفین جهان طی بیانیه‌ای شرکت نماینده ایران را در این کنفرانس محکوم کرد و متذکر شد که این کنفرانس به ابتکار شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار و مأوثیت‌های چین «تشکیل شده» و کشورهای ارجاعی، ضد مردمی و ضد اسلامی مانند عربستان، عراق، اردن، هرکشن، سودان و عمان در آن شرکت کرده‌اند و کشوری چون پاکستان که دارای حکومت دیکتاتوری ژنرالی (انگلیسی، آمریکائی و چینی) چون ضیاء الحق است، محل تشکیل کنفرانس انتخاب شده است.

انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه ملی طی اطلاعیه‌ای «شرکت هئیت نمایندگی ایران را در این کنفرانس بظاهر اسلامی و باقع ارجاعی آمریکائی محکوم کرده و آن را بمثابه لگد کوب کردن علی دستاوردهای انقلاب خلقطان و اولین قدم سازش با امپریالیسم» دانسته است.

روزنامه‌های معتبری مانند جمهوری اسلامی، آزادگان و کیهان نیز این کنفرانس آمریکائی را محکوم کردند و شرکت ایران را در آن نادرست شمردند. راه پیمایی امروز دانشجویان مسلمان بعد از «انجمن اسلامی دانشگاه تهران» بعنوان اعتراض علیه این کنفرانس و شرکت ایران در آن نیز انعکاسی از گسترش اعتراض عمومی در این زمینه است.

بدینسان افکار عمومی مردم، احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی و روزنامه‌ها، با عقاید گوناگون سیاسی و مسلکی ماهیت کنفرانس پاکستان را به عنوان یک توطنۀ آمریکائی به درستی شناخته‌اند و به عنوان نقشه آمریکائی بر ضد جنبش‌های انقلابی منطقه— و قبل از همه و بیش از همه بر ضد انقلاب ایران— محکوم کرده‌اند. و این درست برخلاف ادعای وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران است که شرکت در این کنفرانس را «در جهت اجرا و حفظ

استقلال ایران» دانسته است.

شایان ذکر است که وزیر امور خارجه، که در آغاز می خواست در کنفرانسی شرکت کند که تنها دستورش «محکوم کردن اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان» بود، وقتی زیر فشار افکار عمومی قرار گرفت، مدعی شد که ایران با شرکت خود، مسئله توپه های آمریکا علیه ایران را نیز در دستور کنفرانس قرار خواهد داد. ولی وزیر امور خارجه در این کار خود هم ناکام ماند وجز اینهم انتظاری نمیرفت، زیرا این کنفرانس آمریکائی نمیتواند ماده دستوری را پذیرد که در آن آمریکا مطرح گردد. این کنفرانس میباید نقشه آمریکا را اجرا کند و لاغیر.

آیا وزیر امور خارجه این را از پیش نمیدانست؟! در هر حال دانستن و ندانستن هدف این کنفرانس— و با آگاهی یا نا آگاهی در چنین کنفرانسی شرکت کردن— هردو برای وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گناه است، گناهی نابخشنودنی، زیرا دولت انقلابی ما را— چنانکه همه اعتراض کنندگان بدروستی خاطرنشان ساخته اند— در دام یک توپه آمریکائی انداخته، در کنار رژیمهای سرسپرده آمریکا نشانده و ابزار اجرای نقشه آمریکائی کرده است. از اینجاست که حزب توده ایران هم این کنفرانس آمریکائی و هم شرکت ایران را در این توپه آمریکائی بشدت محکوم میکند و این اقدام را عملی مغایر با منافع انقلاب ایران و مباین با مواضع اصولی و قاطع رهبر انقلاب، امام خمینی، در مبارزه بر ضد امپریالیسم آمریکا تلقی میکند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ آ

به مناسبت رویداد گزینش نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران

گزینش نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران بدون تردید یکی از برجسته‌ترین رویدادهای سراسر تاریخ میهن ماست. مبارزه مردم کشور ما برای برانداختن نظام پوسیده و فاسد سلطنتی و بی ریزی نظام جمهوری، سابقه‌ای دراز دارد. مردم این مرز و بوم در طول تاریخ خود بارها و بارها علیه سلاطین جبار پا خاستند. این مبارزه بارها بخون کشیده شد و اگر هم پیروزی به دست آمد، تنها به تعویض یک سلطان جبار بوسیله سلطان جبار دیگری منتهی گردید. اساس سلطنت باقی ماند و با آن استبداد سلطنتی دوباره راه خود را باز کرد.

در جریان و پس از پایان جنگ جهانی اول، مبارزات خلق‌های ایرانی برای استقلال و آزادی، که با انقلاب مشروطیت آغاز شده بود، تحت تأثیر تضادهای درون جامعه ایران و بویژه تحت تأثیر دگرگونیهای عظیمی که با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و فوریزی نظام امپراطوری تزارها در روسیه پیدا شده بود، اوج بیسابقه‌ای یافت. در این دوران است ستم پیشۀ امپراطوری تزارها در روسیه پیدا شده بود، اوج بیسابقه‌ای یافت. در این دوران است که مسئله جمهوری برای اولین بار از طرف انقلابیون ایران در آذربایجان و گیلان در کشور ما مطرح گردید و دامنه چشمگیری پیدا کرد. کوتای ننگین انگلیسی رضاخان و سید ضیاء الدین این موج را سرکوب کرد. سلسله پهلوی نظام فرتوت و منفور استبداد سلطنتی را بار دیگر حفظ و تحکیم نمود.

پس از شهریور ۱۳۲۰، حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی است که مسئله برانداختن رژیم سلطنتی و برقراری جمهوری را در برنامه خود قرار داد و برای مدت طولانی به تنهایی در این میدان نبرد کرد.

جنایت‌های خاندان پهلوی در سالهای اخیر با سرعت بی‌سابقه‌ای مردم را به لزوم تغییر بنیادی در نظام اجتماعی معتقد ساخت. موضوعگیری قاطع و آشی ناپذیر امام خمینی، رهبر

انقلاب ایران، در تبدیل این گرایش به خواست عمومی خلق، نقش تاریخی و تعیین کننده‌ای ایفا کرد. رژیم پوشیده و فاسد خاندان پهلوی و با آن نظام استبداد سلطنتی، براثر انقلاب خلقهای ایران سرنگون گردید و پایه‌های جمهوری نوینیاد ایران، جمهوری اسلامی ایران، پی ریزی شد. با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و انتخاب نخستین رئیس جمهور گامهای مهم تازه‌ای برای ثبت و رشد این «نوزاد» انقلاب ایران برداشته شد. انتخاب نخستین رئیس جمهور صرف نظر از هر گونه نتیجه گیری در باره آن، پیروزی بزرگ انقلاب ایران بشار میرود. حزب توده ایران این پیروزی بزرگ را به همه مردم ایران از صمیم قلب شادباش می‌گوید.

علاوه بر این، براثر هشیاری انقلابی مردم و ارگانهای انقلاب، انتخابات ریاست جمهوری به آرامی گذشت و توطئه ضد انقلاب برای متشنج ساختن و برهم زدن انتخابات ریاست جمهوری عقیم ماند. این واقعیت نیز موقوفیت بزرگی است که امام هم برآن تأکید کرده‌اند.

در باره نتیجه انتخابات انجام شده باید یادآور شویم با آنکه مقام رئیس جمهور، طبق قانون اساسی، از اختیارات زیادی برخوردار نیست، معاذلک هیتواند تأثیر مثبت یا منفی در روند ثبت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران داشته باشد.

در همین دوران کوتاه پس از پایان رأی گیری، شاهد ارز یابیهای گوناگونی در باره نتیجه عملی این انتخابات و اثراتی که این نتیجه می‌تواند در سرنوشت آینده انقلاب ایران داشته باشد، هستیم. بویژه مخالف امپریالیستی دشمن انقلاب ایران می‌کوشند، در جهت تأمین منافع خود، به این نتیجه پرها دهند و اظهار امیدواری کنند که با این نتیجه گیری، دوران تشدید مبارزات بی‌گیر و آشنا ناپذیر مردم ایران در راه ریشه کن ساختن همه گونه تسلط امپریالیستی و اظهارات آقای بنی صدر هم بین خوش بینی های دشمنان ملت، خوراک مناسب داده است.

ما می‌کوشیم جریان این رویداد مهم و نتیجه آنرا مورد بررسی قرار دهیم:

۱- شرکت مردم در انتخابات

علیرغم سروصدای تبلیغاتی روزهای انتخابات، نتیجه انتخابات نشان میدهد که شرکت مردم در انتخابات نخستین رئیس جمهور بسی محدودتر از شرکت آنان در همه پرسی برای تأیید جمهوری اسلامی، و حتی در انتخابات برای مجلس خبرگان و یا در همه پرسی برای تصویب قانون اساسی بوده است. این محدودیت بویژه بین دلیل چشمگیر می‌شود، که توجه کنیم بخش قابل توجهی از نیروهایی که رأی گیریهای گذشته را عملی تحریم کرده بودند، در این انتخابات با فعالیت بسیارهای شرکت جستند.

همه میدانیم که تمام وابستگان به ضد نقلاب، همه وابستگان به بورژوازی لیبرال که انتخابات گذشته را تحریم می‌کردند، این بار بطور جمعی و فعال در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند و به کاندیدای مورد نظر خود رأی دادند. با فرض اینکه لااقل نیمی از آراء در یادار

مدنی متعلق به این نیروهاست، به این نتیجه میرسیم که تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری بیش از ۳ میلیون نفر نسبت به تأثید کنندگان قانون اساسی کاهش یافته است. با کمال تأسف باید پذیرفت که این کاهش از آن شهادت میدهد که قشر چشمگیری از زحمتکشان یدی اقدام برای تغییرات بنیادی بسودشان را با تردید می‌نگرند.

۲- تمرکز آرا اکثریت برای آقای بنی صدر

خود آقای بنی صدر میکوشد این تمرکز آرا را به «شخصیت استثنائی» خویش مرتبط سازد. ولی بنظر ما این ارزیابی درست نیست. بنظر ما، عاملی را که موجب این تمرکز آراء شده، باید بشرح زیر مورد توجه قرار داد.

الف- آقایان بنی صدر و مدنی دو کاندیدایی بودند که تقریباً از همان آغاز دوران پس از پیروزی انقلاب، خود را برای احراز مقام ریاست جمهوری نامزد کردند و تمام فعالیت سیاسی خود را ببروی این محور و در این جهت متعرکز ساختند.

ب- آقای بنی صدر، تا پس از برکناری دولت بازرگان، از پذیرش هرگونه مشولیت در امور اجرائی استنکاف کرد و با بهره‌گیری از امکانات استثنائی و انحصاری، یعنی استفاده از رادیو و تلویزیون، از روزنامه «انقلاب اسلامی»، از سخنرانی در چهارگوشه کشور، از عضویت پر اعتبار در شورای انقلاب، تها بتأثیع برای خویش و به انتقاد از نقاط ضعف سیاست دولت بازرگان پرداخت. باین ترتیب، در بخشی از افکار عمومی، همه انتقادهای بجا به کمبودهای عینی دوران حکومت دولت بازرگان و ضعفهای چشمگیر در سیاست آن دولت، بعنوان یک اندوخته سیاسی «مجازی» بحساب آقای بنی صدر گذاشته شد. در دوران کوتاه قبول مشولیت هم، آقای بنی صدر توانست با دادن امتیازات چشمگیر مالیاتی به سرمایه‌داران و بدھکاران به باشکوه، بحساب درآمد دولت، یعنی بذل و بخشش از بیت‌المال، قشر وسیعی را راضی کند و به بذل و بخشش‌های بیشتری امیدوار سازد. مسلم است که زیانهای این سیاست نادرست بی‌حساب را متأسفانه مردم ایران در آینده باید پردازند.

بهمه اینها این واقعیت هم باید افزوید شود که ناخرسنی بخش مهمی از رأی دهنده‌گان از برخی زیاده رویهای ناصواب راست‌گرا و افراطی مذهبی و همچنین خرابکاریهای عوامل دشمن، که در نهادهای انقلابی مانند کمیته‌ها، سپاه پاسداران و دادگاههای انقلاب رسخ کرده بودند، نیز بصورت «ذخیره معنوی» مجازی بحساب آقای بنی صدر بیان شد.

ج- در آغاز دوران مبارزه انتخاباتی برای ریاست جمهوری، حزب جمهوری اسلامی که می‌توانست نقش مهمی در انتخابات بازی کند، دچار اشتباه از جهت اتخاذ یک روش پیگیر برای ادامه راه انقلاب گردید. رشد اختلافات ناشی از این وضع و عوامل ذهنی ناشی از خود گرایی برخی از رهبران حزب، این حزب را دچار یک بحران داخلی کرد که در نتیجه نتوانست کاندیدای مناسبی، که بتواند در میدان مبارزات انتخاباتی اعتماد توده رأی دهنده‌گان را

جلب کند، معرفی نماید. پس از شکستی که براثر پاreshari روی نامزدی فرد ناشناخته‌ای مانند جلال‌الدین فارسی، نصیب این حزب شد، این حزب دیگر نتوانست در این میدان قدراست کند. اعمال فشار اکثریت رهبری حزب جمهوری اسلامی در زمینه تحمیل یک کاندیدای نامناسب سبب بروز اختلاف شدید در میان رهبری و اعضاء و هواداران آن حزب گردید و در نتیجه ابتکار عمل این حزب عملاً از بین رفت.

د- برای نیروهای چپ‌رو، بدنبال اشتباہ قبلی (که با تحریم تصویب قانون اساسی مرتکب شده بودند) وضعی پیش آمد که نتوانستند کاندیدای مستقلی را در میدان مبارزه وارد کنند و تا آخر نگاه دارند.

ه- نیروهای پی‌گیر پیرو «خط امام خمینی» خیلی دیردست بکار شدند و در حقیقت پس از شکست جلال‌الدین فارسی، بطور متفرق و سازمان نیافه و با تزلزل برای معرفی کاندیدای خود، یعنی آقای دکتر حسن حبیبی، وارد میدان مبارزه شدند. برنامه آقای حبیبی تنها دوروز پیش از انتخابات در تهران منتشر شد و ظاهراً حتی در بزرگترین شهرها هم امکان انتشار نیافت.

و- به این ترتیب در واقع در برابر اکثریت رأی‌دهندگان عملآئی تنها دو سیمای شناخته شده به عنوان کاندیدا قرار گرفتند، یعنی آقایان بنی صدر و مدنی و در این ارتباط، دو عامل مهم زیر هم بسود آقای بنی صدر تأثیر کرد: عامل اول اینکه در جریان مبارزات انتخاباتی معلوم شد که نیروهای غیرخلقی جامعه از ضد انقلاب گرفته تا بورژوازی لیبرال و بویژه عده‌ای افسران رانده شده و بازماندگان رژیم سرنگون شده در ارتش و ژاندارمری و پلیس همه نیروهای مادی و انسانی خود را برای پیروزی آقای در یادار مدنی بکار اندخته‌اند. این عامل همه نیروهای معتقد به انقلاب، ایران را بهاراً انداخت. آنها امکان پیروزی در یادار مدنی را مانند زنگ خطری برای انقلاب به حساب گذاشتند.

عامل دوم، که از مؤثرترین عوامل برای تمرکز آراء بسود آقای بنی صدر است، پیام شورانگیز امام خمینی از بستر بیماری بود. براین یا به که مقام ریاست جمهوری «چیز مهمی نیست که بر سر آن نزاع کنند» و برای نشان دادن وحدت به دشمنان انقلاب ایران، امام همه را فراخواند که از تقسیم آراء احتراز ورزند، و در جهت تمرکز همه آراء به سود کاندیدائی که زینه بیشتری دارد، عمل نمایند.

پیانیه ۵ کاندیدای ریاست جمهوری، بدنبال پیام امام، و اینکه اتفاقاً نام آقای بنی صدر (بعثت حروف الفباء) در صدر امضا کنندگان قرار داشت، اثر این پیام امام را تقویت کرد. بر پایه بررسی و ارزیابی همه این عوامل است که ما، برخلاف آقای بنی صدر و مبلغین «راه» ایشان، عقیده نداریم که ۱۰/۷ میلیون رأی نوشته شده بنام ایشان، رأی برای نظریات مبهم ایشان در مسائل گوناگون سیاست داخلی و مستگیری حادثه جوانه و خطناک ایشان در سیاست خارجی است.

ما اطمینان داریم که نیروهای عظیم راستین انقلاب ایران، که یکپارچه مدافعان «خط

اماًم» در سیاست داخلی و خارجی هستند، بکمک واقعیت زندگی، خیلی زود این اشتباه بزرگ را تصحیح خواهند کرد.

ما امیدواریم که آقای بنی صدر در مقام پرمنسولیتی که قرار گرفته اند، پس از گذراندن دوران «پرچوش» پیروزی، موقع شوند که خونسردانه با واقعیات سیاسی و اجتماعی برخورد کنند و از تحمیل آزمایشهاشی که در تاریخ دوران معاصر، صدھا بار آزمایش شده و با شکست دردناکی برای آزمایش کنند گانش پایان یافته، بر جامعه ما، خودداری نمایند.

با کمال تأسف باید بگوییم که ظاهراً این دوران «پرچوش» هنوز بپایان نرسیده است. زیرا اولین اظهارنظرهای رسمی آقای رئیس جمهور طوری است که کارت و سادات و بگین می توانند برای آن هورا بکشند و «دانشجویان مسلمان مبارز خط امام»، عنوان نماینده یک گرایش درست انقلابی در انقلاب ایران، آنرا محکوم می کنند.

آقای بنی صدر این امکان استثنائی را در زندگی یافته اند که یا منشا خدمات بزرگ به ملت ایران در راه حل مشکلات عظیمی که با آن رو بروست، بشوند و یا آنکه با اتخاذ سمتگیری غیرمنطبق با نیازها و ضروریات جامعه ما، زیانهای جبران ناپذیری به انقلاب ایران وارد سازند.

حزب توده ایران از صمیم قلب خواستار آن است که حالت اول از این دورhalt به واقعیت درآید. بنظر ما، برای پیروزی انقلاب ایران تنها یک راه وجود دارد و آن پیروی بی چون و چرا از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی است، خطی که امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی مردم ستمکش ایران و جهان میداند و همه را فرامیخواهد که همه توافقی خود را برای درهم شکستن توطئه های رنگارنگ این شیطان بزرگ بکار اندازند، خطی که همه توجهش برای تغییرات بنیادی در نظام اجتماعی بسود «کوچ نشینان» یعنی توده های دهها میلیونی رحمتکشان شهر و روستا است، خطی که از همه میطلب در راه رسیدن به این دو هدف بزرگ ملی و انسانی در صفت واحدی متحده شوند و قلم ها و تفنگ ها را از نشانه روی به روی یکدیگر برگردانند و بسوی شیطان بزرگ یعنی آمریکا در صحنه جهانی و بسوی ضد انقلاب و ارتیاع عامل آمریکا در داخل کشورهای متوجه سازند. مردم ایران مایل نیستند هیچ گونه خط دیگری به شکلی از اشکال جانشین این خط سالم و درست انقلابی شود.

حزب توده ایران در آینده هم مانند گذشته، از این «خط امام» با تمام نیروی خود پشتیبانی خواهد کرد.

حزب توده ایران امیدوار است که آقای بنی صدر هم همه نیروی خود را در همین راه و در همین سمتگیری بکار اندازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۰ بهمن ۱۳۵۸ ماه

به همه نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی برای شکست نیروهای بسیج شده ضد انقلابی و بورژوالیبرال

در انتخابات مجلس شورای ملی در جبهه واحدی متحد شویم!

دستان گرامی!

پراکندگی نیروهای راستین ضدامپریالیستی و خلقی امکان داد که جریان انتخابات رئیس جمهوری بسود گرایشی پایان یابد که نمیتواند در شرایط بحرانی کنونی جامعه ایران و جهان، پاسخگوی خواستها و ضرورتیهای واقعی انقلاب ایران و در جهت ثبتیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای مهم و تاریخی آن باشد.

پیامد منفی این رویداد سیاسی از آن جهت اهمیت بمراتب بیشتری پیدا میکند که انقلاب، دوران بسیار بحرانی و سرنوشت‌سازی را میگذراند.

امپریالیسم آمریکا، با حمایت کامل امپریالیستهای اروپای غربی و ژاپن، با حمایت سیاهترین رژیم‌های ارتجاعی جهان مانند اسرائیل، عربستان سعودی، پاکستان، مصر و اندونزی و نظایر آنها میکوشد سمتگیری انقلاب ایران را، که تاکنون بطور عمدۀ در جهت درهم شکستن تسلط غارتگرانه آنان بوده است، تغییر دهد. این جبهه شیطانی میکوشد که از یکسو از درون ایران، با دامن زدن به هرگونه اغتشاش نظری رودادهای آذربایجان، ناآرامی‌های کردستان و غیره، شرایط را برای تزلزل نهادهای انقلابی آماده سازد، و از سوی دیگر به پشتیبانی بورژوازی لیبرال، که پرچم مبارزه برای استقلال ملی را بدور اندخته و آماده سازش با امپریالیسم گردیده است، به بهانه «وای افغانستان»، «وای خطرشوروی»، «وای بلوچستان»، «وای نزدیک شدن کمونیسم به آبهای گرم»، مردم ایران را از خطر اصلی منحرف سازد و شرایط را برای سازش خائنانه با امپریالیسم آمریکا آماده کند.

بسیار گویا است که سرتیپ فلاحتی در مسجد «نبی» قزوین در روز ۲۲ دیماه، رسم‌اعلام میکند که نگران حضور ناوگان آمریکا در جنوب نباید بود، بلکه بمصداق معروف تاریخ

«هر دشمنی که نزدیک‌تر است، خطرناک‌تر است!»

شرکت ایران در کنفرانس آمریکانی - انگلیسی - چینی اسلام‌آباد، علیرغم مخالفت وسیع‌ترین محافل انقلابی و اجتماعی ایران زنگ خطری است که باید همه مبارزان راه استقلال و آزادی را متوجه توطئه جدیدی کند که پس از شکست شاپور بختیار و روش سازشکارانه دولت لیبرال، مجددًا از طرف سازشکاران و تسلیم طلبان در حال تکوین است.

در سایه این وضع نگرانی آور، انتخابات نمایندگان مجلس شورای‌ملی اهمیت تاریخی و حیاتی پیدا می‌کند. با کمال تأسف باید گفت که نتیجه انتخابات رئیس جمهوری چینی نویلی را نمیدهد که رئیس جمهوری جدید در جهت ترمز کردن چنین گرایش خطرناکی عمل کند. گرچه مقام ریاست جمهوری طبق قانون اساسی از اختیارات زیادی برخوردار نیست که بتواند خطری برای دستاوردهای انقلاب فراهم سازد، ولی در هر حال میتواند بعنوان نیروی ترمز کننده، روند ثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب را بسود طبقات زحمتکش جامعه تحت تأثیر قرار دهد.

در پی چنین نتیجه‌ای از انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات نمایندگان مجلس شورای‌ملی، با اختیارات وسیع و تعیین کننده‌ای که مجلس در تعیین برنامه عمل و تصویب قوانین تازه برای پی‌ریزی نظام جدید انقلابی دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود.

نیروهای راستین هودار خط ضدامپریالیستی و خلقی امام خمینی^۱ نیروهایی که بازگشت بورژوازی لیبرال را به قدرت در ایران خطر جدی برای تأمین استقلال و آزادی و مانع بزرگ برسر راه دگرگونیهای ژرف اجتماعی بسود خلق و حل مشکلات عظیم اجتماعی دوران پس از انقلاب میدانند، باید تمام نیروی خود را بکار اندازند تا از قبضه شدن اکثریت مجلس بدست نمایندگان علی و مخفی بورژوازی لیبرال و متفقینش - سرمایه‌داران وابسته و بزرگ‌مالکان - جلوگیری کنند.

رسیدن به این هدف تنها و تنها در صورتی ممکن است که همه احزاب، گروهها و سازمانهای راستین ضدامپریالیستی و خلقی، صرفنظر از هرگونه اختلاف نظری که بین آنان وجود دارد، همه امکانات خود را در چارچوب جبهه متحده، با برنامه حداقل مورد توافق همه، متمرکز سازند و بکار اندازند.

هرگونه استکاف از تلاش در چنین راهی جز ادامه دادن پراکندگی و تشید نفاق و در نتیجه کمک مستقیم به دشمنان انقلاب و سازشکاران تسلیم طلب، که یاران نیمه راه انقلاب بوده‌اند، پیامد دیگری بیار نخواهد آورد.

حزب توده ایران، با احساس مسئولیت تاریخی در این مرحله حساس انقلاب بزرگ میهنمان، همه احزاب، سازمانها و گروههای وفادار به آرمانهای خلق را فرامیخواند که هرچه زودتر و بدون از دست دادن وقت، آمادگی خود را برای بوجود آوردن چنین جبهه‌ای اعلام دارند و تبادل نظرهای دوجانبه و چندجانبه را آغاز کنند.

تجربه انقلابهای مختلف در همین دوران ما نشان میدهد که تفرقه در میان نیروهای خلق

و انقلابی بکی از آن اهرم‌های مهمی است که امپریالیسم و ضدانقلاب در عمل از آن بسود خود استفاده می‌کنند. بر عکس در هرجا که این نیروها توانستند به آن حد از نصف تفکر سیاسی دست یابند که، علیرغم داشتن نظریات مختلف، در لحظات مهم و قاطع، هماهنگ عمل کنند، از این روش خود نتایج مثبت بدست آورند.

ما بنا به مسئولیت خود، همه نیروهای ضدامپریالیستی، خلقی و انقلابی را در این لحظه مهم انتخابات مجلس شورای اسلامی به تأمین وحدت عمل توجه میدهیم و امیدواریم که این نکته مورد بررسی جدی کلیه یاران انقلاب ایران قرار گیرد. ما خود آمادگی خوبیش را برای شرکت در یک جبهه عمل مشترک برای نخستین انتخابات مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران اعلام میداریم.

کمیته مرکزی حزب تude ایران

۱۳۵۸ ماه بهمن ۱۱

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

از جانب سرپرست ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی، طی اطلاعیه‌ای از «کلیه کسانی که رژیم سابق آنان را به منظور ابقای سلطه غیرقانونی خود مورد آزار قرار داده است، اعم از کسانی که مورد شکنجه قرار گرفته‌اند و همچنین بستگان شهدایان و کسانیکه اموال آنان را شاه مخلوع گرفته است» تقاضا شده است که تا روز ۱۸ بهمن ماه به «دادسرا یا دادگاه صلح مستقل محل خود» مراجعه کنند و «موضوع را کتاباً با ذکر دلایل اعلام دارند.»

سرپرست ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی خواسته است که «علاوه براین، هر کس دلائلی و مدارکی از جنایات آن رژیم دارد و همچنین هر یک از ادارات و مؤسسات شهرستانها این استاد را در اختیار دارند، آنها را با اخذ رسید به دادستان یا رئیس دادگاه صلح مستقل محل تسليم نمایند.»

با استقبال از این تصمیم درست ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران فرا میخواند:

۱— آن عده از اعضاء، دوستان و هواداران حزب، که بشکلی از اشکال از جانب رژیم سابق مورد آزار قرار گرفته‌اند، شکایات و اعلام جرم‌های خود را به مرجع اعلام شده تسليم کنند.

۲— همه اعضاء، دوستان و هواداران حزب، اگر دلیل، مدرک و سندی درباره خیانتها و جنایتها رژیم سابق دارند، به مرجع اعلام شده تسليم کنند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تأکید می‌کند که با توجه به اینکه اعضاء، هواداران و دوستان حزب همواره در معرض شدیدترین فشارها، تضییقات و شکنجه‌های رژیم سرنگون شده پهلوی بوده‌اند، اقدام آنها برای تدارک استاد مربوط به محکومیت این رژیم اهریمنی و هم‌چنین طلب جبران خسارت مادی و معنوی، یک وظیفه انقلابی، ملی و انسانی

است که باید انجام گیرد.

دیبرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸/۱۱/۱۱

در راه پیمایی دعوت شده از جانب دانشجویان مسلمان پیرو خط امام شرکت می کنیم

بمناسبت زادروز پیامبر اسلام—دوشنبه ۱۵ بهمن ماه—از جانب «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام»، و از همه مردم برای شرکت در یک راهپیمایی دعوت شده است. این راهپیمایی که در عین حال می باید به تظاهری از وحدت خلق برای تحقق خط امام، خط انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران تبدیل گردد، مورد پشتیبانی حزب توده ایران است. لذا دبیرخانه کمیته مرکزی از همه اعضاء، هواداران و دوستان حزب و همه عناصر میهن دوست و آزادیخواه می طلبد که در این راهپیمانی شرکت کنند و باردیگر وحدت خلق را در مبارزه بر ضد امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و برای دفاع از دستاوردهای انقلاب بشووند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۱۱/۱۱

فرخنده باد نخستین سالگرد انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی مردم ایران به رهبری امام خمینی

مردم قهرمان ایران سالگرد انقلاب کبیر خود را جشن میگیرند، انقلابیگه طی آن خلق قهرمان ایران دلاورانه قد علم کرد و با اراده تزلزل ناپذیر و نبردی کم نظری، یکی از کهنترین و سفاکترین نظامهای خونخوار سلطنتی مزدور امپریالیسم را سرنگون ساخت و با این پیروزی یکی از نیرومندترین پایگاههای غارت و جنایت امپریالیسم و دستیاران او و ارتیاع را، در جهان درهم شکست و راه خویش را بسوی ایجاد نظامی مستقل و دموکراتیک، بسد زحمتکشان و محرومان باز کرد.

انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ یکی از بزرگترین رویدادهای معاصر جهان است.

سرنگونی رژیم شاه، شرط مقدم پیشرفت جامعه رژیم شاه جlad، ساواکی ها و سرمایه داران وابسته و مالکان بزرگ، که با حمایت همه جانبی امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بر ایران مسلط شده بود، وظیفه داشت ایران را بگورستان آزادی، به بهشت غارتگری برای انحصارات نفتی و سایر انحصارات امپریالیستی چند ملیتی، به راندارم یکی از حساسترین مناطق جهان از نظر غنای نفت و اهمیت سوق الجیشی، به پایگاه تجاوزی علیه اتحاد شوروی در حلقه پیمانهای نظامی امپریالیستی، بدل سازد.

در ربع قرن اخیر همه سازمانها و احزاب سیاسی ملی و مترقبی بشدیدترین وجهی سرکوب شدند. صدها نفر شهید و دهها هزار نفر زندانی شدند. کابوس ساواک، ایران ما را به جهنم خفقات و خبر چینی بدل کرده بود. در اینمدت بیش از بیست میلیارد بشکه نفت خام— به قیمت امروزی بیش از پانصد میلیارد دلار— از ایران غارت شد. ولی حتی یک موسسه بزرگ صنعتی خودکفا و غیروابسته با امپریالیسم در برابر آن احداث نشد، حتی تعداد مؤسسات مونتاژ

وابسته در مقایسه با امکانات بسیار حقیر و فقط وسیله‌ای برای تبدیل اقتصاد ایران به زائده انصحارات امپریالیستی بود. کشاورزی ما را از بین بردن و دچار بحرانهای همه جانبه کردند. دهها میلیارد دلار جنگ افزار خریدند که تنها انصحارات امپریالیستی امریکائی و اروپائی و دلالان خودفروش از آن سود بردن، در مقابل، اکثریت مطلق مردم ایران در شرایط طاقت فرسا زندگی میکردند و زحمتکشان شهر و ده از ابتدائی ترین وسائل زندگی و بهداشت و آموزش محروم بودند.

Neptune های جنبش انقلابی ایران هم در همین نابرابری دردآور، در همین دره‌های ژرف میان غارت کنندگان بیگانه و خودی از یکسو و جبهه جنایتکار امپریالیسم، میان خلقهای ستمکش ایران از یکسو و جبهه جنایتکار امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و طبقات حاکمه مشکل از بزرگ سرمایه‌داران وابسته و بزرگ زمینداران فنڈال منش، به سرکردگی شاه و رژیم خون‌آشام سلطنتی – سواکی – نظامی او از سوی دیگر بوجود می‌آمد، نیرو میگرفت و با سرعتی روزافزون رشد میکرد.

حزب توده ایران در آغاز سال ۱۳۵۴ اعلام کرد: «واژگون ساختن این رژیم ارتجاعی، جابر و تجاوزگر ضرورتاً شرط مقدم حرکت جامعه ما بسوی هدفهای ملی و دموکراتیک مردم ایران است».

در همین تاریخ برنامه حزب توده ایران برانداختن نظام پوسیده سلطنتی و استقرار جمهوری دموکراتیک را بعنوان مهمترین آماج سیاسی مرحله کنونی انقلاب ایران مورد تأثید و تأکید قرار داد.

شرایط جهانی انقلاب ایران

انقلاب ایران، مانند هر انقلاب واقعی خلقی دوران ما، خلقه‌ای است از زنجیر عظیم تاریخی انقلابهای رهایی بخش از سلطه مرگبار امپریالیسم جهانی. کشور ما میدانی است از جبهه عظیم نبرد جهانی خلقهای محروم و زیرستم علیه سلطه غارتگرانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، جبهه‌ای که سه بخش اصلی آنرا جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش اصیل کارگری در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری و جنبشهای رهایی بخش ضد امپریالیستی در کشورهای در حال رشد تشکیل میدهند. پیروزی و یا شکست در این یا آن میدان نبرد این جبهه عظیم جهانی، در عین حال که در درجه اول رابطه مستقیم با وضع نیروهای خودی و دشمن در این میدان نبرد دارد، تحت تأثیر عمیق و بسیار با اهمیت تناسب نیروها در جهان و قدرت نیروهای دوست در تمام جبهه قرار دارد.

هم اکنون آنچه رهبری سیاسی آمریکا را از بکار بردن شیوه‌های تجاوز کارانه آشکار گذشته بازمیدارد تغییر ماهیت سیاست امپریالیستی کارترها و راکفلرها نیست، بلکه این قدرت روزافزون جبهه عظیم ضد امپریالیستی جهان و سنگر عمدۀ آن جامعه کشورهای سوسیالیستی

است، که امپریالیسم را از این اقدامات جنایتکارانه بازمیدارد. توجه به این شرایط و ارتباط جهانی انقلاب ایران تنها دارای اهمیت تاریخی برای قضاوت واقع بینانه نسبت به گذشته نیست. اهمیت عده این توجه، برای حال و آینده است. نیروهای امپریالیستی و ضد انقلاب داخلی و سازشکاران که تلاش میکنند انقلاب را از سمت گیری اساسیش، که علیه اردوگاه امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه غارتگری سرمایه داری وابسته و بقایای فتووالیزم است، منحرف سازند، در درجه اول میکوشند انقلاب ایران را از جهه نیروهای ضد امپریالیستی و بیش از همه دوستی با کشورهای سوسیالیستی دور کنند، روند گسترش و پیروزی جنبش انقلابی و روند ثبت و تحکیم و گسترش آن، در سراسر جهان دارای اهمیت استراتژیکی برای تمام دوران آینده نبرد خلق ماست. هرگونه تلاش برای منحرف ساختن توجه از این مسئله حیاتی، حتی اگر ناآگاهانه باشد، کمکی است به ضد انقلاب و امپریالیسم.

باین ترتیب انقلاب بزرگ مردم ایران، بر پایه تشدید تضادهای درونی و بیرونی جامعه و تحت تاثیر شرایط مساعد پیشرفت‌های چشمگیر مجموعه جبهه ضد امپریالیستی جهانی، که بویژه در دهساله اخیر شتاب بیسابقه‌ای یافته است، اوج گرفت و پیروز شد.

جنبش انقلابی تمامی خلق ایران

بر پایه تضادهای درونی و بیرونی جامعه، که عده‌ترین آنها تضاد میان همه خلق با امپریالیسم در خارج و رژیم دست نشانده سلطنتی که سرمایه داران بزرگ وابسته و زمین داران بزرگ پایگاههای اصلی آنرا تشکیل میدادند، در درون کشور بود—جهه پهناوری از طبقه کارگر، دهقانان، پیشه‌وران و قشراهای بینایینی جامعه در شهر و روستا و سرمایه داران ملی بوجود آمد. این جبهه، همانطور که تمام روند انقلاب و تظاهرات دهها میلیونی نشان داد، همه خلق را یکپارچه فرا گرفت و مانند سیلی نیرومند تمام پایه‌های کاخهای فرمانروائی رژیم را درهم کوید.

همه مردم، یعنی زنان و مردان ایران و جوانان و حتی خردسالان، وابستگان به همه گرایش‌های سیاسی خلقی و انقلابی، یعنی روحانیون مبارز همدوش با روشنفکران انقلابی چپ، نیروهای مذهبی که زیر پرچم اسلام بمیدان آمده بودند، در کنار مبارزانی که زیر پرچم سوسیالیسم علمی مبارزه میکردند—همه و همه باهم در این جنبش عظیم خلقی شرکت جستند. انگیزه‌ها و آماج‌ها و شعارهای اشار و طبقات و گروههای سیاسی فعال، که در این جنبش فراگیر با طیف بسیار وسیع شرکت داشتند، یکی نبود و عمق و پی‌گیری آنها به خواسته‌های طبقاتی و ماهیت آنها وابسته بود. ولی همه آنها بیش از پیش ژرفتر به ضرورت سرنگونی رژیم استبداد سلطنتی شاه وابسته با مریکا پی میبرندند و دور این شعار واحد گرد می‌آمدند.

دو گرایش عمدۀ در جنبش انقلابی

منتھی از همان آغاز جنبش گرایش‌های گوناگون در سمتگیری اساسی انقلاب پدید آمد و مبارزه بین این گرایشها به صورت مبارزه پایه‌ای در درون جنبش و حتی در درون هر گروه و سازمان سیاسی بروز کرد. راست‌ترین جناح در طیف مبارزان، جناح بورژوازی لیبرال بود که هدفهای خود را در چارچوب سازش حتی با شخص شاه یا با رژیم سلطنتی بدون محمد رضا و کنار آمدن با امپریالیسم آمریکا، در چارچوب «شاه باید سلطنت کند نه حکومت» تعیین کرده بود.

در بارۀ مبارزه با امپریالیسم و در بارۀ مبارزه با پایگاه طبقاتی رژیم، یعنی بزرگ سرمایه داری وابسته و بزرگ زمین‌داری هم این جناح بورژوازی لیبرال هیچگونه شعار عملی و قاطع نداشت. شعار سیاسی بورژوازی لیبرال ایران بطور روش این بود که مبارزه علیه استبداد شاه را باید از مبارزه علیه آمریکا جدا کرد، با آمریکا و تسلط اقتصادی و نظامی و سیاسی امپریالیستی اش در ایران، کاری نداشت تا احتمالاً موافقت و کمک آمریکای امپریالیست را برای برکناری رژیم ساواکی شاه و روی کار آوردن نمایندگان بورژوازی لیبرال جلب کرد. ولی در مقابل این نیروی سازشکار تسلیم طلب، نیروی عظیم و تزلزل ناپذیر خلق قرا داشت که هر روز بهتر و ژرف‌تر دشمنان واقعی خود را می‌شناخت و نابودی تسلط همه جانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده وابسته به آن، یعنی نظام غارتگر سرمایه‌داری وابسته به سرکردگی شاه و جلادانش را خواستار بود. این جبهه عظیم خلق خیلی زود نقش تعیین کننده خود را در تمام روند انقلاب ایفا کرد و نقشه «گام به گام» سازشکاران و تسلیم طلبان بورژوازی لیبرال را خنثی کرد و جنبش انقلابی را با قدرت و شتابی کم نظری به سوی پیروزی به پیش برد.

گرایش مذهبی در جنبش انقلابی ایران

در اینکه جنبش انقلابی خلق، با آن محتوى پیگیر ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و ضد رژیم حاکم سلطنتی سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ بطور عمدۀ و تعیین کننده رنگ مذهبی بخود گرفت، یک رشته عوامل تاریخی و اجتماعی ذیمدخلنده که شرایط مشخص مبارزه در سالهای اختتاق ساواکی رژیم محمد رضا پایه‌های عینی این پدیده را بوجود آورده بود. طی دهه‌ها سال تسلط رژیم مخوف ترور و اختتاق، بخش عمدۀ نیروهای راستین انقلابی وابسته به طبقه کارگر سرکوب شده و عده‌های بسیاری شهید. و عده زیادی در زندانها به سر می‌بردند. علاوه براین، براثر خیانت رهبری چین قشر قابل توجهی به گرایش‌های حادثه جویانه و آثارشیستی و بویژه خصوصت کور با جنبش اصیل کارگری کشانده و گمراه شده بود. پیشاپنگ طبقه کارگر دچار پراکندگی، ضعف تشکیلاتی گشته و امکانات لازم برای برقراری پیوند با

جنبش انقلابی محروم شده بود.

بورژوازی لیرال هم بنا به ماهیت سازشکارانه طبقاتی خود خیلی زودنشان داد که لیاقت رهبری جنبش انقلابی را که هر روز به طور چشمگیر گشترش می‌یافتد، ندارد. رژیم هرگونه مبارزه سیاسی را با شقاوت سرکوب میکرد. تنها مساجد برای اجتماع مردم ناراضی باز بود و آنهم به آن علت که رژیم وابسته و اربابان امپریالیستی اش از دیر زمانی متوجه آن بودند که از «عظاظ السلاطین» علیه جنبش‌های راستین حق طلبانه خلقها بهره گیری نمایند.

رژیم و اربابان امپریالیستی اش به این واقعیت توجه نکردن که جنبش خلق وقتی براثر تشید تناقضات آشی ناپذیر بحر کت درآید، مانند سیلی عظیم راه خود را باز میکند و بطور طبیعی از بستری سرازیر میشود که مانع کتمتی برس راهش باشد.

بخش عظیم روحانیت ایران از میان خلق بیرون آمده و با خلق پیوند داشت، لذا بطور طبیعی در دورانی چنین بحرانی بازتاب دهنده خواسته‌های انقلابی خلق گردید. بویژه اشاره میانی و پائینی روحانیت ایران، که هم جوانتر و فعالتر و مبارزتر بودند وهم پیوندان با خلق استوارتر بود، در این دوران نقش بسیار مهمی را ایفاء کردند. جهات مشخص انقلابی و اجتماعی دین اسلام و بویژه سنت‌های انقلابی مذهب شیعه بصورت پرچم انقلابی وسیعترین قشراهای مردم ایران درآمد.

حزب توده ایران خیلی زود این گرایش و این ویژگی جنبش انقلابی ضد امپریالیستی و دموکراتیک و خلقی ایران را شناخت و لزوم ایجاد پیوند انقلابی بین نیروهای مذهبی و هواداران سوسیالیسم علمی را، بعنوان یکی از پایه‌ای ترین شرایط برای وجود نیروها و بهم پیوستگی انقلابی آنان طرح ساخت و از آن تاریخ با پیگیری و بدون تزلزل با وجود همه تحریکات، اتهامات و لجن پراکنیهای وابستگان به امپریالیسم، تفرقه اندازان و بورژوازی‌ها این سمتگیری را ادامه میدهد.

نقش برجسته و تاریخی امام خمینی - وحدت شعار و وحدت عمل

جنبش انقلابی مردم ایران که بطور عمدۀ در چار چوب بینش انقلابی و اجتماعی اسلام شکل میگرفت رهبر واقعی انقلابی خود را جستجو میکرد. جنبش انقلابی ایران خیلی زود و خیلی درست این انتخاب خود را عملی ساخت و امام خمینی را بر همکری خود برگزید، یعنی همان شخصیت استثنایی روحانی را، که بر پایه خصوصیات بزرگ انسانی خویش، همیشه از رنج محروم‌مان جامعه رنج میرد و در زندگی هدفی جز کمک به این محروم‌مان که همان طبقات رحمتکش استثمار شده و غارت شده جامعه ما هستند، برای خود انتخاب نکرده بود و از دهها سال پیش با پیگیری، قاطعیت و درایت عمدۀ ترین ریشه‌های بدین‌جایی این محروم‌مان و همه محروم‌مان (مستضعفان) جهان را در پیکر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا،

در پیکر اسرائیل و ساداتها و نظائرشان در منطقه و در پیکر بساط طاغوتی سلطنت و بویژه محمدرضا و خاندان ننگین و دستیاران ساواکی اش و طبقات غارتگر جامعه (مستکران) شناخته بود.

کاملاً طبیعی بود که امام خمینی با آن شناخت دقیق از ریشه بدختی‌ها، با آن قاطعیت و پیگیری و تزلزل ناپذیری و با آن شهامت کم نظری یک انسان مبارز، پرچم واحد جنبش انقلابی ایران گردید.

حزب توده ایران خط امام خمینی را شناخت و پشتیبانی بیدریخ خود را از این خط ضد امپریالیستی و خلقی اعلام کرد. حزب ما در خط امام پنج عنصر تعیین کننده سیاسی اجتماعی تشخیص داد و بر پایه این پنج عنصر، که بازتاب خواستهای وسیعترین قشرهای انقلابی میهن ما در مرحله کنونی انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی است، سیاست همگامی و پشتیبانی خود را پی‌ریزی کرد:

۱- سمتگیری قاطع، پیگیر و آشتی ناپذیر برای ریشه کن کردن همه اشکال سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی تسلط امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا،

۲- سمتگیری قاطع، پیگیر و آشتی ناپذیر برای برانداختن رژیم پوسیده و فاسد سلطنتی و نظام طاغوتی استبدادی،

۳- سمتگیری قاطع برای تامین کلیه آزادیهای سیاسی و اجتماعی برای خلق و در درجه اول برای زحمتکشان (مغضوبین)،

۴- سمتگیری قاطع برای عملی ساختن تغییرات بنیادی در نظام اقتصادی جامعه برای کوتاه کردن دست غارتگر سرمایه‌داران و مالکان بزرگ و در جهت بهبود همه جانبه شرایط زندگی توده‌های دهها میلیونی زحمتکشان و رنجبران شهر و روستا،

۵- سمتگیری قاطع و پیگیر در جهت گردآوردن و اتحاد همه نیروهای راستین خلق برای رسیدن باین هدفهای والا ملی و خلقی.

در آستانه انقلاب

گرایش نبرد پی‌گیر و آشتی ناپذیر بیش از پیش در برابر گرایش سازشکاران لیبرال قرار میگرفت. مردم بدنبال امام خمینی حرکت کردند.

حزب توده ایران با اعلامیه تاریخی خود در ۱۳ شهریور ۱۳۵۷، بطور روش راه انقلابی آشتی ناپذیر را در مقابل جنبش خلق قرار داد که محتوی عملی آن برانداختن رژیم سلطنتی، محکمه و مجازات شاه و همدستانش، ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم درهمه زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی بود و مردم را برای ایجاد جبهه متحدی از همه نیروها برای

رسیدن به این آماجهای ملی و خلقی دعوت کرد.

امپریالیسم به تاکتیک دوسویه، یکی سرکوب خونین توده انقلابی و دومی تشکیل دولت توسط تسیم طبلان سازشکار متول شده بود. روزها و هفته‌ها و ماههای حمامه آفرین و تاریخ ساز اواخر تابستان و پائیز و اوائل زمستان سال ۵۷ با قهرمانی‌های کم نظری و جانبازی‌های بیشمار همراه بود که نیروهای مختلف خلق با تمام قوا و با شعار واحد در آن شرکت جستند.

تصور اینکه شاپور بختیار یک فراری از جبهه مبارزان ضد امپریالیستی به اردوگاه امپریالیستی است، بکلی نادرست و گمراه کننده است. شاپور بختیار مظہر سازش بورژوازی لیرال با امپریالیسم و رژیم وابسته به آن، و به سرکار آمدن او اولین تلاش عملی برای اجرای سیاست «گام به گام» و در واقع سیاست «یک گام به پیش و دو گام به پس» تا برقراری مجدد «نظم و انضباط شاهنشاهی» و «فروکش خشم» خلق بود. زمامداری شاپور بختیار اولین مرحله خیانت عملی بورژوازی لیرال به انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی ایران بود. بیجهت نیست که گروهها و شخصیتهای روحانی و سیاسی وابسته به بورژوازی لیرال هنوز هم حاضر نشده‌اند بختیار را بعنوان خائن به جنبش انقلابی ارزیابی کنند.

آخرین تیر ترکش امپریالیسم برای لجام زدن به جنبش انقلابی و حفظ عمدۀ ترین مواضع امپریالیستی در ایران با آخرین انفجارهای انقلابی در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن بی‌اثر ماند و طوفان خشم خلق انقلابی بصورت اتحاد انقلابیون در ارتش و در خیابانها، آخرین سنگر ضد انقلاب را، که در «گارد جاویدان» پا بر جا مانده بود، درهم کوبید.

قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن را باید حلقه نهائی انقلاب شکوهمند و بزرگ خلقهای ایران برای پایان بخشیدن به سلط امپریالیستی و سرنگون ساختن رژیم سیاه و پویسیده سلطنتی و آغاز مرحله جدیدی از تاریخ تکامل اجتماعی خلقهای ایران ارزیابی کرد.

قیام بهمن نشان داد که آخرین پاییگاه امپریالیسم و رژیم، یعنی ارتش نیز منفرد شده و حتی از واحدهای ویژه گارد جاویدان مرکب از خود فروختگان و آدمکشان حرفه‌ای نیز کاری برنیامد. آخرین نقشه مشترک آمریکا و جنای سازشکار بوزوا لیرال، یعنی نگهداری ارتش بصورت دست نخورده و اعلام «بیطرفي» نیز با قیام متهوارنه همافران و مبارزان خلق نقش برآب شد و ضربه خرد کننده‌ای به سنگر ضدانقلاب وارد گردید. این تجربه هم تائیدی بود بردرستی دعوت حزب توده ایران (دیماه ۱۳۵۷) از همه نیروهای راستین انقلابی برای تدارک مبارزه مسلحانه بمنظور درهم شکستن آخرین مقاومت لجوچانه نیروهای سیاه ضد انقلاب سرسپرده آمریکا و رژیم شاه.

دولت موقت و ماهیت آن

از همان اولین روز پیروزی، یک دو گانگی در رهبری دولتی و سیاسی کشور بوجود آمد که پایه عینی داشت. جناح پیگیر و آشتی ناپذیر انقلاب، که امام خمینی در پیشاپیش آن قرار داشت و حرکت خلق انقلابی را رهبری میکرد، از کادرهای لازم برای اداره دستگاه دولتی و ارتش به دولت محروم بود.

اول اینکه تقریباً اکثریت مطلق کادرهای فعال جنبش مذهبی، که زیر پرچم امام خمینی حرکت میکرد، از روحانیون مبارز و اکثراً از روحانیون مبارز جوان بودند و هیچگونه تجربه و آمادگی برای گرداندن چرخهای سازمانهای دولتی و انتظامی و اقتصادی کشور را نداشتند.

دوم اینکه نیروهای اصیل چپ انقلابی، که دوش بدوش این نیروهای مذهبی در خط آشتی ناپذیر انقلاب حرکت میکردند، بعلت یک رشته عوامل تاریخی و تبلیغات شدید رژیم منفور در وضعی قرار نداشتند که بتوانند این خلاع را پر کنند.

نداشتند کادر لازم خودی و عدم آمادگی نیروهای اصیل انقلابی پیرو خط امام خمینی در قبول همکاری نیروهای اصیل انقلابی چپ موجب آن شد که تقریباً بدون استثناء گردانندگی تمام سازمان دولتی بدست جناح بورژوازی لیبرال، یعنی سازشکارترین قشری که لنگ لنگان در انقلاب شرکت کرده بود، افتاد. مهندس بازرگان نماینده شاخص خط سازشکار در جریان انقلاب، رهبری دولت را بدست گرفت و کابینه‌ای ناهمگون بوجود آورد که سازشکاران اکثریت قاطع آنرا تشکیل میدادند و بویژه کسانیکه برای مردم ایران بكلی ناشناخته بودند و درباره سوابقشان هیچ پرده روشنی وجود نداشت، حساسترین پست‌ها را اشغال کردند.

باین ترتیب یک دو گانگی درقدرت حاکمه پیدا شد با دو مرکز عمل: مرکز اول، مرکز رهبری امام خمینی بود که خواستار برخورد انقلابی به عمدۀ ترین مسائل حیات اجتماعی جامعه، از سیاست خارجی گرفته تا سیاست داخلی و مسائل مربوط به تغیرات بنیادی بسود طبقات محروم و زحمتکش بود.

مرکز دوم را دولت «گام به گام» تشکیل می‌داد که عقیده داشت انقلاب با بیرون انداختن شاه پایان یافته و میکوشید وضع گذشته را در تمام ترکیبیش برقرار نگهدارد و هرجا هم که ضربه‌ای به آن وارد شده، ترمیمیش کند.

البته دولت موقت، از آنجا که زیر فشار سنگین افکار عمومی قرار داشت و مجبور بود لااقل تاحد معینی رهنمودهای امام خمینی را مورد توجه قرار دهد، نمیتوانست از انجام یکرشنه اقدامات در جهت انقلاب خودداری نماید بجز این اقدامات، درهمهٔ زمینه‌های مهم و اساسی سیاست کشور، دولت «گام به گام» بورژوا لیبرال بیش از پیش به صورت تزمز جدی در امر تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در می‌آمد.

در سیاست خارجی، سیاست دولت در این جهت بود که با سرپوش گذاشتن به سیاست

خصمانه امپریالیسم آمریکا، سمتگیری سیاست خارجی را از جهت تشدید مبارزه علیه دشمن اصلی و آشتی ناپذیر انقلابی، یعنی آمریکا منحرف کند و بتدریج شرایط را برای برقراری مجدد روابط «دوستانه» با آن آماده سازد.

فعالیت کسانی چون نزیه‌ها و ایزدی‌ها و امیر انتظامها، واکنش در برای دعوت شاه مخلوع با آمریکا، ملاقات نخست وزیر دولت وقت با نماینده کارت، و تدبیر اقتصادی دولت موقت، سرباز زدن از تصفیه سازمانهای دولتی و ارتشی، کوشش برای احیاء کامل نهادهای سرمایه‌داری، حمایت از زمینداران بزرگ، بخش کوچکی از کارنامه دولت سازشکار بورژوازی لیبرال است.

سیاست و عمل این دولت با کمال تاسف نزدیک به ۸ ماه از پرارزش ترین دوره‌های انقلاب ایران را به هدر داد.

حزب توده ایران ضمن اینکه از همان آغازگرایش سازشکارانه بورژوازی لیبرال و احتمال پشت کردن این بخش را به انقلاب روشن بینانه نشان داد، اعلام کرد که از همه گام‌های مثبتی که دولت بردارد پشتیبانی خواهد کرد. حزب توده ایران در مراحل گوناگون در نامه‌های سرگشاده تحلیلی، جنبه‌های سازشکارانه سیاست دولت در همه زمینه‌ها را فاش کرد و راه حل‌های مشخص و عملی برای حل مشکلات را در مقابل دولت و رهبری انقلاب قرار داد.

خط امام و نهادهای انقلابی

در مقابل گرایش سازشکارانه دولت بورژوازی لیبرال، گرایش قاطع و پیگیر امام قرار داشت که بطور آشتبانی ناپذیری در جهت همان هدفهای خلقی و ضد امپریالیستی عمل میکرد. حزب توده ایران، علیرغم همه اهانت‌ها و شماتت‌ها که از طرف روشنگران وابسته به بورژوازی لیبرال و چپ نمایان دنباله رو بورژوازی لیبرال به آن وارد میشد، این خط انقلابی را شناخت و بیدریغ از آن پشتیبانی کرد.

در خط امام، دادگاههای انقلابی عمل میکردند که قاطعانه جنایتکاران رژیم منفور را مجازات میکردند. سپاه پاسداران و کمیته‌های عمل میکردند که صادقانه بدفاع از انقلاب برخاستند و برقراری نظم انقلابی را بعمل گرفته بودند. اگرچه عوامل ضد انقلاب از همان آغاز با تمام نیرو کوشیدند در سپاه پاسداران، و کمیته‌ها، در دادگاههای انقلاب و سایر نهادهای انقلابی، که ایجاد میشد، راه یابند و از درون آنها را دچار انحراف و فساد و از هم گسیختنگی نمایند. بهمین جهت هم مسئله پاکسازی و فعل کردن آن‌ها در جهت انقلاب همیشه از مسائل مهم بود. ولی بطور عمده آنها دارای محتوای انقلابی بوده و نقش تعیین کننده در تحکیم پیروزیهای انقلاب داشته‌اند.

تا وقتیکه دستگاههای دولتی، از ارتش، راندماری و پلیس گرفته تا دادگستری دگرگون نشده و نه در حرف، بلکه در عمل درجهت ثبت و تحکیم و گسترش انقلاب قرار نگرفته‌اند، از

بین بردن نهادهای انقلابی و خلع سلاح نیروهای مسلح راستین خلق ضربه خطرناکی بر انقلاب است. حزب توده ایران باز هم مانند گذشته، همه هواداران راستین انقلاب و بویژه رهبری انقلاب را از چنین اقدام عجولانه ای بر حذر میدارد.

تحلیل اقدامات و تصمیمات شورای انقلاب نیز در دوران موجودیتش نشان میدهد که، علیرغم کارشناسی های ترمذ کننده جناح سازشکاری که در این شورا همیشه تاثیر داشته و هنوز هم دارد، این شورا بطور عمده در خط امام خمینی عمل کرده است. ولی با وجود این ارزیابی کلی، باید صریحاً گفت که در کار شورای انقلاب به تناسب وظایف فوق العاده سنگینی که در برابر انقلاب قرار دارد، در موارد مهمی کمبودهای جدی، موضعگیری های غیر قاطعانه، بی تصمیمی، عدم هماهنگی و فقدان یکپارچگی دیده میشود.

تأثیر منفی فعالیت گروههای افراطی چپ و راست

یکی از عوامل منفی در دوران پس از انقلاب فعالیت گروههای افراطی چپ گرا و راست گرا در جبهه نیروهای انقلابی خلق بوده و هنوز هم هست. این گروههای افراطی، بخشی زیر پرچمها افراطی مذهبی و بخش دیگر زیر پرچمها افراطی هواداری از سوسیالیسم، با مستکبری انصصار طلبانه کوشیده اند تحمیل موضعگیری های تنگ نظرانه خود را به مجموعه جنبش، جانشین کوشش برای ایجاد جبهه متحده بنمایند که میتواند برایه برنامه مورد توافق، که بازنتاب واقعیت ها، خواستها و امکانات انقلاب ایران در مرحله کنونی باشد، تشکیل گردد.

گروههای افراطی و انصصار طلب راست گرای مذهبی بجای سمت دادن مبارزه علیه دشمن اصلی و عمدۀ، یعنی امپریالیسم خونخوار آمریکا، آنطور که امام خمینی همیشه یادآوری و تائید کرده اند، نیروی عمدۀ خود را برای تضعیف و وارد آوردن فشار و محدود کردن فعالیت نیروهای چپ راستین کرده و آتش نفاق و دشمنی را در میان نیروهای راستین انقلاب دامن زده اند. این نیروها ضمن اینکه در حرف خود را هوادار پیگیر راه امام خمینی اعلام می کنند، در عمل یکی از عمدۀ قرین رهنمودهای امام را در زمینه نزوم وحدت همه نیروها، صرفنظر از اعتقادات سیاسی و ایدئولوژیک، زیر پا گذاشت، جنگ علیه افکار و عقاید را جانشین جنگ علیه امپریالیسم امریکا ساخته و میسانند.

گروههای چپ گرا نیز در دوره طولانی، تا همین چند هفته اخیر، در مبارزه خود، امپریالیسم آمریکا را فراموش کرده و بویژه امام خمینی و حزب توده ایران را آماج شدیدترین حملات خود قرار داده بودند و در این دشمنی از همکاری عملی با نیروهای ضد انقلاب هم خودداری نکرده اند. نیروهای افراطی چپ گرا مستکبری اصلی مبارزه نجاتبخش ملی مارا، که همان مستکبری علیه امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا است، در درجه دوم اهمیت قرار داده و با مطرح کردن شعارهای غیر واقع بینانه و چپ گرانیانه و با اتخاذ شیوه های تحریک زحمتکشان، سد جدی بر سر راه ثبتیت دستاوردهای سیاسی و اجتماعی انقلاب بوجود آورده اند.

بزرگترین زیانی که چپ‌گرایان به جنبش انقلابی میهن ما وارد ساخته اند اینست که، آنها با موضعگیری‌های نادرست و روش‌های حادثه جویانه خود در یک دوران طولانی پس از پیروزی بهمن ۵۷، دقیقاً در همان جبهه‌ای قرار گرفتند که ضد انقلاب، ساواکیها، بوزوازی لیبرال و سیاستهای امپریالیستی برای مبارزه علیه انقلاب بوجود آورده بودند.

این روشها ضربه‌جدی به پیشرفت در جهت تشکیل جبهه متحد خلق بود، که یگانه ضامن پیروزی قطعی و بازگشت ناپذیر در نبرد زندگی و مرگ علیه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب و بورژوازی لیبرال است.

باعث خوشوقتی است که در هفته‌های اخیر، بالاخره زیر فشار واقعیتها، در برخی از موضعگیری‌های سازمان چریکهای فدائی خلق و حزب دمکرات کردستان ایران، که مرکز تجمع بعض مهمی از سالم ترین نیروهای خلقی در کردستان است، سمتگیری‌های واقع بینانه بتدریج جای گراشده‌ای نادرست و چپ‌گرایانه را میگیرد. ولی در میان گروههای گوناگون و رنگارنگ، که خود را هادار سازمان چریکهای فدائی خلق معرفی میکنند، نه تنها گراشتهای نادرست و در نتیجه همگامی با نیروهای ضد انقلاب ریشه کن نشده، بلکه در مواردی در حال شدت یافتن است.

نقش خرابکارانه چپ‌ناماها

در کنار نیروهای افراطی چپ‌گرا، که با وجود موضعگیری‌های نادرستشان، در اصالت انقلابی شان نمیتوان تردید داشت، خیل گروههای خرابکار نفاق افکن مشغول فعالیت هستند. این گروهکها، که سرمنشاء همه‌شان، بدون استثناء، جریانات ضد انقلابی و انحرافی تسلیم شده به امپریالیسم جهانی است، (تروتسکیسم و مائوئیسم) تنها و تنها درجهت ایجاد اغتشاش، ایجاد تفرقه و نفاق و چند دستگی میان نیروهای خلق و بویژه جوانان کم تجربه فعالیت میکنند. اینها با شعارهای توانایی و غیر واقعی خود، با موضعگیری خود در جبهه ضد انقلاب در زیر نقاب کمونیسم و سوسیالیسم و طبقه کارگر و غیره، بهترین بهانه را بدست نیروهای راست انحصار طلب افراطی مذهبی میدهند تا مردم ساده مبارزه مذهبی را علیه هاداران راستین سوسیالیسم علمی، که پیگیرترین و پاپرچاترین متحدین طبیعی آنان در مبارزه برای استقلال و آزادی و تغییرات بنیادی بسود محروم‌مان جامعه هستند بشورانند. خیانت تاریخی این گروهکهای چپ‌نما بویژه در همین جاست.

وضع کنونی و دشواریهای انقلاب

بدنبال نبرد دو گراش در انقلاب ایران و پشت سر گذاشتن دورانیکه از خاتمه تابستان «چرخش براست» نام گرفت و پس از موضعگیری تاریخی امام خمینی در اواسط پائیز در زمینه وحدت همه نیروها علیه امپریالیسم آمریکا، حمایت از محروم‌مان و مستضعفین و پیام به خل-

کرد برای حل مسالمت آمیز مسئله ملی و غیره، انقلاب ایران وارد مرحله نوین، مرحله بالاتر، مرحله ژرفتری گردید. سمتگیری ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب، پیروزی چشمگیری بر سمتگیری سازشکارانه و بورژوا لیبرال منشانه گرفت.

امپریالیسم ضد انقلاب داخلی با استفاده از سیاست سازشکارانه و تسليم طلبانه دولت بورژوا لیبرال، مانور همه جانبیه ای را برای درهم شکستن انقلاب ایران تدارک دیدند و این تدارک به مراحل عملی نزدیک میشد امپریالیسم ضد انقلاب همه نیروهای آشکار و نهان وابسته به خود را برای یک حمله عمومی تجهیز کردند. استاد افشاء شده از جاسوسخانه آمریکا بخوبی نشان میدهد که نقشه امپریالیسم ضد انقلاب داخلی این بود که با تکیه به نیروهای سازشکار احزاب لیبرالی و گروههای مأثویستی و افسران آریامهری وابستگان به بعث عراق، بمیدان ریختن همه نیروهای سیاه ساواکیها، دزدان، اوپاشان، هروئین فروشان، باج بگیران آریامهری و هواداران «قانون اساسی» و شاپور بختیار و دارودسته اش آتش اغتشاش را در سراسر کشور شعله ور سازند و از اینراه نظام انقلابی را متزلزل کنند و انتظامها و نزیهها و مقدمها و همکاران دیگرshan را برکشور حاکم سازند.

ضریبه شکننده ای که باره نموده ای انقلابی امام خمینی براین نقشه وارد آمد و به برکناری دولت بازرگان انجامید، این نقشه خطناک را درهم شکست. اشغال جاسوسخانه آمریکا، مرکز همه توطهه های ضد انقلابی در ایران و منطقه، این ضریبه شدید انقلابی را بمیزان چشمگیری نیرو بخشد. افشاری استاد پیدا شده در جاسوس خانه، صفت بندي نیروهای ضد انقلاب را درهم ریخت.

شکست توطهه ضد انقلابی در آذربایجان را باید یکی از مهمترین پیروزیهای انقلاب، خط امام خمینی و مجموعه جنبش اصیل انقلابی ایران بحساب آورد. بدون تردید موضعگیری قاطع و آشتبانی ناپذیر انقلاب ایران در مقابل امپریالیسم آمریکا خشم روزافزون نه تنها غارتگران آمریکائی و صهیونیستی، بلکه خشم دیوانه وار همه امپریالیستهای غربی، همه دستیاران ارتجاعی امپریالیسم را در منطقه برافروخته تر خواهد کرد. فشارهای سیاسی و اقتصادی و تحریکات برای برافروختن آشوب و جنگهای برادرکشی، آنطور که در کردستان شاهدش هستیم، ادامه خواهد یافت. بورژوازی لیبرال ایران و همه گروههای سیاسی وابسته به آن، دوشادوش نیروهای سنتی ضد انقلاب و کارگزاران رنگارنگ چپ نما و راست گرای امپریالیسم و مأثویسم هم مجری این دسائی خواهند بود.

برای درهم شکستن وریشه کن ساختن این توطهه ها، نیروی عظیم و شکست ناپذیر انقلابی بالقوه ای در درون خلق ایران موجود است. با هبری انقلاب است که این نیرو را سازمان دهد و با کمک آن ضریبه قطعی را بدشمن وارد سازد و راه را برای گسترش بازگشت ناپذیر دستاوردهای انقلاب هموار کند.

جبهه متحده خلق - کلید پیروزی

رهنمود امام خمینی، رهبر انقلاب، در زمینه لزوم اتحاد همه نیروهای خلق کلید پیروزی در این نبرد حیاتی خلق ما است. تنها تشکیل جبهه متحده خلق از همه نیروهای که هودار خط امام خمینی، خط اصیل انقلاب ایران هستند، صرفظیر از اعتقادات فلسفی و اجتماعی، یگانه پاسخ راستین و بدون غل و غش به این رهنمود امام است.

همه نیروهای اصیل انقلابی باید در زرادخانه اندیشه و فعالیت سیاسی خود خانه تکانی کنند و آنچه را که موجب نفاق و پراکندگی است، بدور بر بینند و قلمها و تفنگها را بجای رویا روئی باهم متوجه دشمنان اصلی انقلاب در خارج، یعنی امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، و در داخل علیه بازماندگان رژیم سرنگون شده، سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و سازشکاران و تسلیم طلبان سازند.

باید رهبری دولتی انقلاب و نهادهای جمهوری که تاسیس میشود نظیر مجلس شورای ملی، مقام ریاست جمهوری، هیئت وزیران، هرچه زودتر برای رفع مشکلات عظیمی که اکنون در مقابل انقلاب قرار دارد و ادامه آنها هر روز بر خیل ناراضیان در میان طبقات زحمتکش میافزاید، راه حل ها و تصمیمات انقلابی بگیرند و باجرأ درآورند. همانطور که امام بارها یاد آور شده، نیروی اصلی انقلاب همین زحمتکشان محروم شهر و روستا بوده و هستند. آنها بهترین فرزندان خود را قربانی دادند تا نظام غارتگر و جنایت پیشه را سرنگون سازند، آنها انتظارات و خواستهای بحقی دارند و انقلاب امکان برآوردن این خواستها را دارد. باید به شیوه انقلابی، آنطور که انقلابهای بزرگ تاریخ معاصر عمل کردن، به این انتظار تode‌ها پاسخ مثبت و عملی داد.

اتحاد همه نیروهای اصیل انقلاب در جبهه متحده خلق، در خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، تحقق انقلابی خواستهای بحق تode‌های زحمتکش و خلثهای محروم و تشدید مبارزه علیه امپریالیسم و ارتقای - و سازشکاران لیبرال - ایست رمز اصلی و منحصر بفرد ثبت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ و شکوهمند خلق های محروم میهن ما.

حزب تude ایران که در تمام دوران موجودیت خود برای این هدفهای والای جنبش ملی و دموکراتیک مردم میهمان بدون تزلزل نبرد کرده، آماده است با سایر نیروهای راستین انقلابی برای ایجاد چنین جبهه ای و به ثمر رساندن هدفهای مشترک آن همکاری کند.

حزب تude ایران برای حل همه مشکلات اجتماعی پیشنهادهای مشخص و روشن عرضه داشته و امیدوار است که تشدید نبرد نیروهای ملی و خلقی علیه دشمنان خارجی و داخلی، پایه های عینی برای همکاری و بهم پیوستگی این نیروها راه روز بیشتر تحکیم خواهد کرد. بر سازمانهای سیاسی وابسته به نیروهای خلق است که با شجاعت انقلابی بر پیشداور یهای کهنه شده و پوسیده غلبه کنند و راه را برای سرانجام یافتن این ضرورت تاریخی انقلاب ایران هموار سازند.

- فرخنده باد نخستین سالگرد انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی مردم ایران!
- درورد بر امام خمینی رهبر قاطع و روشن بین انقلاب!
- پیروزی باد اهداف ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی انقلاب!
- زنده باد جبهه متحد خلق، وثیقه اساسی ثبات، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

به محضر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر عالیقدر انقلاب ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران نخستین سالگذشت انقلاب بزرگ و شکوهمند مردم ایران و آغاز قرن پانزدهم هجرت نبوی را به شخص آن حضرت که بحق رهبر گرانمایه این انقلاب شناخته شده اید، از صمیم قلب شادباش میگوید.

این انقلاب عظیم و تاریخ ساز، نظام فرتوت سلطنت مستبد را، که طی هزاران سال در این سرزمین منشاء آنهمه بیدادها، و فسادها بود، برانداخت و برای نخستین بار، نظام مردمی جمهوری را در میهن ما بر پا ساخت.

این انقلاب نه تنها انقلابی علیه استبداد شوم سلطنتی بود، بلکه از آن بالاتر رایت طغیان مقدس علیه امپر یالیسم، به سرکردگی امپر یالیسم جهانخوار آمر یکا، را برآفرشت و ناچیزی و ناتوانی این قدرت سلطنه گر را برجهانیان آشکار کرد.

این انقلاب نه تنها به چنین قیام حمامه آمیزی دست زد، بلکه رهائی مستعفیین ایران و جهان را از اسارت و ستم مستکبرین وظیفه خود شمرد و بدینسان از انقلاب مهم سیاسی، به یک انقلاب بزرگ اجتماعی نیز بدل شد.

همه این برکات و نعمات انقلابی مدیون قاطعیت و جانبازی کم نظری توده های میلیونی رحمتکشان و همه میهن دوستان ایران و درایت و روشن بینی و سرسختی انقلابی شمامست، که تحسین و اعجاب جهانیان را برانگیخت و نام شما را در دریف بزرگترین نامهای تاریخ جای داد.

انقلاب در تداوم خود بوجود شما نیاز دارد. بیماری اخیر شما همه مردم ایران و از آنجمله ما را سخت رنجه و نگران ساخت. از صمیم قلب آرزومندیم که انقلاب بتواند در زیر رهبری شخص شما، راه خویش را ادامه دهد و کشته آن، علی رغم توطئه دشمنان رنگارنگ، به

ساحل مراد بپیوند.

در این آرزو، برای شما تدرستی و عمر طولانی و کامیابی بر دشمنان مستضعفان ایران و جهان را خواستاریم و مانند همیشه از تلاش مقدس شما بسود مردم ایران و استقلال و آزادی و سعادتش، با صمیمیتی بی خلل، پشتیبانی خواهیم کرد و در این راه برای اجرای همه وظایف ملی و میهنی خویش آماده ایم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

حزب توده ایران نامزدهای خود را برای نخستین دوره مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران معرفی می کند

حزب توده ایران، هم چنانکه در تدارک و به انجام رساندن انقلاب ایران بطور فعال و پیگیر شرکت فعال داشته، در راه ایجاد و تحکیم نهادهای جمهوری اسلامی نیز فعالانه می کوشد. ما در رفاندوم جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان، تصویب قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردیم و تا جائیکه امکان داشتیم - علی رغم تجویشیده ضد توده ای که مستقیم و غیر مستقیم از جانب ضد انقلاب سازمان داده می شود - کوشیدیم تا قشراهای وسیع مردم را با ضرورت ثبتیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب آشنا کنیم.

از زمان پیروزی انقلاب تا کنون، دفاع از دستاوردهای انقلاب و حفظ آن از گزند دشمنان و همچنین از دسترد مخالفان سازشکار و لیبرال، مهترین و حساس ترین کار انقلابی بود. حزب توده ایران در این عرصه پیشایش همه نیروهای دیگر گام برداشت. قبل از هرسازمان دیگری دوگانگی قدرت حاکمه و کشاکش میان لیبرالیسم بورژوازی و دموکراتیسم انقلابی را تشخیص داد و اعلام کرد و در خط قاطع ضد امپریالیستی امام علیه لیبرالیسم رزمید.

موقفت هایی که در این زمینه بدست آمده چشمگیر است، ولی بهجوجه کافی نیست. این خطر که مخالف لیبرال و عناصر سازشکاری که خود را مدافعان انقلاب می نامند از درون، انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران را بجوند و تهی کنند، خطری واقعی و جدی است.

انتخابات مجلس شورای ملی، مرحله مهمی در نبرد میان این دو اردوگاه و همچنین در نبرد خلق با امپریالیسم، بسیار کردگی امپریالیسم امر یکا است. مخالف وابسته به امپریالیسم می کوشید در مجلس آینده لاقل اقیت قوی خرابکاری بوجود آورند که چوب لای چرخ حکومت بگذارد. مخالف سازشکار می کوشند اکثریت مجلس را بدست گیرند و انقلاب را از مسیر اصلی آن، از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خارج کنند.

اوضاع عمومی کشور، تحریکات مداوم امپریالیسم امریکا و عمال داخلی آن، تزلزل مداوم عناصر سازشکار، وظیفه سنگینی را بر دوش نیروهای صدیق و پیگیر انقلابی میگذارد که در کارزار انتخاباتی، پیوند محکمی با توده مردم برقرار کنند و شرایطی فراهم آورند که مجلس شورای ملی نماینده واقعی توده انقلابی باشد.

شرط پیروزی در این امر مهم اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی و همکاری صمیمانه آنها، و در این مرحله لائق در دوران انتخابات مجلس شورای ملی است.

حزب توده ایران با توجه به این ضرورت و بر مبنای مشی پیگیر انقلابی خود— که همواره پرچمدار اتحاد نیروهای انقلابی بوده— از مدت‌ها پیش به همه این نیروها هشدار داد، آنان را به اتحاد و همکاری دعوت کرد و احتمال انتشار لیست مشترک نامزدهای انتخاباتی را بیان کشید. ولی متأسفانه هنوز بسیارند کسانی که نمی‌توانند بر اثر ضد توده‌ای رژیم شاه سواک، که بر جامعه ما سنگینی می‌کند، فائق آیند.

ما از این وضع بینهایت متأسف و نگرانیم، زیرا پراکندگی نیروهای صدیق انقلابی بهترین بار ویاور ضد انقلاب است. ما هنوز هم — که مدت زمان بسیار کمی به انجام انتخابات باقی است— آماده‌ایم که در کار انتخابات با نیروهای ضد امپریالیست و هواداران صدیق خط امام صمیمانه همکاری کنیم.

اما آنجا که انتشار لیست مشترک مقدور نشده، حزب توده ایران نامزدهای خود را برای حوزه‌های انتخاباتی منتشر می‌کند. (امروز عده‌ای از نامزدها معرفی می‌شوند و لیست تکمیلی بعداً انتشار خواهد یافت.)

ما از همه اعضاء، هواداران و دوستان حزب و همه پیروان خط قاطع ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی دعوت می‌کنیم که به این نامزدها رای دهنده، زیرا آنان مبارزان آزموده‌ای هستند که طی سالها مبارزه، صداقت و پیگیری انحراف ناپذیر خود را در دفاع از استقلال و آزادی ایران، در پشتیبانی از انقلاب ایران و در دفاع از حقوق زحمتکشان می‌هین ما به ثبوت رسانیده‌اند. این نامزدها از برنامه انتخاباتی حزب توده ایران دفاع می‌کنند. این برنامه مشخص، روش و قابل اجراست. برنامه‌ای است برای ثبتیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران. برنامه‌ای است برای ایجاد ایرانی مستقل، آزاد و آباد. نامزدهای حزب توده ایران آماده‌اند که از این برنامه در همه شرایط دفاع کنند.

در زیر اسامی بخشی از نامزدهای حزب توده ایران برای انتخابات مجلس شورای ملی به اطلاع هم می‌هانم میرسد. لیست تکمیلی بعداً منتشر خواهد شد.

۱- نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲- احسان طبری عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی

۳- محمد علی عمومی عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی

۴- عباس حجری بجستانی عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی

- ۵- منوچهر بهزادی عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی
- ۶- فرج اله میزانی (ف. م. جوانشیر) عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران
- ۷- مریم فرمانفرمائیان (فیروز) عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
- ۸- صابر محمدزاده عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
- ۹- رفتت محمدزاده عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
- ۱۰- رحیم نامور عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران
- ۱۱- ملکه محمدی عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران
- ۱۲- هوشنگ ناظمی (نیک آئین) عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران
- ۱۳- محمد پور هرمزان عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران
- ۱۴- سیاوش کسرائی شاعر سرشناس و خلقی
- ۱۵- محمود سید روغنی از مسئولین حزب توده ایران
- ۱۶- فاطمه ایزدی از مسئولین حزب توده ایران
- ۱۷- هوشنگ شهرلانی از مسئولین حزب توده ایران

نامزدهای تبریز

- انوشاپوران ابراهیمی عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران
- حسین جودت عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
- خسرو امیر خسروی (بابک) عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
- محمد آزادگر از مسئولین سازمان ایالتی حزب در آذربایجان
- مجید نیکی از مسئولین سازمان ایالتی حزب در آذربایجان
- آستانه: ایراندخت ابراهیمی از مسئولین حزب توده ایران
- اردبیل: فروغ الدین ابراهیمیان از مسئولین حزب توده ایران
- مقان: منصور اصلاح زاده از مسئولین حزب توده ایران
- سراب: مظفر مترجمی جمال آبادی از مسئولین حزب توده ایران
- خوی: حسین حکیمی از مسئولین حزب توده ایران

نامزدهای ارومیه

- یدالله علی عباسی از مسئولین حزب توده ایران
- حمید قام نریمان از مسئولین حزب توده ایران

نامزدهای گیلان

- رشت: تقی کی متش عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
لنگرود: احمد رصدی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
بندر انزلی: تیمور شکوریان از مسئولین حزب توده ایران
صومعه سرا: منیژه گرا کوهی از مسئولین حزب توده ایران

نامزدهای خوزستان

- اهواز: هاشم بنی طرفی از مسئولین حزب توده ایران
اهواز: حسین قلمبر از مسئولین حزب توده ایران

نامزدهای ترکمن صحرا

- بندر ترکمن: صفر انصاری از مسئولین حزب توده ایران
گجد کاووس: نور محمد عاشر پور از مسئولین حزب توده ایران

نامزدهای فارس

- شیراز: محمد اسماعیلی از مسئولین حزب توده ایران
شیراز: احمد زرکش از مسئولین حزب توده ایران
سر و ستان: فریدریز در پناهی از مسئولین حزب توده ایران
دشتستان: ماشاء الله جاسمی از مسئولین حزب توده ایران

نامزدهای گرمانشاه

- رضا شلتوكی عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
جعفر جاوید فر از مسئولین حزب توده ایران
مهاباد: علی گلاویز عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
بوکان: حسن قزلچی عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران

نامزدهای مشهد

- بهرام داشن عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
مهدی کیهان عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
فتح الله ناظر از مسئولین حزب توده ایران
جنورد: علی خاوری عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
کمیته مرکزی حزب توده ایران - ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۸

به جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

به مناسب سالگرد بنیادگذاری جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین (۲۲ فوریه - ۳ اسفند) از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام شادباشی ارسال شده است که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی «مردم» می‌رسد:

دیرکل کمیته مرکزی جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین رفیق گرامی نایف حواتمه

کمیته مرکزی حزب توده ایران یازدهمین سالگرد بنیادگذاری جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین را بشما، همه اعضای جبهه و خلق فلسطین شادباش می‌گوید.

بنیادگذاری جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و نقش ارزنده آن در سازمان آزادیبخش فلسطین نقطه عطفی در مبارزة دلاورانه مردم فلسطین علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتقای و در راه پیشبرد حقوق عادلانه خلق فلسطین بوده است. پیوند ناگسستنی که بین خلقهای فلسطین و ایران وجود دارد، از پیکار مشترک ما علیه امپریالیسم و ارتقای سرچشمه میگیرد. مردم ما به مبارزه جانبازانه خلق فلسطین همواره به دیده تحسین و اعجاز نگریسته اند و با شعار «مرگ بر سه مفسدین کاتر و سادات و بگین» نفرت عمیق خود را از پیمان نامقدس امپریالیسم، ارتقای و صهیونیسم، برای سرکوب نیروهای ضد امپریالیست، خلقی و متوفی ابراز داشته اند.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن سیاست تجاوز کارانه و اشغالگرانه صهیونیست‌های اسرائیلی، پشتیبانان امپریالیستی آنها و در پیشایش آنان امپریالیسم جنایتکار آمریکا و دستیارانش در میان محافل ارتقای و سازشکار عرب، بار دیگر پشتیبانی کامل خود را از پیکار ضد امپریالیستی و عادلانه مردم فلسطین، به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، یگانه نماینده راستین خلق فلسطین، اعلام میدارد.

حزب توده ایران، که همواره از پشتیبانی عمیق جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین بهره مند بوده است، بویژه از همبستگی مردم فلسطین با انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران،

برهبری امام خمینی، سپاسگزار است. اکنون که امپر یالیسم آمریکا و دستیارانش دسیسه‌های نظامی - سیاسی جدیدی را در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند تدارک می‌بینند، خلقهای منطقه وظیفه دارند که مبارزه مشترک خود را علیه امپر یالیسم، بسر کردگی امپر یالیسم آمریکا، و برای حفظ صلح هماهنگ و تشديد کنند.

در پایان، پیروزیهای بیشتر شما را در مبارزه با امپر یالیسم و صهیونیسم و در راه حقوق ملی و پیشرفت اجتماعی خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نور الدین کیانوری

۱۳۵۸ ماه اسفند

M. Kasemi
Waterlooer 8
1000 Berlin 61

Documents and declarations
of the Tudeh Party of Iran

Tudeh Publishing Centre

Price: 2 Dollars or its equivalent



انتشارات حزب توده ایران